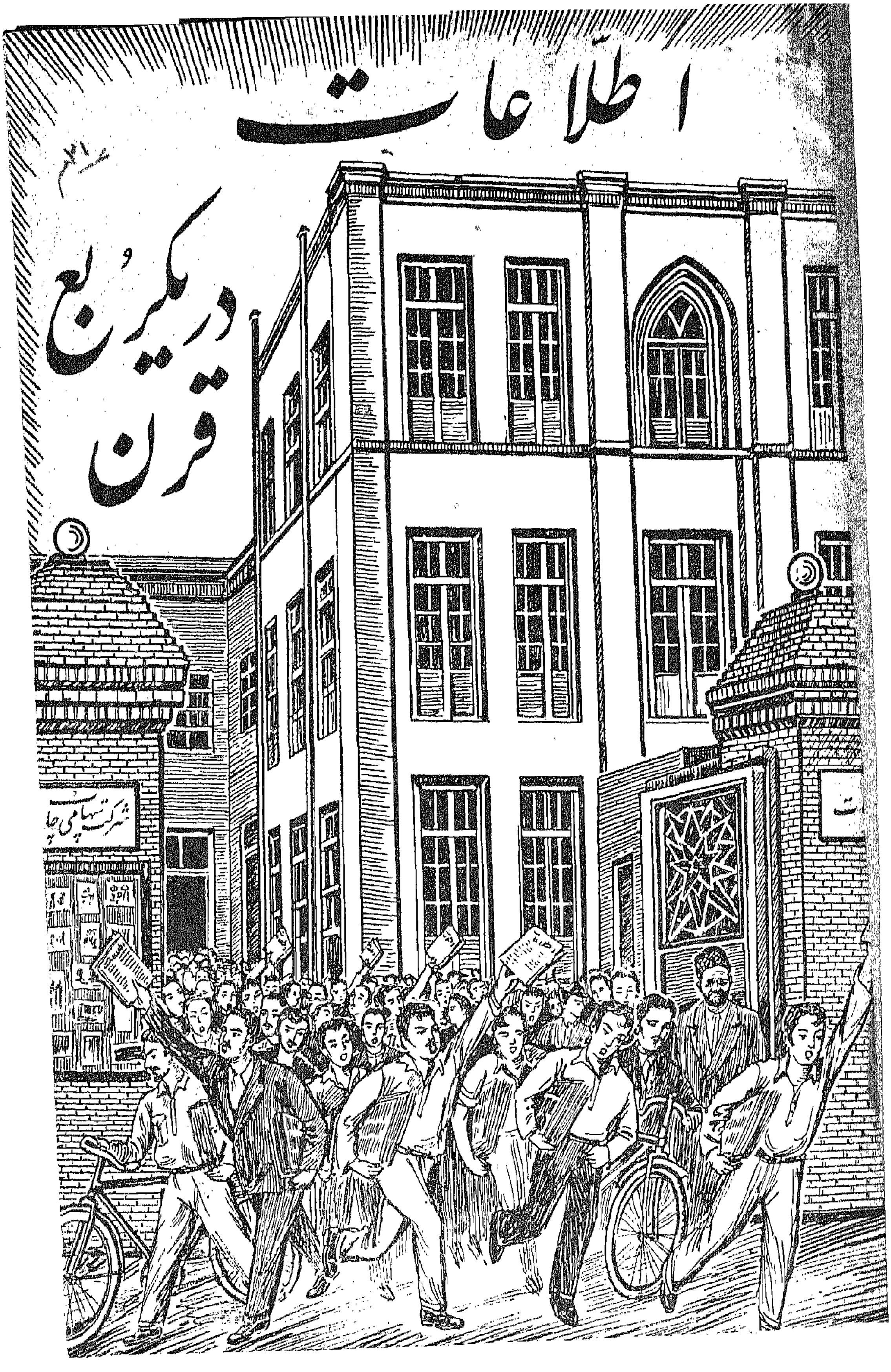

اطلاعات
در یک ربع قرن
شرکت سهامی چاپ

در یکربع قرن

حوادث مهم یکربع قرن
در یکمجلد کتاب

تقدیم بخوانندگان محترم

بمناسبت جشن بیست و پنجمین سال
روزنامه اطلاعات

حق تقدم خرید با مشترکین و خوانندگان اطلاعات است

قیمت در تهران و تمام کشور - ده - ریال

۱۷ مهرماه ۱۳۲۹

مندرجات این کتاب :

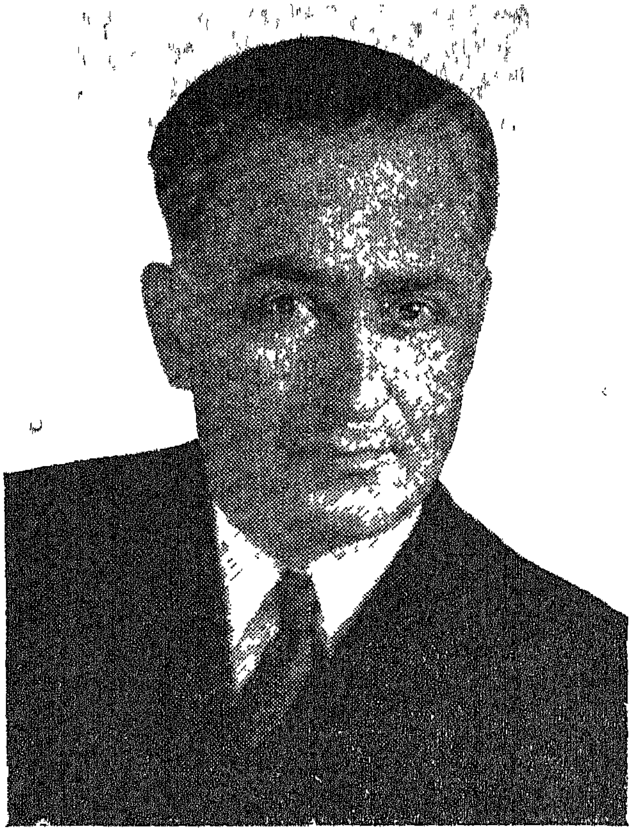
۱ ـ چگونگی تأسیس اطلاعات
۲ ـ حوادث مهم شانزده سال حکومت اعلیحضرت فق
۳ ـ وقایع مهم بعد از شهریور
٤ ـ سازمان اطلاعات

۱ ــ پس ازدوصفحه مقدمه از صفحهٔ ٥ تا صفحهٔ ٢٤ در پیرامون پیدایش اداره اطلاعات و اینکه این مؤسسهٔ فرهنگی چگونه بوجود آمد و چطور یکربع قرن مدارج کمال را پیمود بحث شده است .

۲ ــ از صفحهٔ ۲٥ تا ۱۹۹ حوادث مهم کشور و بعضی وقایع مهم جهان نقل گردیده و در پارهٔ از این وقایع نظریاتی اضافه برآنچه آن روز واقع شده اظهار گردیده و درحقیقت وقایع مهم شانزده سال حکومت اعلیحضرت رضاشاه ففید بصورت جامع و کامل منعکس شده بطوری که بتوان آن را مجموعهٔ حوادث مهم شانزده سال سلطنت شاه فقید دانست .

۳ ــ از صفحهٔ ۲۰۰ بوقایع بعد از شهریور ۱۳۲۰ اختصاص یافته که این قسمت بقلم آقای عباس‌مسعودی نوشته شده وبسیاری از قسمت‌های جالب توجه وحوادثی که استحضار آن برای عموم مفید است ومسائلی که هیچگاه تاکنون چاپ نشده دراین قسمت بچاپ رسیده است .

٤ ــ مجموعهٔ حوادث مهم بیست و پنج سال که از ۱٦ سال دوره سلطنت رضا شاه فقید ونه سال دوره سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه تشکیل میگردد تا صفحهٔ ۲٦۸ پایان می پذیرد وپس ازآن سازمان اطلاعات در ٤۸ صفحه ضمیمه میباشد . سازمان اطلاعات شامل بخشهای مختلف نویسندگی ، اداری وفنی است که هرقسمت بطورجامع باعکس ومطلب توضیح داده شده است .



آقای عباس مسعودی

بنام خدا

که همواره او را ناظر افکار و اعمال خود دانسته ایم

در کشوری مثل ایران که هنوز توده های عظیمی از نعمت فرهنگ بی بهره هستند و عدهٔ بیشماری نیز از تربیت حقیقی محروم مانده اند و مردم تحت تأثیر همین عوامل عقب ماندگی که اهم مصائب امروز ما میباشد کمتر پیرامون کارهای ملی میگردند و فعالیت افراد فهمیده و هنرمند کشور ضایع و باطل میگردد، تاسیس یك مؤسسهٔ فرهنگی که باین پایهٔ وسعت و تکامل برسد کار آسانی نیست. آنها که بامطبوعات سروکار دارند، میتوانند میزان فداکاری و حسن نیت پشتکار و پایداری آقای عباس مسعودی مؤسس تشکیلات کنونی اطلاعات را درك کنند و تشخیص دهند که بیست و پنج سال روزنامه نگاری توأم بامشقات و ناملایمات و مشکلاتی که درحکومت سابق ودوره کنونی برای ایشان و این مؤسسه وجود داشته است، چه ارزش ومقامی دارد.

بیست و پنج سال روزنامه‌نویسی وایستادگی در برابر سختی ها وپیش آمدها واشکالتراشیها کار آسانی نیست. فقط عشق وعلاقهٔ مؤسس این سازمان‌وصمیمیت وصداقت وکوشش و وفاداری کسانی که حلقه‌وار اطراف مدیر محبوب اطلاعات جمع شدند عامل بزرك بقا و پیشرفت این مؤسسهٔ ملی گردید.

اکنون که جشن بیست و پنج سالهٔ روزنامهٔ اطلاعات منعقد میگردد کارمندان اطلاعات مفتخرند که باین موفقیت بزرك نائل گردیده‌و بموقع میدانند که تشکرات صمیمانهٔ خودراحضور ذوات معظم و گرامی که در طول‌این مدت از جنبه‌های مختلف مارا کمك و یاری فرموده‌اندتقدیم دارند. شك نیست که ما این موفقیت را پس از فضل خداوندی مدیون ملت نجیب و عزیز ایران هستیم که باحسن استقبال خود مؤسسهٔ مارا مساعدت فرموده و در نتیجه ما توانسته ایم خدمات

خود را توأم با مصلحت جامعه و صلاح کشور ادامه دهیم ودر راه تکمیل وتوسعه مؤسسهٔ اطلاعات بکوشیم وبمرحلهٔ کنونی نائل گردیم .

خوانندگان عزیز اطلاعات همچنان که در طول یکربع قرن ما خدمتگذاران خود را آزموده اند اطمینان داشته باشند که در آینده نیز ما هرگز از جادهٔ حقیقت و انصاف خارج نشده وهدف و آرزوئی جز راهنمائی وهدایت صادقانهٔ افکار عامه و کمك بروشنائی اذهان هم میهنان گرامی نخواهیم داشت و همچنان راه خود را درخدمتگذاری تعقیب خواهیم کرد واز خداوند متعال توفیق می‌طلبیم واز ملت عزیز ایران پشتیبانی و تقویت میخواهیم که ما را در این مقصود و منظور ملی یاری فرمایند و انتظار داریم مردم توجه و عنایت خود را همچنان از این مؤسسهٔ فرهنگی که متعلق بخود آنها و این کشور است دریغ ومضایقه نفرمایند .

کتابی که بمناسبت جشن بیست و پنج سالهٔ اطلاعات منتشر میشود مشتمل برچند قسمت است که هرقسمت مکمل قسمت دیگر میباشد .

این کتاب بهترین هدیهٔ نفیسی است که ازطرف کارمندان اطلاعات بخوانندگان عزیز تقدیم میگردد . درخلال این کتاب حوادث مهم یکربع قرن در دسترس خوانندگان محترم قرار میگیرد بعلاوه دوستان و علاقمندان اطلاعات بچگونگی پیدایش این مؤسسه و سازمان کنونی آن آگاه میشوند .

هیئت مدیرهٔ کارمندان اطلاعات از قدیمی ترین عضو این مؤسسه که از بدو تشکیل روزنامه تا امروز صادقانه خدمت میکند تقاضا نمود ترتیب وتنظیم گزارش یکربع قرن خدمات اطلاعات بضمیمهٔ اقتباس و نقل حوادث مهم بیست و پنج ساله را برعهده گیرد ایشان هم قبول کردند و کتابی که از صفحهٔ مقابل شروع میشود تا شهریور ۱۳۲۰ که رشتهٔ تحریر را خود آقای مسعودی بدست گرفتند اثر زحمات قدیمی ترین کارمند عزیز ما میباشد که با اطلاعات خصوصی ومطمئن خود که درجریان حوادث بوده‌اند تلفیق کرده و بعرض خوانندگان محترم میرسد .

بدون تردید این کتاب بعلت تعداد کثیری که از آن بطبع رسیده و عجله‌ای که درچاپ آن بکار رفته است برای اینکه در موقع انعقاد جشن حاضر باشد خالی از غلط و اشتباهات مطبعه و حروف چینی نیست و رعایت نفاست طبع آنطور که این مؤسسه قادر است و میتواند انجام دهد در آن نشده که از این حیث قبلا معذرت می‌طلبیم و امید عفو و اغماض داریم .

« هیئت مدیرهٔ کارمندان اطلاعات »

اطلاعات در یکربع قرن

چند روز پیش توانستم موافقت ایشان را جلب کنم اجازه گرفتم آنچه در طی بیست و دو سه سال خدمت خود در اداره اطلاعات میدانم بی پروا برشته تحریر در آورم.

او هر گز باین امر راضی نمیشد بخصوص بتفصیلی که من میخواهم بنویسم، او باز هم عقیده همیشگی خود را که سکوت و عدم تظاهر و خودستائی تکرار میکرد. گفتم آقای مسعودی تیرماه همین سال روزنامه عمر بیست و پنج ساله خود را شروع میکند و یکربع قرن است اطلاعات در این کشور با نظم و ترتیب بی سابقه ای انتشار یافته و باین مناسبت اقتضا دارد خاطراتی را یاد آور و نکاتی را از خوب و بد کارهای خود متذکر شویم. گفت اطلاعات خوب یا بد آنچه بوده و هست مردم میدانند و دلیلی در دست نیست که خاطرات گذشته را تلخ یا شیرین تکرار نمائیم، بعلاوه هنوز سال بیست و پنجم و یک ربع قرن که میگوئید فرا نرسیده البته با فرا رسیدن آن قصد دارم مجلس جشنی منعقد سازم و از کارمندان عزیز اطلاعات که با کمال صداقت و صمیمیت با من همکاری کرده اند قدردانی نمایم.

گفتم اشتباه می کنید خدمت مطبوعاتی شما از یکربع قرن تجاوز میکند زیرا پیش از اینکه روزنامه اطلاعات را منتشر سازید اداره خبرنگاری بنام مرکز اطلاعات داشتید که آن سازمان بمنزله آژانس خبرگزاری بود و اخبار داخله و خارجه را مرتب تهیه و بجراید میدادید اگر آن مدت را بحساب بیاوریم، خدمات نامه نگاری شما از یک ربع قرن بیشتر است و بنابراین اگر اجازه بدهید تحت عنوان اطلاعات در یک ربع قرن آنچه را میدانم بنویسم البته سعی میکنم کوتاه و جالب توجه باشد.

بازهم آقای مسعودی موافقت نکرد و گفت ضرورتی ندارد و از این کار صرفنظر کنید برآشفتم و مطالبی بین من و ایشان با عصبانیت و تاثر رد و بدل شد که سرانجام موافقت نمودند آنچه بنظرم میرسد و آنچه در طی این مدت از نزدیک شاهد و ناظر آن بوده ام بیطرفانه بدون هیچ ملاحظه در دسترس افکار و قضاوت عمومی بگذارم و اکنون برای شما خوانندگان عزیز توضیح میدهم چگونه ایشان رضایت دادند.

گفتم متجاوز از هشت سال است ما کارمندان اطلاعات که با کمال علاقه در این اداره کار می کنیم خون دل میخوریم ... طعن و لعن، تهمت و افترا قرار می گیریم بما نسبت هائی میدهند که ما از آن مبری هستیم، ما باین مملکت و باین مردم خدمت می کنیم چرا خدمات و زحمات خود را نگوئیم؟ در باره آنچه در اطراف شما سم پاشی می کنند بی اعتناء میباشید تقصیر و گناه ما چیست که در این اداره کار میکنیم و باید با آتش شما بسوزیم.

هشت سال تبلیغات زهر آلود یکنواخت، و همی تکرار میشود و هزار بار یک مطلب گفته می شود و بدون جواب می ماند در مغزها جای میگیرد و در افکار تاثیری بخشد و کسانی که از نزدیک شما را نمی شناسند باور می کنند

گفتند اشتباه می کنید تبلیغ در صورتی تاثیر می بخشد و در فکر و قلب مردم جای می گیرد که مقرون بحقیقت و واقع باشد، اگر صد یک آنچه در باره من گفته اند حقیقت داشت موقعیت من بکلی از بین رفته بود و در انظار

عمومی شفیق و سرافکنده بودم ؟ اما می‌بینید که در برابر اینهمه تهمت و افتراء و هتاکی‌های هشت ساله دوره جدید توأم با هرج و مرج توجه و عنایت عمومی نسبت بمن بیشتر میشود زیرا مردم فهمیده و با اطلاع ، مسعودی که زندگی سیاسی مرا در یکربع قرن مطالعه کرده‌اند بخوبی درک میکنند که جز یک سلسله حقد و حسد ، بغض و کینه محرکی در این کار وجود ندارد، من پیوسته از حق حرف زده‌ام قدمی خلاف مردم دوستی و میهن پرستی برنداشته‌ام ، هتک احترام و حیثیت از کسی نکرده‌ام، فحاشی هتاکی، و هرزه درائی کار من نیست ، مگر تا کنون در روزنامه اطلاعات جز ادب و متانت چیزی دیده اید که مستحق چنین عکس‌العمل آن باشم پس چون غرض در کار است مرا با آن کاری نیست.

گفتم اینهارا من میدانم که سالیان درازاست در جزئیات و کلیات امور روزنامه وارد بوده‌ام، مردم فهمیده و عاقل و بصیر باوضاع هم باخبرند و روش عاقلانه شمارا می‌پسندند ولی قبول بفرمائید مردمانی هم هستند که سکوت شمارا دلیل بر رضایت میدانند و برای آنها رفته رفته مسلم شده‌است که آنچه را در ظرف هشت سال درباره شما گفته و نوشته‌اند و پیوسته همانهارا تکرار می کنند حقیقت دارد، بشما واضح و صریح بگویم که ایندسته ازمردم شمارا آدم بدی میدانند، شریک دزدها و غارتگران میدانند ، شمارا بی‌عقیده و بی‌ایمان و بی پرنسیب قلمداد کرده‌اند، میگویند روزنامه اطلاعات طرفدار ظلم و جور و بیعدالتی است، اعمال نفوذ در دستگاه دولت میکند سوء استفاده میکند ، همه جا و همه چیز را قبضه کرده و خیلی حرفها و خلاصه نسبت‌های زیادی بشما داده اند که این مطالب چون صدها بار تکرار شده و هیچ عکس‌العملی ازطرف روزنامه اطلاعات نشان داده نشده مورد قبول عده‌ای ازمردم واقع گردیده‌است. باید باین اتهامات پاسخ داده شود

آقای مسعودی چندثانیه بمن خیره‌خیره نگاه کرد و باتعجب گفت من شریک دزدان و غارتگرانم ؟ من طرفداری از ظلم و بی‌عدالتی میکنم؟ من اعمال نفوذ و سوء استفاده از دستگاههای دولت مینمایم، آیا چنین چیزی سراغ دارید ! آیا ممکن است مردمی پیدا شوند و تحت تاثیر این تبلیغات قرار گیرند؟

گفتم آری ، این حرفها وقتی چندسال تکرار شد و جواب داده نشد تاثیر می کند مردم باور می کنند و نسبت بما کارکنان روزنامه و شما که مدیر روزنامه هستید بی‌عقیده و بی‌ایمان میشوند و باما بچشم دوست و آشنا نگاه نمی کنند .

گفتند من ازشما تعجب میکنم که این حرفها را میزنید ، گفتم هیچ تعجب نکنید که اگر بازهم معایبی که از شما می گیرند بلاجواب بگذارید برای من هم که بیست و چند سال است باشما کار می کنم وسوسه ایجاد میشود و باخود میگویم شاید این مطالب راست باشد و کم کم عقیده ام از شما سلب میگردد .

اینجا که گفتم مدیر اطلاعات سلیم نظر من شد و گفت حالا که اینطور معتقدید آنچه را از زندگی من و مشی و روش اطلاعات خوب یا بد میدانید بطور اختصار و عاری از خود ستائی و فقط روی توضیح و تشریح مطالب ، آنهم متکی بدلیل ، محکم و متین بنویسید و در این قسمت آزادی کامل دارید که هرعیب و نقصی هم سراغ دارید ذکر کنید تا اگر شائبه ای در افواه و افکار پیدا شده است مرتفع گردد .

***

از این موافقت مدیر بسیار خرسند شدم و وقتی بشارت آنرا به همکاران دیگر دادم همه غرق سرور شدند و مثل این بود که از تنگنائی نجات یافته اند و حالا خواهند توانست ازآنچه روی غرض و بی انصافی بآنها نسبت داده شده دفاع کنند و خود را آنچه هستند نشان بدهند و خدمات یکربع قرن اطلاعات را ظاهر سازند

دراین رشته مقالات که هرروز درهمین ستون چاپ خواهد شد تمام مطالبی که درطی هشت سال بروزنامه اطلاعات و مدیرش نسبت داده شده از ابتدا بتدریج مورد بحث قرار خواهد گرفت ، تاریکی‌ها و روشنائی‌ها ، زشتی‌ها و زیبائی‌ها نشان داده خواهد شد تا افکارعمومی قضاوت حقیقی خودرا بنماید .

دراین مقالات از دوره بیست ساله اعلیحضرت فقید نیز گفتگو بمیان خواهد آمد و در حقیقت مطالب ازآن زمان شروع میشود و اطلاعات بیست و پنج ساله شاید دربیست و پنج شماره ، هرشماره دوستون خلاصه شود که درطی آن رازهای نهفته نیز گفته خواهد شد .

کارکنان اطلاعات بسیار خوشوقت خواهند شد که اگر در خلال نگارش این سلسله مقالات خوانندگان محترم نظریاتی داشته و توضیحات بیشتری خواستند مرقوم فرمایند تا مورد گفتگو و بحث و تجزیه و تحلیل قرار گیرد

چگونه اطلاعات بوجود آمد؟

بیائید بیست و هفت سال عقب بر گردیم و زندگی آقای عباس مسعودی و چگونگی پیدایش روزنامهٔ اطلاعات را باهم مطالعه نمائیم.

در آن تاریخ باید در یك اطاق عمارت کهنه فوقانی خیابان فردوسی امروز (علاءالدوله سابق) متعلق به آقای حاج مهدی سلامت که امروز بکلی تغییر یافته است جوانی را در پشت میز تحریر جستجو کنیم که این جوان ساعات بعد ازظهر در گرمای شدید تابستان در زیر شیروانی آهن عرق میریزد و قلم میزند

در این ساعت که همه مردم پایتخت در زیر زمین های خنك استراحت کرده بودند مسعودی تمام وزارتخانه ها و ادارات را پیاده پرسه زده و اخبار روز را جمع آوری کرده و مشغول تنظیم آن بود که در ساعت چهار یا پنج بعد از ظهر باداره جراید تحویل دهد معهذا زندگی و معیشت او مختل بود و در اینموقع مجبور بود از کار کردن در مطبعه معیشت خود را تامین نماید

روزنامه های تهران یکی پس از دیگری طالب خبرهائی می شدند که عباس مسعودی تهیه میکرد و هرچه بر تعداد مشترکین اضافه میشد بر زحمت او میافزود زیرا برای جلب توجه روزنامه هائی که اخبار اورا می خریدند مجبور بود مضمون خبرها را تغییر دهد و هر موضوعی را بچند شکل در آورد.

چیزی نگذشت تابلوئی در خیابان جلوی این بالاخانه نصب گردید که روی آن نوشته شده بود (مرکز اطلاعات) ۱

چندماه بعد این تابلو در سمت دیگر خیابان علاءالدوله در یکی از بالاخانه های کهنه متعلق بخانواده علاءالدوله که یك حاجب پیر در راهروی سرمنزل داشت دیده شد این تغییر مکان از بهبود وضع حکایت میکرد، انتخاب مرکز اطلاعات صورت بهتری داشت زیرا از سه اطاق بزرگ و یك ایوان تشکیل میشد. در اینجا مرکز اطلاعات توسعه پیدا کرده بود و میرفت صورت یك خبرگزاری را پیدا کند زیرا علاوه بر اخبار داخله، خبرهای خارجه را که در آن روز بوسیله آژانس هاواس فرانسوی، آژانس رویتر، مسکو، برلن گرفته میشد برای روزنامه ها تهیه و تنظیم می نمود و خبرهای مجلس نیز از این مرکز بجراید داده میشد، با تمام این تفصیل و زحمت طاقت فرسا که ایشان و چند تن از دوستان صمیمی متحمل میشدند عایدات حاصله مرکز اطلاعات آنقدر نبود که بتواند مخارج جاری مؤسسه را تامین نماید چه رسد که از این راه ارتزاق و اعاشه نمایند و بهمین جهت بود که رفقای دیگر ایشان ناچار بقبول کارهائی در خارج که وابستگی بمطبوعات داشت شدند و مضیقه مالی و زحمت همچنان گریبان عباس مسعودی را میفشرد ولی اتکای بنفس و اعتماد این جوان بسعی و عمل بالطف خداوندی توأم گردید و دریچه های امید هر روز بروی او بازتر میگردید.

آخرین و بهترین جای مرکز اطلاعات دو اطاق نوساز و یك زیرزمین در یکی از کوچه های لاله زار خانه وثوق نظام بود که روزنامه اطلاعات از همین محل شروع بانتشار نمود

اگر روزنامه هائی که در آن روز منتشر میشد، حق اشتراك اخباری را که از مرکز اطلاعات می گرفتند مرتب و بحد کافی می پرداختند روزنامه اطلاعات بوجود نمی آمد، بلکه در عوض یك دائرهٔ مهم خبرگزاری در مملکت تاسیس میشد که بادنیا ارتباط و مبادلهٔ مطبوعاتی پیدا میکرد.

ولی حق الاشتراك اخباری که در این مؤسسه با زحمت بسیار جمع آوری میشد آنقدر کم بود که بکفاف مخارج را نمیکرد و همین مبلغ کم را هم مدیران جراید آنروز نمی پرداختند و حال آنکه روزی یك صفحه و بلکه دو صفحه روزنامه های منتشرهٔ آن دوره مطالبی بود که از این مؤسسه بانها داده میشد و کار آنها را سهل و مخارج آنها را از حیث داشتن مخبر بی اندازه کاسته بود

بنابر ضرورت امروزی ما در آن روز مجبور شد بکاری بزند تا بتواند بر این مشکلات غلبه کند و دایره کار را توسعه دهد و بر آبرومندی مؤسسه بیفزاید، باین فکر افتاد که اخبار جمع آوری شدهٔ در مرکز اطلاعات را همه روزه بنام مؤسسه منتشر سازد تا از این راه بتواند مرکز اطلاعات را تقویت نماید و بنظر اصلی خود در ایجاد یك دائرهٔ خبرگزاری مهم عمل کند

تقاضای او برای گرفتن امتیاز بنام روزنامه اطلاعات در اواخر سال ۱۳۰۴ شمسی در وزارت مرحوم نصیرالدوله بدر به جریان افتاد، ادارات مربوطه را طی کرده و بشورای عالی فرهنگ رفت و با امضای آقای وزیر معارف امتیاز روزنامه صادر و تسلیم آقای عباس مسعودی گردید.

***

در این سالهای اخیر یعنی بعداز شهریور ۲۰ که کشور عزیز ما دوچار مصیبت بزرگی شد و خسارات بسیار دید و مؤسسه امروزی اطلاعات مورد حقد و حسادت قرار گرفت از جمله حرفهائی که مکرر در سالهای اول بعداز شهریور ۲۰ زده میشد یکی این بود که روزنامه اطلاعات مولود فکر اعلیحضرت رضاشاه فقید و از تاسیسات آن پادشاه است و چون وضع تغییر نموده و حکومت دموکراسی ظاهر گردیده اطلاعات هم که از آثار دیکتاتوری است باید محو و نابود شود.

حالا پس از یکربع قرن ما میخواهیم حقایق را درمعرض افکار و قضاوت عامهٔ بگذاریم و آنچه بوده و هستیم روی مدرک وسند و نوشته های روزنامه در دسترس خوانندگان عزیز خود قرار دهیم.

آری، با اینکه انتساب بشخص بزرگی مانند اعلیحضرت رضاشاه که خدماتش امروز آشکار شده افتخار است لکن مؤسسه اطلاعات کوچکترین ارتباطی بادستگاه اعلیحضرت فقید نداشته و کمترین مساعدتی در پیشرفت این روزنامه ازطرف آن شاهنشاه با نشده و خواهیم رسید بمطالبی که خوانندگان تعجب خواهند کرد که برخلاف آنچه دشمنان ما انتشار دادند رفتار آن شاهنشاه بزرگ نسبت باین روزنامه پیوسته متضمن خسارات مالی بوده و اداره اطلاعات از لحاظ پیروی افکار نیك آن مرد توانا تحمل آن زحمات و خسارات را می کرد زیرا مطمئن بود که نظری جز تعالی و ترقی کشور تعقیب نمی شود. این را هم نباید مخفی داشت که وقتی اعلیحضرت فقید باحساسات پاك و صداقت و فداکاری و بخصوص پشتکار و فعالیت مدیر اطلاعات پی برد ودانست که این جوان هم مثل خود او برفکر و بازوی خود تکیه نموده جلو میرود و خدمت بکشور را وجههٔ نظر و همتش قرار داده او را مورد توجه و عنایت خویش قرار داد و اغلب در مسافرت ها او را باخود همراه میبرد چنانچه در مسافرت مهمی که شاهنشاه بکشور دوست ما ترکیه نمود بااینکه ازمدیر اطلاعات اشخاص برجسته تر وجود داشت که صاحب مقام و موقعیت نمایندگی مجلس هم بودند معهذا فقط مسعودی مدیر اطلاعات را جزو ملتزمین رسمی خود گذاشت.

* * *

این معترضه برای بیان مقصودی بود که خوانندگان هنگام مطالعه چگونگی پیدایش اطلاعات وجریان بعدی آن متوجه باشند که اطلاعات از آغاز با مردم و برای مردم بوده است ودر تمام زندگی سیاسی همین خط مشی را تعقیب کرده است که بقسمتهای مختلف آن بتدریج خواهیم رسید.

اولین شماره اطلاعات ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ روز افتتاح ششمین دوره مجلس شورایملی در دو صفحه انتشار یافت دومین شماره آن یکماه بعد که مجلس ششم طبق قانون اعتبار نامه ها را رسیدگی نموده و آماده کار میگردد منتشر شد، یعنی روزنامه اطلاعات قدم اول را با مجلس برداشت و با انتشار افکار و عقاید نمایندگان ملت که در آنروز شخصیت هائی مانند مؤتمن الملك و مدرس بر کرسی های نمایندگی آن تکیه زده بودند باتکا و پشتیبانی و توجه عمومی وارد عرصه نامه نگاری گردید.

با اجازه خوانندگان عزیز اولین مقاله ای که عباس مسعودی در شماره اول اطلاعات منتشر کرده است بعداز ۲٤ سال تجدید می نمائیم تا کیفیت پیدایش اطلاعات بهتر واقف شوند وبتوانیم در شماره های بعد بیان مقصود نمائیم.

ایندا هم اضافه می کنیم که قصد نداریم ستونهای روزنامه را با تکرار مطالب گذشته ومثلا سرمقاله ها پرسازیم ولی نقل این مقاله ازلحاظ تاریخ تأسیس روزنامه جالب توجه میباشد ودر آینده اگر نقل مطالبی ضرورت پیدا کرد بخلاصه درچند سطر خواهیم پرداخت.

***

اینست سرمقاله اولین شماره روزنامه اطلاعات بتاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ که مصادف باافتتاح دوره ششم مجلس شورایملی از طرف اعلیحضرت فقید می باشد ودر حقیقت شش سال بعداز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و نه ماه پس از طلوع سلطنت پهلوی است.

آقای عباس مسعودی اولین مقاله خود را درخصوص هدف نامه نگاری ودایره خبر گزاری اطلاعات از یتقرار برشته تحریر در آورده است:

مرکز اطلاعات و نظریات آن

شاید هنوز عده کثیری از افراد اهالی طهران و بخصوص نقاط دوردست مملکت یافت شوند که اساساً اسم مرکز اطلاعات را نشنیده یا اگر شنیده‌اند درصدد برنیامده باشند که از کار و طرز جریان و تشکیلات آن مطلع شده و در نتیجه بدانند که این اداره کارش چه و منظور و مقصدش چه و خاصیت آن چیست و آیا قابل استفاده و توجه خواهد بود یا خیر. متأسفانه اقدامی هم از طرف خود اداره برای معرفی کامل بوسیله انتشارات وغیره بعمل نیامده است که بتمام معنی هموطنان عزیز مستحضر گردند، ولی روی‌همرفته میتوان بکارکنان مرکز اطلاعات حق داد که از عدم توجه و علاقمندی عامه نسبت باین اداره شاکی باشند و از طرفی هم باید اذعان نمود گرفتاری و فقر طوری گریبانگیر عموم شده است که نه تنها نتوانسته‌اند این مؤسسه را اقبال نمایند بلکه تقریباً هر مؤسسه ملی در مملکت ما بهمین منوال پیش رفته است زیرا جز فکر تأمین معاش یومیه آن‌هم با هزار گونه مشقت وخون دل فرصتی برای کسی باقی نمیماند که بتوانند این قبیل مؤسسات را سرکشی و مقاصد آنان را مستحضر گردیده کارکنان آن‌را تشویق و ترغیب و وادار بپیشرفت آمال و مقاصد خیرخود نمایند.

بنابراین لازم است مختصری از جریان کار اداره را باطلاع عموم رسانیده و شرح جزئیات آن و مقاصد و افکار کارکنان و منافعی را که این مؤسسه برای ملت حائز خواهد بود بواسطه عدم گنجایش بآتیه محول نمائیم.

این اداره در ماه اسد ۱۳۰۲ که تاکنون ۳ سال کامل است تأسیس گردیده و در قدم اول مبادرت بجمع‌آوری و تمرکز اخبار نقاط داخلی مملکت و اطلاعات خارجی نمود و در این مدت توانسته است خدمات خود را بعالم مطبوعات انجام دهد.

خوشبختانه کسانی که داخل این اداره گردیدند فقط سرمایه سعی و عمل را نصب‌العین خود نموده با عشق مفرط و علاقه مخصوصی که میتوان گفت با موجود بودن هزارها تومان سرمایه امکان نداشت در پیشرفت اداره و نگاهداری آن مجاهدت نمودند مخصوصاً نمیتوان زحماتی را که از بدو تأسیس چند نفر جوانان منورالفکر و علاقمند در این اداره با هزار گونه سختی و مصیبت زندگانی بسر برده‌اند اغماض نمود بهرحال این مؤسسه در نتیجه سعی و عمل سه ساله کارکنان خود در این محیط آلوده بفساد اخلاق که ناشی از بیکاری و فقر و بیچارگی است و در این محیطی که بجای تشویق هزار گونه مشکلات و موانع برای خنثی کردن اقدامات این مؤسسه که جز برای اصلاح و ترقی مملکت نیست تهیه میکنند توانسته است عرض اندام نموده قدمهائی بردارد ولی باید تصدیق کرد که این قدمها فوق‌العاده بطئی برداشته شده است زیرا مناسب است این اداره تا بحال طوری توسعه یافته باشد که بتواند در برابر آژانس‌های خارجی عرض وجود نموده و اقلاً با دو سه اداره اخبار ممالک غربی رابطه مستقیم داشته باشد ولی متأسفانه بر اثر جهات فوق و همان بی‌علاقگی معمولی هنوز نتوانسته است بآن مقاصد نائل گردد ولی امیدوار است که بافضل الهی و توجهات عمومی در آتیه موفقیت‌های کاملی حاصل کند

در مملکت اسلامی همسایه و دوست ما ترکیه بنام (آژانس آناطولی) اداره اخباری تأسیس گردیده است در نتیجه علاقمندی و توجه عمومی امروز با تمام دنیا مخابرات دارد خوشبختانه همان اداره اخبار دولت ترکیه از مرکز اطلاعات ایران استعلام کرده چندی قبل دو سه فقره تلگراف بعنوان این اداره مخابره نمود که در جراید مرکزی اشاعت پیدا کرد ولی متأسفانه اداره موفق بمبادله آن نگردید که بتواند در آتیه رابطه دائمی خود را برقرار نموده مرتباً اخبار ایران را بدهد دلیل آنهم بر واضح است و محتاج بتوضیح نیست.

البته امروز فرق این مؤسسه با اداره اخبار ممالک دیگر بقدری است که اساساً طرف مقایسه نیست ولی نمیتوان از ذکر این نکته هم خودداری کرد که ادارات اخبار ممالک خارجه در بدو تأسیس یک مؤسسه ضعیفی مثل این اداره بیش نبوده و فقط در اثر ثبات خود و بروز علاقمندی و توجه دولت و افراد ملت توانسته‌اند آنرا بقدری توسعه بدهند که امروز تشکیلات آن از یک وزارتخانه مهمتر و با تمام دنیا مخابرات دارند و ملاحظه میکنید چه اهمیت و منافع بزرگی را برای مملکت در بر دارند هیچ نمیتوان تصور کرد که ادارات اخبار ممالک خارجه یکمرتبه دارای این عرض و طول بوده و از ابتدا توانسته‌اند باب مخابرات را با عالم مفتوح کنند بلکه ترقیات آن تدریجی و علت واقعی پیشرفت آنها را باید تنها توجه و علاقه عمومی دانست. شرح تاریخچه آژانس رویتر در انگلستان و آژانس هاواس در فرانسه و سایرین بخوبی نظریه ما را تأیید مینماید.

اینها مقدماتی است برای لزوم توجه عامه نسبت باین مؤسسه یعنی مؤسسه ملی و ما آن انتظاری را که ادارات اخبار ممالک خارجه از هموطنان خود داشته اند و استعمال شده است نداریم زیرا باز باید تصدیق کرد که آنها مراتب دیگری را سیر میکنند و ما مدارج دیگری که قابل مقایسه نیست ولی نباید مأیوس شد و حتی الامکان باید سعی کرد خودرا در همان شاهراه انداخت .

کارکنان این اداره در دومین قدم برای پیشرفت و توسعه مؤسسه اطلاعات باتکاء توجه و علاقه عموم هموطنان مبادرت بنشر روزنامه ای بنام «اطلاعات» خواهند کرد در حقیقت این نامه وسیله ایست برای استقبال و جلب توجه عامه نسبت باین مؤسسه که شاید بتواند قدری سریعتر داخل مراحل ترقی و تکامل گردد .

این روزنامه بطور یومیه و مرتب انتشار خواهد یافت و حاوی اخبار و حوادث کلیه نقاط ایران و تفصیل پاره حوادث مهمه دنیا و اخبار خارجه و بعضی مطالب سودمند میباشد مقصدی که این روزنامه خواهد داشت ما فعلا شرح نمیدهیم البته پس از انتشار دائم مورد آزمایش عموم واقع خواهد شد همینقدر خاطر محترم هموطنان خود را باین نکته متوجه میداریم سعی فرمایند وسیله تشویق کارکنان و پیشرفت و ترقی این موسسه ملی را که هیچ اتکائی جز بافکار عمومی ندارد فراهم نمایند و هرقدر این مؤسسه را اقبال نمایند بهمان اندازه بر توسعه اداره و محسنات روزنامه افزوده خواهد شد و متدرجا میتواند اقداماتی که باعث آبرومندی و ترقی و حفظ منافع مملکتی است عهده دار و انجام دهد .»

* * *

بطوریکه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند در این مقاله آقای عباس مسعودی سختی و مشکلات خودرا در مدت سه سال خدمت مطبوعاتی در معرض افکار عامه قرارداده و هموطنان عزیز خودرا بکمک طلبیده و استمداد کرده است که بافکار او در تأسیس یك اداره خبر گزاری ملی مساعدت نمایند و در پایان گفته است این مؤسسه ملی هیچ اتکائی جز بافکار عمومی ندارد و هرقدر این مؤسسه را اقبال نمایند بهمان اندازه بر توسعه اداره و محسنات روزنامه افزوده خواهد شد .

بعد از بیست و چهار سال آقای مسعودی همین نامه را که آن روز سرلوحه مرام خود قرار داده تعقیب و پیروی می کند، او معتقد است که روزنامه اطلاعات متعلق بمردم و مملکت می باشد و هرقدر این مؤسسه از طرف مردم بیشتر اقبال شود بهمان اندازه بر توسعه و تکمیل سلسله انتشارات افزوده شود و همین کار را هم کرده است و امروز می بینیم که اطلاعات دو صفحهٔ آن روز به پیروی همین مرام و با همت وپشت کار و زحمت امروز بصورتی در آمده است که باعث آبروی ملت ایران نزدیکان است که وقتی این مؤسسه را خارجی ها بازدید میکنند و تشکیلات وسیع آن را که شباهتی بدنیای متمدن و مترقی پیدا کرده است می بینند تحسین می کنند و این مؤسسه را نمونه رشد ملی و توسعه فرهنگ و تمدن یك جامعه میدانند.

دیدیم که آقای عباس مسعودی قصد داشت اداره خبر گزاری ملی دائر نماید مقدمات آن را هم در ظرف سه سال فراهم آورد اما اوضاع و احوال بافکر او کمك نکرد .

اگر او میخواست با مردم کار نکند و برای دولت را قبول نماید خوب میتوانست مرکز اطلاعات را در اختیار دولت بگذارد ، مثل اغلب نقاط دنیا که این موسسات در ابتدای پیدایش کمك خرج از دولت می گیرند ، دست گدائی بسوی دولت دراز کند و بگوید من قدم اول را در تشکیل یك موسسه خبر گزاری برداشته ام حالا وظیفه دولت است که بیاید کمك کند و این مؤسسه را تقویت نماید تا مانند همه دول همسایه خود ما که آژانس خبر گزاری داشته باشیم .

اما مناعت طبع ، بلند نظری ، اعتماد و اتکای بنفس مانع از آن بود که دست نیاز بسوی دولت دراز کند و مؤسسه ای را که با خون دل بوجود آورده است، در اختیار دولت بگذارد اودر تمام مدت عمر در این فکر نیفتاده است که از صندوق دولت استفاده کند ، او میتوانست شاغل مقامات دولتی گردد ، پستهای مهم بدست آورد، او بهترین فرصت ها را همه وقت وحتی در دوره اعلیحضرت فقید داشت و همین اداره تبلیغات امروزی که سالی مخارج آن یک میلیون تومان در آن خرج میشود ، فکری است که پس از مسافرت اعلیحضرت پادشاه فقید به ترکیه و مشاهده ترقیات آن دولت، برای آن مرحوم پیدا شد و تصمیم گرفت که اداره خبر گزاری تأسیس نماید ، در آن روز تکلیف تشکیل این اداره را اعلیحضرت فقید آقای مسعودی فرمود و او بوسیله آقای کاظمی وزیر خارجه وقت بعنوان اینکه اجازه فرمایند

باتوسعه تشکیلات روزنامه خدمتگذاری ایشان از قبول آن خودداری نمود و خوانندگان عزیز باید بخاطر داشته باشند که چندماه پس از بازگشت شاه فقید از ترکیه اداره خبرگزاری پارس در وزارتخارجه بهمت آقای کاظمی وزیر خارجه وقت که نیز در مسافرت ترکیه همراه بودند بوجود آمد و همان اداره است که امروز بصورت اداره کل تبلیغات و انتشارات درآمده است .

منظور آقای مسعودی از تأسیس مرکز اطلاعات این بود که مؤسساتی نظیر آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و خبرگزاریهای ملی دیگر اروپا و امریکا ایجاد کند و بادنیا رابطه مطبوعاتی دایر نماید ، اما این هدف او با تأسیس روزنامه اطلاعات تغییر یافت و خدمات او در راه نامه نگاری بملت ایران شروع گردید.

پس مسعودی همه وقت و در همان روز گارسختی که در مضیقه مالی بودی توانست از دولت استمداد کند و از روی حق و انصاف کمک مالی دولت را در تشکیل دائره خبرگزاری جلب نماید ولی نکرد و هیچوقت نکرده و امروز هم نمی کند و امیدوار است همیشه با مردم و برای مردم و خدمتگذار مردم باشد.

عباس مسعودی مقامات دولتی را که البته آن مقامات هم برای خدمت بمردم و مملکت است دوست ندارد و هیچوقت دنبال نکرده و نمیکند ، هیچگاه از خزانه دولت بخود نه کسانش دیناری استفاده نکرده و نمیکنند، هر چه میگویند پوچ است و حال آنکه کمتر کسی را میتوانید نشان بدهید که باین درد مبتلا نباشد یعنی بیک عنوانی تحمیل بخزانه ملت نشده باشد.

بسیاری از رجال بزرگ آزادیخواه این کشور ازجمله مرحوم مؤتمن الملک و مشیرالدوله و مرحوم مدرس علاقهٔ فراوانی بروزنامه اطلاعات و عباس مسعودی داشتند که اکنون آقایان پیرنیا گواه و شاهد این ادعا هستند و میدانند همیشه در هر وقت که مرحوم مؤتمن الملک مطلبی داشتند که درج آن را برای استحضار مردم لازم می دانستند آقای مسعودی میخواستند و فقط باشان مطلب خود را میدادند ، مرحوم مدرس شرح حال خود را بقلم خود بضمیمه یک قطعه عکس برای درج در روزنامه اطلاعات فرستاد که اگر خوانندگان محترم اجازه فرمایند این مراسله هم از جمله مطالب تاریخی کشور است که بدرج آن مبادرت خواهیم نمود .

خلاصه ، مسعودی با روش میهن پرستانه و آزادیخواهانه خود بزودی توانست توجه عمومی و رجال شریف و عزیز کشور را بخود معطوف دارد ، آن مردان بزرگ دانستند که این جوان شور خدمتگذاری دارد ، می خواهد از روی ایمان و صداقت بملت و مملکت خدمت کند و امروز هم توجه و عنایت رجال شریف آزادیخواه که اسباب افتخار ایران هستند معطوف ایشان میباشد .

ممکن است گفته شود عباس مسعودی آن وقت آدم خوبی بود و بعدها بد از آب درآمد و ایراداتی که براو می گیرند وارد است .

من هیچ ایراد و اعتراضی را بدون جواب نخواهم گذاشت و آنچه را که وارد و صحیح باشد قبول و اعتراف خواهم کرد بنابراین باید خوانندگان محترم حوصله بخرج دهند تا بهمهٔ مطالب برسیم و اگر نقاط ضعفی پیدا شد مورد بحث قرار دهیم .

روزنامه یومیه عصر بیسابقه بود

شماره دوم اطلاعات عصر چهارشنبه ۱۹ مرداد روز شروع مجلس ششم بکار انتشار یافت و آقای مسعودی در یک ماه فاصله بوسیله مکاتبه و ارسال اوراق آبونمان توانست یکعده مشترک برای روزنامه در تهران و شهرستانها پیدا کند و در سرمقاله این شماره نوشت که از امروز اطلاعات مرتبا عصرها منتشر میشود و وقایع مهم کشور و دنیا را در کمترین فرصت در دسترس خوانندگان عزیز میگذارد و گفت که برای حصول این موفقیت توجه و افکار عمومی لازم است که پشتیبان قوی یک مؤسسه ملی بوده تا بتواند پایدار و پایدار رشد بگذارد و در پایان اضافه کرد: هموطنان عزیز قدم اول را برداشتیم شما هم سعی کنید وسایل تشویق این موسسه ملی را برای توسعه و پیشرفتی که دامنه ترقیاتش فوق العاده وسیع است فراهم کنید، هر قدر شما بیشتر بطرف این روزنامه قدم بردارید همانقدر در این روزنامه مزایائی خواهید دید که قابل استفاده خواهد بود.

***

انتشار روزنامه یومیه و مرتب عصر در ایران بیسابقه بود، هیچکس باور نمیکرد که مسعودی بتواند منظم

روزنامه بدهد، آنهم روزنامه‌ای که هیچ تکیه گاه مالی جز فروش تك شماره که آنروز چهار شاهی بود و دو شاهی آن را روزنامه فروش ها میگرفتند نداشت تنها عزم و اراده و زحمت شبانه روزی، ایمان و عقیده و توکل بخدای متعال بود که مسعودی توانست آنچه را در فکر خود برای تشکیل یك مؤسسه آبرومندی پرورانید بمرحله عمل درآورد و باحسن نیت و اخلاص کامل آنرا در اختیار ملت ایران بگذارد، مثل این بود که در آنروز باو الهام شده بود، پیشرو، موفق خواهی شد.

روزنامه فروشها از ۱۹ مرداد ۱۳۰۵ هر روز عصر در این شهر فریاد زدند اطلاعات و بعد از بیست و چهار سال باز هم عصر ها همین فریاد را می زنند.

شما خوانندگان عزیز تصور میکنید درجریان این ۲۴ سال، اطلاعات با مشکلات مواجه نشده است، دسیسه و تحریکات برعلیه او نبوده، حسود و مغرض در دوره اعلیحضرت فقید وجود نداشته است، اخلال و کارشکنی در کار اطلاعات نمی شده است؟ چرا، همه وقت اطلاعات با این مشکلات دست بگریبان بوده ولی چون اساس و شالوده این مؤسسه روی اعتماد و اطمینان جامعه گذاشته شده و همچنان با مردم پیش رفته است و توده‌های کثیر مردم این مملکت دانسته‌اند که این روزنامه راه حقیقت و راستی را می‌پیماید و از دروغ و تهمت و افترا اجتناب میکند بدان علاقمند شده و آن‌را دوست میدارند و همین توجه و تکیه گاه افکار عمومی است که این مؤسسه را پا برجا و استوار نگاهداشته است که البته وقتی طشت رسوائی حسودان از بام بیفتد و بادلیل و منطق معلوم شود کـه آنچه درباره ما در این هشت سال تبلیغ کرده‌اند و زهر پاشیده‌اند روی حقد و حسد و غرض شخصی بوده، آندسته هم که ممکن است تحت تأثیر این تهمت‌ها و سم پاشی‌ها قرار گرفته باشند علاقمندیشان تحکیم خواهد یافت و باز مؤسسه اطلاعات علی رغم بدخواهان که در همه وقت میخواسته‌اند آنرا از بیخ و بـن ریشه کن سازند بخیال اینکه از این نمد کلاهی بردارند، همچنان مانند کـوه در برابر دسایس آنها ایستادگی خواهد کرد و راه متین و معقول خود را پیش خواهد گرفت.

ما کارکنان اطلاعات خدا و وجدان را در برابر خود قرار داده و بخدمت ملت و مملکت کمر همت بسته‌ایم و در این راه ترس و وحشت نداریم و از هیچگونه فداکاری دریغ نخواهیم داشت و این اشتباه بزرگی است که بخواهند ما را از راه حقیقت و انصاف منحرف سازند و یا تزلزلی در ایمان و اعتقاد ما وارد نمایند.

***

حالا بدنبال مطلب میرویم، روزی مدیر اطلاعات با چندتن کارمند قدیمی بیست ساله خود صحبت میکرد و چگونگی تاسیس و ادامه اطلاعات را شرح میداد و میگفت:

«پس از انتشار چند شماره کفگیر به ته دیگ خورد، حساب کاغذ فروش و طلب چاپخانه بالا رفت، حاج آقا رضا کتابچی کاغذفروش جوانمردانه باین روزنامه کمك می کرد و اطمینان او بدادن اعتباری در حدود یکهزار و پانصد تومان که آن روز فوق العاده مهم بود موجب سعی و جدیت و ایمان و عقیده من بکار بود، او فکر میکرد موفق خواهم شد و الا در مقابل این طلب خود جز دو میز تحریر و چند صندلی و یك تلفن چیزی نمیدید، چاپخانه بوسفور هم همان مساعدت را میکرد، دوستی داشتم که امروز هم اورا خیلی دوست میدارم و او منوچهر بزرگمهری است که آن موقع کارمند پست و تلگراف بود، شرح حال نزد او بردم و از او قرض خواستم دوست گرامی من تمام آنچه‌را داشت یعنی سیصد تومان بدون نوشته و سند در اختیار من گذاشت و این پول انتشار منظم اطلاعات را که در کشور ما عجیب بود محفوظ نگاهداشت، این دوست شریف اکنون وکیل پایه یك دادگستری در اهواز است که پس از چندین سال موفق بدریافت طلب خویش گردید و اگر این کمك جوانمردانه نرسیده بود اطلاعات تعطیل میشد»

***

اطلاعات سال اول خود را با مشکلات بسیار بپایان رسانید و در ظرف این مدت توانست توجه مـردم را بخود معطوف سازد و اخبار مجلس و خبر های کشور و دنیا را بی طرفانه در دسترس عامـه بگذارد و میزان انتشار را بالا ببرد.

اولین کابینه ای که در دوره ششم به مجلس معرفی گردید از این قرار است:

مستوفی نخست وزیر، وثوق الدوله وزیر عدلیه، حاج محتشم السلطنه وزیر مالیه، مشاور الممالك انصاری وزیر خارجه، حاج مخبرالسلطنه وزیر فوایدعامه، نصیرالدوله وزیر معارف، ذکاء الملك فروغی وزیر جنگ، مشیر

اعظم ایلخانی وزیر پست و تلگراف، احتشام السلطنه وزیر کشور که امروز غیر از دو نفر آقایان وثوق الدوله و حاج محتشم السلطنه بقیه آنها بدرود زندگی گفته‌اند.

از جمله وقایع مهم این سال که دردوره اول اطلاعات منعکس میباشد مخالفت آقای دکتر مصدق باآقای وثوق‌الدوله است که نطقهای مهمی ازطرف ایشان ومرحوم مدرس بیان شده است، بهمین مناسبت اطلاعات برای اولین بار موقتا درچهارصفحه منتشر شد.

وباز ازجمله وقایع مهم این‌سال کشمکش‌های زیادی‌است که درمجلس جریان داشت ومرحوم مدرس نقش بزرگی داشت وپیوسته افکار ونظریات ایشان دراطلاعات منعکس‌می‌شد تاتاریخ ۷ آبان ۱۳۰۵ که سه نفرترور پشت مسجدسپهسالار بمرحوم مدرس حمله‌بردند وچند تیر بطرف اوخالی کردند تاقلب اورا هدف قرار دهند. خوشبختانه تیرها خطا رفت وآن مرحوم پس‌ازچندروز خوابیدن درمریضخانه که دست چپ ایشان‌را گچ گرفته دوباره مبارزه خودرا شروع کرد ودرروز ۸ آبان‌ماه مسعودی نوشت:

«خطرترور بزم هرلحظه بما نزدیکتر می‌شود و مابایدبگوئیم هرقطره خون مدرس صدها مدرس تولید وجان خود شان رادر راه‌سعادت و استقلال ایران نثارخواهند کرد ومابايد دربرابر سیاستهای پرپیچ و خم خارجی تمام اختلافات داخلی‌وجزئی خودمانرا دور ریخته شاه، مجلس و دولت دست بهم داده ونقشه های خودرا درباب احداث راه آهن و کشف نفت واستخراج معادن وپیشرفت مسائل اقتصادی تعقیب نمایند.»

یك‌جلسه مجلس تمام‌بحث‌دراطراف واقعه تیراندازی بود ومرحوم داوردرمجلس گفت‌حادثه تیراندازی‌مرحوم مدرس جلوی‌خانه من«ایر» کم کردن‌است دولت‌بایدد نبال کشف حقیقت برود وباهرجا و هر کس موردسوء ظن شد پیش‌برود مجلس‌باتفاق مؤید شمااست

آقای‌جوادی رئیس‌اداره کل ثبت درآنموقع مستنطق وزارت دادگستری وطرف توجه و اعتماد مرحوم مدرس بودند وجریان تحقیقات رابا جلب نظر مرحوم مدرس ایشان بدست گرفتند وتعقیب و بازداشت اشخاص شروع گردید

موضوع سرو صدا دیگر، استخدام متخصصین برای‌احداث راه‌آهن واستخراج نفت‌ازمعدنهای اولیه‌ای بود که مجلس‌ششم برداشت، مالیاتهای‌صنفی‌را الغاء نمود، موجبات تشویق‌صادرات را بوضع دوا ن فراهم ساخت ودر عین حال که اطلاعات بامجلس وافکار خوب نمایندگان صالح نشر معرف هروقت‌سوء جریان وغرض‌ورزی مشاهده می‌نمودشدیدا انتقاد میکردچنانچه درشماره ۱۹ آذر بست بلایحه استخدام مستشار امریکائی(ژامار) که ماده ششم آنرا مجلس رد میکند سخت انتقاد کرده و میگوید «نمایندگان مجلس باید نظریات خصوصی خودرا درکارهای مملکت اعمال کنند، مجلس‌نمیتواند منکر اصلاحات ونتیجه‌اش‌شود ا درمنظورمجلس ازرد ماده ۶ لایحه صرفه جوئی است چراان‌صرفه‌جوئی‌رادر تشکیلات‌های دیگر نمیکند.»

ازکابینه‌مرحوم مستوفی‌درموارد‌مختلف‌ستایش می نماید وروش متین و طرفداری از حکومتهائی‌را که مصلحت کشور تشخیص‌میداده همیشه تعقیب‌می‌نموده ولی الاخره اکثریت مجلس کابینه اول مستوفی‌رامجبور باستعفانمودوکابینه دوم با شرکت چهار نفر از نمایندگان مجلس یعنی آقایان تدین داور داطبی صدرالدوله تشکیل‌شدومرحوم مؤتمن‌الملك‌نیز باسمت‌مجلس‌را بااصرار قبول‌نمود ودرهمین‌اوان بود که مرحوم داورعدلیه را منحل‌ساخت وسازمان جدید داد ودرکابینهٔ بعد ازمستوفی یعنی‌کابینه‌ای که حاج‌مخبرالسلطنه تشکیل‌داد مرحوم داور سمت وزارت عدلیه را داشت.

این‌بود خلاصهٔ حوادثی که دردورهٔ اول اطلاعات منعکس گردیده و مقالات و مطالب روزنامه تمام حکایت ازروح‌پاك وشهامتی‌مینماید که جرمعید حدمسئکداری نظرديکری را تعقیب میکند

طبقه جوان کشور توجه فرمایند

کیفیت بوجود آمدن اطلاعات وترقی تدریجی آن تاحال حاضر، همچنین زندگی مدیر اطلاعات که از هیچ شروع کرده وبموقعیت کنونی‌رسیده خود شایان توجه است.

خواندن این شرح حال‌وزندگی، مخصوصا برای‌طبقه جوان کشور، جوانانی که بایدمردان‌فردا باشند وامید آینده ایران هستند، آنها که امروز در دبیرستانها ودانشکده‌ها تحصیل میکنند ومیخواهند، فردا درعرصه زندگی قدم گذارند، حتی آنهاکه‌هنوز سی‌وپنج وچهل‌سال‌سنین‌عمرخودرا طی‌نکرده‌اند برای آنها هم این خاطرات که از یکربع قرن پیش تذکار داده می شود جالب دقت است .

جوانان مامیتوانند بامطالعه سرگذشت مدیر اطلاعات، سرترقی اورا دریابند وا گراین راهرا پسندیدند پیروی کنند و برخلاف تبلیغات زهرآلود حسودان ومغرضان بدانند راهی که اوپیش گرفته وتاامروز جلو آمده است راه خدا وراه خدمت بخلق ومیهن عزیزبوده وسرموفقیت او درطی کردن همین طریق میباشد که آنرا توام بازحمت وفداکاری واعتماد بنفس وعلاقه بکار تعقیب نموده است.

اگر خوانندگان وبخصوص جوانانی که‌رشتهٔ مقالات تاریخی کسی را که جوانی خودرا دراداره اطلاعات شروع کرده واکنون مراحل‌ناتوانی وفرتوتی رامیگذراند، جوانی مجرد بوده وامروز صاحب خانواده وحتی داماد ونوه شده است، باتردید تلقی کنند، من ازآنهـا خواهش میکنم از پدران و کسان مسن‌خود بپرسند ویا باداره اطلاعات تشریف بیاورند ودر کتابخانه آرشیو و دوره‌های روزنامه رادر اختیار بگیرند وازبدو طلوع اطلاعات آن رامطالعه کنند تاحقایق را بهتر دریابند وازنزدیک نمونهٔ یکربع قرن کوشش وزحمت صادقانه را درراه ترقی و تعالی فرهنگ کشور ملاحظه کنند .

اداره اطلاعات باطیب خاطر آماده اجرای این منظور است ومراجعه کنندگان راراهنمائی وپذیرائی خواهد کرد.

مادراین کار اصرار داریم وهمه‌را دعوت می کنیم وحتی در صدد هستیم که این سلسله‌مقالات راجدا گانه نیز طبع نموده ومجانی دردسترس خوانندگان عزیز بگذاریم زیرا این‌نشریه را مانندصدها کتابی که‌ازاین‌مؤسسه فرهنگی بیرون رفته است خدمت بسزائی میدانیم، بااین سلسله نشریات مامیخواهیم روح فداکاری وعلاقمندی وصداقت، وصمیمیت درمردم، بخصوص‌طبقه جوان کشور بوجود آوریم، حس وظیفه شناسی، خیرخواهی واعتماد بنفس رادرآنها ایجاد نمائیم وبالاخره جوانان کشوررا تشویق کنیم که‌دنبال سعی وعمل بروند وازبیکاری ولاابالی گری بپرهیزند و بدانند برای کسانی که به نیروی عمل وبازوی خود تکیه کنند وازمشکلات نهراسند و مقاومت وسرسختی نشان دهند راه ترقی باز است ومیدان فعالیت‌وسیع.

این‌مملکت محتاج‌کار وفعالیت است نه‌محتاج بدبینی وتقالی، ایران مرد کار میخواهدوبیش ازاین‌استعداد ندارد که ازمردم فقیر وزارع‌بی‌چیزعوارض ومالیات گرفته شود و بنام‌حقوق بین جماعاتی تقسیم گردد که کشور بیشتر به‌نیروی آنها درکارهای ملی نیاز دارد.

* * *

مدیر بلند گوی دستگاه دولت (بقول حسودان) حبس وزجر هم‌دیده است ولی مأیوس نشده و رشتهٔ کار خودرا ازدست نداده است و درموقعی که هر کس میخواست خود را زجردیده وحبس کشیده جلوه‌دهد او چیزی نگفت زیرا عمده بتظاهر ندارد .

درابتدای سلطنت اعلیحضرت پهلوی، شهربانی فشار بسیاربمردم‌وارد میآورد ، زهرچشم‌میگرفت، مبادا نغمهٔ مخالفتی آغاز گردد، در آن روز کار مدیر اطلاعات برحسب دستور سرهنگ محمدخان در گاهی که بعدها بدرجه سرتیپی نائل گردید بحبس افتاد، اورا بزندان‌بردند وبادزدان‌دریکجا محبوس ساختند، بجرم اینکه خبری مربوط بمرگ یک‌زندانی درزندان بجرایدی که اراو خبرمیگرفتندداده است، در گاهی امروز دارفانی‌راوداع گفته ولی رئیس تأمینات آنروز آقای فضل‌الله بهرامی ومعاون ایشان‌سرتیپ سهیلی میتوانند بخاطر بیست و شش سال پیش خود مرور نمایند، مسعودی ٤٨ساعت سخت ترین ساعات را درزندان که عمداً اورابادزدان

محبوس کرده بودند بشر برد تاروی وساطت آقای دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ که ازمرکز اطلاعات خبر میگرفت ازحبس نجات یافت و باوجود تهدیدات بسیار دنباله کار وفعالیت خویش راهمچنان ادامه داد.

مسعودی درموارد مختلف مورد تهدید شهربانی آنروز و شهربانی های بعد قرار میگرفت ، ازخوب و بد مطالب واخباری که درروزنامه منتشر میساخت ایرادات واعتراضات وحملات سخت بوی میشد وهردفعه احضار او بشهربانی مانند این بود که روح ازبدنش جدا میشود. بقدری درفشارروحی وآزار وزحمت قرارمیگرفت که راستی برحال اومتاثر میشدیم .

درآن ایام، آزادیخواهان امروزی که میدان وسیع پرحرارتی برای حفظ اصول مشروطیت وآزادی پیدا کرده اند نبودند یا اگر بودند هر کدام در گوشه و کناری از ترس خزیده بودند، نفس نمی کشیدند ویاعضو همان دستگاه بودند وچه بسا اشخاص که برای حفظ موقعیت ومنافع خود تاجائی که خودرا روی خاک پای درگاهی میانداختند، راه تملق وچاپلوسی را پیش گرفته بودند و بعدازآن هم دیدیم درزمرهٔ آزادیخواهان قرار گرفتند وازفراموشی مردم استفاده کردند ودرهمه حال بشکل آنروزدر آمدند ولی بیچاره مسعودی را که ازاول روزنامه نویسی خود تابحال تغییر رویه نداده، همیشه طرفدار ترقی وسعادت ملت وخواهان استقلال کشور بوده ودراین راه باعوامل بیگانه مبارزه های خونین نموده ودر گذشته وحال نسبت بمقام سلطنت وشاه احترام داشته وپیوسته این احترامات راحفظ کرده است حسودان از عدم تظاهر و خود نمائی اطلاعات سوءاستفاده نموده اورامتهم ساختند که مدیر اطلاعات شخصی است متلون ونان رابنرخ روز میخورد.

آری، اگر آنروز که پادشاه فقیدواز کشور خارج گردند ووضع بهم ریخت وهمه آزادیخواه شدند برضد ارتجاع و دیکتاتوری قیام کردند، عباس مسعودی هم درصف آزادیخواهان دروغی قرار میگرفت وازحبس وزجر خودصحبت میکردوبر گذشته می تاخت وبعدها هم یعنی امروز که مردم قدر ومنزلت شاهنشاه فقید خدمتگذار را درک کرده اند درردیف مداحان رضاشاه کبیرقرارمیگرفت امروز آن آزادیخواهان دروغی حق داشتند صفت و روش تلون خودشان را روی مردی که در تمام زندگی ثابت قدم بوده است بگذارند ولی ما کارمندان اطلاعات دیگر نمیتوانیم تحمل آنهمه بی انصافی وناجوانمردی را درباره خدمتگذار صدیقی کسه کسی نمیتواند کوچکترین لکه بدنامی وننگ روی او بگذارد بنمائیم .

دلایل این تلون رادرطی هشت سال روزنامه ها صدهابار دردومطلب تکرار کرده اند، یکی اینکه میگویند بعدازشهریوراطلاعات نسبت بشاهپورها اهانت نموده و دیگر اینکه درخصوص جواهرات سلطنتی، لایحهٔ شخصی را بنام طبیبی چاپ کرده که این دوموضوع دلیل براین است که اطلاعات نان را بنرخ روز میخورد .

ما انتشار هردوموضوع بالارا دراطلاعات اعتراف می کنیم وجواب میدهیم اما در موقع خود همینکه بمطلب امروز رسیدیم هم دلیل نگارش این دو ایراد را می گوئیم وهم پرده ازآن برمیداریم ونشان میدهیم که درآن روزگار سخت وعصبانیت وتشنج مردم، تنها مدافع شاهنشاه فقید اطلاعات بود وهمه طرفداران امروزی رضاشاه چنان جارده وآزادیخواه شده بودند که صبح باشام برعلیه گذشته تبلیغ می کردند ودشنام میدادند و درمجلس شوری حرف میزدند وحتی باشخاصیکه با آنها همصدائی نمیکردند دشنام میدادند وروزی نبود که بوسیله تلفن یا نامه مدیر اطلاعات را تهدید بمرگ نکنند ، وهمینکه آبها از آسیاافتاد دوباره طرفدار گذشته شدند وامروزهم برکرسی ها ومسند ها تکیه زده اند .

نطق بسیاری از نمایندگان مجلس دوازدهم وسیزدهم برضداعلیحضرت رضاشاه یعنی مولای خود در موقع تشنج وعصبانیت مردم دراطلاعات منعکس گردید، آنها میخواستند مردم رابفریبند وطبق دلخواه مردم عصبانی آنروز از شاهنشاه فقید بد گوئی کنند، روزنامه اطلاعات ازلحاظ حفظ بیطرفی که در تمام دوره خدمت نامه نگاری خود تعقیب نموده و اخبار مجلس را بدون نظر حب وبغض منتشر ساخته ،ناچار بود نطق نمایندگان راعلی رغم احساسات خود چاپ کند.

همین نطق های نمایندگان در مدت هشت سال موضوع روزنامه هائی قرار گرفت که روی غرض شخصی وحسادت برما می تاختند ومیخواستند ما را نزد مردم خفیف

و بوقلمون صفت معرفی کنند یعنی بگویند این مطالب را مدیر اطلاعات در مقالات آن روز نوشت و حالا طرفدار رضاشاه شده است.

مدیر ما هم روی غروری که ناشی از اتکای بنفس و علاقه بکار دارد بما گفت باین حرفها وقعی ننهید بگذارید خواهان هرچه میخواهند درباره من بگویند. مردم خود بهتر قضاوت خواهند کرد مردم بخوبی میدانند که لحاظ مملکت خواهی مقام سلطنت چه در گذشته و چه حال احترام میگذارم و طرفدار خدمات و فداکاریهای شاه بوده و هستم و در مواقع سخت و خطرناک از کارهای خوب او دفاع کرده‌ام چه لزوم دارد توضیح دهم، بعلاوه من که نان خودم را میخورم چرا از کسی ترس و وحشت داشته باشم!

***

ببخشید، از ذکر تاریخچه اطلاعات منحرف شدم و مطالبی گفتم که جای آن حالا نبود، از این معذرت می طلبم و باصل مطلب می پردازم

☆✿☆

اطلاعات در سال دوم: اولین شماره سال دوم ۱۰ تیر ۱۳۰۶ منتشر شده است قدم بزرگ در سال دوم برداشته شده این است که روزنامه در چهار صفحه انتشار یافته و از مزایای دیگر چاپ کلیشه در روزنامه می باشد که این موضوع تازگی داشته و تا آن موقع صنعت چاپ و کلیشه سازی آنقدر خوب نبوده که عکس را چاپ شود و با زحمات بسیاری این مزیت را بر روزنامه علاوه نموده و انتشار عکس رجال و نمایندگان مجلس وعده داده و اولین دفعه تمثال اعلیحضرت فقید را چاپ و عنوان سرلوحه کلیشه های خود قرار داده و در زیر عکس سطور ذیل جلب توجه میکند.

«خلاصه‌ای از سجایای اعلیحضرت پهلوی که شاید کمتر بعرض قارئین عظام رسیده باشد منتشر میسازد صفاتیکه در این عصر منحصر بشخص پهلوی است:

۱ - فعالیت: - برای نمونه مختصری از پروگرام شبانه روزی اعلیحضرتش درج میشود همیشه چهار ساعت بعد از نصف شب بیدار و کلیه سربازخانه‌ها اعم از پیاده و سواره نظام و توپخانه سرکشی بعد سپس مریضخانه‌ها مدارس نظام را معاینه و در موقع طلوع آفتاب برای رسیدگی بامور وزارت جنگ آماده از انجام امور مزبور تا ظهر شخصاً بمسائل مملکتی پرداخته و بعد از ظهر مجدداً مشغول پذیرفتن اشخاص و مذاکره و مداقه در قضایای سیاسی و مملکتی میباشد. شش سال است در مواقع عادی بطریق فوق الذکر و در ایام غیره چند برابر شدیدتر از ایشان جدیت و فعالیت در کار مشاهده شده و هنوز آثار خستگی در وجودش ظاهر نگردیده است.

۲ - رشادت: - قطع نظر از وقایع مفصلی که در زندگانی اعلیحضرت پهلوی مصادف و صفحات درخشانی از رشادت‌های او باقی مانده، عزم و اراده و قوت روح او در ایران کمتر بظهور رسیده است. از میانه او هویدا است که هیچوقت بیمی در خود راه نمیدهد. رفته رفته آن «ترس از اجانب» که ملکهٔ ایرانی شده بود تضعیف و عنقریب محو خواهد شد.

۳ - حب بوطن - محبت بملت - صمیمیت در کار - این سه صفت با هم دیگر اتصال دارند و همه در ذات مقدس پهلوی بحد اعلی تمرکز یافته است. دقیقه‌ای از عمر او نمیگذرد مگر اینکه در فکر ترقی و عظمت ایران و اندیشه قطع ایادی دشمنان وطن را در دماغ خود بپروراند و میل دارد جامعه ایرانی یکوحدت ملی تشکیل و همه با همدیگر بمملکت خدمت کنند و او هم بدون تبعیض همه را دوست داشته باشد. بهمین مناسبت که در جمیع عملیات خود صمیمیت بخرج میدهد حضرتش تنها وظیفه یک پادشاهی را انجام نمیدهد بلکه مانند یک عائله شبانه روز مشغول تامین سعادت وطن و ملت است

***

این صفات براستی در شخص اعلیحضرت فقید وجود داشت و امروز بعد از یکربع قرن که از

میگذرد می‌بینیم فقید سعید در تمام مراحل حیات خود این صفات بارز و پسندیده را از خود ظاهر ساخت و اگر ابکاری متملقین و بعضی اطرافیان نادرست نبود که برای حفظ جاه و مقام و منافع خود شاه را اغفال نمودند و ذهن آن بزرگ را مشوب ساختند هر گز در کارها شدت و سختی پیدا نمیشد و هر گز وقایع شوم شهریور ۲۰ رخ نمیداد وان عزیز ما دوچار اینهمه خسارت و زیان نمیگردید .

دوره های اطلاعات حاضر و همه گواهی میدهد که ما در تمام دوره خدمتگذاری مطبوعاتی خود هیچگاه حدود وظیفهٔ نامه نگاری خود قدم فراتر نگذاشته ایم ، داخل جر که استفاده جویان نشده ، از موقعیت خود کوچکترین سوء استفاده را ننموده و پیوسته راه خود را در ترویج فرهنگ و تنویر افکار عمومی و استحضار مردم از وقایع داخل و خارج کشور تا آنجا که مجاز بودیم فرو گذار نمیکردیم .

دراین جا ذکری از «مجاز» کردیم این کلمه خیلی معنی دارد و معلوم میشود بعد ها در دوره های بعد اطلاعات ما بر میخوریم با خبار مجاز و غیر مجاز .

آری، چنین است و این مطلب بر کسی پوشیده نیست که رفته رفته بخصوص در ده سال آخر سلطنت اعلیحضرت فقید روی نامه نگاری محدود و انتشار مطالب از دستگاهی بنام سانسور میگذشت و تمام جرایدی که انتشار می‌یافت در این باره در مضیقه و مشکل بودند و متاسفانه ذهن اعلیحضرت را در این باره طوری مشوش ساخته بودند که هیچگاه اعتماد پیدا نمیکرد و حال آنکه اگر مطبوعات آزاد بود هر گز از راه حقیقت منحرف نمیگردید و بسیار مفید واقع میشد ، اما وضع سانسور مدت ادامه داشت و وقتی اعلیحضرت متوجه این نقص بزرگ شدند و آزادی دادند که دیگر کار از کار گذشته بود از اینقرار :

کشور در اشغال بیگانگان در آمد، قوای روس از شمال و قوای انگلیس از جنوب میهن ما را زیر چکمه های خود در آورد و اعلیحضرت از تخطی و تجاوز بیگانگان که برخلاف اعلان بیطرفی که ایشان صادر کردند و قرار بود دیگر تجاوز ننمایند و عمل نمودند سخت عصبانی و متاثر بودند، در آن موقع آقای دکتر صدیق اعلم ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات را بر عهده داشتند ایشان در همان ایام طبق دستور شاهنشاه فقید این اداره را که تا آنوقت بنام خبر گذاری پارس در وزارت خارجه بود بطرزی مفید تشکیل دادند. آقای دکتر صدیق جلساتی از مدیران روزنامه ها در اداره تبلیغات منعقد ساختند و نیات اعلیحضرت را دایر باین که مطبوعات میتوانند آزادانه وارد مباحث و مسائل مهم داخلی و خارجی شده بیان نمودند . از آنروز سانسور برداشته شد منتها نظارت و راهنمائی آقای دکتر صدیق باقی بود

در همان اوان بود که سرمقاله کذائی اطلاعات تحت عنوان «تأثر ملت ایران» انتشار یافت که این مقاله بهیچوجه منطقی و مناسب سیاست آنروز که کشور ما در اشغال دو دولت قوی قرار گرفته بود نبود .

دراین مقاله از نقض بیطرفی ایران و اشغال آن از طرف قوای بیگانه و اخراج آلمانیها از ایران اظهار تاسف و تأثر شده بود .

این مقاله تأثیر عجیبی در محافل خارجی، روس و انگلیس بخشید، متن آن بدنیا تلگراف شد و خبرنگاران خارجی بدست و پا افتادند و آنرا عمداً شاخ و برگ داده و اینطور تعبیر و تفسیر کردند که مقاله مزبور طبق دستور صریح اعلیحضرت فقید انتشار یافته است در نتیجه پیرامون آن یادداشت ها و مکاتبات شدید رد و بدل گردید و دفاع دولت بی اثر بود زیرا آنقدر سانسور در مطبوعات بسط و توسعه داشت که برای هیچ فرد ایرانی و خارجی باور کردنی نبود که این مقاله را خود اداره اطلاعات تحریر نموده و روی فکر و نظر خود آزادانه انتشار داده است .

خلاصه، خارجی ها سخت بر آشفتند و این امر را نشانه طرز فکر اعلیحضرت فقید و هم آهنگی او با آلمانها دانستند و امروز که او از این دنیا در گذشته است ما در پیشگاه خدا و وجدان و ملت ایران اعتراف میکنیم که روح آن فقید از مقاله مزبور بی اطلاع بود و آنموقع مطبوعات را در نشر مقالات آزاد گذارده بودند ولی دیگر دیر شده بود و کسی باور نمیکرد که روزنامه ها آزاد شده اند، خلاصه شاه فقید دستور توقیف روزنامه اطلاعات را داد و تا روزی که آن فقید تهران را ترک نگفت روزنامه در توقیف بود و پس از عزیمت ایشان باصفهان روزنامه آزاد شد این سومین توقیفی بود که در زمان سلطنت پهلوی اطلاعات دوچار گردید که موقع از آن بحث خواهیم کرد .

***

حسودان و بداندیشان تحت عنوان دروغ آزادیخواهی، در طی هشت سال دموکراسی جدید گاه بگاه برما

خورده میگیرند ونیش میزنند که چرا اطلاعات کشتن محبوسی را در زندان بعد از خبر مرگ منتشر میکرد، روزنامه های دیگر هم در آن زمان منتشر میشد که این اخبار را می نوشتند ولی چون مورد حقد و حسادت، اطلاعات است بیش از ما مؤاخذه کرده و میکنند، بسیار خوب ما هم جور سایر رفقای آنروز را میکشیم.

خوانندهٔ عزیز، آیا کسی را سراغ دارید نداند که مقصود از خبر مرگ یکمرد سیاسی در زندان در آن موقع چه بود؟ و کسی نمیدانست روزنامه های آن روز که پنج شش روزنامه بودند جرئت انتشار خبری را جز آنچه از دستگاه سانسور میگذشت نداشتند؟

این چه بی انصافی است که بعضی کوته نظران تحت عنوان آزادیخواهی دروغی امروز روا میدارند، اینها آن موقع کجا بودند که صدایشان در نمیآمد، اگر ترس و وحشت از اوضاع شهربانی آنروز بود و باینجهت همه سوراخها مخفی شده بودند و یا تعزیه گردان و جزو دستگاه بودند و نفس نمیکشیدند که لاچه میگویند؟ چطور شد که این ملاحظات برای آنها لازم بود و برای دیگران گناه! ترس بود برای همه بود، ماهم بهمان اندازه که آزادیخواهان جان خودرا دوست داشتند و نفس نمیکشیدند، ماهم بحیات خود علاقمند بودیم و زن و بچه خودرا دوست میداشتیم، این آزادیخواهان امروز از کجا سر در آوردند، آنروزها کجا بودند، چرا در طول بیست سال، دوسطر در روزنامه ها عقاید و افکار خودرا منتشر نساختند تا مردم شجاعت و شهامت آنهارا تقدیر و تحسین کنند یا اگر مطبوعات سانسور بود در یك ورقه بنویسند و یا در محفل و مجلسی لااقل بین چند نفر حرف نمی زدند و از اوضاع انتقاد نمیکردند!

حالا انتقاد نکنند، تملق چرا؟ آیا جز تعریف و توصیف و تملق از زبان بعضی از آزادیخواهان دروغی در دمکراسی مطلبی از ترس جاری می شد؟ کسی را سراغ دارید گواهی بدهد که در آن موقع یکی از این آزادیخواهان حرفی جز مقتضی زمان و اوضاع روز زده باشد؟

اگر چنین کسی را یافتند و معرفی کردید ماهم اعتراف میکنیم کـه در انتشار خبر مرگ یك مـرد سیاسی در زندان که کشته شده و بجای کشتن مرگ نوشته شده گناهکاریم، بفرمائید مجازات ما چیست روا دارند.

در اینجا امر دائر بود باینکه وقتی سانسور برقرار شد وتخطی از آن مجازات شناخته میشد ما یا باید روزنامه کاری را تعطیل کرده به کناری برویم و یا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کشور خدمت مطبوعاتی خود را ادامه داده و حتی الفوه در تنویر افکار و ترویج فرهنك و پیشرفت یك موسسه فرهنگی کام برداریم و امروز خوشوقت باشیم که در طول این مدت قدمی جز بخیر ملت و کشور بر نداشته ایم و خدمات اجتماعی و سلسله مقالات اخلاقی و کتب مفیدهٔ که علاوه بر آگاه نمودن روزانه عموم از کلیه اخبار کشور و دنیا در بیست سال انتشار دادیم بهترین معرف خدمتگذاری این مؤسسه بملت ایران میباشد.

حالا در جریان وقایع این موضوعات را میسنجیم و با هم بحث میکنیم که کدام یك برای ملت و مملکت مفیدتر بود و قضاوت آنرا بجامعه واگذار می نمائیم.

☆ ✿☆

برای اینکه سیرهٔ روزنامه اطلاعات از بدو تاسیس درخصوص عدم تظاهر و خودستائی مشهود گردد و معلوم شود که این موسسه فقط روی صداقت و صمیمیت گام بر میداشته و نظری جز حفظ مصلحت جامعه و خدمت بمیهنان عزیز از راه توسعه انتشارات خود نداشته لازم ندانستیم قسمتی از مقاله ای که آقای مسعودی بمناسبت سال در اطلاعات انتشار داده است نقل نمایم تا وقتی میگویم چرا در طرف هشت و نه سال دمو کراسی جدید در برابر اینهمه اتهامات دفاع نکردیم و حتی نگفتیم که چند سال از آخر دوره سلطنـت پهلوی سانسور بشدت وجود داشته است اگر از مرگ چندتن سیاسیمدار در زندان سخنی بیش از آنچه مجاز بوده ایم نگفته ایم و یا در انتشار بعضی مطالب کوتاهی کرده ایم بچه دلیل بوده است، ما در طی این مدت هر گز پیرامون ابراز این چند کلمه هم نکشیدیم که این دوسطر را بنویسیم و خودرا از چنك مغرضان و بدخواهان و حسودان خلاص سازیم، اطمینان داشته و داریم که مردم ما را بخوبی میشناسند و ارزش زحمـات و خـدمات مـا را چه در گذشته وچـه در دوره دمو کراسی جدید بـا وجـود پیدایش آفتاب آزادی که بهرج و مرج بدیـل گردید میدانند و مستحضرند کـه ما در هیچ موقع هیچگاه از جاده عفاف خارج شده و قلم را جـز بهدایت افکار بسمتی دیگر گردش ندادیم و از خود دفاع نکردیم و اینك که بعد میگوئیم چون باجازه خوانندگان عزیز در مقام بیان حقیقت افتاده ایم ناچـار هستیم آنچه را در دل داریم بر زبان آریم

وبرای یکبار دسته وطبقه‌ایرا که‌از گذشته ما بی‌خبرند یاحوادث ووقایع‌را بخاطر ندارند ، خاطراتی را روی مندرجات روزنامه تجدید نمائیم تاعامه مردم خدمتگزاران خودرا بشناسندوماچند صدنفر که اکنون این مؤسسه را میچرخانیم ودراین‌راه خدمت می کنیم. همچنان بگذشته خود مفتخرباشیم که روی زحمت ورنج با کمال حسن نیت وایمان وعقیده بمملکت توانسته‌ایم خدمات مطبوعاتی خودرا بنحواحسن‌انجام دهیم و اکنون در برابر جامعه سربلند وسرافراز باشیم.

دوره های روزنامه اطلاعات حاضراست هر کس‌میتواند آن‌را مطالعه کند وببیند که مندرجات‌آن چگونه بروفق مرام ومسلك عمومی ومصلحت‌جامعه و کشور جلورفته‌است ، آنچه تعریف وتمجید از رضاشاه‌فقیدشده همه بموقع وموردبوده وازتملق دور بوده‌است زیرا تمام‌مطالب منتشره بمناسبت‌ایجاد راهها، ساختمان پل‌ها ، تاسیس کارخانجات ، احداث‌راه آهن ، ایجادامنیت‌وآرامش کامل‌درسراسر کشور وهزاران خدمتی است که‌این مردبزرك وطن‌پرست بآب وخاك خود نموده‌است ، هشت ودوازده صفحه روزنامه ازمطالب عام‌المنفعه اخلاقی‌وعلمی‌و دینی پر شده است که‌هنوز هم آن‌مطالب تازگی دارد و اگر نقل شودمورد تحسین‌وتمجیدخواننده‌واقع‌می گردد ،

مردان فاضل دانشمند باخدائی مانند آقای راشد درآن‌زمان سلسله‌مقالاتی منتشر میکردند که‌اگر مجالی شد قسمت‌هائی ازآن‌نقل می‌شود تامردم‌قضاوت کنند که‌درآن‌موقع کارمندان اطلاعات چگونه‌وظایف‌ایمانی‌واخلاقی واجتماعی خودرا انجام میدادند .

حالا ازاین‌قسمت ها میگذریم و بموضوع می‌پردازیم ، مقاله‌سال‌دوم‌اطلاعات اینست :

«روزنامه‌اطلاعات باتاییدات الهی وتوجهات عموم هموطنان عزیزسال اول خودرا بپایان رسانیده اینك پابمرحله دوم می گذارد ونسبت‌باین موفقیتی که برای کار کنانش حاصل شده ذات باری‌تعالی‌را سپاسگذار و توفیق‌مسئلت مینمائیم.

مابهیچوجه نمیخواهیم اززحمات خود وموانع و مشکلاتی که دراین‌مدت برای روزنامه وجود داشته است ازخود صحبت کرده باشیم ولی برای‌اینکه حقایق مکتوم نماند وقدرزحمت معلوم شده و مطالب لازمه هم گفته شود دراین موقع که سال روزنامه تجدید میشود بی‌موقع نمی‌دانیم بخلاف‌عادت روزنامه که تا کنون یك کلمه از خودتعریف وتمجیدنکرده است‌شرحی‌بطور اختصار بعرض قارئین محترم برسانیم:اساس‌وپایه این روز نامه روی سعی و عمل گذاشته شده و از ابتدا روی همین اصل پا بعرصه‌وجود گذارده است .

این‌روزنامه بهیچوجه متکی به‌حزب وجمعیت‌یاطرفدار اشخاص‌نیست‌ودر هرموقع مصالح ومنافع مملکت رابرهر گونه نظریات شخصی‌وخصوصی‌ترجیح‌داده وروی مصالح عامه چیز نوشته‌است‌وهیچگونه استفاده‌ای سوای عایدات روزانه‌خود ندارد وبعبارة اخری‌هیچ اتکائی جز باحساسات وافکارعمومی وتوجهات مخصوصی که هموطنان عزیز تا کنون باین‌روزنامه داشته‌اند ندارد وموفقیت ماهم تاکنون در لوای حفظ‌همین اصل‌واهتمام خاص کار کنان روزنامه وبالاخره سرمایه مادی و معنوی شخصی‌بوده که توانسته‌ایم بامر خدمتگذاری خودادامه دهیم .

این‌مقدمه برای این‌است که درجه جدیت وپشت‌کار خودرا درانتشار روزنامه مرعی‌داشته ومدعی بشویم این‌روزنامه اولین روزنامه‌ایست درایران که ازروزانتشار تامدت یکسال بدون‌یکشماره تعطیل هرهفته شش‌شماره فقط باتکاء توجهات عامه و سرمایه سعی وعمل بدست قارئین گرام داده شده است .

البته روزنامه‌های مهمی درایران طلوع کرده است‌ولی‌باید تصدیق کرد که ازابتدا بطوریومیه نبوده بلکه هفته دوبار وسه‌بار کم کم هفته پنج نمره وشش‌نمره انتشاریافته است بنابراین این‌موفقیت وفکر بسکر انتشار عصرانه درمقابل آن‌همه زحمات ومشقات بزرگترین افتخار کار کنان این‌روزنامه میباشد .

اطلاعات درچهار صفحه : ازامروز که بحول وقوة الهی وارد سال‌دوم میشویم تصمیم گرفته‌ایم نواقص روزنامه را که ذیلا بآن اشاره می‌شودرفع ساخته و درنتیجه روزنامه را در چهار صفحه عصر انتشار دهیم . الی آخر.... »

***

گفتیم درسال دوم روزنامه نگاری خود بزیبائی وتنوع پرداختیم وچاپ عکس رامعمول ساختیم، اولین گراور ازاعلیحضرت فقید رئیس عالی مملکت بود و دومین‌عکس درشماره دوم سال دوم ازپدر

ملت رئیس مجلس شورای ملی آقای مؤتمن‌الملک پیرنیا زینت‌بخش صفحه اول شده که درزیر آن شرح‌حال و خدمات فقید سعید درج گردیده‌است که شمه‌ای از افکار عالی اورا در پایان مطلب امروز بیان خواهیم داشت.

عکس سوم از مرحوم سید المحققین دیبا نایب رئیس و بعد آقـای مرتضی قلی بیات (سهام السلطان) نایب رئیس دیگر مجلس چاپ شده و پس از چند عکس هیئت رئیسه مجلس باین اخطار اداره برمیخوریم:

« بواسطه شدت گرمی هوا شعبه گراورسازی مطبعه مجلس امروز چهار مرتبه گراور یکی از آقایان اعضاء هیئت رئیسه مجلس را که عکس و سایرکارهای مقدماتی آن تهیه شده‌بود ساخته ولی خراب در آمد تا ساعت چهار و نیم بعد از ظهر هم منتظر آن شدیم و بواسطه گرمی هوا حاضر نگردید.»

باین ترتیب موقتا چاپ گراور تعطیل گردید تا تاریخ ۸ شهریور که اعلان شده‌است: « اینک که گرمی هوا مرتفع و شعبه گراور سازی مطبعه مجلس موفق بساختن چندین گراور از آقایان نمایندگان مجلس شده است قریبا چاپ عکس شروع میشود.»

خوانندگان ملاحظه میفرمایند که این صنعت تاچه پایه عقب بود که گرما وسرما در ساختن گراور مؤثر واقع میشد، وچاپ عکس هم باچه مصیبتی انجام میگرفت که خود بحث جداگانه دارد و گاهی بشکل تخته سیاهی چاپ میشد که اساسا صاحب عکس شناخته نمیشد.

اداره اطلاعات بااین کیفیت چاپ عکس را در روزنامه معمول داشت و کم کم آن‌را ترقی داد تا امروز که پایه این صنعت را بجائی رسانیده که شعبه گراورسازی چاپخانه شرکت سهامی چاپ وابسته باطلاعات، درهرموقع که عکس داده شود کمتر از یکساعت گراور ساخته شده آن را تحویل میدهد ودایره هنری گراور سازی از لحاظ نقاشی ورنگ آمیزی زیر نظر مرد هنرمندی «آقای زانیچ خواه» که دوسال قبل از طرف این بنگاه برای تکمیل فن گراورسازی باروپا اعزام‌شد، آنقدر وسعت یافته که بهترین کلیشه‌ها وبهترین گراورها ازاین شعبه بیرون میرود ونمونه کامل آن عکس‌های رنگین پشت جلد اطلاعات ماهانه است که همه خوانندگان عزیز ملاحظه فرموده‌اند و تاچندی تصور میکردند که این عکس‌های رنگی درخارج از کشور بچاپ میرسد

***

ازمطالب خواندنی آن روز اینست که وزیران ومعاونین و کم کم روسای ادارات کلاه‌لبه‌داری که بنام کلاه پهلوی معمول بود سر میگذاشتند و باز از مطالب جالب توجه آن‌موقع جنجالی است که بر سر لایحه حفاظت جنگل‌ها درمجلس روی میدهد. حاج مخبرالسلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر فوایدعامه لایحه بودجه جنگلها را پیشنهاد میکند بعضی از نمایندگان منجمله آقای آقاسید یعقوب مخالف بوده و آنرا سلب حقوق مالکیت مردم دانسته وراضی نبودند که این لایحه مطرح شود بالاخره جنجال میشود و هر قدر رئیس‌الوزراء پشت تریبون فریاد میزند که آقایان جنگل‌ها باید از طرف دولت سرپرستی شود ومردم لایشعر اشجار را قطع نکنند جمعی جنجال می‌نمایند، نمیگذارند حرف بزنند و زنگ واخطار رئیس هم بجائی نمیرسد ومجلس آرام نمی‌شود بالاخره مرحوم مؤتمن‌الملک پیرنیا عصبانی شده زنگ ممتدی زده ومجلس ساکت میشود ومیگوید بگذارید اول من تکلیف خودرا معین کنم، آقای آقاسید یعقوب سه مرتبه بشما اخطار کردم متقاعد نشدید حالا باید ماده نظامنامه را درباره شما اجرا کنم، باید رای گرفته شود بخروج شما از مجلس.

آقاسید یعقوب ــ بنده نشنیدم ــ رئیس ــ اگر توضیحی دارید بفرمائید والا باید رأی گرفته شود.

آقاسید یعقوب ــ والله خدا شاهد است بنده نشنیدم.

رئیس ــ رأی میگیریم بخروج آقاسید یعقوب ازمجلس (عده قلیلی قیام کردند) تصویب نشد.

رئیس ــ پس تکلیف بنده معلوم شد (دراین‌موقع رئیس و هیئت رئیسه ازمجلس خارج شدند ومرحوم مؤتمن الملک یکسر بمنزل خودرفتند و نمایندگان در خارج دادوفریاد کردند ودیگر جلسه تشکیل نشد)

موضوع باین سادگی خاتمه نیافت، همان ساعت یکدسته ۴۰ نفری از وکلاء که آقای سید یعقوب هم جزو آنها بودند بمنزل مرحوم پیرنیا رفتند و از ایشان خواهش کردند دوباره بمجلس بیایند و ایشان امتناع مینمودند. رئیس‌الوزراء هم دراین تقاضا شرکت نموده بود، نمایندگان گفتند که آقاسید یعقوب متوجه اخطار ریاست مجلس نشده و مقام ریاست آقایان نمایندگان را از انتظاری که برای تشریف فرمائی خود دارند خارج سازند و خوشوقت فرمایند.

آقای پیرنیا جوابا شرحی اظهار داشته اند که وظیفه من حفظ نظامات مجلس است و با این ترتیب

تصدیق بفرمائید انتظام مجلس شالی از اشکال نیست. بالاخره در نتیجه مذاکرات زیاد آقای پیرنیا یکدرجه از اخطار خود تنزل نموده حضور خود را در جلسه به مواخذه از آقا سید یعقوب موکول می نمایند و میگویند اخطار مؤاخذه از آقاسید یعقوب بایستی بتصویب برسد تا من بدانم که میتوانم حافظ انتظامات و اجرای نظامنامه باشم. نمایندگان خوشحال میشوند و قبول میکنند لذا جلسه بعد بریاست نایب رئیس (مرحوم سید المحققین) تشکیل میشود و باتفاق آراء اخطار مؤاخذه را درباره آقاسید یعقوب تصویب می کنند و بعد تنفس میدهند و مرحوم پیرنیا در مجلس شرکت می جویند و جلسه را تشکیل میدهند.

اینست خصائل و صفات عالیه ای که مرحوم پیرنیا را مقام و موقعیت میداد و ملت ایران او را دوست میداشت همانطور که در واقعه بلوای جمهوری و اجتماع در مجلس و زد و خورد بین نظامیان و مردم که مرحوم پیرنیا از سردار سپه رئیس الوزرای وقت این جلوگیری و زد و خورد را سخت مؤاخذه نمود و شاه هم مانند فرد جامعه مقام رئیس ملت را احترام نگذاشت و پوزش طلبید.

* * *

از مطالب برجسته سال دوم اطلاعات کشمکشی است که بین دکتر میلسپو رئیس کل مالیه وقت و مرحوم نصرةالدوله فیروز وزیر دارائی بوقوع پیوسته است.

دکتر میلسپو در آنروز طرف توجه مردم بود، طرز فکر و عمل او با دفعهٔ دوم خدمت او تفاوت بسیار داشت، مالیه مملکت را سر و صورت داد و بودجه کل را تعدیل نموده بود و درباره وضع مالیات مراعات طبقات مولدهٔ ثروت و زارعین را مینمود فشار و سختگیری او در امور مالی و عدم پرداخت وجوهی جز آنچه مجلس شورای ملی اجازه دهد، رفته رفته کشمکشی ایجاد نموده بود و فکر خاتمه دادن بخدمت مستشاری که دیکتاتور مالیه شده بود در مغزها دورانده میشد.

اطلاعات از دکتر میلسپو حمایت میکرد. نامه های دکتر میلسپو را درج مینمود و این قضیه خود اسباب رنجش دولت شده بود ولی چون مردم مایل نبودند دکتر میلسپو برود و از نظر تنظیم امور مالی نیز وجودمفید او بود اطلاعات تا امکان نظر میلسپو را تقویت مینمود.

اولین نامه ای که دکتر میلسپو خطاب بوزیر دارائی نوشت و در اطلاعات انتشار یافت باین مضمون بوده «جناب مستطاب آقای وزیر مالیه، نظر باینکه اخیراً یك فقره لایحه مالیاتی جدیدی بمجلس شورایملی تقدیم کرده اید لازم میدانم بجناب عالی خاطرنشان کنم که اینجانب لایحه مزبور را تصویب نکرده ام..»

در جای دیگر مینویسد «نظر بمقدار زیادی نفت که اخیراً در امریکا علاوه بر معمول سابق استخراج کرده اند و منجر به تنزل قیمت نفت در بازارهای عالم شد در ۱۳۰۷ بابت حق الامتیاز دولت از شرکت محدود نفت انگلیس و ایران تخمیناً دو کرور تومان کسر عایدی پیش بینی میشود. از طرف دیگر لایحه ای که جنابعالی بمجلس تقدیم کرده اید تقریباً بیش از دو کرور تومان کسر عایدی تولید خواهد کرد لذا بودجه خرج بهمان میزان کاسته میشود و بدیهی است سال آینده کسر دخل بقدری گزاف خواهد بود که مالیه مملکت را دچار مخاطره خواهد ساخت..

«... راه اصلاح این سهو که از طرف دولت شده آنست که لایحه را از مجلس شورایملی مسترد دارید تا تجدید نظر لازم در آن بعمل آید و مجدداً بساحت مقدس مجلس تقدیم شود.»

مرحوم نصرةالدوله درجواب میلسپو پس از ذکر مقدماتی دایر باین که لایحه جدیدی که تهیه شده بود در کمیسیونی مرکب از آقای تیمورتاش وزیر دربار. آقای فروغی وزیر جنگ. آقای علاء وزیر فواید عامه و خود دکتر میلسپو مطالعه شده است مینویسد مقدمات تنظیم لایحه صحیح بوده و اگر مختصر تغییراتی در هیئت وزراء شده بهیچوجه مؤثر در مسائل اساسی نیست علاوه مگر بخاطر ندارید که در کمیسیون مکرر بشما و موسس خان و ناصری خطاب کرده و تقاضای تعیین ارقام تقریبی واحتمالی را راجع بکسر مالیات ارضی و عواید جدید از مالیات غیرارضی وانحصار نمودم. درخصوص کسر عایدات نفت میخواهم بشما تذکر بدهم که اولا مسجل نمودن اینگونه کسور قبل از رسیدن صورت محاسبه و مدارك قطعی دور از مصالح مملکت ایران بوده و ثانیاً اگرچه کسری هم موجود و بمبلغ دو کرور تومان بالغ شود چیزی که هنوز معلوم نیست نباید آنرا وسیله اضطراب و شورش قرار دهند.»

این مکاتبات کم کم وضع شدیدتری بخود گرفت و در بسیاری از مسائل مالی و اداری موارد اختلاف نظر وزیر دارائی با رئیس کل مالیه بامبادله نامه های تند صورت میگرفت تا منتهی بپایان خدمت دکتر میلسپو گردید و مستر

میکاسکی خزانه دارهای میلسپو بکفالت استخدام شد ولایحه او با کشمکش وجنجال از مجلس گذشت واز جمله
دکتر میلسپو آقای تقی زاده و آقای دکتر مصدق بودند که هر کدام نطقهای مفصلی کردند

***

دیگر از کارهای قابل ذکر وضع قانونی بود در مجلس که نمایندگان را از وزیر شدن ممنوع میساخت ،
این قانون برای این شد که بعضی از نمایندگان مجلس سودای وزارت در سرداشتند و از اینکه چهار تن از نما
آقایان تدین ، داور ، فیروز ، فاطمی داخل کابینه شده بودند ، سایرین هم بهوس افتاده ودر نتیجه مجلس را
میساختند تا دولت مستأصل شده ودر تشکیل کابینه تجدید نظر نموده وچند تن دیگر از داوطلبان وزارت را از
جلب نماید .

در آن روز بعضی از نمایندگان متوجه این نکته شدند که بر فرض وارد کردن دو سه نفر دیگر از
در کابینه مجلس آرامتر نخواهد شد بلکه تشنج شدت می‌یابد زیرا بقیه بهوس می‌افتند . این بود که در
۱۹ تیر ۱۳۰۶ طرحی با قید فوریت از طرف نمایندگان مجلس پیشنهاد شد مبنی براینکه « کلیه رؤ
دوائر دولتی از انتخاب شدن بعضویت مجلس شورای ملی در حوزه ماموریت خود محروم خواهند بود » و م
مدرس براین ماده واحده علاوه کردند « وهمچنین وزراء در موقع انتخابات از تمام مملکت » این پیشنهاد هم تصوی
سپس پیشنهادی بامضای جمعی از نمایندگان بقرار زیر تقدیم شد :

« ماده الحاقیه ـ تا انقضاء هر دوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمیتوانند هیچیك از خدمات دول
موظفا قبول کنند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت از نمایندگی استعفا بدهند . » و آقای دکتر مصدق موافق بوده و
مفصلی دادند مبنی براین که مجلس را باید از این تشنجات حزبی که بواسطه وزارت پیدا شده است خارج
باید یك اکثریت ثابتی را در مجلس بوجود آورد .

پس از مخالفتها و کشمکش ها ماده الحاقیه تصویب شد و باین ترتیب نمایندگان مجلس ممنوع شدند ک
دولت گردند ومجلس آرام گرفت لکن بعدها این ماده تفسیر شد ونمایندگانی که در دولت شرکت می
سه ماه حقوق نمیگرفتند ولی حقوق آنها بصورت پاداش با تصویب نامه صادر می گردید . درحقیقت قانون علاس
تا دردوره گذشته مجلس که این محدودیت تقریبا برداشته شد وحال آنکه قانون بسیار مفیدی بود و د
موارد مختلف بخصوص در این هشت سال اخیر که میخواستند قانون مزبور را لغو کنند طرفداری خود را در
حتی بصورت مبارزه علی رغم تمایل بسیاری از نمایندگان ادامه دادیم

***

قوانین مفید تخصیص اعتبار برای احداث راه آهن ، استخدام متخصص ذوب آهن و تاسیسات عمرانی از مجل
گذشت وقدمهای سودمند دراجرای اصلاحات اساسی برداشته می شد

یك روز (۲۴ مرداد ۱۳۰۶) شاه فقید بتفتیش وزارتخانه ها پرداخت ، صبح خیلی زود بود که از عمارت
سعدآباد حرکت نموده چند دقیقه قبل از ساعت هفت صبح اتومبیل اعلیحضرت در وزارت فواید عامه ایستاد
وزارتخانه هنوز باز نشده وهیچیك از اعضا حاضر نبودند فقط سرایدار وچند نفر مستخدم مشغول جارو وتمیز
اطاقها بوده‌اند ، مستخدمین داخل عمارت هیچ متوجه نمیشوند فقط می بینند صاحب منصبی در حیاط وزارتخانه قد
ولی وقتی که پیشخدمت شاه فقید بمستخدمین وزارتخانه میگوید مبادا راجع بتشریف آوردن اعلیحضرت
بوزارتخانه‌ها وادارات تلفن کنید ، آنوقت مستخدمین متوجه موضوع میشوند .

شاه فقید پس از قدری توقف واستحضار از اینکه کسی سروقت حاضر نشده از درحیاط گلستان وتخ
بوزارت خارجه میروند ، آنجا نیز تازه باز شده و چند تن مستخدم حاضر بوده مشغول آب وجارو بوده‌اند واز
اعضاء خبری نبوده است واز همان حیاط وارد عمارت وزارت دارائی میشوند ویکسر بطرف اطاق وزیر دارائی
پیشخدمت پرده اطاق وزیر را بالا میزند ولی چون کسی نبوده شاه داخل نشده ، تمام اطاق ها را س
می نماید وهیچکس نبوده درانتهای عمارت کمال الوزاره و سرهنگ علائی از اطاقهای خود خارج شده
می‌شوند ، از این اطاق باطاق مترجمین میروند عده‌ای هم در آنجا بودند حاج قطن الملك معاون رئیس کل مالیه
واعلیحضرت می‌پرسند مگر ساعت هفت صبح وقت حضور اعضاء نیست بعرض میرسد بله ، ساعت خود را در آورد

میدیدند که الان ده دقیقه از هفت می‌گذرد و باین ترتیب یکساعت دیگر هم تمام اعضاء در سرکار حاضر نخواهند بود. این چه وضعی است که در وزارتخانها معمول میباشد. بعد میفرمایند: «این مستخدمینی که کار ثابت دارند و حقوق دولت رامی گیرند با کدام کار و حسن انجام وظیفه اعتصاب هم میکنند.»

شاه از گردش سایر وزارتخانها صرف نظر نموده پیاده در خیابان بسمت وزارت عدلیه رفته و پس از توقفی در دیوان عالی تمیز بسمت خیابان باب همایون میروند و از آنجا با اتومبیل بوزارت جنگ مراجعت میکنند و در این خصوص بعد از وزیران مسئولیت میخواهند و سخت مواخذه میکنند

روزنامه اطلاعات باین خبر علاوه کرده است که تمام حرف آن روز اعضاء ادارات سرکشی اعلیحضرت بود و همه بخیال افتاده‌اند که شاه ممکن است این سرکشی وزارتخانها را ادامه دهد، از آن روز ببعد ساعات حضور اعضاء وزارتخانها منظم گردید و آنهائیکه تاساعت ۹ هنوز حاضر نمیشدند از فردا سرساعت ۷ حضور پیدا کردند بخصوص اینکه شایع شد که شاه بازرسانی بوزارتخانها خواهد فرستاد که حضور و غیاب و کار اعضاء ادارات وارسید گی و گزارش دهند باینجهت همه حساب کار را کردند و دانستند که با این شخص نمیتوان شوخی کرد.

•

روز یکشنبه ۲۳ مهر ماه ۱۳۰۶ اعلیحضرت فقید در میان شلیک توپ، کلنگ نقره‌ای را که آقای حاج مخبرالسلطنه بدست ایشان دادند در صحرائی که امروز ایستگاه تهران ساخته شده است برزمین زدند و چنین گفتند: «امروز بعون‌الله تعالی یکی از آرزوهای دیرینه من قدم دیگری از مراحل عملی خود را طی کرد و در محلی که ایستگاه آتیه راه آهن خواهد بود عملیات ساختمان راه آهن را افتتاح میکنم، درهمان موقع که در تهران شروع بساختن راه آهن میشود اجازه می‌دهم که درجنوب وشمال یعنی در اهواز و بندرجز نیز شروع بساختن راه بشود.»

بعد از بیانات مفصل شاه فقید مرحوم مؤتمن‌الملک رئیس مجلس گفتند که ملت ایران از این موفقیت اعلیحضرت همایونی در انشاء راه آهن فوق‌العاده مسرور و خوشوقت میباشند و امیدواریم بتدریج اصلاحات مهمی در مملکت پیدا شده وملت ایران سعادتمند و کامیاب گردد.

در آن روز طوفانی که باد بشدت میوزید و چادرهائی که نماینده گان سیاسی و هیئت دولت در آن بودند کنده شد هیچکس باور نمی کرد در این نقطه که شاه فقید کلنگ زد و بعد بیرق کوچکی در آنجا نصب گردید امروز چنین سازمان وسیعی بوجود آید وقسمت زیادی از کشور دارای راه آهن شود و کوهستان‌های صعب و سرسخت ایران شکسم باز کنند وراه آهن را از آن عبور دهند.

آنروز بسیاری ازمردم موضوع ساختن راه آهن را امری غیرممکن میدانستند ولی روی حسن نیت واهتمام ومراقبت ها ودلسوزیهـای آن شاه بزرگوار این آرزوی ملی جامه عمل پوشید و بهترین وسایط نقلیه وزیباترین واگونها را براه انداخت لکن باکمال تاسف بجای اینکه این یادگار بزرگ شاهنشاه فقید حفظ وحراست گردیده راه ترقی وتکامل راپیماید روز بروز سیر قهقرا را پیموده است.

☆☆☆

هرقدر اطلاعات مورد استقبال مردم قرار می گرفت و برمیزان انتشارش افزوده میشد، بهمان درجه تشکیلات آن توسعه می یافت. اطلاعات درسال دوم محل کوچک خود را تغییر داده بود، از آن دواطاق و یک زیر زمین کوچه وثوق نظام ببرون آمده ودر یکی از بالاخانه های خیابان لاله زار متعلق بآقای علی اکبر نکوئی جای گرفته بود. این عمارت دارای پنج اطاق بود و اطلاعات توانست دائرهٔ خبرنگاری، اطاق محاسبات، اطاق توزیع، اطاق آبونمان واعلان و اطاق مدیررا ازهم جدا سازد و باین ترتیب تشاشی درکار پیدا کند.

بعضی خاطره‌ها برای من باقی مانده که ذکر آنرا لازم میدانم و برای کسانیکه میخواهند قدم بعرصهٔ زندگی گذاشته وراه کمال وترقی را بپیمایند دانستن آن مفید می‌باشد، اطلاعات از روزی که تابلوی «مرکز اطلاعات» را دربالاخانهٔ عمارت آقای حاج مهدی سلامت بالا برد تاامروز که سازمان آبرومندی بوجود آورده است بحقوق مردم، اعم ازحقوق مادی یامعنوی احترام گذاشته است، رعایت حیثیت واحترامات مردم را ازلحاظ وظیفه نامه نگاری نموده وحق مادی مردم را هم زیرپا نگذاشته و کلاهی از کسی برنداشته وحق کسی را پایمال نساخته است. در

حقیقت اطلاعات از بدو تأسیس بخوش حسابی معروف شد وامروز هم بهمین صفت شناخته میشود.

خوب بخاطر دارم وقتی آقای مسعودی میخواست از آقای نکوئی بالاخانه واقع درخیابان لاله‌زار را اجاره کند ایشان با اکراه بسیار وشاید بامراجعه بموجرین قبلی اطلاعات راضی شد عمارت خود را اجاره بدهد. او حق داشت در این امر مشکوك ومردد باشد زیرا متأسفانه در آن زمان خاطره های بدی از چگونگی معاملات بعضی از روزنامه نویسان بخصوص با صاحبان خانه و مستغلات باقی مانده بود.

حقیقتش این است که برخی از روزنامه نویسان در آن زمان نه فقط مال‌الاجاره را نمیپرداختند بلکه اتفاق افتاد که دعوی مالکیت هم کردند و این قضیه طوری در افکار مالکین تاثیر بد کرده بود که وقتی کفته میشد این خانه را فلان روزنامه نویس میخواهد اجاره کند، بهیچ قیمتی حاضر به اجاره دادن نمی شدند و همین گرفتاری را آقای مسعودی در اجاره کردن خانه مسکونی خود داشت که گاهی بنام غیر روزنامه نویس اجاره میکرد.

حالا گوش بدهید طرز معامله و رفتار این آقای نکوئی را که ابتدا با اکراه عمارت خود را اجاره داده بود و بعد چگونه با اطلاعات رفتار کرد؟

آقای نکوئی که راستی مرد بلندنظر وشریف ونیکوکاری هستند همینکه بطرز رفتار وافکار مسعودی آشنا شد چنان شیفتهٔ مؤسسه اطلاعات گردید که هیچ حاضر نبود اداره اطلاعات از خانه های او بیرون برود، پس از مدتی که اطلاعات در بالاخانه لاله‌زار جای داشت واحساس کمی وسعت نمود، خانه دیگر خود را در کوچه برلن بدون اجاره نامه دراختیار مدیر اطلاعات گذاشت وبعد از آن درخانه دیگرش واقع در کوچه باریکی درلاله‌زار اطلاعات را جای داد وا گر موضوع نصب ماشین چاپ روزنامه نبود، هرگز نکوئی مستاجر خوش حساب خود را رها نمی کرد وحتی حاضر شده بود خانه کوچه برلن خود را بکوبد وازنو بسازد که اطلاعات بتواند سازمان وسیعش را در آن جای دهد ولی چون این کار غیر عملی بود پس از چند سال که اداره اطلاعات مورد لطف آقای نکوئی بود ناچار بعمارت انتخابیه درچهارراه وزارت جنگ که محل وسیعی بود انتقال یافت وپایهٔ تأسیس چاپخانه امروزی در آنجا ریخته شد.

این خاطره را برای این ذکر کردم که خوانندگان عزیز بخط مشی اطلاعات در حفظ قول و مراعات حقوق مردم وحسن معاملات مالی خود از بدو تاسیس واقف شوند و بدانند که مدیر اطلاعات در همان روز گاری که برای معاش خود معطل بود، پرداخت حقوق کارمند و مستخدم و کرایه و مخارج ضروری دیگر را بر معیشت خود ترجیح میداد و همین خط مشی و پیروی از راستی و درستی وامانت تا امروز در این موسسه پایدار و برقرار است که این خود بهترین سرمایه معنوی اطلاعات میباشد وبهمین جهت است که در هر موقع اطلاعات دست بکار برای وام یا گرفتن اعتبار دراز کرده است از چند سو بسمت او دست ها برای کمك دراز شده است، تاسیس شرکت سهامی چاپ که بدان خواهیم رسید خود یکی از دلائل بارز حسن توجه و اعتماد عامه باطلاعات بود که ملاحظه خواهید فرمود چطور یکدفعه مردم اعم از بازرگان و مردم متفرقه حاضر شدند در آن زمان با آن کیفیت معاملات بعضی روزنامه نویسان که مختصری بیان شد بایك روزنامه نویس شرکت تشکیل بدهند، سرمایه بریزند و صد درصد سرمایهٔ خود را دراختیار روزنامه نویس بگذارند.

بالاخره اداره اطلاعات درطی یکربع قرن ضمن خدمات اجتماعی واخلاقی وسیاسی خود، با این طرز رفتار خود توانست آثار شوم وخاطرات بدی که از چگونگی معاملات بعضی روزنامه نویسان سابق باقی مانده بود زائل سازد وبجای آن حسن توجه واعتماد بوجود آورد ودر حقیقت این خود خدمت بسزائی بعالم مطبوعات بود که بروزن وشأن وحیثیت مطبوعات بیش از پیش افزود.

این نکته نیز لازم بتذکار میباشد که بنگاه اطلاعات در تمام دوره خدمتگذاری مطبوعاتی خود دیناری جز بابت آبونمان واعلان از هیچکس نه مقامات ملی و نه مقامات دولتی بهیچ عنوان دریافت نداشته است که این خود یکی از افتخارات مدیر و کارمندان اطلاعات میباشد که در پرتو سعی ومجاهدت خود کار کرده و پیش رفته اند.

* * *

از این قسمت میگذریم وبرمیگردیم بذکر چند تاریخچه:

اطلاعات در ۲۷ مهر ۱۳۰۶ بمناسبت تصویب عهدنامه های تامینیه و بیطرفی بین ایران وشوروی در مجلس شورایملی که باتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفته است تحت عنوان یك روز مبارك مینویسد «همانطور که آقای تقی زاده

دیروز در مجلس لایحه قرارداد بین دولتین ایران و شوروی را که لایحه مبارکی نام نهادند ما هم امروز را که ملت ایران موفق بعقد قرارداد برای تشیید و استحکام روابط ودادیه و صلح‌جویانه با ملت دوست و همسایه خود اتحاد جماهیر شوروی میگردد روز مبارکی میدانیم . مجلس شورای ملی با قیافه بشاش و بقول آقا سید یعقوب با هلهله و شادی باتفاق آراء عهدنامه مودت و بیطرفی دولتین را تصویب نمود کسانیکه در این باره شخص اعلیحضرت پهلوی توجه مخصوص داشتند و میخواستند پایه های روابط بین ما و شوروی براساس محکم و احترامات متقابل استوار باشد .

در همین تاریخ قراردادی هم بدستور شاهنشاه فقید بین کفیل وزارت خارجه ایران آقای پاکروان و شارژدافر فرانسه آقای بالزو بامضاء رسید که طبق آن امتیازات فرانسویها که از سال ۱۹۰۰ مسیحی با دولت فرانسه درباره حفریات و کشف آثار تاریخی ایران منعقد شده بود ملغی گردید و یکی از زنجیرهائی که سالها بردست و پای مملکت بسته شده بود و اختیار مطلق حفریات بفرانسویها داده شده بود پاره شد و باین ترتیب پایه استخدام مسیو گدار متخصص باستان شناس برای پنجسال و درصورت موافقت دولت ایران لااقل سه پنجسال دیگر ریخته شد که خوشبختانه این متخصص عالیمقام در دوره استخدام خود خدماتی را از لحاظ باستان‌شناسی و حفظ آثار عتیقه ایران انجام داده است

امتیازنامه قدیم این بود که برای اینکه مامورین فرانسوی حق داشتند در تمام خاک ایران و حتی در تمام املاک افراد این مملکت کاوش نموده بحفریات بپردازند و آنچه از کاوش بدست می آید بملکیت دولت فرانسه شناخته شده بود و دولت ایران را از داشتن آثار تاریخی خود محروم میکرد و دلخوشی عجیب دولت ایران مدلول فصل سوم بود از این قرار «تمام مخارج حفاری از هر جهت بعهده دولت فرانسه خواهد بود – دولت علیه ایران بهیچوجه من الوجوه مشارکتی در مخارج نخواهد داشت» که وزیر معارف وقت مفهوم امتیازنامه عجیب ملغی شده را باطلاع مجلس میرسانید و باین قسمت رسید وکلاء فریاد زدند واقعا خیلی لطف فرموده‌اند .

کاپیتولاسیون ، یا حق قضاوت قونسولات خارجی در ایران که یکی از شرم آورترین رفتاری بود که قبل از سلطنت پهلوی در ایران طبق مقاولات خارجیان جاری میشد ، در همان اوان سلطنت رضاشاه الغاء گردید و این قدم بزرگی که برای خلاصی ملت ایران از زیر بار نفوذ اجانب برداشته شد اثر برجسته‌ای در ایران باقی گذاشت . تا آنموقع اگر دعوائی بین یک فرد ایرانی با یک نفر خارجی رخ میداد موضوع بحکمیت و قضاوت قونسول اجنبی احاله می گردید و قونسولگری‌ها برای خود این حق را قائل بودند که در مسائل قضائی حکومت داشته باشند و ارجاع چنین اموری بدادگستری ایران نمیشد ، این رفتار شرم آور و ننگین که ایران را در دنیا مفتضح ساخته بود و ملت ایران را در برابر اجانب زبون و عاجز و برده و غلام نموده بود با همت مرد بزرگی که عظمت میهن خود را آرزو داشت موقوف و ملغی گردید . زنجیرها پاره شد و حق قضاوت قونسولات خارجی یکبار از بین رفت و شاه فقید ثابت کرد ایران مملکتی است آزاد و ایرانی استقلال خود را دوست میدارد و بهیچوجه اجازه نخواهد داد خارجیان در امور داخلی ما دخالت کنند ، ما هم مردمی زنده هستیم و میخواهیم با سربلندی و افتخار در دنیا بسر بریم .

شاه فقید در تمام رفرم و اصلاحات خود این نظر را تعقیب میکرد که ایران ما هم باید در عداد کشور های مترقی جهان قرار گیرد ، ایرانی نمیتواند برده و غلام باشد ، روابط ما با دنیا باید روی حقوق و احترامات متقابل باشد و در هر قدم خود سعی میکرد راه اعمال نفوذ و مداخلات اجانب را در ایران مسدود کند و در این زمینه تا جائی پیش رفت که حتی وزیران و زمامداران کشور جرئت نداشتند با سفارتخانه‌های خارجی آمیزش و معاشرت کنند مگر آنکه قبلا تحصیل اجازه نمایند .

✿✿✿

وقتی دوره سال دوم اطلاعات را ورق میزنید بشماره ۳۴۶ مورخه ۸ آبان ۱۳۰۶ برمیخورید که در صفحه اول عکس مرحوم مدرس چاپ شده و فقید سعید خطاب بمدیر اطلاعات تاریخچه زندگی خود را شرح داده است که اکنون پس از بیست و سه سال ما داریم میخوانیم کسانی که میل دارند از زبان آن مرحوم شرح حالش را بخوانند

متن مکتوب مرحوم مدرس:

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت باشرافت مدیر محترم روزنامه اطلاعات وفقه الله تعالی تقاضا فرموده بودند سرگذشت خودم را از لحاظ شریف بگذرانم اجابه بنحو اختصار نموده میدهم ولادت من در حدود یکهزار و دویست و هشتاد و هفت هجری که

تقریبا اولاقریب شصت سال زندگانی را طی نموده‌ام مولدمن درقریه سرابه کچو ازتوابع اردستان پدرم اسماعیل جدم میرعبدالباقی ازطایفه میرعابدین که فعلا هم اکثر آنها درآن قریه ساکن میباشند ازسادات طباطبائی و اصلا زواره‌ای شغل پدر وجدمن منبر وتبلیغ احکام الهی جدابی من میرعبدالباقی اززهاد محسوب بودند مهاجرت بقمشه واقع درجنوب اصفهان درخط وطریق فارسی نمودند مراهم درسن شش سالگی تقریبا بجهت تربیت هجرت داد بقمشه نزد خود بردند سن صباوت راخدمت آن بزرگوار بسربرده ١٤سال تقریبا ازعمرم گذشت که جدم مرحوم شد حسب الوصیه آن مرحوم تقریبا درسن ١٦ سالگی بجهت تحصیل باصفهان آمدم سیزده سال دراصفهان مشغول تحصیل بودم درسن ٢١ سالگی پدرم مرحوم شد مدت توقف دراصفهان قریب ١٣ سال شد قریب سی نفر استاد را دراین مدت درعلوم عربیه وفقه واصول ومعقول درک کردم که ازبرجسته آنها درعلوم عربیه مرحوم آقامیرزا عبدالعلی هرندی نحوی بوده که تقریبا ٨٠ سال عمر داشته صاحب تصانیف زیاد ولی ازبی‌اقبالی دنیا مهجور ماندند ودرعلم معقول مرحومین جهانگیرخان قشقائی وآخوند ملامحمد کاشانی که هردو عمر خودرا درمدرسه صدر اصفهان بآخر رسانیده بوضع زهد دنیا را وداع فرمودند.

بعد ازواقعه دخانیه بعتبات عالیات مشرف شدم بعدازتشرف حضور حضرت آیت‌الله حاجی میرزا حسن شیرازی رحمت‌الله علیه بجهت تحصیل توقف درنجف اشرف رااختیار کردم علماء وبزرگان آنزمان راتیمنا وتبرکا کلادرک کرده وازاغلب استفاده نمودم ولی عمده تحصیلات من خدمت مرحومین مغفورین حجتین کاظمین خراسانی و یزدی بود تشرف من درعتبات تقریبا هفت سال شدبعد مراجعت باصفهان نمودم در مدرسه جده کوچک مدرسه‌ایست باین اسم دراصفهان مشغول تدریس فقه واصول شدم بترتیبی که فعلا هم درمدرسه سپهسالار مشغولم وازخداوندتوفیق میخواهم که بهمین قسم بقیه عمر رامشغول باشم بعدازمراجعت ازعتبات دراصفهان فقط ازامورات اجتماعی مباحثه وتدریسی رااختیار کرده بودم تازمان انقلاب استبداد بمشروطه مجبورا اوضاع دیگری پیش‌آمد که میتوان گفت اتسع الخرق علی الراقع برحسب امر حجج اسلام عتبات عالیات ودعوت دوره دویم مجلس شورایملی بعنوان طراز اول نظارت مجلس شورای بتهران آمدم و دوره های مجلس را تاحال ادراک کرده‌ام دیدنی‌ها رادیده‌اید و شنیده ها راشنیده‌اید درمدت چندسال انقلاب ازجمله وقایعی که برمن روی داده دوسال مهاجرت است بامجاهدین ایرانی درجنگ عمومی که بمسافرت عراق عرب وسوریه و اسلامبول منتهی شد که تفصیل آنرا مجالی باید ونیز دودفعه مورد حمله شدم یکی دراصفهان که درمدرسه جده بزرگ دروسط روز چهارتیر تفنگ وغیره بمن‌انداختندولی موفق نشدند وآنها راتعقیب نکردم ومرتبه دوم سال گذشته بود که جنب مدرسه سپهسالاراول آفتاب که بجهت تدریس بمدرسه میرفتم درهمین ایام تقریبا ده‌نفر مرا احاطه نمودند و فی‌الحقیقه تیرباران کردند از تیرهای زیاد که انداختند چهار عدد کاری شد سه‌عدد بدست چپ معارن پهلوجنب همدیگر زیرمرفق وبالای مرفق وزیرشانه حقیقه تیر اندازان قابلی بودند درهدف کردن قلب خطا نکردند ولی‌مشیةالهی سبب رابی‌اثر نمود یکعددهم به مرفق دست راست خورد ولاحول ولاقوةالابالله العلی العظیم- فی٧- شهر ربیع‌الثانی ١٣٤٦ **مدرس**

***

ازوقایع دیگر این سال اجتماع آقایان علماء اصفهان وشیرازدرقم توام با تعطیل عمومی این‌دوشهر برسر اجرای قانون نظام وظیفه می‌باشد، پس ازاجتماع درقم تلگرافاتی بمجلس مخابره نمودند وشکایت آقایان درجلسه خصوصی مطرح شدولی بهیچوجه قبول نشد ومقرر گردید بآنهاجواب داده‌شود.

از هیئت علمیه تلگرافی نیز در روزنامه اطلاعات درج شده است از اینقرار:ـ

« ما هیئت علمیه مهاجر که مدتی است درقم مقیم هستیم وازطرفی هم شیرازو اصفهان که البته مستحضرید تعطیل نموده اند تقاضای ما این است که راجع بنظام اجباری راه حلی پیدانمایند زیرا باوضعیت مردم و اینکه عده زیادی درمملکت بیکار هستند مناسب‌تر آنست که نظام داوطلبی درمملکت اجرا گردد. بنابراین برای تعیین تکلیف تقاضا می نمائیم که مجلس‌شورای‌ملی راه‌حلی پیدانمایند. «هیئت علمیه مهاجر»

جواب مجلس با قایان علماء -« موقعی که قانون نظام عمومی بمجلس شورای ملی پیشنهاد شد منافع ومضار آن ازطرف نمایندگان مجلس کاملا سنجیده شده بالاخره اینطور تشخیص داده شد که منافع آن بیشتر و برای

ملکت لازم است بدین لحاظ قانون مزبور تصویب شده و درنظر اجرای آن تسهیلاتی که برای طلاب لازم است هیئت دولت کاملا مراقب آن خواهند بود که اولا قانون اجرا گردد و باز هم بهیئت دولت تذکر داده شد که نسبت بطلاب رعایتهای قانونی نمایند.»

موضوع باینجا خاتمه نیافت و کم کم شدت پیدا میکرد تا بالاخره آقای شریعتمدار اصفهانی بطهران آمده و باتفاق آقای حاج مخبرالسلطنه رئیس الوزراء حضور شاه شرفیاب شدند و بدنبال آن مرحوم تیمورتاش وزیر دربار باتفاق رئیس الوزراء و مرحوم حاج امام جمعه و آقای ظهیرالاسلام بقم رفتند و از مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم دیدن نمودند.

و بالاخره موافقت نظر حاصل شد که آقایان قشارکی و سیدالعراقین اصفهانی بنمایندگی علماء بتهران بیایند و باجتماع خاتمه بدهند و تقاضاهای آقایان علماء انجام شود ازینقرار:

۱- تجدیدنظر درقانون نظام اجباری ۲- انتخاب پنج نفر ازعلماء درمجلس بعنوان طراز اول ۳- تعیین ناظر شرعیات درکلیه ولایات بترتیب مقرر و مطابق قانون مصوبه ۴- اجرای موادیکه در تشکیلات سابق وزارت عدلیه مربوط بمحاضر شرع موجود بوده است.

رضاشاه فقید درجواب تلگراف علماء قم چنین پاسخ میدهد:

«بعدالعنوان ... چنانکه البته بجنابان عالی مشهود و معلوم شده است هیچوقت منظوری جز حفظ عظمت و شوکت اسلام و رعایت مقام و احترام پیشوایان روحانی نداشته و همیشه علاقمند باین مقصود بوده و هستیم که اجرای عقاید و نیات ما نسبت بسلسله علماء اعلام و ترویج شعائر مقدسه اسلامی باهیچ مانع و عائقی مصادف نشود امیدواریم علماء اعلام نیز این نیت و عقیده را که البته مقرون خیر و صلاح مملکت و حفظ عظمت دیانت است همه وقت حسن استقبال نموده باابراز صمیمیت بیش از پیش خاطر ما را قرین خرسندی و مسرت دارند. محل صحه همایونی»

* * *

بیائید باهم قدری درسر زمین پهناور چین وارد شده از چگونگی احوال آن ملت استعلام کنیم.

این اولین جملهٔ مقاله اطلاعات است در ۳۰ آذر ۱۳۰۶ که معلوم میشود این کشور مصیبت دیده سالیان دراز است در آتش هرج و مرج و زد و خورد میسوزد. در آن روز علل جنگ و جدال داخلی را اطلاعات درسرمقاله خود چنین ذکر میکند:

«از وقتی که ملت چین خواست حصار و دیوار مملکت خود را برچیده و با دول متمدنه عالم ارتباط پیدا کند باین بدبختی مبتلا گردید، همان روزی که پای ملل مختلف باین مملکت باز شد، بجای سعادتی که انتظار میکشیدند شقاوت و بیرحمی جانشین آن گردید، خارجیان خواستند از بازار چین و تامین احتیاجات چهارصد میلیون نفوس چین استفاده کنند و رقابت برسر این بازار بزرگ پیدا شد تا امروز که جدال خانگی دامن زده میشود... الی آخر.»

* * *

یکی از جلسات مجلس را میخواسته اند پیشنهاد کنند که بمناسبت فوت حجت الاسلام حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران تعطیل شود و چون اکثریت نمایندگان با تعطیل مخالف بوده اند جمعی از مرحوم مؤتمن الملک اجازه میگیرند که در مراسم تشییع جنازه حضور پیدا کنند از جمله مرحوم مدرس، آقای آشتیانی، مرحوم بهبهانی، معتمدالتولیه، آیت الله زاده اصفهانی، حاج شیخ ساب و چند نفر دیگر اجازه میگیرند و میروند بعد جلسه تشکیل میشود و آقای سید یعقوب در مجلس اظهار میدارد که ما باید حیثیات ملی و مذهبی را حفظ کنیم و تعطیل را فقط در مورد ایامی که در نزد ملت ایران عزیز و مقدس است و اعیاد مذهبی روا داریم من مطابق اختیاراتی که دارم حقوق آن وزارتخانه ها را که تعطیل کرده اند در کمیسیون بودجه کسر خواهم گذاشت. اگر حالا تعطیل کنیم پس خدای نخواسته آقای حاج شیخ عبدالکریم اگر حادثه ای برایشان رخ داد لابد باید تعطیل نمائیم. بعد از آنکه مجلس بعنوان تنفس تعطیل میشود مرحوم پیرنیا در موقعی که از جلسه خارج میشدند حاج میرزا مرتضی کرمانی را که در اطاق تنفس بوده و از حضور در جلسه خودداری کرده بود می بینند ایشان را احضار نموده و میگویند: «تو اجازه گرفته بودی که برای تشییع جنازه بروی اینجا چه کار داری؟ تو میخواهی باسم تشییع جنازه مجلس را از اکثریت بیاندازی و برای (ابستر کسیون) محرک میشوی، میخواهی بدهم تو را حبس کنند بعد به پیشخدمت امر میدهند مشارالیه را توقیف کنند در همان موقع خود او اظهار بی گناهی میکند و چند تن واسطه میشوند و رئیس اغماض مینماید و دستور رفع توقیف او را میدهد.

یك روز دیگر اعلیحضرت فقید سرزده بوزارتخانها میرود و آن روز ۹ آذر ۱۳۰۶ بود که صبح زود قصر شخصی بعمارت گلستان آمده و پس از قدری توقف بوزارت مالیه میرود و چون غیر از معاون و چند نفر کسی حاضر نشده بود مؤاخذه می کند و دستور می دهد در وزارت مالیه را به بندند

برحسب امر شاه در وزارتخانه بسته میشود ، اعضاء وزارتخانها دسته دسته حاضر میشوند و پشت در اطاق میکشند و از جریان مطلع میشوند ، از آنطرف اعلیحضرت فقید بوزارت فواید عامه تشریف میبرند در آنجا رئیس اداره تجارت حاضر بوده و حضور شاه شرفیاب میشود و اعلیحضرت دستور میدهند در آن وزارتخانه را نیز ببندند بعد دفتر حاضر و غائب را میخواهند و امر میکنند که صورت غائبین را گزارش دهند تا از آنها مؤاخذه شود

دراین موقع جلوی دراین دو وزارتخانه اعضاء بحال بی تکلیفی بوده اند وضمنا وحشت و نگرانی شدید بر آنها مستولی شده بود ولی اعلیحضرت دستور باز کردن وزارتخانهای مزبور را میدهند و از آن ببعد موضوع حضور سروقت و امضاء کردن دفتر حاضر وغائب صورت جدی بخود می گیرد ومراقبت بیشتری دراین امر از طرف متصدیان امور میشود .

* * *

موضوع سازمان جدید دادگستری پس از انحلال ازمسائل مهم روز بود مرحوم داور پس از چند روز غیبت ومخفی شدن از ارباب رجوع سازمانی داد ومصمم بود که عدلیه را از عناصر نادرست، پاك ومنزه سازد، اشل حقوق قضاه را بالا برد وقضاة عالی مقام را تشویق وتأیید نمود وبسیاری از جوانان فاضل را دعوت بکار کرد و همین آقای اللهیار صالح که تا آنموقع درسفارت آمریکا منشی بودند بنا بتشویق مرحوم داور وجمع کردن عناصر پاك و میهن پرست ایشان را درکادر استخدام دولت وارد نمودند واولین پست ایشان مستنطقی درجه اول در وزارت دادگستری بود که بعدها بتدریج ارتقاء یافتند، متاسفانه بازهم عناصر نادرست درمحاکم باتشبث و توسل راه پیدا کردند واعتراضات شروع شد وبالاخره مرحوم داور اعلانی دراطلاعات منتشر کرد باین مضمون که . « هر کس سابقه رشوه دریکی از قضاة فعلی عدلیه سراغ دارد وهمچنین هر کسی مطلع شود که یکی از قضاة یا مدعی العموم ها و وکلای عمومی و مستنطقین فعلی عدلیه رشوه گرفته و وزارت عدلیه را مستحضر کند از صد تا هزار تومان جائزه خواهد گرفت .»

* * *

در اصفهان بمناسبت فوت آقای حاج آقا نورالله اصفهانی (اوایل دی ۳۰۶) عده‌ای از اهالی اصفهان دستجاتی برای عزاداری راه انداخته وتیغ زدند ویکی دو نفر هم فوت کردند .

اطلاعات درزیر این خبر مینویسد « قرائت این خبر حقیقتاً هر خواننده را متاسف میسازد زیرا اگر مردم همینقدر خود را زحمت میدادند واز آقایان علماء وزعماء قوم ومجتهدین پرسش میکردند حتی آنها را از تیغ زنی درروز عاشورا منع میکردند چنانچه آیه‌الله آقای حاج شیخ عبدالکریم وسایر آقایان علماء حوزه مکرر نظریات خود را دراین خصوص اظهار داشته‌اند .پس گناه آن متوجه کسانی است که میتوانند وسیله موعظه مردم را براه راستی وشاهراه مقدس مذهب اسلام هدایت وراهنمائی کنند ودریغ می نمایند .

* * *

ورقه هویت: قانونی برای سجل احوال در کشور نبود، کسی شناسنامه نداشت و نام خانواده کسی اختصاصی نبود، قانونی در خرداد ۱۳۰۴ در این باره گذشته بود ولی ناقص و در حقیقت مردم ایران ورقه هویت نداشتند. در تاریخ بهمن ۳۰۶ قانونی مجلس شورای ملی پیشنهاد وبعدها تصویب گردید که موجب آن صدور اوراق شناسنامه اجباری گردید و مقررات سختی در این باره وضع شد که موجب آن مردم صاحب ورقه هویت گردیدند.

در این قانون تصریح شد که پس از یکسال از تاریخ تاسیس دفتر شعب سجل احوال در هر شعبه کلیه سکنه آن شعبه باید دارای ورقه هویت باشند . اشخاص ذکوری که سن آنها بیش از ۱۵ سال است بایدشخصاً برای اخذ ورقه هویت بمامور سجل احوال مراجعه نمایند ومسئول اخذ ورقه هویت صغار ولی خاص یا قیم صغیر است و پس از یکسال کلیه مامورین مملکتی موظف میباشند در مواقع صدور کلیه اسناد رسمی ودر موقع مراجعات

اشخاص بمحاکم عدلیه وادارات مملکتی و تعرفه انتخابات و جواز اسلحه و جواز عبور وتلگراف وهر گونه امری که تماس با ادارات دارد ورقه هویت مطالبه نماید، و پس از یکسال در هرمحل کسانی که ورقه هویت نداشته باشند محکوم بحبس از ۸ روز تا یکماه یا جزای نقدی خواهند بود»

باین ترتیب ورقه هویت درایران معمول و پایه آن گذاشته شد.

***

سینمای ناطق : درهمین سال ۱۳۰۶ دراطلاعات موضوع زیر با حروف درشت جلب نظر میکند:
«اخیرا صنعت سینما بحد کمال رسیده زیرا در عین حالی که درپرده حرکت اشخاص نمایش داده میشود گفتگوی اشخاص بازی کننده نیز شنیده میشود چنانچه اخیرا دریکی ازسینما های شهرلندن فیلمی نشان داده شده که درفیلم مزبور افتتاح جاده بیرمنگهام نمایش داده شده و ولیعهد انگلیس نطق افتتاحیه نمود که واضح شنیده شد همچنین نطق للوید جرج شنیده شده حرکات دهان بازی کنندگان باکلماتی که شنیده میشود کاملا مطابقت دارد. این اختراع درعالم سینما عجیب ومهم بنظر می آید»

****

بحرین جزء لاینفک ایران : این عنوان اولین مقاله ایست که این روزنامه در خصوص استرداد بحرین بتاریخ ٤ بهمن ۱۳۰۶ انتشارداده واین مقاله بمناسبت عمل دولت ایران بود که برحسب دستور رضاشاه فقید اولین بار درتاریخ روابط سیاسی اولین زمزمه استقلال طلبانه ومیهن پرستانه را دولت ایران بلند کرد بامید اینکه ملل دیگر دراحقاق حق ایران کمك خواهند کرد ولی نکردند، دولت ایران یادداشت اعتراض آمیزی بدارالانشاء مجمع اتفاق ملل ارسال واشعارداشت که یك قسمت ازقرارداد بین انگلیس وحجاز بتمامیت ایران لطمه واردمیسازد و بحرین حق مسلم وجزء لاینجزای ایران است»

اطلاعات درطی مقاله خود اسناد و مدارکی انتشارداده است که طبق آن حقانیت ایران دربحرین مسلم میباشد ودرپایان مقاله مینویسد که تاچهل پنجاه سال قبل حکومت بحرین یاشیخ بحرین ازطرف والی فارس انتخاب میشده و هرساله مبالغی پول ومرواریدبعنوان مالیات ارسال میداشتندووجوه مأخوذه بنام عایدات دولت درخزانه وارد میشده است ولی درانرلاقیدی مرکز وتشکیلات ملوك الطوایفی درایران شیوخ بحرین هم ازضعف مرکز استفاده نموده ازتادیه مالیات بدولت امتناع نمودند، اما حالا که ملوك الطوایفی درایران مرده است ومرکز قدرت وتوانائی یافته وامنیت در حدود وثغور ایران بسط یافته جای آن نیست که بنام ملوك الطوایفی یك قسمت لاینجزای مملکت ما باینصورت بیفتد.

***

افتتاح باب مخابرات : مرحوم صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف در نیمهٔ بهمن ۱۳۰۶ اعلان میکند که مؤسسه بی سیم پهلوی که برای رفع احتیاجات قشونی تأسیس شده بود در اختیار وزارت پست و تلگراف برای استفاده امور تجارتی وباب مخابرات بادنیا گذاشته شده و اینك باب مخابره مستقیم باآنقره پایتخت دولت جمهوری ترکیه مفتوح وتلگرافی هم بین آقای تیمورتاش وزیر دربار وآقای رشدی ارس وزیر خارجه مبنی بر تبریك مخابره شدوا کنون دستگاه مزبور روابط تلگرافی خود را بادنیا مفتوح ودردسترس عامه میگذارد.»

عمارت مجلل رادیو که بعدها درهمین محل بیسیم پهلوی ساخته شد و نصب دستگاههای رادیو که مکمل دستگاههای اولیه بودهمه ازکارهای مفیدی است که درطرف سالهای اخیرصورت گرفت.

روزی که رضا شاه فقید دستور داد دکل بلند بیسیم پهلوی را در زمانهای عصر قاجار (محل فعلی رادیو) نصب نمایند و مراسمی درآنجا انجام یافت اسرار خود را زیر این دکل مدفون ساخت.

رضاشاه چگونگی پیدایش خود وتاریخچه زندگی وهدفها وآرزوهای خود را درلوله کاغذی که آنرا درلوله حلبی محکم گذارده بودند وهیچکس ازمضمون آن باخبر نبود در زیر این دکل دفن کرد که اگر بعد از قرنها این دکل واژگون شود و این لوله کاغذ بدست آید تاریخ ظهور پهلوی برای نسل های آینده ایران آشکار خواهد شد.

ثبت اسناد و املاک : ماده اول قانون ثبت اسناد واملاک اجباری این بود که کلیه املاک اعم ازاملاک مزروعی ومستغلات وغیره باید دردفاتردولتی ثبت گردد . ازتاریخ افتتاح اداره ثبت اسناد و امـلاک و محکمـه ابتدائی درهرحوزه ابتدائی تاسه‌سال کلیه اشخاصی که بعنوان مالکیت متصرف املاک واقعه درآن حـوزه هستند باید درآن‌حوزه تقاضای‌ثبت نمایند وچنانچه کسی درظرف چهارماه ازتاریخ اولین‌اعلان تقاضای‌ثبت نسبت‌بتقاضای مزبور اعتراض نکرد ملکی که ثبت آن تقاضا شده دردفتر املاک قطعا ثبت و دیـگر نسبت بآن ازطرف احدی اعتراض پذیرفته نخواهدشد واداره ثبت املاک سند مالکیت رسمی ملک را صادر خواهد کرد الی‌آخر...»

تا آنوقت اسناد رسمی وجود نداشت ، هرمتعدی وظالمی می‌توانست املاک مردم را تصرف ومـالک شود واوراق رسمی که دال بر مالکیت وحقانیت مظلوم باشد در دست نبود تادادخواهی کند، این قانون،مالکیت را تثبیت کرد ولی متأسفانه بسیاری از مردم بواسطه عدم آشنائی بقانون متضرر شدند وچه بسا اشخاص از هستی ساقط گردیدند یعنی همین ماده اول را نخواندند یا سواد نداشتند ومطلع نشدند درنتیجه شیادان اجتماعی ومتعدیان املاک مردم را بنام خود ثبت دادند ومدت قانونی عدم وصول اعتراض را طی کردند وصاحب ملک وزمین‌و ثروت دیگران شدند. این قانون در بادی امر خسارت وزیانی متوجه اشخاص بی‌اطلاع ساخت لکن امروز تکلیف‌همه را مشخص نموده وهمانطور که در دنیا معمول است هر کس طبق سند رسمی صاحب ملک وخانهٔ خود می‌باشد که کسی حق تعدی وتخطی درآن را ندارد واشخاص متجاوز وقلدر نمیتوانند باقلدری املاک مردم را تصرف کنند، اگـر چه حالاهم راههای دیگری پیدا میکنند و از ضعف دستـگاه دادگستری استفاده می‌نمایند که فعلا از بحث ما خارج است .

***

لایحه چراغ برق : برق تهران منحصر بکارخانه مرحوم حاج امین‌الضرب واقع‌درخیابان‌چراغ‌برق بود، لایحه‌ای بمجلس داده شده بود راجع بامتیاز کارخانه برق مزبور آقای حاج سید رضا فیروزآبادی مخالف بوده وعقیده داشته اند که چراغ‌برق را باید آزاد گذاشت کـه هر کس بتواند برود کارخانه وارد کند وا گـر آزاد بگذارند بیشتر مردم استقبال خواهند کرد وبرق توسعه بیشتری‌پیدا خواهدنمود.

بعد از بیست‌وچند سال‌امروز متوجه میشویم که عقیده ونظرآقای فیروزآبادی صحیح بوده و باید آزادی کامل در تاسیسات عام المنفعه داده میشد . اگر موضوع‌امتیاز و انحصار نبود ودولت برق را محدود بشهرداری میکرد ویا آن را بشرکت های ملی وا گذار میکرد امروز صورت برق تهران باین وضع تاثرآور نبود کـه هنوز هم برق سرقفلی داشته باشد و هنوزهم برق دربازار سیاه خرید و فروش شود و مردم در زحمت و رنج باشند .

***

اعدام پولادین: ساعت پنج بعدازظهر یمه‌شب ۲٤ بهمن سرهنگ محمود خان پولادین در باغ شاه‌اعدام گردید.این اعدام‌درقبال کشف‌توطئه‌ای‌بود که سرهنگ پولادین باررفقای خود کـه عبارت بودند از نصرالله‌خان (سرهنگ سابق)یاوراحمدخان پولادین روح‌الله‌خان یاور،هایم نماینده دوره پنجم کلیمیان‌داشتند این‌توطئه سوءقصد برعلیه شخص رضاشاه وبرای برهم‌زدن‌اوضاع بود که‌محاکمات‌طولانی آنهائی که نظامی بودند درمحکمه نظامی انجام یافت ودرنتیجه سرهنگ‌پولادین محکوم باعدام ونظامیان دیگر احمدخان همایون ۱۵ سال حبس نصرالله خان هفت وروح‌الله‌خان پنج‌سال حبس‌محکوم شدند امادوسیه‌دونفر هایم واحمدخان پولادین بوزارت عدلیه‌ارجاع گردید

کشف‌این توطئه‌درآن موقع بوسیله یکی‌از کسانی بود که‌باخود آنهاهمکاری‌وجلسات سری‌داشتند .

سوم حوت : اطلاعات مینویسد فردا بمناسبت تصادف باروزسوم حوت (کودتا) تعطیل‌میباشد. امشب آقای سرتیپ امیرموثق که پس‌ازاستعفای سرتیپ حبیب‌الله‌خان شیبانی بکفالت ارکان‌حرب منصوب شده‌اند وریاست مدارس‌کل‌نظام را نیزدارامیباشند ، درعمارت مدرسه نظام که مراسم‌جشنی‌منعقداست ازدوجهت ازمدعوین‌پذیرائی خواهندنمودهم‌ریاست‌ارکان‌حرب وهم‌ریاست‌مدارس‌نظام‌واعلیحضرت در سرمیزشام برای‌افسران صحبت‌خواهند کرد فردا هم مانورنظامی درزمین‌های جلالیه برقرارمیباشد .

جنجال برسر دخل‌وخرج مملکت: بودجه سال۱۳۰٦ ازحیث درآمد بیست وپنج‌میلیون وهفتصد وهشتاد وشش هزارتومان وازحیث خرج بیست‌وسه میلیون وپانصدونود وپنج هزار تومان ازطرف وزیرمالیه تحت ماده‌واحده

بمجلس پیشنهاد شد که بتصویب برسد که درسالهای بعد اعتبار دوازدهم بر آن ماخذ باشد تا بودجه تفصیلی از تصویب بگذرد.

البته خوانندگان عزیز توجه دارند که این بودجه ۲۵ میلیون دخل و ۲۳ میلیون خرج که مورد بحث و گفتگو ومخالفت نمایندگان بوده است امروز بچه مبلغ رسیده است؟!

یکی ازمخالفین بودجه آقای معتضدالاسلام استرآبادی درجلسه پیشنهاد می‌نماید که ششصد تومان اعانه مدرسه موسیقی حذف شود وهمچنین از بودجه مدارس ولایات ماهی ۲۳۰ تومان اعتبار موسیقی حذف گردد واظهار میدارد که وظیفه دیانتی خود میدانم که بگویم این پولها بچه مناسبت خرج موسیقی میشود (دراین موقع وکلاء یك یك از جلسه خارج شده ومجلس میرفت ازاکثریت بیفتد وحاج میرزامرتضی فریاد زد طرفداران موسیقی رفتند) سپس ناطق ادامه داده و گفت نمیدانم این قلم خرج برای چیست، اگر مدرسه موسیقی را مدرسه فارسی تر کنیم باید بگوئیم یکعده میروند آنجا تار میزنند (همهمه وکلاء زنگ رئیس)

پیشنهاد مزبور ردشد وبعد مرحوم مدرس پیشنهاد کرد که بودجه وزارت جنگ ازاین لایحه استثناء شود وضمن توضیح اظهار نمود علت اینکه این همه پیشنهاد میشود برای این است که بودجه تفصیلی را در ماده واحده طرح کرده‌اند والا منتهی نمیشد بموسیقی که نمیدانم لفظش عربی یونانی وچیست که مفادش معلوم شود وهر کس یك انگشتی دراین بودجه نمیکرد (استرآبادی موسیقی دیگر انگشت نبود) مدرس چرا همه‌اش انگشت بود اما پیشنهاد من که میگویم وزارت جنگ مجزا شود برای این است که من باوزیر جنگ مخالفم اورا هیچ نمی بینم اگرچه باوزیر مالیه، پست وتلگراف وداخله وحاج رئیس الوزراء (خنده حضار) که اینجا حضور دارند هم مخالفم اما نظر من در بودجه وزارت جنگ این است که این وزارتخانه دو اداره ندارد یکی اداره هواپیمائی است که بودجه فعلی عمده‌اش باید صرف هواپیمائی میشد دنیا دارد روی هواپیمائی میرود ونصف وثلث این بودجه باید خرج هواپیمائی بشود ازحیث تربیت محصلین، تاسیس کارخانه وسایر چیزها برای اینکه دنیا جنگش از هوا است ما پیشترها هم میدانستیم که جنگ اززمین بهوا خواهد رفت ولی کسی گوش نمیداد ومی گفتند آخوندها اینطور میگویند.

نقص دیگر بودجه این است که اداره‌ای برای جبران خسارات بدنی وجود ندارد باید دید شود سرباز وقتی بجنگ رفت وصدمه دید، دستش قطع شد، پایش را گلوله برد باید قیمت آنرا دولت بدهد و برای این کار هم بودجه لازم است ولااقل صدهزار تومان برای اینکار باید تخصیص داده شود. اما جمع نفرات از صاحب منصب وافراد ۴۰ هزار است وحیواناتش از اسب وقاطر ۱۳ هزار است، اینجا نوشته است رختخواب هر فردی سالی چهار تومان (آقا سید یعقوب زیاد است؟ سالی یك لحاف هم سرباز نمیخواهد؟) مدرس خیر، (همهمه وکلا وزنگ رئیس) یکی از نمایندگان فریاد زد ما نمیخواهیم این حرفهارا بشنویم و گفت بیجهت فساد میکنی (مدرس جواب داد: جدم کمرت را بزند من فساد میکنم؟) بالاخره داد وفریاد وجنجال منتهی بتعطیل جلسه شد وبعدازتنفس مرحوم مدرس اظهار نمود نمیدانم چه شد همین که اول حرفم بلحاف رسید آقایان ازمیدان در رفتند ونگذاشتند باقیش را بگویم وشاهزاده فیروز وزیر مالیه هم از اشارات من ملال پیدا کرد من که در حرفهایم گفتم مهمل، از ایشان می‌پرسم مهمل ازچه ماده ایست اگر فرمودند ازچه ماده و صیغه ایست یقین خواهند کرد که مقصودی نداشتم.

مرحوم فیروز وزیر مالیه درباره هواپیمائی گفت اگر در بودجه بالاختصاص اسمی برده نشده دلیل عدم توجه نیست آیا از وجود هواپیماهای نظامی قلعه مرغی وعملیاتی که دراین چند ساله هوانوردان رشید ما کرده‌اند آقایان مطلع نیستند (وکلاء چرا) پس باید آنرا تکمیل کرد ودرقسمت پرداخت قیمت اعضای بدن کسانی که ناقص الاعضاء میشوند وضع امروز مثل قرون گذشته نیست تمام مخارج سرباز برعهده دولت است، مستمری، بهاء مداوا، وسایل معالجه همه چیز دراختیار سرباز وصاحب منصب گذاشته میشود اگر امروز بگوئیم بودجه ۲۵ میلیونی دارید وما ازپشت این تریبون افاده آنرا می کنیم از تصدق سر این قشون است که امنیت باین کشور داده اگر آقا بخواهند که نظامی ما یك لحاف داشته باشد وهمانطور که در مهاجرت آقا فرمودند شبها لحافرا بزیر خود می‌انداختند وروزها همان لحافرا برای محافظت از برف وسرما بسر و کول خود میکشیدند قشون جوان وتازه ما علاوه بر لحاف پتو وبالش هم میخواهد وباید پاك وتمیز هم باشد اگر آقا میدانستند که سرباز انگلیسی وفرانسوی چقدر خرج دارد متحیر بودند که چطور ما برای ۴۰ هزار دم و ۱۳ هزار اسب وقاطر این مبلغ را می‌پردازیم.

امیر لشگر طهماسبی : روز سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ امیرلشگر طهماسبی وزیر فواید عامه برای سرکشی و بازدید راه بروجرد خرم‌آباد — درمول بوسیله طیاره بطرف لرستان عزیمت نموده ودراین مدت قسمتهای راه را سرکشی و بازدید ودستورات لازم داد : ۱٤ فروردین ۱۳۰۷ در موقعی که از پل کلهر بخرم‌آباد مراجعت میکرد بایکدسته الوار یاغی مصادف وزدوخورد مختصری می‌شود درنتیجه اول شوفر مقتول می‌شود وبعد گلوله‌ای بشکم امیرلشگر اصابت می‌نماید وایشان بزحمت خودرا بیک آبادی رسانیده وازآنجا به بروجرد اعزام میشود پس از اطلاع مرکز آقای دکتر سعید مالک (لقمان الملك) رئیس کل صحیه باتفاق آقای دکتر خلعتبری باطیاره حرکت میکنند لکن معالجات نتیجه نداد وامیرطهماسبی که از رجال شایسته وصاحب‌منصبان رشیدبود دارفانی راوداع گفت .

باید متذکر شد که مرحوم امیرلشگر طهماسبی درواقعه تغییر سلطنت نقش مهمی داشت و خدمات شایسته‌ای باعلیحضرت فقید نموده بود وبین مردم محبوبیت بسزائی داشت ودرردیف ارشد افسران کشور بود و بخصوص در آذربایجان خدمات شایانی نموده بود — مرحوم پیرنیا درجلسهٔ علنی مجلس نیز اظهار تاسف نمود و گفت همه میدانید که ایشان آدم باعرضه و جدی وخدمتگزار مملکت بود وچون درراه خدمت بمملکت شهیدشده‌اند بپاس خدمات گذشته ایشان ومن باب تقدیر پیشنهاد میکنم که جلسه ختم شود (تصدیق نمایندگان) وزارتخانه‌ها نیز یکروز تعطیل گردید، اعلیحضرت فقید شخصا ببروجرد مسافرت نموده ودر مقام تحقیق برآمدند ودرمجلس ختمی که بمناسبت فوت آن مرحوم دربروجرد منعقد شده بود حضوریافته مجلس ختم را برچیدند وبعد از همان راهی که امیرلشگرطهماسبی رفته بود بخرم آباد رفتندو قسمت‌های مختلفه‌را بازدیدوسرکشی کردند.

این قبیل مسافرت‌ها تأثیر عجیبی می‌بخشید وحکایت از رشادت شاه فقید مینمود که بلافاصله همان راهی‌را که بزرگترین افسرش درراه انجام وظیفه شهیدشده بود مورد بازدید شخص خود قرارمیداد شاه فقید در بروجرد اعلامیه‌ای بمضمون زیر صادر نمود

«مرحوم عبدالله‌خان امیرلشگروزیر فواید عامه که از صاحب‌منصبان محترم وزارت جنگ بود و درنتیجه ابراز لیاقت وصلاحیت بمقام وزارت که از مشاغل مهمهٔ دولتی است نائل گردید درراه انجام وظیفه بقتل رسید ، فقدان او موجب بسی تأسف است وچون اظهارقدردانی وپاس حقوق خدمت همیشه منظور نظرمی‌باشد این است که شخصا بمجلس ترحیم آمدم. ضمنا بصاحب‌منصبان ونظامیانی که مأمور این صفحه هستند امر میدهم که این قضیه چون بدست عدهٔ قلیلی از اشرار اتفاق افتاده است نباید احساسات خودرا نسبت باهالی لرستان که مطیع ومنقاد دولت هستند بکینه جوئی وبدبینی آلوده نمایند فقط مرتکبین قضیه باید تعقیب وبمجازات برسند درخاتمه نسبت بعموم حضار که درمراسم سوگواری شرکت کرده‌اند رضامندی خاطرخودمان‌را اظهارمیداریم »

کلاه با لبه در مجالس رسمی . جشن سومین سال تاجگذاری اعلیحضرت فقیددرتاریخ ٤ اردیبهشت ۱۳۰۷ درعمارت گلستان که بطرزباشکوهی تزئین شده بود برقرار گردید وچون اعلیحضرت فقید درمسافرت لرستان و کرمانشاه بودند مجلس جشن اولین بار درحضور ولایتعهدمنعقدشد سفراء ووزراءمختار و هیئت دولت باوالاحضرت ولیعهد که درآنموقع نزدیك به ۹ سالگی بودند صرف شام نمودند وسایر مدعوین از ساعت ده درشب نشینی طالارموزه حضوریافتند وچیزی که درپذیرائی رسمی دیشب تازگی داشت تغییر کلاه بود که مدعوین بجای کلاه لبه‌دار پهلوی کلاه‌ساده‌سابق‌را برسر گذاشته بودند زیرا طبق‌عادت جاری ما درمجالس بزرگ رسمی برداشتن کلاه‌معمول نیست ، شاه‌هم کلاه خود را برسرداشت بعلاوه با کلاه لبه‌دار پوشیدن جبه چندان پسندیده نبوده از این جهت کلاه بی لبه درمجالس رسمی معمول گردیده‌است تاآنموقع هنوز رجال جبه‌های ترمه می‌پوشیدند وهنوز لباس ملیله‌دوزی معمول نشده بود.

اعزام محصل باروپا : تاقبل از سلطنت پهلوی اعزام محصل باروپا اختصاص بطبقات اعیان واشراف وثروتمندان داشت تودهٔ مردم نمیتوانستند فرزندان خودرا بخارجه بفرستند . شاه فقید متوجه این نکته شد که سطح معلومات و افکار ملت باید ترقی کند وازعلوم وفنون دنیای غرب بهره ببرند و تودهٔ حقیقی ملت رشد پیدا کند این بود که دستور دادند سالی صدنفر محصل بطورمسابقه بکشورهای خارجه اعزام شوند تامدت پنجسال که جمع محصلین اعزامی دولت همیشه درخارجه پانصد نفر باشد و هرسال یکصد نفر مراجعت کنند و یکصد نفر بجای آنها فرستاده شود، برای مخارج محصلین لایحه‌ای تقدیم مجلس گردید که درمیان شور وشعف نمایندگان بتصویب رسید طبق این لایحه سالی یکصد هزار تومان اعتبار داده شد که پس از پنج سال ششصد هزار تومان می گردید و همین مبلغ پیوسته در بودجه گذارده می‌شد

۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ : جشن بزرگی درسراسر کشور برقرار شد زیرا دراین روزکاپیتولاسیون ملغی

قضاوت قنسولات بالغای عهود و عقد عهدنامه های جدید بمرحله اجرا و عمل گذارده شد، شهر را آئین بندی کردند و گوی و برزن بساط جشن و سرور و بزم برپا بود و روز بعد در جلسه رسمی مجلس آقای حاج مخبرالسلطنه گفت: «یکسال قبل برای اجرای اراده سنیه همایونی دولت تعهد الغای کاپیتولاسیون را کرد و امروز بنده افتخار دارم که انجام آن تعهد را بعرض مجلس شورای ملی برسانم **لافرق بین احد من الملل** (و کلاء احسنت) همه در تحت قانون و یک محکمه رجوع خواهند شد. ضمنا اظهار مسرت میشود از ممالک و دولی که در این مسئله حسن نیت خودشان را ابراز کردند (نمایندگان زنده باد ــ سلامت بادشاهنشاه ایران)

مرحوم پیرنیا رئیس مجلس در جواب چنین گفت: «خبری را که آقای رئیس الوزراء بمجلس دادند در واقع یک بشارت عظیمی است که قلوب مارا مملو میکند از احساسات و مسرت. خوشوقتی ما نه تنها برای این است که یکی از آمال دیرینه ملی امروز وجود خارجی پیدا میکند، بلکه خوشوقت هستیم که وقوع یک همچو قضیه تخم آمال جدیدی را در قلوب مردم خواهد کاشت، برای اینکه ایجاد آمال و آرزو در بین مردم فقط بحرف و نطق و نصیحت میشود وقتیکه اشخاصی پیدا شدند و یکی از آمال مردم را صورت خارجی دادند و آمالی که در حال انحطاط و یاس است تقویت شد آمال جدیدی هم در قلوب آنها ایجاد میشود. ما در مقابل عزم متین اعلیحضرت همایونی که برای تحکیم بزرگترین رکن استقلال ملی فرمودند قلبا و صمیمانه تشکر میکنیم و بهیئت دولت تبریک میگوئیم که برای پیشرفت یک همچو منظور مقدسی تدابیر عملی اندیشیدند و فداکاری و جدیت کردند. قطع دارم ملت ایران با احساسات ما شریک خواهد بود و از شما نمایندگان هم باید ممنون باشند برای اینکه مثل نمایندگان ادوار سابق وقتی که عزت و غیرت ملی پایش بمیان آمد تمام اختلافات را کنار میگذارید و از نظریات حزبی و دستجاتی صرف نظر میکنید و چون همهٔ آقایان را دیدم که مایل هستند هیئتی از طرف مجلس شورای ملی بقرعه معین شود برای عرض تشکر حضور اعلیحضرت پیشنهاد میکنم هیئت دوازده نفری با قرعه معین شوند (تصدیق و فریاد احسنت و کلا)

انتخابات دوره هفتم: انتخابات دوره هفتم مجلس طبق قانون درست سه ماه قبل از پایان دوره شروع گردید و انجمن نظارت انتخابات تهران بریاست آقای داد گر تشکیل گردید در یکی از جلسات مجلس مرحوم میر سید احمد بهبهانی اظهار داشت که سابقه نداشته است که از طرف دولت با بودن مجلس انتخابات در موعد قانونی خود بجریان بیفتد این موضوع قابل تشکر است ولی لازم میدانم باطلاع عموم برسانم که همه مردم در انتخاب نماینده خود آزاد هستند و هیچکس حق ندارد این آزادی را سلب نماید و دولت باید در اجرای این منظور مراقبت تام داشته باشد.

بانک ملی: ملت ایران از خود بانک نداشت، فقط بانک شاهی بود که از سالیان دراز امور اقتصادی و مالی مملکت را طبق امتیاز نامه ای در دست گرفته و بدینوسیله در سیاست مالی ایران نقش مهمی بازی میکرد، حق انتشار اسکناس داشت و هیچ مؤسسه و بنگاهی وجود نداشت که در برابر این مؤسسه عرض وجود نماید. دولتها در موارد مختلف برای گرفتن قرض در مقابل رئیس انگلیسی بانک شاهی بالتماس می افتادند و چه تضمین ها داده میشد و حتی گمرکات را بگرو میگذاشتند.

این افتضاح و رسوائی ادامه داشت و شاه فقید نمیتوانست این اسارت مالی را قبول کند و بگذارد یک بانک اجنبی هستی مردم را بگیرد و پول رایج کشور را در دست داشته باشد و سلاطین فقط دلخوش باشند که عکس آنها روی اسکناس ها چاپ میشود و مینویسند شاهنشاه ممالک محروسه ایران.

رضاشاه فکر تاسیس بانک ملی و پاره کردن زنجیر اسارت مالی را در مغز خود میپرورانید و برای انجام این کار راحت نبود تا پروژه آن را دولت طبق دستورش تهیه کرد و نسبت باستخدام یک متخصص بانک از آلمان اقدام شد و مجلس لایحه آنرا بتصویب رسانید و هنگامی که مرحوم فروغی وزیر مختار دولت ایران در آلمان بود مسیو «لیندن بلات» استخدام و بایران اعزام شد و موافقت گردید که بانک ملی در عمارت قدیم بانک استقراضی روس و ایران که امروز بر روی خرابه های آن عمارات مجلل کنونی بانک ملی بالا رفته است افتتاح یابد.

رضاشاه و وزارت مالیه: روز هفتم خرداد ۱۳۰۷ شاه فقید دو ساعت در وزارت دارائی در اطاق وزیر برسیدگی امور و دادن دستورات پرداخت و همان روز متحدالمآلی بامضای وزیر بعموم مامورین مالیه صادر گردید که مفاد آن این بود:

«شما هادر هر رتبه و مقام هستید باید مرام و آرزوی خودتان را ابراز لیاقت و فعالیت قرار داده پاکی و درستی و بی طمعی را شعار خود ساخته و نشان بدهید که بدون مداخله متخصص اجنبی قادر باداء وظیفه هستید محافظه کاری و ملاحظه از هر نوع نفوذ متروک ــ انجام وظیفه باید بدون مراعات دوستی ها و سوابق و تقاضاها باشد. ممکن است مامورینی پیدا شوند که بخلاف این رویه رفتار نمایند، ولی بدون تردید روز مجازات و مکافات آنها میرسد و کوچکترین اغماض در باره آنها روا نخواهد شد»

سومین سال: بسال سوم میرسیم و ما همچنان با تاریخ پیش میرویم و از آقای مسعودی چیزی نگفتیم که او در خلال این
مدت دو سال چه میکرد ؟ آری ، او نیز همچنان با شور و شوق کامل در راه پیشرفت و ترقی روزنامه گام برمیداشت ،
از هیچ عائق و مانعی نمی هراسید و با هر گونه مشکلاتی که پیش پای او میگذاشتند که کارش را فلج کنند مبارزه
میکرد و آن مشکل را درهم خورد میکرد و از آن میگذشت و همچنان راه خود را میپیمود ، مسعودی مغرور بود ، مغرور
سعی و عمل و جدیت خود بود ، چنانچه الان هم مغرور است ، امروز هم از هیچکس ترس و واهمه ندارد و متکی به
نیت پاک و بی آلایش و زحمت خویش میباشد ، او از اول میگفت کسی که کار میکند و نان میخورد نباید بهراسد و از
پیشرفت کارش مأیوس باشد ، کار مایهٔ سربلندی و افتخار بشر است و بیکاری و تن پروری انسان را جبون و عاجز و
محتاج میسازد . انسان کامل باید راهی در پیش گیرد که خیر خود و جامعه در آن باشد و انحراف از حقیقت را با نیستی
و فنا توام میداند .
آقای مسعودی در ظرف دو سال اول اطلاعات بیش از همه وقت کار میکرد ، اغلب شانزده ساعت در روز
کار میکرد ، گاهی بصورت مصحح پشت میز تصحیح در چاپخانه می نشست و گاهی بصورت خبرنگار در ادارات میرفت
و در شهر در جستجوی خبر بود گاهی خبرنگار پارلمانی میشد ، کاهی حسابداری میکرد و کاهی با موزعین سر و کله میزد و
خط های آنها را مرتب و منظم می نمود و بالاخره هر قسمت از کار اداریش را شخصاً رسیدگی میکرد و اگر لنگ و معطل
بود فوراً آن را خود بدست میگرفت و انجام میداد ، در موقع فراغت از زحمت در آن ساعتی که روزنامه فروشها در لاله زار
غوغائی راه می انداختند او تازه پشت میز مدیریت در بالاخانه لاله زار جلوس میکرد و از دسترنج روزانه اش که بطرز
شایستهٔ بیرون داده بود ، لذت میبرد .
میگویند مسعودی شانس دارد ، اقبال هم با او کمک کرده است .
من منکر این مطلب نیستم ولی میخواهم بدانم اگر چنین پشتکار و فعالیت و حسن نیت و بیغرضی در او
نبود چگونه ممکن بود یک موسسه کوچکی را امروز باین پایه برساند که اغلب براورشک برند و همین دستگاه و
تشکیلات منشاء حسادت ها و دشمنی ها و اتهامات ناروا باشد .
او میتوانست شانس و پشتکار خود را در راه دیگری مصرف کند که حاصلش تنها عاید خود او شود ، مثل
هزارها نفر مردمی که دیدیم تنها از یک رشته معاملات زمین میلیونها تومان بجیب زدند و یا از راه تجارت و کسب
و کارهای مقاطعه وغیره سودهای سرشار بردند و از آنها نام و نشانی نیست ، او با این شانس و این پشتکار در هر
کاری وارد میشد موفق میگردید ولی تفاوت این راه با راههای دیگر اینست که ایشان در این راه یک موسسه بزرگ
فرهنگی در کشور بوجود آوردند که صدها خانواده و هزارها نفر در آن ارتزاق میکنند و صدها هزار نفر غذای روحی
خود را از این موسسه دریافت میدارند و ناطیب خاطر و علاقه باین موسسه فرهنگی از آن پشتیبانی و تقویت مینمایند
زیرا احساس میکنند که مدیر این موسسه برخلاف تمام شایعات اتهام آمیز ، مردی است که خدمت بخلق را از راه
قلم بعهده گرفته و این خدمت ملی را با صداقت و صمیمیت انجام میدهد ، در ظرف بیست و چهار سال کوچکترین
لکه ننگی بدامن او ننشسته و هر قدر خواسته اند او را ننگین سازند و از علاقمندی مردم ایران نسبت باو
بکاهند چون مردی است خوش قلب و بی نظر و پاک و بی آلایش و امتحان داده آن دشمنی ها و مخالفت ها موثر واقع
نشده است ، اینکه مسعودی در موارد مختلف خود را در کام دشمنان انداخته و مبارزه های سنگین بر علیه خائنین و دشمنان
میهن در چند سال اخیر نموده ولی پیوسته از این مبارزه ها پاک و بی غل و غش بیرون آمده ، برای همین است که مغرور بایمان
و درستی و پاکی خود بوده است .
این مبارزه ها را همه کس نمیتواند انجام دهد ، هر کس کمترین نقطه ضعف داشته باشد حاضر نیست بی
جهت و بی محابا خود را بزحمت و جنجال و مبارزه بیاندازد مبادا نقطه ضعفش آشکار شود و در جامعه رسوا گردد چنانچه در ظرف
هشت و نه سال اخیر کسی را نمیتوانید نشان بدهید که در مقابل صف خائنین کشور و سوء استفاده کنندگان مانند موسسه
اطلاعات این چنین پایدار و مقاوم باشد و از مبارزه پیروز بیرون آید .
فرق بسیاری است بین مبارزه با فساد از راه صحیح و عاقلانه با فحش و هتاکی ، اطلاعات هیچگاه از ادب
و نزاکت خارج نشده و پیرامون هو و جنجال نگشته و بهمین جهت است که انتقادات او موثر واقع میشود و جامعه و دولت
بدان ترتیب اثر می دهند ، اطلاعات بدون سند و مدرک حرف نمیزند ، اگر حرفی زد باید دانست که متکی بدلیل و
سند است و این موضوع را همه متوجه شده اند و میدانند اگر موضوعی را اطلاعات انتقاد کرد و عیب گوئی نمود بی
سبب و دلیل نیست و با صول متکی است که در آن خیر جامعه و ملت ایران نهفته است .
خیلی از مسائل مهم مورد بحث و انتقاد شدید ما قرار گرفته که بالاخره جامهٔ عمل پوشیده است . اینک میخواهیم

وارد این جزئیات شویم و بشرح و بسط بپردازیم.

***

از این قسمت میگذریم و میرویم بدوره سال سوم اطلاعات...

آقای مسعودی درسومین سال نامه نگارئی خود درشرمقاله میفرمایند:

«بحمدالله باتأییدات خداوندی واتکاء بسعی وعمل خود دومین سال جریده نگاری را بطوری که وعده دادیم طی نموده وبینهایت خرسندیم که درمقابل مشترکین عظام و پیشگاه جامعه ازعهدهٔ مواعید خود برآمدیم امروز سومین سال روزنامه را باتوجهات خاصه قاطبه اهالی ایران که لطف مخصوصی بامادارند شروع می کنیم، چنانکه گفته ایم اطلاعات با عدم بستگی بهیچ فرد یا مؤسسه فقط با اتکاء بنفس واعتماد باحساسات پاك ملت نجیب ایران با استقامت خاصی خوانندگان محترم راهیچ روز بانتظار نگذاشت واینك که سال سوم شروع میشود نقشه اصلاحی مابرای آینده ازینقراراست الی آخر...»

تقاضای شیخ خزعل قبول نشد:

خرداد ۱۳۰۷ هنوز مقدمات افتتاح رسمی بانك ملی فراهم نشده بود که دریکی از پذیرائی های شاه فقید در قصر شخصی خود که نمایندگان مجلس وجمعی ازرجال ومحترمین باهم شرفیاب میشدند، اعلیحضرت بشارت افتتاح بانك ملی راباخوشوقتی داده واظهار نمود این بانك دررشته اقتصاد وفلاحت نیزموثر خواهد بود زیرا شعبه اقتصادی و شعبه فلاحتی بانك نیزدائرخواهد گردیدو علاوه کردند که بالاخره در نتیجه تجربه ماثابت شده است که ماخودمان برای مملکت خودبایدکار کنیم. مستخدم خارجی هرقدرمتخصص وهرقدر علاقمند باشدباز خارجی است ووطنش مملکت دیگری است ماخود اشخاص مطلعی داریم که بهترمیتوانندکار کنند وبالاخره ایران بایدبدست ایرانی ترقی نموده وقدم باصلاحات گذارد.

موضوع جلب توجه در این پذیرائی این بود که اعلیحضرت فقید درموقعیکه از شیخ خزعل احوال پرسی فرمودشیخ جلورفته وعرض نمود که این خدمتگذار دوچار دردچشم شده بطوری که چندقدمی خودرا نمی توانم تشخیص دهم، از حضور اقدس همایونی بنام یك خدمتگذار حقیقی ومطیع که اوامرهمایونی را از روی صمیم قلب حاضر باطاعت می باشد، استدعادارد اجازه مرخصی داده شود که برای معالجه چشم باروپا بروم.

(باید توضیح داده شود که شیخ خزعل پس ازالحاق خوزستان بایران که قبل از سلطنت پهلوی درحقیقت جدا بود وحکومت مرکزی درآنجا هیچگونه نفوذی نداشت و تمام آن خطه زیر تسلط و نفوذ شیخ خزعل اداره میشد دستگیر وبطهران اعزام شده ودرتهران تحت نظر بسرمی برد)

پس ازاین استدعا شاه فقید بتیمورتاش خطاب نموده ومیگوید، دستوربدهید دونفر طبیب متخصص ازاروپا خواسته شود که یکی از آنها چشمهای شیخ را معالجه کند ودیگری گلوی یکی از فرزندانم را که مریض است عمل کند. شیخ خزعل درجواب عرض نمود تنها چشمهای من دردنمیکند جسماً مریض هستم ومرض بقدری مرا آزار میدهد که محتاج بمعالجه قطعی دراروپا میباشم.

شاه دیگر جوابی نداد وبادوسه نفر دیگر از نمایندگان مجلس بصحبت پرداخت.

نمایندگان تهران در دوره هفتم: از ۵۱ هزار ورقه رأی اخذ شده درتهران وحومه حائزین اکثریت ۱۵ نفر بترتیب ازاینقرار بود:

۱- مرحوم شیخ حسین تهرانی ۲- مرحوم حاج امین الضرب ۳- وثوق الدوله ۴- دکتر حسن خان مالیه ۵- امیر همایون ۶- مرحوم مؤتمن الملك ۷- حاج محمدتقی بنکدار ۸- مرحوم مستوفی الممالك ۹- مرحوم مشیرالدوله ۱۰- آشتیانی ۱۱- مرحوم آقاضیاءالدین نوری ۱۲- فیروزآبادی ۱۳- شیخ علی مدرس ۱۴- مرحوم سید عبدالرحیم کاشانی ۱۵- سیدحبیب اله لاریجانی.

۳ نفر از نمایندگان تهران مرحوم مؤتمن الملك، مرحوم مشیرالدوله ومرحوم مستوفی الممالك از قبول نمایندگی خودداری کردند وهرقدر بایشان اصرار شد نپذیرفتند در نتیجه اعتبارنامه بنام سه نفر بعد آقای شیخ علی مدرس - مرحوم کاشانی - سیدحبیب اله لاریجانی صادر شد ولی آقای شیخ علی مدرس درمجلس حضور پیدا نکردند

دربارهٔ عدم قبول نمایندگی سه نفر ازرجال آزموده وشریف کشور حدس های بسیار زده میشد وقدرمسلم این بود که دست مداخلهٔ دولت در امر انتخابات آشکار شده بود وآنها حاضر بقبول نمایندگی نبودند ازاین دوره ببعد اصول انتخابات تغییر کرد وبتدریج سیستم خاصی بخود گرفت که در تمام دورهٔ سلطنت پهلوی جریان داشت و چون قانون انتخابات حق را به بیسوادان داده بود ازاین موقعیت سوءاستفاده شد زیرا دست دولت درمداخلهٔ و تعیین نمایندگان کاملاً بازبود و این مداخلات حتی بلحظه انجام میگرفت.

غله و کمک بنقاط آفت زده: در جلسه دوم مرداد ۱۳۰۷ مجلس وزیر کشور پیشنهادی داد که دویست هزار تومان از عایدات عمومی برای خرید و حمل غله نقاطی که محصول امسال آنها دوچار آفت شده بعنوان مساعده تخصیص داده ودوسرخرمن ۱۳۰۸ مبلغ مزبور مسترد گردیده و بخزانه بر گردد.

مرحوم مدرس پیشنهاد نمود دولت ازاین دویست هزارتومان گندم از جاهائی که ممکن است خریداری نموده و در نقاطی که دوچار سختی هستند ازقرار خرواری بیست تومان یا کمتر بفروشد تاسال تمام شود وزیر کشور وعده دادنظر آنمرحوم را عملی سازد و آقا سید یعقوب مخالف بود که برای انجام این کار اداره ای تاسیس شود و گفت نظرما اینست که بمردم کمک شود اگر بناباشد دولت نظامنامه بنویسد می ترسم نظامنامه اداره بخواهد، اداره پرسنل بخواهد، محاسبات بخواهد، ارشیو بخواهد وبالاخره این اعتبار صرف کابینه ومحاسبات وآرشیو ومیز وصندلی شود .

این اولین قدمی بود که دولت از لحاظ کمک بمردم برمیداشت که بعد هاصورت بهتری پیدا کرد یعنی شاه فقید درصدد برآمد ادارهٔ تثبیت غله بوجود آورد وسیلو بسازد که غله ازدست زارعین بقیمت بالنسبه خوب خریداری وانبار شود و درموارد لزوم وتنگی وترقی قیمت بقیمت نازل فروش نماید تا باین ترتیب مردم مملکت دررفاه وآسایش باشند و هیچوقت نان خراب و گران نشود و گندم هم دست زارع وخورده مالك نماند ولی بعد ازرضا شاه فقید رفته رفته همین اداره کوچك تثبیت غله بجائی رسید که عرض وطولش باعث زحمت وطرز کارش موجب فنا و نیستی زارعین گردید و آن فکر پاك و خالصانهٔ اول بصورت امروز درآمد که این سازمان بجای اینکه رعایا ومالکین را بتوسعه کشت غله تشویق و تائید کند و بنان مردم کمك نماید، اکنون با بودجه سنگین غیرقابل تحملی موجبات آوارگی وبدبختی زارعین و مالکین وخرابی دهات گردیده زیرا این عمل زیان آور ونانوائی کردن دولت دسته دسته مردم گرسنه دهات را بشهرها برای نان ارزان سوق داد که هنوز هم این وضع ادامه دارد ومعلوم نیست چه امتیازی بین مردم شهر نشین با مردم زحمتکش ومولد ثروت دهات وقراء وقصبات این مملکت وجود دارد ؟

آخرین جلسه دوره ششم: روز ۲۱خرداد ۳۰۷ آخرین جلسه قانونگزاری دوره ششم تشکیل شد مسائل بسیاری ازجمله استخدام ۸ نفر معلم برای شیمی وفیزیك وعلوم طبیعی وقسمتی ازطب مطرح و تصویب گردید بعد وزیر مالیه تقاضا کرد لایحه اصلاح قانون استخدام مطرح شود مرحوم مدرس پیشنهاد کرد لایحه الغاء مالیات اغنام و احشام مقدم باشد و گفت باید قدمی برای رفاهیت مردم برداریم واضافه کرد که اگر این لایحه را مطرح نسازید من درجلسه نخواهم ماند وچون و کلا همهمه وجنجال کردند مرحوم مدرس باحال عصبانی خارج شد وعده ای هم بدنبال ایشان بیرون رفتند وجلسه ازاکثریت افتاد مرحوم بهبهانی پیشنهاد تنفس داد وبالاخره موافقت شد که پس از لایحه استخدام لایحه مزبور دردستور گذاشته شود ومرحوم مدرس باچندنفر دیگر واردجلسه شدند و طرح پیشنهادی راجع بالغای مالیات اغنام واحشام که بامضای مرحوم محمودرضا طلوع مرحوم یاسائی مرحوم ملك آرائی وچندنفر دیگر رسیده بود قرائت وتصویب رسید . بعد ازآن نیز چندفقره لایحه تصویب وآقای قائم مقام رفیع گفتند امروز که روز آخرمجلس است همه باید بایکروح صمیمیت وبشاشت همدیگررا وداع کنیم وبعلاوه تشریفاتی برای مدت کوتاه فترت انجام دهیم.

جلسه تشریفاتی روزبعد بریاست آقای خلیل فهیمی (فهیم الملك) تشکیل گردیدونایب رئیس درنطق خود گفت خدارا شکرمیکنیم که در دوره ششم بهترین خدمات را انجام داده ایم که برجسته ترین آنها تعمیم دوره قضائی درمملکت ووضع قانون مدنی و الغاء کاپیتولاسیون میباشد که استقلال مملکت را بیش از پیش مستحکم ساخت بودجه مملکت را دراول سال برای سال آتیه تصویب نمودیم قانون تاسیس بانك ملی گذراندیم مالیات اصناف ومالیات مراع ومواشی و خالصجات انتقالی دراین دوره ملغی گردید برای معارف قدم های خوب برداشته شد راه آهن که پایه آن چندیست گذاشته شده دراین دوره وارد مرحله عمل شده در پایان ضمن سپاسگزاری ازاعلیحضرت فقید که منشاء اصلاحات بوده اند ازمرحوم تیمورتاش نیزقدردانی نمودند درآنموقع مرحوم تیمورتاش بمسافرت اروپا رفته وباسران کشورهای خارجه ملاقات مینمود وبخصوص باموسولینی ملاقات طولانی داشته ودرهمه جا مخصوصاً ایتالیا پذیرائی شایان ازایشان شد ودرتاریخ ۳۱ شهریور بااحترامات بسیار و استقبالی که تاقزوین وحتی رشت وپهلوی دوستانشان نمودند وارد تهران شد .

امان الله خان در تهران: پادشاه افغانستان پس ازمسافرت طولانی که دربعضی کشورهای اروپا نمود

و پذیرائی های مجلل و شایانی که از خانواده سلطنتی امان‌الله خان در پایتخت های ممالك مهم بعمل آمد، از راه روسیه با کشتی جنگی شوروی روز ۱۶ خرداد وارد بندر پهلوی شد. در آنجا ۲۱ تیر توپ از طرف جهاز جنگی و ۲۱ تیر توپ از بندر شلیك شد و اعلیحضرت امان‌الله خان با ملکه ثریا که حجاب را برداشته بود بخاك ایران وارد شدند و مرحوم تیمورتاش از طرف اعلیحضرت همایونی در بندر پهلوی خیر مقدم گفت.

در این مسافرت آقای ضیاء همایون که از رجال ایرانی و با خانواده سلطنتی افغان ازدواج نموده و در دربار امان‌الله خان موقعیت شایسته‌ای داشت نیز همراه بود. پس از پذیرائی های مجللی که در گیلان از پادشاه افغان شد بتهران عزیمت و روز ۱۹ خرداد وارد تهران شدند. اعلیحضرت فقید در باغ بیرون دروازه قزوین از اعلیحضرت امان‌الله خان استقبال نمود و از آنجا با کالسکه شش اسبه از خیابانهای تهران که آئین بندی شده بود عبور نمودند. سایر ملتزمین رکاب نیز در کالسکه های دیگر جلوس نمودند و طرفین کالسکه ها روسای کالسکه خانها و اصطبل خاصهٔ همایونی و چهار نفر اجودان و عده‌ای اسکورت سواره در جلو و عقب کالسکه حرکت میکردند. کالسکه ها باین ترتیب تا انتهای خیابان پهلوی رفت و در آنجا اعلیحضرتین از کالسکه پیاده شدند و خداحافظی نمودند. اعلیحضرت امان‌الله خان با اتومبیل بقصر صاحبقرانیه و اعلیحضرت شاه فقید بقصر شخصی باز گشتند.

علیاحضرت ملکه ثریا و خانمهای درباری در باغ دیگری پذیرائی شدند که علیاحضرت ملکه پهلوی در آنجا حضور یافتند و باتفاق در اتومبیل ها قرار گرفته جدا گانه بشهر ورود نمودند.

از اعلیحضرت پادشاه افغان چند روز در تهران پذیرائی شایان شد، روزی اعلیحضرت فقید با مهمان خود در مجلس حضور یافتند. در شهرداری هم پذیرائی مجلل شد و روز ۲۶ خرداد امان‌الله خان و خانواده سلطنتی افغانستان تهران را ترك نمودند، لکن وضع رفتار پادشاه افغان در تهران و طرز برخورد ایشان با مردم و رفتن در بازار و کوچه و محلات شهر خوش آیند اعلیحضرت فقید نشد و احساس سردی بین این دو پادشاه میگردید.

شهر خاموشان : اطلاعات در مقاله خود مینویسد بپایتخت ایران که نیمه شب خاموش میشود و از برق و روشنائی دیگر خبری نیست باید شهر خاموشان نام گذاشت، غروب برق داده میشود و نصف شب قطع میگردد یعنی تهران چهار پنج ساعت برق دارد و از ساعت ۱۲ ببعد شهر در ظلمت می‌افتد و احتمال هر گونه مخاطراتی از لحاظ وسایط نقلیه و جنایات میرود. هنوز فوت مرحوم درویش عالم شهیر موسیقی بواسطه ظلمت شب فراموش نشده که این مرد هنرمند قربانی تاریکی شب گردید.

(در آنموقع برق تهران از کارخانه حاج امین الضرب داده میشد که فقط قسمتی از شهر را روشن می ساخت).

سپس اضافه شده است که برطبق امتیاز نامه بایستی کلیه شهر و حتی اطراف شهر سیم کشی شده و بوسیله الکتریك روشن شود معذالك هنوز هم برحسب دستور سرتیپ بوذرجمهری کفیل بلدیه تهران برای احتراز از خطرات ممکن الوقوع و تنویر معابر مجبور بداشتن چراغهای ذخیره از زنبوری و نفطی میباشند.

افتتاح رسمی بانکملی. روز ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ بانکملی ایران رسماً شروع بکار نمود و سرمایه اولیه بانك بموجب اساسنامه مصوبه هیئت وزیران معادل دو میلیون تومان تعیین گردید که صدی چهل آن نقداً برای تاسیس و افتتاح از طرف دولت پرداخت شد.

آقای لیندن بلات آلمانی رئیس بانك در ملاقاتی که روز بعد از افتتاح نماینده اطلاعات از او نمود گفت اعضای بانك را اشخاص لایق و با اطلاعی تشکیل داده‌اند که با صمیمیت کار خواهند کرد. تجار ایران با چهره های گشاده و قیافه متبسمی قدم ببانك نهاده و معاملات خود را با بانك خود شروع کردند و در خصوص تأسیس شعبه بازار و شعب شهرستان ها گفت فعلا مؤسسه مرکزی را تکمیل خواهیم کرد تا رفته رفته به تأسیس شعب بپردازیم.

شاه فقید در جشن بانکملی: برای اولین دفعه اعلیحضرت فقید با لباس ساده غیر نظامی: کت سرمه‌ای، شلوار سفید و کراوات در جشن افتتاحیه بانك ملی حضور یافت و در چادری که در زمین های مسطحی که اکنون عمارت مجلل بانك ملی در آن ساخته شده تشریف فرما شدند. لیندن بلات نطقی کرد که آقای منصور السلطنه ترجمه نمود.

اعلیحضرت فقید در طی نطق جوابیه فرمود: «تاسیس بانکملی یکی از آرزو های دیرینه ملت من بوده و حال که بعون الله تعالی بعملی کردن این آرزوی ملی موفقیت حاصل شده لازم میدانم نکات چندی را باطلاع عموم برسانم.

در انظار دنیا پیشرفت این قبیل مؤسسات نمونه لیاقت ملی محسوب تواند شد بنابراین بر هر فردی از افراد ملت [illegible]

و تا کید میکنم که از هیچ قسم فداکاری برای محکم نمودن این اساس عام المنفعه خودداری ننمایند با مساعدتهای خاصی که از ناحیه خود من و دولت برای کلیه امور مربوط باقتصادیات مملکت معطوف بوده و میباشد یقین داریم که افراد ملت من نیز مراتب وطن پرستی و فداکاری را که شایسته عموم ملل راقیه است بمنصه بروز خواهند رسانید.»
بانك ملی درجریان کار مواجه بارقابت‌های شدید بانك شاهی گردید که روزنامه اطلاعات درمقالات خود انتقادات سخت وخشن ازبانك شاهی نمود وخوشبختانه بااستقبال شایانی که مردم از بانکملی نمودند بانك مزبور در پیشرفت خود توفیق حاصل کرد.

اولین کاروان علم و ادب : صبح روز ۲۳ مهر ۱۳۰۷ صحن وزارت فرهنك غلغله بود. ازساعت شش هفت صبح جمعیت زیادی ازخویشان وبستگان ودوستان یکصد وده نفرمحصلینی که باروپا اعزام میشدند در حیاط وزارتخانه اجتماع نموده بودند، اتومبیل‌هاهم در کناری صف کشیده و آمادهٔ حرکت بود، هر یك از اتومبیل‌ها که محصلین درآن قرارداشتندو آماده حرکت میشد درمیان هوراو کف‌زدن وشوروشعف بدرقه کنندگان ازدروزارت فرهنك خارج میشدو راه بندرپهلوی راپیش‌میگرفت .

***

چندروزقبل‌ازحرکت باروپا بود که اولین دسته محصلین اعزامی درقصرشخصی اعلیحضرت حضورشاهنشاه فقید درك آمده بودند دوآن روز همه لباس کت وشلوار خاکی رنك و کلاه مشکی پهلوی پوشیده بودند،سرپرستان محصلین مرحوم مرآت . مرحوم طاهر وآقای ایرانی بودند . آقای علی اصغرحکمت وآقای اعتمادالدوله قراگزلو وزیرمعارف وقت نیزحضورداشتند .
شاه فقید فرمود: «این اولین دفعه ای نیست که من ازمحصلین که فرزندان من هستندبدرو. میکنم شایدمرتبهٔ پنجم و ششم باشد ولی تاکنون محصلین لشگری اعزام میداشتیم وحالا خیلی مسرورم که شا کردان کشوری ارو انه میداریم.» بعد خطاب بمحصلین فرموده و گفتند : «باید بدانید چرا شمارا ازیك کشور پادشاهی بیك کشور جمهوری مثل مملکت فرانسه اعزام میداریم فقط برای این است که حس وطن پرستی فرانسویان را سرمشق خود قرارداده و در اعماق قلبتان جایگیر سازید، اگرزمامداران سابق تاکنون مبادرت بچنین‌کارهائی کرده بودند مملکت ایران بوضع حالیه نبود و قطعاً پیشرفت‌های بهتری پیدا میشد»
درپایان شاه فقید گفت: «فرزندان من، ازخداوند متعال عمر میخواهم که پس ازباز گشت از اروپا شماها را با ارمغان خوبی که برای وطن‌تان‌می‌آورید دوباره ملاقات نمایم واضافه کرد که سرپرست‌های شما از کسانی انتخاب شده‌اند که من بآنها اطمینان‌کامل دارم یکی آقای علاء وزیرمختارایران درپاریس ودیگری آقای بهرامی رئیس کابینه اسبق من میباشد »

اسامی اولین دسته محصلین اعزامی : پس از گذشتن ۲۲ سـال شایددرج اسامی کسانی کـه سال اول باروپا اعزام شدند تازگی داشته باشد زیرا بین آنها باسامی بسیاری بر می خورید که آنهـا را قطعاً می شناسید .
(درآن‌موقع هنوزمیرزا وخان موقوف نشده‌واسامی آقایان محصلین بامیرزا وخان‌دراطلاعات‌چاپ‌شده ولی‌مااین عناوین راحذف می کنیم)

برای علوم اقتصاد و مالیه : آقایان عبدالحمید زنگنه ، عزیزالله ملك‌اسمعیلی ، حسین‌نقوی

علوم قضائی : آقایان مرتضی آزموده ، مهدی تقوی ، کریم سنجابی ، سیدعلی شایگان

معلم تاریخ وجغرافیا : آقایان محمود کیهان ، محسن عزیزی ، احمد علی حکمت ، حسین نوائی مهدی بهرامی.

معلم زبان وادبیات : آقایان سیدمهدی‌حسابی ، رحمت‌الله آشوب آئین ، لطفعلی صورتگر ، مسعودفرزاد حسینعلی صرسیاح

***

آقایانی که ازقسمت ٤٤ یاه برای تحصیل‌علوم مختلفه قبول‌شده‌اند مطابق صورت مستخرجه ازروی‌اوراق

امتحانات بقرار زیر میباشند :

۱ــ غلامعلی فریور ۲ــ محمدنصیرسمیعی ۳ــ سیدعبداله ریاحی اصفهانی ٤ــ علی افضلی پور ٥ــ اسداله آل بویه ٦ــ جلال عقیلی کرمانی ۷ــ حسین سامی راد ۸ــ رضا اقصی ۹ــ مهدی بازرگان ۱۰ــ نصراله محمودی ۱۱ــ تقی صباحی امین ۱۲ــ نصراله اسکندانی ۱۳ــ ناصرمسعود انصاری ۱٤ــ عباس معتمدی ۱٥ ــ سیداحمد رضوی ۱٦ــ احمدعلی ابتهاج ۱۷ــ کاظم ثقفی ۱۸ــ سعداله شیبانی ۱۹ــ ابوالقاسم پزشکیان ۲۰ ــ آقا بزرگ منفرد ۲۱ــ موسی همدانی ۲۲ــ عبداله باهر ۲۳ــ مصطفی حبیبی گلپایگانی ۲٤ــ ابوالقاسم غفاری ۲٥ــ غلامحسین فروتن ۲٦ــ [illegible] شه‌منش ــ ۲۷ محمودحافظی ۲۸ــ مرتضی جواهری ۲۹ــ حسن ریاضی ۳۰ــ خلیل ملکی تبریزی ۳۱ــ محسن کلانتری ۳۲ــ حسن عطاری نژاد ۳۳ــ مرتضی عدل طباطبائی ۳٤ــ محمد علی جلالی شیرازی ۳٥ ــ علی اکبر شروقی ۳٦ــ مرتضی قاسمی ۳۷ــ امین الدوله مصباح ۳۸ــ رضارادمنش ۳۹ــ غلامعلی شیخ نیا ٤۰ــ حسن سدهی ٤۱ــ محمودسیاسی ٤۲ــ ابراهیم ریاحی اصفهانی ٤۳ــ محمد ماجدی ٤٤ ــ امانةاله روشن زاگر ٤٥ ــ سیدجلیل شمسا ٤٦ــ اسمعیل آزرم ٤۷ــ سیداحمدعنایت ٤۸ــ محمودیزدی زاده ٤۹ــ ابوالحسن شیخ ٥۰ــ حسین مفتاح ٥۱ــ عباداله بصیر ٥۲ــ احمدمهران ٥۳ــ حبیب اله هورخش تابان ٥٤ــ هاشم عروضی ٥٥ــ محمد اسمعیل شیرازی ٥٦ــ عزت اله خبیری ٥۷ــ احمدحامی ٥۸ــ احمددانشور ٥۹ــ عطاءاله [illegible]نپور ٦۰ــ علی اکبر روح بخش ٦۱ــ حسین انصاری ٦۲ــ محسن زاهدی ٦۳ــ علی اصغر خشایار ٦٤ــ حیدر سرخوش ٦٥ ــ مصطفی الهی وزیری ٦٦ــ علی سمیدی طاهری ٦۷ــ محمدقراگزلو ٦۸ــ فتح اله بهاری .

درقسمت طب : دکترابراهیم نعمت اللهی ــ دکترمرتضی اخوی ــ دکترمحمدمهدی آذر ــ دکترفصیح فصیحی ــ دکترمهدی پزشکان ــ دکتراسداله شیبانی ــ دکترابوالقاسم صمدی ــ دکتر محمدعلی ملکی ــ دکتر نصرت اله باستان .

عده‌ای هم برای وزارت فواید عامه وبخصوص راه‌آهن بمسابقه انتخاب گردیدند.

چگونگی افتتاح مجلس هفتم : شاه فقید درنطق افتتاحیه هفتمین دوره قانونگزاری پیرامون نکات زیربیاناتی فرمودند :

« ازاینکه مملکت ایران بعضویت شورای جامعه ملل انتخاب شده است اظهار مسرت نموده و لغت الغاء کاپیتولاسیون وانعقاد عهودجدیده که مقتضی حیثیت ملی و منافع ایران بود عامل مؤثر حسن روابط ایــران با ممالک خارجه میباشد وآرزومند هستم ملت ایران پیوسته درصلح وسلامت باشد تابتواند تمام وقت خودرا صرف کار عمران و آبادی داخلی مملکت خود کند وبهمین جهت در عهدنامه بین المللی تحریم جنگ شرکت کردیم و با طیب خاطر آنرا امضاء نمودیم، تأسیس بانک ونقشه های اقتصادی و کشاورزی که در پیش است برای بهبود طبقات رنجبر مؤثر خواهد بودوهدف من اصلاح وضع ملت میباشد که همکاری مجلس مؤثر خواهد بود و علاوه براین مجلس باید توجه مخصوصی بتهذیب اخلاق عمومی وترویج وطن پرستی ووظیفه شناسی وتحکیم ایمان وتقوی در جامعه داشته باشد» .

شاه فقید در کالسکه ٦ اسب سلطنتی قرار گرفت . سرتیپ نخجوان کفیل ارکان حرب طــرف راست کالسکه و سرتیپ یزدان پناه رئیس تفتیش کل نظام سمت چپ کالسکه بعد دو نفر شاطر بعد امیرلشکــر خدایارخان حامل بیرق سلطنتی، بعد دولتشاهی حاکم تهران وسرتیپ بوذرجمهری کفیل بلدیه ــ سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه ــسرهنگ جهانبانی رئیس امنیه کل مملکتی ودرجلو آصف دولو رئیس فراشخانه ــ امیرسلیمانی رئیس اصطبل خاصه همایونی وسواران نیزه‌دار بودند .

شاه ازعمارت گلستان وخیابان ناصریه ولاله زار ورفاهی وشاه آباد باین ترتیب عبــور نموده وارد مجلس شد.

درآنموقع تشریفات چنین بود که آقایان علماء نیز درمراسم افتتاح حضور مییافتند ودر داخــل تالار کنارصندلی مرصع که شاه درپشت آن خطابه ایراد مینمود مینشستند و همین که اعلیحضرت وارد تــالار جلسه میشد باحترام برمیخاستند.

درآنروز آقایان امام جمعه تهران . ظهیرالاسلام . میرسید احمدبهبهانی . آقاشیخ حسین یزدی ــ حاج شیخ محمدامین خوئی ــ آیت الله‌زاده اصفهانی وچندنفر دیگر درآنجا حضورداشتند.

پس از انجام مراسم گشایش اولین جلسه دوره هفتم بریاست مسن‌ترین اماینده‌گان (حاج سیدمحمود مجتهد) تشکیل گردید و آقای حسین‌داد گر بریاست مجلس انتخاب شد.

اولین اسب دوانی درصحرا ـ شاه فقید بتعلیم وتربیت ترکمن ها اهمیت بسیار میدادوجدا بود این طایفه را که سوابق طولانی درشرارت وغارتگری داشتند شهرنشین و با سواد نماید بدینجهت علاوه ساختمان شهر وتاسیسات فرهنگی وتربیتی آنها، عده‌ای از اطفال عشایررا برای تربیت بتهران آورد وهر یکدسته ازآنها را شبانه روزی تحت مربیان خوب تربیت میکردند و برای توسعه کارهای فلاحتی بمحل می‌نمودند .از جمله کارهائی که بهمین منظورمیشد تشکیل مسابقه‌های اسب‌دوانی درصحرای ترا کمه‌و شرکت تر ها در مسابقه بود.

اولین دفعه اعلانی که برای این کار منتشر شد بامضای سرتیپ فضل‌الله زاهـدی رئیس تیپ مستقل (رئیس کنونی شهربانی) بود که‌مژده دادروز ۲۰مهر ۳۰۷ اعلیحضرت بگمش تپه‌درصحرا تشریف‌می‌آورند و اع رجال ونمایندگان‌هم خواهندآمد نادرمراسم اسب دوانی حضورداشته باشند .

اتصال خوزستان بایران

سابق براین، قبل‌ازآنکه راه شوسه خوزستان ساخته شود ، مسافرین بخوزستان از راه بین‌النهرین ا میگرفت ، کسانی که میخواستند باهواز یا خرمشهر وسایرنقاط خوزستان سفر کنند باید از راه کرمانشاه و شیرین بیغداد بروند واز راه بصره وشط‌العرب بخرمشهر وارد شوند ویا ازجنوب ایران از راه دریـا بخر مسافرت کنند .

پس ازآنکه خطه خوزستان عملا ازسلطه شیخ‌خزعل بیرون‌آمد وتحت امرونظرحکومت مر کزی در قبل‌ازهرچیز شاه فقید تصمیم گرفت خوزستان را بنقاط دیگر کشور متصل سازد و اهتمام خود را روی باز ک راه مهم خرم آباد بدزفول گذاشت ، برای انجام این منظور قربانیهائی داده شد ، عده زیادی بدست الوار کشته شدند که قتل امیرلشکر طهماسبی یکی ازآن قربانی های گرانبها بود .

عملیات راهسازی درمیان کوهستانهای صعب و دشوار لرستان دربین‌بعضی‌ایلات‌و طوایفی که کمترآدم بودند وشغل‌آنها آدم کشی‌و راهزنی بود شروع گردید ، مهندسین وعملجات راه درحمایت سرنیزه قشون و و متراليوز کار میکردند زیرا درغیر اینصورت کسی جرئت نداشت قدم در کوههای لرستان گذارد ، در این بایدازامیرلشکراحمدآقاخان(سپهبدامیراحمدی) که‌اورا امیرغرب‌می‌نامیدند نام برد ایشان‌در قلع وقمع اشرار و استقرار صفحه غرب نقش مهمی بازی کرد وخدمات شایانی انجام داد ، شاه با بیصبری انتظار بازشدن این راه را می تا باو مژده دادند که از اول آبان ماه ۱۳۰۷ راه خرم‌آباد بدزفول برای افتتاح بازاست.

شاه فقید روز ۳۱مهر بقم مشرف‌شد وازآنجا بعراق وبروجرد رفت ومقررداشت رجال واعیان‌و از نمایندگان مجلس و مدیران جراید برای شرکت در افتتاح راهی که در آنروز اعجاز بشمار میرفت ح پیدا کنند .

همه بارسفر بستند وازجمله کسانی که‌دراین سفر بودند : مرحوم فرمانفرما ، مرحوم ظفرالسلطنه بخ مرتضی قلی‌خان‌صمصام. وثوق‌الدوله . قـوام الملك شیرازی .تدین . هیئت دولت و بسیاری ازرجال وا نمایندگان مجلس بودند.

اولین دفعه‌ای‌بود که مدیر اطلاعات درالتزام‌رکاب شاه فقید دعوت شد واین دعوت‌راخیلی گرامی‌دا ازمدیران جراید آقای رهنما مدیرایران، آقای‌دشتی مدیرشفق‌سرخ ، آقای‌ناهید مدیرروزنامه ناهید، مرحو رضوانی مدیرروزنامه گلشن بودند.

وضع مسافرت آنروز ، مثل امروزنبود،هرمسافری باید تختخواب ورختخواب خودراهم همـراه باشد زیرا دربین راه وسایلی برای استراحت ازحیث مهمانخانه وغیره وجود نداشت ، تختخواب‌سفری با وسا خواب وبخصوص پشه‌بند ازلوازم حتمی مسافرتهای‌آنروز بشمار میرفت.

روز دوم آبان،شرکت کنندگان در جشن‌ازتهران‌حرکت کردند و در بروجرد بهملتزمین‌رکاب‌پ ازبروجرد مقالات‌آقای مسعودی که بصورت تلگراف مخابره می کرد شروع‌شد. هنوز کسی نمی

و باور نمیکنند که اداره اطلاعات تمام قیمت تلگرافات مسافرتهای مدیر اطلاعات باشاه را می‌پرداخت، برای اولین بار وقتی بعرض شاه رسید که اجازه میفرمائید تلگرافات مدیران جراید مجانی مخابره شود، فرمودند مطابق چه قانونی؟ مگر میشود پول دولت را تفریط کرد؟ چطور ممکنست تلگرافات روزنامه‌ها مجانی باشد؟ از آن پس همه تکلیف خودرا دانستند و فهمیدند که با این شخص نمیتوان ازاین حرفها زد، این تقاضا دیگر تکرار نشد و چندین سال مدیران جرایدی که درالتزام رکاب شاه قراری گرفتند علاوه بر پرداخت قیمت تلگرافهائی که بصورت مقاله مخابره میکردند وفقط از آژانس بین‌المللی مطبوعات یعنی نصف قیمت استفاده مینمودند سایر مخارج را نیزخود برعهده داشتند، وسیله نقلیه با خود ملتزمین رکاب وحتی مدیران جراید بود که ناچار دو نفرو سه نفر با هم یکی میشدند واتومبیلی اجاره می کردند که در تمام مدت با آنها باشد ورفته رفته مسافرت های مدیر اطلاعات درالتزام رکاب اعلیحضرت فقید مخارج هنگفتی باداره اطلاعات تحمیل می نمود از حیث کرایه اتومبیل، قیمت تلگرافات، مخارج فیلم وعکسبرداری و کلیشه وغیره، زحمتش هم طاقت فرسا بود زیرا اعلیحضرت فقید هرگز در تاریکی مسافرت نمیکردند، ایشان صبح زود بمسافرت خود ادامه میدادند و قبل ازظهر بمقصد میرسیدند و باز بعدازظهر حرکت نموده وعصر قبل از آنکه آفتاب غروب کند باید بمقصد برسند، سرشب زود استراحت می کردند وسحر گاه برمیخاستند وساعت ۷ صبح پا در رکاب اتومبیل می‌نهادند باین کیفیت ملتزمین رکاب هم ناچار از ساعت چهار بعد از نیمه شب باید در تدارک حرکت باشند، کی جرئت داشت یك دقیقه دیر تر حاضر بحرکت باشد!

نقل میکنند دریکی ازمسافرتها، مسافرت اعلیحضرت فقید بود کیه وزیرخارجه وقت آقای کاظمی چون علاقه فراوانی بدیدن آثار تاریخی وملاحظه شهرها دارند ازفرصت کوتاهی استفاده نموده بیکی ازشهرهای نزدیك میروند غافل ازاینکه ساعت حرکت فرا میرسد، مسافرت با کشتی در دریای سیاه بود، همینکه ساعت حرکت فرارسید، اعلیحضرت فقید وهمراهان داخل کشتی شدند وشاه امر داد کسی حرکت کند، بعرض رسید وزیرخارجه نرسیده است، دیگر جوابی ندادند، ناچار کشتی بحرکت درآمد، چند دقیقه بعد وزیرخارجه رسید، تنها راهی که بنظر مهمانداران ترك رسید تدارك قایق موتوری بود که وزیرخارجه را در آن جای دادند ودرعین حال بفرمانده کشتی اطلاع دادند سرعت سیر را کم کند تا قایق برسد باین ترتیب قایق بکشتی نزدیك شد و وزیرخارجه با نردبان طنابی بالارفت وازقایق بکشتی که باسرعت کمی درحال حرکت بود وارد گردید.

مسافرت‌های امروز درالتزام رکاب اعلیحضرت همایونی فرزند والا گهر شاهنشاه فقید با آن ایام فرق بسیار دارد، ایشان بر خلاف پدر بزرگوارشان گذشت واغماض زیاد دارند، کیسه را هم خیلی شل کرده‌اند، حالا نه فقط مخارج رفت وآمد واقامت را میپردازند بلکه پول توجیبی هم داده میشود و راستی مسافرت با ایشان لذت بخش است.

رضاشاه فقید هنگامی که نوار سه رنگ را دراول جاده خرم آباد با تشریفات وتجلیل بسیار با قیچی نقره قطع مینمود درمیان هلهله وشادی رؤسای ایلات و وجوه اهالی بروجرد که تاقبل ازاین تاریخ پیوسته در معرض غارت طوایف لر واقع میشدند وبشهر میریختند وهستی مردم را میبردند فرمود: «یکی دیگر ازآرزو های ملی من برآورده شد اهمیت این راه زیاداست ویك صفحه متروك کشوررا بایران متصل میسازد، من از خداوند کمك میطلبم که بتوانم ازدل همین کوهها راه آهن ایران را عبور دهم واین افتخار نیز نصیبم گردد، این راه شمال را بجنوب یعنی دو دریا را بهم اتصال داده و آرزومندم بندر شاه را بشاهپور وصل نمایم و موجبات رفاه وترقی ملت خود را فراهم آورم».

***

شاه فقید قبل ازورود بخرم آباد دریك فرسخی شهر از اتومبیل پیاده شده وبراسب سفیدی سوارشد، صاحب‌منصبان هم بااسب درملازمت شاه قرار گرفتند ومنظور شاه این بود که درطول جاده هنگام عبور ازمیان ایلات و طوایف مختلف لرستان که دردوطرف جاده صف بسته بودند نسبت بآنها بیشتر اظهارمهر فرماید و بعلاوه ابهت و عظمت شاهنشاهی خودرا نشان‌دهد ودرحقیقت مردمی که درتمام مدت عمرفقط نامی ازشاه شنیده بودند اینك شاهنشاه خودرا ازنزدیك ببینند، دراین موقع شاه فقید علاوه برنشانها ومدال‌هائی که برسینه زده بودند شنل آبی رنك را در برداشتند وجقه‌ای شبیه بجقه‌ای که ناصرالدین شاه بر کلاه میزد بر کلاه نظامی خویش گذارده بودند ومردم لرستان الوار شاه ایران را درچند قدمی خود باجلال بسیار دیدند ودرعین حالیکه هلهله وغریو میکشیدند بر خود لرزیدند که با داشتن چنین شاه پردلی که بآرامی ازمیان دوصف الوار شرور عبور میکند دیگر نمیتوان دزدی وراهزنی وآدم کشی کرد.

هنگام اجرای مراسم افتتاح راه خرم‌آباد طیاره شرکت هواپیمائی یونکرس آلمانی که چند ماهی بود درایران دایر شده وپست ومسافر ببعضی نقاط حمل میکرد درآسمان خرم‌آباد ظاهر گردید وبربالای چادر ها به پروازخود ادامه داد واوراق تبریك پخش نمود واین پیش‌آمد اسباب بهت‌وحیرت لرها که روسای آنها کت وشلوار پوشیده و کلاه پهلوی‌سر گذاشته بودند گردید

دونفر ازرؤسای الوار جبهٔ تفنگی رابنام تسلیم‌کلیه اسلحهٔ استان و خاتمهٔ ملوك‌الطوایفی تقدیم‌اعلیحضرت فقید نمودند وشاهنشاه خطاب برؤسای الوارفرمود من ازهمین‌امروز تمام شماها والوارراین‌خطه‌وسیع راعفومیکنم تمام خطاهائی که ازطرف شماسرزده می‌بخشم امابدانید که اگریکی ازشماها خیال دزدی وراهزنی نماید نه فقط او را معدوم خواهم کرد بلکه امرخواهم داد تمام الواررا مجازات نمایند،باید بدون‌اینکه قشون دراین صفحه باشد خودتان مراقب باشید ودستورمیدهم وسایل‌آبادی وزندگی‌شماها را فراهم‌آورند وبکشاورزی ونگاهداری گله اشتغال پیدا کنید وبعداز آنکه بامان‌الله معروف که بانظر علی خان وپسرانش جنگیده وآنها را مقهور ساخته بود خلعت داد فرمود امان الله برو تو درنظر من مانند یك سرباز می باشی و این مرحمت شاه درآن‌روز خیلی اهمیت داشت .

مرحوم صوروزیرپست وتلگراف اجازه گرفت که اولین‌اتومبیل حامل پست‌خوزستان راحرکت دهند و باین ترتیب پست‌بین‌ایران ولرستان وخوزستان‌دایرشد فردای آن‌روز اتومبیل شاه فقید وملتزمین رکاب در میان کوههای لرستان بحرکت درآمد وپس‌از اجرای مراسم‌افتتاح‌تونل‌ویك‌شب‌توقف بین‌راه‌بشهردزفول‌ورود نمودند

دو فرسخ و نیم پیاده : شاه فقید دردنبال‌خستگی یك‌روزمسافرت‌پرمشقت بین‌دزفول‌وشوش‌دوفرسخ ونیم درمیان گل‌ولای پیاده راه‌رفتند تابشهرناصری (اهواز)رسیدند.

صبح‌موقعی که‌موکب شاه‌ازدزفول عازم اهوازمیشدباران سختی می‌بارید لکن ایشان توجهی باین موضوع نکرده‌وتصمیم خودرا برای حرکت ازراه‌شوش بسمت‌اهواز عملی نمود همه ملتزمین رکاب باوحشت از این‌مسافرت خطیربراه افتادند زیرا این‌تغییر تصمیم اعلیحضرت‌را که‌بجای شوشترازراه‌شوش عازم شدندبانبودن‌راه شوسه‌وآمدن باران همه‌بانگرانی تلقی کردند

ولی چاره ای‌نداشتند ، هنوز چند فرسخ از دزفول دور نشده بودندکه اتومبیل ها یکی بعد ازدیگری درگل فرو رفت ولی شاه همچنان بمسافرت‌خود ادامه‌میداد ، بالاخره اتومبیل شاه‌این مرتبه طوری‌در گل‌فرورفت که‌دیگر نتوانستند آن را بیرون بکشند. هواتاریك شده بود و از آبادی هیچ خبری نبود ، گاهی راه‌را گم میکردند و گاهی پیدا می‌نمودند آخر الامر شاه فقید درمیان گل و لای پیاده راه اهواز را پیش گرفت در این موقع سرتیپ آق‌اولی فرمانده‌قشون‌خوزستان و مرحوم تیمور تاش ورئیس تشریفات در حضورشان‌بودند که آن ها هم پیاده براه افتادند و باین وضع چند ساعت ازشب گذشته وارد اهواز شدند .

اما سایرملتزمین رکاب‌دربیابان ماندند. شب‌را دراتومبیل‌ها بانگرانی گرسنه بسربردند وهمینکه‌سپیده صبح دمید یکدیگررا درصحرای وسیع یافتند ودرمقام چاره‌جوئی برآمدند لکن‌قبل‌ازهرچیز لازم بود غذائی‌پیدا کنند زیرا ۲۸ساعت میگذشت که‌هیچ‌چیز نخورده بودند ازدورسیاه‌چادرها دیده‌شد همه‌پیاده راه‌سیاه‌چادرهارا‌پیش گرفتند مرحوم‌سردارا‌سعد ومرحوم نصرةالدوله فیروز بانشان‌دادن سکه‌های‌طلا عشایررا تشویق بکباب کردن‌مرغ وجوجه‌نموده نان‌وماست وپنیرآوردند واعیان‌ورجال شکم گرسنه خودرا دربرابر‌پرداخت چندین‌سکه‌طلاسیرنموده کم کم وسایل کمك‌رسیدواتومبیل‌هارا بوسیله کامیون‌های‌قشون از گل‌بیرون کشیدند‌و بسمت‌اهوازحرکت کردندوشب آنروزباسروضع گل‌آلودی یکی پس‌ازدیگری‌وارد اهواز شدند.

عهدنامه تحریم جنگ—روزپنجم شهریور۱۳۰۷ عهدنامه‌ای‌بین ۱۵دولت‌معظم‌جهان‌درپاریس‌بامضاء رسید.روساءجمهوروسلاطین کشورهای آلمان.امریکا.انگلستان ، فرانسه ، بلژیك ، ایطالیا.ژاپن ، لهستان.چك‌اسلواکی و کشورهای‌وابسته باین‌حکومت‌ها معتقدشدند که‌اکنون‌موقع آن‌رسیده که شبثات سلحشورانه‌راازوسایل سیاست ملی خارج نموده‌وروابط صلح جویانه‌ودوستی بین‌الملل‌رابیش ازپیش تحکیم‌نمایندو امیدوارندسایرملل‌نیزواردباین عهدنامه‌شده صلح دنیا برای‌همیشه تضمین گردد باین‌جهت نماینده گانی‌ازجانب‌سلاطین‌ورؤسای جمهور کشورهای‌پانزده

که در پاریس جمع شده معاهده‌ای را امضاء کردند که در آینده از توسل بهر گونه اقدامات مسلحانه کشورها امتناع ورزند و اختلافات را فقط بوسایل صلح‌جویانه حل و عقد کنند.

این عهدنامه در محافل سیاسی آنروز بامسرت استقبال شد و ملل جهان خوشوقت شدند و یکی بعد از دیگری باین عهدنامه پیوستند چنانچه ایران هم عهدنامه را امضاء نمود لکن هیچیک از کشورها در مسلح کردن و تدارک ادوات جنگی از پای ننشستند و بالاخره تسلیحاتی که برخلاف مقاولات و عهدنامه های دیگر تحریم شده بود آنقدر توسعه یافت و انبار شد تا درسال ۱۳۱۹ یعنی ۱۲ سال بعد منفجر گردید.

ورود طیاره جدید: طیاره جدیدی ۱٤ آذر ۱۳۰۷ از سیستمی که برفراز اقیانوس پرواز کرده است از آلمان بایران وارد شده است. اسم این طیاره بلبل و مخصوص ایران ساخته شده. ملخ طیاره مذکور از فلز و محل راننده آن بکلی بسته و محفوظ میباشد بدینجهت درمه و برف با کمال اطمینان پرواز میکند. اطاق مسافر وسیع و سه پنجره دارد و در زمستان داخل طیاره گرم میشود و یک تن بار را بخوبی حمل میکند.

معرفی دولت بمجلس هفتم: آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت باردیگر بسمت ریاست وزرائی انتخاب و دولت خود را بمجلس هفتم معرفی نمود باین ترتیب که وقتی مجلس هفتم رسمیت پیدا کرد فراکسیون ترقی که تنها فراکسیون مجلس بود و در جلسات آن مرحوم تیمورتاش و اعضای دولت نیز غالبا شرکت مینمودند تصمیم بابقای دولت گرفت و روز بعد دولت آقای هدایت پشت تریبون رفت و برنامه خود را تقدیم داشت و گفت باتشکر و مسرت زیاد از سعادت ادامه خدمتگزاری خود برنامه دولت را تقدیم میدارم و چون خودم بقدری عاجز از ایستادن میباشم که نمیتوانم قرائت کنم خودشان قرائت کنند (مرحوم یاسائی گفت وزراء را معرفی نفرمودید).

رئیس الوزراء جواب داد وزراء تغییر نکرده‌اند که معرفی کنم و از تریبون پائین آمد (همهمه نمایندگان) آقا سید یعقوب گفت مطابق مقررات جاریه دولت پس از رسمی شدن مجلس بایستی معرفی شود بالاخره پس از ایرادات وکلاء آقای هدایت اظهار نمودند که من نخواستم کار زایدی شده باشد حالا میفرمائید معرفی کنم: سارخوب: آقای نصرت الدوله وزیر مالیه — آقای داور وزیر عدلیه — آقای اعتمادالدوله وزیر معارف — آقای شیبانی وزیر فوائد عامه — آقای صوراسرافیل وزیر پست و تلگراف — آقای پادروان کفیل خارجه — آقای سردار اسعد وزیر جنگ — آقای ادیب السلطنه هم وزیر داخله.

مهمترین قسمت پروگرام دولت که منشی جلسه خواند ساختن راه آهن از بندرشاه تا بندرشاهپور بود که دولت وعده داد ۳ ٤ ٤ کیلومتر آن از شمال بجنوب تا آخر آذر ۱۳۰۸ باید ساخته شود، موضوع ساختن راههای ایران و تخته قاپو کردن ایلات و عمران و آبادی مراکز ایل نشین و تقویت معارف از راه توسعه مدارس ابتدائی و متوسطه و اقدام در تکمیل مؤسسات صحی و اصلاحات قضائی از مسائل مهم پروگرام آن روز دولت بود که میتوان گفت قسمت زیادی از آن از حرف بعمل نزدیک گردید.

جشن کلاه پهلوی: علاوه بر وزراء و وکلاء و روسای ادارات و مستخدمین دولت که بتدریج لباس متحدالشکل دربر میکردند، رفته رفته سایر طبقات نیز از لباس های مختلف الشکل بیرون آمده و کلاه پهلوی که کلاه ساده لبه‌دار بود سرمیگذاشتند

تاآنموقع انواع لباس معمول بود، بخصوص عمامه شیرشکری در بازار مد بود و فکر اتحاد شکل از ناحیه شخص اعلیحضرت فقید تراوش نمود و منظورش این بود که اتحاد شکل بوحدت ملی کمک میکند و مکرر در محافل اظهار مینمود که باید وحدت زبان و وحدت شکل در تمام کشور بخصوص بین طوایف و ایلات برقرار شود تا باین وسیله ریشه اختلافات از بین برود و همه در لوای وحدت کامل همکاری نمایند و از جدال اجتناب نمایند و در راه ترقی و پیشرفت کشور قدم بردارند.

این بود که فکر مزبور را طبقات مختلف استقبال مینمودند. تردید نیست که اجرای این منظور با مشکلاتی مواجه میشد چه بسا دستجات و طبقات و مردم دور از مرکز مایل نبودند لباس و کلاه آباء و اجدادی خود را کنار بگذارند و در این قبیل موارد مداخلات مامورین دولت مؤثر بود و چنانچه از راه تشویق و برقراری مجالس جشن و نطق و بیان اجرای منظور امکان پذیر نبود، از راه فشار عمل میشد و مجبور میکردند که لباس متحدالشکل بپوشند.

موضوع اتحاد شکل کم کم مورد توجه مجلس هفتم قرار گرفت و برای اینکه عمل مزبور صورت قانونی داشته باشد و مامورین دولت بتوانند مردم را وادار باجرای قانون کنند لایحه‌ای در مجلس بتصویب رسید که طبق قانون مزبور لباس متحدالشکل رسمیت یافت و از آن ببعد دیگر عمومیت پیدا کرد و صورت قانونی یافت

قانون اتحاد شکل : طرحی بامضای عده زیادی از نمایندگان مجلس تحت چهار ماده زیر تقدیم گردید و با اصلاحات مختصری در جلسه ٦ دی ۳۰۷ بتصویب رسید.

ماده اول ــ کلیه اتباع ایران که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوصی نیستند در داخله مملکت مکلفند که ملبس بلباس متحدالشکل بشوند و کلیه مستخدمین دولت اعم از قضائی و اداری مکلف هستند در موقع اشتغال بکار دولتی بلباس مخصوص قضائی یا اداری ملبس شوند و در غیر آن موقع باید بلباس متحدالشکل ملبس گردند.

ماده دوم ــ طبقات ۸ گانه ذیل از مقررات این قانون مستثنی هستند · اولا مجتهدین مجاز از مراجع تقلید مسلم که اشتغال بامور روحانی داشته باشند ثانیاً ــ مراجع امور شرعیه دهات و قصبات پس از بر آمدن از عهده امتحان معینه ــ ثالثاً مفتیان اهل سنت و جماعت که از طرف دو نفر از مفتیان مسلم اهل سنت اجازه فتوی داشته باشند رابعاً ــ پیشنمازان دارای محراب خامساً ــ محدثین که از طرف دو نفر از مجتهدین مجاز اجازه روایت داشته باشند سادساً ــ طلاب مشغلین بفقه و اصول که در درجه خود از عهده امتحان برآیند سابعاً ــ مدرسین فقه اصول و حکمت آلهی ثامناً ــ روحانیون ایرانیان غیرمسلم.

ماده سوم و چهارم آن مربوط باجرای قانون از فروردین ۳۰۸ در شهرها و قصبات و تا فروردین ۳۰۹ خارج از شهرها و جریمه متخلف از آن میباشد.

البسه وطن : ضمن قانونی سابقاً مقرر شده بود که همه لباس وطن بپوشند و باین وسیله از احتیاجات خارجی کشور بکاهند روزی این موضوع در مجلس صحبت شد که نمایندگان مجلس در درجه اول باید بلباس وطن ملبس شوند و مقرر گردید هر کس از این کار سرپیچی نماید مشمول جریمه گردد .

موضوع پوشیدن لباس وطن در آنموقع باشور و شعف بسیار استقبال میشد ولی رفته رفته این فکر مقدس بطاق نسیان و فراموشی افتاد و دیگر تعقیب نشد و اگر تعقیب شده بود و دولت هم صاحبان کارخانجات را وادار کرد که امتعه وطن راخوب و ارزان تدارک نمایند پیشرفت شایسته‌ای در این امر میشد ولی افسوس که هیچگاه صورت عمل پیدا نکرد .

کارخانجات دستباف و عمامه : در جلسه ۱۳ دی ۳۰۷ مرحوم سید عبدالرحیم کاشانی گفت موضوع صنایع کاشان بوضع رقت آوری افتاده درسابق عده زیادی از مردم و طبقات مختلف عمامه سر میگذاشتند و کارخانجات دستباف کاشان رونق داشت چون امروز لباس متحدالشکل شده آن کارخانجات هم نزدیک است بسته شود و از طرفی برای استعمال البسه وطن اقدامی نشده و این کارخانجات بلانتیجه مانده در صورتی که اول باید مجلس این قسمت را مجری کند و استعمال البسه وطن را رایج سازد که باعث ترقی مصنوعات داخلی مملکت گردد . رئیس مجلس گفت خاطر آقا را متوجه میکنم که قانون استعمال البسه وطنی تصویب شده و محترم است و البته مجری میشود .(در یکی از جلسات قبل بلحاظ استعمال پارچه های وطنی در مجلس پیشنهاد شده بود که کلاه لبه دار پهلوی ساخته شده از نمد باشد و کلاه پهلوی نمدی اجباری گردد که جنس وطن و پارچه خارجی نباشد .)

تعطیل جلوس سلطنت موقوف شد : روز ۲۵ آذر شاه فقید بتخت سلطنت جلوس نمود و این روز را سلام عام میگرفتند و تعطیل عمومی بود امر داد تعطیل را موقوف و سلام هم گرفته نشود. منطق شاه این بود که مملکت تشنه کار و فعالیت است و باید حتی‌المقدور از تعطیل‌ها کاسته شود بنا براین از ۲۵ آذر ۱۳۰۷ دیگر عید جلوس رضاشاه بر اریکه سلطنت گرفته نشد اما روز مزبور بطور مخصوصی هیئت دولت و طبقات مختلف در قصر پهلوی شرفیاب شدند و اعلیحضرت در این پذیرائی نطق جامع ایراد نمود که خلاصه‌اش این است:

« من تعطیل امروز را موقوف نموده و گفتم بجای اجرای مراسم سلام بکارهای مملکت پرداخته شود زیرا من مایلم هرچه ممکن است برای جامعه و مملکت خدمت انجام گیرد، تاریخ گذشته ایران از مجد و عظمت ایران کهن حکایت میکند و این عظمت را در خرابه‌های تخت جمشید می‌توان یافت که عاری از مدح و ذم تاریخ نویسان است زیرا عظمت سلاطین قدیم ایران بچشم دیده میشود، من وقتی عمارات تخت جمشید را دیدم آن آثار بزرگ مرا تکان داد فوق‌العاده متأثر شدم ولی از طرفی خوشوقت شدم که سلاطین بزرگی در ایران حکومت کرده‌اند که این آثار بزرگ را ازخود بیادگار گذارده اند، غرور ملی و وطن پرستی باید نصب العین هر فرد ایرانی

باشد، امروز روز سعی وعمل و جدیت است،من میل دارم قدمهای بزرگی برای عظمت مملکت و شیر ملت انجام گیرد» .

تربیت اولاد عشایر لرستان : چون برحسب امر اعلیحضرت تربیت اولاد عشایر لرستان بعهده وزارت معارف وا گذار شده است آقای سعیدی ازطرف آن وزارتخانه مامور شدند که در وضعیت تحصیلی و تربیتی اولاد عشایر لر مطالعه نمایند درصورت امکان مدارس ابتدائی در لرستان دایر نمایند و الا فرزندان عشایر را برای تحصیل بتهران اعزام دارند .

جم بجای سرتیپ شیبانی : روز اول دی مـاه آقای محمود جم بوزارت فواید عامـه بجای سرتیپ حبیب‌الله شیبانی منصوب گردید.

مطبوعات درنظر شاه فقید : اعلیحضرت فقید همانطور که علاقمند بتمام اصلاحات کشور بود ، مایل بود که مطبوعات ایران هم توسعه وترقی نمایند منتها اشتباهی دراین مورد وجودداشت وآن این بود که بدون وسایل ازمدیران جراید میخواست که روزنامه‌های خودرا مثل جراید دنیاسازند البته انجام این امر غیر عملی بود ، درهمین روزسلام خصوصی که اعلیحضرت فقید طبقات مختلف را می‌پذیرفتند ومدیران جراید قدیم وجدید هم در گوشهٔ سالون قرار داشتند ، آقای تدین را ابتداء مخاطب قرار داده گفتند شما رئیس آنها هستید ، واقعا بکوفتی روزنامه می ـ نوشتید ؟ بعدخطاب بمدیران جراید فرمود : روزنامه‌ها خیلی خوب‌شده ولی گویا باجراید خارجی کمتر تماس‌دارید من‌در مطبوعات خارجی مقالاتی میخوانم که ازنقطه نظرعمومی نهایت ارتباط را با سیاست ایران دارد واین قبیل مقالات مطبوعات خارجی بایدمورد دقت‌وبحث جراید ماواقع شود که دائما ازاوضاع سیاسی‌دنیا که مربوط بمنافع ایران است مطلع باشید .

(توضیح آنکه رضاشاه فقیدساعاتی رابرای مطالعه مطبوعات تخصیص داده‌بود که درآن ساعت نه فقط جراید داخلی بلکه ترجمهٔ مقالات‌مهمی که‌درجراید دنیاانتشارمییافت بدقت‌میخواند ودرحقیقت ازتمام اوضاع کشور و جهان با خبـر بود .)

تعطیل چراغ برق تهران : ازکارخانه چراغ برق امین‌الضرب اطلاع میدهند که از۲۸ آذر تا ۱۵روز کارخانه برای تعمیرتعطیل است فقط دستگاه کوچکی کارخواهد کرد که محوطه میدان سپه را دراین مدت روشن نگاه‌خواهد داشت .

شاه مدال‌می‌دهد : اعلیحضرت فقید پس ازمسافرت طولانی خـود بخوزستان وفارس وبازدیـد شهرهای کوچک وبزرگ‌آن منطقه ۱۹ آذر۱۳۰۷وارد پایتخت شد ودرپذیرائی خود که دستجات مختلف شرفیاب‌می شدند درباره اهمیت راه لرستان وخوزستان شرحی بیان موده وبهمه توصیه می‌نمودند که مسافرتی ازاین راه به خوزستان نمایندوفرمودهر کس باین حدودمسافرت کندبدستورمیدهم‌مدالی باوبدهند که معلوم شود راه‌مزبوررا دیده است‌چون اینراه‌صرفنظرازاهمیت‌سیاسی‌دارای‌موقعیت های‌طبیعی ومناظردلپذیرمیباشد وبعلاوه مشاهده آثارتـاریخی شوش وسرستونهای عمارات قدیم ایران وآثارتخت جمشید همه حکایت ازعظمت وافتخارات کشورعزیزما مینماید که تماشای‌آنها لذت بخش است.

در همین جلسه پذیرائی بود که خطاب بشیخ خزعل فـرمودند تو چرا از این لباس بیرون نمی آئی در تمام خوزستان قبایل و مشایخ عرب‌تغییر لباس و کلاه داده‌اند . ازآن روز ببعد شیخ خزعل چپیه‌وعقال‌خودرا برداشت و کلاه پهلوی برسرنهاد ولباس کت‌وشلوار بر تن کرد .

بچه سقا بجای امان‌الله خان : اعلیحضرت امان‌الله خان در مراجعت از سفر اروپا پس از پذیرائی شاهانی که در ایران از ایشان شد بمحض اینکه وارد خاک افغانستان شد با شورش وبلوای بزرگی مواجهه گردید این بلوا برعلیه افکار تجدد خواهانه امان‌الله خان بود که منجر بطغیان قبایل مختلف مسلح افغانستان شده بود روز اول دی‌ماه مرحوم سردار عبدالعزیزخان وزیرمختار دولت افغانستان درایران که سالیان دراز درایران بود و ایران را بسیار دوست میداشت ابلاغیه‌ای در اطلاعات منتشر کرد از اینقرار :

«یکدسته ازاشرار بسر کردگی دزدی که مشهوربه (بچه سقا) است بمرب کابل بحدود باغ بالاحمله بکابل میکنندوقوای حکومتی برای مقابله باآنها فرستاده‌میشود وعسکر حکومت فاتح‌میشود وا کنون امنیت‌برقرار واعلیحضرت غازی درکابل‌تشریف دارند .»

مسافرت حج ازراه روسیه : اداره کنسولی شوروی درتهران دفتر مسافرت بازنمود ودر ضمن دعوت مسافرین برای آبهای معدنی اتحاد جماهیر شوروی اعلام داشت که برای حجاج ایرانی هم تسهیلاتی فراهم شده که بتوانند ازراه روسیه بمکه معظمه ومدینه طیبه مسافرت نمایند وزارت داخله هم متحدالمآل زیر را صادر نمود :

« مسافرت نمودن ازطریق روسیه مورد تفتیش و تحقیق کاملتری ازطرف دولت گردیده در نتیجه اعلام میشود که مسافرت حجاج از طریق اتحاد جماهیر شوروی نیزمانعی ندارد ـ حسین سمیعی »

لوله کشی تهران : صحبت لوله کشی تهران نزدیک بیک ربع قرن است دراین مملکت میشود متاسفانه معلوم نشد چرا این موضوع حیاتی که درمیان تاسیسات دیگر کشور که بدست رضاشاه فقید انجام گرفت بسیار ناچیز بود اینطور در ردیف کارهائی که توام باحرف بود واقع شد، شاید در شهرداریها اشخاص علاقمندی پیدا شدند که اهمیت موضوع را کاملا درک نمایند وتوجه شاه فقیدرا بدان جلب نمایند مسلما این غفلت بزرگ نتیجه سهل انگاری متصدیان بود که اعلیحضرت رامتوجه این امر مهم نساختند و پایتخت کشور شاهنشاهی رادرننگ ورسوائی نداشتن آب لوله نگذاشتند و این موضوع یکی ازنواقص بارز و اشتباهات دوره رضاشاهی بشمار میرود که حق این بود اولین ماده برنامه اصلاحی دولت قرارمی گرفت ولی متاسفانه کسی شاهنشاه را متذکر نگردید وصحبت آن از ۲۲ سال پیش شروع شد از اینقرار :

درتاریخ دی ۳۰۷ اطلاعات مینویسد « مهندس مامور تعیین مقدار آب کرج و جاجرود عملیات اندازه گیری خود را درمحل خاتمه داده وراپرت جامعی در این خصوص تهیه و بکفالت بلدیه تقدیم داشته است .

برطبق راپرت مشارالیه آب رودخانه جاجرود ازحیث خوبی وزیادی بهترازرودخانه کرج وازهرجهت برای آب مشروب شهر مناسبتر میباشد ــ راپرت مذکور تحت مطالعه قرار گرفته که پس ازتصویب لوله کشی شهر شروع وآب رودخانه مذکور بشهرجاری گردد. »

۲۲ سال است هرچند یکبار خبری ازلوله کشی خوانده میشود ومعلوم نیست طلسم لوله کشی آب تهران کی شکسته خواهد شد وچه تاریخی مردم آب را درلوله خواهند دید ــ دردوره اعلیحضرت فقید اگر توجه شده بود دراندک مدتی قطعا عملی میشد ولی موقعی شاه باهمیت آن واقف ودستورا کید صادرنمود که دیگر عمر زمامداریش کفاف نداد وازآن تاریخ دنبالهٔ آن فکر وپروژه تاحال حاضرتعقیب میشودومبالغ هنگفتی هم ازمردم پول گرفته شده که قسمت زیادی از آن خرج میز و صندلی و حقوق ها گردیده وباز از لوله کشی عملا خبری نیست !!

خدمات ما بفرهنگ

یکی ازخدمات فرهنگی اطلاعات چاپ کتاب است، کتبی که ازطرف روزنامه اطلاعات منتشر شده بیشتر جنبه اخلاقی واجتماعی وادبی وتاریخی دارد وحس میهن پرستی وغرورملی را درمردم زیادمیکند .

اولین کتابی که ابتداء درروزنامه وسپس مجموعه آن انتشاریافت کتابی بود بنام (اصلاحات اجتماعی) بقلم دانشمندمحترم آقای حبیب‌الله آموزگارمستشارفعلی دیوان عالی کشور که در مهر ۱۳۰۷ انتشار یافت .

دراین کتاب مفاسد اخلاقی ومعایب اجتماعی تشریح گردیده وراه وچاره اصلاح آن بابیانی ساده و عباراتی سهل مطابق فهم عامه توضیح داده شده مخصوصابرای پسران ودختران جوان مفید بوده بخصوص درقسمت تعلیم و تربیت وزناشوئی واستخدام دولت واجتماعات مقالات شایان توجه دارد .

ازآن‌پس هرچند یکبار کتابی ازاین مؤسسه بیرون آمده وخدمتی بمعرفت و روشنائی افراد میهن انجام گرفته است که اگرمجالی شد فهرست کامل کتب منتشره این روزنامه را که از یکصد جلد متجاوز است انتشار خواهیم داد تاعامه مردم بدانند که این مؤسسه درطول خدمت مطبوعاتی خود نه فقط کوچکترین غفلت را در انجام وظایف ملی خودراه نداده بلکه خیلی بیش ازسهم خود درعالم فرهنگ قدم برداشته است.

اگرآنها که ازراه حسد وغرض شخصی مارا متهم میکنند که بلند گوی دستگاهها که هستیم وبااین تبلیغات زهرآگین میخواهند افکارمردم را نسبت باین دستگاه بدبین کنند کمی انصاف بخرج دهند و اعمال وافعال خود ویا دیگران و هرموسسه فرهنگی و مطبوعاتی را با موسسه فرهنگی ملی اطلاعات مقایسه کنند بسهم دارم عرق درجبین

آنها نقش خواهند بست و نزد خود شرمنده میشوند که چرا برای خاموش کردن آتش حقد و حسادت خوداینقدر پا پی یک مؤسسه ای که طرف اعتماد و توجه مردم است میشوند و میخواهند تیشه بریشه آن زنند که سرنگون شود بخیال اینکه جائی برای خود باز کنند و حال آنکه ما جای کسی را تنگ نساخته و جلوی پیشرفت و ترقی کسی را نگرفته و از کسی بدگوئی نکرده و تا توانسته ایم برای همه یار و مددکار بوده و حتی کمک هم کرده ایم تا همه بتوانند در این میدان وسیع تزاحم و حیات از راه خدمت مطبوعاتی پیش روند و بسود مردم قدم بردارند لکن متاسفانه چون بعضی ها انحراف حاصل میکنند، توفیق نمی یابند و عدم موفقیت خود را با وجود استقبال فراوان مردم از مؤسسه اطلاعات میدانند، و چه بی انصافی !

* * *

یکی دیگر از خدمات فرهنگی ما ترویج روزنامه در شهرستانها و عادت دادن مردم بخواندن روزنامه میباشد تا قبل از اینکه اطلاعات دائر شود ، خوانندگان روزنامه در این کشور محدود و از چند هزار در تهران و تمام شهرستانها تجاوز نمیکرد ، این اداره درصدد برآمد که مردم شهرستانها را روزنامه خوان نماید و از این راه به باسواد شدن مردم کمک کند، البته توسعه فرهنگ نیز در پیشرفت این منظور مؤثر بود.

تشکیل نمایندگی اطلاعات در شهرستانها اولین قدمی بود که باین مقصود برداشته میشد . ابتدا از شهرهای نزدیک شروع شد ، دفتر نمایندگی اطلاعات در شهرهای مرکزی ایران تاسیس گردید ، این دفاتر بتدریج در شهرهای دور و نزدیک توسعه پیدا کرد ، نمایندگان زبده و خوش قریحه و طرفدار علم و ادب و فرهنگ انتخاب شدند که از تهران اعزام گردیدند، چه در خود ولایات معین شدند ، اداره برای هر دفتر نمایندگی سازمان کوچکی داد ، میز و صندلی و تلفن و تابلو و لوازم تحریر و دفتر و آنچه مایحتاج بود تدارک نمود ، نمایندگان را تشویق کرد که مردم را وادار بخواندن روزنامه نمایند ، چندی نگذشت هیئتی از چندنفر دوستان و همکاران اداری مامور شدند که روزنامه را در بین طبقات مردم شهرستانها رواج دهند، آنها را ترغیب و تحریص بخواندن روزنامه نمایند ، ابتداء مردم را بمحل نمایندگی برای خواندن روزنامه مجانا دعوت کنند و سپس آنان را با شرایط سهل و ساده مشترک سازند .

این هیئت که از جوانان باذوق و فضیلت برگزیده شدند و باید از مرحوم جهانگیر جلیلی که جوانی پرشور و احساسات بود و قلمی شیرین و بیان فصیح داشت در اینجا نام برد که آن فقید در راس هیئت اعزامی داوطلب شد و این وظیفه را انجام داد : همه جا با نطقهای مؤثر خود مردم را دعوت بخواندن اطلاعات نمود ، چیزی نگذشت که نمایندگیها سر و صورت پیدا کردند و بترویج و اشاعه روزنامه پرداختند و کسبه و اصنافی را که کوره سواد داشتند بخواندن مشغول کردند و کم کم مردم شهرستانها روزنامه خوان شدند و بامرکز مملکت از راه روزنامه ارتباط معنوی پیدا کردند ــ انتشار روزنامه در شهرستانها بالا رفت و در نقاطی که یکنفر هم روزنامه نمیخواند تعداد قابل توجهی خواننده پیدا شد .

این اقدامات از طرف نمایندگان صدیق و صمیمی اطلاعات در شهرستانها تعقیب گردید و کم کم هر نماینده دارای چند روزنامه فروش و روزنامه رسان گردید و باین کیفیت تشکیلات شهرستانها توسعه پیدا کرد و چندین هزار نسخه روزنامه در تمام نقاط و بخصوص شهرهای دورافتاده و بنادر ایران و حتی قراء و قصبات پخش شد و خواننده مطبوعات تهران بوجود آمد و امروز همین خوانندگانی که ما آنها را طی یکربع قرن عادت بروزنامه خواندن داده ایم در اختیار کلیه مطبوعات تهران قرار دارند و همین ها هستند که سایر مجلات و روزنامه ها را آنوقت هستند و باطیب خاطر خریداری میکنند و ما هم خوشوقتیم کشوری که در یک ربع قرن عدهٔ انتشار روزنامه اش از دو هزار هر گز تجاوز نمیکرد و کتاب و مجله اصلا فروش نداشت و یا چند صد نسخه بیشتر مصرف نمیشد امروز همان کشور روزی چندین هزار نسخه مجله و روزنامه و کتاب را خریداری میکنند و با اشتیاق فراوان میخوانند .

آری ، این ما بودیم که این رغبت و تمایل عمومی را در مملکت برای مطبوعات بوجود آوردیم و امروز ثمر آن را ما و هر کس که در این راه صمیمانه قدم بردارد می برد

و این ما بودیم که بعد از شهریور ۲۰ هریک از نویسندگان خود اطلاعات که بعدها مدیر روزنامه شدند کمک خواستند با آنها از حیث راهنمائی های سودمند کمک کردیم. این نکته را هم باید مزید کنم که مؤسسه اطلاعات در حقیقت مکتب روزنامه نگاری بوده و اکنون هم این افتخار را دارد که جوانان را برای نویسندگی و امور مطبوعاتی ورزیده میسازد ، بسیاری از مدیران جراید امروز و نویسندگان معروف نویسندگی و روزنامه نویسی

را در اداره اطلاعات آموخته‌اند وما ... ریم که درطی یکربع قرن توانسته ایم باین خدمت مطبوعاتی نیز ... ه چندین نویسنده خوب روزنامه ، چند صاحب جریده و مجله و چند نویسنده کتاب از اداره اطلاعات بیرون بفرستیم که خدمات مطبوعاتی خود را تعقیب نمایند.

بعد از شهریور ۲۰ اداره اطلاعات خط مشی مساعدت و موافقت باتکثیر مطبوعات را از روی کمال صداقت وصمیمیت پیش گرفت ، هر نویسنده که میخواست بانتشار روزنامه مبادرت ورزد، اول باداره اطلاعات میآمد وکمك مارا میطلبید ، آقای مسعودی باحسن نیت کامل دستور میداد اداره همه گونه کمك‌را نسبت بآقایان روزنامه نگاران مبذول دارد ، دفاتر اشتراك روزنامه را نه‌فقط درایران بلکه درهیچ جای‌دنیا باختیار روزنامه نویس‌دیگر نمیگذارندولی آقای‌مسعودی‌دستورداد هر کس ازمدیران جراید جدیدالتأسیس‌مراجعه‌میکنند نام‌وآدرس مشتر کین اطلاعات رادراختیار آنها بگذارید که آنهاهم ازهمین کسانی که‌خواننده اطلاعات‌شده‌اند استفاده نمایند.

این‌کار بجائی رسیده و تسهیلات بقدری فراهم میشد که بعضیها استخراج اسم وآدرس مشتر کین اطلاعات‌راهم بخود اعضای اداره تحمیل میکردند! یعنی متصدی آبونمان ودفاتر اشتراك باید خودش زحمت‌بکشد صورت‌آبونمان ومشترك اطلاعات را استخراج کند ودراختیار آقایان روزنامه نویسان‌جدید‌بگذارد.

موضوع باینجا خاتمه نیافت ، بعضی ازآقایان نماینده‌گان جدید مطبوعات درصدد برآمدند از نماینده‌گیها اطلاعات درشهرستان ها نیزبنفع خوداستفاده کنند.

یعنی تمام این‌زحمات چندساله رادراختیارآنها بگذاریم،اینکاررا هم‌آقای مسعودی قبول کردودستورداد‌بنماینده کی ها توصیه شود که آن روزنامه‌هارا نیزبفروشند وتوزیع کنند وموجبات تکثیر وتزئید آبونمان و اشتراك آنهارا فراهم‌آورند. درنتیجه نماینده کی‌هائی که ماباخون دل وزحمت ومخارج زیاد دایر کرده بودیم دراختیاربسیاری از روزنامه‌ها گذاشتیم که خیلی ازآنهاهنوزهم جریان دارد ، تمام آنها باموافقت اداره وروی بخشنامه‌های صادره ازطرف رئیس شعبه نماینده گی های اطلاعات صورت گرفت که اکنون هزارها شماره مجلات ومطبوعات دیگران رانماینده‌کان‌مارواج داده وخوانندگان اطلاعات رانیز بآن نشریات مانوس‌ساخته‌اند.

کم کم‌کارارفاق مابامطبوعات‌جوان بجائی‌رسید که بعضی‌هاادعامیکردند‌حساب و کتاب‌آنهارا‌هم‌بانماینده کیهای اداره‌اطلاعات نگاهدارد وحتی‌اگرمشتر کی پول روزنامه را نمیداد از اداره اطلاعات جبران‌آنرامیخواستند.

این‌زحمات هم کم‌وبیش تحمل‌میکردید ولی‌مرور زمان مشکلاتی درکارادارى بخصوص امورحسابداری ونماینده‌گیها فراهم ساخت که‌دیگر اعضای اداره طاقت نیاورده وبآقای مسعودی فشار آوردند این‌رویه رامتروك سازد بخصوص اینکه نتایج تلخی نیزعاید خـود ایشان گردید ، یعنی بعضی ازاین نشریات همین‌که روی مساعی وکمك معنوی اداره اطلاعات بوجود آمد ورونق پیدا کرد‌اول سرقلم‌را بطرف کمك‌کننده خود کج کرد وپاداش زحمات ایشان راداد.

حالا‌چندماهی بیش نیست که‌رویهٔ اداره اطلاعات عوض‌شده واین اداره درصدد برآمده که‌دیگر باهمه کس کمك‌نکند واز هیچکس هم انتظار کمك نداشته باشد، درحقیقت سهمی که‌اداره اطلاعات ازلحاظ توسعه مطبوعات کشورداشت صمیمانه ادا کرد وبحمدالله امروز بقدرکافی و شاید بیش ازلزوم مجله وروزنامه دراختیار مردم کشور قرار گرفته است حالا هر کس خودش روی استعداد ونبوغ فکر وپشتکار وجدیت خود بخوبی میتواند راه پیشرفت و کمال‌را پیش گیرد وترقی نماید که ما برخلاف گفته بدگویان خواهان سعادت وعظمت مطبوعات می‌باشیم و کسی نیست بتواندادعا کند که‌اداره اطلاعات جلوی پیشرفت روزنامه‌یانشریه‌ای‌را گرفته وآنراازتوسعه‌وترقی‌بازداشته‌باشد

عمل ما تا کنون چنین بوده است و مدیران جرایدی که از دور ونزدیك بااطلاعات سروکارداشتند وانصاف دارند میدانند که‌مادر گفتارخود صدیق هستیم.

فراکسیونهای‌مجلس فراکسیون‌حزبی نیست: درجلسه ۲۷ دی ماه ۱۳۰۷ آقای دشتی گفت چرا ایراد میگیرید که‌درلوایح دولت ازجانب اکثریت که فراکسیون ترقی تشکیل داده‌اند صحبت نشود واظهار مخالفت بعمل نیاید‌درمملکت‌ما که‌حزب نیست‌وفراکسیونهای‌مجلس فراکسیونهای حزبی نیست یك دولت هیچگونه تعهدات و عقیده حزبی ندارد. ازطرف‌دیگر ممکن‌است اشتباه کند چرانباید در اطراف لوایح دولت مخالفت‌ور صحبت کرد اگربگوئیم بصرف اینکه دولت طرف اعتماد اکثریت‌است نباید حرف زد پس برای چه ما بمجلس میآئیم مافقط یك‌رای اعتمادبدهیم‌وبرویم خانهامان بخوابیم‌ودولت هم‌هرقانونی را میل‌دارد خـودش‌وضع کند واقعاچیزعجیبی‌است شاه می‌بخشد شیخ‌علی‌خان نمی‌بخشد اعلیحضرت پهلوی مخصوصا امر می کنند که‌در فکر وعقیده

خود آزاد باشند وهر انتقادی را دارند بگویند آنوقت یکنفر از و کلا معتقد میشود که کسی در اطراف لایحه دولت اظهار نظر نکند آیا نماینده محترم معتقد است **مجلس هم مثل مطبوعات سانسور شود؟**

بیرق سرخ و توسعه خیابانها: «در اثر وارد شدن اتومبیل‌ها در مملکت توسعه خیابانها هم لزوم پیدا کرده و کمان نمیکنم کسی هم مخالف باشد چیزی که میخواهم عرض کنم این است که بوزارت داخله تذکر داده‌شود که بصاحبان دکاکین وخانه‌ها که املاکشان دراثر ساختمان خیابانها خراب میشود اطلاع داده وخسارات وارده آنها راجبران کنند. این بیرق سرخی که بالای هرخانه نصب میشود اهل آن منزل عزا میگیرند میخواستم عرض کنم که بلدیه بودجه‌ای برای خرابی‌ها تهیه وتوسط وزارت داخله بمجلس بدهند که مردم برای خرابی وتوسعه خیابانها درزحمت نباشند و جبران خسارات آنها بشود وباید بقدر قیمت ملك باصاحبان آن همراهی بشود که آنکه ذرعی یك تومان وپانزده قران داده شود که تنها وجه اراضی آنها است.»

نطق آقای فیروزآبادی درجلسه ۱۶ بهمن ۳۰۷

برده‌فروشی منع گردید: روز ۱۸ بهمن ۳۰۷ مرحوم داور وزیر عدلیه لایحه‌ای باقید دوفوریت تقدیم مجلس نمود وبتصویب رسید ازاینقرار:

«ماده واحده ــ درمملکت ایران هیچکس بعنوان برده شناخته نشده وهر برده‌ای بمجرد ورود بخاك یا آبهای ساحلی ایران آزاد خواهدبود. هر کس انسانی را بنام برده خرید وفروش کرده یارفتار مالکانه دیگری نسبت بانسانی بنماید یاواسطه دیگری درحمل ونقل برده بشود محکوم بیك تاسه‌سال حبس تادیبی خواهد بود»

اطلاعات درسرمقاله خودمینویسد. اگرچه برده‌فروشی درایران متروك شده ولی برای اینکه این‌سابقه بد سوابق تاریخی ایران رالکه‌دار ساخته بود و مستمسکی بدست خارجی ها میداد که بر علیه کشور ما تبلیغ کنند وبگویند درسواحل خلیج فارس برده‌فروشی می‌شود تصویب قانون مزبور بسیار ضروری وموجب کسب شرف وآبرو وحیثیت ایران وایرانی درعالم است.

اولین مکتوب ازمحصل اعزامی: قرائت یکی‌ازمجلات فرانسوی بنام «دتکتیو» جوان پر شور ومیهن‌پرستی را که تازه بخاك فرانسه قدم گذاشته سخت‌متاثر ساخته ودرضمن مقاله‌ای باطلاعات مینویسد:

دیروز مجله‌ای دیدم که عکس روی‌جلدآن طرزخفه کردن جوانی رادر زمان سلطنت قاجاریه نشان میداد که دونفر میرغضب طنابی را بگردن آن جوان انداخته اندو می کشند ودر زیر عکس نوشته است: «مجازات های مهیبی که هنوز درایران معمول‌است» درجای‌دیگر مجله‌عکسهای بسیار ازفلکه کردن ــ شقه کردن ــ توی‌دیگ جوشانیدن ــ سربریدن‌وامثال‌آن دیده‌می‌شود ومینویسد: اینست ملتی که هنوز بحالت‌قرون وسطی باقی‌است.

آقای حسن کلانتری نویسندهٔ این مکتوب باتاثرفراوانی اضافه کرده‌است که این‌عکس‌ها کارت پستالهائی بوده‌است که بعضی ازسودپرستان برای‌دوشاهی استفاده چاپ کرده درمعرض استفاده خارجیان میگذارند وآنهاهم مغرضانه این‌کارت پستال‌هارانمونهٔ زندگی امروزایران معرفی‌میکنند ومارانزد خارجیان مفتضح میسازند من‌نمیدانم برفقای فرانسوی‌خود چه‌جواب بدهم وچگونه این‌اتهامات راازخود دورسازم اقتضا دارد فروش این قسم‌کارتها و عکس‌هائی که آبروی ملت‌ایران رادرخارجه می‌ریزدقدغن‌شود.»

برای جلوگیری ازاجحاف کسبه: وزارت فوایدعامه اسفند ۳۰۷ باطاق تجارت تهران مینویسد چون اجناس خرازی ولوکس قیمت‌معین ندارند غالبا فروشندگان نسبت بخریداران اجحاف وتعدیاتی می‌نمایند که برای جلوگیری ازآن لازم است اطاق‌تجارت مطالعه نموده وپیشنهادی بدولت بدهد.

«اطاق تجارت‌جواب‌میدهد که: یگانه راه جلوگیری‌ازاجحاف فروشندگان تعیین قیمت‌مقطوع اشیاء بطور آزاد ازطرف مغازه داران والصاق اتیکت حاکی ازقیمت بطوروضوح روی اجناس می‌باشد.

اتخاذ این تصمیم موجب تشویق رقابت وارزان شدن قیمت میگردد مضافاً باینکه آزادی فروشندگان‌در تعیین قیمت مقطوع سبب میشود که مغازه داران حداقل قیمت اجناس خودرا تعیین نمایند تا دوچار رقابت همکاران خود نشوند.»

این منطق اصولی ومحکم ودنیا پسند که هم‌آزادی معامله و کسب وتجارت را تامین میکندوهم‌جلوی تعدی را میگیرد بعد ازبیست وچند سال هنوز دراین کشورعملی نشده است و آنچه عمل شده نقض غرض و بساعت

را در اداره اطلاعات آموخته‌اند وما از این حیث کمال افتخار و خوشوقتی را داریم که درطی یکربع قرن توانسته ایم باین خدمت مطبوعاتی نیز نائل‌شویم وموفق شده‌ایم که چندین نویسنده خوب روزنامه ، چند صاحب جریده و مجله و چند نویسنده کتاب از اداره اطلاعات بیرون بفرستیم که خدمات مطبوعاتی خود را تعقیب نمایند.

بعد از شهریور ۲۰ اداره اطلاعات خط مشی مساعدت و موافقت با کثیر مطبوعات را از روی کمال صداقت وصمیمیت پیش گرفت ، هر نویسندهٔ که میخواست بانتشار روزنامه مبادرت ورزد، اول باداره اطلاعات میآمد و کمك مارا میطلبید ، آقای مسعودی باحسن نیت کامل دستور میداد اداره همه گونه کمك‌را نسبت بآقایان روزنامه نگاران مبذول دارد ، دفاتر اشتراك روزنامه را نه‌فقط درایران بلکه درهیچ جای‌دنیا باختیار روزنامه نویس‌دیگر نمیگذارندولی آقای‌مسعودی‌دستورداد هر کس ازمدیران جراید جدیدالتأسیس مراجعه‌میکنند نام‌وآدرس مشترکین اطلاعات رادراختیار آنهابگذارید که آنهاهم ازهمین کسانی که‌خوانندهٔ اطلاعات‌شده‌اند استفاده نمایند.

این‌کار بجائی رسیده و تسهیلات بقدری فراهم میشد که بعضیها استخراج اسم وآدرس مشترکین اطلاعات‌راهم بخود اعضای اداره تحمیل میکردند! یعنی متصدی آبونمان ودفاتر اشتراك باید خودش زحمت‌بکشد صورت‌آبونمان ومشترك اطلاعات را استخراج کند ودراختیار آقایان روزنامه نویسان‌جدیدبگذارد.

موضوع باینجا خاتمه نیافت ، بعضی ازآقایان نماینده‌گان جدید مطبوعات درصدد برآمدند از نمایندگیها اطلاعات درشهرستان ها نیزبنفع خوداستفاده کنند .

یعنی تمام این‌زحمات چندساله راباختیارآنهابگذرایم،اینکاررا هم‌آقای مسعودی قبول کردودستوردادبنمایندگی ها توصیه شود که آن روزنامه‌هارا نیزبفروشند وتوزیع کنند وموجبات تکثیر وتزئید آبونمان و اشتراك آنهارا فراهم‌آورند. درنتیجه نمایندگی‌هائی که ماباخون دل وزحمت ومخارج زیاد دایر کرده بودیم دراختیاربسیاری از روزنامه‌ها گذاشتیم که خیلی ازآنهاهنوزهم جریان دارد ، تمام آنها باموافقت اداره وروی بخشنامه‌های صادره ازطرف رئیس شعبه نمایندگی های اطلاعات صورت گرفت که اکنون هزارها شماره مجلات ومطبوعات دیگران رانمایندگان‌ماررواج داده وخوانندگان اطلاعات رانیز بآن نشریات مانوس‌ساخته‌اند.

کم‌کم‌کارارفاق مابامطبوعات‌جوان بجائی‌رسید که بعضی‌هاادعامیکردندحساب‌و کتاب‌آنهاراهم‌بانمایندگیهای اداره‌اطلاعات نگاهدارد وحتی‌اگرمشتری پول روزنامه را نمیداد از اداره اطلاعات جبران‌آنرامیخواستند .

این‌زحمات هم کم‌وبیش تحمل‌میکردید ولی‌مرور زمان مشکلاتی درکاراداری بخصوص امورحسابداری ونمایندگیها فراهم ساخت که‌دیگر اعضای اداره طاقت نیاورده وبآقای مسعودی فشار آوردند این‌رویه رامتروك سازد بخصوص اینکه نتایج تلخی نیزعاید خود ایشان گردید ، یعنی بعضی ازاین نشریات همین که روی مساعی وکمك معنوی اداره اطلاعات بوجود آمد ورونق پیدا کرداول سرقلم‌را بطرف کمك کنندهٔ خود کج کرد وپاداش زحمات ایشان راداد.

حالاچندماهی بیش نیست که‌رویهٔ اداره اطلاعات عوض‌شده واین اداره درصدد برآمده که‌دیگر باهمه کس کمك‌نکند واز هیچکس هم انتظار کمك نداشته باشد، درحقیقت سهمی که‌اداره اطلاعات ازلحاظ توسعه مطبوعات کشورداشت صمیمانه ادا کرد وبحمدالله امروز بقدرکافی و شاید بیش ازلزوم مجله وروزنامه دراختیار مردم‌کشور قرار گرفته است حالا هر کس خودش روی استعداد ونبوغ فکر وپشتکار وجدیت خود بخوبی میتواند راه پیشرفت و کمال‌را پیش گیرد وترقی نماید که ما برخلاف گفته بدگویان خواهان سعادت وعظمت مطبوعات می‌باشیم و کسی نیست بتواندادعا کند که‌اداره اطلاعات جلوی پیشرفت روزنامه یانشریه‌ای‌را گرفته وآنراازتوسعه‌وترقی‌بازداشته باشد

عمل ما تا کنون چنین بوده است و مدیران جرایدی که از دور ونزدیك بااطلاعات سروکارداشته وانصاف دارند میدانند که‌مادر گفتارخود صدیق هستیم.

فراکسیونهای‌مجلس فراکسیون‌حزبی نیست: درجلسه ۲۷ دی ماه ۳۰۷ آقای دشتی گفت چرا ایراد میگیرید که‌درلوایح دولت ازجانب اکثریت که فراکسیون ترقی تشکیل داده‌اند صحبت نشود واظهار مخالفت بعمل نیایددرمملکت‌ما که‌حزب نیست‌وفراکسیونهای‌مجلس فراکسیونهای حزبی نیست یك دولت هیچگونه تعهدات و عقیده حزبی ندارد. ازطرف‌دیگر ممکن‌است اشتباه کند چرانباید در اطراف لوایح دولت مخالفت‌ و صحبت کرد اگربگوئیم بصرف اینکه دولت طرف اعتماد اکثریت‌است نباید حرف زد پس برای چه ما بمجلس میآئیم مافقط یك‌رای اعتمادبدهیم‌وبرویم خانهامان بخوابیم‌ودولت هم‌هرقانونی را میل‌دارد خسودش‌وضع کند، واقعاچیزعجیبی‌است شاه می‌بخشد شیخ‌علی‌خان نمی‌بخشد اعلیحضرت بوکلا مخصوصا امری کنند که‌در فکر وعقیده

شود آزاد باشند و هر انتقادی را دارند بگویند آنوقت یکنفر از وکلا معتقد میشود که کسی در اطراف لایحه دولت اظهار نظر نکند آیا نماینده محترم معتقداست **مجلس هم مثل مطبوعات سانسور شود؟**

بیرق سرخ و توسعه خیابانها: «در اثر وارد شدن اتومبیلها در مملکت توسعه خیابانها هم لزوم پیدا کرده و گمان نمیکنم کسی هم مخالف باشد چیزی که میخواهم عرض کنم این است که بوزارت داخله تذکر داده شود که بصاحبان دکاکین و خانه ها که املا کشان در اثر ساختمان خیابانها خراب میشود اطلاع داده و خسارات وارده آنها را جبران کنند. این بیرق سرخی که بالای هر خانه نصب میشود اهل آن منزل عزا میگیرند میخواستم عرض کنم که بلدیه بودجه ای برای خرابیها تهیه و توسط وزارت داخله بمجلس بدهند که مردم برای خرابی و توسعه خیابانها در زحمت نباشند و جبران خسارات آنها بشود و باید بقدر قیمت ملک باصاحبان آن همراهی بشود نه آنکه ذرعی یک تومان و پانزده قران داده شود که تنها وجه اراضی آنها است.»

نطق آقای فیروزآبادی در جلسه ۱۶ بهمن ۳۰۷

برده فروشی منع گردید: روز ۱۸ بهمن ۳۰۷ مرحوم داور وزیر عدلیه لایحه ای باقید دو فوریت تقدیم مجلس نمود و بتصویب رسید از اینقرار:

«ماده واحده ــ در مملکت ایران هیچکس بعنوان برده شناخته نشده و هر برده ای بمجرد ورود بخاک یا آبهای ساحلی ایران آزاد خواهد بود. هر کس انسانی را بنام برده خرید و فروش کرده یارفتار مالکانه دیگری نسبت بانسانی بنماید یاواسطه دیگری در حمل و نقل برده بشود محکوم بیک تا سه سال حبس تادیبی خواهد بود»

اطلاعات در سرمقاله خود مینویسد. اگرچه برده فروشی در ایران متروک شده ولی برای اینکه این سابقه بد سوابق تاریخی ایران را لکه دار ساخته بود و مستمسکی بدست خارجی ها میداد که بر علیه کشور ما تبلیغ کنند و بگویند در سواحل خلیج فارس برده فروشی می شود تصویب قانون مزبور بسیار ضــروری و موجب کسب شرف و آبرو و حیثیت ایران و ایرانی در عالم است.

اولین مکتوب از محصل اعزامی: قرائت یکی از مجلات فرانسوی بنام «دتکتیو» جوان پر شور و میهن پرستی را که تازه بخاک فرانسه قدم گذاشته سخت متاثر ساخته و در ضمن مقاله ای باطلاعات مینویسد:

دیروز مجله ای دیدم که عکس روی جلد آن طرز خفه کردن جوانی را در زمان سلطنت قاجاریه نشان میداد که دو نفر میر غضب طنابی را بگردن آن جوان انداخته اند و می کشند و در زیر عکس نوشته است: «مجازات های مهیبی که هنوز در ایران معمول است» در جای دیگر مجله عکسهای بسیار از فلکه کردن ــ شقه کردن ــ توی دیگ جوشانیدن ــ سر بریدن و امثال آن دیده می شود و مینویسد: اینست ملتی که هنوز بحالت قرون وسطی باقی است.

آقای حسن کلانتری نویسندهٔ این مکتوب باتاثر فراوانی اضافه کرده است که این عکسها کارت پستالهائی بوده است که بعضی از سودپرستان برای دوشاهی استفاده چاپ کرده در معرض استفاده خارجیان میگذارند و آنها هم مغرضانه این کارت پستالها را نمونهٔ زندگی امروز ایران معرفی میکنند و ما را نزد خارجیان مفتضح میسازند من نمیدانم برفقای فرانسوی خود چه جواب بدهم و چگونه این اتهامات را از خود دور سازم اقتضا دارد فروش این قسم کارتها و عکسهائی که آبروی ملت ایران را در خارجه می ریزد قدغن شود.»

برای جلوگیری از اجحاف کسبه: وزارت فوایدعامه اسفند ۳۰۷ باطاق تجارت تهران مینویسد چون اجناس خرازی و لوکس قیمت معین ندارند غالبا فروشندگان نسبت بخریداران اجحاف و تعدیاتی می نمایند که برای جلوگیری از آن لازم است اطاق تجارت مطالعه نموده و پیشنهادی بدولت بدهد.

«اطاق تجارت جواب میدهد که: یگانه راه جلوگیری از اجحاف فروشندگان تعیین قیمت مقطوع اشیاء بطور آزاد از طرف مغازه داران و الصاق اتیکت حاکی از قیمت بطور وضوح روی اجناس میباشد.

اتخاذ این تصمیم موجب تشویق رقابت و ارزان شدن قیمت میگردد مضافاً باینکه آزادی فروشندگان در تعیین قیمت مقطوع سبب میشود که مغازه داران حداقل قیمت اجناس خود را تعیین نمایند تا دوچار رقابت همکاران خود نشوند.»

این منطق اصولی و محکم و دنیا پسند که هم آزادی معامله و کسب و تجارت را تأمین میکند و هم جلوی تعدی را میگیرد بعد از بیست و چند سال هنوز در این کشور عملی نشده است و آنچه عمل شده نقض غرض و بساعت

افزایش قیمت بوده است زیرا اصولی در نظر گرفته میشد که مداخله مامورین دولت‌را در کسب‌وکار مردم بعنوان تعیین نرخ زیاد میکرد واحیاناً راه سوء استفاده بازمیشد و درنتیجه این کار سادهٔ پیش‌پاافتاده هنوز هم صورت نگرفته و کسبه ومغازه داران مکلف نشده‌اند قیمت اجناس خودرا آزادانه روی جنس الصاق کنند تااز این‌راه رقابت پیدا شود وازاجحاف و گرانفروشی جلوگیری گردد.

فوت مارشال فوش : اول نوروز ۳۰۸ مارشال فوش فرانسوی کـه درجنگ بین‌المللی اول خدمات بزرگی بفرانسه نمود در گذشت ، جنازه‌اش را روی توپ گذارده بجلوی قبرسرباز گمنام گذاشتند وازمقابل جسدش صدهاهزار ازمردم و نظامیان رژه رفتند. بیشتر کشورهای خارجی نمایندگانی بفرانسه برای اجرای احترامات ومراسم تشییع فرستادند وتجلیل فوق‌العاده‌ای شد.

دوست محمد خان بلوچ : «روز ۱۷ فروردین ۳۰۸ دوست محمدخان‌بلوچ که بتهران‌اعزام‌شده بود حضور اعلیحضرت شرفیاب گردیده وعرض نموده است همیشه خدمتگذار وصدیق بوده و دراثر غفلت و پیش آمدی وضعیت ناگوار اخیر صفحه بلوچستان ایجاد شده بود ضمنا با تاسف ازپیش‌آمد درباب رفع تقصیر از خود واستظهار بمراحم وعفو ملوکانه مطالبی بعرض رسانید که درنتیجه مورد عفو اعلیحضرت فقید قرار گرفت ومقرر گردید دولت ماهیانه سیصد تومان مقرری درباره اوبپردازد .»

چند روزبعد سردار بلوچ درلباس متحدالشکل کت‌وشلوار و کلاه پهلوی با نمایندگان مجلس و رجال و محترمین که قبل ازظهرهای دوشنبه حضورشاه فقید شرفیاب میشدند شرفیاب گردید

درهمین جلسه شرفیابی بود که اعلیحضرت فقید کمک بمؤسسات پارچه‌بافی وامتعه داخلی‌را تاکید نموده و بمرحوم تیمورتاش دستور داد که حتما وزارت فواید عامه دراین‌باره اقدام کند تا کارخانجات داخلی تشویق‌شوند ورفته رفته احتیاجات عمومی در داخله مملکت تدارک شود .

اولین‌درجه سپهبدی : اولین درجه سپهبدی در فروردین ۳۰۸ از طرف اعلیحضرت بپاس خدمات آقای امیرلشکر احمدآقاخان رئیس قـوای غرب و امنیه کل‌مملکتی بایشان تفویض گردید. ازآن پس‌دیگر این درجه بهیچیک از افسران داده نشد تابعد از شهریورماه ۲۰ که بتدریج چند تن ازافسران باین‌درجه نائل‌آمدند.

حکومت بچه سقا درافغانستان : پس ازجنگ هـای خونینی که قبایل متعصب افغانستان برعلیه امان‌الله‌خان پادشاه افغانستان نمودند ومنجر بسقوط سلطنت گردید بچه‌سقا خودرا امیر حبیب‌الله نام گذاشت وپس ازتصرف‌کابل خانوادهٔ امان‌الله خان را از ارک سلطنتی خارج ساخت وخود درمقر سلطنت جای گرفت . بچه‌سقا سابقه شرارت وخونریزی‌داشت، مردی خشن‌آبله‌رو بود که طپانچه لخت همیشه در دستش بود وهرکس رامی‌خواست‌تهدید بقتل می‌نمودوتسلیم خود میکرد وچون‌از وزیران‌سابق‌امان‌الله هیچکس حاضرنبود با اوهمکاری کند و وزارتخانها بسته بود سید حسین‌نام را کـه یکی از سردسته های عمال بچه‌سقا بود بوزارت جنگ منصوب نمود

بچه‌سقا پس‌از تصرف کابل موزه‌ملی افغانستان را خراب کردوتمام مجسمه‌ها واشیاء نفیسه وتاریخی را بعنوان‌اینکه بت‌پرستی است‌شکست ورویهم ریخت‌بعلاوه کلیه‌آثار تجددخواهی امان‌الله خان‌را که میرفت رفورمی بوجود آورد ازبین‌برد ، اموال ودارائی بسیاری ازرجال وافـراد خانواده سلطنتی را غارت‌کردند . شاگردان مدارس که‌لباس متحدالشکل می‌پوشیدند یاازترس بیرون نمی‌آمدند ویااگر ازخانه‌های خود بیرون می‌آمدندناچار بلباس کوهستانی‌عمامه‌وشلوار سفیدملبس می‌شدند.

هرج‌ومرج وخونریزی وغارت وتعدی‌آنقدر درافغانستان بالا گرفت که‌همه مردم بستوه‌آمده ازخداوند راه‌نجات تمنامیکردند تااینکه نادرخان سفیردولت‌افغانستان درپاریس که‌این‌موقع بابرادران رشیدخود بهندوستان آمده بود پس از مکاتبه بابعضی‌ایلات وطوایف مسلح وارتباط باطبقات مردم مصمم شد میهن خودرا نجات‌دهد ودراین راه موفقیت حاصل کرد و اشرار را کـه چندماه برتخت سلطنت افغانستان جلوس کرده‌بودند منکوب وهمه‌را بسخت ترین مجازات رسانید ومحمد نادرشاه پدر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه کنونی بسلطنت رسید و نظم‌و آرامش وعدل‌وداد وادرسراسر کشور مستقرساخت.

زلزلهٔ شدید شیروان و کیفان : در نیمه اردیبهشت ۳۰۸ زلزله بسیار سختی در خراسان منطقهٔ شیروان و قوچان و کیفان و بجنورد بوقوع پیوست که چندین قریه و قصبه منهدم و صدها نفر زیر آوار مانده و عده کثیری تلف شده بودند، این پیش آمد اعلیحضرت فقید را سخت متأثر ساخت ، شخصاً کمک فرستاد و دستورات اکید برای رسیدگی بحال مصیبت دیدگان نیز صادر نمود. در آن موقع آقای تقی‌زاده والی خراسان بود و ایشان در تعقیب دستوراتی که از طرف شاه صادر شده بود بمنطقهٔ زلزله رفته و چنین گزارش داد:

«ظهر بشیروان رسیدم از قوچان باین طرف تمام آبادیها خراب شده هرچند باین نقطه نزدیکتر میشوم بدتر است از بعضی قراء اثری نمانده مردمی که زنده مانده‌اند گرسنه زیر آسمانند شهر شیروان تمام خراب شده مردم در صحرا میخوابند . صد خروار گندم بین مستمندترین مردم تقسیم کردم و بدو قریهٔ دیگر مقداری پول و ۲۰ خروار گندم برای سد جوع دادم اطباء اعزامی مجروحین را معاینه و زخم بندی میکنند اما معاونت های فوری لازم است خسارات بسیار میباشد»

آقای مسعودی مدیر اطلاعات در تعقیب وصول این اخبار داوطلب شد که برای ملاحظه مناطق آسیب دیده بخراسان حرکت نماید و وضع رقت‌بار ساکنین آنجا را برای هم میهنان خود گزارش دهد تا کمک همه را در این واقعه جلب کند و با وجود مشقات و زحمات بسیار که مقدار زیادی از راه را باید با اسب و قاطر طی کند، رنج آن مسافرت خطیر را برعهده گرفت و بمسافرت ادامه داد و باتفاق آقای دکتر امیراعلم و عده زیادی از اطباء که علاوه بر زحمات مسافرت پیوسته در معرض خطر اشرار و راهزنان آنموقع که بعدها دستگیر شدند بنام زولفو و رفقایش بودند این وظیفه سنگین را انجام دادند .

دکتر امیراعلم طبیب مخصوص اعلیحضرت فقید بود که از جانب ایشان بنام شیر و خورشید سرخ ماموریت یافته و با دلسوزی و علاقمندی نسبت به مردم مصیبت دیده رفتار و مساعدت می نمود کمک هیئتی که باتفاق ایشان عزیمت نمودند و دستجات دیگری که از مشهد و از طرف قشون رسیدند بسیار مؤثر و مفید واقع شد، مدیر اطلاعات نیز در این حادثه مؤلمه سهم خود را انجام داد زیرا با فرستادن تلگرافها و اخبار و عکسها از مناظر زلزله‌زدگان توجه عموم مردم بخصوص اهالی پایتخت را باین منطقه جلب کرد و همه در این امر خیر شرکت و کمک کردند و وسایل از هر قبیل خوراک و پوشاک فرستادند و باین ترتیب مصائب و آلام باقی ماندگان از زلزله شدید بی نظیر شیروان تا حدی التیام پذیرفت .

آقای مسعودی در سرمقاله خدا حافظی خود مورخه ۲۲ اردیبهشت ۳۰۸ چنین نوشت :

« امروز صبح تهران را ترک و عازم ارض طوس گردیدم و امیدوارم بتوانم احساسات و ابراز همدردی هم‌شهریهای گرامرا بآوارگان و مصیبت دیدگان نواحی شیروان و بجنورد تبلیغ نموده و باین وسیله مرهمی بـر قلوب مجروح ستمدیدگان گذاشته خوشوقتی و رضایت خاطر آنها را تحصیل و هموطنان عزیز را از حالاتشان مستحضر کنم . »

نقطهٔ ضعف شاهنشاه فقید : یکی از نقاط ضعف شاه فقید این بود که دربرابر اتهام و تعرض و توهین وحملهٔ مطبوعات بیطاقت بود ، او نمیخواست بشنود یا بخواند که از ایران یا ایرانی بدگوئی شود و بقدری مقید بود که آبرو و حیثیت ایرانی درانظار بیگانگان محفوظ باشد که حتی مایل نبود در جراید داخلی ایران مردم را ببدی و پستی نام برند و یا فرضا بنویسند که ایرانی آداب معاشرت را نمیداند ، اخلاق ندارد ، فقیر و بدبخت و بینواست. او معتقد بود که ملت را باید تشویق و تائید کرد ، نخوت و غرور ملی دراو بوجود آورد و با نوشتن عبارات اهانت آمیز و یأس آور اورا مرعوب نکرد و باو توسری نزد تا در برابر خارجی هاسربلند بار آید و یکی از هدف هائی که در این مورد بهمین منظور بموقع اجرا گذاشت تغییر لباس و اتحاد شکل بود که خواست امتیاز ظاهری بین ایرانی و اروپائی را از میان بردارد و بقول خود آن مرحوم ایرانی از کلاه لگنی وحشت نداشته باشد. اولین روزی که وزیر خارجه‌اش با لباس رسمی و کلاه سیلندر شانه بشانه سفیر کبیر انگلیس برای معرفی و تقدیم استوارنامه بکاخ گلستان وارد میشد از پشت شیشه نگاه کرد و لذت برد و در آنجا گفته بود که اگر هوش و استعداد ایرانی در کسب ترقی و سعادت از راه وظیفه شناسی و فعالیت کمک کند امتیاز و تفوق معنوی هم بزودی از میان برداشته میشود سپس آهی کشید و گفت از خدامی خواهم مرا موفق سازد این تفاوت را در همه چیز از میان بردارم، بعد از آنکه مراسم و تشریفات رسمی تقدیم استوار نامه انجام یافت همین بشاشت خود را بوزیر خارجه وقت ابراز داشت.

بدیهی است با چنین افکاری در مطبوعات داخلی چیزی بر خلاف میل شاه فقید یافت نمیشد اما چه باید کرد که مطبوعات خارجی سانسور بردار نبود و شاه از حملات و تعریضات و اهانتهای روزنامه های خارجی بـی اندازه

رنج می برد وعصبانی میشد وعکس العمل نشان میداد.

در هر گوشهٔ دنیا اگر مطلبی راجع بایران خوب ویابد نوشته میشد در اسرع وقت ترجمه آن بدست شاه فقید میرسید واگر مقاله ویا خبراهانت آمیزی نسبت بایران ویا مردم ایران ویا بخوداو که شاه ایران بود چیزی میدید سخت آشفته میشد ودستورات اکیدمیداد تامحرک ومسبب نشرمقالات ومطالب توهین آمیز رابدانند ویاهمان روزنامه جبران نماید وچه بسیار وزیرمختارها دراثر انتشار اینگونه مقالات ومطالب در مطبوعات کشوری که آنها نمایندگی ایران راداشتندمعزول واحضاریاتوبیخ گردیدند. کم کم این نقطه ضعف شاه فقید وسیله سوء استفاده شده بود یعنی اگر یکنفر ایرانی یاخارجی ازوزیر مختار ایران ناراضی بودو تکدرداشت ومیخواست اورا اذیت کند کافی بود که دریکی ازشهرهای کوچک ودهکوره های فرانسه یک مجله بی اهمیت یاروزنامه غیرمهم را وادار کند که بر علیه رضاشاه یاملت ومملکت ایران چیزی انتشار دهد، همین انتشار مطلب آتش کینه وعداوت اورا خاموش میکرد زیرا چندروز بعد محققاً وزیرمختار مورد مؤاخذه ومسئولیت شاه واقع میشد.

بر سر این کار بین فرانسه وایران رابطه سیاسی قطع گردید، یعنی رضا شاه فقید در برابر اتهامات و اهانت هائیکه در مطبوعات فرانسه شده بود جبران خواست وچون جبران نشد قطع رابطه کرد و گفت من با کشوری که دعوی دوستی کند وروش خصومت اتخاذ نماید حاضر نیستم رابطه داشته باشم.

چندی قطع رابطه ادامه پیدا کرد وهرقدر اولیای فرانسه درصدد برآمدند که خشم شاه ایران را فرونشانند نتیجه نبخشید وحتی مطبوعات خودرا که بهیچوجه قابل کنترول نیست متوجه موضوع ساختند ومطبوعات هم در مسائل مربوط بایران دیگر خوب وبدبحث نکردند واز حمله وتعرض واهانت بکلی دست کشیدند لکن باز شاه ایران بتجدید روابط راضی نشد تا هیئتی از طرف دولت فرانسه ونماینده شخص رئیس جمهور فرانسه بایران آمد وحضور اعلیحضرت فقید شرفیاب شدند ورسما عذرخواهی نمودند وازآن پس باب مناسبات سیاسی بازشد و نمایندهٔ ایران بپاریس عزیمت نمود.

این نقطه ضعف شاه دربرابر حفظ حیثیت وعظمت وافتخار کشور وملت ایران بود که وقتی خارجی ها نیز برآن واقف میشدند سرباحترام فرود میآوردند واین غرور ملی را تحسین می نمودند.

آبله کوبی اجباری شد: آقای دکترسعید مالک (لقمان الملک) رئیس کل صحیه مملکتی بود. ایشان در تاریخ ۱۸ خرداد ۳۰۸ لایحه ای بمجلس تقدیم نمودند وآبله کوبی را در کشور اجباری نمودند از اینقرار:

ماده اول – برای مصون بودن ازمرض آبله لازم است اززمان ولادت تاسن ۲۱ سالگی چهار دفعه عمل تلقیح اجرا گردد – دفعه اول پس ازولادت تاشش ماه – دفعه دوم ازسن شش تاهفت سالگی – دفعه سوم ازسن دوازده تاسیزده سالگی – دفعه چهارم ازسن نوزده تا ۲۱ سالگی.

ماده دوم – ولی هرطفل جدیدالولاده مکلف است درظرف شش ماه اول پس ازتولد آبله طفل را دریکی از پست های آبله کوبی مجانی دولتی کوبیده وتصدیق تلقیح را ازمتصدیان آبله کوبی بگیرد همچنین تلقیح دفعه ثانی وثالث بعهده اولیای اطفال است واگر ولی طفل غفلت در کوبیدن آبله طفل نماید پس ازتحقیق وکشف محکوم بمجازاتی خواهد بود که درماده ۲۷۶ باب چهارم قانون مجازات عمومی مقرر است.

تلقیح دردفعه چهارم بعهده خود اشخاص است.

ماده سوم – درمواقع بروز مرض آبله بطور شیوع (اپیدمی) هریک از اهالی بدون استثناء در صورتیکه بیش از پنجسال ازآخرین دفعه تلقیح گذشته باشد باید کوبیدن آبله را تجدید نمایند.

ماده چهارم – مدیران ومدیرات مدارس درموقع پذیرفتن محصلین ومحصلات جدید مکلفند تصدیق نامه جدید را مطالبه نمایند ومادام که تصدیقنامه مذکوررا ارائه ندهند ازپذیرفتن خودداری کنند.

کلیه دوایر دولتی مکلفند درموقع ورود هرداوطلب خدمتی تصدیق آخرین دفعه تلقیح رامطالبه نمایند.

متن این قانون را ازاین لحاظ منتشر کردیم که این موضوع یادآور همه خوانندگان شود زیرا باکمال تاسف باید گفت قانون مزبور بهیچوجه ازطرف مردم ودوایر ومؤسسات دولتی رعایت نمیشود و این قانون مفید بطاق نسیان افتاده است.

لایحه دیگری هم رئیس کل صحیه تقدیم نمود راجع بجلوگیری از استعمال کوکائین و مشتقات شاهدانه وحشیش واین لایحه دردنبال قانونی بود که برای جلوگیری ازاستعمال تریاک وشیره تصویب شده بود.

دراین لایحه دولت مکلف شده بود که ورود وخروج وخرید وفروش وتهیه وساختن ونگاهداری بـرگ

دوکانین ومشتقات آن، وبنگ وحشیش را که درطب استعمال میشود تحت نظارت وتفتیش خودقرار دهد وساختن ومعاملات آنهارا بکلی در کشور ممنوع سازد .

ازاجرای این قانون وجلوگیری از استعمال شیره وتریاک وبنگ وحشیش هم خبری نیست !

قالی را لوکس میدانند : درجلسه ۱۲ خرداد ۱۳۰۸ آقای سیدیعقوب ضمن نطقی گفت یکی از ممالک خیلی متمول (امریکا) قالی ایران را در ردیف اشیاء تجملی دانسته وبرآن گمرک گزافی گذاشته است قالی ششصد و هفتصد سال دوام میکند آنرا میگویند لوکس پس ما درمقابل اشیاء بی دوام تجملی آنها چه باید بکنیم . بنده در تاریخ بیهقی دیدم که قالی اززمان هارون الرشید درایران بوده وقالی مقبره شاه صفی را درزمان ناصرالدین شاه که به نهصد تومان فروختند هنوزهم موجود است بااین حال این متاع را در ردیف تجمل میدانند وبازارهای ما پراست ازاشیاء لوکس. آقای وزیرمالیه چرا جلوی امتعه لوکس را نمی گیرید شما که بحمدالله موفق شدید واستقلال گمرکی ایران را تضمین نمودید اقلا یک مالیات گزاف روی اتومبیل بگذارید حالا خواهند گفت من طرفدار الاغ هستم خیر آقا نظرمن این است که تجملات مثل سیل وارد مملکت نشود .

آقای فیروزآبادی هم درخصوص حمایت مصنوعات داخلی وتشویق امتعه وطن صحبت نموده و گفت ملاحظه می نمائید که منسوجات کارخانه کازرونی وطن چقدر خوب شده . این ترقی کارخانه وبکار افتادن آن دراثر تشویق بود بازهم باید باین گونه کارهای عام المنفعه که هزارها نفرکارگر را بکار وا میدارد ومارا ازخارجی ها بی نیاز میسازد کمک شود .

***

عهدنامه ها ومقاولات سیاسی واقتصادی : درضمن قوانینی که برای شروع باصلاحات عمرانی کشور بسرعت ازمجلس میگذشت یک سلسله عهدنامه ها ومقررات گمرکی واقتصادی یکی پس ازدیگری بین دولت ایران وکشورهای خارجی منعقد میشد ودرمجلس شورای ملی بتصویب میرسید وباین ترتیب مناسبات مودت آمیز بین ایران وممالک خارجی بخصوص همسایگان روزبروز توسعه می یافت وبراساس معاملات متقابله واحترامات بین المللی قرارمیگرفت .

توقع رضا شاه از نمایندگان مجلس : روز سوم تیرماه ۱۳۰۸ مجلس هفتم بمناسبت تابستان برای مدت چهل روز تعطیل گردید روز بعد که نمایندگان مجلس در قصر سعدآباد حضور شاه فقید شرفیاب بودند اعلیحضرت فرمود خوب است آقایان که مدت تعطیل راولایات میروند مردم را ازمقاصد حکومت فعلی واصلاحاتی که بعمل آمده ودردست اقدام است مطلع وآگاه نمایند ودرحقیقت رابطه بین دولت وملت باشند آقایان میدانند که مبنای حکومت مشروطه برای ثمر گرفتن یافتن منتهی افراد مملکت است که احساسات عامه مردم را تحت توجه قرار داده اقدام نمایند نقطه نظر اصلی این تجمع که بنام مجلس شورای ملی است همان است که آقایان نمایندگان بادر نظر گرفتن ضروریات مردم موجبات رفاهیت عامه را فراهم آورند مفهوم حکومت مشروطه همین است و من بشخصه علاقمندم و هر گاه آقایان درامور مملکتی وعمومی معایبی می بینند که جنبهٔ خصوصی نداشته باشد وعام المنفعه باشد بخودمن تذکر دهند که بوسایل ممکنه در رفع واصلاح آن اقدام کنم و این قسمت را مخصوصا وجدا من از آقایان وکلاء انتظاردارم وخواهانم درمدت تعطیل تابستان هم آقایان نمایندگانی که بمسافرت نمیروند خوب است همه هفته دراینجا حضور پیدا کنند.

هفتهٔ بعد اعلیحضرت فقید پیرامون کارهای اساسی ومسائل عمومی مملکت صحبت نموده و گفت برهر فردی لازم است مصلحت جامعه ومملکت را برمسائل شخصی مقدم دارد کسانی که در امور مملکتی نظریات شخصی رابرمصالح ومنافع مملکتی ترجیح داده وازانجام وظایف خود قصور ورزند مورد تعقیب وازاعمال او چشم پوشی وصرف نظر نخواهد شد.

افتتاح بندر شاه : روز ۲۲ تیر ۱۳۰۸ مراسم افتتاح بندرشاه مبدأ شمالی راه آهن ایران انجام شد واولین کشتی تجارتی درمقابل اسکلهٔ بندر لنگر انداخت و محمولات خودرا بیرون داد

عملیات خاکریزی وخشک کردن باطلاق برای ریل گزاری بسرعت پیشرفت میکرد.

رستوران وزارت مالیه : در وزارت مالیه برحسب دستور مرحوم فیروز وزیر وقت رستورانی دایر شده بود که اعضای وزارتخانه در آنجا ناهارصرف می نمودند و اززحمت آمد و رفت راحت بودند روزی

آقای حاج مخبرالسلطنه رئیس الوزراء برای اینکه مدیر رستوران از بانک ملی قرض گرفته که اثاثیه خریداری نماید و قرض خود را ادا نکرده بود امر داد رستوران را تعطیل کنند ، دو روز رستوران بسته شد و بعد که بحساب رستوران رسیدگی کردند و رفع نگرانی قرضهٔ بانک شد دو باره رستوران وزارت مالیه باز شد.

تابستان خاک ــ زمستان گل: این خیابان های تهران است که هر ماهه مبالغ زیادی در آن فرو میرود و باز تابستان خاک و زمستان گل است ، اگر غیر از صبح و عصر که لاله زار را آب پاشی میکنند یک ساعت بظهر تا عصر گذارتان باین خیابان که چشم و چراغ تهران است بیفتد می بینید از گرد و خاک چه خبر است ، هر اتومبیلی که از دور پیدا میشود مصیبتی برای عابر خیابان فراهم میکند حالا دیگر عبا هم نیست که برای محافظت از گرد و خاک هر کسی سرش بکشد بنابر این مجبور است با دستمال گرد و خاک را نوش جان کند ــ ممکن است از بلدیه خواهش کرد که بجای روزی دوبار روزی چند بار آب پاشی کنند اما چاله های خیابان را چه خواهند گفت که صبح هموار میکنند عصر باز گود میشود

در میدان سپه که میدان توپخانه نامیده میشد زمستان ها بقدری آب بخصوص نزدیک بانک شاهی میایستاد و آن قدر گل ولای بود که عبور از آن پا اشکال صورت میگرفت حالا (مرداد ۱۳۰۸) مشغولند چاله ها را شن ریزی می کنند اما هنوز شن ریزی از اول خیابان سپه بچهارراه حسن آباد نرسیده اول خیابان دوباره خراب شده است .

اطلاعات پس از توضیح این مطلب چنین مینویسد : « این اتومبیل های کالسکهٔ قشنگ ، این اتومبیل های شیک که اختلاف کارخانهای آن طوری است که یک کلکسیونی تشکیل داده است پس از چندماه بکلی تغییر قیافه داده وصاحب عاشق لوکس آن را بهوس می اندازد که آنرا باقیمت نازلی فروخته اتومبیل تازهٔ شیک دیگری را انتخاب کند .

باید خیابانهارا اسفالت کرد یا سنگفرش نمود و بلدیه تهران اگر موفق شد یک خیابان را سنگفرش یا اسفالت کند می تواند مخارجی را که همه ساله درسابق برای ترمیم همان خیابان بیهوده صرف میکرده صرف سنگفرش سایر خیابانها نماید .

کروات وطنی یزد: حالا که کراوات یکی از لوازم ضروری زندگی ما شده . ایرانی حتما بسه قران یک کراوات یزدی شیک ابتیاع ودرضمن صنعتگران هنرمند وباذوق وطن خودرا تشویق می نماید ــ (لاله زار ــ مغازه سیگارفروشی ری پور)

تجارت باشوروی سندیکا میخواهد : اطاق تجارت تهران در تاریخ ٦ مرداد پیشنهادی بوزارت تجارت دربارهٔ امور بازرگانی ایران وشوروی تقدیم نمود که درطی آن نواقص قرار داد تجارتی با آن کشوررا متذکر شده ونتیجه میگیرد که تجارایرانی درفروش اجناس خود بمؤسسات دیگری غیر از مؤسسات شوروی (درخود روسیه) آزاد نیستند وتجارت باآن کشور برخلاف سابق زیان آور میباشد وخلاصه اینکه تجارت شوروی بطور انحصاراست وتجارت انفرادی درمقابل آن نمی تواندمقاومت نماید پس باید سندیکای تجارتی مرکب از نمایندگان تجارتی ایرانی ونمایندگان بانک ملی وبانک پهلوی تشکیل شود وکلیه معاملات تجارتی بین ایران وشوروی دراین سندیکاتمرکز یابد.

فکر تشکیل شرکت سهامی تجارتی که درزمان وزارت دارائی مرحوم داور عملی گردید از این گزارش سرچشمه گرفت ووضع تجارت ایران وشوروی باعث ایجاد آن گردید ولی انحصارهای زیادی بوجود آمد که بعد ها باقی ماندوزیان آورشد .

مظفریت قشون: عملیات برای قلع وقمع اشرار در خاک بختیاری، قشقائی، ممسنی ادامه داشت و هرروز اخباری از تسلیم رؤسای ایلات وطوایف میرسید که اغلب آنها پس از تسلیم تقاضای عفو می نمودند وعدهٔ بسیاری بوسیله سرتیپ حبیب اله شیبانی فرمانده لشکرفارس مورد عفو واقع شدند از جمله علیخان قشقائی برادر سردار عشایر قشقائی ــ سرتیپ خان وشکراله خان رؤسای طایفهٔ بویر احمدی وغیره ــ درآن هنگام آقای سرتیپ شاه بختی در کوههای بختیاری نیز می جنگید وآخرین خبر مظفریت قشون وپاک شدن آن صفحه از وجود اشرار ۱۲ مرداد ۱۳۰۸ بتهران رسید و گفته شد که این آخرین آشیانه شرارت بود که درهم شکست ودیگرازخان خانی

وملوك‌الطوایفی در ایران خبری نیست و بلافاصله اقدامات مجدانه برای رفاه وآسایش هزارها خانواده‌ای که زیر نفوذ خان‌ها زندگی میکردند درهمه جا شروع میشد وبخصوص وسایل کشت‌وزرع دراختیار آنها قرارمیگرفت که بشغل فلاحت و گله‌داری اشتغال ورزند.

ایران وکشور سعودی: مرحوم عین‌الممالك بسمت نماینده ی ایران عازم حجاز شد و میل قلبی شاهنشاه فقیدرا بدوستی باابن سعود و کشورحجاز ابلاغ نمود بلافاصله سلطان حجاز نماینده‌ئی انتخاب کرد و بنزد شاه فقید اعزام داشت این نماینده‌گان روز ۲۱ مرداد ۱۳۰۸ حضور شاه فقید شرفیاب شدند و نامهٔ ابن سعودرا تقدیم نموده وتقاضای افتتاح روابط دوستانه نمودند.

این اولین قدمی بود که برای ایجاد ارتباط بین دو کشور ایران وسعودی بر داشته شد، میسیون حجاز با گرمی ومحبت پذیرائی شدند اعضای میسیون عبارت بودند ازشیخ عبدالله‌الفضل رئیس مجلس شورای سعودی — شیخ‌عبدالرئوف‌وسعید افندی.

در تعقیب این مراسم شاه دستور داد که دولت حجازرا از همان روز برسمیت شناخته ومراتب را بمقامات مربوط اطلاع دهند — رئیس‌الوزراء هم امر شاه را اجرا کرد وشناسائی کشورسعودی اعلام گردید.

عریضهٔ تجار راجع بکشورسعودی: مرحوم حاج‌معین‌التجار بوشهری وجمعی از تجار عریضه‌ای حضورشاه‌فقیدتقدیم‌نموده ودرضمن‌تقاضا کردند حالا که‌دولت‌ایران‌دولت‌حجازرابرسمیت شناخته‌است‌موافقت‌شود که: اولا دولت‌حجاز اجازه تعمیر بقاع‌ائمه بقیع وقبور صحابه را در مدینه ومقابر درمکه‌معظمه رابدهند. ثانیاً—آزادی مذهب جعفری‌را چنانچه مذاهب اربعه‌آزاد هستند بدهند ثالثا — یك نفر امیر حاج رادر موقع حج از طرف دولت ایران برسمیت بشناسند.

اعلیحضرت فقیددر هرسه‌قسمت دستورات اکیدصادر نمودواز نماینده‌گان‌پادشاه حجاز انجام تقاضاهای‌مزبور را مجدانه خواست.

مناسبات ایران باعراق — پس‌از افتتاح‌باب‌دوستی بین‌دو‌پادشاه فقیدپهلوی‌وملك‌فیصل مرحوم‌مدبرالدوله سمیعی نماینده فوق‌العاده ایران بعراق رفته‌ودرتعقیب‌مذاکرات لازم توفیق السویدی رئیس الوزراء عراق بمرحوم سمیعی رسما نوشت که برای‌عقد همه گونه قرارداد حاضرمیباشد‌ودرپی‌آن مقاولات وعهدنامه های لازم بسته شد ودوستی‌ایران‌وعراق نیزشروع گردید.

واگون اسبی · واقعا قضیه واگون اسبی شهر تهران هم مسئله بغرنجی شده هرروز می‌شنویم دائره امتیازات وزارت فوائدعامه درامتیازنامه کمپانی بلژیکی تراموای شهری تجدید نظرنموده و برای تبدیل آن‌به واگون برقی مذاکره کرده‌اند ولی هیچ اثری دیده نمی‌شود،بازمی‌شنویم چون لاله‌زار وسمت نخواهد یافت و صورت یك‌بازار و بلوارد راپیداخواهد کرد وعبور وسائط نقلیه درآن مدغی‌میشود واگون‌راازاین خیابان تنك‌بر می‌چینند ولی‌بازخبری نیست.

دیشب شخصی لنگان ونالان باداره‌آمد. این شخص مدیر کتابخانه شرق و شکوهٔ اودر اثرحادثه‌ای بود که دیروز جهت‌او درلاله‌زار اتفاق افتاد و یك‌پاش زیر واگن رفته و مجروح شده‌بود این شخص در تنگنائی گیر کرده‌بودزیرایك‌طرف‌لاله‌زار په‌های‌خاك‌و آجرطرف‌دیگراتومبیل‌ودرشگه میگذشت ویکجاهم‌واگن‌معلوم‌نیست‌بچه ازداخل‌خطواگن از کجامردم‌میموانند راه‌بروند؟

اطلاعات در پایان مقاله خود ازدولت خواسته بود که کمپانی را وادارنمایندواگن‌اسبی‌رابتبدیل‌ببرقی نماید واگرحاضر نمیشود برچینند

اما این تذکرات‌بجائی نرسید و کمپانی حاضر بهیچیك ار پیشنهادات دولت نشد بناچار بلدیه موقع خیابان سازی وسمت بقسمت خط‌آهن واگون اسبی را در زیر خاك‌مدفون ساخت و باین ترتیب واگون از خیابان ها برچیده‌شد.

دومین کاروان علم وادب: روز ۲۲ شهریور ۳۰۸ قافله دوم محصلین اعزامی باروپا حلقه وار اطراف اعلیحضرت فقید ایستاده و عکس برداشتند شاه در آن روز فوق‌العاده مسرور و متبسم داشت و پس از

تحقیقات لازم از وضعیت محصلین بخصوص تحقیق از لوازم مسافرت و حتی پالتو بارانی خطاب به محصلین، فرمود .

محصل مانند سرباز است اسلحه و اقتدار سرباز تفنگ اوست و قوه و قدرت محصل نیز معلومات او میباشد که باید هردو صرف خدمت کشور گردد و در انجام وظائف ملی هردو کوشا باشند .

شماها فرزندان من که زحمت غربت را بر خود هموار کرده اید باید بدانید که علم بدون اخلاق هیچ فایده نخواهد بخشید تحصیلات شما با اخلاق خوب باید توأم باشد من آرزو دارم خداوند بمن آنقدر عمر بدهد که در مراجعت شمارا آنطور که انتظار دارم به بینم و نتیجهٔ تحصیلات شما را در خدمت مملکت ملاحظه کنم و خوشوقتم که برای دومین مرتبه شما را برای سعادت آتیه مملکت باروپا اعزام میدارم . »

نطق معاون وزارت معارف : درجلسه ٤ مهر ۱۳۰۸ آقای فرخ معاون وزارت معارف در خصوص اضافه حقوق معلمین در اثر اظهارات مرحوم ضیاءالواعظین خواندند و کلیه امور ادارات باید از مجرای خودش سیر کند ما گذشته از اینکه تمام مستخدمین ایرانی را بتشبث بان و آن آشنا کردیم حالا هم میخواهیم مستخدمین خارجی راهم همینطور عادت بدهیم ما اجازه نمیدهیم مامورین ما عذار مجرای وزارتخانه واداره مربوطه بجاهای دیگری متشبث شوند (همهمه و جنجال وکلا) (فریاد آقاسید یعقوب) (مرحوم باسائی از جا برخاسته و بافریاد گفت میفهمی چه میگوئی مرجع رسمی کی تمام تظلمات و شکایات مجلس شورای ملی است ما نماینده هستیم و حق رسیدگی داریم) سپس مطرف ترسون رفت ولی مرحوم محمود رضا طلوع مانع شد و عده از نمایندگان از مرحوم باسائی همصدائی کرده و گفتند شما میخواهید مشروطیت و آزادی را پایمال کنید شما نمیخواهند حق مشروع مجلس را ضایع کنید و از جلسه خارج شدند و باین ترتیب مجلس از رسمیت افتاد و تعطیل گردید .

کارخانه پشم ریسی قزوینی : اولین کارخانهٔ ریسندگی که رضاشاه همدر مسافرت آذربایجان بازدید نمود کارخانه پشم ریسی مرحوم حاج رحیم آقا قزوینی در قزوین بود در آن روز ۲۷ مهر ۱۳۰۸ آقای حاج محمد جعفر جامعه و آقای اکبر آقا قزوینی حضور داشتند شاه از مصرف ریسمان در داخلهٔ ایران جویا شدند و عرض رسید که روزی هزار بقچه ریسمان فقط مصرف جوراب وزان کت است و فرمود که این کارخانه ها تکافو احتیاجات مملکت را نخواهد داد باید در هریك از شهرهای مهم ایران این قبیل کارخانجات دائر شود ولی افسوس که تجار سرمایه دار ما جبون و ضعیف القلب هستند و خطاب بآقای دکتر امیراعلم گفت حاج رحیم آقا قزوینی مردمی غیور و محترم است که باقتصادیات مملکت خدمت میکند و اضافه نمود که من وقتی باین قبیل مؤسسات وارد میشوم از بس لذت میبرم دلم نمیخواهد بیرون بروم .

عشق وعلاقه رضاشاه بترقی صنعت و ایجاد کارخانجات بجائی رسید که چون تجار کمتر استقبال مینمودند و حاضر بتاسیس کارخانه نبودند ابتدا خود پیشقدم شد و کارخانه ترك ریسمان ریسی شاهی را بوجود آورد و همین عمل و تشویقات زیاد آن مرحوم سبب شد که چندین کارخانه در نقاط مختلف کشور بخصوص در اصفهان بتدریج بوجود آید .

لیره و دولار ترقی میکند : امروز ٤ آبان ۱۳۰۸ مصر اداره بانك شاهی مراجعه نمود که نرخ اسعار را بدست آورد بانك خودداری کرد ، بدیهی است علت ندادن نرخ ترقی فاحش پوند و دولار است که ازچندی باینطرف رو بترقی گذارده و میگویند این ترقی بواسطه آزاد شدن ورود جنس است بکشور که هر روز برور قیمت اصلی خودرا از دست میدهد و پایهٔ پول ما هم بمراتب بیشتر از ایران در مقابل اسعار خارجی که متکی بطلا است پول ما پائین می آید — لیره ۱۲ قران ۱۳ قران از چندماه باینطرف افزایش یافته و حالا نرخ فروش آن در بانك لیره ۵۹ قران است و معلوم نیست این ترقی فوق العاده قیمت بکجا خواهد کشید .

دلار به ۱۲ قران رسیده سابقا برای خرید یکدستگاه اتومبیل فرد هفتصد تومان داده میشد و حالا ۹۵۰ تومان مطالبه میکنند .

بحریه ایران : هیئت دولت برای جلوگیری از قاچاق و حفظ سواحل از چندی قبل درصدد تاسیس بحریه بر آمده بود راپورتی که متخصصین بحری در این خصوص پس از مطالعات بجنرال به وزیر جنگ نموده بودند درجلسهٔ ۲٦ آبان ۱۳۰۸ هیئت دولت مطالعه شد و اجازهٔ ساختمان ٦ فروند کشتی مسلح و چند فروند کشتی دیگر صادر و از طرف وزارت مالیه سفارش آن بایتالیا و بعضی ممالك دیگر داده شد که قیمت آن باقساط

پرداخته شود.

برای تأسیس بحریه در نظر گرفته شده که فعلا از محصلین ایرانی که در اروپا بتعلیم فن بحر پیمائی مشغولند عده‌ای بکار گماشته شوند و چند مکانیسین وغیره که مورد احتیاج است از خارج استخدام نمایند. برای پیشرفت این نظریه در بودجهٔ ۱۳۰۹ اعتبار مکفی منظور خواهد شد.

هیئت تفتیشیه مملکتی – در جلسه ۹ آذرماه ۱۳۰۸ هیئت وزیران تصویبنامه زیر صادر شد که فردای آن بکلیه وزارتخانها ابلاغ گردید که بموقع اجراء بگذارند:

« برحسب امر اعلیحضرت همایونی و تصمیمی که از طرف هیئت دولت گرفته شده مقرر است برای رسیدگی باوضاع عمومی مملکت و همچنین برای تفتیش حالت روحیه مردم ورفتار کلیه مامورین دولتی نسبت باهالی در حوزه ماموریت خودشان هیئتی بنام هیئت تفتیشیه مرکب از اعضاء عالی رتبه وزارتخانها تحت ریاست یکی از وزراء تشکیل گردد که براپرت‌های واصله رسیدگی نمایند.»

هیئت تفتیشیه بریاست مرحوم داور تشکیل ومشغول انجام وظیفه شد و تاثیر بسزائی بخشید.

محبس قصر قاجار : زندان شهربانی منحصر بخمه هائی بود که در مرکز تهران عمارت قدیم نظمیه درمیدان سپه ساخته شده بود روز ۱۱ آذر ۱۳۰۸ شاه فقید محبس جدید التأسیس قصر قاجار را بازدید نمود، محبس قصر دارای ۱۹۲ اطاق برای محبوسین میباشد و گنجایش ۸۰۰ زندانی را دارد ۹۶ اطاق آن پنجنفری وبقیه یکنفری است در قسمت مریضخانه هم ۶ اطاق ۶ نفری و ۶ اطاق یکنفری دارد ودارای باغ وحمام ولوازم دیگری باشد، دراین عمارت محلهائی هم برای کارهای صنعتی ازجمله قالی بافی ونجاری و صنایع یدی ساخته شده که محبوسین بتوانند صنعت بیاموزند.

روزیکه شاه فقید بهمراهی مرحوم درگاهی رئیس نظمیه سلولها وقسمتهای مختلفه زندان را بازدید میکرد چند نفر از وزیران هم همراه شاه بودند ازجمله تیمورتاش — سردار اسعد که هیچ نمیدانستند روزی خود آنها در آن سلول گرفتار خواهند شد.

دوروز بعد سفراء ووزراء مختار از طرف رئیس نظمیه دعوت شدند که زندان قصر قاجار را بازدید کنند و به بینند که در ایران محبس مدرن طبق زندانهای خوب دنیا بوجود آمده است.

سرتیپ محمد خان درگاهی زندانی شد: از مراسم گشایش زندان قصر قاجار دوروز بیشتر نگذشت که برحسب دستور شاه فقید رئیس تشکیلات نظمیه (درگاهی) وآقای منشی باشی معاون اداره نظمیه وآقای برهان رئیس یکی از شعب تامینات ومرحوم احتشام عضو اداره نظمیه در اداره دژبانی توقیف گردیدند وآقای سرتیپ صادق خان کوپال (سالار نظام) بریاست کل نظمیه منصوب شد، مرحوم درگاهی روز آئین گشایش زندان چشم زهری بـه بعضی وزیران میرفت ولی خود زودتر گرفتار شد.

درگاهی مدتی در دژبانی توقیف بود و بعد تحت نظر قرار گرفت ودرمنزل بسر میبرد و بعدها آزاد بود ولی دیگر بشغلی گماشته نشد.

مرحوم درگاهی بعد از کودتا رئیس نظمیه شد تا ۱۳ آذر ۱۳۰۸ که زندانی شد و بعد از شخص شاه اولین قدرت کشور بشمار میرفت و باوزیر دربار که او هم بعد از شاه قدرت اول را میخواست داشته باشد در کشمکش بودند و همین کشمکش بین تیمورتاش ورئیس نظمیه‌های وقت که دومی قدرت بودند آنقدر دامنه پیدا کرد تا منتهی بسقوط وزیر دربار گردید یعنی پلیس کار خود را کرد وشاه را بوزیر دربارش سخت بدبین وظنین ساخت واین موقعی بود که امیرلشکر آیرم درراس نظمیه بود که او هم میخواست قدرت اول را در دست داشته باشد. اما سرتیپ کوپال چنین نبود و نظمیه بعد از درگاهی وضع آرام وعادی بخود گرفت.

آیة الله مریضخانه ساختند – آیة الله مرحوم حاج شیخ عبدالکریم رحمت‌اله علیه در صدد برآمدند که ازوجوه خیریه‌ای که نزدایشان فرستاده می‌شود یکباب مریضخانه در قم تاسیس نمایند ؛ گرچه این مریضخانه در ابتداء بیش از دەدوازه تختخواب نداشت لکن این اقدام روحانی بزرگ ایران باخوشوقتی کامل تلقی گردید وآقای دکتر امیراعلم نایب رئیس جمعیت شیر وخورشید سرخ حضور معظم‌له رسید وتقاضا کرد که مؤسسه شیر وخورشید حاضر است همه گونه کمک بافکار عالیه ایشان بنماید.

مجله اطاق تجارت – اطاق تجارت تهران مناسبات خود را بادنیا بازمیکرد، درصدد توسعه وبسط تجارت

ایران با کشورهای بیگانه بود و موجبات آشنائی تجار را با امر تجارت فراهم مساخت. در آن روز آقای مسعودی برای اینکه در این راه خدمتی بسزا انجام دهد بدون توقع کمک مادی بتاسیس مجله‌ای بنام مجله اطاق تجارت اقدام نمود تا بسهم خود موجبات ترقی امور اقتصادی وصنعتی ایران گردد مجله مزبور ناشر افکار و نظریات ومطالب اطاق تجارت وشناسائی تجار ایران وامتعه کشور بود واولین شماره آن اوایل آذر ۱۳۰۸ انتشار یافت ، این مجله چندین سال منظماً از اداره اطلاعات انتشار یافت وارگان رسمی اطاق تجارت بود اما دخل وخرج نمیکرد اطاق تجارت هم کمک مالی نمی نمود وبعکس تصور میکردند منافعی از این راه عاید اداره اطلاعات می شود باین جهت پس از چند سال که انتشار مجله منظم ادامه داده شد باختیار خود اطاق بازرگانی گذاشته شد که خودشان مستقیماً اداره کنند ولی متاسفانه تعطیل گردید.

بیکاری و ورود اشیاء تجملی : آقای سید یعقوب در جلسه ۲ دی ۳۰۸ گفت همانطور که مطبوعات ما راجع باقتصادیات واستعمال البسه وطن مردم را تشویق میکنند ما هم وظیفه داریم عملا قدم برداریم سیدالاحرار مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی گفته است که دریک جامعه بیست هزار نفری اگر یکنفر بیکاره باشد همان یکنفر اثر سوء خودش را بآن جامعه میبخشد. حالا ملاحظه کنید در یک جامعه که عدهٔ زیادترش بیکاره است وهرروزهم اشیاء تجملی باین مملکت سرازیر میشود چه خواهد شد. باید وسایل کار را فراهم آورد وازاین بیکاری جلو گیری کرد، ورود اینهمه اتومبیل و گرامافون باین مملکت جز ضرر چه نتیجه دارد اردرهرقهوه‌خانه میگذرید صدای گرامافون بلند است، هربیوه زنی فرش خود را گرو میگذارد و گرامافون میخرد، چه خبراست ؟

فرار و دستگیری دوست محمد بلوچ: یکنفر و کیل‌باشی ازطرف نظمیه مراقب دوست‌محمدخان بلوچ بود اما چون مورد عفو ملوکانه واقع شده بود در تمام تشریفات رسمی وغیر رسمی دوست‌محمدهم مانند رجال شرکت میکرد وبرای اومقرری هم قرار داده شده وآزاد بود . روزی دوست‌محمدخان هوس شکار میکند چند بار بشکار رفته بود ولی این بارعادی نبود.دو نفراز گماشتگانش اثاثیه لازم را بر میدارند وشش قبضه تفنگ زیر تشک اتومبیل مخفی می کنند .

روز ۱۹ آبان ۳۰۸ بسمت حضرت عبدالعظیم بقصدشکار میروند. آژان مامور دروازه جلوی آنهارا میگیرد محمدعلی خان و کیل‌باشی میگوید من همراه هستم بشکارمیرویم بعد از جاده امین‌آباد میگذرند وجلوی قهوه خانه می‌ایستندو پیاده بقصد شکارمیروندودرنزدیکی تپه های فیروزآباد شکرمحمد گماشته دوست محمدخان طبق دستور ارباب خوداز پشت‌سر سه تیر بمحمدعلی و کیل‌باشی خالی میکند که بلافاصله مأمور نظمیه می‌افتدو نعش رادر نهرعمیقی انداخته برمی گردندو با خیال راحت اتومبیل را سوار شده بسمت ورامین فرار میکنند آنجا اتومبیل را گذاشته رشته کوههای سمنان را پیش گرفته میروند ــ ادیب‌السلطنه سرداری رئیس پلیس باده‌نفر آژان مامور دستگیری اومیشود، این مامورین مدتها بالباس مبدل دردهات و کوهستانها سر گردان بودند تابالاخره دوست محمدخان را که در کویر و سیاه کوه مخفی بود وقصدداشته است خودرا ببلوچستان برساند پیدا کرده دستگیر می‌نمایند آنهارا بتهران آورده زندانی وبعدها بحکم محکمه نظامی ورای صادره دوست‌محمدبلوچ محکوم باعدام گردید وتیرباران شد.

اعلامیه شرکت نفت . شاهنشاه فقید برای اجرای مراسم افتتاح راه‌آهن جنوب عازم خوزستان گردید (دی ۳۰۸) هنگام ورود باهواز رئیس شرکت نفت جنوب اعلامیه‌ای منتشر کرد که بمناسبت تشریف فرمائی موکب مسعود همایون شاهنشاهی بهترین طریقی که مقبول خاکپای همایون واقع خواهدشد ازدیاد حقوق مستخدمین ایرانی شرکت است لذا تصمیم گرفته شد که بشکرانه ورودشاهنشاه فوراً صدی پنج حقوق کلیه مستخدمین ایرانی از اداری و صنعتی و کار گران افزوده شود، تغییرات دیگری هم داده خواهد شد که پس ازازدیاد صدی پنج فوق‌الذکر هیچیک از کارگران شرکت **کمتر ازروزی چهار قران دریافت ندارند !**

سنگ تاریخ عمارت جدید بانک شاهی روز ۱۹ دی ماه ۳۰۸ سنگ تاریخ بنای فعلی بانک شاهی در میدان سپه با حضور آقایان وزیران و نمایندگان سیاسی خارجی جلوی سردر بزرگ عمارت بانک نصب گردید روی سنگ بنا تاریخ تأسیس بانک وتاریخ شروع بساختمان حک شده و این مراسم با حضور مرحوم تیمور تاش انجام یافت. گفته شد که مخارج ساختمان بنای جدید بانک **بیش ازدویست و پنجاه هزارتومان شده است.**

سپس عمارت سابق بانک شاهی که جلوی آن هرسال درزمستان مسجلابی بوجودمی‌آمد و ماهی‌آب درمیدان

سپه آنقدر جمع میشد که عده‌ای حمال و بیکاره مردم را با کول باینطرف و آنطرف می بردند یکلی خراب و بر چیده شد .

اولین دفعه شاه سوار ترن شد : چادر مخصوصی در کنار ایستگاه صالح آباد دو فرسخی دزفول که محل ایستاسیون خط آهن دزفول باهواز است زده شده بود که روز ۱۲ دی ۳۰۸ شاه فقید در آن قرار گرفت و علماء و خوانین و مشایخ اعراب و رؤسای طوایف شرفیاب شدند. راه آهن جنوب تا اینجا ساخته شده بود. پس از اجرای مراسم افتتاح رسمی که شاه فقید نوار سه رنگ را در ایستگاه با قیچی طلا پاره کرد اولین بار وارد قطار راه آهن گردید. لکوموتیو بحرکت درآمد و بسمت شوش رهسپار شد . همه بشاه میگفتند قربان هنوز راه محکم نشده و ممکن است قطار از ریل خارج شود و خطری متوجه گردد ولی اعتناء نکرد و بمسافرت خود با قطار ادامه داد و پس از دو روز توقف در شوش و تماشای آثار تاریخی آنجا عازم اهواز گردید و در اهواز ساختمان‌ها و تاسیسات راه آهن را بازدید کرد و از ساختمان پل راه آهن لذت برد و دستورات تازه برای توسعه عملیات و ساختمان پل مهم دیگر اهواز صادر کرد .

نرخ بعضی اجناس : در تاریخ ۲۵ بهمن ۳۰۸ از طرف بلدیه تهران اعلانی در اطلاعات منتشر شده است راجع بنرخ اجناس که بعضی اقلام جالب توجه آن در زیر درج میشود:

هیزم خرواری ۲۵ قران . ذغال جنگلی یکمن یکقران . خاکه جنگلی یکخروار ۸ تومان . ماست قالبی تغار ۳ منی پنج قران و دهشاهی . پنیر یکمن ۲۸ الی ۳۲ قران . کره مازندرانی چهارمن ۷۲ قران . کره قالبی چرخی دو سیر و نیم ۲ قران و پنجشاهی . روغن اعلا در بدکا یکمن ۱۹ قران سیری دهشاهی . برنج سفید کرده چارک یک قران الی یکقران و یکصد دینار . برنج تنکابن خرواری ۳۶ تومان الی ۴۲ تومان . عدس قرمز چارکی هفت شاهی . لوبیای چشم بلبلی چارکی ۳ عباسی . لوبیا قرمز هفتصد دینار . لوبیای مرمری ۳ عباسی . لپه قزوینی چارکی نهصد دینار . نخود قزوینی چارکی هشتصد دینار. ماش چمنی چارکی دو عباسی (نرخهای اخیر در میدان ارزان تر معین شده بود)

فرخی و طلوع . در مجلس دوره هفتم اقلیت کوچکی وجود داشت که در رأس آن مرحوم فرخی یزدی نماینده یزد و مرحوم محمود رضا طلوع نماینده لاهیجان بود. این دو نفر اوضاع را سخت انتقاد میکردند ، اغلب جلسات میخواستند قبل از دستور صحبت کنند ولی اکثریت موافقت نمی کرد. در یک جلسه فرخی گفت بگذارید من حرف های خود را بزنم. من از حقوق خود استفاده کنم ولی مجلس موافقت نکرد. در جلسه دیگری محمود رضا طلوع گفت اینجا مأمن آزادی و جای اظهار حقایق است اگر من این جا حرف نزنم پس کجا حرف بزنم، ما باید از پشت همین تریبون بگوئیم فلان وزیر حق ندارد مردم را در محبس خصوصی خودش حبس کند (مقصود ناطق سرتیپ بوذرجمهری بود که از کفالت بلدیه تهران بوزارت فواید عامه انتخاب شده بود و در خود وزارتخانه یکی از اعضای وزارتخانه را زندانی نمود) باز اجازه ندادند ناطق حرف بزند زیرا رای بورود در دستور گرفتند و تصویب شد و فرخی فریاد زد اوضاع شتر گاو پلنگ است ــ مرحوم زوار باو گفت خفه شو. فرخی فریاد زد وزیر فواید عامه آدم حبس میکند، دیگری فریاد زد سئوال کنید، دولت را استیضاح نمائید (همهمه و زنگ رئیس) مرحوم طلوع و فرخی از جلسه بعنوان اعتراض خارج شدند .

مرحوم فرخی بمخالفت های خود ادامه داد و دامنه آن را وسعت داد روزی از فروش جواهرات سلطنتی برای سرمایه بانک اظهار نگرانی شدید نمود و گفت حیف و میل میشود و روزی دیگر باز اعتراض بجریانات کشوری نمود و حمله بزمامداران و در لفافه بشاه فقید اعتراض سخت میکرد.

این جریان ادامه داشت تا آخر دوره هفتم مجلس . روزی که فردای آن مجلس هفتم خاتمه می یافت و مصونیت فرخی تمام میشد آنمرحوم ناپدید شد پس از مدتی معلوم شد فرخی بدون پاسپورت از وحشت اینکه او را دستگیر خواهند کرد راه شوروی را پیش گرفته و بآن کشور رفته است . پس از چندی بالمان رفت و چندسال در برلن گذرانید تا اینکه مرحوم تیمور تاش او را در سفر اروپا دعوت نمود بایران بیاید و اطمینان داد که بهیچوجه نظری نسبت باو نبوده و نیست . مرحوم فرخی بایران آمد و حضور شاهنشاه فقید باریافت و مورد مهر ملوکانه قرار گرفت.

چند سال باین منوال گذشت کسی را باو کاری نبود اما پس از چندی ابتدا مورد تعقیب حقوقی از جانب طلبکاران خود قرار گرفت ولی این رشته دامنه پیدا کرد زیرا خود آنمرحوم حاضر نبود با طلبکاران اصلاح نماید میگفت کسه

این دام را برای من عمداً گسترده‌اند و میخواهم درمحبس بمانم و احساسات شدیدی برعلیه اوضاع قبل از گرفتاری او هنگام زندان از خود ظاهر میساخت. یك بارهم درزندان داد دستری تریاك خورد و معالجه شد متاسفانه حبس حقوقی او كه بی اهمیت بوددر نتیجه تعرضاتش كه گزارشها و پرونده‌هائی مستنطقین برعلیه او تنظیم نمود به حبس سیاسی تبدیل گردید و از كسانی است كه بعد از چندی زندانی درمحبس نظمیه دارفانی را وداع گفت ! »

مرحوم فرخی روزنامه طوفان را می نوشت ، روزنامه مزبور انقلابی وتند بود و مرحوم فرخی ذوق ادبی داشت، اشعار خوبی می‌سرود ، رباعی های او كه هرروز روی مسائل جاری كشور درچهار بیت می سرود فوق العاده مورد توجه قرار میگرفت .

تابلوها بزبان فارسی شد — ازطرف مامورین اداره نظمیه بكلیه صاحبان مغازه ها اخطار شد كه تابلوهای خودرا بایدبزبان فارسی كنند واز استعمال كلمات خارجی روی تابلو خود داری نمایند — در آن موقع تابلوهائی درخیابانها جلب نظر میكرد كه تمام زبانها فرانسه ، روسی ، انگلیسی ، آلمانی ، عبری ، ارمنی بود جز زبان فارسی واین موضوع شاه فقید راسخت عصبانی ساخته ودستور داده بود كه تابلوها فقط بفارسی نوشته شود واین دستور بقدری عمومیت پیدا كرد كه لوحهٔ بزرك برنجی اداره پست تهران كه میبایدبزبان فرانسه هم باشد تا خارجی‌ها ازمحل پست مسبوق باشند آنهم تغییر كردو فقط بفارسی نوشته شد «اداره پست» .

چیزی نگذشت كه سرتاسر خیابانها ازتابلوهای جدید بزبان فارسی مزین گردید وتاوقتی رضاشاه فقید درایران بود كسی جرئت نكرد ازاین دستور تخطی كند ولی پس ازرفتن او این كار مفید هم كه ازاحساسات شدید میهن پرستانه اوحكایت می كرد مثل بعضی اصلاحات دیگرش دستخوش هواوهوس وضعف حكومتها گردید چنانچه اكنون می بینیم دوباره درتابلوها استعمال زبان بیگانه رایج شده است .

برای تثبیت نرخ اسعار خارجی : قیمت لیره و دولار روبترقی میرفت وسبب عمده آن خرید ادوات راه آهن و تأسیسات صنعتی كشور بود كه هرماهه مقادیر هنگفتی ارز از كشورخارج میشد دربرابر این ترقی قیمت فشار زیادی ازطرف محافل اقتصادی و بخصوص مجلس شورای ملی برای محدود كردن واردات و بخصوص جلوگیری ازاشیاء تجملی وارد میشد و موضوع استعمال البسهٔ وطنی دست ا . ت میبافت ونطقهای مؤثری دراین باره میشد. ازجمله نطق دكتر طاهری درمجلس بود كه دراین بیت خاتمه یافت .

« كهن جامهٔ خویش پیراستن — به ازجامهٔ عاریت خواستن »

ایشان راه جلوگیری ازترقی اسعار خارجی را دوقسمت ذكر كرد. یكی تشویق صادرات ودیگری كاهش واردات ازراه استعمال البسهٔ وطن ولواینكه پست تر وخشن تر ازامتعه خارجی باشد.

بازرگانان ازهرنقطهٔ كشور تلگراف میكردند كه لیره ودولاردر برابر پول كشور باید تثبیت گردد ودولت نگذارد هرروز قیمت پول رایج مملكت بیفتد ازجمله تجار بندرپهلوی در تلگرافخانه متحصن شدند — تجار مشهد بارفروش ، ساری ، عراق ، شیراز ، اصفهان و بیشتر شهرهای ایران تلگراف كردند كه اگر برای توازن واردات وصادرات فكری نشود روز بروز فقر برمردم غلبه خواهد كرد وباید قیمت پولها دربرابر لیره ودولار تثبیت گردد.

تفتیش و كنترول اسعار خارجی فكر جلوگیری ازترقی قیمت اسعار كه درآن روز نرخ یك لیره به ٦٥ ریال رسیده بود دولت را باخذ تصمیماتی وادار نمود از جمله درتاریخ ٦ اسفند لایحه‌ای باامضای وزیر مالیه وقت (مرحوم مشارالملك) تقدیم مجلس گردید (مرحوم نصرالدوله فیروز چندماه بود كه ازكار بركنار شده و تحت نظر بسرمیبرد) این لایحه اولین قدم دولت درباره تفتیش ونظارت در خرید وفروش اسعار خارجی بود كه مرحوم داور ازآن دفاع میكرد وخلاصه آن این بود

خرید وفروش و واگذاری وبطوركلی هرقسم معامله راجع باسعار و نقود اعم از نقود فلزی و كاغذی خارجی اعم ازاینكه بطریق انتقال تلگرافی یا طریق دیگر بشكل برات تجارتی باشدممنوع وهر گونه معاملات مزبور بعهده كمیسیون نرخ اسعار كه مركب از نماینده وزارت اقتصاد نماینده اداره گمرك ، مفتش دولت در بانك ، یكنفر نماینده ازطرف هریك ازاطاقهای تجارت تشكیل میگردد واگذار میشود، صدور نقره وطلا نیز ممنوع گردید وبهر مسافر بیش از بیست تومان حق صادر كردن نقره مسكوك داده نشد .

اولین كلنك بنای مریضخانه فیروز آبادی : روز ١١ اسفند ٣٠٨ اولین كلنك بنای مریضخانه

فیروزآبادی ازطرف هیئت مدیره جمعیت شیروخورشیدسرخ زده شد، درآن روز مرحوم چراغعلی خان پهلو نژاد (امیرا کرم) پیشکاروالاحضرت ولیعهد . آقای دکترامیراعلم، مرحوم ممتازالدوله، آقای دکترحکیم الدوله، آقای عباس مسعودی آقای اویسی، مرحوم مجید آهی، مرحوم دکترمعاون حضور داشتند. نقشه ساختمان بنای اولیه مریضخانه بوسیله علی خان مهندس پست وتلگراف ترسیم یافته بود .

آقای فیروزآبادی از گرفتن حقوق مجلس خودداری نموده بودواز بابت حقوق ایشان مبلغ ۱٤ هزار تومان در صندوق حسابداری مجلس ذخیره شده بود که همین مبلغ را اساس وپایه ساختمان مریضخانه ای که امروزازبزرگترین بیمارستانهای ایران بشمارمیرود قرارداده منتها بتدریج همت ومساعدت مردم خیرخواه راجلب کردند و آنقدر کوشش نمودند تابیمارستان را به پایهٔ امروز رسانیدند وهنوزهم درفکرتوسعه تشکیلات آن میباشند .

روزنامه اطلاعات دراین باره سهم بسزائی دارد. ازاولین روزی که کلنگ ساختمان مریضخانه فیروزآبادی زده شد پیوسته اداره اطلاعات باآقای فیروزآبادی درپیشرفت افکار خیرخواهانه اش کمك کرده است ودر اثر تشویق های پی درپی روزنامه اطلاعات، مردم نوع پرست متوجه شدند که از راه کمك بساختمان مریضخانه فیروزآبادی میتوانند وظایف دینی واجتماعی خودرا انجام دهند. چه بسیار از مردان نیك بوسیله اداره اطلاعات وبامستقیما فیروزآبادی رادر انجام منظور بزرك خود کمك کرده اند، چه مبالغ زیادی هر ساله اعانه بدفتر اطلاعات واصل و بآقای فیروزآبادی تحویل گردید وخلاصه روزنامه اطلاعات ومدیرش از روز اول حامی وپشتیبان این مردخدا پرست خیرخواه بودند وبسهم خود درساختمان مریضخانه شرکت نموده وعملا کمك کردند.

تبدیل واحد پول بطلا : طلا پشتوانه پول رایج کشور مانبود بهمین جهت پول کشوراساس و بنیان پیدا نمیکرد وبیشتر دستخوش تغییروتبدیل بورس میگردید. در اواخر اسفند ۳۰۸ لایحه ای بتصویب مجلس رسید که طبق آن واحد پول قانونی ایران ریال ومأخذآن طلا معین گردید ، ضرب طلا بنام یك پهلوی و نیم پهلوی ومسکوك نقره ۵ریالی - ۲ریالی - یك ریالی ونیم ریالی تعیین شد ومسکوك قران از آن تاریخ بتدریج برچیده شد.

ذخیره مسکوکات از اینقرار معین گردید : مسکوك طلا یا شمش طلا یا اسعار خارجی ممالکی که خرید و فروش ومعاملات طلا درآنجا آزاد باشد ذخیره قانونی مسکوك رایج ایران دربانك ملی بامانت گذارده میشود وماهی دومرتبه صورت وضعیت ذخیره قانونی ومقدار مسکوك نقره ونیکل ومس ضرب شده درجریان از طرف مفتش دولت در بانك ملی و رئیس بانك و خزانه دار کل و یکنفر ناظر از طرف مجلس شورای ملی رسید کی خواهد شد .

اطلاعات پیوسته درمسائل اقتصادی بحث میکرد، مقالات متخصصین وبازرگانان را چاپ می نمود و دربارهٔ تثبیت وتحکیم پول مملکت سعی مینمود وآنقدر در این باره چه سرمقاله وچه مطالب متفرقه نوشت وبسیاری از لوایح بازرگانان راچاپ کرد تاموضوع مورد توجه قرار گرفت ودرافکارعامه جای خود راباز کرد ودولت مصمم شد این قدم را بر دارد و پول مملکت را که پایه اش برآب بود برپایه محکمی استوار سازد وبراساس طلا قرارداد .

نصرةالدوله تحت تعقیب درآمد: درجلسه ۲٦ اسفندمرحوم داور وزیر عدلیه لایحه ای بمجلس تقدیم کردو بتصویب رسیدازاینقرار :

نظر باصل ۲۵ و ٦۹ و ۷۰ متمم قانون اساسی و نظر قانون محاکمه وزراء و نظر برابرت پارکه دیوان جزا وزارت عدلیه تقاضا می کند که آقای فیروز میرزا وزیرمالیه سابق بمناسبت ارتشاء مورد تعقیب واقع گردد.

خلاصه راپرت مرحوم کاظم صدر مدعی العموم این بود که درضمن تعقیب دوسیه انبار غله اطلاع حاصل شد که اداره انبار درسال ۳۰۷ قراردادی باارباب علی آقا یزدی منعقد نموده است باین مضمون که ارباب متعهد میشود پانصد خروار جنس از فراء و املاك حومه شهر تهران مطابق نرخ معینه باداره ارزاق بفروشد ودرمقابل اداره انبار سه هزار تومان نقداً بطور مساعده بمشارالیه پرداخته در حمل جنس نیز باو کمك نماید - اداره تامینات درصدد جستجوی اصل قرارداد برآمده وپس از تحقیقات ازاداره انبار معلوم شد که اولا قراردادبرای ۲۵۰ خروار بوده وبعداً آنرا پانصدخروار نموده اند ثانیا قرارداد راهجرمانه بسته اند ثالثاآقای فیروز میرزا درذیل آن دستور اجرا داده وتصویب نموده است.

پس از تحقیقات گفته میشود که مبلغ پنجهزار تومان تحت عنوان تحویل جنس ولی در حقیقت باقای نصرةالدوله فیروز بابت رشوه داده شده که حسن آقای مهدوی فرزند مرحوم امین‌الضرب برای رفع توقیف املاک خود این مبلغ را بآقای نصرةالدوله باین وسیله وعنوان داده است ودرجای دیگر اظهارات شفاهی حسن آقای مهدوی است که در حضور چند نفر صریحا گفته است که جنس تحویل شده بابت شانزده هزار تومانی است که آقای نصرةالدوله برای رفع توقیف املاک من دریافت داشته ومعاملهٔ اربابعلی آقا صوری بوده است.

***

باید متذکر شد که تعقیب و کشف این موضوع درزمان تصدی مرحوم درگاهی بود، روزی که سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه مامور تعقیب نصرةالدوله فیروز شد روزی بود که شاه فقید باوزیران خود درمجلس روضه خوانی تکیه دولت حضور یافته بود، همه‌ساله در تکیه دولت ازطرف شاه مجلس روضه منعقد میشد که بعداز چندسال متروك گردید- دریکی از روزهای تیر ۱۳۰۸ هنوز مجلس روضه تمام نشده بود که اعلیحضرت فقید براثر وصول گزارشاتی علیه نصرةالدوله رئیس نظمیه وقت مرحوم درگاهی را که درمجلس روضه حاضر بود مامور کرد نصرةالدوله وزیر مالیه راتحت نظر بگیرد- بین این دو نفر نقار شدیدی ازسابق موجود بودعلتش هم این بود که نصرةالدوله دست راست مرحوم تیمورتاش بشمار میرفت ودرگاهی خیلی میل داشت مدرب تیمورتاش راخورد کند باینجهت همینکه این دستور ازجانب شاه صادر گردید سرتیپ درگاهی فیروز راازمجلس روضه بخارج خواند وباو گفت تحت نظر من هستی بفرمائید دراتومبیل، این واقعه درآن روز بسیارعجیب وناگهانی ومهم بود.مرحوم فیروز ابتدا با بی‌اعتنائی موضوع رانلقی کرد بعد متوجه شد که خیر، راستی دیگروزیر نیست و یك زندانی بیش نمیباشد بسیار مضطرب شد وخودرا دراختیار رئیس نظمیه گذاشت سپس رئیس نظمیه بابشاشت بسیار دست راست اتومبیل نشست ووزیر مالیه را که دومین شخص مهم روز محسوب میشد دست چپ خود قرار داد واورا بخانه‌اش بردوتحت نظرش قرارداد تاوقتی که محاکمه‌اش شروع گردید ولی چند ماه ازاین واقعه نگذشت که خود سرتیپ درگاهی نیز بهمان سرنوشت دوچارشد ودردژبانی توقیف وبعد درخانه‌اش تحت نظر قرار گرفت. فقط یکبار بریاست اداره نظام وظیفه بمدت کوتاهی انتخاب شد.

اولین دفعه بودجه تفصیلی سال قبل تصویب شد. اولین لایحه بودجهٔ تفصیلی مملکت که درزمان رضاشاه فقید قبل ازسال جدید تنظیم وبتصویب رسید بودجه سال ۱۳۰۹ بود که دخل وخرج مملکت قبلا معین شد وبهمان قرار تمام سال رفتار شد.از آن سال ببعد هرسال قبلا بودجه تفصیلی تنظیم و بتصویب میرسید واین ترتیب ادامه داشت تاوقتی که رضاشاه از کشور ایران خارج شد ودوباره اوضاع بصورت بیست سال قبل درآمد، یعنی بودجهٔ هرماه بطوریکدوازدهم تصویب گردید و این ترتیب تاحال حاضر باقیست

دراسفند ۱۳۰۸ بودجهٔ تفصیلی سال ۱۳۰۹ بمجلس داده شد که طبق آن باستثنای عواید نفت جنوب که همه ساله بحساب ذخیره مملکتی منظور میشد و این امر هم متاسفانه بعد از رضا شاه بهم خورد و عایدات نفت جزو بودجه درآمد مبلغ کل عایدات کشور سی وپنج میلیون وسیصد هزار تومان بود که مخارج مملکتی هم طبق آن موازنه داده شد و حتی کمترخرج میشد تاهیچوقت خرج بردخل غلبه نکند.

سلام درعمارت شمس‌العماره روز خطابه خوانده میشد - سلام های رسمی در عمارت شمس‌العماره منعقد میشدوپس ازانجام سلام مراسم دفیلهٔ قشون درحیاط قصر گلستان انجام می گردیدوسربازان بالباسهای رسمی وزروزیورهای خود که درحیاط نفت مرمر صف میکشیدند ازجلوی شاه که درایوان شمس‌العماره قرارمیگرفت عبور می نمودند، سلام نوروز ۱۳۰۹ بهمین منوال بودوپس ازآنکه طبقات مختلف شرفیاب میشدند و درپایان خطابه عیدنوروز درحضور عموم طبقات خوانده میشد ودفیله قشون معمول میگردید.

ازاین ببعدچگونگی مراسم سلام تغییر یافت وبصورتی درآمد که اکنون هم معمول میگردد با این تفاوت که حالا طبقات جداجدا درتالار موزه شرفیاب میشوند ودراوایل همه طبقات باهم طبق برنامه تشریفات درجاهای معین قرار می گرفتند.

مالیات بردرآمد ومالیات تجار واصناف - اولین دفعه که قانونی برای مالیات بردرآمد وضع شد درنیمه فروردین ۱۳۰۹ بودقبل ازآن وضع عوارض برمصرف کنندگان بود وغیرمستقیم گرفته میشد و تحمیل بر طبقات پائین بود که این موضوع مورد بحث اطلاعات بود وپیوسته توجه اولیای امور رابرفع تحمیل ازطبقات پائین

ولذا مالیاتهای غیرعادلانه جلب می‌نمود .

طبق این قانون قرارشد تجار ازاینقرار مالیات سالیانه بدهند: تاجر درجه‌اول ۲۵۰ تومان درجه دوم ۱۵۰ تومان درجه سوم ۸۰ تومان درجه‌چهارم ۳۰ تومان تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه‌اش بیش‌از شصت‌هزار تومان ودرجه چهارم تابیست هزار تومان باشد .

برای اصناف درجه‌اول سالیانه ۱۰۰ تومان درجه‌دوم ٤۸ تومان درجه‌سوم ۱۸ تومان و صنفی که میزان فروشش درسال از ۵ هزارتومان تجاوزنکند ازپرداخت مالیات معاف گردید .

شرکتهای انتفاعی از ۵ هزار تا ۱۰۰ هزارتومان عایدات خالص‌سالیانه خود صدی ۳ واز صدهزار تومان تا یك‌میلیون‌تومان‌عایدات‌خالص نسبت بمازاد صدی ۳ ونیم از یك میلیون تومان ببالا نسبت بمازاد صدی چهار مالیات خواهند داد .

طبیب وو کیل درجه‌اول درتهران سالیانه ۱۲۰ تومان درایالات وولایات ٦۰ تومان . طبیب‌وو کیل‌درجه دوم‌تهران ٤۸ تومان.ولایات ۲٤ تومان . درجه‌سوم درتهران سالیانه ٦ تومان ولایات ۳ تومان .

ادعانامه مدعی‌العموم دیوان تمیز - مرحوم میرزا رضا خان نائینی پس از آنکه تعقیب نصرت‌الدوله فیروزازمجلس شورای‌ملی بعدلیه احاله گردید و گزارشهای واصله‌را رسیدگی نمود ادعانامه‌ای‌تنظیم کرد که طبق آن تقاضای مجازات شاهزاده فیروز رانمود ونوشت فیروز میرزا وزیرمالیه سابق مطابق‌اظهارات آقای‌حسین آقامهدوی‌فرزندو نماینده‌حاج امین‌الضرب برای اینکه املاك مشارالیه ازطرف وزارت‌مالیه دربرابر بدهی مرحوم امین‌الضرب ببانك ایران توقیف شده‌بوداز توقیف‌خارج شود واشکال‌تراشی نکند بوسیله ارباب علی‌آقاصابر یزدی‌معادل مبلغ‌شانزده هزارتومان رشوه گرفته‌است ازاینقرار.....الی آخر»

محل محاکمه نصرةالدوله در محکمه جنائی با حضور تماشاچی ترتیب داده‌شد وهیئت محکمه مرکب از آقایان زیر بودند :

نیرالملك هدایت . حاج سید نصرالله تقوی‌وجدانی . محمدصادق بروجردی. میرزا طاهر تنکابنی، حاج‌شرف‌الملك محمدرضا ایروانی . اسدالله ممقانی . ابوالقاسم فروهر . مجیدآهی . سلطان‌احمدراد.

مرحوم نصرةالدوله فیروز ، آقایان سیدهاشم‌و کیل و میرزا رضاخان ملکی وحاج‌فطن‌الدوله رابسمت و کیل مدافع‌خود معرفی نمود و روز ۵ اردیبهشت نصرةالدوله طبق اجازه وزارت عدلیه توقیف گردید وروز ۹ اردی‌بهشت محاکمه علنی‌اوشروع گردیدمرحوم‌فیروز گرفتن‌رشوه‌واظهارات‌مهدوی رانهمت وافترا ودسیسه‌وانتریك دانست‌وحسن آقامهدوی حرفهای‌خودرا تاییدنمود ومحاکمه چند روز ادامه‌داشت تامنتهی برای‌شد ، دراین‌محاکمه آقایان‌سیدهاشم‌و کیل‌وملکی‌وخودنصرةالدوله دفاع‌مفصلی کردند که بطورمبسوط‌بیطرفانه دراطلاعات‌منعکس گردید فیروز میرزافیروز ازیك‌قسمت‌اتهامات‌مبری گردیدودرقسمتی که‌درمحکمه ثابت‌شده‌محکوم به‌محرومیت از حقوق‌اجتماعی و چهار ماه حبس‌تادیبی و پرداخت مبلغ ۵۸۰۸ تومان سه‌برابر مبلغ ۱۹۳٦ تومان دریافتی‌بعنوان غرامت گردید

شاه‌لباس وطنی‌پوشیدمرحوم کازرونی‌موردمحبت قرارگرفت- مرحوم کازرونی موسس کارخانه کازرونی اصفهان پیوسته مورد تشویق اعلیحضرت فقید قرار میگرفت . صرف نظر از فرضه ای کــه شاه دستور داد برای کمك بکارخانه وطن‌باو بپردازند برای ترویج‌امتعه وطن‌اعم ازپارچه‌های‌کازرونی وپارچه‌های‌دست باف صنعتگران دیگر کشور دستور میداد- اولین‌دفعه که اعلیحضرت فقید سرتاپای خودرا بالباس‌وطن مزین‌ساخت روزسلام‌تاجگذاری اردی بهشت ۳۰۹ بود که در آن‌روز هم‌شاه وهم‌تمام صاحب‌منصبان ملبوس خود را ازپارچه های‌وطن تهیه کرده‌بودندوهنگام‌سلام‌شاه،مرحوم کازرونی پدرمحمدجعفر کازرونی مدیرفعلی کارخانه‌راموردمحبت قرارداد و گفت می‌بینید لباس‌خودرا ازپارچه وطن‌تهیه کرده وبکلیه صاحب‌منصبان هم‌دستورداده‌ام لباس‌وطن‌بپوشند وبا این‌ترتیب آرزومندم که رفته‌رفته کارخانجات کشور وپارچه‌بافی‌ها رونق یافته و احتیاجات مملکت در خود کشورفراهم گردد . تشویق صنایع داخلی کشور وترغیب مردم باستعمال امتعه‌وطن‌ازمسائلی بود که‌موردتوجه‌روزنامه اطلاعات قرار داشت ودراین‌خصوص دادسخن‌میداد.

مدیر اطلاعات در اولین سفراروپا : فروردین ۳۰۹ آقای مسعودی بــرای اولین دفعــه مسافرتی باروپا نمود مسافرت ایشان نزدیك بچهارماه بطول انجامید وسازمان روزنامه راطوری داده بود که درغیاب‌خود ، روزنامه جریان عادی و طبیعی خود را سیر میکرد واین امرخلاف انتظار ودرکشورمابی‌سابقه بود

زیرا جراید آن روز برای یك اسباب‌کشی و تغییرمحل یا علت کسالت مدیر تعطیل میگردید اماروزنامه اطلاعات از همان ابتداء باوجود مسافرت های مدیرش درنتیجه حسن اداره و تشکیلات وبخصوص صداقت و صمیمیت و علاقمندی کار منداش که همه با احساسات وعشق وعلاقه بسیار باآقای مسعودی همکاری میکردند چه در سفر و چه درحضر جریان منظم خودراطی میکرد وهمه‌روزه عصربامزایای خودانتشار می‌یافت .

آقای مسعودی درهرمسافرت چه درداخله وچه درخارجه خوانندگان روزنامه اطلاعات‌را بانوشتجات خود مشغول میساخت ، مطالب بسیارجالب توجهی که مورد کمال علاقه خوانندگان بود می‌فرستاد، مقالات او از همان مقاله‌ای که بعنوان طلیعه انتشاراطلاعات نوشت پیوسته ساده وسلیس‌وشیرین‌بود، خاطرات روزانهٔ ایشان‌ازمسافرت اروپا درشماره‌های اطلاعات درج وضبط است که پس ازبیست سال‌وقتی امروز آن خاطرات مسافرت خوانده می‌شود بازلذت بخش ویك سلسله مطالب مفید وخواندنی دارد که ملت ایران را متوجه نواقص خود میسازد وراه اصلاح را باقلم مؤثر وساده خود شرح میدهد، ایشان ازموقع حرکت ازبندرپهلوی وعبورازبادکوبه ومسکو و لهستان وبرلن تاپاریس مرتبا شرح مسافرت ومشاهدات خودرا بخوانندگان‌اطلاعات گزارش‌داد. مقالات‌اجتماعی و اخلاقی او ازپاریس بسیارجالب توجه واقع گردید وقسمتهائی ازآن مقالات راجع بنواقص‌شهرداری موردتوجه متصدیان‌شهرقرار گرفت. مسعودی درآن روزنوشت نباید فریب‌ظاهراروپاراخورد، نباید بمادیات‌دنیای‌غرب توجه کرد وزشتی‌های آنرا بکشورسوغات آورد بلکه باید بمعنا وحقیقت اخلاق مردم اروپا واقف گردید وعلل‌ترقیات‌سریع این کشورها را دراخلاق وآداب ورسوم، دراعتقادات مذهبی واستحکام دیانت آنها تجسس کرد واین‌صفات‌پسندیده را ازآن‌ها یاد گرفت وبایران سوغات آورد نه آنچه را که باعث بدبختی و بیچارگی ملت ایران می شود اقتباس و تقلید کرد .

وظیفه ما در زلزله آذربایجان : زلزله شدیدی درنواحی‌خوی وسلماس وساوجبلاغ ومانو و مراغه وچندنقطه‌دیگر آذربایجان چندصدهزارنفر نفوس کشورمارا تهدید میکرد ، عدهٔ‌تلفات دراین‌حدود بدو هزارنفررسید. سیل کمك ازهمه‌طرف حتی ازخارجه بسوی‌برادران وخواهران آذربایجانی سرازیر شد وبار هم اطلاعات‌دراین حادثه دردناك مشارکت‌جست و بانوشتن مقالات مؤثر خود وانعکاس وقایع‌محل، توجه عموم‌مردم را بسوی‌آذربایجان جلب کرد، ستون‌های‌اعانه‌باز کرد ودراولین سرمقاله‌خود بتاریخ ۲۲اردی بهشت۱۳۰۹ بمناسبت حادثه‌مزبور چنین گفت :« بجای‌اینکه مقالات‌دردناك بنویسیم که‌جز ازدیاد اندوه سودی‌ندارد بهتراین‌است اقدامی کنیم که‌درد باقی‌مانده اهالی بدبخت آذربایجان عزیز تسکین یابد . تمام امید آنها متوجه برادران وخواهران خود درهر گوشه کشور است آنها امیدبه حمیت وعطوفت مادارند،همه بایددراین‌راه کمك کنیم‌وزلزله‌زدگان‌آواره بیابانهارا دریك‌قسمت‌وسیع آذربایجان‌حفظ وصیانت نمائیم »

الغاء امتیاز اسکناس : دردنبال یك رشته نشریات درروزنامه اطلاعات بقلم مطلعین در امور اقتصاد واظهارنظرهای سودمند روزنامه درتقویت بانك ملی وحفظ شئون کشور واستقلال‌پولی ایران روز۲٤اردی‌بهشت ۳۰۹ قراردادی دروزارت دارائی بین رئیس‌بانك شاهی ووزیردارائی امضاء گردید که‌طبق ماده اول آن‌حق‌صدور وانتشاراسکناس که تاآنوقت‌بطورحق‌انحصاری‌ازطرف‌دولت ببانك‌شاهی واگذارشده بود الغاء گردیدومقرر شد در مدت معینی پول مجموع اسکناس های صادرهٔ خود را تأدیه نماید ودرانقضای‌مدت پول‌اسکناسهائی که‌برای تبدیل مسترد نشده‌بدولت بپردازد. ازآن‌پس‌حق‌انتشاراسکناس ببانك‌ملی‌ایران‌تفویض گردید و کم کم‌اسکناسهای‌قدیم بر چیده شد واسکناس‌های‌جدید جای‌آنرا گرفت .

آزادی هندوستان هدف ما بود : اطلاعات پیوسته افکار استقلال طلبانه گاندی پیشوای بزرگ هندوستان رامنعکس میساخت ومقالاتی درسال۹ ۳۰ بطرفداری گاندی وبرای نجات هندوستان منتشرشده‌است از جمله مقاله‌ایست که بمناسبت توقیف گاندی‌انتشاریافت ودرشماره ۱۰۳۹ نوشت : گاندی برای نجات وطن خود ازرژیم استعماری قیام نموده وا در خط مشی وتاکتیك اورا باوضعیت کنونی هند تحت‌مطالعه دقیق‌قراردهیم باید اعتراف نمائیم که طریق منحصربفرد و یگانه چاره نجات هندوستان بلکه‌کلیه ممالك شرقی از مطامع استعمار طلبان بریتانیای کبیرهمین بوده‌است که گاندی پیش گرفته یعنی‌انقلاب منفی، بایکوت تجارت انگلستان،ابراز تنفر ازسیاست عمال بریتانیا .

گاندی‌اول میلیونها ثروت وجواهرات خودرا دور ریخت ــ فراك وکراوات را پاره کرد ویك تکه کرباسی وطنی باندام خود پوشانید و بمیوه‌های جنگلی قناعت کرد وبعد به پیروان‌خود توصیه کرد که دست

آقای سفیر پوست‌های تیره احترامات آنهارا منظور دارید، قوانین و نظامات را رعایت کنید اما مواد برای آنها تهیه ننمائید، امتعه آنهارا استعمال نکنید و باین مقاومت منفی ادامه دهید تا استقلال یابید. روزنامه اطلاعات اضافه می‌کند: «نجات شرق منوط بنجات هند است، دستگیری گاندی بر شدت نهضت ملی هند افزوده و کار بجائی کشیده است که اتومبیل های مسلح را بروی اجساد ونعش انقلابیون میرانند و نمی توانند آن را خاموش کنند و بطور قطع دولت بریتانیا با استعمال قوا و اسلحه قادر بخاموش کردن آن نیست و ناگزیر بایستی متوسل بتدابیر عملی و تشبثات مسالمت آمیز شود و بالنتیجه استقلال تام و تمام بملت هند بدهد.»

این بود خلاصه عقاید آن روزها وامروز بعد از بیست سال خوشوقتیم که این آرزوی ملی ما جامهٔ عمل پوشید و هندوستان و پاکستان آزادی یافتند واکنون ما می‌توانیم از مواهب و برکات این آزادی و استقلال همسایگان عزیز خود بهره‌مند شویم.

چرا خانمها از سادگی تقلید نمیکنند: آقای مسعودی در یکی از مقالات اجتماعی خود که از پاریس نوشته در تاریخ سی‌ام اردیبهشت ۱۳۰۹ تحت عنوان تشکیل عائله سادگی مردم پاریس را بخلاف آنچه در بین ما بغلط شهرت پیدا کرده است شرح داده ونتیجه میگیرد که خانمهای ما از شیکی وقشنگی زنهای اروپا ولباس آنها چیزهائی ازدور می‌شنوند وشیفتهٔ آن زیبائی ها شده ازمدجدید تقلید میکنند غافل ازاینکه این تجملات مربوط بعائله ها و خانواده ها نیست، بلکه اختصاص بجمعی زنهای بوالهوس که بیشتر از خارج برای گردش وتفریح بپاریس می‌آیند دارد واگر بنابر تقلید است چرا صفات خوب را تقلید نمی کنند، از ملکات حمیده، محبت‌های فامیلی، عشق و علاقهٔ بزندگی از راه صرفه جوئی و نگاهداری اموال خود و شوهر و توجه بمعلومات وتربیت فرزندان و بالاخره خدا پرستی ومذهب دوستی وراه عبادت وبسوی خدا رفتن وازاین چیزها یاد نمی گیرند — همین تجمل پرستی وتقلید های خنك است که جوانها را درایران از ازدواج گریزان ساخته است، روی همین افکار بتشکیل عائله درایران توجه نمیشود وتربیت فرزند روی اصول غلط انجام می گردد وحال آنکه دنیائی را که من از نزدیك می‌بینم غیراز آنست که قبلا فکر میکردم، دراینجا این جز سادگی و بی تکلفی چیزی نیست، جز صداقت وصمیمیت و محبت نظری افراد بایکدیگر ندارند وسر ترقی وعظمت آنها ازهمین مسائل کوچك شروع میگردد».

معاملات تجارتی ما باشوروی عادلانه نیست: درخصوص مسائل اقتصادی کشور اطلاعات درسرمقاله سوم خرداد ۱۳۰۹ مینویسد: صفحات روزنامه ماشهادت میدهد که ماهمواره مسائل تجارتی واقتصادی را مورد توجه قرارداده ودرهرموقع توجه اولیای اموررا به بهبود اوضاع جلب نموده‌ایم. اکنون موضوع تجارت با همسایه شمالی مورد کمال توجه میباشد. اساس مبادلات ما باشوروی باید وضع متقابل داشته باشد، دولت شوروی درطرز معاملهٔ خود بادنیا بطور عموم ودرشرق بالخصوص رویه‌ای اتخاذ نموده که مشکلاتی برای تجار فراهم آورده و برای تجارت ایران مقرون بصلاح نیست، درشمارهٔ دیگر نوشته شده که درسال ۱۳۰۶ واردات ما از دولت شوروی بیست ویك میلیون تومان بوده وصادرات ما بیست میلیون ولی سال بعد واردات ۲۹ میلیون وصادرات ۱۶ میلیون شده وبازسال بعد صادرات بسیزده میلیون تقلیل یافته وحال آنکه واردات سی میلیون تومان شده — تجارت ما با شوروی آزاد نیست، روی انحصار وبدست دولت است اما تجارت آنها درایران آزاد وهیچ قید و بندی ندارد، همچنین اجناس خودرا هرروز بمیل خود گران میکنند، مثلا کبریت شوروی درموقعی که کارخانه کبریت دایر بود برای رقابت صندوقی ۲۴ قران میفروختند ولی پس از تعطیل کارخانه ۴۶ قران کردند واگر موجودی کبریت داخلی تمام شود ممکن است بصندوقی ده تومان برسانند

تظاهرات وطن‌پرستی: خلاصه این مکتوب آقای مسعودی از پاریس هم که در شماره ۱۰۵۷ چاپ شده شایان دقت است او مینویسد:

«ملت قدرشناس فرانسه خدمات ژاندارك دختر ۱۹ ساله‌را فراموش نکرده و نخواهد کرد، من ناظر نمایشات وتظاهرات مردم پاریس بمناسبت روز اعدام ژاندارك که درراه حفظ استقلال وطن جان سپرده بودم، اما خیال نکنید که مردم پاریس این روز را عزاداری میکنند بلکه جشن می گیرند وسر در وادی آنها دراینجا دقیقه دسته‌جات مردم است که باموزیك ازبرابر مجسمه ژاندارك میگذرند، همچنین نثار تاج های گلی است که دوساعت بعد ازشروع دقیقه مجسمهٔ ژاندارك که سوار براسبی از برنز ریخته شده دربین دسته‌های گل مخفی گردید، ملت فرانسه ژاندارك را دوست دارد

زیرا اورا دولت کامل وطن پرستی و شجاعت میداند دربین دستجات مرد و زن چه بسیار مردهای سالخورده و بسیاری زنهای پیر پیدا میشدند که برحمت از برابر مجسمه ژاندارك با نگاه های محبت آمیز میگذشتند چه بسیار مجروحین و کسانی که فاقد دست و پا بودند دو پیشاپیش جمعیت حرکت میکردند وسیل مردم دراطراف خیابانها برای قدردانی آنها کف میزدند دستجات زنها مهمتر و بهتر بود، هریك بیرقهای کوچکی در دست داشتند وزنان ورزشکار پیشاهنك لباس یك شکل پوشیده بودند. از صبح تا ظهر صدها هزار نفر مردم پاریس زن ومرد و محصل با نظم و ترتیب از برابر مجسمه ژاندارك گذشته و خاطره فراموش نشدنی درمن باقی گذاشتند»

کنفرانس مرحوم فروغی در پاریس : در شماره ۱۲ خرداد ۱۳۰۹ متن سخنرانی مرحوم فروغی (ذکاءالملك) که برای محصلین اعزامی در پاریس ایراد نموده بود چاپ شده که بعضی قسمت های آن در اینجا یاد آور میشود :

بعقیده من خدمتی که مسلماً و بی‌شبهه امروز میتوان بمملکت ما کرد نسبت بمعارف است چه سعادت و ترقی و آبادی و شرف و شوکت مملکت میسر نمیشود مگر اینکه ملت عاقل و فهیم باشد هر یك از شما در موارد عدیده بخاطر دارید اشخاص را که با جد و جهد برای فرزندان خود مال و ثروت فراوان در عوض تعلیم و تربیت فراهم کردند و رفتند ولی فرزندانشان پس از گذشتهائی پس از مرگ پدر و آن همه میراث دو چار شدند و شیخ بزرگوار ما سعدی شیرازی این معنی را ببهترین عبارت ادا فرموده که میگوید :

وقتی افتاد فتنه‌ای در شام		هر یك از گوشه‌ای فرا رفتند
پسران وزیر بی دانش		بگدائی بروستا رفتند
روستا زادگان دانشمند		بوزیری پادشاه رفتند.

بعد از جنگ بین‌المللی در مملکت خودمان بچشم دیدم که در بازارها طلا فراوان‌تر از نقره و اسکناس در دست مردم بود اما چون ملت ایران استعداد نداشت که آن وجوه را بکار اندازد و استفاده برد چیزی نگذشت که همه آن طلاها از ایران بیرون رفت و اگر هم بدون معرفت و بی‌ماند ثمر نداشت، چه شیخ اجل شیراز در کتاب بی‌نظیر بوستان حکایتی نقل می‌کند که منتهی باین دو شعر میشود :

«زر از سنگ خارا برون آورند		که با دوستان و عزیزان خورند»
«زر اندر کف مرد دنیا پرست		هنوز ای برادر بسنگ اندر است»

تربیت کودکان : تل‌های کوچك خاك نرمی که درباغهای قشنگ، گوشه و کنار جنگلها، تفرجگاه‌های عمومی پاریس ریخته شده برای تربیت همان صنعتگران و مخترعینی است که نسل این مملکت را تشکیل میدهند. این خاکهائی است که اداره بلدیه پاریس در گوشه و کنار باغهای عمومی می‌ریزد برای اینکه اطفال بازی کنند.

میخواهم بفهمیم نظر اهالی از هموطنان ما صائب‌تر است که اطفال را از خاك بازی منع میدارند و آنرا کار زشتی میدانند یا نظر اینها که بچه را طبق میل طبیعی خود بخاکبازی وامیدارند، در اینجا طفل را از کودکی از زمانی که بحرف و براه می‌افتد تحت توجه قرار میدهند، با او حرف میزنند، بسئوالات و پرسشهای بچه پاسخ میدهند همینکه بزرگ شد اورا در موزه‌ها گردش میدهند، همه چیز را باو نشان میدهند، آثار تاریخی کشور خودرا برای بیدار کردن احساسات ملی و وطنی طفل مفصل توضیح میدهند، خرافات و اوهام را از مغز بچه دور میسازند و بالاخره در اینجا متوجه این نکته هستند که مرحله تربیت طفل در دامان مادر مهمترین مرحله تربیت نسل میباشد و متاسفانه این نکات در کشور ما هنوز رعایت نمیشود و مردم بچگونگی تربیت بچه آشنا نیستند و بدان وقع و اهمیت نمیگذارند.
«برای مقاله ببر اطلاعات از شماره ۲۴ خرداد ۱۳۰۹»

اطلاعات در سال پنجم : بمناسبت آغاز پنجمین سال اینطور نوشت ما خوشوقتیم که با تحمل زحمات و خستگیهای روحی و جسمی در برابر خوانندگان عزیز و وجدان خویش منفعل نیستیم زیرا با روح وطن‌شناسی بخصوصیت خدمات خود را ادامه داده و میدهیم و در هیچ لحظه مصالح وطن و خیر مملکت و عزت هموطنان را از نظر دور نداشته ایم در اکثر ممالك اروپائی و امریکائی غالباً جرائدی می‌بینیم که لااقل بیست سال و سی سال دوام کرده اند ولی در مملکت ما که هنوز بآن پایهٔ رشد نرسیده است دوام جرائد منظم و مرتب باین پایه عجیب بنظر می‌آید ولی درهر حال چهار سال دوام و استقامت، چهار سال انتشار منظم خود کار آسانی نیست و اشخاصیکه از روی نظر انصاف جریده نگاران میباشند میدانند که انجام این کار چقدر صعب و چقدر خسته کننده و چقدر دقیق است. ما امیدواریم روزی برسد که بتوانیم بیست و پنجمین و پنجاهمین سال انتشار خودرا اعلام کنیم.

غرفه ایران در نمایشگاه آنورس: در ماه ژوئن سال ۱۹۳۰ نمایشگاه بزرگ بین‌المللی در شهر آنورس (بلژیک) افتتاح یافت. دولت ایران هم شرکت نمود ودر آن موقع آقای علی‌اکبر بهمن وزیرمختار ایران دربروکسل بود و بنا بدعوت ایشان آقای عباس مسعودی که هنوزدراروپا بسر میبرد درمراسم افتتاح غرفه ایران شرکت نمود.

غرفه ایران ازروی یکی‌از مساجد زیبای اصفهان ساخته شده بود گنبد زیبای فیروزه رنگ و گلدسته‌های بلند آن دربین غرفه سایر ملل جلب توجه می نمود مرحوم حاج امین‌الضرب رئیس اطاق تجارت تهران نیز در آئین افتتاح حضور داشت مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی که آنموقع در بلژیک اقامت داشت نیز درمراسم افتتاح که ازطرف پادشاه فقید بلژیک انجام پذیرفت شرکت داشت. غرفه ایران باقالی و قالیچه‌های نفیس، ظروف عتیقه ومینیاتورهای عالی، قلمکار وپرده‌های ظریف وصنایع دستی ایران همچنین نمونه‌هائی از خشکبار ومواد صادراتی زینت‌داده‌شده‌بوددرآن روز شرکت درنمایشگاههای بین‌المللی فوق‌العاده استقبال میشدو باین‌وسیله ایران معرفی میگردید وبازارهائی برای فروش امتعه ایران که دچار مشکلات تجارت باروسیه شده بودباز میگردید.

درسندیکای روزنامه نویسان: برای شناسائی روزنامه نویسان عالم سندیکای روزنامه نویسان‌در پاریس‌درمواردلزوم ضیافت‌هائی‌تشکیل میدهد دریکی‌ازاین‌ضیافت‌ها که‌مصادف بامسافرت مدیر اطلاعات‌درپاریس بود ایشان را نیز دعوت کردند تا مراسم آشنائی با روز نامه نگاران بعمل آید، علت دعوت هم عضویت آقای‌دکترعلی‌امینی وزیر کنونی اقتصادملی درسندیکای روزنامه نویسان پاریس بود،آقای‌دکتر امینی درآنموقع سمت‌خبرنگاری‌روزنامه‌اطلاعات‌رادرپاریس‌داشتندودرنتیجه جدیت‌خویش‌موفق‌شده‌بودندموقعیت‌شایسته‌ای‌بین‌نمایندگان جراید و خبرنگاران خارجی مقیم‌پاریس‌پیداکنند.درآن جلسه آقای دکترامینی‌نطقی دایربمعرفی ایران وروزنامه اطلاعات نمودند که‌مورد استقبال واقع شدوبیش ازصدوپنجاه نفر خبرنگار وروزنامه نویس فرانسوی وکشورهای مختلف عالم‌درجلسه حضور داشتند

آقای مسعودی درضمن گزارشی که دراین موضوع بروزنامه داده و در شماره ۱۹ تیر ۳۰۹ انتشار یافته است مقاله خود را بزندگی عاری ازتکلف خارجی‌ها کشانیده ومینویسد میل‌طبیعی خارجیان بسادگی است ومردم اروپا بسرعت رو بزندگی عاری ازقید وتکلف میروند - درانگلستان که مردم غرق اشرافیت وتکلف هستند و پوشیدن لباس فراك یایقه‌آهاری حتی درتابستان برای نشستن سرمیزشام آنهم در خانه خود نزد زن و فرزند اجباری است میروند کم کم این قیود را دور بریزند و ازاین رنج وزحمت خود را خارج کنند، اما در پاریس مردم باین تکلفات تاحدی پشت‌پا زده اند ودوست دارند از جاروجنجال و زندگی پراز هیاهوی شهرها دورشده درصحرا در کوهستانها زندگی ساده روستائی داشته وشهر را باقیود وتکلفاتش ترك کنند.

مکتوب مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی: مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی از فضلا و دانشمندان و رجال معارف‌خواه کشور بشمار میرود که سراسر زندگیش وقف خدمت بخلق ازراه فرهنگ بوده است فقید سعید هنگام‌اقامت‌دربروکسل نامه‌ای بآقای مسعودی که آنموقع پاریس بوده اند مینویسند که در شماره ۲۸ تیرماه ۳۰۹ بطبع رسیده از اینقرار:

«بعدالعنوان.... خط شریف ازپاریس رسید موجب مسرت گردید انشاءالله همه وقت بخدمات ملی و وطنی موفق بوده باشید، نوشته اید که فراغت هائی‌را که برای این جانب میسور نموده‌اید مغتنم شمرده بنشر معارف و روشن نمودن خاطر هموطنان عزیز بکوشم. این خود آرزوی قلبی‌من است که صفحات کتاب‌آخر عمرم درخدمت معارف مملکت از اوراق اولیه اش روشن تر باشد،

بدیهی است معارف پایه ومایهٔ هرچیز است والبته معارفی پایه ومایه است که خود بواسطه فقدان‌اصول متقن بی‌پایه ومایه نبوده باشد. مشاهده میکنیم مدت هشتاد سال قدم در میدان تعلیم و تربیت نهادن واین همه فداکاری در سال‌های آخر در راه معارف کردن هنوز نتیجه بمعلم ومعلمه نداده است که بتوانند بتمام معنی دارای این عنوان بوده باشند مگر از همان محصلینی که اخیرا بهمت دولت اعلیحضرت پهلوی بارعایت شرایط بخارج فرستاده شده‌اند اشخاصی درآینده که درس دستگاهان خودراادا کرده علاقمندان بحسن‌جریان امور معارفی رابه‌آرزوی خود برسانند

بهرحال، اکنون که دست روزگار در این وقت از عمر، بازمرا از وطن دور افکنده و سروکارم بیشتر با معارفیان است البته آنچه از دستم برآید در خدمت بحوزهٔ معارف وطن کوتاهی نخواهم کرد خصوصاً که اکنون درمملکتی هستم که درکار معارف باممالک بزرگ همسری بلکه دعوی برتری دارد .

سپس مرحوم دولت‌آبادی نقائص و نقاط ضعف معارف را بطرز مؤثری تشریح نموده که نقل تمام مکنون ستون را خواهد گرفت بخصوص از انحطاط اخلاقی صحبت نموده ومینویسد « کریه این انحطاط اخلاقی درجامعهٔ مادرست استشمام نمیشود بواسطه پربودن دماغها است چنانچه هر کس از خارج وارد ویا از داخل خارج میگردد احساس می‌نماید دراین صورت اهم وظایف دانشمندان مملکت این است که در اطراف این موضوع مهم یعنی مسئله اشتداد مرض فساد اخلاق درجامعه مبارزه کنند وبا استعمال ضدعفونی‌های سریع‌الاثر حکمت های عملی که سرآمد آنها بعقیده نگارنده بکار واداشتن بیکاران وجلوگیری از توسعه فقروفاقه است از اشتداد این مرض مهلک بکاهند واز هرکار مهمتر فکر اساسی کردن برای تربیت نوباوکان معصوم است که ذاتاً از این مرض مبرا ودرمعاشرت با خانواده‌ها واطرافیان مبتلا میگردند والبته راهش تاسیس کودکستان‌ها وپرورشگاهها ومدرسه‌های شبانه روزی است درتحت نظر معلمین ومعلمات ومربی ومربیه‌های خوب انتخاب شده ازملت‌های خوش‌اخلاق که سرمشق علم و تربیت ومتخصص درفنون تربیت‌های عملی هستند تانورسان معصوم ما پس ازچند سال اقامت دراین گونه دارالتربیه‌ها ودوربودن از محیط فاسد، استقلال فکری حاصل کرده دیگر درخلط غالب مستحیل نگردند که اگر باین کار اقدام نکنیم وازاین راه خط فاصلی مابین صالح وفاسد باصلاح وفساد نکشیم هر کس قدم بعرصه وجود بگذارد طولی نمیکشد که همرنگ جماعت میگردد وهر تحصیلی هم که بنماید چون بنای آن تحصیل بروی شالوده محکم حسن اخلاق گذارده نشده بجای سود زیان‌آور است ... الی آخر »

نتیجه دویست سیصد سال غفلت وبیکاری : درسرمقاله ۵ مرداد ۱۳۰۹ آقای مسعودی ازجمع آوری اعانه برای آسیب‌دیدگان زلزله سلماس درپاریس که خود ایشان نیز شرکت نموده ودر تشکیل مجمع وجلسه ایرانیان همکاری نموده وبالنتیجه مبالغی توسط آقای علاء وزیرمختار ایران برای درماندگان بشیرو خورشید سرخ فرستاده شد تقدیر نموده ونام کسانی که کمک کرده‌اند ذکر نموده که ازجمله دربین آن اسامی نام آقا خان محلاتی، مرحوم حاج امین‌الضرب، مرحوم سپهدار رشتی، مرحوم خوشتاریا، آقای امیرنظام، وزیرخارجه فرانسه وچندین سفیر ووزیرمختار خارجی دیده میشود. مدیر اطلاعات تشکیل جلسه وجمع‌آوری وجوه اعانه را درپاریس نتیجه فکر خوب توأم باسعی وعمل دانسته واضافه میکند که « درحس همکاری وجدیت درانجام کار نبود هرگز چنین شب نشینی بوجود نمی‌آمد تاتوان ازاین راه دور کمکی بهموطنان عزیز نمود باید مسامحه وتعلل را دورانداخت وزندگی باری بهرجهت را کنار گذاشت تابتر مباتی که دنیانائل شده است موفق شویم.

من قبل از مسافرت خود باروپا، خیال میکردم این مردم خلقت دیگری هستند وشاید درنظر خود امتیاز مخصوص برای آنها قائل بودم ولی وقتی ازنزدیک آنهارا دیدم متوجه شدم که هیچ تفوق وامتیازی ندارند وهیچ چیزی را ما درخلقت ازآنها کسر نداریم فقط یک تفاوت بین ما وآنها وجوددارد که آنها ازدویست سیصد سال قبل فهمیده‌اند که ترقی هرملت درسایه سعی وعمل افراد است ودرنتیجه کار راپیشه خود قرارداده وزحمت کشیده‌اند وفعالیت بخرج داده‌اند وباین پایه ازتمدن رسیده‌اند وما بدبختانه درخواب خرگوشی فرورفته، تنبلی را شعار خود ساخته ونتیجه غفلت دویست سیصد ساله ملت ایران این تفاوت فاحش امروز را بوجود آورده است که امروز نشسته ایم وصنایع واختراعات دیگران را تماشا می‌کنیم وازآنها استفاده می‌بریم وافسوس می‌خوریم که ماچه کاره‌ایم وچه می‌کنیم وچه خدمتی بخود وعالم بشریت انجام داده ومیدهیم »

واقعه اسف‌آور قتل فرزند آیةالله اصفهانی : "شب یکشنبه ۱۶ صفر ۱۳۴۹ درصحن نجف اشرف مردم تمام صف بسته ودرعقب حضرت آیةالله آقاسیدابوالحسن اصفهانی مشغول ادای فریضه جماعت بودند وشیخ علی نامی هم در جزو اشخاص مشغول انجام فریضه وبارکوع وسجود کنندگان بر کوع وسجود اشتغال داشت. پس از خاتمه نماز مغرب شیخ علی مزبور ازمحل نماز خود بطرف آقاسیدحسن فرزند بزرگ آیةالله آقاسیدابوالحسن اصفهانی رفته سراورا بادست چپ گرفته وباکارد تیزی که دردست راست داشته سه دفعه بحلقوم او کشیده گلو وشرائین اورا قطع میکند وپس ازآن بطرف اشخاصی که بطرف او می‌آمدند حمله برده ودرمیان جنجال وازدحام مردم خودرا جلوی صحن مطهر میرساند که درآنجا دستگیر وتنظیه برده میشود. آقاسیدحسن فرزند آیةالله چند دقیقه بعد دارفانی را وداع میکند و همینکه خبر فوت در نجف

منتشر می‌شود صدای ضجه و شیون از تمام خانه‌های نجف بلند میشود و چنین شب پرمصیبتی در نجف دیده نشده بود .
روزنامه اطلاعات درتعقیب انتشاراخبارمربوط باین جنایت عظیم که درعالم اسلام تأثیرعجیبی بخشید مراتب تاثر وتاسف عموم مسلمانان‌را ابراز داشته و احساسات تسلیت‌آمیز خودرا حضور محترم آیة‌الله اصفهانی تقدیم نموده است " .

لوله کشی آب : موضوع لوله کشی آب درتهران وسایر شهرهای ایران پیوسته موضوع مقالات روزنامه اطلاعات قراری گرفته است ولی با کمال تاسف بدان توجه نمیشد واین موضوع‌مهم حیاتی بدست فراموشی سپرده شده،مهمترین مقالاتی که دراین باره بچاپ رسیده ، مقالاتی است بقلم آقای مسعودی از پاریس کـه درچند شماره مفصل از لوله کشی ومجاری فاضل‌آب پاریس واهمیت آن در صحت وتندرستی و نظافت شهر پاریس بحث نموده و توجه اولیای امور وبخصوص مسئولین شهرداری‌را جلب نموده است که هرچه زودتروقبل از ساختمان خیابانها امر لوله کشی ومجاری‌آب را درست کنند .

ازجمله درشماره های نهم ودهم مرداد ۳۰۹ مینویسد: دنیای امروز قبل ازهرچیز متوجـه حفظ صحت و سلامت مردم میباشد و دراین باب کوشش بسیار دارند ، امروز حتی‌در دوره دهات فرانسه هم‌آب لوله میخورند وما در پایتخت خود لوله کشی نداریم ، پاریس را روزی دوبار میشویند و اگر لوله کشی آب نبود و راههای آب زیرزمینی (اگو) وجود نداشت در مدت چند روز کثافت این شهر را پـرمیکرد و امراض مختلف شیوع مییافت وچند میلیون نفوس درمعرض خطرقرار میگرفت ، کارخوب ، فکربکر، ترقـی وپیشرفت وهمه چیز در مزاج سالم و روح قوی پیدا میشود واین معنا را دنیای امروزبخوبی درك کرده است.

آقای مسعودی درخلال این مقاله مینویسد:چندی قبل دریکی از محلات شهرپاریس مرض مختصری‌بین اطفال پیدا شدکه سبب تلف شدن چند طفل گردید . بعضی ازاطباء شیوع مرض را از وجود میکروب در آب دانستند برعلیه مؤسسه آب وشهرداری عرضحال داده شد وبالاخره پس‌از چند جلسه محاکمه شهرداری پاریس محکوم بپرداخت چند میلیون فرانك غرامت گردید ولی درکشور ما بچه ها در میکروب غوطه‌ورند ومثل برك درخت میریزند وکسی‌درفکر حمایت آنها نیست . وباز مینویسد چندروزپیش یکی‌ازجرایدپاریس‌نوشت‌که در خارج شهر پاریس گودال کوچکی پیدا شده که آب باران درآنجا جمع می‌شود وچند پشه درآن حوالی دیده شده که حدس میزنند مربوط باین گودال است،اگرکسی درآن حوالی‌مریض شودمسئول بلدیه‌است و بلدیه باید غرامت بدهد، فوراگودال مزبورپرشد وازپرورش احتمالی پشه‌ممانعت گردید.

تعاون وهمکاری لازم است : درمقاله دیگرآقای مسعودی از پاریس ۱۲مرداد مینویسد کار های بزرگی که دراینجا(پاریس) صورت میگیرد‌ممکن است اثرفکریکنفرباشد اما انجام آن بدست جماعت و باکمك مالی‌وهمت جمع‌میسر می گردد .

اگرچه بلدیه تهران مشغول مطالعاتی دراین باره شده اما اگر میخواهند این موضوع حیاتی نتیجه بخش گردد باید تسهیلاتی فراهم آورند که اینکار مهم حیاتی بدست شرکتهای ملی صورت بگیرد همانطور که شهرپاریس باآن عظمتش انجام لوله کشی رابشرکتهای داخلی باشرایط خاصی واگذار کرده است . دراین موقع که انجمن های بلدی در تمام شهرهای ایران انتخاب شده ویا در شرف انتخاب است بایـد اولین هدف خود را درتمام‌کشور لوله کشی آب قرار دهند و این موضوع را سرلوحه کار و مشی و مرام خویش بدانند
انجمن بلدی تهران حقاوظیفه‌دار انجام این‌امراست. کمپانی‌های لوله کشی آب از خارجه بایران آمده‌اند وچند پروژه داده‌اند آنهارا مطالعه کنند وهر کدام مقرون بصلاح وصرفه‌است زودترتصمیم بگیرند واینکار مفید راشروع نمایند.

باوجود بودجه گزافی که بلدیه پاریس وبرلن‌داردوباوجودعایدات زیادی که‌میگیرندمعهذا هروقت بکارمهمی دست میزنندمجبورند بکمپانی‌های داخلی وخارجی‌مراجعه کنند وتحت شرایطی‌بآنها واگذارنمایند که خودشان‌پول بریزندوخودشان بسازند و اداره کنند، ماچرا اینکار رانمیکنیم.
یکی‌ازمسائلی که بلدیه‌پاریس تحت مراقبت داردکارهائی‌است مربوط بنظافت عمومی مثلا برای اجناسی ازقبیل صابون ، عطر، ادوکلن وغیره تخفیفاتی درعوارض بلدی‌قائل‌شده‌اند که این اشیاء نسبت بسایرچیزهاارزان‌ترباشد تا بیشتردردسترس عموم قرارگیرد ومردم‌نظیف‌وپاکیزه وتندرست‌باشند

همینطور بلدیه پاریس درتمام محلات شهر حمام هائی دایر نموده که باقیمت دهشاهی مردمی که درخانه
ندارند بتوانند هرهفته چند روزخودرا شستشودهند .
ما چه میگوئیم و آنها چه میکنند ؟ ما هنوزلوله کشی آب نداریم .

***

امروزبیست سال از تاریخ آن مقالات مفید میگذرد وباز هم لوله کشی آب نداریم وهنوزاندر خم یك کوچه ایم ! ؟ .

میدانهای شهر چگونه است ؟ – دربیست محله شهرپاریس تقریباً هریك روز درمیان بازار یامیدان محلی دایر میشود که درآن تمام آذوقه و احتیاجات زندگی مردم باقیمت ارزانتر از مغازه هـا عرضه میشود و خانه‌دارها مایحتاج خودرا درآنجا تدارك میکنند ، تشکیل این میدانها خیلی ساده و از میله های آهنی و سلف های موقت برزنت ومیزها و دولابچه های دستی بوجود می‌آید که مامورین بلدی این‌کار باضافه نظافت آنرا برعهده دارند و فروشندگان متاع درساعت معین‌امتعه خود را باینجا منتقل کرده‌مشغول فروش میشوند واین کسبه و دکانداران اغلب ساکنین دهات وقصبات اطراف شهرهستند که محصول خود را برای فروش بدون واسطه باین میادین می‌آورند وباکمال راحتی وآسایش در اختیار مردم میگذارند وباین ترتیب موجبات رفاه زندگی فروشنده ومصرف کننده هردو فراهم‌است .

آقای مسعودی دریادداشت پاریس خود ۱۸مرداد ۳۰۹ علاوه میکنند که مادر تهـران یك چیزی شبیه بمیدانهای اینجا داریم وآن میدان امین‌السلطان است که اولا تکمیل نیست زیرا فقط سبزی ومیوه میفروشند حال اینکه درمیدانهای این جا همه چیز در اختیارمصرف کننده گذاشته میشود حتی‌اشیاءخرازی ودرهیچ میدانی نیست که چند دکه‌مخصوص فروش‌گل وجود نداشته باشد .

بعلاوه میدان‌امین‌السلطان به تنهائی‌کافی‌نیست میدان محمدیه هم اختصاص بهیزم ومواد سوختنی دارد باید این میدان ها توسعه داده شود ودرتمام محلات شهر چنین میدانهائی بوجودآید وهمه‌قبیل احتیاجات‌مردم رادربر دارد تامیدان رقابت پیدا شود ومایحتاج مردم باقیمت ارزان بدون واسطه دردسترس مردم قرار گیرد علاوه تولید کنندگان بتوانند متاع خودرا دراین بازارها عرضه کنند وهرطرف این‌کاررا حساب کند نفع با عموم است و از آن استفاده‌خواهند کرد .

این‌کاررا انجمن بلدی بخوبی میتواند انجام دهد وموجبات آنرا فراهم‌آورد وهیـچ کارمشکلی نیست در بعضی شهرهای ایران‌بخصوص‌شمال از قدیم‌بنام جمعه بازار وشنبه‌بازارمیدانهائی‌دائر بوده وحالاهم‌هست‌وبلدیه تهران باکمال سهولت میتواند بتشکیل این‌گونه میدان ها درنقاط مختلف شهراقدام نماید وراحتی مردم‌را فراهم‌آورد و از تعدی واجحاف کسبه وفروشندگان باینوسیله جلو گیری نماید .

ازآن صفحه‌ای که‌مقاله مبسوطی دراین‌خصوص چاپ شده درست بیست سال میگذرد واینگونه مطالب بارها دراطلاعات تکرار شده وتوجه‌شهرداری بتاسیس‌میدان‌های‌بارفروشی‌جلب گردیده متاسفانه هنوز کوچکترین قدم دراین‌باره برداشته نشده است‌ومیدان‌های شهریکمیلیونی‌تهران همان‌یکی دومیدان سابق‌محدود ومنحصر است و هرچند یکبار داد وقالی‌راه میافتد وجنجال‌برپا میشود وبازنتیجه همان‌است که‌بود،مائیم و میدان‌امین‌السلطان برای اینکه حسن‌نیت در کار وجود ندارد درصدد‌نیستند میدان های دیگری دائر کنند ، میخواهند یك میدان را تعطیل کنند تا میدان‌دیگر دائرشود نتیجه‌اش‌ایجاد زدوخورد بین‌اشخاص ذی‌نفع میگردد وباز میدان‌جدیدی ایجاد نمیشود وحال‌آنکه اگرشهرداری‌متوجه شود که با دائر کردن‌وعلاوه نمودن‌میدان‌ها درنقاط مختلف شهرو جلو دروازه های‌خارج‌شهر دامنه‌رقابت‌را زیاد کند ، وسائل‌آوردن‌و فروش‌هر گونه متاعی را ازدست‌اول تولید کننده بدست فروشنده فراهم‌آورد و دخالت‌مستقیم‌مأمورین‌خودرا هم بردارد همه‌راحت خواهند شد ، هم تولید کننده تشویق میشود هم اجحاف‌و دلال بازی‌و سوء استفاده هائی که اکنون میشود موقوف میگردد وهم‌هزینه زندگی مردم پائین‌میآید

اختلاف اخلاقی انگلیسها و سایر ملل : اهالی لندن‌یعنی تربیت‌شدگان نژاد انگلوساکسن معتقدند که هرچیز کهنه وقدیم‌را باید‌ار دست‌داد مگر احتیاج‌مبرمی تغییر آنرا الزام نماید . همیشه سعی‌دارند قوانین‌ومقررات قدیم، ازعادات و رسوم سابق ، ازبناهای کهنه وبالاخره ازهرچیزیکه‌از قدیم دارند نگاهداری کنند صنایع‌و اختراعات‌جدید دراین‌مملکت‌خیلی بکندی نفوذ و رسوخ میباید ، هیچ عاملی نمیتواند درافکار

و اخلاق دیرینه این ملت بخاصر رخنه و خللی وارد سازد.

سپس آقای مسعودی در همین مقاله (شماره ۱۱۱۰) از لندن مینویسد :

با وجود تعصبی که برای عدم قبول اختراعات تازه دارند نمیتوانند از تمدن جدید بخصوص در کار های برق دست بردارند و آنرا نادیده انگارند. تمام ساختمانهای جدید لندن مجهز با تمام ادوات امروزی است و حفظ عادات و رسوم کهنه بیشتر نزد خانواده ها و در بناهای قدیمی است که همچنان آنرا حفظ میکنند.

انگلیسها نه فقط با معاشرت خارجیها خونسرد هستند بلکه خودشان هم در معاشرت سرد میباشند و گرمی شرق در سایر ملل بخصوص انگلیسها وجود ندارد. اهل تظاهر و تعریف نیستند، صدها هزار لیره اعانه برای تاسیس فلان مریضخانه یا مؤسسه خیریه میدهند بدون اینکه خودرا معرفی کنند، ماهی نمیگذرد که چندنفر لردطلب خودرا بدولت نبخشد اما بدون معرفی خود فقط با ذکر نمره. چندی قبل یکی از لردها با امضاء مرموز چهارصد هزار لیره اعانه برای مریضخانه‌ای داده بود یکی از جراید آنقدر موضوع را تعقیب کرد تا صاحب اعانه را پیدا کرد و در روزنامه اعلام نمود لکن اعانه دهنده روزنامه نویس را تعقیب و اعتراض نمود و از او بازخواست کرد. خلاصه اینکه مردم انگلستان در هر کار عمومی یا خصوصی خود کیفیت را در نظر می گیرند و از تظاهر گریزان میباشند

بعد از ساعت ۱۰ وسایل نقلیه برچیده میشود. زندگی بعد از نصف شب که در پاریس شروع میشود در لندن محال میگردد، استعمال مشروب در همه جا بعد از ساعت ۱۱ شب قدغن است و برای یك انگلیسی همینکه گفتند فلان چیز قدغن یا موقوف شده کافی است که خودش مجری آن دستور و امریه باشد. دیگر لازم نیست مامورینی برای تفتیش و نظارت گمارده شوند

یك عصر جمعه در قلهك : خیابان زرگنده تفرجگاه مردم تهران شده بود. نویسنده‌ای در اطلاعات بتاریخ ۲۸ مرداد ۳۰۹ مینویسد : «ساعت ۹ ونیم بعدازظهر رفته رفته چهار طرف میدان ایستگاه قلهك از اتومبیل های شخصی خالی میشد وچراغهای کافه ها و مغز بادام فروش و گردوفروش ها بقدر کفایت روشنائی میداد، اتومبیل ها در جاده ناهموار زرگنده گردوخاکی راه میانداخت. منهم مثل سایر مردم چندبار حمله بایستگاه بردم که شاید جائی در اتوبوس پیدا کنم وبشهر بر گردم ولی جمعیت وازدحام مرا بقهقرا برد و برای دور شدن از بوی بنزین و دود ذغال سماورقهوه خانها و مخصوصا منقل پرودبلال فروش میدان ایستگاه بتخته سنگی نزدیك رودخانه مقابل کافه زربلانش پناه آوردم وباخود فکر میکردم که آنچه درممالك دیگر اسباب راحتی وآسایش است در مملکت ما موجب زحمت و ناراحتی است چرا مردم این خیابان پست وبلند زرگنده که آب پاشی هم نمیشود برای تفرج انتخاب کرده‌اند وبرای چه دراین روز پرجمعیت عبورواتومبیل‌ها را ازاین خیابان باریك که برای پرداذن ازوسط جمعیت عبورمیکنند قدغن نمی نمایند، این ماشین‌های تق‌ولق باری فورد و شورلت که روی آن اطاق زده‌اند با این شوفورهای بی فضیلت و شاگردهای کثیف چیست چرا کسی در فکر این معایب نیست، همینطور که دراین فکرها غوطه وربودم یکمرتبه کسی تنهٔ محکمی بمن زد که نزدیك بود هم خودش و هم من از بالای سنك بوسط دره پرت شویم، معلوم شد اوهم بیکارهٔ بی تکلیفی مثل من است که آمده روی این سنك بنشیند و تفریح کند، وقتی تنهٔ محکم رازد که نزدیك بود معلق شویم بلافاصله گفت معذرت میخواهم! بخود آمدم و دیدم ساعت ۱۰ ونیم است بایستگاه نزدیك شدم کمی خلوت شده بود ودراین بین اتوبوس لیلاند آمد و خودی بآن انداختم ومحتاج بتوضیح نیست که این عالیجناب باهمان طمانینه ووقار متجاوزاز نیمساعت طول کشید تا ازقلهك بدروازه تهران رسید واین متانت لیلاند فرصتی بمسافرین خود میداد که همان عبارات خارج از نزاکت رابگویند وحرف های خنك راتکرار کنند. این بود گردش عصر جمعه مادرخیابان زرگنده !

انجمن های بلدی وعوارض نفت و بنزین : در خصوص اهمیت انجمن های بلدی مقالات بسیار در اطلاعات چاپ شده بخصوص نگارشات آقای مسعودی در این موضوع جلب توجه میکند، ایشان در بازگشت از سفر اول اروپا مقالات اجتماعی واصلاحی خود را همچنان دنبال نمود در شماره دوم شهریور ۳۰۹ نوشت. انجمن بلدی یعنی مرکز ایجاد وسایل آسایش ساکنین شهر، مظهر تمدن شهر، عامل حفظ عظمت وآثار شهر، انجمن بلدی بهترین مشخص وضع عوارض است چه انجمن مزبور برگزیدهٔ ساکنین شهر وآشنا بروحیات و افکار شهر نشینان و بصیر در درجه ثروت و اوضاع اقتصادی بلد است. یك نظر بانجمن‌های بلدی ممالك دنیا بیاندازیم — در برلن مانند سایر شهرهای بزرك انجمن سعی خود را در وضع مالیات بر اشیاء غیر ضروری و آنهائی که اصطکاك با زندگی طبقه سوم ندارد میگذارد اهتمام دارند بهترین وسهلترین وسایل رابرای تامین

ضروریات مردم آماده سازند. برلن ازحیث نظافت و پاکیزگی و داشتن مزایای شهری درد نیا نظیر ندارد و این هم در نتیجه مساعی برگزیدگان خود مردم ازراه دیگری بدست نیامده است.

اما انجمن های بلدی ما اخیراً پیشنهادی به هیئت دولت داده اند که عوارض روی نفت و بنزین گذارده شود بدون اینکه توجه کنند که این دو مواد سوختی ازضروری ترین حوائجی است که تحمیل بر مصرف کننده شود، عوارض روی نفت بمصلحت مردم نیست و عوارض روی بنزین باید مخصوص اتومبیل هـای سواری تجملی باشد نه تحمیل بربارکش ها و کامیونها که گندم و گوشت وذغال ومال التجاره ومواد ضروری را حمل و نقل می کنند.

متاسفانه این ایرادات بجائی نرسید وهم امروز مـا ناظر وشاهد عوارض سنگین برنفت و بنزین هستیم وبین اتومبیل سواری وکامیون های بارکش فرقی قائل نشدند و ازاین راه برمصرف کننده تحمیل گردانه.

حزب جدید درمقابل حزب خلق : از مـوقع پیدایش ترکیه جدید فقط یك حزب ، حزب خلق زمامدار امور بود و در رأس آن مصطفی کمال پاشا رئیس جمهور ترکیه قرار داشت ، در اول شهریـور ۳۰۹ حزب جدیدی بریاست فتحی بیك بوجود آمد تحت عنوان حزب جمهوریخواه آزاد وهمین حزب است که امروز بعد ازبیست سال حزب خلق را شکست داد. فتحی بیك سفیر ترکیه درپاریس بود که بریاست این حزب انتخاب گردید.

غازی مصطفی کمال پاشا مراسله ای به فتحی بیك نوشته کـه در ۱۲ شهریور ۳۰۹ در اطلاعات چاپ شده است از اینقرار :

عزیزم فتحی بیك : مراسلهٔ شمارا دریافت نمودم.ازحیث اینکه مرا رئیس جمهور ورئیس حزب ملی خطاب کرده ای ، من بامقام رسمی که دارا هستم ریاست حزب ملی فعلا بامن نبوده بلکه باعصمت پاشاست و ازطرف او حزب اداره میشود ودرانقضای مدت ریاست جمهور حتما ریاست حزب ملی رادوباره اشغال خواهم نمود. قیام اشخاصی که دارای حسن نیت هستند واحزاب سیاسی را برای دفاع ازمنافع عالیه ملت بوجود میآورند رویه ای است که از دیرزمانی بشخصه برای خوداختیار نمودم ، چیزی که بدقت ومسرت ملاحظه کردم این است که دراساس عالیه جمهوریت ترکیه موافقت داریم بنابراین پیدایش یك فرقه سیاسی که متکی بایـن اصل واساس باشد و درمجلس ملی ابراز ظهور نماید موجب تحکیم اصل جمهوریت واساس آن میباشد .

روزنامه اطلاعات درپایان مراسله ومصاحبه ای که بارئیس جمهور ترکیه شده ومنعکس میباشد اظهار عقیده میکند که موافقت غازی کمال پاشا باظهور حزب جدید حکایت ازاین میکند که ملت ترکیه وارد مرحله تمدن امروز دنیا شده ومیخواهد دوش بدوش ملل مترقی قدم بردارد ممکن است مبارزه مهمی بین رؤسای حزب جدید و قدیم و یا اعضای این حزب رویدهد لکن چون براساس تقویت حکومت ملی وتحکیم مبانی آزادی واصلاح وضع مردم بخصوص درمسائل اقتصادی است که بحران شدیدی در ترکیه حکمفرما میباشد قابل توجه وتحسین است .

ملاقات باآقای وزیر مالیه : ۱۵ شهریور ۳۰۹ طی مقاله ای شرح ملاقات باآقای تقی زاده که در آنموقع وزیرمالیه بودند درج گردیده. ازجمله اینکه اختیاراتی ایشان ازنظر تعدیل عایدات ومخارج تحصیل کرده واولین چیزی که توجه آقای تقی زاده راجلب نموده این بود که قبل از وجود پول نقد در خزانه نبـاید حواله خرج صادر شود واوراق درخواست مخارج و ماهیانه ادارات وقتی باید امضا شود که موجودی خـزانه برای آن حواله کافی باشد موضوع دیگر جلو گیری از مخارجی بود که هر وزارتخانه واداره تاآنوقت طبق اعتبارات مخصوصی که داشتند قبل از جلب موافقت خرج میکردند واین قسمت هم جلو گیری شد.

ضمنا آقای تقی زاده دراین ملاقات گفت :

عایدات مملکت تا کنون روی اقلامی بود پیش بینی شده ومخارج روی اقلامی بود قطعی باین ترتیب مشکلاتی تولید میکرد واساس توازن دخل وخرج رااز بین می برد ودراین خصوص روش تازه ای اتخاذ نموده ام.

هنوزهم آقای تقی زاده دردخل وخرج مملکتی خیلی دقیق هستند وپیوسته سعی دارند درآمد طوری وصول گردد که تحمل برمصرف کننده وطبقات پائین نباشد ومخارج مملکتی بحداقل باشد وپس ازسالها که خـارج ازایران بسر می برد چندی پیش باردیگر درمجلس شورایملی این نظر خودرا تأیید نموده وافزایش خرج مملکت را زائد بر طاقت مردم دانسته و گفت که بودجه خرج مملکت باید بصدمیلیون تومان پائین بیاید وازسازمانهای عریض و طویل کاسته شود

الغاء جواز عبور و مرور – برای مسافرت از هر شهر بشهر دیگر بایدجواز عبور دردست داشت ودر چندنقطه این جواز ازطرف مأمورین رسیدگی می شد وچه مشکلاتی برای مردم از اینراه فراهم می‌آمد . درباره معایب این کار چندبار تذکرات درروزنامه اطلاعات داده‌شد ولی ترتیب‌اثر داده‌نمیشد تا درتاریخ ۱۲ آبان‌ماه که اداره نظمیه جوازمسافرت‌رادرشهرهاموقوف کرد ولی برای‌مسافرت ازتهران بشهرستانها بازجواز لازم بود، این کار وسیله زحمت وموردی برای سوءاستفاده مامورین شده‌بود زیرا کسانیکه میخواستند بطور قاچاق ازشهر خارج شوند بسهولت موفق میشدند واین‌عمل لغوتامدتها جریان‌داشت .

رابطه تلگرافی بی‌سیم با امواج کوتاه – روز ٤ آبان ۳۰۹ مرحوم صور اسرافیل وزیرپست وتلگراف‌دستگاه مرکزی‌تلگراف بی‌سیم‌را باامواج کوتاه افتتاح‌نمود ورابطه تلگرافی بوسیله دستگاه مرکزی بادنیا اعلام گردید وتلگرافاتی بعنوان وزرای پست‌وتلگراف آلمان – انگلستان – فرانسه وعراق‌وغیره مخابره گردیدوجوابهای تهنیت‌آمیز نیز رسید .

ورود کشتی مرموز بلندن : خبرنگار ما ازلندن طی گزارش خودبتاریخ ٦ آبان‌اطلاع داد که‌اشیاء نفیس وتاریخی‌ایران برای افتتاح نمایشگاه آثار ایران وارد انگلستان گردید اما ازترس دزدان دریائی که مبادا دستبردی بآثار مهم ایران واردآورند نام کشتی را مخفی نمودند ودرکشتی‌خرما و گندم بارکردند که کسی از محمولات آن مسبوق نشود .

جراید لندن پیرامون اشیاء تاریخی ایران که ازموزه سلطنتی‌وموزه حضرت رضا ومساجدومشاهد متبرکه فرستاده شده بود قلمفرسائی‌نموده وآنرا شاهکارهای صنعتی دنیا دانستند .

سردنیسن راس مستشرق نامی انگلیس اظهار داشت هیچ قیمتی‌نمیتوان برای این‌آثارقائـل‌شد اما قیمتی که کمپانی‌های بیمه میتوانستند قراردهنددوملیون لیره بود درمیان این اشیاء جواهرات سلطنتی وقالی‌های نفیس ظروف نقره قدیم برودری دوزی قرون وسطی بود که باسه هواپیما تحت نظر نگهبانان نظامی بآبـادان حمل گردید وزیرنظرکادر سربازان در کشتی بهارستان جای داده‌شدوکلید اطاقهای مزبور فقطدردست کاپیتن بودوبجز او وملاحان سیاه کشتی با آنها همراه نبود .

نمایشگاه بین‌المللی آثارصنعتی ایران درلندن‌توجه عالم‌را بخود معطوف ساخت وپس ازپایان‌نمایشگاه کلیه اشیاء تاریخی ونفیس ایران باهمان تشریفات بایران حمل وتحویل گردید.

آخرین جلسه دوره هفتم : ١٤ آبان ۳۰۹ عمر مجلس هفتم خاتمه‌یافت . دراین‌موقع‌انتخابات دوره هشتم پایان‌یافته‌بود ومجلس هشتم نیـز آماده گشایش بود آقای دادگـر رئیس مجلس در نطق اختتامیه خود گفتند :

«شکر خدا را که‌مجلس هفتم بدون‌تظاهر وخود نمائی با متانت‌و آرامش – با اجرای وظیفه و احترام تکلیف بپایان رسید وخدای توانا مارا قادر ساخت که تکالیف خود را صادقانه بـوطن ایفاء نمائیم ، در ادوار گذشته کاری‌نمیشد وعناصر اصلاح‌طلب‌را بمطالبه‌ومعارضه می کشانید و وضعیت‌و ترقیات‌امروزی مارا ببردباری و وقار دعوت‌میکند– درواقع مجلس‌مظهر ملت‌است – سابقا ملت‌متلون و از زمامداران‌خود نگران‌بود – مجلس هم مشوش وهراسان– امروز ملت مطمئن و روشن‌است . مجلس‌هم متین‌وموقر– معنی نداشت وقتیکه مملکت بی‌تظاهر وجنجال بطرف‌اصلاح میرفت وپایه‌های محکم‌بانک‌ملی– بانک‌فلاحتی– انتظام قشون – تغییر واحد پول از نقره بطلا . الغاء امتیازاسکناس– وحدت‌لباس – تاسیس‌کارخانجات – انعقاد قرارداد های‌متقابله شریفانه و ساختن‌راه‌آهن وایجاد راههای‌شوسه ریخته‌میشد ما بیائیم‌بتقلید عصر وزمانی که‌این تـرقیات‌متوقف‌بود حرارت و خشونت نشان‌بدهیم برای‌چه فریاد کنیم‌زیرا کارهابدون‌مانع‌وانتقاد بطرف‌مقصودمیرفت وما هر روز بیک‌طرزی کامیاب ودریک‌امر که مظفربودیم وپیشوای‌ما اعلیحضرت‌پهلوی که این‌ترقیات را بعزم خستگی ناپذیرایشان مقروضیم بما نصیحت میکردند که‌درکار وعمل‌ساکت وبی‌خودنمائی باشیم وآن قـدر از زمان راهم که بخواهیم بذکر بهبودی اوضاع وگفتن‌موفقیت‌ها صرف کنیم آنرا هم‌صرف‌عمل‌و کار کنیم الی آخر .....»

سوء قصد برئیس الوزراء مصر – روزنامه اطلاعات ازسال پنجم دربعضی‌شهرهای مهم عالم خبرنگارانی انتخاب نمود که اخبار مهم را بوسیله تلگراف وپست بروزنامه‌می‌فرستادند : درآن موقع وضع خبرنگاری جهان مثل‌امروز نبود که‌هرحادثه‌ای‌بسرعت برق دردنیا منعکس گردد باین‌جهت اطلاعاتی که‌خبرنگاران

خصوصی اطلاعات می‌فرستاد تازگی داشت از جمله خبرنگار ما در قاهره واقعه سوء قصد نسبت بآقای صدقی پاشا رئیس الوزراء مصر را در اولین فرصت بروزنامه اطلاعات گزارش داد که در شماره ۱۱۳۰ بطبع رسیده و خلاصه آن این بود:

«موقعی که صدقی پاشا بوسیله راه‌آهن از اسکندریه بقاهره میرفت یکی از پیشخدمت‌های رستوران راه‌آهن بر او حمله کرد که قبل از انجام مقصود دستگیر گردید. این پیشخدمت جوانی بود که مامورین پلیس را اغفال کرده بلباس پیشخدمتی رستوران درآمده واز وفدیون بود پدرش نماینده مجلس واز وکلای باحرارت حزب وفد بود این جوان طبر کوچکی را زیر پیراهن مخفی کرده و با ریسمان بگردن آویخته بود و قصد داشت صدقی پاشا را در اطاق راه‌آهن با طبر بقتل رساند تا بی‌صدا این کار انجام گرفته باشد واگر دستور صدقی پاشا برای چاشت صبحانه نبود این کار انجام یافته بود زیرا بر اثر آمدن پیشخدمت دیگر و مراقبت پلیس نقشه سوء قصد کننده باطل و قضیه کشف گردید»

اعتراض باستخراج معادن نفت بحرین: اطلاعات در شماره ۱۱۳۵ مینویسد چندی قبل یک کمپانی انگلیسی بریاست ماژر هلمس بدون مراجعه بدولت ایران برخلاف حق برای استخراج معادن نفت بحرین موفق به اخذ امتیازاتی از شیوخ بحرین شده واین عمل مخالف اصل مالکیت ایران در بحرین است. جزایر بحرین طبق اسناد و مدارکی که مکرر در روزنامه اطلاعات بدان اشاره شده واز طرف دولت ایران بجامعه ملل شکایت گردیده وطی یادداشتی بدولت انگلستان ابلاغ شده جزء لاینفک ایران است و کمپانی انگلیسی حق نداشته است بعنوان تحصیل امتیاز نفت از شیوخ بحرین تصرفاتی در آن منطقه نماید

چون روزنامه های انگلیسی یادداشت وزارت خارجه ایران بسر کلایو وزیرمختار انگلیس در تهران وهمچنین مراجعه بدولت ایران را بجامعه ملل عمل بیهوده وزننده کردن ادعای کهنه ۱۴۷ ساله تلقی نموده بودند اطلاعات سخت از رویه انگلیسها انتقاد نموده ومینویسد آیا چندنفر شیخ متمرد را در موقع ضعف حکومت مرکزی ایران تقویت کردن و آنها را تحت نفوذ قرار دادن و با آنها معاهده بستن در دنیای امروز کافی است که بتوان املاک واراضی دیگران را تصرف نمود؟ اینکه روزنامه دیلی تلگراف پروتست ایران را بی اساس تلقی میکند واظهار امید می نماید که مستر هندرسن وزیر خارجه وقت مانند مستر چمبرلن وزیر خارجه کابینه بالدوین ادعای ایران را رد نماید تصور باطل وخیال واهی است زیرا بالاخره جامعه ملل مثل محکمه حقوق غیرقابل تردید ایران را مطالبه خواهد کرد وتصرفات غیرقانونی در اراضی ایران را ممنوع خواهد ساخت و بالاخره بعد از تمام این حرفها و گفتگوها ملکیت قطعی ایران در پیشگاه ملل متمدن دنیا ثابت وروشن خواهد شد.

* * *

متاسفانه جامعه ملل در این باره طفره و تعلل ورزید و دعاوی ایران همچنان در آرشیو های مجمع بین‌الملل ماند که هنوز هم مانده وداد رسی نشده است.

وحشت مردم تهران اززلزله: پس از دوبار زلزله خفیفی که در طهران حس گردید که دنبال زلزله‌های شدید دماوند بود اخباری از وقوع زلزله‌های خفیف وشدید دیگری در دماوند و اطراف تهران میرسید بخصوص گفته میشد که این زلزله‌ها ممکن است آثار وقوع آتش فشان دماوند باشد. مردم سخت نگران بودند واغلب ساکنین تهران دو سه شب در فضای آزاد، در داخل اتومبیلها و اتوبوسها میخوابیدند وآرامش فکری نداشتند فردای آن روز آقای مسعودی برای ملاحظه وضع زلزله دماوند تمام آن منطقه را بازدید کرد و در شماره ۲۰ مهر ۳۰۹ ملاحظات خود را منتشر ساخت بطور خلاصه از اینقرار :

«مسافرت من بدماوند از دو لحاظ بود یکی اینکه اخبار وحشت آوری در تهران شایع شده بود که بیم آن میرفت باز هم مردم خوش باور تهران در این سرمای شب اطاقها ومنازل خود را ترک کرده در خارج بسر برده و گرفتار سرماخوردگی شوند دیگر اینکه وضعیت مردم را از نزدیک دیده واحتیاجات آنها را در معرض افکار عامه بگذارم تا چنانچه کمکهائی را ضرور میدانند درباره آسیب دیدگان بنمایند لکن بعد از دو زلزله شدید شب چهارشنبه وشب جمعه ۱۱ مهر که در دماوند شدید و در تهران خفیف احساس گردید زلزله‌های بعد خفیف وبی‌خطر بوده وخرابیهای زلزله شدید هم آنقدر نیست که شهرت داده میشد معهذا باید نسبت بآسیب‌دیدگان کمک شود که شیر وخورشید سرخ مشغول گردیده ولوازم وچادرها نصب گردیده تا مردم وحشتزده را سامان دهند الی آخر ......»

ولیعهد با ورزنده بوکس بازی نمود: درجشن سالیانه دانشکده افسری (۲۰ مهر ۳۰۹)
والاحضرت ولیعهد درحضور اعلیحضرت فقید با میرمهدی ورزنده استاد قدیم ورزش ایران بوکس بازی نمود،
والاحضرت ولیعهد در جزو شاگردان کلاس خود پس از رژه ازجلوی اعلیحضرت فقید ورزش و اقسام دیگر ورزش دستکشهای مخصوص بوکس را پوشیده و با ورزنده چند دقیقه بازی کرد که البته بیشتر جنبه تفریحی داشت نه جدی.

فلاحت بی صنعت مفید نیست. مهمترین صنعت ملی ایران قالی است که اولین رقم صادرات کشور ما بشمار میرود و سالی نزدیك به بیست میلیون تومان بامریکا صادر میگردد ولی این صادرات مهم همیشه دستخوش تزلزل و ممنوعیت و برقراری حقوقهای گمرکی است و درعوض ما اتومبیل بچندبرابر بیشتر وارد میکنیم که بین این دو مال التجاره تفاوت فاحشی وجود دارد یعنی تمام زحمت یکساله کارگران و رنجبران ایران را کمپانی فورد در مقابل عمل چندساعت کارخانه خود مبادله میکند.

این نتیجه کاردستی و کار ماشینی است، ما چندمن پنبه بدهیم تا یك ذرع چیت بگیریم، چندمن ابریشم باید بفروشیم تا یك ذرع پارچه ابریشمی بما بدهند.

ما باید فلاحت خودرا با صنعت توأم سازیم. بدیهی است سعی ما در کار فلاحت خیلی باید بیشتر باشد زیرا کشور ما فلاحتی است ولی برای مازاد موادخود باید در داخل کشور فکری اندیشید تا هم محصول خوب فروخته شود و هم احتیاجات ما درداخل کشور تدارك گردد. (خلاصه ازسرمقاله ۲۸ و ۲۹ مهر ۳۰۹)

تا آنموقع هنوز کارخانه ماشینی جز کارخانه کازرونی وطن در اصفهان و دوسه کارخانه کوچك دیگر در کشور وجود نداشت.

مسافرت های اعلیحضرت اطلاعات در مقاله خود بتاریخ ۲۳ آذر ۳۰۹ مینویسد مسافتی که اعلیحضرت در ۳۷ روز در قسمتی از کشور طی نمود، از هفتصد فرسخ تجاوز میکند، شاه در این مسافرت مازندران، گرگان، خراسان، سیستان، بلوچستان، کرمان، یزد، نائین، کاشان را بازدید نمود واین مسافرت ها که برای سرکشی حال مردم و رسیدگی باحتیاجات عمومی است فوق العاده ذی قیمت وشایان توجه است، وقتی مردم می بینند پادشاه آن ها اینطور متوجه حال آنهااست بادلگرمی و علاقمندی بیشتری بکار مشغول می شوند مسافرت های شاه که در هرسال بیك قسمت ازمملکت انجام میگیرد نتایج بسیاری دارد ازجمله مراقبت مامورین دولت در کارهای مردم است که سعی میکنند رضایت خاطر عمومی را فراهم آورند

طرز استخدام غلط است - اطلاعات درمقاله ۱۸ آذر ۱۳۰۹ می نویسد:
درادارات دولتی عده کثیری هستند که حقوق متناسب باخرج خود نمیگیرند. اولیای امور هیچ توجه ندارند باین نکته که قبل ازاستخدام باید وضعیت مخارج وزندگی مستخدم را درنظر بگیرند. ازتاریخی که تشبث وتوصیه وتحمیل بخزانه دولت رایج شده وهرکس درصدد برآمده است که خودرا بوزارتخانه ای تحمیل کند بودجه مخارج دولت بدون تناسب بالا رفت وبهیچوجه رعایت عایدات و مخارج وتناسب در خرج مستخدمین دولت هم رعایت نشد درنتیجه اعضاء صدیق وقدیمی که باید مورد تشویق واقع شوند بواسطه زیادی عده وبالا رفتن مخارج مملکت وضع زندگی ومعاش آنها درنظر گرفته نشد وامروز می بینیم که وزارتخانه ها وادارات ما ازدودسته تشکیل می‌شود یکدسته خدمتگذاران حقیقی که باوجود کمی حقوق ومعیشت معهذا وظیفه وجدانی خودرا دربرابر ملت ومملکت انجام میدهند ویك تیپ هم کسانی هستند که دراثر عدم تناسب دخل وخرج وفقدان ایمان وعقیده درانجام کار تعلل مینمایند وبعضی ازصحت وصداقت دورمیشوند
علت اینکه در سایر ممالك همه با روح اعتماد و صمیمیت کار میکنند این است که اولا تا وقتی احتیاج بعضوی نداشته باشند کسی را قبول نمیکنند وهمینکه تصمیم باستخدام گرفتند مخارج حقیقی زندگی مستخدم را میسنجند و اگر میتوانند معاش اورا تامین کنند اورا باستخدام می پذیرند وباین کیفیت کارها جریان طبیعی خود را سیر میکند و هر کس وظیفه حقیقی خود را دربرابر ملت ومملکت انجام میدهد اما متاسفانه در مملکت ما چنین نیست؟

مردان کار: خیلی کم دیده شده که اشخاصی مطابق اطلاعات ومعلومات بکاردعوت شوند هنوزدیده می‌شود کسیکه متخصص فلاحت است در وزارت خارجه، کسیکه در معدن شناسی اطلاعات دارد دروزارت داخله، کسی

که از پست وتلگراف اطلاع دارد در معارف و کسانیکه باید معلمی نمایند کار اداری میکنند کسانیکه برای ضبط وربط آرشیو تربیت شده اند معلمی می‌نمایند وبالاخره عدم تناسب کاملی بین آنها دیده میشود که هنوز هم توجه کاملی نشده که کار را باهلش واگذار کنند.

امید میرود که این نقیصه درآینده برطرف شود و همان روشی که سایر ممالک دراستخدام دارند که کاررا باهلش واگذار مینمایندماهم درپیش بگیریم .

هیچوقت دیده نمیشود وزیرمختاریرا بکشوری بفرستند که آن مامور برای آن مملکت قبلاتربیت وآماده نشده باشد بیشتروزرای مختاری که بایران می‌آیند تاریخ وجغرافیا وآداب و رسوم این مملکت رابهتر ازخود ما قبلاآموخته وباممرنت تام بایران مأموریت پیدا میکنند تاوقتی که ماهم اشخاص رابرای کار تربیت نکنیم ودرصدد استفاده ازاو نباشیم وضع درهم وپیچیده اداری و کشوری ماادامه خواهد داشت .

افتتاح دوره هشتم تقنینیه : روز ۲۵ آذر ۱۳۰۹ دوره هشتم مجلس شورای ملی افتتاح شد واعلیحضرت فقید در نطق افتتاحیه خود گفت: آرزوی من اینست که مجلس دوره هشتم در تاریخ مملکت موسوم بمجلس اقتصادی بشود خوشبختانه استعداد طبیعی واوضاع عمومی مملکت زمینه‌ای را که برای اصلاح اقتصادیات مملکت کشیده شود بحسن نتیجه منجر خواهد نمود. استقرار واحد پول طلا وحفظ ذخیره سهم طلای مملکت که تهیه شده است مشوق بزرگ اصلاحات اقتصادی میباشد وجلوگیری ازاسراف وتبذیر باید مورد توجه خاص واقع شود.

درپایان نطق اعلیحضرت فقید اشاره نمودند که تهذیب اخلاق عمومی وترویج وطن‌دوستی ووظیفه‌شناسی وتحکیم ایمان وتقوا درجامعه باید موردتوجه خاص واقع شود.

اطلاعات درشماره بعد چنین نوشت: «بیانات شاه موجز ومفید وهرقسمت آن دستورالعمل جامعی بود که امید است مورد توجه عموم وطن‌پرستان قرار گیرد وازاینکه درمقدمه نطق فرمودند (مسرورداریم که مطالبی که درضمن نطق افتتاحیه خودمان درموقع افتتاح مجلس هفتم به آن اشاره نمودیم انجام یافته است) این بیان اعلیحضرت میرساند که ایشان حرفی میزنند که پشت سرعمل داشته باشد چنانچه قسمت اعظم وعده‌هائی که درخطابه دوره گذشته داده‌اند انجام داده وامیدواریم که درمسائل اقتصادی که مورد توجه عموم مردم میباشد نیز در دوره آینده مجلس اقدام شود.

مجلس بلافاصله بریاست سنی دکتر شیخ (احیاءالملک) تشکیل گردید وازه ۱۰۰ نفر عده رأی دهنده آقای دادگر دارای ۸۵ رأی ومرحوم حاج محتشم‌السلطنه ۳۸ رأی داشتند در نتیجه آقای دادگر بریاست ومرحوم سیدالمحققین دیبا ومرحوم یاسائی بنیابت ریاست انتخاب شدند.

مکتوب از بحرین – مقاله‌ای بامضای آقای منعمی درتاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۹ از بحرین چاپ شده ومینویسد چندروز قبل ژنرال قونسول انگلیس درخلیج ازبوشهر بادو کشتی جنگی انگلیسی وارد بحرین شد. شیخ حمد نایب الحکومهٔ اسمی بحرین در کشتی ایشان‌را استقبال نمود وبخاطراو ۱۱ تیرتوپ شلیک شد ساعتی بعدازورود قونسول طبقات مختلف را برای ملاقات او دراداره حکومتی دعوت نمودند وخطاب بتجار ایرانی گفت شماها که زیادتر از سی سال است در بحرین اقامت دارید ازرعایای بحرین بحساب می‌آئید زیرا هرخارجی که در محلی ده سال اقامت نمود تبعهٔ آنجا محسوب میشود ولی تجار ایران بیان ژنرال قونسول را رد کرده و گفتند ماتبعهٔ ایران وایرانی هستیم وبحرین را هم ازایران میدانیم وبااین اظهارات موافقت نداریم ، کلنل بسکویت ژنرال قونسول هم دستوراتی برای شدت عمل نسبت به ایرانیها به شیخ بحرین داد ازجمله دستورداد آنچه ایرانی دراداراتِ حکومتی بحرین کار میکنند خارج سازند .

سپس نویسنده شرحی ازتعصب ایران پرستی ایرانیان مقیم بحرین نوشته واضافه میکند که انگلیسها تصور میکنند بتوانند ایرانیان را بترک تابعیت ایران وادار کنند وازشرافت ایرانیت وملیت خود دست بردارند وحال آنکه اشتباه میکنند، آنها میخواهند زمینه‌هائی برای سلب مالکیت ایران فراهم آورند ولی ایرانیها که آوازهٔ ترقی وعظمت ایران جدید را میشنوند انتظار دارند هرچه زودتر بحرین وجزایر بحرین تحت ادارهٔ مستقیم حکومت ایران درآید .

محکومیت تجار ایرانی در بادکوبه ـ تلگرافی از باکو ۲۹ آبان ۱۳۰۹ در اطلاعات بچاپ رسید مبنی بر اینکه یکعده تجار ایرانی مقیم باکو علاوه بر ضبط املاک و دارائی آنها طبق حکم محکمه سه نفر باعدام و پانزده نفر بحبس‌های ۵ سال و ٤ سال و سه‌سال و دوسال محکوم شده‌اند.

اینها آخرین دسته تجار ایرانی بودند که از زمان قدیم در بادکوبه و نقاط مختلف روسیه بتجارت آزاد مشغول بودند و درنتیجه رژیم شوروی که تجارت آزاد از بین میرفت ناچار باید خاک شوروی را ترک میکردند لکن بمعاملات بروات و خرید و فروش چرونس سرگرم شده و هنوز در این شهر بسرمی‌بردند تا بالاخره باین مجازات مبتلا گردیدند.

روزنامه اطلاعات درتعقیب انتشار این خبر که عده‌ای از هم‌میهنان ما بدون حق استیناف محکومیت یافته بودند نوشت:

ماتصدیق می کنیم که مقررات داخلی هرمملکت محترم وواجب‌الرعایه است ومقرراتی که برای تجارت درروسیه وضع گردیده بایستی ازطرف عموم رعایت شده باشد واین عده تجار ایرانی که بیشتر اهل اردبیل و آستارا هستند ممکن است برخلاف مقررات بمعامله بروات ومعاملات چرونس مشغول شده‌اند ولی ما حق داریم از هموطنان خود دفاع کنیم وبگوئیم آیا مجازات کسانی که خرید و فروش برات وچرونس برخلاف اصول جاری کشور کرده‌اند اعدام وحبس‌های ممتد است یعنی درردیف قاتل وجانی باید مجازات شوند. آنهارا باید درردیف توطئه کنندگان برعلیه حکومت داخلی دانست ومحکوم باعدام کرد، دردنیای امروز که اصول دموکراسی جای شدت و استبداد رامی گیرد ماحق داریم ازصدور حکم محکمه عالی باکو برای چندنفر برات فروش که راه و کار و تجارتشان در نتیجه سیستم حکومت امروزی شوروی منحصر بخرید و فروش بروات بوده‌است تعجب نمائیم، بسیارخوب اموال آنهارا ضبط کنید ولی ازجان آنها دست بردارید واجازه بدهید که بوطن خود بر گردند.

درتعقیب انتشار این خبر مذاکرات سیاسی بین اولیای دولت وسفارت جماهیرشوروی شروع گردید وبادنباله دادن موضوع درروزنامه اطلاعات وتقاضای روزنامه از اولیای امور شوروی بالاخره مامورین شوروی حاضر شدند اجرای حکم محکمه را بتأخیر اندازند تا دوباره بتقصیرات تجار رسیدگی نمایند.

بالاخره پس از پانزده روز محاکمه مجدد با مختصر تفاوتی دوباره رأی سابق تأیید گردید ولی براثر تعقیب قضیه حکم اعدام بده سال حبس تبدیل یافت.

حقوق معلمین مدارس ـ اطلاعات درسرمقاله مورخه ۹ آذر ۳۰۹ مینویسد: ناله کمی حقوق معلمین وفریاد تاخیر حقوق آنها بلنداست ومانمیدانیم چرا نسبت باین طبقهٔ شریف کشور توجه لازم معطوف نمی گردد چرا حقوق وزارتخانها وادارات مرتب تادیه می‌شود اماحقوق معلمین دوچار تاخیر میگردد. مثل اینکه معلمین مدارس دراین مملکت نفرین کرده هستند. درتمام دنیا این طبقه برسایر طبقات مقدم میباشند ولی دراین جا لازمه تشویق از آنها نمی‌شود، گویا علت تاخیر پرداخت حقوق کندی جریان خود وزارت معارف است که باید این قسمت فورا مرتفع شود ودر نظر بگیرند معلمین را بهر کیفیت میشود تشویق نمایند زیرا اینها مربیان وراهنمایان وبوجودآورنده نسل آینده کشور هستند وهرقدر نسبت باین طبقه بیشتر توجه شود اثرات مفیده آن درپرورش جوانان خوب کشور هویدا وظاهر خواهد شد ومنافع آن مستقیما عاید جامعه ومملکت می گردد.

زارع ایرانی را از آن سیستم قدیم بیفایده نجات دهید: این یکی از هدفهای روزنامه اطلاعات بود که بیست سال تمام است درباره آن قلمفرسائی میکند سرمقاله روز اول دی ۳۰۹ روزنامه دردنبال مقالات دیگر باز باین موضوع اختصاص داده شده وروزنامه اطلاعات دراین مقاله ابراز تاسف میکند که چرادولت ومالکین وسایل زراعت ماشینی را دردسترس زارع ایرانی نمیگذارند که زارعین کشور ازاین فقر وعقب ماندگی نجات یابند.

روزنامه اطلاعات دراین مقاله ازدولت انتقاد کرده ومینویسد:

« وظیفه راهنمائی زارع وتهیه وسایل مدرن فلاحت بعهده کدام اداره ومؤسسه ایست؟! لابد خواهید گفت اداره فلاحت که شعبه‌ای ازوزارت اقتصاد ملی است پس چراکار اساسی نمیکنند وباین موضوع مهم توجه لازم نمیشود وپول کشور تلف میگردد... الی آخر»

بعد یادآور میشود که تنها ایجاد مزارع نمونه که دولت تصور میکند با ایجاد آنها همه وظایف خودرا انجام داده‌است کافی نیست، دولت باید راهنمائی کند و زارعین را بخاتمه دادن بوضع قدیم زراعت واستفاده ازوسایل ماشینی عصرحاضر آشناسازد. (درمقالاتی که دراین زمینه بتدریج دراطلاعات چاپ شده‌است دریکجا جمع شود چندجلد

کتاب ضخیم خواهد شد. اما افسوس که بیست سال است این حرف را میزنیم و هنوز هم می بینیم که تازگی دارد و هنوز هم این مسائل در سرلوحه مرام حکومت ها قرار می گیرد ولی آنچه شایسته توجه باین کار است انجام نمیگیرد.

معمای لاینحل - این عنوان مقاله دیگری است که روز سوم دیماه ۱۳۰۹ منتشر شده آنها که پافشاری روزنامه اطلاعات را دیده اند که اصرار دارد برای کلیه کالا ها قیمت عادلانه معین شود و برچسب و اتیکت بر همه اجناس نصب کردد تا از اجحاف و گرانفروشی جلو گیری شود شاید اطلاع نداشته باشند که روزنامه اطلاعات در طی بیست سال پیوسته این عقیده و همین تقاضا را داشت و از اینکه قیمت مایحتاج مردم بسته بانصاف فروشنده و زرنگی خریدار مشخص و معلوم میشود ابراز تأسف میکرد و اصلاح اینوضع را از دولت درخواست مینمود.

درهمین مقاله «معمای لاینحل» نوشته شده است «... ثروتی که ازراه بی انصافی بدست آمده بسا شد خون ملت است که بمنف مکیده شده و هروقت باشد بباد فنا خواهد رفت...» آنروز و امروز چه تفاوتی در اینموضوع پیدا شده است ؟! آیا چه وقت خواهیم دید که هر کالائی قیمت ثابتی دارد و روی آن برچسب شده و خریدار و فروشنده هردو تکلیف خود را بدانند و احتیاجی بچانه زدن و قسم خوردن نداشته باشند.

فیلمبرداری - «دیروز (۵ بهمن ۱۳۰۹) دعوتی برای دیدن فیلمی که اخیرا در ایران برداشته شده است بعمل آمده بود. این اولین دفعه است که فیلمی در ایران ازطرف خود ایرانی ها و بوسیله آرتیست های ایرانی برداشته شده است ...»

روزی که این مطلب نوشته شد خوشحال بودیم که طلسم شکست و ایرانی در عالم پرهیاهو و باعظمت سینما که دنیا را مسخر کرده است قدم گذاشت و علاوه برنتایج مهم دیگر خواهد توانست از مناظر زیبا و تاریخی ایران فیلم تهیه کند و بعملیات رسوای خارجی ها که از ایران فیلم تهیه میکردند ولی فیلمهای آنها باعث بد نامی ایران میشد خاتمه دهد، ولی متاسفانه برخلاف تصور ما طلسم نشکسته بود. فیلمبرداری امیدبخش ایرانی با همان فیلم شروع شد و بزودی متوقف گردید و تا امروز هم چند دفعه در این زمینه اقداماتی شده ولی هیچ یك از آن ها ادامه نیافته است.

ما در مقاله فیلمبرداری نوشته بودیم «... هیچوقت یك مؤسسه فیلمبرداری خارجی دلش برای ما نسوخته که بیاید از مناظر زیبا و نقاط تاریخی باشکوه ایران فیلمبرداری کند و آن را در دنیا نشان دهد.

عقیده و ایده خارجیها در برداشتن فیلم از ممالك شرقی این است که حتی المقدور از قسمت های بدو چیزهائی که بنظرشان خیلی عجیب می آید فیلم بردارند تا بتوانند از نمایش این فیلمها استفاده کنند.»

بالاخره سالها گذشت و صنعت فیلمبرداری در ایران بوجود نیامد، بعضی ممالك شرقی در این کار آنقدر پیشرفت کردند که هر سال چندین فیلم بممالك دیگر صادر میکنند و ما هنوز تماشاچی فیلمهای خارجی شرقی و غربی، مصری و هندی و ترکی وغیره هستیم و معلوم نیست چه وقت فیلمی را تماشا خواهیم کرد که در ایران و بدست ایرانی و بطرز فنی صحیح تهیه شده باشد.

تلگرافخانه انگلیسها تحویل ایران شد - لابد میدانید که انگلیسها سابقا در ایران برای خودشان تلگرافخانه ای داشتند که مستقل بود و در جریان سیاست ایران هم دخالت و تاثیر زیاد داشت.

یعنی هر تلگرافی را که تلگرافخانه دولتی قبول نمیکرد تلگرافخانه انگلیسها که هند و اروپ نام داشت میپذیرفت.

در جریان حوادث مشروطیت و قیامها و اختلافات داخلی و در بسیاری از وقایع مهم دیگر مملکت این تلگرافخانه نقش مؤثر داشته و همیشه هم روش او تابع سیاست و مصلحت انگلیسها بوده است.

رضاشاه فقید این بساط را که با شئون و حیثیت کشور ساز گار نبود درهم بپیچید و دستگاههای تلگراف و سیمهای تلگرافخانه با ترتیب خاصی بدولت ایران واگذار شد.

خاتمه دادن بعملیات این دستگاه خارجی مورد علاقه ملت ایران بود و روزنامه اطلاعات هم در اواخر دیماه مژده داد که قریبا دستگاه تلگراف هند و اروپ تحویل نماینده گان دولت خواهد گردید.

اینکار اگرچه بدون تظاهر و هیاهو انجام شد ولی حقیقت اینکه ارزش و تاثیر زیادی داشت و کاری بود که بایستی خیلی زودتر از آن انجام گرفته باشد.

مگر ایران میخواهد کلکسیون اتومبیل درست کند ؟! ـ بیلان گمرکی سال ۱۳۰۸ نشان میداد که درآن‌سال بیش‌ازیکهزاروپانصددستگاه اتومبیل‌سواری وارد ایران شده (از۶۴ کارخانه) که‌هفت دستگاه‌ازآن هریک بیش ازسه‌هزارتومان قیمت داشته است .

جمع مارکهای اتومبیلهای سواری وکامیون که درآن سال وارد ایران شده بالغ برنود بوده مثل‌اینکه ملت ایران میخواهد کلکسیونی‌ازاتومبیل تشکیل‌وترتیب دهد !

روزنامه اطلاعات آمار گمرك را در قسمت اتومبیل زمینه مقاله مفصلی قرارداد که اینك چند سطر از آن نقل می‌شود :

«... شاید درهیچ مملکتی اینهمه مارکهای مختلف وجودنداشته باشد. درهیچ کجای دنیا چنین‌آش‌درهمی پیدا نمیشود اینهمه‌مارکهای‌مختلف نتیجه‌هواوهوس مردم است . بسیاردیده شده که شخص درعرض سال‌شش قسم اتومبیل‌به‌شش‌مارك‌عوض کرده بدون‌آنکه علتی جز پیروی ازهوس داشته باشد .

این وضع بزیان کشوروموجب خسارت‌هنگفت است چون هرمارك وسیستمی‌اثاثیه مخصوص وقطعات‌یدکی جداگانه لازم دارد که فقط از نماینده همان‌کارخانه میتوان خریداری کرد و بهرقیمت که انصاف فروشنده اقتضا کرد باید پول داد ! ؟ اگر هم اتفاقاً اثاثیه یدکی اتومبیلی یافت نشد باید آن را مانند آهن پاره ای بدور انداخت .

ماکه دنبال مسائل اقتصادی میرویم وصرفه‌جوئی‌را ضروری میدانیم معتقدیم ازهرجا ممکن باشد بایدجلو افراط وتفریط را گرفت وامور اقتصادی را ترمیم نمود .

سال۱۳۰۸ آنطوربود.سال۱۳۲۸راهم که دیدیم و درباره واردات وصادرات این سال‌در روزنامه مقالات مبسوطی نوشتیم .

آنروز ثروتمندان و پولدارها دنبال هوس خود میرفتند وامروز هم‌اسیرهوا وهوس‌خودهستند . سیستمها ومارکهای‌مختلف اتومبیل‌اگرزیادتر نشده‌باشد قطعا کمترنشده وهنوز همان است که بود .

سال ششم اطلاعات ـ درتیر ۱۳۱۰ آقای‌مسعودی نوشت:خوشوقتیم که‌درمدت‌پنجسال نامه‌نگاری‌مسئولیتی که برعهده گرفته‌ایم‌با کمال‌صمیمیت‌انجام‌داده‌و نسبت‌بحفظ‌شئون‌ملی ، ترقی‌وتعالی‌مملکت آنقدر که‌درقوه‌داشته‌ایم‌سعی و مجاهدت‌کرده واینك میتوانیم اوراق گذشته را بشهادت طلبیده وادعا کنیم که با تحمل زحمات و خستگی‌روحی و جسمی دربرابر خوانندگان عزیز وظایف ملی ووطنی خود را با روح بی آلایش و عاری ازشائبه‌وروح وظیفه‌شناسی و صمیمیت انجام داده و در هیچ موردمصالح ملی و مملکتی رافدای اغراض خصوصی و نظریات دیگران نکرده و روزنامه را که متعلق بمردم و ما خود را خدمتگذار و اداره کنندهٔ آن میدانیم با مطالب مغرضانه و یا مطالبی که بامنافع ملی‌ومملکتی تماس مخالف داشته‌است‌آلوده‌نساخته‌ایم.

معاونت وزارت طرق ـ آقای علی سهیلی که امروز سفیر کبیر ایران درپاریس است و چند بار نخست‌وزیرشده ، در تاریخ ۷ تیر ۱۳۱۰ بمعاونت وزارت طرق انتخاب گردید وتاآن موقع دروزارت‌خارجه بود و آخرین سمت او ریاست اداره شرق وزارتخارجه بود ، اطلاعات همانروز درزیر خبر انتخاب سهیلی نوشت که ایشان‌ازمامورین‌خوب‌ولایق‌وتحصیل کردهٔ‌وزارت‌خارجه‌میباشد.

قانون ازدواج ـ روزسوم مرداد ۱۳۱۰ مرحوم داور قانونی بمجلس‌تقدیم‌نموددر خصوص‌نکاح‌وطلاق‌و لفت چون امور مربوط بازدواج محتاج بتنظیم مقرراتی است که بتوان حتی‌المقدور صحت جریان‌امور ومصالح صحی‌واخلاقی مربوط‌بازدواج راتامین‌نمود لذا قانون آن‌تقدیم‌میشود وازآن تاریخ حق اجرای صیغه عقد منحصرا بعهده اشخاصی واگذارشد که دفترثبت‌رسمی نکاح و طلاق داشته باشند.

روزنامه اطلاعات بمحض تقدیم‌این قانون ستونی باز کردتاعقاید وافکارعمومی دراین‌باره‌روشن‌شود واولین نویسنده پیرامون قانون‌چنین گفت:

« مردهائی که دراین مملکت زندگی میکنند وهمیشه مالك الرقاب زنان بوده‌اند بطور قطع این قانون بمذاق بعضی ازآنهاشیرین نخواهدبود چون میخواهند محرمانه چندزن را درنکاح خود قرار دهند و حالا باشکال‌برمیخورند ووجود دفاتر رسمی مانع از این خواهد بود وخلاصه برای تجاوز مردها بحقوق زنان سدی پیداخواهد شده »

مدتها مقالات پیرامون چگونگی زناشوئی ومعایب ومضار قانون دراطلاعات بحث شد ازجمله آقای ملک‌الخلاقی عالم وواعظ معروف سلسله مقالاتی نوشتند وچه بسیار ازمطالب مهم وضروری که درقانون پیش‌بینی نشده بود براثر تذکرات اطلاعات ونویسندگان ارجمند موردتوجه‌عموم واقع گردید ولی کمیسیون عدلیه مجلس تصویب ننمودوهمین قسمت مورداعتراض روزنامه واقع شد.

کرایه خانه ـ آقای مسعودی درسی‌ام مرداد اولین بار راجع بکرایه خانه چنین نوشت :

«میزان اجارهٔ خانه روی هیچ مأخذی قرار نگرفته و معلوم نیست تکلیف یک مشت بیچارهٔ خانه بدوش چیست .

مستخدمین دولت غالباً کرایه نشین هستند،اولیای دولت ازنظر علاقه وتوجه بمستخدمین خودش هم باشد بایستی موجبات آسایش فکری آنان فراهم آورد یکنفرمستخدم دولت با پنجاه‌تومان حقوق وداشتن زن وبچه‌چگونه میتواند نصف حقوقش را برای کرایه یکخانه سه چهار اطاقه بدهد .

(خوانندگان توجه میفرمایند که درآن روز معدل حقوق پنجاه تومان وحد متوسط کرایه خانه کوچک ۲۵ تومان بوده است حالا همان پنجاه تومان بپانصدتومان حقوق ترقی داده شده و زن خانه کوچک سه چهار اطاقه را بسیصد تومان هم نمیدهند)

صاحبان مستغلات میگویند اجاره بندبهادرظرف یکسال اخیرفرق نکرده وحال آنکه مصالح بنائی ترقی نموده و قیمت اجناس خارجی نیز بمناسبت افتادن پول نقره در برابر اسعارخارجی افزایش یافته ولی این حرفها هیچکدام دلیل نیست و پیشرفت نخواهد داشت زیرا مادام که تغییری درحقوق داده نشده وعایدات مردم زیادتر نگردیده استعداد وتوانائی بیشتری واگذار آنچه اکنون مردم میپردازند نمیتوان درآنها سراغ داشت بنابراین بهتر است صاحبان املاک و مستغلات بانصاف این مسائل را مورد توجه قرار دهند وبدانند یک مستخدم با چهل پنجاه تومان حقوق خود نباید بیش ازچهار و پنج تومان حقوق خود را بابت کرایه خانه بدهد نه بیست وبیست و پنج تومان !

شاه فقید و اعزام ولیعهد باروپا ـ باوجود دلبستگی شدیدی که اعلیحضرت فقید والاحضرت ولیعهدداشت معهذا قبول کرد که فرزند دلبندخودرا برای تحصیل باروپا اعزام دارد . این تصمیم روز ۱۵ شهریور ۱۳۱۰ انجام یافت ، درساعت چهار بعدازظهر آنروز کشتی جنگی شوروی که دولت مخصوص این مسافرت فرستاده بود درمیان تشریفات بسیار واحترامات نظامی که ازطرف گارداحترام ایران و گارداحترام شوروی که اعزام شده بود ساحل بندر پهلوی را ترک گفت وعازم باکو شد وشاه فقید تاوقتی کشتی جنگی حامل ولیعهد ازنظر ناپدید شد ساحل دریا را ترک نکرد وهمچنان کشتی را نظاره میکرد وسپس بدون توقف دربندر پهلوی بصرف استراحت برای سرکشی عزیمت نمود .

مرحوم تیمورتاش وزیر دربار ، مرحوم دکتر مؤدب‌الدوله نفیسی پیشکار ، همراهی والاحضرت عزیمت نمودند . آقای باقر کاظمی سفیر کبیرایران درمسکو با کشتی مخصوص باستقبال والاحضرت به بندرپهلوی آمده بود و طبق اطلاعی که بمقامات رسمی داده شد دولت شوروی وعده داد که بمناسبت عبور ولیعهد ایران از داخل خاک شوروی کلیه محبوسین ایرانی را که بموجب حکم محاکم شوروی زندانی هستند آزاد نماید و روزنامه اطلاعات ازوصول این خبر اظهار خوشوقتی نمودو نوشت که این اقدام در تشیید روابط دوستانه مملکتین تأثیر بسزائی خواهد داشت.

دو روز قبل ازحرکت : درکاخ سعدآباد مراسمی بمناسبت مسافرت ولیعهد ایران قبل ازحرکت ازپایتخت انجام یافت که هیئت دولت ونمایندگان مجلس ورجال والاحضرت را ملاقات وخدا حافظی نمودند .

از جمله دستجاتی که درآنروز درسعدآباد حضور یافتند رجالی بودند که بین آنها مستوفی‌الممالک، مؤتمن‌الملک مشیرالدوله ،وثوق‌الدوله، فرمانفرما ، قوام‌السلطنه دیده میشدند که درضمن شرحی که ازجانب مرحوم مستوفی اظهارشد نسبت به مسافرت والاحضرت اظهار مسرت گردید و درپایان مراسم اعلیحضرت فقید حضور یافت ومرحوم مستوفی شرح مختصری دایر بلزوم و اهمیت مسافرت والاحضرت ولیعهد باروپا و فداکاری که اعلیحضرت فقید بافرط علاقمندی بوالاحضرت ازلحاظ وطن ومملکت میفرمایند ابراز مسرت وخوشوقتی نموده وعلاوه نمود که عموم ملت این تصادف مهم ومسافرت والاحضرت را با حسن توجه وشادمانی مخصوص تلقی مینمایند .

مرحوم حاج امین‌الضرب هم ازجانب بازرگانان و اصناف مسافرت ولیعهد ایران را تبریک گفت

بروید خدا نگهدار شما : اطلاعات در سرمقاله ۲۳ شهریور ۱۳۱۰ بمناسبت اعزام چهارمین دسته‌صد نفری محصلین اعزامی باروپا نوشت : آقایان محصلین، خاطره‌های ساعت آخر مسافرت خود را همیشه در نظر داشته باشید صدا

های ارزان مملو از محبت مادران و خواهران خود را بخاطر بسپارید و بدانید وقتی بهترین ثمره عمر وجگر گوشه های خود را برای یک مدت طولانی بدست خدا وطبیعت می‌سپردند خود را تسلی میدادند باینکه شما میروید صاحب کمال معرفت ، دانش، صنعت و حسن اخلاق شوید ، شما میروید سعادت آتیه خود و خانواده و در نتیجه وطن خود را تامین نمائید و انتظار ما نیز این است که سوقاتهای خوب از دنیای علم و صنعت برای وطن بیاورید . انتظار جامعه اینست که از بوستان علم ومعرفت گلهای زیبا و قشنگ بچینید و درخوشه چینی خود دقیق باشید مبادا علف های هرزه همراه بیاورید . بروید خدا نگهدارشما .

اول تصدیق صدور بعد جواز ورود : ۲۳ شهریور ۱۳۱۰ مرحوم یاسائی رئیس کل تجارت بتجار تهران و ولایات اخطار کرد درخواست جواز ورود اجناس مجاز بشرط منضم بودن بتصدیق صدور پذیرفته خواهد شد ودرخواست هائی که تصدیق صدور غله (گندم وجو) ضمیمه آنها باشد همه وقت پذیرفته شده وجواز خارج از میزان سهمیه داده میشود.

این تصمیم اداره کل تجارت نشان میداد که دولت در قبال ترقی اسعار خارجه جداً صادرات کشور را حمایت میکند و از واردات حتی المقدور بنفع صنایع داخلی میکاهد بعلاوه مقادیر زیادی گندم وجو موجود است که برای تشویق مردم بصادرات این جائزه را معین کرده‌اند که درمقابل صدور غله تجار بتوانند خارج از نوبت و خارج از سهمیه جنس وارد کنند .

روزنامه اطلاعات درباره تشویق صادرات نوشت: «ما باید سعی کنیم عرضه وتقاضای خودرا درجهان تعدیل کنیم وهر قدر اسعار بدست میآوریم بهمان اندازه ازخارج خرید کنیم تا بنیه مالی ملت تقویت گردد وزندگی طبقات تولید کننده ایران بهبودی حاصل کند.»

بعدها بتدریج موضوع صدور مواد ایران کسب اهمیت نمود و بسیاری از مواد فلاحتی که درهیچ تاریخی صادرات نداشت دراثر تشویق دولت بوسیله تجار درنقاط مختلف جهان بازار پیدا کرد واقلام درشتی درتجارت خارجی کشور بوجود آمد واگر بعضی از صادر کنندگان درمقام سوء استفاده نمی‌افتادند وباقسام حیل متشبث نمیشدند که جیب خود را پر کنند واز قوانین بر پیچ وخم فرار نمایند ومیگذاشتند که نقشه های اصلاحی باحسن نیت خارج از سوء استفاده پیشرفت کند وطرحهای اولیه اقتصادی باحسن جریان جلو میرفت وضع تجارت خارجی کشور بصورت تاسف‌آور امروزی دوچار نمی گردید، تجارت وصنعت وفلاحت پابپای هم ترقی می نمود ولی متاسفانه نشد و در حال حاضر آنقدر اوضاع تجارت وصنعت وفلاحت درهم ریخته وازهم پاشیده شده است که اگر فکر اساسی نشود بورشکستگی وفنا خواهد کشید.

پیش بینی ژنرال لودندرف — این ژنرال معروف آلمان جنگ بین‌المللی دوم را درسال ۱۹۳۲ پیش بینی کرد وتفصیل آن درشماره ۱۴۱۹ اطلاعات انتشار یافت که خلاصه‌ای از آن نقل میشود :

«من جنگ بین‌الملل اول را چندسال قبل ازوقوع اطلاع دادم وحالا هم وقوع جنگ مهیب‌تر ومخوف‌تری را اطلاع می‌دهم که تمام پریشانی ومصائبی که درتاریخ زندگی بشریت گردیده است ازیاد مردم خواهد برد — هیتلر درسال ۱۹۲۹ دریکی ازجراید نوشت « ایتالیا درجنگ آینده دشمن فرانسه خواهد بود وما باید با او متحد شویم» این گفته هیتلر گودال عمیق انقراض واضمحلال را درزیر پای ما حفر میکند وبعقیده من میدان‌های جنگی که سایه حمایت کلیسای رم برآن نمی‌افتد، میدان نهائی خواهد بود که ملت آلمان درآن محو ونابود می‌شود ومملکت آلمان بکلی ازبین خواهد رفت .

موسولینی درموقع بروز جنگ قادر نیست بیش ازپنج میلیون نفر سرباز تجهیز کند درصورتیکه دشمنان او قادر بتجهیز هفت میلیون و ۲۵۰ هزار نفر سرباز هستند باستثنای دولتین لهستان ورومانی، صحیح است که موسولینی ازحیث استحکامات لشکری درشمال شرقی مملکت نقشه های صحیح ریخته لکن وضعیت داخلی ایطالیا مورد کمال توجه میباشد زیرا اکثریت ملت بارژیم فاشیست مخالف‌اند .

دول امروز طیارات جنگی را باندازه‌ای تکمیل نموده‌اند که میتوانند دراراضی دشمن بمسافت صدها کیلومتر راه میدانهای جنگ را تشکیل دهند. استعمال بمب وگاز خفه کننده ازهمان روز های اول جنگ قیافه مخوف و وحشت‌انگیزی بمیدان‌های جنگ میدهد، زره پوشهای سریع‌السیر که روزی دویست کیلومتر راه می پیمایند نیز رل مهمی را بازی خواهد نمود.

ماشین نویسی از چه تاریخ شروع شد : آقای علی وکیلی در گزارشی که در روزنامه اطلاعات در شماره ۵ مهر ۱۳۱۰ چاپ شده مینویسند : «مشاهده خطوط تحریری مختلفه زبان فارسی واشکال خواندن تحریرات دستی واهمیت تحریر با ماشین که دردنیای متمدن معمول گشته درپنج سال قبل مرا برآن داشت که اقدام به تهیه و

ورود ماشین‌تحریر نمایم لکن با وارد کردن ماشین مقصود اینجانب که عبارت از خوانا کردن مکاتبات بود عملی نمیشد بااینجهت بتشکیل یك کلاس ماشین نویسی مجانی اقدام کردم و بعدها دراثر تشویق من بتدریج کلاسهای ماشین نویسی دیگری دایرشد ورغبت مردم بفرا گرفتن فن ماشین نویسی زیادشد و اکنون عده زیادی ماشین نویس تعلیم یافته اند . »

زیان پولی ملت ایران ــ درسرمقاله ۷ مهر ۳۱۰ بمناسبت منع صدور طلا از انگلستان وسقوط قیمت لیره ووجود مبالغی ازسرمایه بانك ملی درلندن آقای مسعودی مینویسد : « اشتباه بزرگی است اگر تصور کنیم که لیره فقط درمقابل قران ونقره موقعیت خودرا ازدست داده بلکه دربرابر طلا ونقود خارجی نیز تنزل نموده در این صورت باید تکلیف ذخیره‌هائی که دولت دربانك‌های لندن دارد روشن کرده، موقعی که دولت لیره شش‌تومانی در بانك‌های لندن نداشت نرخ دولار و فرانك وسایرنقود خارجی هم درمبادله باقران اینطور نبود. یعنی اگر ٦ تومان برای یك لیره میدادیم درمقابل همان شش تومان ٥ دولار بما میدادند ولی حالا اینطور نیست ودولت انگلستان نباید راضی شود که ذخیره ملی ایران دستخوش زیان گردد دولت باید درمقام حفظ ذخیره طلای خود دربانك های لندن باشد زیرا این یك سرمایه ملی است، سرمایه‌ایست متعلق بملت ایران که اساس وپایهٔ واحد پول خود بوده وبدون کسر ونقصان باید بکشور عودت گردد .

درچندشماره بعد اظهارات اسنودن وزیر مالیه انگلیس در این مورد چاپ شد که رفع نگرانی نمود از اینقرار : « لایحه منع صدور طلا بر واردات وصادرات طلا یا آزادی ترانزیت طلائی که ممالك خارجه دربانك انگلیس یا بانکهای دیگری انگلستان بامانت گذاشته‌اند هیچگونه تضییقی تحمیل نمیکند علاوه براین تعهدات اسعار خارجی تماماً در رأس وعده انجام داده خواهد شد. »

فقط در ..... ادا خواهد شد : بانك‌شاهی برای جمع آوری اسکناسهای قدیم خود اعلان نمود که مردم تا تاریخ آذر ۳۱۰ باید بشعبه صادر کننده بانك که اسم آن شعبه روی اسکناس قیدشده برای دریافت وجه مراجعه کنند .

روی اسکناسهای قدیم قیدشده بود فقط درفلان شهر ادا خواهد شد . این قید سبب شده بود که اسکناس یك شهرستان در شهرستان دیگر صرف برمیداشت وموضوعی برای دخل بود اطلاعات درشماره ۱۵ مهر ۱۳۱۰ نوشت این عمل صرافی باید موقوف گردد، بانك‌شاهی حق ندارد درموقع جمع آوری اسکناس این قیدوشرط را که وسیله سوء استفاده است موضوع مبادله قرار دهد .

در اثر این اعتراض سخت. بانك‌شاهی اطلاع داد که با وجود اشکالاتی که درعمل ممکن است تولیدشود ازنظر تسهیل کار مردم قبول مینماید که اسکناسهای قدیمی را بهر شعبه مراجعه کنند همان شعبه قبول نموده و بدون کسر و صرف وجه آنرا بپردازد .

مرگ ادیسون: اطلاعات درشماره ۲۷ مهر ۳۱۰، بمناسبت درگذشت ادیسون نوشت:

« بقدری نام ادیسون مرادف بااختراعات وصنایع امروزه برده شده است که در دنیا همه کس اورا میشناسد وبادیده احترام باو مینگرد. ادیسون درسن ۱۵ سالگی وارد اداره تلگرافخانه یکی ازشهرهای امریکاشد ودوسال بعد موفق باختراع تلگراف دوبلکس گردید وبعدها وارد تحققات درالکتریسته و رادیو شد و دنبالهٔ اختراعات خود را در اطراف برق ادامه داد و امروز عالم بشریت مدیون اواست و اختراعات او نام ادیسون را زنده وجاویدنگاه خواهدداشت . »

بنابتقاضای مستر هوور رئیس جمهور امریکا درساعت ۱۰ شب روزی که ادیسون فوت نمود (۱ اکتبر ۱۹۳۱) کلیه چراغها درامریکا برای یکدقیقه بپاس احترام ادیسون خاموش گردید ــ چراغ مجسمه آزادی درنیویورك نیز برای اولین بار یکدقیقه خاموش گردید.

والدورف آستریا: درشماره اول آبان ۳۱۰ خبر افتتاح مهمانخانه بزرگ والدورف آستریا در نیویورك جلب توجه میکند، این همان مهمانخانه عظیمی است که بمنزلهٔ یك شهر بشمار میرود واعلیحضرت همایونی در مسافرت خود بامریکا درآنجا منزل داشتند.

خلاصه خبر مزبور اینست : بزرگترین مهمانخانه دنیا بنام والدورف آستریا با نطق افتتاحیه مستر هوور رئیس جمهور که بوسیله رادیو پخش شد گشایش یافت شش هزار نفر در جشن افتتاح مهمانخانه شرکت داشتند مخارج ساختمان آسمان‌خراش ٤۸ طبقه مهمانخانه از ۸ میلیون لیره تجاوز کرده است .

مردم همان مردمند یا عوض شده‌اند صورتاً تغییر فاحشی در وضع مردم دیده میشود ولی باید

تصدیق کرد که بدبختانه اخلاق اجتماعی ما نه فقط بشکل سابق باقی مانده بلکه در پارهٔ از مفاسد اخلاقی بدتری شویم. چندشب پیش درتاتر زردشتیان نمایش یوسف وزلیخا بود. بااینکه چندشب متوالی است این تاترادامه دارد معهذا جمعیت پشت در هجوم آورده بود وهنگامی که بازیکنان روی سن بودند نا گهان در ودیوار رامردم خراب کردند و وارد محوطه نمایش شدند.

سپس روزنامه درمقاله دوم آبان ۳۱۰ مینویسد: روز گاری هم بود که همین حکایت یوسف وزلیخارا بصورت شبیه خوانی در تکیه دولت نشان میدادند بااین تفاوت که بجای مشهدی حسین کاشی آن روز، امروز مادموازل لـرتا بازی میکند ولی وضع اخلاقی مردم فرق نکرده همان است که بود، آنروزهم درتکیه دولت مردم هجوم می آوردند وهرشب چندتن مجروح میشدوبچه خفه می کردید امروز هم مردم درو پیکر رامی شکنند. سابقاً وسایل تفریح مردم نقالی درقهوه خانه ها، معرکه گیری، مار گیری دراویش، در گوشه و کنار میدانها و سر گذر ها بود، حالا بجای آن سینما وتاتر پیدا شده اماروحیه مردم عوض نشده، اخلاق همان است که بود واین موضوع شایسته توجه وعنایت است محتاج به توجهی است که بخصوص ازطرف آقایان علماء ووعاظ و دانشمندان مملکت بوسیله وعظ وخطابه وانتشار کتب و رسالات باید بشود ومردم رابراه راست هدایت وراهنمائی کنند.

نواقص اخلاقی بسیار دیده میشود ضعف و سستی در ایمان و اعتقادات مذهبی ووظیفه ناشناسی در مردم زیاد مشاهده میگردد، نوع پروری و معاضدت وهمکاری درمردم دیده نمی شودوحالا که قدمی در تحول زندگی میگذاریم باید این تحول بر اساس اخلاق مستحکم شود وپیش رود والا نه فقط سود نخواهدداشت بلکه زیـان بخش میگردد.

البته ما بوظیفه خود رفتار می کنیم، بدی هارا تقبیح میکنیم و خوبی ها را تبلیغ وتشویق می نمائیم ولی کافی نیست و سنگینی این تکالیف متوجه علماء و دانشمندان و وعاظ محترم و بالاخره نویسندگانی است که میتوانند از راه نطق و خطابه و کتاب ومقالات، مردم را بوظایف اجتماعی و اخلاقی خودآ گاه وروشن سازندواین کاروان سر گردان و گمراه رابراه راست و حقیقی هدایت وراهنمائی نمایند.

بحث در باره راه آهن سراسری - درجلسه دوم آبان ۳۱۰ هنگامی که اعتبار سه میلیون ونیم تومان از محل عایدات قند وشکر برای خرید مصالح و مخارج ساختمان راه آهن درمجلس مطرح بود مرحوم ارباب کیخسروشاهرخ گفت: مقدمتاعرض میکنم اعلیحضرت همایونی درموقعیکه حسب الامر دریک قسمت کارراه آهن رسیدگی میکردم ببنده فرمودند، «ارباب متوجه باش دینار دینار پولی که ازمردم گرفته میشود باید مجدداً تمام صرف آسایش خودآنها بشود.» ازاینجهت توضیح میخواهم که آقای وزیر دارائی بگویند اولاخط آهنی که دولت درنقشه معین نموده دارای چقدرمسافت وچه مبلغ مخارج است ثانیا معلوم کنند پول آن رابچه ترتیب تامین خواهند کرد و کی تمام میشود؟ آیا کافی است که در کتابچه عبرسمی که بدست ماداده شده قید گردد حد اقل مخارج از قرارفرسخی سیصدهزارتومان تخمین شده بعلاوه معلوم نیست کدام رابردیگری ترجیح داده اند، بعلاوه در نظراست کارخانه ذوب آهن ساخته شود چهارمیلیون ونیم تومان اعتبارازمحل قندوشکر برای ذوب آهن تخصیص داده خواهد شد. آیااین اعتبارات تامین میشودیانه؟

آقای تقی زاده وزیرمالیه درجواب ارباب کیخسرو گزارش جامعی از چگونگی ساختمان راه آهن سراسری ایران باطلاع مجلس رسانیدند.

راه آهن حضرت عبدالعظیم: در تاریخ ۲۶ آبان ۳۱۰ اطلاعات درباره راه آهن حضرت عبدالعظیم و فشار و زحمت مردم در اطاقهای دربستهٔ گار نوشت که درهیچ جای عالم دیده نشده که اطاقهای گار راه آهن را بروی مسافرین ببندند وآنهارا دریکجا محبوس سازند تا ترن برسد و بعددرراباز کنندو دوباره بازمردم را بحبس بیاندازند اطاقها برای توقف و استراحت مردم است نه برای زندانی کردن آنها، مردم میل دارند روی سطحه گار قدم بزنند تا قطار برسد یا داخل اطاقی بنشینند نباید آنهارا زندانی کرد، متاسفانه در اینجا علاوه بر زندانی کردن میله های آهن هم تتبع کرده اند که ازفشار جمعیت جلوگیری نماید و اینعمل بعینه شبیه بقفسی است که حیوانات رادرآن محبوس میسازند و وادارمیکنند که از سرو کول یکدیگر بالاروندوهنگام باز شدن درآنقدرفشار بیاورند که احیانا خردسالان و پیران زیر دست وپابروند.

از آن پس این عیصه مرتفع گردید وطبق دستور اداره نظمیه باداره راه آهن اخطار گردید که باید وضع گذشته را فراموش کند و بمردم آزادی و راحتی بدهد و از بستن در های اطاق انتظار خودداری نماید و این کار عملی گردید.

مسعودی در کالج البرز — بر حسب دعوت آقای دکتر جردن مدیر کالج امریکائی روز ۱۶ آذر ۱۳۱۰

آقای عباس مسعودی در تالار سخن رانی کالج البرز برای محصلین کالج صحبت نمود. ایشان نطق خود را در اطراف سعی و عمل و پشتکار و ایمان و عقیده ایراد نمود. ابتدا گفت از من انتظار نداشته باشید مثل یك ناطق خوش بیان صحبت کنم چون اولین دفعه ایست که در یك مجلس عمومی باحضور جمع نشیری از جوانان تحصیل کرده حرف می زنم و میخواهم با بیان خیلی ساده و خالی از فلسفه و عبارت پردازی در اطراف بعضی از مسائل اجتماعی و چیزهائی که هر روز باآن مواجه هستیم صحبت کنم . سپس آقای مسعودی اظهار نمود: ای جوانهائی که فردا وارد مرحله زندگی اجتماع میشوید بیائید تصمیم بگیرید هریك بسهم خود وظیفه خویش را در راه آبادی و ترقی و اصلاح خانه ای که در آن زندگی می کنید ادا نمائید از حالا خود را آماده کار و سعی و عمل سازید، روح صداقت و صمیمیت را در خود تعمیم دهید، در زندگی منتظر نباشید کسان دیگری بیایند و زیر بغل ما را گرفته ما را بلند کنند این را بدانید که ممکن است سعادت موقتی در اثر کمك دیگران برای دسته و قومی حاصل شود ولی این خوشبختی ساختگی است و از معنا و حقیقت دور میباشد و بزودی زائل و برطرف می گردد شماها باید با ایمان راسخ و عقیده متین روی اتکای بنفس و اصل تعاون و وظیفه شناسی و نوع پروری قدم بمرحله زندگی بگذارید تا موفق بتامین سعادت خود و خدمت بخلق شوید.

شما ای جوانانی که فردا وارد اجتماع می شوید و مرحله مهم زندگی را شروع می کنید بدانید اکنون بر سر دو راهی قرار گرفته اید، آن راهی که شما را براستی و درستی و صمیمیت و علاقمندی بوطن و هموطن سوق میدهد انتخاب کنید تا رستگار و موفق شوید . من معارف و علم و دانش تعظیم و تکریم می کنم ولی تربیت را مهمتر از علم و دانش میدانم . مضراتی که از یکنفر عالم بدون عمل، عالم مغرض، عالم بداخلاق عالم بی حمیت و ناصالح متوجه مملکت می شود بمراتب بدتر از مضراتی است که از یك جاهل بداخلاق و بدطینت و مغرض و مفسد وارد میشود، زیرا عالم بداخلاق و بی ایمان برموز کار آشنا شده، در جامعه بیشتر نفوذ و رسوخ یافته، راه تقلب و حیله و تزویر و راه اعمال سوء نیت را خوب بلداست و زودمیتواند برمردم جاهل تسلط پیدا کند و حقوق جامعه را تضییع نماید (چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا) . سعادتمند ملتی است که واجد معرفت و دانش توام با تربیت باشد .

معارف مردکار تربیت نمیکند : آقای مسعودی در دنبال سخن رانی خود در کالج گفت . متاسفانه باید اعتراف کنیم که معارف و مدارس ما هنوز برای تربیتی که محتاج هستیم آماده نیست زیرا می بینیم الان هم منتها آمال و آرزوی یك جوان تحصیل کرده این است که یك میز خالی در ادارات پیدا کرده و خود را بجامعه تحمیل نماید .

این دسته از جوانان تحصیل کرده ای که خود را در برابر زندگی و محیط عاجز فرض کرده و برای گرفتن یك پست سی و چهل تومانی این در آن در میزنند ، پیش این و کیل و آن وزیر و آن متنفذ میروند کسانی هستند که معتمد و متکی بنفس تربیت نشده اند ، روح منشنج و متزلزل و ترس و وحشت آن ها را فراگرفته، از ترس تلاش می کنند پایه میزی را بچسبند و آتیه خود را تاریك و خراب کنند غافل از اینکه پس از گذشتن چندسال افراد اداری بار می آیند که راه پس و پیش ندارند و دیگر از آنها کاری ساخته نیست . البته من منکر وجود عناصر خوب و شریف در ادارات نیستم ولی اینهم زندگی نشد که هر کس از مدرسه بیرون آید راه ادارات را پیش گیرد پس کار این مملکت را کی باید انجام دهد و بعلاوه سر انجام این سیلی که بطرف ادارات از دیپلمه ها سرازیر شده چه خواهد بود ؟

آقای مسعودی در پایان سخنرانی خود گفت میخواهم برای شما ای جوانانی که امید آینده مملکت هستید بگویم امروز شما بادنیائی روبرو هستید که در راه صنعت و اختراعات و اکتشافات ترقیات عظیمی کرده اند و با قدرت و نیروی عقل و ایمان بسوی سعادت قدم بر میدارند در چنین روزگاری تعلیمات بدون تربیت حقیقی، بدون داشتن قوای ابتکار و سعی و عمل و پشتکار بی اثر خواهد بود، پس با ایمان و عقیده پاك قدم بمرحله اجتماع بگذارید ، تربیت عملی و روحی و اخلاقی مدرسه را باخلوص نیت در طی معلومات اخذ و کسب نمائید تا در زندگی راست و رستکار شده و برای خود و جامعه که تمام انتظاراتش بشما است مردمانی مفید بوده سعادتمند شوید و در ترمیم و اصلاح خانه خود با کمك یکدیگر موفقیت نام داشته باشید.

مجلس آتش گرفت عجله کنید: این فریادی بود که تلفنچی مجلس پای تلفن باداره اطفائیه و اداره

بقیه و اثاثیه و کفنوزهنه جامیکرد و همه رابکام میکشید

یکساعت ونیم بظهر روز ۱۸ آذر ۱۳۱۰ آتشی که زیرشیروانی‌های اطاق جلسه خصوصی خانه گرفته بود یکمرتبه زبانه کشید و تا نهان همه جارا گرفت و میرفت تالار بزرگ جلسه عمومی مجلس‌رابگیرد که همه ریختند و از وسط‌عمارت را خراب کردند و نگذاشتند آتش بآن‌قسمت سرایت کند اما اطاق قشنگ آئینه مجلس که پشت جلسه خصوصی و سرسرا واقع‌است دستخوش حریق‌شدفقط توانستند اشیاء نفیس و تابلوهاراخارج کنند ولی فرش‌ها و چراغ‌ها و پرده ها و اثاثیه دیگرجلسه خصوصی‌وسرسراوتالارآئینه سوخت.

حریق درموقعی حادث شد که نمایندگان درجلسه‌خصوصی‌اجتماع داشتند ومرحوم کازرونی مشغول‌صحبت در دراطراف‌لوایحی که‌دولت میخواست بمجلس تقدیم کند بود، حریق ازلوله بخاری‌اطاق‌مجاوراطاق‌جلسه خصوصی حادث شد که شعله‌آتش بخاری تیرهای‌شیروانیرا سوزاند وبسایرقسمتهاسرایت کرد.

پنج روز بعد ازحریق وسایل تشکیل جلسه درتالار بزرگ فراهم گردید ولی چون سرسرا واطاق‌های تنفس سوخته بود و کلا دراطاقهائی که برای‌تماشاچیان‌تهیه شده بوداستراحت میکردند وازهمان‌در ورودتماشاچیان داخل مجلس میشدند.

قالی‌بافی‌درایران: اقای مسعودی درطی مقاله مبسوطی (۲۲آذر) وضعیت قالی‌بافیرا در ایـران مجسم نموده وزندگی رقت انگیز کارگران‌قالیباف‌راتشریح کرده مینویسد این‌صنعت برای کشور ایران‌مفیدنیست‌و دسترنج اطفال معصوم وکارگران ایرانی درمقابل ثمن بخس مبادله می‌شود واگر عایداتی‌هم ازاین راه حاصل‌شود همانست که شرکت‌ها ویا بازرگانان خارجی واحیانا تجار ایرانی می‌برند والا بدست صاحب کار گاه چیزی عاید نمی‌شود وزحمات بافندگان بهیچوجه منظور قرار نمی‌گیرد . مخمل باف یعنی بافنده بهترین قالی‌های مشهد دیریا زودمی‌میرد واین‌صنعت ظریف‌راباخود خواهدبرد.بروید وضع زندگی‌این هنرمند را ببینید تا متوجه شویدچگونـه عمر عزیزهنرمندان کشور ازبین میرود. بیشتر صاحبان کارگاهها قالیرا ازروی‌استیصال‌روی‌دستگاه نیمه‌کاره‌میفروشند زندگی کارگران هم برهمه روشن است که درچه سرداب‌ها وزیرزمین‌های مرطوب تاریك بسر می‌برند و مسلول و کور می‌شوند و حالاهم‌که رفورم شده تازه از صحت و تندرستی دور است بعلاوه مگر چه مزد می گیرند، اینهم شدکار!

پس بیائید قالی بافی رامحدود کنید و ارزش آن‌را بالا ببرید، زیراقالی‌دست‌بافت ایران رقیب ندارد، قالی های ماشینی کشورهای دیگر که اکنون سخت رقابت میکنند بالاخره نخواهد تـوانست بازار این صنعت ظریف دستی راازبین ببرد ، باید قالی‌بافی را کم کرد تاازیکطرف‌قیمت بالا رودوازطرف دیگر دولت بتواند صاحبان کارخانه راملزم سازد مزدکافی بدهند ولانه وسرداب‌ها راخراب کنندومحل هائی روی اصول‌صحی بسازند وباین‌وسیله جان دهها هزارنفر دختر وپسر وجوان بیگناه محافظ وحراست گردد.

ماالتزام نداده‌ایم که‌قالی درمقابل جان افراد ونفوس این‌مملکت‌بافته‌شود، صاحبان دستگاه باید موجبات رفاهیت کارگر رافراهم آورند وبهرقیمت که‌قالی برای آنها تمام‌میشود دربازار عرضه کنند اگر فروش‌نرفت ازدستگاههای خود کم کنند تادرنتیجه قلت کارقیمت بالارود وبالاخره اگرقالی‌منفعت دارد بشرطزندگـی خوب کارگر باین شغل باید ادامه داد والا باید حتما آن‌را بتدریج کنار گذاشت و صد ها حرفه و صنعت دیگر در مملکت هست که‌میتواند جانشین قالی بافی شود.

برنج کاری گیلان ــ مرحوم محمودرضا طلوع نماینده سابق مجلس شورایملی که از عناصر شریف آزادیخواه بودند درشماره ۱۵آذر ۳۱۰ اطلاعات پیرامون برنجکاری گیلان مقاله‌ای‌انتشار داده‌اند که مقدمه آن چنین شروع میشود:

بااینکه مدتیست بواسطه کسالت مزاج در گوشه‌ای‌منزوی وبکنجی‌نشسته صم‌بکم ولی وضع برنج‌کاری گیلان وصدماتی که ازاین راه برساکنین این منطقه وارد میآید مرا وامیدارد در اطراف‌آن مطالب لازم را بنویسم و گوشزد همشهریهای عزیز خود نمایم که زراعت برنج گذشته ازاینکه مضر بحیات عمومی وبواسطه اراضی باتلاقی مامن و مأوای پشه‌های مالاریائی است اساسا یك فلاحت پرزحمت ورنج ومریض کننده و کم دخل است که‌ازحیث عایدات نسبت بعایدات چائی و ابریشم که از مختصات این منطقه است قابل مقایسه نمیباشد واگر تلفات‌مردم را که بیشتر براثر زراعت برنج متوجه زارعین بدبخت میشود بحساب بیاوریم خواهید دیدکه هرچه زودتر مالکین باید در تبدیل زراعت برنج بکنف ـ ابریشم وچائی وسایر نباتات مفیدی که در گیلان عملی آید اهتمام نمایند.

دوره‌های بحران اقتصادی دنیا: در سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱ میلادی) بحران اقتصادی سراسر جهان را فرا گرفته بود بطوریکه هر روز چندین بانک در اروپا و امریکا ورشکست میشد. در این موقع دولت انگلستان برای بهبود وضع تجارت خود لیره را که تا آن موقع محکمترین پول های دنیا بود تنزل داد

روزنامه اطلاعات در سرمقاله ۹ آذر ۱۳۱۰ خود چنین مینویسد:

اخباری که از خارجه میرسد اوضاع اقتصادی عالم را روز بروز وخیم‌تر نشان میدهد و تمام ملل را غرق دریای بهت و حیرت ساخته و از عاقبت این بحران بکجا خواهد کشید آتشی که اکنون در چند نقطه اروپا روشن شده دورنمای بسیار تاریک و عواقب خطیری را نشان میدهد. آتش بحران مزبور که در بسیاری از ممالک زیر خاکستر خانه کرده بود و دیپلماسی اروپا و تدابیر متعدد امور مانع از این بود که قشر نازک خاکستر کنار رفته و شعله آتش دیده شود بالاخره فشار اقتصادی، موقعیت سخت دولتها پرداخت غرامات کمرشکن، دیپلماسی آلمان را در درجه و ردیف اول زبون ساخت و یکدفعه آتش بحران اقتصادی از زیر خاکستر زبانه کشید و خود را بعالمیان نشان داد و بلافاصله اثرات سوء خود را بخشید زیرا سایر ممالک عالم دیگر نتوانستند این آتش را زیر خاکستر مخفی ساخته و از ابراز آن خودداری کنند. هیچ کس باور نمیکرد که مملکت باعظمت و معتبر انگلستان وضعیت اقتصادیش اینطور سست و پوشالی باشد که یکمرتبه با اعتبارات و حیثیات خود پشت پا زده ورشکستگی خود را اعلام دارد.

این پیش‌آمد نشان داد که اوضاع اقتصادی انگلستان بقدری خراب است و فقر و بدبختی طوری باین مملکت استیلا یافته که جز زیر پا گذاشتن شئون و حیثیات و اعتبارات خود و در نتیجه لطمه وارد ساختن بحقوق و سرمایه‌های سایر ملل و ممالک چاره نداشت.

انگلستان تنها به تنزل نرخ لیره اکتفا نکرد و برای اصلاح وضع علنی‌شده و روی آب افتاده خود شروع به تشبثاتی کرد و منجمله برخلاف جریان گذشته خود و معاف بودن اجناس ورودی از حقوق گمرکی درصدد وضع عوارض غیرقابل تحملی برآمد تا در نتیجه از واردات مملکت کاسته و از سیل ورشکستگی و خرابی اوضاع تجارت داخلی جلوگیری نماید.

روزنامه اطلاعات در خاتمه اینطور مینویسد

تجسم منظره کنونی اقتصادی عالم و نشان دادن تابلوی بحران نامانوس کنونی وسعت و پائی که هر یک از دول دنیا برای خلاصی و رهائی خود از این مرض مسری و آتش روشن‌شده مینمایند برای این است که زمامداران و عناصر اقتصادی مخصوصا مؤسسات تجارتی و آقایان تجار محترم بیشتر مراقب بوده و اوضاع دنیا را در نظر بگیرند و آتیه را پیش بینی و فکر نمایند و تحکیم مبانی اقتصادی و تجارتی مملکت باشند بدیهی است تنها ممالکی میتوانند خود را از این وضعیت خطیر کنار کشیده و تا حدی مصون بمانند که دولت و ملت شان دست بهم داده با تشریک مساعی و وحدت فکر قدمهای محکمی در راه اصلاح وضع داخلی خویش و تامین احتیاجات خارجی بردارند.

تا نگاه بد طفل گی نوشته اند: مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی در شماره ۳ و ۵ آذر ۱۰ مقالاتی پیرامون تشکیل نمایشگاه بین المللی اطفال در بروکسل که خود ایشان بسمت نمایندگی ایران از جانب وزارت فرهنگ شرکت داشته‌اند نگاشته که بسیار جالب توجه میباشد ازجمله تحت عنوان بالا می‌نویسند: مادران و دایگان مادر اشتباه بزرگی هستند، تصور میکنند وقتی بچه گریه کرد شیر میخواهد و حال آنکه در دنیای امروز اطفال شیرخوار بوقت شیر میخورند بدون اینکه محتاج گریه کردن باشند و با تندرستی بزرگ میشوند بدون اینکه محتاج بدست و پا بستن و قنداق کردن باشند و خواب طبیعی میکنند بدون تریاکی شدن و کیف دادن بچه.

در این نمایشگاه که از چند کشور اروپائی شرکت کرده بودند اولیای اطفال شیرخوار و خردسال های خود را برای نشان دادن حسن پرورش بدنی و اخلاقی و تربیت مو و بازی و تعاون یکدیگر می‌آوردند و هر که جامع تمام صفات خوب بود جایزه اول را میگرفت.

مادران باشور و شعف یکی یکی گهواره متحرک را بدست گرفته وارد میدان بزرگ مسابقه میشدند هیئت داوران دور آن گهواره جمع شده صحت مزاج، نیکوئی رخسار، زیبائی مو، حسن لباس و ترتیب آرایش بچه را می دیدند نمره میدادند و میگذشتند.

آیا میتوان باور کرد که در ظرف دو هفته انعقاد نمایشگاه اطفال که چندهزار طفل شیرخوار و بزرگتر در آن فضا آمدند و رفتند و سیصد و بیست هزار نفر که طبق احصائیه صحیح تماشاچی وارد نمایشگاه شده در این مدت کسی صدای گریه یک طفل را هم نشنید

در نمایشگاه سال آینده بسمت طفل از ولادت تا چهارده سالگی توجه میشود ، در طی این نمایشگاه مسائل مهمی در تربیت اطفال روشن میگردد ، دستور العمل ها داده میشود وچقدر خوب بود کشور ایران هم در این نمایشگاه شرکت میکرد و از چگونگی تربیت بچه آگاه میشدند .

از بندر شاه تا علی آباد : ساختمان اسکله بندرشاه در آذر ۳۱۰ پایان یافت وراه آهن بعلی آباد (شاهی) رسید و اولین دفعه مسافرت شاه فقید از شاهی ببندرشاه با راه آهن انجام یافت وسپس بهره برداری شروع گردید و مردم مازندران و گرگان بوسیله راه آهن باهم رفت و آمد پیدا کردند.

روزنامه اطلاعات در مقاله دوم آذر ۳۱۰ مژدهٔ بهره برداری خط شمال تا علی آباد را بخوانندگان محترم داد واز اینکه ساعات حرکت قطار روی دقیقه معین گردیده باطرز فکری که تاکنون هموطنان عزیز در مسافرتها و معطلی وسایل نقلیه داشته اند مقایسه کرده و اظهار امید نموده است که رفته رفته وقت نزد ما قیمت پیدا خواهد کرد و این حرکت منظم ترین مسافرین مازندرانی واستر آبادی را بشناسائی وقت و ارزش کار آگاه خواهد ساخت.

انگلستان چرا از قالی ایران صدی پنجاه گمرک میگیرد ؟! – این عبارت ، زمینه و خلاصه مقاله مفصلی است که روز اول دی ۳۱۰ در ستون اول روزنامه بود و بدولت انگلیس اعتراض شده است که چرا قالی ایران را باز جزو دسته کالاهای تجملی بشمار آورده و گمرک آن را صدی پنجاه معین کرده است .

چند روز پیش از آن ، دولت انگلیس لایحه ای با قید دوفوریت بپارلمان برده و بتصویب رسانده بود که تعرفه گمرکی بعضی اشیاء تجملی و کالاهای تجارتی را ترقی میداد و بصدی پنجاه یعنی معادل نصف قیمت کالا میرساند. این تعرفه جدید علاوه بر قالی ایران که یکی از کالاهای عمده صادراتی کشور ماست شامل اجناس بعضی ممالک دیگر و مخصوصا فرانسه و آلمان و بلژیک که عطر و جوراب ابریشمی و پارچه های گران قیمت وغیره به انگلستان صادر میکردند میشد .

این دولتها بدولت انگلیس اعتراض کردند وروزنامه اطلاعات هم همان روز که جریان تفصیلی این تصمیم دولت انگلیس بطهران رسید سرمقاله خود را باین موضوع اختصاص داد واین تصمیم را غیرمنصفانه و مخالف روح تجارت آزاد معرفی کرد وجداً از دولت درخواست نمود که بادولت بریتانیا مذاکره کند ولغو این تصمیم را درباره قالی ایران درخواست نماید . اطلاعات دقیق این مقاله از مخبر مخصوص اداره در لندن رسیده بود.

روزنامه اطلاعات در این مقاله نوشت «... قالی ایران در دو سال اخیر در بازارهای اروپا و امریکا متاسفانه بیش از مقاومت خود لطمه خورده و صدمه دیده واینک هم وضع صدی پنجاه گمرک لطمه شدید دیگری بآن میزند و آزادی تجارت قالی را در لندن از میان میبرد.

اصولا قالی ایران در خود انگلستان چندان زیاد بفروش نمیرسد اغلب قالیهای ایران را که بلندن میرسد در آنجا شستشو داده و بوضع مرغوبی تمیز در میآورند و بسایر کشورها صادر میکنند چون لندن فعلا (در آن موقع) مرکز عمده معاملات قالی شده است اگر دولت انگلیس این گمرک سنگین را از قالی ایران بگیرد بازار فروش از دست میرود ولطمات جبران ناپذیری بصادرات فرش ایران وارد میشود ...»

روزنامه در پایان این مقاله پیشنهاد کرده بود که در انگلستان هم مانند آلمان از قالی هائی که از انگلستان بممالک دیگر فرستاده میشود گمرک اصلی نگیرند وفقط – همانطور که در آلمان معمول است – عوارض ترانزیتی دریافت کنند . در آلمان وقتی قالی وارد مرز میشود در دفاتر گمرکی ثبت میکنند وپس از شش ماه یا یکسال ببازرگانان صاحب قالی مراجعه مینمایند اگر آن قالی را در داخله آلمان بفروش رسانده است از او گمرک معمولی میگیرند واگر از آلمان بامریکا یا کشورهای دیگر فرستاده فقط عوارض مختصر ترانزیت دریافت و حساب گمرکی آن فرش را تصفیه شده تلقی میکنند .

مرگ واسموس نماینده قیصر آلمان – مخبر مخصوص روزنامه اطلاعات از برلین اطلاع داد که واسموس مشهور که در جنگ اول جهانی در ایران بود وبسمت قونسول آلمان در بوشهر اقامت داشت و با تبلیغات ماهرانه وفعالیت عجیب خود مزاحمت بزرگی برای انگلیسها فراهم کرده بود در برلن فوت شده است . واسموس در ایران شهرت فراوان داشت ودر خارج از ایران هم بمناسبت کارهای بزرگی که بافقدان وسایل کافی انجام داد مشهور شده بود . روزنامه اطلاعات واسموس را مانند لارنس مشهور معرفی کرد و عملیات ماهرانه او را در بوشهر و فارس که از طرف متخاصمین آنروز آلمان هم با اعجاب واهمیت خاصی تلقی میشد شرح داد که چطور واسموس بادست خالی و بتنهائی توانست عشایر جنوب ایران را برضد انگلیسها وارد جنگ کند . یکی از ابتکارات خاص واسموس که نمونه ای از هوشمندی و زیرکی اواست تشکیل دسته تبلیغاتی – حاجی ویلهلم – بود که شهرت میداد قیصر آلمان مسلمان شده و بزودی برای ادای فریضه حج عازم مکه معظمه خواهد شد .

آقای سید ضیاء الدین طباطبائی در کنگره عمومی مسلمین. در سال ۱۳۱۰ شمسی یك کنگره عالی اسلامی در فلسطین طبق خبر منتشره در اطلاعات منعقد شد که در ممالك مسلمان نشین مخصوصا ممالك عربی سر و صدای زیادی برپا کرد. از اغلب ملل اسلامی شرق و غرب دنیا نمایندگانی در این کنگره شرکت کردند که عموما دارای شخصیت برجسته و ممتاز بودند.

دولت ایران و دولت ترکیه بطور رسمی در این کنگره شرکت نکردند ولی آقای سید ضیاء الدین طباطبائی که از طرف مفتی اعظم فلسطین «رئیس و تشکیل دهنده کنگره» بطور رسمی دعوت شده بود در آن کنگره حضور یافت.

اعضای دیگر این کنفرانس عالی همگی از رجال عالی‌مقام روحانی و سیاسی و اجتماعی بودند که از جمله آنها میتوان مرحوم اقبال لاهوری شاعر شهیر پاکستان، شکری قوتلی رئیس جمهور اسبق سوریه، مرحوم شوکت علی قائد شهیر مسلمانان هند، عزام پاشا دبیر کل اتحادیه عرب، سید محمد رشید رضا شاگرد وفادار سید جمال الدین اسد آبادی، حاجی حسن نظیر پیشوای مسلمانان یوگواسلاوی، محمد علی حرمانی نماینده مسلمانان مقیم امریکای جنوبی، عبدالقهار نماینده مسلمین جاوه (اندونزی فعلی) را نام برد.

مفتی اعظم فلسطین بریاست و آقای سید ضیاء الدین بسمت نایب رئیس انتخاب شد (کنگره ٤ نفر نایب رئیس داشت).

آقای کاشف الغطاء مجتهد عالیمقام شیعه که از نجف اشرف برای شرکت در کنگره بفلسطین رفته بود هنگام تشکیل کنگره نماز جماعت بجای آورد که همه برایشان اقتدا نمودند.

انتخاب آقای کاشف الغطاء علاوه از مقام فضل و فضیلت مخصوصا برای این بود که نخستین قدم عملی در راه وحدت پیروان مذاهب اسلامی برداشته شود چون اکثریت نزدیك باتفاق اعضای کنگره از پیروان مذاهب تسنن بودند و آن شب پشت سر یك مجتهد شیعه نماز جماعت میخواندند.

روزنامه اطلاعات از اینکه زعمای اسلامی میخواهند اختلاف میان مذاهب و فرق مسلمان را مبدل بوحدت و یگانگی کنند ابراز مسرت کرد و مخصوصا از انتخاب آقای کاشف الغطاء بامامت اظهار خرسندی نمود و موضوع را بامسرت و خوشوقتی در روزنامه منعکس نمود و طرفداری از این امر را اعلام نمود.

آنقدر غله صادر میشود که کیسه و گونی کمیاب شده است: شما که بچشم خود دیدید برای نان مردم این کشور ده ها هزار خروار گندم از نقاط دور و نزدیك دنیا آوردند و مقادیر هنگفت ذخیره ارزی مملکت را در این راه خرج کردند. آیا خبر دارید که همین مملکت شما زمانی صادر کننده غله بوده و هر سال هزارها خروار گندم بممالك دور و نزدیك دنیا میفرستاد و در مقابل اسعار خارجی تهیه و کالاهای لازم را وارد مینموده است!! آیا میتوانید باور کنید.

تنها در سال ۱۳۱۰ آنقدر غله از ایران صادر شد که اواخر کار دچار کمبود کیسه و گونی شدند. گندم برای صدور مهیا و موجود بود در ممالك خارج هم خریدار فراوان داشت، دولت هم برای آنکه صدور غله را (که محصول آن خیلی بیش از مصرف داخلی بود) تشویق کند مزایائی برای صادرات غله فراهم آورده بود و از این راه کمك بسیار مؤثری باقتصاد عمومی میشد مخصوصا زارعین از این راه سود سرشاری بردند و از طرف دیگر چون دولت در آن روزها تاسیس کارخانجات را تشویق میکرد و هر هفته و هر ماه یك کارخانه جدید افتتاح می شد، مملکت احتیاج زیادی باسعار خارجی داشت که صدور غله از این لحاظ نیز کمك مؤثری مینمود.

ولی اشکال کار که مخصوصا در اواسط کار صدور غله بیشتر نمایان شد فقدان کیسه و گونی بود که ادامه کار صدور غله را دشوار میساخت چون کارخانه گونی بافی گیلان هنوز ساختمانش ناتمام بود و کیسه و گونی را بایستی از خارج وارد کنند روزنامه اطلاعات که همیشه مشوق و مروج صادرات بود و در هر مورد برای توسعه صادر محصولات کشور پیشنهادهای مقتضی میداد در یکی از سرمقاله های خود موضوع کمیابی کیسه و گونی و لوازم عدل بندی را که مخصوصا برای صدور غله ضرورت داشت مطرح نمود و از دولت درخواست کرد که ورود لوازم عدل بندی را آزاد بگذارد که تجار بتوانند بدون احتیاج بتصدیق صدور و غیره وارد کنند تا... این محظور بزرك که اکنون در راه صدور غله و امتعه دیگر صادراتی پیدا شده است مرتفع گردد...»

بلی، آنروز ایران عزیز ما یکی از ممالك صادر کننده غله بود و اکنون هم اگر دولت از روش بی فایده سابق و مزاحمت زارعین و دریافت مازاد غله دست بردارد و تماس مامورین را با زارع قطع کند و کسب و زندگی مرا

وآزادبگذارد قطعا محصول غله آنقدر زیادخواهدشد که مقادیرمهمی بخارجه صادرشود.

دلارهای تقلبی در بازار تهران - لابد بخاطردارید که سال گذشته مقدارزیادی دلار تقلبی در تهران خرید و فروش شد وبالاخره شهربانی توانست کسانی راکه دلارمیساختند دستگیر کند.

این کاریعنی خریدوفروش دلارتقلبی درتهران یك چیزتازه وبی‌سابقه‌ای نبود ودرسالهای قبل‌هم چند دفعه دلارهای تقلبی بایران آورده وبقیمت نازلی بمردم فروخته بودند.

درسال ۱۳۱۰ هم‌مقداری دولارتقلبی دربازارتهران کشف‌شد که بعدهافهمیدندآنهاراازامریکابایران آورده‌اند این دلارها رابنصف وثلث وربع وثمن قیمت رسمی‌میفروختند وخریدارها فکر نمیکردند که شاید این اسکناس های ارزان تقلبی باشد.

هیچ ارزانی بدون سبب نیست آنروزها هریك دلار در ایران درحدود دوتومان - بیست ریال - قیمت داشت ولی دلارهای تقلبی را اوایل کار هریك دلار شش ریال فروخته بودند ولی بعدها ظاهرا تاچهار ریال هم رسیده بود تاآنکه روزنامه اطلاعات ازماجرا باخبرشد و نوشت وسروصدای قضیه بلند شد و کسانی که دلارهای قلب را خریده بودند دچارخسارت شدند.

تاوقتی که روزنامه اطلاعات تذکرداد که این‌دلارهاقلب‌است‌واعتبار ندارد وبایدازخرید‌آن‌خودداری کنید اداره نظمیه‌عاملین‌این‌تقلب رادستگیرکردولی‌چه سود که‌زیان فاحشی برمردم وارد‌آمده بود.

فقط‌ازآلمان وزیرنظرآلمانی - سرمایه داران یزد و کرمان که ازیك طرف فایده‌وجود کارخانجات جدیدالتاسیس را مشاهده میکردند وازطرف دیگر دولت درتشویق بازرگانان بتأسیس‌کارخانه ازهیچگونه اقدام و کمکی‌خودداری نداشت بفکرافتادندکارخانجاتی درآن دوشهر تاسیس نمایند.

دراصل موضوع اختلاف نظری نبود ولی دربعضی‌جزئیات، نظرهای مختلف اظهار میشد ازجمله اینکه کارخانه ها ریسندگی وبافندگی‌باشد یا تنها ریسندگی‌دیگراینکه آیا یزد و کرمان هریك‌کارخانجات جداگانه‌ای داشته باشند یا اینکه بازرگانان دوشهرباهم شریك‌شده یك‌کارخانه‌بزرك تاسیس کنند.

دیگراینکه‌کارخانه مخصوص پارچه پشمی باشد یا نخی‌یا ابریشمی وبالاخره اینکه ماشینها از کدام کشور خریداری‌گردد ازانگلستان یاآلمان یافرانسه یاممالك دیگر.

چون خریداری ماشینها ازهریك ازاین کشورها عده‌ای‌طرفدارداشت‌حتی‌یکی دونفر که شنیده بودند کشور سویس پارچه‌های ابریشمی عالی و نفیس دارد پیشنهاد میکردندکه خوب است ماشینها را از سویس ویا ایتالیا خریداری کنیم!

روزنامه اطلاعات که عقیده داشت اول باید اقتصادیات کشوررا سروصورت کامل داد وهراقدامی را که بنفع صنعت وفلاحت واقتصاد ملی بود با اهمیت تلقی میکرد سرمقاله مفصلی زیر عنوان نخ ریسی یزدو کرمان نوشت که این موضوع را بدقت‌حلاجی‌میکرد ونظریات خودرا بنظردولت ومؤسسین‌کارخانجات این‌دوشهرمیرساند.

روزنامه اطلاعات عقیده داشت که اولا بکارانداختن ماشینهای نساجی دراین دوشهر بصلاح مردم نیست چون ممکن‌است باعث بیکارشدن نساجان دست‌باف بشود (بعدها این‌پیش‌بینی تایید شد) فقط باید ماشین ریسندگی‌دایر نمود که نخ پشم وابریشم وریسمان بقیمت ارزان دردسترس نساجان بگذارد واحتیاج‌کشوررا ازاین حیث مرتفع سازد بدون آنکه مزاحمت و رقابتی برای بافندگان فراهم کند.

درموضوع اینکه ماشینها از کدام‌کشور خریداری شود روزنامه اطلاعات عقیده قطعی داشت‌که ازآلمان خریداری‌شود چون اکثر بلکه همه‌ماشینهای کارخانجات ایران (کارخانه شاهی، ریسندگی‌سمنان-پشم‌ریسی قزوین وغیره) ازآلمان خواسته شده وبعلاوه سیستم کارخانجات آلمانی درهمه دنیا معمول‌شده ودرایران‌نیزمتداول‌گردیده است ونوشت‌که متخصصین صنعتی اکنون غالبا آلمانی هستند وبرای تهیه قطعات یدکی ورفع نواقص‌کارخانه ها آماده می‌باشند.

بالاخره پیشنهاد ونظریه روزنامه اطلاعات عملی‌شد وماشینها رابآلمان سفارش دادند و کارمنظم‌ماشین نشان دادکه نظریه این‌روزنامه صائب بوده وبنفع کشور تمام شده‌است.

هفتمین سال: روز اول تیر ۱۳۱۱ آغاز سال هفتم اطلاعات اعلام شد، درطی مقاله نوشت : تاکنون شماره مسلسل روزنامه به یکهزار وسیصد وپنج شماره رسیده است، یعنی درجریان شش‌سال، روزنامه اطلاعات (باستثنای یک‌هفته که دراثر انتشار سلسله مقالاتی درانتقاد سخت ازعقد بعضی قراردادهائی که بستگی باحق قضاوت قنسولات داشت توقیف گردید) بقیه‌مدت بدون تعطیل انتشار یافته است.

***

مقالاتی که‌سبب توقیف یک‌هفته گردید، مطالبی بود که ازروی کمال وطن پرستی ودلسوزی نوشته شده بود ولی چون باشدت ازدستگاه قضائی انتقاد شده بود دولت نتوانست تحمل چنان انتقاد سختی را بنماید وازاعلیحضرت فقید شکایت شد وباجلب نظر شاه مرحوم تیمورتاش وزیردربار دستور توقیف اطلاعات را بنظمیه داد وفقط کافی بود که‌مامور نظمیه بمطابع اطلاع دهد که‌فلان روزنامه توقیف است ونباید چاپ‌شود. واگر بشتکار وجدیت آقای مسعودی نبود اطلاعات درمحاق تعطیل می‌ماند. درآن موقع عده‌ای از نمایندگان مجلس را بکمک طلبید وبخصوص مرحوم وثوق‌الاسلام نماینده قزوین دراینمورد خیلی مساعدت نمود ودر مجلس شورایملی تعطیل اطلاعات رامتذکر شد وتقاضای رفع توقیف نمود وبعلاوه جمعی ازنمایندگان وخود مرحوم وثوق فردیبای ازوزیر دربار ملاقات نموده ومصراً رفع توقیف را خواستند تادستور [illegible] صادر شد وآزادی اطلاعات اعلام گردید.

***

چند جمله ازمقاله اطلاعات بمناسبت هفتمین‌سال ازاینقرار است: بهترین بیلانی که‌یک روزنامه درآخرسال میتواند بیرون دهد این‌است که درسال مزبور وظایف ملی ووطنی خودرا باکمال صحت وازروی صمیمیت ووظیفه شناسی وعلاقه بملت ومملکت انجام داده باشد ومابسیارمسرور وخوشوقتیم که توانسته‌ایم وظایف ملی‌خـود را با حسن نیت انجام داده واینک مشعوف باشیم که در بیلان عمل درسالیانه ما خوشبختانه نقطه سیاه وخطائی وجودندارد واگراوراق گذشته را بشهادت بطلبیم خواهیم‌دید که [illegible] همیشه اعمال ما در [illegible] مردم ومملکت خوب بوده است.

بعلاوه قضاوت مردم نسبت بمارضایت‌بخش بوده‌زیرا استقبال شایانی که ازمقالات ما میشود وتوجه مخصوصی که ازطرف قاطبه اهالی باین روزنامـه مبذول میگردد برای ماموجب افتخاری است [illegible] افتخارنامه ازاعمال ورفتارمانی‌نماید سعی‌ما این‌است که‌روزنامه را ازنظر [illegible] درتنویر افکار وترویج غرورملی، تشدید احساسات وطن‌پرستانه وبالنتیجه [illegible] سعادت [illegible] نشانه اهتمام نمائیم وامیدواریم این مشی ورویه را با تائیدات وتوفیقات خداوندی وتوجه خوانندگان محترم ازدست ندهیم ودر توسعه خدمات خود ورفع نواقص کوشا باشیم.

قانون جلوگیری از اجناس ممنوعه : امروز بار دیگر فریاد جلوگیری از امتعه لوکس بلندشده است وحال آنکه دراین‌خصوص قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسیده که متن آن درشماره تیر ۱۳۱۱ اطلاعات انتشار یافته وبموجب آن محدودیت های سخت برای واردات تجملی قائل شده‌اند.

روزنامه اطلاعات دراین‌باره سهم بسزائی داشت؛ پیوسته حمایت ازمصنوعات داخلی وجلوگیری ازامتعه خارجی بخصوص اجناس غیرضروری را ضمن مقالات مؤثرخود می‌نوشت تامنجر بوضع قانون گردید.

درماده‌اول این‌قانون اداره‌کل تجارت مکلف گردید از امتعه ممنوع الورود [illegible] فهرستی تهیه کرده اعلان نماید کسانیکه چنین کالائی دارند مکلفند صورت آنرا مشروحاً در ظرف دوماه ازتاریخ انتشار اعلان درمحل باداره‌کل تجارت تسلیم نموده ورسید دریافت‌دارند وتا انقضای‌سال ۱۳۱۱ در آخر هرماه [illegible] فروش آن‌ها را نیز باداره کل‌تجارت بفرستند وبعداز انقضای سال آنچه فروش نرفته درظرف [illegible] دولت دهند تا تحت نظارت‌دولت وصاحبان اجناس بقیمتی که دولت‌معین‌می‌کند بفروش برسد واگر این‌کار را نکنند اجناس آنها درحکم قاچاق‌بوده وبنفع‌دولت ضبط‌می‌شود — بااین‌ترتیب راه‌ورود قاچاق امتعه‌تجملی موقتاً بسته‌شده وواردات تحت‌شرایط سخت‌وکنترل شدید درآمد.

رشته‌ای برگردنم افکنده‌دوست: برای ترویج امتعه وطنی تبلیغات زیاد میشد وپوشیدن لباس وطن

نم کم افتخار شمرده میشد . بانوان هم درسادگی ودورانداختن آرایشات ودربر کردن پارچه هائی که در کشور تهیه میشد سعی داشتند . در اطلاعات اعلانات زیادی دراین باره منتشر میشد و فروشندگان امتعه وطن هریک بر دیگری در اعلان متاع خود سبقت میجستند از جمله اعلانات جالب توجه آن روز (اوایل تیر ۱۳۱۱) اعلان زیر است :

دیروز جمعی از رفقا بگردش لاله‌زار دعوتم نمودند منهم پذیرفته حرکت کردیم همینکه بمغازه یزدی پور رسیدیم از دیدن کراوات های وطن بقدری محظوظ شدم که بی‌اختیار بسازنده آنها آفرین گفته وازرفقای خود تشکر نمودم وباآنکه شاعر نیستم این ابیات برزبانم جاری شد.

یزدیان را پیش کشور آبروست — یزدچون مغز است وگیتی همچو پوست — از کراواتش که زیبا و نکوست — رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست — میکشد هرجا که خاطرخواه اوست.

تثبیت نرخ اسعار — درعالم تجارت هیچ بحرانی خطرناکتر از بحران اسعار نیست و هیچ قماری برای اقتصاد مملکت مهیب‌تر از تنزل وتشنج اسعار نمی‌باشد برای خسارت وشکست یکنفر تاجر هیچ قماری بالاتر از بورس بازی نیست. قسمت مهم ورشکستگی هائی که درعالم بوجود می‌آید مربوط ببورس واسعار است .

وقتی مقدرات تاجر ببورس سپرده شد همیشه آن تاجر با ترس ووحشت زندگی میکند و اصولا نمیتواند دنبال نقشه های بزرگ اقتصادی برود.

اگر این تنزل وتشنج اسعار که روی هیچ پایه واساس نیست ویک قیمت مصنوعی است که از قانون عرضه وتقاضا بکلی دور افتاده وروی استفاده‌های خصوصی دور میزند ادامه یابد همیشه تجارت مملکت را در حال فلج نگاه خواهد داشت وضرر آن هم برای تجار هم برای مصرف کننده هم برای تولید کننده وبالاخره برای مملکت است .

اطلاعات موضوع اسعار خارجی را آنقدر دنبال کرد تا نرخ در تیرماه تثبیت گردید واین امر در بازار و پائین آمدن قیمت اجناس خیلی تاثیر کرد ومفید بحال مردم واقع شد .

شرکت نفت جنوب — درعصری که دنیا بمقررات وعهد نامه‌های رسمی پشت پا میزند قراردادهائی را که تمام نمایندگان دول امضاء ومهر نموده‌اند زیر پاگذارده واعتنا نمیکنند آیا عجیب نیست نسبت بیک امتیاز‌نامه خشک که بدون حزم واحتیاط ودریک ایام تاریک وظلماتی مملکت تحت تاثیرات خارجی وبنفع اجانب داده شده است اینقدر دلبستگی وعلاقمندی داشته باشیم .

درماه صفر ۱۳۱۹ هجری یعنی درست ۳۲ سال قبل امتیازی بدارسی برای استخراج نفت جنوب بمدت شصت سال داده شد که سستی و بی‌بنیانی مقررات امتیاز نامه از موادی که تنظیم ودر آن موقع تسلیم دارسی شده است بخوبی واضح وروشن میگردد.

امروز اگر هیئتی برای قضاوت درمتن این امتیاز نامه بنشینند مواد ومقررات آن‌را از نظر عدل و انصاف وبدون طرفداری از حقوق ملی ما ومنافع شرکت مورد توجه قرار دهند تصدیق خواهند کرد که تمام این مواد بضرر مملکت تنظیم گردیده وتعجب خواهند کرد چگونه دولت وملت ایران پس از بیداری وخاتمه آن دوره ظلمانی حاضر شده‌اند مواد ومقررات آن‌را محترم شمرده بمدلول آن عمل نمایند .

امتیازی که کاملا یکطرفه بوده، امتیازی که هیچ رسمیتی بآن نمی‌توان داد زیرا قوه مقننه مملکت آن‌را تصویب وامضاء ننموده است، امتیازی که قابل هرگونه جرح وتعدیل میباشد وهیچ مرجعی نمیتواند ملت ایران‌را وادار باجرای آن مقررات نماید. برای چه ماتابحال خودرا ملزم باجرای آن دانسته و کمپانی‌را در هرگونه عملیات خود آزاد گذاشته‌ایم . کدام یک از مواد قرارداد دارسی‌را میتوانید نشان دهید که بمنفعت ایران تنظیم یافته ومنافع ملی ما درطی آن ملحوظ گردیده است کدام ماده از قرارداد دارسی باوضعیت امروز مملکت ما متناسب است . بعقیده ما کمپانی نفت جنوب ازاین متانت ومناعت طبع وحسن سلوک واحترام ملی ما سوء استفاده مینماید .

مادرمقابل چشم خود لوله‌های طلارا می‌بینیم که ازمملکت بخارج جاری است و از طرفی وجود احتیاجات مفرطی هم ازلحاظ اصلاحات مملکتی بترتیبه ثروت ملی داریم اماهیچ حرف نمیزنیم ودربرابر این بخس ساکت و آرام نشسته ومی‌بینیم که حقوق ملی ماتضییع و دستخوش میگردد

«ازسرمقاله ۷ تیرماه ۱۳۱۱»

سرجان کدمن چه گفته بود؟ اطلاعات درشماره ۱۹۶۴ مورخه ۸ تیر ۳۱۱ اشاره بنطق سرجان کدمن رئیس کمپانی نفت جنوب نموده ومیگوید که مشارالیه درسرمیزشام سالیانه رؤسای شرکتهای نفتی دنیادرشیکاگو گفت که باید سعی کنیم چاههای نفت کشف شده راحتی‌المقدور ببندیم وبجای اینکه نفترا درمخازن مصنوعی روی زمین انبار کنیم بمراتب ترجیح دارد در انبار ها و مخازن وسیع زیر زمینی که طبیعت بوجود آورده است نگاهداری نمائیم.

اطلاعات درهمان‌شماره‌مینویسد این‌حرف کدمن باعمل‌ایشان که کمپانی نفت‌جنوب باسرعت مشغول لوله‌کشی نفت‌موصل بدریای مدیترانه است مغایرت تام‌دارد ، اگر نفت‌زیاد دارند چرا باین‌عجله وشتاب درتوسعه استخراج نفت‌عراق کوشش میشود واضافه میکند که ماباید‌تکلیف خودرا باکمپانی نفت‌جنوب روشن کنیم.

تردیدی نیست که چاه های نفت‌ایران مقام دوم را از حیث موقعیت‌ومزیت واستعدادعجیب طبیعی ومحصول فراوان دردنیاحائز گردیده است .

معهذا ملیاردها طلائی که از اراضی زرخیز ومنابع ثروتمند ایران خارج شده‌از چند چاه بیشترنبوده و بقیه چاهها مستور واز استخراج‌آن خودداری شده زیرا اگر بخواهند بتمام چاه ها دست بزنند معادن ایران دنیا را پرازنفت خواهد کرد .

ما نمیتوانیم دربرابر جریانات نا مطلوبی که می‌بینیم ودورنمای تاریکی که در انظار مجسم میشود ساکت باشیم زیرا محصول نفت جنوب وعایدات حاصله‌آن ازعوائد برجسته ومهم مملکت بشمارمیرود این عوائد ذخیره ملی‌است وموضوعی نیست که نسبت‌بآن بی‌علاقه باشیم .

این سرمایه‌افراد این مملکت است، تمام مردم درآن سهیم هستند وازین پیش آمد ها کمال نگرانی را دارندما خیلی‌خوشحالیم که می‌شنویم‌موضوع‌موردتوجه دولت‌قرار گرفته ومخصوصاً نسبت بصورت حسابی که داده‌اند عدم قبولی‌خودرا رسما اطلاع داده وتا تعیین تکلیف قطعی ازاخذ حق‌السهمی که معین کرده‌اندخودداری‌شده. لازم است درین جریان تمام افراد مملکت ناظرومنتظرند ترتیبی داده شودکه منافع ملی حفظ و سرمایه مملکت تضییع نگردد .

امروز اوضاع بین‌المللی اجازه اجحاف بکسی نمیدهد. دنیا حاضرنیست حرف ناحساب گوش کند ولواینکه مقید وپای بندبتعهدات وقراردادهای بین‌المللی باشد . هیچ موجبی امروز مارا وادار نمیکند که نسبت بکمپانی نفت جنوب وامتیاز نامه‌غیررسمی وحق‌شکنانه اوساکت‌بوده وخودرا مجبور بقبول وانجام‌آن مقررات سازیم که‌ناحق وعدالتی بماحکم میکند که حق‌استملاك واستفاده بیش از ۲۳ فرسنگ اراضی زرخیزمملکت خودرا بیك‌شرکت انگلیسی واگذار نموده ودرمقابل‌میلیون‌ها لیره طلائی که‌مثل‌سیل‌ازاین‌مملکت بطرف لندن جاری میشود ساکت و ناظر بوده و از باقیمانده مختصری که باسم صدی۱۶ بما میدهند دلخوش باشیم.

نایب‌السلطنه حجاز بمهمان شاه فقید بود : امیرفیصل نایب‌السلطنه‌حجازشش روزمهمان‌اعلیحضرت فقید بود وروز ۱۴ تیر ۳۱۱ طهران را ترك نمود واز راه بین‌النهرین عازم نجد وحجاز گردید.

اطلاعات باین مناسبت درخصوص روابط ایران وابن‌سعود نوشت ممالکی که بیشتر باممملکت نجد وحجاز رابطه دارند ولازمست مناسبات آنهاروی‌پایه‌مودت‌ودوستی استوار باشد ممالکی‌است که هر ساله عده زیادی مسافر برای حج بیت‌الله‌الحرام بآنجا اعزام میدارند واین دول عبارتنداز‌ایران ،مصر،بین‌النهرین، فرانسه، انگلستان ایطالیا،روسیه وهلند که علاوه برممالك اسلامی ازممالك اروپائی ومستعمرات آنهانیز اتباع مسلمان زیادی‌همه ساله بمکه‌مسافرت‌مینمایند وقسمت مهم‌مسافرین بیت‌الله رامسلمانان جاوه تشکیل میدهند وحکومت نجد وحجاز سعی دارد روابط خودرا باتمام این‌ممالك بسط وتوسعه‌دهد. ازوقتی که سلطنت نجدوحجازدردست‌سلطان عبدالعزیزبن سعود قرار گرفت‌واصلاحات اساسی درداخله مملکت نمود امنیت وآرامش‌کامل در‌تمام‌نقاط مملکت مستقرگردید رفته رفته توجه سلطان نجد وحجاز بتزئید مناسبات وبسط روابط حسنه باممالك شرق وممالك اروپائی معطوف شده ومسافرت نایب‌السلطنه حجاز برای تشیید وتحکیم روابط دوستانه‌ممالك وافتتاح مناسبات جدیدوبسط‌سیاست خارجی آن دولت بوده‌است.

شمش‌های طلارا دیدن نمود . شمشهای‌طلای‌خریداری‌شده را باهمراهیت جمال عزانه بابانك‌ملی انتقال دادند ، این‌شمش‌ها وجواهرات‌سلطنتی پشتوانه اسکناس‌بود ، اولین‌دفعه که شاه فقید شمش‌های‌طلا را دیدن نمود

۱۷ تیر ۳۱۱ بود که در بانک ملی حضور پیدا کرده و ذخائر طلا و نقره وجواهرات که پشتوانه محکمی برای پول رایج کشور بود دیدن نمود واز این دیدار بسیار خوشوقت شد و گفت حالا میتوان اطمینان کرد که ما در کارهای مالی واقتصادی خود توفیق حاصل خواهیم کرد .

تیمورتاش در بندر چمخاله ــ روز دوم مرداد ۳۱۱ مرحوم تیمورتاش بعنوان کسالت بساحل دریای مازندران عزیمت نمود و بندر چمخاله را برای استراحت و آب تنی انتخاب نمود و نزدیک دو هفته در آنجا ماند. این مسافرت موجب شایعات زیادی بین مردم گردید و گفته شد که نظر شاه فقید از تیمور تاش برگشته و این مقدمه کناره گیری وزیر دربار است ، این شایعه آن روز صدق نکرد ولی چیزی نگذشت که صورت حقیقت پیدا کرد .

آقای فتح الله نوری اسفندیاری ، مرحوم دیبا رئیس محاسبات دربار و آقای محمد خسروانی هم در این مسافرت همراه بودند .

سئوال دشتی و جواب تقی زاده ــ موضوع احقاق حق ایران از منابع زر خیز نفت روز بروز کسب اهمیت می نمود و مورد پرسش و بحث قرار میگرفت ، چیزیکه بیشتر باعث تعقیب موضوع شده بود روش خود دولت وقت بود که بر حسب دستور شاه فقید جداً بر رویه کمپانی نفت اعتراض میشد ، از قبول حق الامتیاز دولت خودداری شده و مصمم بودند حق ایران را مطالبه کنند نمایندگان شرکت نفت هم بدفع الوقت گذرانیده و نسبت باین سر وصداها اعتنائی نمیکردند.

از جمله اعتراضات بشرکت نفت نطق هائی بود که درمجلس ایراد گردیده بود که مهمترین آن سئوال و جوابی است که در جلسه ٤ مرداد ۳۱۱ از طرف آقای دشتی و آقای تقی زاده وزیر دارائی مطرح گردید آقای دشتی گفت اگر ما از چند صد هزار لیره صرف نظر کنیم آسمان بزمین نخواهد آمد ، دولت اکنون مساوی همین مبلغ صرف امنیت محوطه نفت خیز وحفظ منافع شرکت نفت مینماید و ماقبل از اینکه امنیت در کشور حکم فرما شود کمپانی نفت مجبور بود سالیانه مبالغ هنگفتی خرج کند و حقی بر ؤساو متنفذین بدهد تامصونیت و امنیت داشته باشد چرا نباید نظارت دقیق در کار شرکت داشته باشیم برای چه حق ایران را می برند و چندرقاز بما میدهند واقعاً مضحک است که صاحب معادن نفت فقط سیصد هزار لیره عایدات یکساله ۱۹۳۱ داشته باشد و دولت انگلیس درهمانسال متجاوز از هشتصد هزار لیره از کمپانی مالیات بگیرد.

آقای تقی زاده وزیر مالیه گفت:

روابط ما با کمپانی نفت مبنی بر یک سندی است معروف بامتیاز نامه دارسی که در ۳۲ سال پیش تحریر شده که ناشی از عدم اطلاع و بصیرت گذشتگان است ، از نواقص ومعایبی که در اصول مواد آن حالا دیده میشود طرز حساب حق الامتیاز دولت میباشد که ساده واطمینان بخش نیست وهیچ نوع ضمانتی را نسبت بمنافع ایران متضمن نمیباشد این موضوع مورد تامل وبحث ونگرانی است وقراری که آرمیتاژ اسمیت انگلیسی با کمپانی گذاشته اگرچه هرساله از روی آب حساب مبالغی بدولت ایران پرداخت گردیده ولی مورد قبول نیست و مذاکرات و اعتراضات ما باکمپانی نسبت بحساب گذشته باقی و ادامه دارد ما برای احقاق حق ایران تلاش می کنیم و بدیهی است هرگاه مذاکرات با کمپانی بنتیجه مطلوبه نرسید دولت ناچار برای حل اشکالات بطریق دیگری برای احقاق حقوق خود توسل میجوید.

در کرمان و فارس و لارستان : در این سه محل سیل عظیمی نیمه مرداد ۳۱۱ جاری گردید که عده زیادی را بی خانمان ساخت وخسارات هنگفتی بر مردم وارد آورد و اعلیحضرت فقید پنج هزار تومان برای کرمان و پنج هزار تومان برای فارس اعانه داد وبعد ازین کمک دولت بفعالیت پرداخت وشیر خورشید ازمردم استمداد نمود و اقدامات سریعی شروع گردید زیرا قنوات بکلی منهدم شده بود واین مناطق بقحطی وخشکسالی تهدید میشد واطلاعات نوشت که چند سال است طبیعت قیافه خشم آلودی بساکنین این مملکت نشان میدهد وهرسال یکقسمت ازین سرزمین دستخوش قهر و غضب میگردد وماتصدیق داریم که مردم از پرداخت اعانه دراین چند سال خسته شده اند ولی چه باید کرد که مصیبت زیاد است واشخاص نوع پرست وخیرخواه باید باین قیافه های گرفته ودرهم هموطنان خود که در برابر این مصائب افسرده وملول گشته اند جواب مثبت بدهند .

نمایندگان مجلس ، تجار واصناف وملا ئین یکی پس از دیگری در دادن اعانه سبقت جستند و کمک کردند و باید تصدیق کرد که در قدیم احساسات نوع پرستی بیش از امروز بود .

مبادله املاک : فکر تعویض املاک از ابتدای سال ۱۳۱۱ در دماغ رضاشاه قوت گرفت و مقدار معتدبه آمده متنفذین را از منطقه‌ای به منطقه دیگر بفرستد و این عمل را با معاوضه املاک آنها از جنوب بشمال و از شرق بغرب انجام دهد. برای این کار لایحه‌ای بمجلس داده شد باین مضمون «دولت درصدد است که املاک و علاقه بعضی اشخاص را در بعضی از نقاط با املاک دولتی در نقاط دیگر معاوضه نماید و برای تهیه مقدمات امر و اعزام مامور و مقوم و سایر مخارج اعتباری در حدود ۱۸ هزار تومان تقاضا دارد» این لایحه از مجلس گذشت و دولت شروع بکار نمود و تعویض املاک انجام شد لکن پس از شهریور ۲۰ این قرار برهم خورد و صاحبان ملک دوباره املاک خود را ضبط نمودند.

چائی بسته بندی شد : تا نیمه سال ۱۳۱۱ چائی در صندوق‌های بزرگ وارد می‌شد و بهمان ترتیب در دکاکین عطاری برای فروش عرضه می‌شد و راه ورود قاچاق آن باز بود زیرا صندوق بزرگ چای قابل کنترل نبود بعلاوه چائی را مخلوط میکردند و ذائقه مردم هر شهر در نظر گرفته نمی‌شد و از این راه بر مردم تعدی می‌شد. اطلاعات موضوع بسته بندی چای را پیشنهاد نمود و در شماره ۳۱ مرداد ۳۱۱ تحت عنوان جلوگیری از قاچاق نوشت که بهترین راه ورود چای قاچاق که حاوی مصرف چای داخله را گرفته و این زراعت مفید را از بین می‌برد اینست که چای بصورت بسته بندی در معرض فروش گذاشته شود تا بسته‌های چای را بتوان بمهر مامور دولت رسانید ولی مخصوصا اضافه نمود که ما پیشنهاد می‌کنیم که این بسته بندی در خود کشور صورت گیرد تا از این راه کاری هم در داخله برای یکعده مردم پیدا شود و مصارج بسته بندی در خود کشور صرف شود – این عمل هم از قاچاق و هم از تقلب و مخلوط کردن چای جلوگیری می‌کند و چای طبق ذائقه و دلخواه مردم و تمیز و پاکیزه در دسترس مردم گذاشته می‌شود.

پیشنهاد اطلاعات که در چند شماره تعقیب گردید مورد توجه دولت واقع شد و موضوع صورت عمل پیدا کرد ولی نواقصی در آن بظهور پیوست که چای داخله را کماکان از رونق بازار بازداشته و هنوز هم این موضوع مورد کمال توجه است و تعدی و اجحاف و تقلباتی بازهم در آن روی میدهد.

اطلاعات در نتیجه عقیده خود در بسته بندی چای در داخله نوشت تا چند سال پیش قسمت مهم چائی مصرف ایران از روسیه وارد میشد که مارک و علامت روسیه روی آن خورده بود. همه کس خیال میکرد این چائی‌ها محصول روسیه است و حال آنکه محصول چین و که بروسیه میرفت و در آنجا بسته میشد و مارک روسیه روی آن زده میشد و از این راه مؤسسه روسی منافع زیادی عاید میداشت حالا چرا ما خودمان این عمل را انجام ندهیم.

فوت مستوفی الممالک – روز ۶ شهریور ۳۱۱ مرحوم مستوفی دومرتبه آقای سردار فاخر حکمت (رئیس کنونی مجلس شورای) را برای ناهار روز جمعه دعوت داشت.

مستوفی چندی بود در منزل مرحوم صاحب اختیار «اختیاریه» زندگی میکرد، روز یکشنبه صبح در منزل اظهار کسالت نموده و گفته بود اندکی کسالت دارم چون شایق برفتن منزل سردار فاخر و دیدن دوستان هستم میروم ولی حالم خوب نیست و من دیگر از این دنیا واشم رفت.

یکساعت بظهر در امامزاده قاسم منزل سردار فاخر حاضر میشود. در آنجا مرحوم صاحب اختیار – دکتر مهدی ملک‌زاده (سناتور فعلی تهران) و مرحوم سردار رشید و سایر قدمائی حاضر بوده‌اند پس از اندک توقف مستوفی اظهار کسالت و درد دل دائمی خود می‌نماید گفته میشود مرحوم تریاک خیلی مؤثر است میفرستند و پنج دانه قرص میخرند یکی را میخورد احساس بشاشت در قیافه آنمرحوم ظاهر میشود همه خوشحال و مشغول صحبت بوده‌اند و بیشتر مذاکرات در اطراف مرض سکته بوده است در همین هنگام آقای دکتر ملک‌زاده و صاحب اختیار که مقابل ایشان نشسته بودند می‌بینند مستوفی از روی صندلی که نشسته بطرف زمین متمایل شده تصور میکنند چیزی از دستشان افتاده میخواهند از زمین بردارند ولی می‌بینند این قوس نزول زیادتر شد و نزدیک است بیفتد یکمرتبه متوجه شده ایشان را روی زمین میخوابانند و مرض سکته را در ایشان ظاهر می‌بینند.

بلافاصله برای گرفتن خون اقدام میشود و چون وسایل نبوده آقای دکتر ملک‌زاده بوسیله تیغ ژیلت زیر گوش را چند خراش میدهند بادکش میگذارند ولی هیچ خون نمی‌آید از زیر گوش دیگر چند قطره خون می‌گیرند.

نبض جریان ضعیفی پیدا میکند همه خوشوقت میشوند ناگهان مستوفی نفس عمیقی نموده زندگی را بدرود میگوید در همین موقع بر اثر اطلاعی که داده شده بود دکتر امیراعلم – دکتر حکیم الدوله – دکتر یوسف افروخته بر بالین مستوفی حاضر میشوند ولی معالجات نتیجه بخش نبود.

فقدان یک مرد شریف : اطلاعات سرمقاله روز ۷ شهریور را تحت همین عنوان باعکس مرحوم مستوفی اختصاص بشرح حال وزندگی سراسر افتخار مستوفی داد و نوشت : مرگ ناگهانی مستوفی همه را متاثر ساخته است، تاثیری که مرگ مستوفی در روحیه عموم نموده ازاین لحاظ است که این مرد شریف در تمام مدت زندگی خود پیوسته شرافت ، وطن پرستی ، درستکاری ، عزت نفس ، غرور ملی را وجهه نظر داشته و در موارد صعب و دشوار باکمال بیطرفی و بی نظری در برابر فشار و ناملایمات خارجی ایستادگی نمود و بتمام معنی مردی شریف ، آقا و بزرگ بود .

مستوفی نزد اعلیحضرت فقید محبوب بود و باو احترام بسیار میگذاشت، در ایام رسمی و روزهای جشن پیوسته مخاطب شاه قرار میگرفت و اگر بواسطه عارضهٔ نقاهت غیبت مینمود، ازغیبت و کسالت او شاه اظهار تأثر نموده و از حالات او تحقیق مینمود.

سپس اطلاعات چنین می نویسد: مستوفی الممالک فرزند مرحوم میرزا یوسفخان مستوفی الممالک و ۸۵ سال از عمر وی میگذشت. مستوفی از رجالی بود که در سن یازده سالگی بمقام وزارت مالیه منصوب گردید و چون کوچک بود مرحوم وزیردفتر پدر آقای دکتر مصدق بعنوان معاونت سمت مشاوری مستوفی را داشته و درحقیقت مرحوم وزیردفتر وزارت مالیه را اداره مینمود.

مستوفی تا ۲۱ سالگی در پست وزارت مالیه باقی ماند و بعد باروپا رفت و هفت سال در آنجا اقامت گزید و اوایل مشروطیت باتفاق اتابک بایران بازگشت و در زمان صدارت اتابک وزیر جنگ شد و بعد وزیرمالیه و بعد رئیس الوزراء گردید و در مدت عمر خود یازده بار بریاست وزرائی نائل شد .

اولین سلب مصونیت نماینده مجلس : روز ۸ شهریور ۳۱۱ وزیرداخله (منصور نخست وزیر فعلی) نطق مشروحی در خصوص وقایع فارس در مجلس شورای ملی ایراد نموده و گفت : « آقایان نمایندگان میدانند دولت چه زحماتی برای اعاده امنیت و اجرای اصلاحات مملکت کشیده و خودسری و حکومت های شخصی و ملوک الطوائفی را از میان برداشته ولی هنوز آثار آن گاهی ظاهر میشود و بعضی اشخاص باینکه نسبت بتعویض املاک آنها اقدام شده که مجبور نباشند در محیط سابق بمانند و داخل قضایائی شوند ولی متاسفانه معلوم میشود بازخیالاتی در سر می پرورانند. دراین قضایا اوراق واسناد محرمانه آنها مدارک و اسناد قطعی دولت در دست دارد که بموقع بعرض مجلس میرساند .

درهرحال، قرعه بنام دو نفر از نمایندگان مجلس سردار عشایر قشقائی و فرزند ایشان ناصرخان قشقائی اصابت نموده که ناچار باید سلب مصونیت از آنها بشود ولایحه زیر را تقدیم نموده و بتصویب رسید.

« مجلس شورای ملی اجازه میدهد که آقایان اسمعیلخان قشقائی و ناصرخان قشقائی را دولت مورد تعقیب جزائی قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات و چگونگی مطلب مراتب را باستحضار مجلس شورایملی برساند ».

نمایندگان قشقائی زندانی شدند و مدتها در زندان بسر می بردند و پس از چندی سردارعشایر درزندان وفات یافت ولی ناصرخان در تهران تحت نظر بسر می برد و تا شهریور ۲۰ اجازهٔ خروج از تهران را نداشت.

***

(نکته قابل ذکر اینست مادام که مستوفی الممالک حیات داشت شاه فقید نسبت بسلب مصونیت و زندانی کردن سردار عشایر و فرزند ایشان آقای ناصرخان قشقائی (سناتور کنونی انتصابی اعلیحضرت) اقدام نمی نمود زیرا مرحوم مستوفی دوستی دیرینی با مرحوم سردار عشایر داشت و نزد شاه فقید ازاو وساطت کرده بود و شاه فقید بواسطه احترامی که بمستوفی میگذاشت درمحظور اخلاقی قرار گرفته و نسبت باین امر اقدام تندی روا نمیداشت لکن بمحض فوت مستوفی نقشه خود را در سلب مصونیت نمایندگان قشقائی و دستگیری آنها عملی ساخت .)

کافه شهرداری : شب ۱۵ شهریور ۳۱۱ مراسم افتتاح هتل بلدی (کافه شهرداری امروز) با حضور دولت و سفراء و وزراء مختار صورت گرفت و سرتیپ بوذرجمهری رئیس بلدیه ازمهمانان پذیرائی نمود و از آن پس رستوران مهمانخانه از طرف بلدیه دائر گردید و برای مهمانی های بزرگ اختصاص داده شد و کم کم بصورت کافه درآمد تا امروز ...

اطلاعات دراین باره نوشت در تمام دنیا بلدیه ها دارای محل باشکوه و عمارت مجللی هستند بنام « مهمانخانه شهر » که درمواقع لزوم از سلاطین و بزرگان دنیا پذیرائی میکنند و باساختمان این مهمانخانه امیدمیرود این فکر عملی شود و بلدیه تهران بتواند محل خوبی برای پذیرائی مهمانان خارجی داشته باشد ولی درعین حال جای افسوس است که تهران دارای یک مهمانخانه خوب نیست و هنوز فکر تاسیس مهمانخانه در مملکت پیدا نشده و افراد یا شرکتهائی حاضر بساختن مهمانخانه که کمال لزوم را برای تهران دارد نیستند و این نقیصه در شهر تهران وجود دارد.

فرار مسیو فوگل – بادکنر لیندن بلات رئیس بانك ملی چند نفر آلمانی دیگر هم آمده بودند که از جمله آقای فوگل بود که پس از حرکت لیندن بلات رئیس سابق بانك به اروپا مسئولیت بانك را با سمت کفالت برعهده گرفته بود. درنیمه شهریور ۳۱۱ فوگل با تذکره جعلی بنام یك نفر اطریشی ناگهان فرار کرد و بخاك عراق وسوریه رفت. این پیش‌آمدتوجه عموم را جلب نمود وحکایت از اختلاس و بی ترتیبی دربانك ملی می نمود.

جریان امر این بود که شاه فقید ازسوء استفاده‌هائی دربانکملی مسبوق شده بود وچون فوق العاده علاقمند بحسن جریان بانك بود دستوررسیدگی محرمانه داد وبمحض اینکه این رسیدگی‌هابجائی رسیدلیندن بلات رامعزول نمود ودستورداد تعقیب شود وکارهابمعاون اومسیوفوگل‌واگذار شدکه‌وهم ازترس‌تعقیب فرار کرده

فرارفوگل‌نظریات شاه وهیئت مدیره بانك‌را نسبت‌به تفریط درخرج وزیاده روی در برداشت ها بعنوان حقوق وپاداش تائیدنمود.

اطلاعات درتعقیب‌نشر اخبارمزبور اظهارعقیده‌نمود که فرارفوگل‌علی‌رغم شایعات ذره‌ای تاثیردروضع بانك نخواهدداشت وامور بانك تحت‌نظرآقای زند نایب‌رئیس که مردی صالح وشریف است جریان منظم خودرا طی‌خواهد کرد وسایر مدیران‌آلمانی که ازاین پیش‌آمد سخت‌عصبانی هستند امورمربوطه خودرا دردست دارند و جداً خواستارند که دولت‌آلمان ازلحاظ ضربتی که فرارفوگل بحسن شهرت‌آلمانی‌ها وارد آورده او را تعقیب و تحویل دولت‌ایران بدهند که مشارالیه در تهران محاکمه شود.

چندی‌بعد که مأمورین‌آلمانی بدنبال دستگیری وجلب‌فوگل بودند خبر یافتند که مشارالیه دربیروت خودرا بدریاانداخت وخودکشی کرد واین‌خبرتائید شدوصحیح بود زیرا او بعواقب وخیم تعقیب خود درایران و آلمان آگاه شد بخصوص‌اینکه باتذکره جعلی فرار کرده بود.

پنجمین دسته محصلین اعزامی : روز ۲۰ شهریور ۳۱۱ پنجمین‌دسته صنیع‌تقی محصلین‌اعزامی حضورشاه فقیدشرفیاب‌شدند. درآنموقع‌عدهٔ‌محصلین دولتی دراروپا خیلی‌زیادبود زیراعلاوه برپانصدنفرمحصل‌دولتی یکعده زیاددیگر ازسایروزارتخانهاوادارات‌بخصوص وزارت‌جنگ‌وطرق‌فرستاده شده‌بود وشاید‌نزدیك به‌هشتصدنفر محصل‌ایرانی‌ازطرف دولت دراروپاتحصیل‌میکرد ولی‌ازآن پس‌عدهٔ محصلین‌دولتی تقلیل‌یافت وبعدها کم کم این‌قسمت ازبین‌رفت تاجائی که امروز عدهٔ بسیارقلیلی ازجانب دولت دراروپا تحصیل میکنند.

اطلاعات ضمن جریان‌شرفیابی محصلین سال‌پنجم نوشت‌آقای علاء وزیرتجارت درفرانسه و آقای قراگزلو وزیرمعارف در بارهٔ اعزام‌محصلین وحسن‌انجام تحصیلات‌آنها زحمات بسیاری متحمل شده‌اندکه درحقیقت بایداین قسمت‌را مرهون علاقمندی‌آنها دانست

تفاوتی که دسته‌پنجم محصلین با سالهای پیش داشت این بود که ۸ نفر از لیسانسیه‌هائی که در خدمت‌نظام بودند در لباس صاحب‌منصبی شرفیاب‌شدند تا پس از پایان خدمت نظام‌خود عازم اروپا شوند وشاه ازدیدن این ۸ نفرصاحب‌منصب اظهار خوشوقتی زیاد نمود زیرا او پیوسته مایل بود جوانان تحصیل کرده ایران فنون نظامرا هم بدانندوخدمت‌سربازی‌را انجام‌دهند.

مکتوب بحرین – شماره‌های اخیراطلاعات تاثیرعمیقی‌درروحیه‌ساکنین بحرین بخشیده‌است: «شمایکرشته‌از آمال‌ملی‌وآرزوهای دیرینه‌وطنپرستان حقیقی‌را برشته تحریرآورده‌بودید‌انتقادات شما دراطراف مقالات(مورنینك پست)بسیار بموقع وجالب توجه بود.قسمت مربوط ببحرین نیز کاملا باعقیده قلبی ما ایرانیان ساکن بحرین وفق مینمود خیلی مسرور میشویم وقتی این احساسات و اینهمه‌حرارت وطن‌پرستی را در مرکزوطن خود می‌بینیم .. الی آخر»

اطلاعات بدنبال‌مکتوب‌یکنفر‌ایرانی‌مقیم‌بحرین‌نوشت: ازاینکه‌نویسنده‌مکتوب‌تقاضای‌استتار امضای‌خودرا نموده‌معلوم میشودکه شیوخ‌یادست‌نشانده‌های مصنوعی‌بحرین،بایرانی‌ها‌فشارمیاورندو نمیگذارند مردم احساسات خودرا نسبت به ایران‌علنی سازندو این‌رویه‌کم‌کم ایجادرعب خواهد کرد وا گرروزی‌مجمع اتفاق ملل بخواهد ازراه‌مراجعه بافکار عمومی (رفراندوم) حق ایرانرا بایران برگرداند باید آزادی کاملی‌هم درمقابل‌بسا کنین بحرین‌بدهدو الاممکنست مردم‌درزیر فشار وسختی نتوانند عقاید باطنی‌خودرا ابرازدارند.

مراسله گاندی از محبس : پس ازخاتمه کنفرانس میزگرد لندن که نظر آزادیخواهان هندوستان کاملا تکروید ومنجر باعزام کمیسیون مخصوصی برای تحقیقات دراطراف اقلیت‌های ساکن‌هند شد بلوه‌یکر گاندیرا

زندان رایش گرفته وازلندن برای دوستان خود درمدرس مراسله‌ای نوشت که در شماره ۲۴ شهریور ۳۱۱ اطلاعات بضمیمهٔ عقاید و نظریات روزنامه درطرفداری از نهضت استقلال خواهانه هندیها درج گردید مراسله گاندی ازاینقرار بود:

«مزاجا سلامت هستم، فقط دست راستم گاهی بشدت درد میکند، اطباء علت این درد را نخ‌ریسی بادوك میدانند که ده سال است باین کار مشغولم وباین جهت دستور داده‌اند که دیگر بادوك نخ‌ریسی نکنم، وچون نمی توانستم از نخ‌ریسی منصرف شوم اجازه خواستم بادست چپ اینکار را انجام دهم، این راهم جلوگیری کردند و گفتند که دست چپ هم مبتلا بهمین مرض میشود وبطوری که میدانید اطباء خیلی سنگدل هستند آنقدر بمن فشار آوردند که ناچار حرف آنها راشنیدم وگفتم نه بادست راست ونه بادست چپ کار خواهم کرد، خیلی ازشکست من خوشحال شدند ولی مسرت آنها طولانی نبود زیرا من یك دوك تازه پیدا کردم که باپا میچرخد وعمل نخ‌ریسی رابادوك تازه خود انجام میدهم ودستهایم نیز راحت است وامروز بیش ازسابق پنبه میریسم. بعضی ازروزنامه نویس‌ها ازآن دشمن‌های قدیم من این خبر راشنیده وآن راباآب وتابی منتشر کردند که بالاخره گاندی متوسل بماشین نخ‌ریسی گردید ودوك نخ‌ریسی خودرا ترك نموده است وباماشین فرنگی کارمیکند. این خبر مهم (!) آنها راکه خواندم خنده‌ام گرفت باخود گفتم خدا هرچه روزنامه نویس است مرگ بدهد، چطور حقایق را منقلب میکنند، ولی در موقعی که این نفرین و لعنت را کردم فراموش نمودم که خودم نیز یك نفر روزنامه نویس واز جنس آنها هستم.»

تجارت ایران وشوروی : اطلاعات درسرمقاله خود مورخه ۶ مهر ۳۱۱ موضوع بدی وضع تجارت ایران و شوروی شکایت تجار رامطرح ساخته ومینویسد : طبق قرارداد تجارتی درحدود سی میلیون تومان یا درست معادل نصف تمام سهمیه واردات مملکتی برای واردات ازشوروی تعیین گردیده که معادل این مقدار هم از اجناس ایران صادر نمایند متاسفانه شنیده میشود که بعضی شعب تجارتی شوروی اجناس خودشان را هنگام فروش بتجار ایران با جوازی که خود تجار تحصیل نموده‌اند میفروشند وباین وسیله شانه از زیر صدور جنس از ایران خالی میکنند و تعادل واردات وصادرات بین دو کشور را برهم میزنند واین رویه بضرر ایران است وباید حتما متروك شود . اگر مبادله جنسی برقرار است موسسات شوروی باید مطابق آنچه وارد میکنند خارج نمایند نه اینکه جنس بفروشند وپول کشور را تبدیل باسعار کنند وازمملکت ما بجای جنس اسعار خارج نمایند .

مطبعه اطلاعات: درنیمهٔ مهر ۱۳۱۱ یعنی پس از شش سال وسه ماه که از تاریخ تاسیس روزنامه میگذشت اطلاعات صاحب یك چاپخانه کوچك گردید که از یك ماشین ۳ ورقی روزنامه ودستگاه حروف چینی تشکیل میشد ودراین موقع محل روزنامه بعمارت انتخابیه (چهارراه وزارت جنگ) انتقال یافته بود تا گنجایش ایجاد چاپخانه کوچك را داشته باشد .

از روز ۱۶ مهر روزنامه اطلاعات که ابتدا درچاپخانه بوسفور وبعد درچاپخانه سیروس متعلق بآقای صفوی مدیر روزنامه کوشش چاپ میشد درچاپخانه خود اطلاعات بطبع رسید.

چندسال بدین منوال گذشت وباوجودیکه حرکت ماشین چاپ بابرق صورت میگرفت وتاآنوقت بادست بود معهذا چاپخانه برای نشر اطلاعات خیلی کوچك بود تااینکه بتاسیس شرکت سهامی چاپ اقدام شد وچاپخانه بزرك امروزی باهمت یکعده ازبازرگانان ومردمی که اکنون هم سهیم هستند بوجود آمد وبشرح آن خواهیم رسید.

خانم نورحماده و حنینه خانم خوری . درتاریخ ۱۰ آبادان ۳۱۱ دوخانم شرقی ازمصر ولبنان برای تشکیل کنگره زنان شرق بتهران وارد شدند که یکی خانم نورحماده رئیس شورای عالی اتحاد نسوان شرق بود ودیگری حنینه خانم خوری نماینده زنان مصر در کنگره عمومی زنان شرق بود ، این دوخانم درمحافل نسوان ایران استقبال شدند ومجالس سخنرانی تشکیل دادند.

شاه فقید در خرابه های تخت جمشید : وقتی شاه فقید ازپله‌های عمارت تخت جمشید بالا میرفت وحجاری‌های زیبائی که بوسیله پرفسور هرتسفلد آلمانی اززیر خاك بیرون آمده بود دیدن میکرد مجسمه سپاهیان عهدداریوش وخشایارشا توجه اورا جلب نمود وگفت حجاری روی سنك باین زیبائی امروزهم مشکل است چه صنعتگران ماهری ایران قدیم داشته وچه عظمت وافتخاری کشورما دارا میباشد. تالارهائیکه باسرستون‌های حجاری شده اززیر خروارها خاك بیرون آمده بود همه را تماشا کرد وبعد کتیبه سنگی که درخرابه‌های عمارت خشایارشا پیدا شده بود توجه شاه را جلب نمود وازترجمه خطوط میخی کتیبه سنگی پرسید وپرفسور هرتسفلد گفت چون میدانستم اعلیحضرت باین قسمت توجه خواهند نمود ترجمه آنرا قبلا حاضر کرده‌ام وتقدیم نمود وبشرح زیر خوانده شد: «نقل ازشماره ۹۴۷۱ اطلاعات»

ترجمه قسمت اول - خدای بزرگ اهورا مزدا است که این زمین را آفرید. که آسمان را آفرید . که انسان را خلق فرمود. که صلح و مسالمت را برای بشر ایجاد نمود. که خشایارشا را پادشاه کرد - تنها پادشاه عالم - یکه خداوندگار آدم.

۲- من خشایارشا - شاه بزرگ - شاه شاهان - شاه ممالک پرجمعیت - شاه این پهن بوم - زاده داریوش شاه هخامنشی .

۳- خشایارشا سخن میراند که پدر من داریوش است - پدر داریوش گشتاسب نامی بود و پدر گشتاسب شخصی آرشاما نام - گشتاسب و آرشاما هردو درحال حیات بودند که اهورامزدا برحسب ارادهٔ خود پدرمن داریوش را پادشاه اینکشور گردانید - پس از شاه شدن خیلی چیزهای بزرگ بوجود آورد.

٤- خشایارشا سخن میراند که داریوش همراه دیگر نیز داشته ولی چون اراده اهورامزدا بود داریوش مرا بعد از خودش ازهمه بزرگتر گردانید (ولیعهد کرد) موقعیکه پدرم داریوش از تخت پائین آمد بواسطه لطف اهورا مزدا من بر تخت پدرم شاه شدم، پس از شاه شدن منهم خیلی چیزهای عالی بوجود آوردم - آنچه را پدرم درست کرده بود با کارهای دیگر من کامل نمودم - آنچه پدرم کرد و آنچه خود نمودم تمام را در سایه مرحمت اهورامزدا انجام دادیم.

۵ - خشایارشا سخن میراند که اهورامزدا من و مملکت مرا حمایت میکند ، آنچه را که من کردم و آنچه را پدرم نمود نیز حمایت و حفظ فرماید .

وقتی ترجمه خطوط میخی کتیبه ها را برای شاه فقید میخواندند دردریائی از بهت غوطه ور بود و پس از پایان گفت راستی چه عظمتی ایران قدیم داشته است. یکروز تمام وقت خود را شاه فقید در خرابه ها صرف کرد و همه قسمت هائی را که اززیر خاک بیرون آمده بود تماشا نمود و دستور داد باقدامات اکتشافی خود ادامه دهند و این آثار گرانبها را در معرض تماشای مردم ایران بگذارند که بدانند نیاکان ما چه عظمت و افتخاراتی برای ما بیادگار گذاشته اند.

بعدها لوح طلا و نقره ای که یادگار شاهان قدیم ایران بود و درزیر ستونهای عظیم تخت جمشید کشف گردید بتهران انتقال داده شد که مدتی درقصر مرمر درجعبه آئینه گذارده شده بود و بعدها بموزه ایران باستان تسلیم شد که اکنون یکی از نفایس موزه های ایران بشمار میرود.

بحریه شاهنشاهی درخلیج فارس: درخلیج فارس جز چند قایق کوچک و بزرگ و یک کشتی شکسته کوچک دوره سابق که ازکار افتاده بود وکشتی کوچک مسافری شیخ خزعل دولت چیزی نداشت تا بتوانند امنیت سواحل را حفظ و حراست کنند و ازدزدی وقاچاق جلوگیری نمایند. شاه فقید تصمیم گرفت درخلیج فارس قوای دریائی تشکیل دهد.

عده ای محصل برای آموختن فنون دریائی بایطالیا فرستاده شد که همه با درجه صاحب منصبی وارد شدند و مقارن همین احوال شش فروند کشتی کوچک جنگی هم خریداری شد و با تشریفات خاص وارد بوشهر و خرمشهر گردید .

اولین دفعه که مراسم بازدید وافتتاح انجام شد در مسافرتی بود که شاه فقید بهمین منظور به بوشهر نمود و از آنجا با کشتی بر عازم بندر شاهپور گردید. این اولین سفر دریائی شاه بود که با کشتی ایرانی انجام میگرفت .

روزنامه اطلاعات بمناسبت افتتاح بحریه جنوب نوشت :

برای ساکنین خلیج هیچ منظرهٔ روح بخش تر ازتماشای کشتی های جنگی ایران نیست، مردمانی که قرنها زیر نفوذ اجانب ناله میکردند ، اصول ملوک الطوایفی وخان خانی وقدرت متنفذین و بالاخره دزدها وغارتگران دریائی هرساعت جان ومال آنهارا تهدید میکرد اکنون علاوه برمرتفع شدن اصول پوسیده مزبور بحریه ای می بینند که بوجود عظمت ونزاکت ایرانی را درخلیج فارس میدهد .

چندروز قبل ، روزی که شش فروند جهازجنگی ایران آبهای عمان را شکافته امواج نقره فام دریای خلیج را بجوش وخروش آورد و بساحل دریای ایران نزدیک شد وشلیک توپ و سلام آن از جهازات برخاست مردم با ینده خود امیدوار شدند که طرق مالیاتی دریا مسدود وریشه آن کنده میشود وساکنین سواحل از شر دزدان مسلح وقاچاقچیان دریائی مصون ومحفوظ خواهند ماند .

شاهپور و راه‌آهن جنوب: بندرشاهپور ساخته شد ووسائل پهلودادن کشتی‌های بزرگ تجارتی برای پیاده کردن مال‌التجاره آماده‌شد وراه‌آهن چند کیلومتر درداخل‌دریا روی‌اسکله پیش رفت و بهره برداری راه‌آهن‌جنوب از بندرشاهپور تاصالح‌آباد (اندیمشك) که دویست‌وپنجاه کیلومتر بوددر نیمه آبان ۱۳۱۱ فراهم گردید. واگون‌های لوکس‌مسافربری روی‌خط افتاد وحمل‌بار ومسافرشروع‌شد.

آقای‌مسعودی درمسافرت خود همراه شاه فقید ناظرمشاهده یك‌قسمت ازاصلاحات‌بزرگی بود که‌در کشور انجام یافته وموجبات ترقی‌وسعادت مردم‌را آماده میکرد، ایشان ملاحظات خودرا مرتبا از هرنقطه بروزنامه می‌فرستاد وهمه حکایت ازتاسیسات جدید عمرانی مملکت می‌نمود ، پیدایش بندرشاهپور در مرداب وباطلاقی که خورموسی نام‌داشت وخشك‌کردن چندفرسخ دریا برای‌ساختن‌اسکله وتاسیسات بندرگاهی که شالوده‌آن مدرن‌وروی استیل‌بهترین‌ساختمان‌های‌بندری‌عالم ریخته‌شده بود کارمهم واساسی بودلکن‌متاسفانه این‌طرح اصلاحی‌نیز متوقف‌مانده ونقشه ساختمانی وعمرانی آنجا مثل‌سایراصلاحات پیچیده‌شد و کناری‌افتاد.

آقای‌مسعودی بخصوص دقت شاه‌را در کوچکترین کارهای‌ساختمانی وعمرانی توضیح میداد و می‌نوشت که مراقبت دائم شاه که حتی انگشت روی مبله‌ها و شیشه‌های راه‌آهن می‌کشید تا ببیند گرد و غبارآن را گرفته‌اند یانه سبب شده است که همه مامورین وظایف خودرا بخوبی‌انجام دهند وکاری‌بکنند که مورد مؤاخذه شاه واقع‌نشوند.

تلفن تهران: اطلاعات درشماره ۲۶ آبان ۳۱۱ مقاله مفصلی درخصوص تلفن نوشت که خلاصه‌اش این است : درظرف این چند سالهٔ اخیر تلفن ازضروریات زندگی شده وتعداد سیم‌های تلفن تهران که ازسیصدوچهار صد دستگاه تجاوزنمیکرد بدوهزاروسیصد رسیده ولی بهیچوجه کافی نیست وشایسته‌است شرکت تلفن نسبت باین موضوع مهم اینقدر بی‌علاقه وخونسرد نباشد: بقدری جواب سربالا بمردم داده شده‌است که مردم دلسرد ومایوس ازاین شرکت شده‌اند . تلفن اکنون سرقفلی پیدا کرده وخرید و فروش می‌شود ـ چقدر جای تاسف است که شرکت تلفن برای جلب منافع خود هم شده در صدد بر نمی آیند احتیاجات شهر را تامین وفوائدش‌را زیاد کند.

* * *

خوانندگان ملاحظه می فرمایند که از آن تاریخ ۱۸ سال می‌گذرد وهنوز هم مردم از دستگاه تلفن ناله دارند وشکایت میکنند وتلفن خریدوفروش میشود وبازوضع‌همان‌است که بود.

امتیاز نامه دارسی لغو شد: روز عید مبعث سال ۱۳۵۱ هجری مصادف با یکشنبه ۲٦ آذر ۳۱۱ شاه فقید از ادامه مذاکرات باشرکت‌نفت‌و به نتیجه نرسیدن آن سخت بر آشفت و امتیازنامه دارسی‌را خواست وآن را لوله کرد و در آتش انداخت‌وسوزاند وگفت‌امتیاز نامه‌دارسی‌لغو شد.

عصر همان روز فوق‌العادهٔ ازطرف روزنامه اطلاعات منتشرشد که با شوق و شعف بسیارمتضمن‌مژده الغای امتیاز نامه نفت جنوب‌بود ونوشت که افکارعمومی همین انتظار را داشت واین بزرگترین مژده ایست که‌در این‌روزسعید بخوانندگان محترم خودمیدهیم ودر حقیقت این بهترین عیدی‌است که‌ازطرف‌شخص‌اول مملکت بملت‌ایران اعطا شده . روز بعد سر مقاله مفصلی در تعقیب الغای امتیازنامه دارسی نوشته شد و آن شماره روز نامه رنگی منتشرگردید ودر تعقیب‌این‌خبرمراسم جشن وچراغانی درشهر تهران و همه‌ولایات و ایالات منعقدگردید ومردم زیاده ازحد خوشوقت شدند و در جشن و سرور وشادی‌شرکت کردند وحتی درسرگذرها و محلات‌شهر بساط طرب برپا کردند. بازرگانان واصناف و طبقات مختلف هردسته‌جداگانه جشن گرفتند.

اطلاعات درشماره مخصوص خودنوشت ، این‌قدم بزرگ دولت‌صفحهٔ پرافتخاری درتاریخ ایران‌باستان‌باز کرد. این‌زنجیر موهوم یا امتیازنامه ازدست وپای مملکت بازشد و منابع ثروت ایران بدست‌مالك‌حقیقی‌خودملت ایران افتاد تا هرنوع مقتضی بداند از معادن زرخیز خود بهره برداری کند، تقاضای مطبوعات، توقعات مردم و افکار عمومی‌وبالاخره استدعای ملت ازپیشگاه همایونی باجابت‌رسید وما اکنون در برابر یك امر واقع شده نظیرالغای کاپیتولاسیون هستیم که‌ازتصورماخارج بودحالاموقع آنست که‌ازاین‌فرصت نیکوحداکثراستفاده رابنفع‌ملت و کشورایران بنمائیم.

مجلس لغو امتیاز نفت را تایید نمود. روز پنجشنبه ۱۰ آذر ماه ۳۱۱ جلسه مجلس انعقاد موضوع الغای امتیاز نامه دارسی پیدا کرد دراین جلسه ابتدا آقای تقی‌زاده وزیرمالیه مراتب رادرمیان شور و شعف نمایندگان باستحضار مجلس رسانید و سپس مرحوم حاج محتشم‌السلطنه و آقای فهیمی و آقای دشتی نطقهای مسرت آمیزی ایراد نمودند وهمگی ازاین پیش‌آمد وقدم بزرگ دولت واحساسات عمومی که پشتیبان این‌امر می باشد صحبت نمودند وبالاخره آقای دادگر رئیس‌مجلس گفتند : « عدهٔ زیادی ازآقایان برای ابراز احساسات مسرت‌آمیز خودشان اجازه خواسته‌اند. حق هم‌دارند ، موفقیت‌های ملی شایسته شادمانی و پیشرفتهای اجتماعی درخور مسرت وخوشنودی است ، این کامکاریها وموفقیت‌ها آقایان را بنشاط وهیجان آورده‌است و همه میل دارند احساسات خودشان را ابراز واظهار کنند ولی‌بنظر من بهترین طرز ونیکوترین رویه این‌است که آقایان این اقدام پرافتخار را بارای وتصدیق خودشان تایید فرمایند وازاین نیکنامی بهره وسهم بگیرند وخوشبختانه آقای رهنما نماینده محترم برای عملی‌شدن این منظور راهی اندیشیده وپیشنهادی تدارك کرده‌اند ازاینقرار:

« مجلس شورای ملی موافقت خودرا باتصمیم اخیر دولت راجع‌بالغای امتیاز نامه‌دارسی ابرازواقدام دولت رادراین‌موضوع تائید وتحسین می‌نماید »

این پیشنهاد باتفاق آراء تصویب گردید.

جواب شرکت نفت جنوب : روز ۱۲ آذر ۳۱۱ مراسله شرکت نفت انگلیس و ایران خطاب بآقای تقی زاده وزیرمالیه در اطلاعات درج گردیده است ازاینقرار:

متن‌مراسله حضرت مستطاب عالی تحت‌نمره ۳۶۴۸۶ مورخه ۶ آذررا تلگرافاً بمدیران شرکت نفت انگلیس و ایران درلندن مخابره کردم‌واینك باینجانب دستورداده شده که محترماً باستحضارعالی برسانم‌که شرکت نفت‌انگلیس وایران تصدیق نمیکند که مندرجات امتیازنامه دارسی منافع دولت شاهنشاهی ایران را تامین ننماید ونیزتصدیق نمیکند که بافرض بودن‌آن دولت شاهنشاهی حق داشته باشد امتیازرا لغونماید .

خاطرمحترم‌حضرت‌مستطاب عالی را ضمنا متذکرمیدارد که‌اعتبارامتیازدارسی‌راحکومت‌های‌متوالی ایران چه قبل وچه بعد ازاستقراررژیم مشروطیت نه تنها ازطریق قبول حق‌السهم مقرره در آن درطی سنوات متعدده برسمیت شناخته بلکه ازطریق متعدده دیگرهم شناخته اند . برحضرت مستطاب عالی معلوم است‌که شرکت نفت انگلیس وایران نمیتواند حق ادعائی دولت را نسبت بالغای امتیازتصدیق نماید وچنین ادعائی قانوناً وانصافاً مبنی براساس نیست .

باینجانب دستورداده شده است که خاطرمحترم حضرت مستطاب عالی را متذکرداود که بامتظهاروفای بعهد دولت شاهنشاهی وباطمینان حقوقی که بموجب امتیازبشرکت نفت انگلیس وایراناعطاء شده‌شرکت میلیونها لیره درایران خرج کرده است منافعی‌راکه ازصرف این وجوه‌عاید دولت شاهنشاهی شده نمیتوان غمض عین نمود خواه شرایط امتیازبرای دولت شاهنشاهی ایران عادلانه باشد وخواه نباشد و یزدرهرمذاکره‌ای بین دولت ایران وشرکت که مبنی براساس انصاف وعدالت باشد چنین منافعی را نمیتوان ازنظردورداشت .

شرکت نفت انگلیس وایران‌نسبت باظهارمندرجه‌درمرقومه‌شریفه که‌شرکت‌اقتضای‌زمان و وقعیت‌امروزدولت شاهنشاهی ایرانرا درنظرنگرفته قویا اعتراض‌مینماید.شرکت همواره خودرا بوسیله مذاکرات ساعی برای‌استقبال نظریات‌واحتیاجات دولت شاهنشاهی نشان‌داده وچنانچه تاکنون توافقی‌حاصل‌نشده‌عدم موفقیت بلاشك‌مربوط‌بفقدان سعی وحسن‌نیت ازطرف شرکت نبوده است .

شرکت نفت انگلیس وایران باید خاطرنشان نماید که انتشار اعلامیه دولت ایران درجرائد تاثیرات بس زیان‌آوری‌درامورشرکت خواهد داشت.مدیران‌شرکت‌امیدوارند که پس‌ازمطالعه بیشتری‌دولت‌شاهنشاهی فوراعلامیه مذکور رامستردخواهندفرمود

ازطرف شرکت سهامی نفت انگلیس وایران جکس مدیر مقیم

مراسله جوابیه وزارت مالیه: آقای جکس مدیرمقیم : درجواب مراسله جنابعالی مورخه ۸ آذر جاری‌لازم میداند اظهارنماید که دولت ایران اظهارات ودلایل مندرجه درمراسله‌مزبوررا تصدیق نداشته وبادلایل کافی‌خودرادرالغای‌امتیازنامه دادرسی ذیحق‌میداند ودرتصمیم‌قطعی‌خود که بواسطه مراسله نمره ۳۶۴۸۶ مورخه ۶ اذر این وزارتخانه بجنابعالی اشعار گردیده باقی است.

وزیر مالیه

در اطراف نامه شرکت نفت : اطلاعات روز بعدازنشرمراسله شرکت‌نفت مقاله‌مفصلی بمناسبت‌مراسله

جوابیه آن شرکت انتشار داد ودر طی آن گفت :

«آیا میتوان این منطق را از کمپانی پذیرفت که چون چشمه های سرشار نفت ایران مایه اعتبار شرکت نفت انگلیس و ایران شده وچون شرکت از منافع آن مؤسسات و شرکت های دیگری ایجاد کرده وچون تمام اعتبار وابهت او منوط به درچنگ داشتن این منابع نفتی است لذا حاضر بتصدیق وتائید اقدام دولت شاهنشاهی درالغای امتیازنامه دارسی نمیباشد. ما یك حرف دیا پسند داریم و آن اینست که ماصاحب ومالك منابع زرخیز خود هستیم وچون شالوده ومبنای این امتیازنامه مطابق مصلحت ما نیست ومنافع ملی ما را تامین نمیکند بخصوص اینکه مقامات مقننه مملکتی آن را تایید نکرده وهیچگونه عدل وانصاف در آن بکار نرفته است آن را دور انداخته واز نو حاضریم قرار عادلانه ئی با مستاجر خود بگذاریم که با اوضاع و احوال امروزی ما وفق نماید ومنطق شرکت راجع باینکه چون حکومت های ایران حق السهم شرکت نفت را دریافت داشته اند پس امتیاز نامه دارسی را تائید کرده اند صحیح نیست»

یادداشت دولت انگلستان . موضوع الغای امتیازنامه دارسی موضوع سؤالات عدیده در پارلمان انگلستان گردید وایدن معاون وزارت خارجه اشاره کرد که چون در امتیازنامه دارسی هیچگونه قیدی راجع بالغای آن نشده باینجهت یادداشت شدیداللحنی بدولت ایران صادر گردید وخاطر نشان شد که درعین انتظار دولت بریتانیا نسبت بحل قضیه بطور دوستانه دولت مزبور در صورت لزوم از توسل بکلیه اقدامات مشروع جهت حمایت منافع حقه وغیرقابل اعتراض خود در ایران تردید نخواهد داشت ودولت بریطانیا هیچگونه خسارت نسبت بمنافع کمپانی نفت یا مداخله در مؤسسات یا عملیات آن را در ایران تحمل نخواهد کرد بعلاوه هرگونه ادعائی ازطرف دولت ایران باید بمحاکم صالحه بین المللی ارجاع ودر آنجا داوری شود . در شماره ۲۳ آذر ۳۱۱ اطلاعات متن یادداشت دولت انگلیس خطاب بآقای فروغی وزیر خارجه چاپ شده ودرهمان شماره جوابی هم که دولت ایران داده است انتشار یافته که چند جمله از یادداشت جوابیه از این قرار است:

«امتیازنامه درموقعی تحصیل شده که ملاحظه صرفه ومصلحت ایران نکردیده وگیرندگان امتیازات از بی اطلاعی مصادر امور آنزمان سوء استفاده می نمودند بعلاوه در تحصیل امتیازات همه گونه تضییق وتهدید اعمال می نمودند . قطع نظر از این معایب رفتار کمپانی غیرعادلانه وحتی مطابق همان امتیازنامه غلط وغیرمعتبر هم نبوده چنانچه دولت ایران را از نظارت درمخارج ورسیدگی بمحاسبات منع داشته اند وتاکنون نتوانسته است دراخذ همان حق السهمی که طبق همان امتیازنامه رفتار شده است دخالت مستقیم بنماید ودولت ایران نهایت اهتمام را نمود که موارد اختلاف بطور دوستانه حل شود ولی اولیای نفت تن در ندادند ودولت ایران را درالغای امتیاز ذیحق نمودند زیرا هر گز دولت نمیتواند شاهد وناظر تعدیات واجحافات وزورگوئی های یك شرکت خارجی گردد وچون دولت عملا حسن نیت خود را بثبوت رسانیده اکنون هم حاضر است نماینده مختار کمپانی بتهران بیاید وبلاتاخیر مذاکرات آغاز شود وتهدیداتی که دولت انگلستان میکند مانع از این است که مذاکرات دولت با کمپانی بنتیجه مطلوبه برسد زیرا دولت ایران هرگز این تهدیدات را گوش نمیدهد ودر راه حفظ منافع ملت ایران از کوشش خود دست بر نخواهد داشت

* * *

درهمین ایام بود که مردم ایران احساسات بی نظیری ازخود بنفع دولت وحمایت ازتصمیم دولت نشان می دادند، اعلامیه ها صادرمیشد، تلگرافات زیادی ازولایات میرسید وکمتر دیده شد که چنین تظاهرات واحساساتی مردم نشان بدهند، مقالات جراید نیز بپیروی ازافکارعمومی وتقویت دولت هرروز منتشرمیشد و اطلاعات مقالات پرشوری منتشر میساخت ومندرجات روزنامه های انگلستان را بلاجواب نمیگذاشت لکن تمام جراید انگلیس پراز مقالات تند وشدیدی برعلیه دولت ایران بود.

متن مراسله وزارت مالیه بکمپانی نفت جنوب : آقای جکس مدیرمقیم . دولت ایران مکرر باطلاع کمپانی نفت انگلیس وایران رسانیده است که امتیاز دارسی مورخه ۱۹۰۱ مسیحی مصالح ومنافع مملکت ایران را تأمین نمینماید ولازم میدانست هرچه زودتر پایهٔ روابط دولت شاهنشاهی و کمپانی براساس تازه‌ای که متلزم تأمین منافع واقعی مملکت ایران باشد گذارده شود، معایب ونواقص امتیازنامه دارسی وعدم توافق آن بامنافع ایران بطوری که مکرر خاطر نشان شده جای هیچ تردید نیست والبته دولت ایران حقاً ومنطقاً نمیتواند خودرا ملزم بمقررات امتیازنامه‌ای که قبل ازاستقرار رژیم مشروطیت داده شده. باطرزی که اینگونه امتیازات درآن زمانها تحصیل و

اعطا میشده بهالله معذالك باميد اینکه کمپانی اقتضای زمان وموقعیت امروز مملکت ایران را در نظر گرفته منافع آنرا مطابق این مقتضیات تأمین نماید،دولت ایران از اعمال حق خود در الغای امتیاز دارسی تا بحال خودداری نمود متأسفانه در مقابل صبوری دولت شاهنشاهی از طرف کمپانی نفت نه تنها اقدام عملی در این منافع ملت ایران بعمل نیامد بلکه هر چه برتوسعه و بسط کمپانی نفت افزوده شد منافع ایران بیشتر دوچار تضییع گردید بنا براین دولت ایران از نیل بنتیجه‌ای که در نظر داشت یعنی رسیدن بمقصود ازطریق مذاکره با کمپانی مأیوس شده وناچار راه تأمین حقوق خودرا منحصر بالغای امتیاز دارسی دیده واین وزارتخانه برحسب تصمیم دولت شاهنشاهی اعلام مینماید که ازاین تاریخ امتیاز نامه دارسی‌را ملغی کرده وآنرابلااثر میداند.

درهمان‌حال نظر باینکه دولت‌ایران قصدی‌جز تامین‌منافع مملکت ندارد اگر کمپانی نفت‌انگلیس‌وایران برخلاف گذشته حاضرشود منافع‌مملکت رامطابق نظردولت ایران بروفق‌عدالت وانصاف‌تامین‌نموده وثایق لازمه‌را از تامین منافع‌مذکوره بدهددولت ایران‌از اعطای امتیازجدیدی بآن‌کمپانی اصولاامتناع نخواهدداشت-وزارت‌مالیه

افتتاح کارخانه قند کرج - روز ۸ آذر ۱۳۱۱ مراسم‌افتتاح کارخانه قندسازی کرج انجام‌یافت‌واطلاعات نوشت تماشای کارخانه‌وجدوشعف‌زائداز وصفی بانسان‌دست‌میدهدواین‌کارهای عمرانی روح‌تکامل وترقی وغرور واعتماد بنفس ، امیدهای بلنددراجانشین یاس‌وزندگی اتکالی سابق میسازد وحالاما‌بجای خبرهای شوم وتاثرآوری که همه مترصد استیلای بدبختی وبیچارگی بودند هرروز ماباید واقعهٔ‌مهم ، یکقدم ترقی ، یك‌خبرمسرت‌بخش‌روبرو می شویم .

کارخانه قند کرج امسال‌دوهزارو هشتصد الی سه‌هزار خروار قندخواهد داد زیرا فقط بیست هزارخروار چغندر بیشتربرای کارخانه حاضرنشده‌است ولی‌سال‌های بعدامیدواری میرود که محصول کارخانه بیشترشود نمونه قندوشکر کارخانه که درجعبه‌های مخصوص بوزن یك کیلو وسه کیلو قرار داده شده‌بود توجه‌اعلیحضرت وهمه راجلب نمود وهمه ازدیدن‌آن خوشحال شدند .

اعلامیه سفارت‌ایران در لندن : سرو صدای جراید انگلستان بالاخره سفارت ایران را در لندن مجبور بانتشار اعلامیه ای نمود که درشماره ۱۷۸۷ اطلاعات چاپ‌شده ومفادآن ازینقرار است :

« دولت ایران درطول مدتی که شرکت نفت باعتبار امتیازنامه دارسی مشغول کار بود بهرهٔ عادلانه را از منافعی که بشرکت مزبور عایدمیشود دریافت نداشته است. در سنوات اخیر حکومت ایران مکرراً عدم اعتماد خود را ابراز نمود وسال‌گذشته هم حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر دربار ایران دوماه درلندن با شرکت مذاکره نمود وطرح قرارداد جدیدی تنظیم‌گردید وهمینکه بطهران مراجعت نمودند شرکت تقاضا نمود طرح قرارداد مزبور ازطرف متخصصین‌فنی مورد مطالعه قرارگیرد. دولت ایران هم موافقت نمود ولی بعد از مطالعه معلوم شدکه بعضی‌قسمت‌های آن روشن نیست بااینجهت دولت‌ایران‌از شرکت خواهش نمود که نماینده برای توضیح بطهران برود متاسفانه شرکت مدت شش ماه ببهانه اینکه کسی را ندارد اعزام و مسامحه نمود باینجهت دولت ایران طبعاً قدم دوم را برای الغای امتیاز برداشت و هیچگونه احساسات‌خصمانه‌ای‌نسبت بدولت بریطانیا در بین نیست وسفارت شاهنشاهی همیشه سعی داشته و دارد که روابط حسنه بین مملکتین برقرارباشد.»

این اعلامیه هم تاثیرنکرد و انتشارات جراید لندن و بعضی جراید دیگر دنیا برعلیه ایران و اقدام براین اقدام دولت ادامه یافت تا منجر بارجاع امر ازطرف‌انگلستان بجامعه ملل گردید .

تیمورتاش ازخدمت معاف گردید - روزشنبه ۳ دی‌ماه ۱۳۱۱ خبر زیر در اطلاعات منتشر شد:

«معاف ازخدمت- آقای‌تیمورتاش وزیردربارپهلوی ازخدمت معاف گردیدند »

این‌دوسطرخبر مانندصاعقه درطهران منعکس گردید همه غرق‌تعجب شده بودوانستند که تیمورتاش آن‌وزیر درباری که قدرت مافوق‌شاه را ازخود نشان‌میداد ا کنون‌نه‌فقط ازکار بر کنار شده بلکه ممکن‌است مورد غضب واقع‌شود . درروزنامه‌ها جزاین‌دوسطر هیچگونه خبرو تفسیری وجود نداشت زیرا کسی‌اجازه وحق اظهار نظر دراین‌موضوع‌را نداشت.

عصرروزجمعه ۲ دی‌ماه اعلیحضرت نقدا ارتقاع شده ، بعمارت دربار آمده ودستورداده‌بود که دربار را منحل کنند بلافاصله آن قسمت که مرحوم تیمورتاش در آن ... شده و اثاثیه اطاق او جمع گردیده ...

اصلا وزیردربار نمیخواهم وسپس گفت تیمورتاش دیگر وزیردربار نیست

در تعقیب این امر به مرحوم تیمورتاش در خانهٔ خود واقع در بیرون دروازهٔ باغشاه تحت نظر قرار گرفت. دیگر هیچ کس جرئت نکرد از او دیدن نماید. شاید اشخاصی که در این هنگام تا وقتی تحت محاکمه قرار گرفت از او دیدن کردند انگشت شمار بودند.

مرحوم داور عازم ژنو گردید — داور و نصرت‌الدوله و تیمورتاش سه دوست صمیمی بودند که از روز اول باهم شروع بکار کردند. چندماه پس از عزل و تعقیب و محکومیت نصرت‌الدوله وزیرمالیه نوبت به تیمورتاش رسید. در این موقع مرحوم داور خیلی نگران و مضطرب شد، همان روزی که از عزل تیمورتاش مستحضر گردید حضور شاه شرفیاب شد ولی مورد لطف شاه قرار گرفت و حتی اجازه تحصیل نمود که از دوست خود تیمورتاش ملاقات نماید، در همین جلسه اول بعد از عزل تیمورتاش بود که مرحوم داور از جانب شاه ماموریت یافت که برای حل اختلافات دولت با شرکت نفت که منجر بشکایت دولت انگلیس شده بود بجامعه ملل برود.

روز جمعه نهم دیماه هیئت اعزامی ایران مرکب از مرحوم داور وزیرعدلیه، آقای علاء وزیرمختار سابق ایران در پاریس و آقای نصرالله انتظام عضو معلوم اداره جامعه ملل وزارت خارجه از راه بغداد با اتومبیل عازم اروپا شدند تا در جلسات شورای جامعه ملل که برای رسیدگی باختلاف دولت ایران و انگلیس تشکیل میشود شرکت نمایند.

نماینده مخصوص اطلاعات در ژنو — روزنامه اطلاعات بلحاظ علاقمندی و توجه خاصی که مردم بموضوع نفت داشتند و افکار عمومی متوجه اختلاف بین دولت ایران و انگلیس شده و همه منتظر بودند ببینند شورای نمایندگان ملل باین قضیه چگونه رسیدگی خواهند کرد آقای جواد مسعودی را که در اروپا تحصیل میکرد بسمت خبرنگاری مخصوص اطلاعات بمجمع اتفاق ملل معرفی نمود تا در موضع طرح مطلب جریان را بروزنامه مرتبا گزارش دهد.

مصاحبه با داور یکساعت قبل از حرکت : مرحوم داور در جواب سئوال آقای شهرستانی خبرنگار جراید مصر و عراق ساعتی قبل از حرکت گفت اختلافات حاصله بین دولت ایران و شرکت نفت جنوب در عداد مسائل داخلی محسوب میشود و دولت انگلیس حق مداخله در این قضیه را ندارد و اگر شرکت نفت اعتراض دارد باید بمحاکم داخلی ایران مراجعه نماید لکن از یادداشتی که هیئت نمایندگی انگلیس بجامعه ملل داده‌اند چنین معلوم میشود که نمایندگان انگلیس باستناد اینکه دولت ایران حق نداشته است امتیاز نفت را دارسی لغو کند ارجاع این تقاضای رسیدگی و اظهار نظر را نموده‌اند و میخواهند شورای ملل را در کلیه اختلافات موجوده بین دولت ایران و شرکت نفت حکم قرار دهند ولیکن دولت ایران رسیدگی باین کار را از صلاحیت شورای ملل خارج میداند و اکنون دولت ایران از مداخلات غیر مشروع بریطانیا در امری که محققا داخلی است و باید در محاکم ایران رسیدگی شود شکایت دارد و به شورای ملل مراجعه مینماید.

قانون اوزان و مقیاس‌ها — وزن در تمام مملکت یکسان نبود هر ایالت و هر گوشه کشور وزن مخصوص بخود داشت که «من» نامیده میشد اما «من» در هر نقطه وزن علیحده‌ای داشت و بنام‌های مختلف نامیده میشد، «من تبریز» «من شاه» «من تنگی» وغیره وغیره همینطور بود مقیاس طول و مقیاس سطح و سایر مقیاس ها که در بیشتر ایالات و ولایات مختلف و درهم و برهم بود.

اول آبان ماه ۱۳۱۱ قانون توحید اوزان و مقیاس ها بصحه شاه رسید و دستور اجرای آن صادر گردید.

برطبق این قانون واحد وزن کیلوگرام — واحد طول متر — واحد سطح متر مربع — واحد حجم متر مکعب و اضعاف و اجزاء مقیاسهای مزبور مطابق اصول متری معین شد و دولت مکلف گردید وزنه‌های کیلو و گرام سفارش دهد و با علامت مشخص دولتی که همه جا یکسان باشد در دسترس عامه بگذارد.

موضوع یکی شدن واحد اوزان و مقادیر از مسائلی بود که در روزنامه اطلاعات معرض افکار عامه گذاشته شده بود و چندماه اشخاص بصیر و مطلع در اطراف آن بحث می نمودند و نظریات میدادند تا پس از آنکه تمایلات عمومی معلوم شد و اکثریت نویسندگان معتقد بقبول سیستم متریک گردیدند اداره کل تجارت که بریاست مرحوم یاسائی اداره میشد و آن مرحوم با افکار و نظریات عامه احترام بسیار میگذاشت لایحه توحید اوزان را تدارک و بتصویب مجلس رسانید و بتدریج بموقع عمل و اجرا در آورد.

پایان دوره هشتم : آخرین جلسه دوره هشتم روز ۲۴ دی ۱۳۱۱ انعقاد یافت. در این

موقع اکثریت تام نمایندگان دوره نهم تقنینیه هم درموعد معین قانونی انتخاب شده ومجلس بعد آمـاده افتتاح وحتی درهمین ایام تاریخ گشایش نهمین دوره قانونگزاری درروز ۲۵ اسفند معین شده بود .

آقای دادگر رئیس مجلس بمناسبت پایان دوره هشتم طی نطقی از پیشرفت کارها در دوره ۸ اظهار مسرت نموده وگفتند « نبوغ واستحکام اراده شاهنشاه ایران پراکندگی وتشویش را بوحدت وتمرکز وقوت ساخت ومارا بایفاء وظایف خودمان توانائی واقتدار داد واگر خداوند بما توفیق عنایت فرموده وبار دیگر ماطریق ووسیله اصلاحات باشیم کوشش میکنیم که رویه ماهمینطور وطن پرستانه ونیك خواهانه باشدو کاملا باین نکته آشنائی داریم ویافته ایم که عصر حاضر عصر ترقی وپیشرفت است ومابایدازین فراهم بودن اسباب برخوردار شده وساعات ودقایق آنرا مغتنم شماریم »

بعد از ایشان آقای فهیمی وسپس آقای اورنك نطقهای شایانی در باب اصلاحات عمرانی، ساختمان ترقیات صنعتی و کشاورزی ایراد ودرپایان آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزراء ضمن نطق تشکر آمیز خودگفت :

«من چشم ودست راموضوع عرض خود قرارمیدهم،البته چشم ازدست تشکری ندارد،دست هم ازچشم تشکر ندارد ولی این هردو با موافقت وهمراهی یکدیگر باهم باید کار کنند وهردوباید از روح تشکرداشته باشند روح انسانی باید فرمانده هردوی اینها باشد اگر نباشد هم چشم بی مصرف است وهم دست وآن روح امروز مملکت ما البته وجود اعلیحضرت پهلوی است . ما در قسمت خودمان که مستخدمین دولت هستیم معترفیم که ما نتوانسته ایم آنجوریکه اعلیحضرت توجه درکارها دارند ومیل دارد مقاصد ملی ومملکتی پیشرفت هرچه دویدیم نتوانستیم برسیم ونرسیدیم البته مجلس شورای ملی که بمنزله چشم بوده همکاری کامل کرده اند ومانیز داریم...الی آخر »

جعلیات ومهملات روزنامه های انگلیسی : این عنوان مقاله ایست که درشماره ۲... اطلاعات بچاپ رسیده وتاثیرنتیجه شدت حملات وتعرضاتی است که روزنامه های انگلیسی بنفع شرکت نفت جنوب ایران می نمودند . مقاله بااین مقدمه شروع میشود :

« مطالعه جراید انگلستان حقیقتا شخص را دچارسر گیجه ودوارسرمیسازد مهمل گوئی، دروغبافی ... خوانی هم حدودی دارد که جراید لندن پای خودرا ازسرحد آن بالاتر گذاشته اند باهر بیست یکدسته روزنامه انگلیسی میرسد که مملوازجعلیات وتعرضات وحملات بیجائی است که بمناسبت اختلاف ... ملی ایران نسبت مارواميدارد خواننده ای راازطرزقضاوت انگلیسها متاثر میسازد .

ولی آقایان انگلیسها بایدبدانند که مردم امروز ایران چشم باز کرده و ... اجازه نمیدهند درحقوق ملی آنها مداخله نماید و ملت ایران امروز یك صدا و هم آهنگ خواهان تربیت و اصلاحات مملکت خود ... و یکدل ویکجهت قدمهای وطن پرستانه حکومت ترقی خواه خود را تقویت و پیروی میکنند ، آن سوء ... تفرقه وتشتت آراء وایجاد اختلاف نظر بین مردم و دربی آن تحمیلات نفوذ اجانب در ایران امروز ذره ای ندارد مطبوعات بریطانیا البته ازپیش آمد های اخیر خوششان نمی آید ، آن ها میل دارند ایران را با ... چشم ده پانزده سال قبل و تفرقه ورنفاق نگاه کنند و مردم آن را همانطور ... و بزدل و مطیع پیشرفت نفوذ اجانب ببینند ولی خوشبختانه چنین نیست و ما بیدار حفظ حقوق و منافع ملی خود شده ایم ... تامین مصلحت ومنفعت خودنمیخواهیم .

اولین تلگراف مخبر اطلاعات از ژنو : تهران - اطلاعات - روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه ۱۹۳۳ ... مدارك دولت ایران را نمایندگان ایران تسلیم دارالانشاء جامعه ملل نمودند همانروز موضوع مطرح ... مذاکرات دراطراف قضیه روز پنجشنبه ۲۶ ژانویه وقت ... گردید ... نمایندگی دولتین ایران و ... قبول کردند ، جوادمسعودی

تلگراف دوم: ... وزیر خارجه ... دولت را درپیشگاه مجمع ملل ... کرد. شورای جامعه ملل دکتربنش وزیرخارجه چکواسلواکی (رئیس جمهور فعلی آن دولت)را بسمت ...

تعیین نمود و باو دستور داد که با نمایندگان هر دو طرف ارتباط حاصل نموده ونتیجه رابشوری رایرت دهد

تلگراف دیگر : ۲۶ ژانویه ۱۹۳۳ تهران ــ اطلاعات ــ دیشب آقای داور کنفرانس جالب توجهی بوسیله رادیو داد. طالبین حقیقت همگی مستمع این کنفرانس بودند. داور بدواً ترقیات مملکت ایران را در دوره اعلیحضرت همایونی تشریح نمود و پس از ذکر تخلفات زیاد کمپانی و حسن نیت دولت ایران نسبت باین موضوع ثابت کرد که رسیدگی باختلافات بین دولت ایران و کمپانی نفت جنوب از صلاحیت محاکم قضائی ایران میباشد وهمانطور که در مورد اختلاف با فنلاند دولت انگلستان اصرار میکرد حالا هم مطابق همان استدلال باید این موضوع در محاکم داخلی ایران تحت رسیدگی قرار گیرد مخصوصاً که محاکم ایران عدالت و بی طرفی خود را کراراً به ثبوت رسانیده.

وزیر خارجه انگلیس ووزیر عدلیه ایران : روز ۷ بهمن ۱۳۱۱ سرجان سیمون وزیر خارجه انگلیس وداور وزیر عدلیه ایران درجامعه ملل نطق های مفصلی ایراد نمودند. سیمون گفت شرکت نفت تعهدات خودرا انجام داده وهیچگونه مجوزی برای الغای امتیاز نامه وجود نداشته ودولت انگلستان بموجب ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل حق داشته است این دعوارا بجامعه مراجعه دهد بعلاوه دولت ایران که برطبق مقررات امتیاز مسئول حفظ مال وجان شرکت وکارکنان آن بود مکرر ازقبول مسئولیت استنکاف ورزید و پس از تسلیم شکایت دولت انگلیس بجامعه ملل دولت ایران ضمانت مال وجان وبستگان کمپانی راکه در معرض تهدید طوائف شرارت پیشه بود عهده دار گردید.

داور گفت: «ادعای سیمون بی مورد است زیرا دولت ایران با اینکه امتیاز نفت راملغی ساخته معذلك هرگز درصدد شانه خالی کردن اززیر بار تعهدات بین المللی خود درخصوص حفظ جان ومال اتباع خارجه بر نیامده است بعلاوه دولت انگلیس حق مداخله در این امر را نداشته است زیرا دعوا بین دو دولت نیست بلکه بین دولت ایران و یك کمپانی صاحب امتیاز است که میتواند از وسایلی که دردسترس دارد یعنی محاکم ایران استفاده نماید.»

سپس یادداشت دولت ایران درجواب یادداشت دولت انگلیس بدارالانشاء جامعه ملل تسلیم گردید که در مجمع طرح شد و نطقهای مفصلی نمایندگان دودولت ایراد نمودند وآخرین تلگرافی که از آقای جواد مسعودی رسید ازاینقرار بود :

« تهران ــ اطلاعات ــ مطلب مسرت بخشی که میتوانم بعرض برسانم خاتمه کار ژنو و پیشرفت نظریه نمایندگان ایران است. امروز جمعه سوم فوریه ۱۹۳۳ دکتر بنش وزیرخارجه چکواسلواکی که ازطرف شورای ملل بسمت مخبری ومراجعه باظهارات واسناد طرفین وتهیه رایرت انتخاب شده بود پس ازرسیدگی و مطالعات کامل پیشنهادخودرا تنظیم وتقدیم نمود. دکتر بنش نظریه دولت ایران راتائید وضمنا باتوافق نظروقبول طرفین پیشنهاد کرد که کمپانی نفت درتهران بادولت ایران کنار آید. پیشنهاد دکتر بنش بشورا تقدیم وشورای ملل مقررداشت که کمپانی نفت درتهران بادولت ایران واردمذاکره شود »

شرایط مندرجه درفورمول دکتر بنش : ۱ــ طرفین موافقت میکنند که کلیه مسائلی که بشورا مراجعه شده است تاجلسه آینده شورا که درماه مه منعقد میشود معلق دارد ودرضمن حق خواهند داشت که باموافقت یکدیگر موعد مذکور درماه مه را تمدید دهند.

۲ــ هردو طرف موافقت میکنند که نظریات حقوقی هریك ازطرفین بنحوی که درمقابل مجمع طرح شده بایستی کاملا محفوظ ماند وهرگاه مذاکرات مربوط بامتیاز جدید بدون نتیجه بماند موضوع دوباره درمقابل شورا طرح شده وهریك ازطرفین برای مدافعه ازنظریات ودعوی خود آزاد باشد.

۳ــ ابق اطمینانی که ازطرف دولت ایران برئیس شوری داده شده محقق است که درضمن پیشرفت مذاکرات وتاحصول تسویه قطعی این امر کار و عملیات کمپانی درایران باید بهمان نوعی که تاقبل از ۲۷ نوامبر گذشته بود جریان داشته باشد.

قطعنامه شورا چنین بود : ۱ــ شورا دعاوی هردو طرف را مورد توجه قرار داده و حق مطالعه آن رابرای خود محفوظ میدارد ۲ــ تعقل ودرایت هردوطرف راستوده که از هرگونه اقدامات احتمالی نسبت بوخامت وشدت وضعیت موجود خودداری نموده اند ۳ــ خبرحاضر را که تقدیم شوراگردیده وهمچنین انعقاد قرارداد موقتی راکه مذاکرات مخبر باطرفین منتهی بآن شده تصویب می نماید.

محاکمه عبدالحسین دیبا : مرحوم عبدالحسین دیبا رئیس محاسبات وزارت دربار بود و با مرحوم تیمورتاش دوست بود قبل از آنکه تیمورتاش از خدمت معاف گردد مرحوم دیبا که سمت نمایندگی مجلس را نیز دارا بود از کار وزارت دربار بر کنار شد و بعد از چندی تحت تعقیب در آمد.

عبدالحسین دیبا متهم بود که آقای امیرمنصور پسر سپهدار اعظم را با مرعید واقع که نمایندگی رشت در دوره نهم تقنینیه باشد امیدوار نموده و مبلغ بیست هزار ریال یا بعنوان از او اخذ و کلاهبرداری کرده و دلیل محکمه یکقطعه کارت مربوط به دیبا بود حاکی از اعتراف او بدریافت وجه و شهادت آقای فتح‌الله اکبر (سپهدار اعظم) و ملاقاتهای مختلف با مشار سعدیه با امیر منصور و دیبا و تسلیم وجه با آقای دیبا در اطاق خواب او.

پس از چند جلسه محاکمه و [illegible] و کلای طرفین دعوا آقایان همراز و سلطانی ، ارسلان خلعتبری و دفاع مشار سعدیه محکمه مرحوم دیبا را بهشت ماه حبس تادیبی محکوم ساخت.

توقیف تیمورتاش در اداره نظمیه : مرحوم تیمورتاش که چندی تحت نظر بود مجدداً تحت تعقیب جزائی قرار گرفت و از طرف مدعی العموم دیوان عالی [illegible] دولت ادعانامه تنظیم و قرار توقیف صادر گردید روز شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۱۱ طبق قرار مدعی العموم در اداره [illegible] توقیف شد.

روز ۲۵ اسفند شعبه اول دیوان جزا بریاست آقای [illegible] و عضویت آقایان یکانی - مهریار با حضور نماینده پارکه و مدعی العموم [illegible] شد و [illegible] را صادر و شروع برسیدگی نمود . آقایان سید هاشم [illegible] وکلای مدافع تیمورتاش و [illegible] مترجم برای ترجمه اوراق حاضر بودند و جلسه از صبح تا ده بعد از ظهر ادامه یافت و بعنوان تنفس [illegible] و روز [illegible] بتشکیل جلسه دادند و در نتیجه مرحوم تیمورتاش از حیث ارتشاء بسه سال حبس مجرد که [illegible] اجتماعی و استرداد مال حاصل از ارتشاء و پرداخت سی و هشت هزار و پانصد و نود و دو تومان و [illegible] هزار [illegible] لیره انگلیسی بعنوان محکوم گردید.

پس از این جریان محاکمه دیگری [illegible] باز درباره مرحوم [illegible] گردید.

گشایش مجلس نهم و نطق افتتاحیه : روز ۲۵ اسفند [illegible] دوره مجلس شورای ملی افتتاح یافت مرحوم دولتشاهی (مجلل الدوله) رئیس [illegible] رقبات خارجی سلطنتی بوده همینکه شاه فقید وارد تالار جلسه شد و پشت میز و صندلی [illegible] قرار گرفت تمام [illegible] نمایندگان طبقات و رجال و اشراف و نمایندگان خارجی [illegible] سمت راست [illegible] داشتند از جمله امام جمعه خوئی . امام جمعه تهران . میرسید محمد بهبهانی [illegible] حاج شیخ اسحق رشتی و غیره و در سمت چپ رئیس الوزراء ها و روسای [illegible] الدوله [illegible] قوام السلطنه ، ممتاز الدوله . احتشام السلطنه و غیره.

شاه فقید در نطق افتتاحیه خود گفت

«نظر بفواید علاقمند شدن اهالی بامر زراعت و توسعه [illegible] لازم است که اراضی خالصه دولتی در کلیه نقاط مملکت بیک طبقاتی که [illegible] تقسیم گردد.

آرزوی من این است که احتیاجات مملکتی حتی الامکان [illegible] خود اهالی تهیه شود بمناسبت الغای امتیاز معادن نفت جنوب و مذاکره‌ای که برای قرارداد [illegible] که اقدامات دولت ما با ترتیب عادلانه‌ای که متضمن تامین منافع حقه مملکت [illegible] باینکه ایران دارای معادن بسیار و منابع مهم ثروت طبیعی است و تمام هم ما متوجه [illegible] باید از طرف دولت وسایلی فراهم گردد که منابع مزبوره برای آبادی و ترقی [illegible] واقع شود.»

کارناوال یا کاروان شادی : در ۲۴ اسفند [illegible] برحسب تشویق سرلشکر آیرم رئیس شهربانی علاوه بر جشن و چراغانی [illegible] و مردم تهران هم در این کار شرکت نمودند و حتی طبقات مختلف پول دادند و [illegible] مقدمات کارناوال را فراهم کنند ولی سال بعد موضوع مورد مواخذه [illegible] استفاده‌هائی هم که از این راه شده بود حتی دستور تعقیب اشخاص را دادند و [illegible] داشت موقوف گردید.

کارناوال شادی در آن سال از [illegible] نمایش هیکل چارلی چاپلین درست شده بود که مسخرگی میکرد بعد از آن یکدسته با ماسک [illegible] و مرتبط [illegible]

بار و رقص‌های قفقازی، سرنا و دهل، ارکستر اروپائی، ارکستر ایرانی و بعد عرابه‌های مختلف بصورت کشتی و بناهای تاریخی با اسب و اتومبیل حرکت میکرد بارگاه سلاطین قدیم، نمونه‌های لباس و زندگی ... خلاصه دسته مفصلی پیدا کرده بود و موضوعی برای مردم پایتخت شده بود.

بازگشت نمایندگان ایران فروردین ۲۹ (اسفند ۳۱۱) نمایندگان ایران (داور، علاء، انتصام) مامور مذاکره درباره نفت از ژنو مراجعت و وارد شدند در اینموقع دولت متخصصین و مشاورینی برای ادامه مذاکرات خود راجع بنفت استخدام نمود که آنها نیز وارد تهران شدند آقای علاء بسمت ریاست بانک ملی مشغول خدمت گردید.

سرجان کدمن رئیس کل شرکت نفت نیز روز ۱۴ فروردین ۳۱۲ با دو سه نفر از متخصصین و مشاورین خود وارد تهران شد تا باختلافات حاصله رسیدگی شود

متخصصین و مشاورین خارجی ایران که استخدام شده بودند مرکب بودند از دو نفر سویسی، دو نفر انگلیسی و یکنفر امریکائی (مستر نلاب)

فروردین ۳۱۳ و ارتقاء امراء: در این سال ۷ تن سرتیپ بسرلشکری ارتقاء یافتند از اینقرار: سرتیپ محمدحسین آیرم رئیس نظمیه، سرتیپ بوذرجمهری رئیس بلدیه، سرتیپ ضرغامی رئیس امنیه، سرتیپ مرتضی یزدان پناه، سرتیپ شاه‌بختی، سرتیپ مقدم، سرتیپ محتشمی

کنفرانس اطاقهای تجارت در تهران: برای اینکه مشاوره درباب امور تجارت کشور بشود و تجار در هر قسمت مملکت از اوضاع و احوال اقتصادی کشور آگاه شوند مرحوم یاسائی رئیس کل تجارت بتشکیل کنفرانسی مرکب از نمایندگان اطاقهای تجارت ایالات و ولایات اقدام نمود و روز ۱۵ فروردین ۳۱۲ اولین جلسه کنفرانس در محل شرکت سهامی تجارتی ایران (خیابان جلیل آباد) تشکیل گردید و موضوع تهیه سهمیه سال جاری با ملاحظه احتیاجات مملکت باجناس خارجی و با حفظ و حمایت از مصنوعات و محصولات داخلی و اتخاذ تدابیر لازم برای اصلاح صادرات و طبقه بندی آنها و ترویج صناعت و فلاحت بوسیله تشکیل شرکتها، نرخ اجناس و کرایه و وسایل حمل و نقل و تشکیل نمایشگاههای تجارتی و صنعتی. تسهیلات ممکنه درخصوص اجرای مقررات اسعار خارجی، تدابیر لازم برای جلوگیری از قاچاق و سایر مسائل تجارتی در این جلسات سخنرانی مورد مذاکره و مطالعه و اخذ تصمیم قرار گرفت.

روزنامه اطلاعات هواخواه تشکیل چنین کنفرانسی بود، مقالات بسیاری نوشت و مشکلات تجارت را متذکر شد و رفع معایب و ترقیات اقتصادی را از راه مشورت و کسب نظر خود تجار پیشنهاد کرد و بمناسبت انعقاد کنفرانس اقتصادی تجار در تهران نوشت

«حضور نمایندگان تجار از اطراف و اکناف ایران در تهران و اجتماع آنها در یک محل و گردهم بهترین طریق اصلاح و بهبود امور تجارت و پیشرفت صنعت و فلاحت ایران است. تا کنون در ایران بیسابقه بوده است که تاجر بندر عباس با تاجر گیلانی در پشت یک میز بنشینند و مسائل عمومی و محلی خود را طرح کنند و مشکلات را بگویند و تصمیم مشترکی برای امور تجارت بگیرند.

اما آقایان تجاری که اکنون میخواهند تصمیماتی درباره کلیه امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی بگیرند باید در درجه اول مصالح عمومی مملکت را مورد توجه قرار دهند، وضع زندگی توده‌های کثیر جمعیت ایران را نصب العین خود قرار داده و همواره مصلحت عامه را بر منافع و مصالح فردی ترجیح دهند.

همچنین مصلحت مملکت را بر مصلحت محل اقامت خود ترجیح دهند و در این صورت موفقیت نصیب این مردم و مملکت خواهد شد و خواهند توانست هر گونه مشکلات را از پیش پای ترقی مملکت بردارند و آقایان محترم بدانند هر نتیجه مطلوبی که از تجمع و مشاوره با آنها اخذ شود فایده‌اش برای تمام مردم و تمام مملکت خواهد بود و آنها هم بسهم خود برخوردار خواهند شد.»

شتر قربانی: عصر روز ۱۷ فروردین ۱۰ ذی‌حجه ۳۵۱ مراسم شتر قربانی در مقابل اداره تشکیلات نظمیه میدان سپه انجام یافت. تا آن سال این مراسم اجرا میگردید. شتری را زینت می کردند و با ساز و دهل و تشریفات مخصوص وارد میدان سپه می نمودند و در آنجا با طرز تاثرآوری شتر را میکشتند و گوشت آن را همانجا قطعه قطعه تقسیم می کردند و برای گرفتن سهمی از گوشت شتر مردم هجوم می آوردند ولی فقط دسته‌ای سهم و نصیب می بردند و از این کار چند مثل در افواه باقی مانده یعنی اینکه گفته میشود «شتر را کشتند» یعنی کار خاتمه یافت. مثل دیگر میگویند «مانند شتر قربانی بر آن حمله کردند و آن را غارت نمودند» مثل اخیر بیشتر در مورد بودجه کل مملکت مصداق پیدا میکند که مالیه ملت را که باید صرف احتیاجات خود مردم کنند گفته میشود مثل شتر قربانی بین یکدسته تقسیم میشود و بر سر تقسیم جنجال و دعوا برپاست.

اعتبارنامه تیمورتاش : مرحوم تیمورتاش درضمن انجام خدمت در وزارت دربار از طرف اهالی نیشابور بسمت نمایندگی مجلس نیز انتخاب میگردید . در دوره نهم تقنینیه بهمین سمت انتخاب شده بود ولی این انتخاب مصادف با تعقیب او شده و محکومیت نیز حاصل کرده بود لذا در موقع رسیدگی باعتبارنامها شعبه سوم مجلس چنین گزارش داد : « دوسیه انتخابات نیشابور تحت مداقه در آمد و قبل از رسیدگی بجریان امور انتخابیه صلاحیت موی‌الیه مورد بحث واقع گردید چون تیمورتاش در نتیجه حکم صادره از دیوان جزای عمال دولت محکوم بحبس مجرد و محروم از تمام حقوق اجتماعی شده وچنین شخصی صلاحیت نمایندگی مجلس شورای ملی‌را ندارد شعبه ۳ باتفاق آراء اعتبارنامه محکوم مزبور را رد نموده وخبر آن را بمجلس تقدیم میدارد »

بدلول این راپورت یعنی رد اعتبارنامه تیمورتاش رای گرفته وتصویب شد .

این اولین دفعه بود که نام مرحوم تیمورتاش در مجلس بدون القاب وعنوان در میشد چه رسد که نسبت باو چنین تصمیمی گرفته شود (!)

مجلس نهم رسمیت یافت — پس از انتخاب هیئت رئیسه و کمیسیونهای مجلس ، رسمیت جلسه اعلام و بعرض اعلیحضرت فقید رسید ، بلافاصله طبق قانون ، حکومت مستعفی گردید ولی همان حکومت باردیگر زمام امور را بدست گرفت و در جلسه ۲۹ فروردین ۳۱۲ بشرح زیر بمجلس نهم معرفی گردید :

آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت رئیس‌الوزراء گفت این بارهم افتخار تشکیل کابینه ببنده محول شده آقایان وزراء را حضور مجلس معرفی میکنم :

آقای فروغی وزیر خارجه — آقای تقی‌زاده وزیر مالیه — آقای منصور وزیر طرق — آقای داور وزیر عدلیه آقای اسعد وزیر جنگ — آقای بهرامی وزیر پست وتلگراف وتلفن — آقای زرین کفش کفیل وزارت داخله — آقای فرخ رئیس صناعت وفلاحت — آقای یاسائی رئیس کل تجارت وچون آقای یحیی‌خان قراگزلو کسالت دارند فعلا آقای رهنمارا بمعاونت معرفی میکنم و آقای ناظم‌الدوله دیبا را بمعاونت خود معرفی مینمایم وسپس پروگرام دولت را تقدیم نمودند .

بودجه سال ۱۳۱۲ کل کشور : دراولین فرصت دولت لایحه بودجه سال جاری را تقدیم نمود و مورد مطالعه قرار گرفت . طبق این لایحه عایداتی که ازمنابع نفتی ایران یا آنچه مربوط بان ازحساب معوقه وجاری وصول شود بحساب ذخیره مملکتی محسوب میگردید . علاوه براین رقم عایدات کل کشور ۵۰ میلیون وششصد شصت هزار تومان و مخارج کل ۵۰ میلیون و ششصد هزار تومان یعنی عایدات ازمخارج شصت هزار تومان بیشتر بود و چون درتقدیم بودجه کل تاخیر شده بود ماه فروردین واردیبهشت بطور یکدوازدهم اجازه گرفته شد وازاول خرداد طبق بودجه جدید عمل شد .

نمایندگان اطاقهای تجارت و نطق شاه : پس از خاتمه کنفرانس اقتصادی عموم نمایندگان اطاقهای تجارت حضور شاه فقید شرفیاب شده و بیانات زیر را اعلیحضرت ایراد نمود :

« لازم است مال التجاره های ایران ببازارهای دور و نزدیک ممالک خارجه شناسانده شود وبرای اجرای این منظور که ترقی تجارت مملکت ونفع تجاراست باید یکعده از تجار بتمام نقاط عالم که ممکن است بازاری برای تجارت پیدا نمود مسافرت نمایند ، اطلاعات کافی و لازم ازطرز تجارت وکار آن ها و ترتیبها مال التجاره خوب و امتعه مرغوب حاصل نموده ومطالعات لازم دراوضاع و احوال تجارت و اقتصاد آنها نمایند امتعه و محصول ایران را بشناسانند و اطلاعات مفیدی‌را که در نقاط مزبور کسب می نمایند در مراجعت بتمام تجار مملکت بدهند که سود آن برای عموم باشد »

الغای قرارداد تجارتی فعلی بااتحاد شوروی و همچنین ممانعت اقلام صادراتی از هر گونه عوارض مورد تقاضای تجار بود زیرا هردو قسمت مورد شکایت واشکال تجار شده بودو شاه فقید وعده داد درهردو قسمت دستور به هیئت دولت بدهد .

لیندن بلات توقیف گردید : بعداز خودکشی نوکل کفیل بانک ملی چون لازم بود لیندن‌بلات رئیس سابق بانک ملی برای توضیحات بایران بیاید دولت آلمان موافقت خودرا اعلام داشت ود کتر لیندن‌بلات بتهران آمده چندی بعد بر اثر تحقیقاتی که ازاو شد مشارالیه ازطرف بانک ملی باتهام خساراتی که در نتیجه سوءاستفاده خود ببانک وارد نموده بود مجرم تشخیص داده شد و حبس گردید و در حدود سیصدهزار تومان وجه الضمان خواسته شد که چون نتوانست ضامن بدهد درزندان ماند تامحاکمه او شروع گردید . اداره کل صناعت نیز برعلیه لیندن بلات بمناسبت افراط و تفریط در خرید لوازم کارخانه قندسازی کهریزک و غیره اقامه دعوا نمود .

ـــــ ٥ ـــــ

خاتمه مذاکره نفت - روز هفتم اردیبهشت ۳۱۲ مذاکرات بین متخصصین ومشاورین حقوقی دولت وکمپانی نفت‌جنوب خاتمه پذیرفت . علاوه بر جلساتی که همه روزه تانصف شب تشکیل بود روز جمعه هم از صبح تاعصر باحضورآقایان فروغی ، تقی‌زاده ، داور وسرجان لدمن رئیس کل شرکت نفت‌مذاکرات ادامه داشته ودرساعت ۵ بعدازظهر پروژه‌ها باتوافق نظر نمایندگان‌طرفین تنظیم گردید .

تاآنروز هیچگونه اطلاع‌صحیحی‌ازمسائل برجسته‌ای که موردموافقت‌واقع‌شده‌بوددر دست‌نبود ولی‌شالودهٔ که برای قرارداد جدیدریخته شده‌بود گفته‌میشد بکلی باشالوده واساس امتیاز نامه سابق فرق دارد که‌پس‌از طرح‌درهیئت وزراءدرصورت حصول‌توافق باآقای تقی‌زاده‌وزیرمالیه اختیار داده‌شود بنام‌دولت ایران قرارداد جدید راامضاءو مبادله نمایند .

امتیازجدید نفت چه بود؟: چندروزبعد اطلاعاتی بدست‌آمد که در روزنامه باطـلاع عموم رسید و معلوم شد که در قرار داد جدید قسمت زیادی از مواد امتیاز نامه تغییر کـرده و اصلاحات زیاد در آن بعمل آمده‌از جمله محدود کردن‌حوزه‌نفت بود که در امتیاز نامه دارسی قسمت عمده ایران‌را شامل‌بود و کمپانی‌مکلف گردید در ظرف چهار سال حوزه عملیات‌خود را محدود و حداکثر از یکـصدهزارمیل‌مربع که کمتر از ربع حوزه امتیازدارسی بود تجاوز ندهد.

حق لوله کشی‌انحصاری شرکت‌درایران‌موقوف گردید تا آن وقت غیرازشرکت‌نفت جنوب‌هیچ شرکت داخلی یاخارجی حق‌لوله کشی‌نفت در ایران نداشت‌بعبارت دیگر حق‌استخراج‌نفت‌پیدانمیکرد ، شرکت بهرتن نفت‌ویامشتقات‌آن که‌درایران‌می‌فروشدویاازایران‌خارج‌می کندطبق قرارداد تازه‌چهار شلینگ‌حق‌الامتیاز بدولت‌خواهدداد بعلاوه مبلغی معادل خمس آنچه از کل منافع خالص شرکت چه درایران وچه‌درخارجه بدست‌می‌آیدخواهدپرداخت ونیز شرط شده است که آنچه از این بابت بدولت میرسد درهیچ سالی حتی دربدترین‌سال‌ها ازحیث‌عایدات‌از ۷۵۰ هزارلیره نباید کمترباشد و اگرلیره‌انگلیسی‌تنزل کند ترتیبی داده شده که ضرری از این راه متوجـه ایران نشود.

علاوه براین قرار شده است در۱۵ سال اول امتیار برای هرتنی تاشش‌میلیون ۹ پنس‌وبالاتر از شش‌میلیون تن‌برای هرتن شش‌پنس ودر۱۵ سال بعد برای هرتن تا شش میلیون تن یك شلینك وبرای هر تن بالاتر از ۶ میلیون تن۹ پنس بپردازند ولی‌تضمین‌شده‌است که‌درهرصورت در۱۵ سال اول ازاین باب کمترازسالی ۲۲۵ هزار لیره‌عایدات دولت نباشدودر۱۵ سال‌بعد کمتر ازسیصد هزار لیره نباشد

قرار شده‌است کمپانی بتدریج مستخدمین وعمله‌غیرایرانی رامرخص نموده وبجای آنها ایرانیهارابگمارد وبرای این‌منظور طرحی خواهند ریخت و کمپانی سالی ده هزار لیره درانگلستان بمصرف تربیت محصلین‌ایرانی درفنون مربوط بنفت‌بانظارت نماینده مخصوص دولت خواهدرسانید.

برای فروش نفت‌درداخله شرط شده‌است که‌همه‌ساله قیمت متوسط دوازده‌ماه‌قبل هریك‌ازمحصولات رادر خلیج مکزیك و رومانی تعیین‌نموده وهرکدام ارزانترباشد آن‌راماخذقرار دهند ونسبت‌بماخذ مزبور بمردم‌صدی ده کمتر وبدولت‌صدی ۲۵ کمتر بفروشند بااضافه کردن مخارج حقیقی حمل‌ونقل وغیره.

کمپانی بابت‌قطع‌کلیه دعاوی‌گذشته یك میلیون لیره خواهد پرداخت و حق‌السهم دولت ایران را درسال ۱۹۳۱ که درحدود سیصد هزار لـیره پرداخته بود و دولت ایران از قبول آن استنکاف ورزیده بود از روی امتیاز جدید خواهد پرداخت‌که ازیك میلیون‌لیره هم تجاوز خواهد کرد .

همچنین نسبت مطالبه مالیات برعایدات کـه مورد اختلاف بود قرار شد روی پایه مالیات جدید گذارده شود یعنی روی تن شمارگرفته میشود ومبلغ ششصد هزار لیره ازبابت مالیات گذشته که مورد مطالبه دولت بود عایدخواهدگشت.

ازعایدات خالص شرکت هم دولت حقی خواهدگرفت واین حق صدی بیست منافع خالص خواهد بودکه شامل تمام عملکرد شرکت بخصوص شرکت های فرعی نیز خواهد بود دولت ایران نماینده مخصوصی در لندن خواهد داشت با اختیارات وسیعتری که مانند اعضای هیئت مدیره حق خواهد داشت ازمنافع دولت ایران دفاع نماید وهرموقع تقاضای تشکیل هیئت مدیره نموده ودر امور نظارت داشته باشد ونیز درامتیاز جدید قید شد که اگر متخصصین نفت شرکت درضمن‌کاوش معادن نفت بمعادن دیگری برخوردند مکلف هستند راپرت وجود معدن مزبور را با نقشه‌های آن‌مجاناًدردسترس‌دولت ایران بگذارند وحتی حق استفاده ازجنگلهائی که درحوزه امتیازیه آنها واقع است ندارند . ونیز پیش‌بینی شدکه اگر دولت خواست وضعیت تضمین مبنای طلاراتغییر دهد طرفین موافقت می‌نمایند وهمین‌قسمت وسیله‌شد که بعدها دولت ایران ادعای افزایش عایدات نموده‌وترتیب اثرداده‌شده

چگونه تمدید داده شد – مدت امتیازنامه دارسی ۶۰ سال بود که نزدیک سی سال آن منقضی شده بود و هنگام تنظیم قرارداد جدید هیچ صحبت از تمدید نبود لکن در آخر کار که مواد امتیازنامه طبق موافقت طرفین تنظیم گردید ناگهان سرجان کدمن عنوان کرده بود که شصت سال مدت امتیاز دارسی از تاریخ امضاء و مبادلهٔ این امتیازنامه خواهد بود این پیشنهاد مذاکرات را دگرگون ساخت و چندبار قطع گردید و دوباره شروع شد و بالاخره نمایندگان ایران قبول نکردند و موضوع بشاه فقید مراجعه شد و او هم زیر بار نرفت و قرار شد اختلاف بماند و بار دیگر بمجمع اتفاق ملل طبق قراری که داده شده بود ارجاع گردد.

در همین موقع متخصصین و مشاورین خارجی نفت چه آنهائی که از طرف دولت ایران استخدام شده بودند و چه آنهاکه با سرجان کدمن رئیس شرکت نفت آمده بودند چون کار خود را خاتمه داده بودند بعضی حرکت نموده و برخی در شرف حرکت بودند و خود کدمن رئیس شرکت نفت هم تصمیم خود را بحرکت گرفت و گفته بود در اینصورت مذاکرات ما خواهد ماند تا در جامعه ملل طرح شود.

تصمیم اول شاه فقید : شاه فقید در بن بست قرار گرفت از یکطرف امتیازنامه دارسی را ملغی نموده و درصدد بود حق تضییع شده ایران را پس بگیرد و فورمولی هم که برای انجام این منظور پیدا شده بود تاحدی رضایت بخش بود ولی از طرف دیگر شرط عقد و امضای قرارداد جدید را انگلیسها تمدید قرارداده بودند مردد بود اگر زیر بار تمدید برود بقول خودش مورد طعن و لعن آیندگان واقع خواهد شد بالاخره تصمیم خود را گرفت که موضوع بار دیگر بجامعه ملل مراجعه شود و حتی اطلاع داد که نمایندگان ایران بار سفر بربندند و حرکت کنند اما در پس این تصمیم فکری برایش قوت گرفت و آن این بود که آیا مجمع اتفاق ملل طرف ایران را خواهد گرفت یا بنفع انگلیسها رای خواهد داد؟

در مرحله اول شکایت ایران بجامعه ظاهر قضیه فتح ایران بنظر میرسد لکن در باطن شکست بود زیرا دولت ایران مدعی بود که اختلاف بین ایران و شرکت نفت یک امر داخلی است که باید در خود ایران و بمحاکم ایران مراجعه شود و بدولت انگلیس و ارجاع بجامعه ملل ارتباط ندارد و با این تصمیم نمایندگان ایران بجامعه رفتند که اعتراض دولت انگلیس را منتفی سازند ولی برعکس جامعه ملل دخالت کرد و آنرا در دستور گذاشت منتها برای حفظ حیثیت دولت ایران قبول کرد که دعوی در تهران بین نمایندگان شرکت و دولت ایران بطور مسالمت آمیز طرح و حل اختلاف شود و چنانچه حل نشد جامعه ملل در آن دخالت کند.

تصمیم دوم شاه فقید: اعلیحضرت فقید متوجه این نکته گردید که اگر قضیه در تهران حل نشود و بجامعه ملل احاله گردد قطعا بسود ایران رای نخواهد داد و نمایندگان جامعه ملل طرف انگلیسها را از دست نخواهند داد و در نتیجه ممکن است او را مجبور کنند سند پاره شده دارسی را دوباره قبول کند و این بزرگترین ضربه‌ای بود که به حیثیت او وارد می آمد. این افکار در او قوت گرفت در همین ساعات بود که سرجان کدمن رئیس شرکت نفت با لباس ژاکت و کلاه بلند خود در کاخ سلطنتی حضور اعلیحضرت فقید شرفیاب میشد که خدا حافظی نموده و فردای آن روز بدون اخذ نتیجه با طیاره عزیمت نماید ، در این ملاقات و خداحافظی شاه تسلیم شد و بلافاصله به هیئت دولت دستور داد تمدید را قبول کنند.

روز بعد قرارداد بامضای نماینده مختار ایران آقای تقی‌زاده و نماینده شرکت نفت رسید و آماده پیشنهاد بمجلس گردید و چند روز بعد تقدیم مجلس شد و بتصویب سرسید.

انعکاس تمدید در کشور : اخبار مربوط بمذاکرات نفت و تغییرات مفیدی که در امتیازنامه داده شده بود و بخصوص لغو انحصار لوله کشی در ایران و حق تحدید نظر در درآمد دولت ایران از راه ادعای تغییر تضمین طلا و محدود کردن حوزه امتیاز و تقلیل عده کارمندان خارجی شرکت و سایر مسائل تاثیر شایسته‌ای در افکار مردم نمود ولی بمحض اینکه این دو سطر در ضمن طرح جدید بچاپ رسید. « مدت امتیاز از این تاریخ شصت سال است و دولت درمورد تخلف کمپانی از پرداخت آنچه که بموجب حکم حکمیت مکلف بادیه و اجرای آن نشود حق فسخ دارد» شور و شعفی که تمام مردم کشور داشتند ناگهان بیاس مبدل شد. آذین‌ها و چراغانی‌ها وساز و آوازها و فریادهای شادی و شعف بسکوت آمیخته به بهت و تحسر تبدیل گردید ، دیگر در هیچیک از مطبوعات تعبیر و تفسیری دربارهٔ قرارداد جدید دیده نشد و جز سکوت در عامه طبقات انعکاس دیگری در افکار مردم مشاهده نگردید و کاملا روشن شد که مردم از فصل تمدید قرارداد جدید ناراضی هستند.

در این باره عقاید و افکار مختلف بود و گوشه و کنار گفته میشد که اگر رضاشاه فقید دنباله خشونت را

از دست نهاده و پافشاری میکرد بجامعه اتفاق ملل در اتخاذ تصمیم برعلیه ایران تامل مینمود وراضی نمیشد که کار بجدال و کشمکش برسد وعواقب وخیم وخطرناکی دربرداشته باشد ، پارهٔ دیگر معکوس این نظررااظهارمی‌داشتند ولی درهرحال هیچگونه انعکاسی درمردم ومطبوعات بنفع قراردادجدیدبدیده نشد.

قرارداد نفت بتصویب مجلس رسید : روز ۲۴ اردیبهشت قرارداد جدید نفت شامل ۲۷ ماده ازطرف آقای وزیر دارائی (تقی‌زاده) بمجلس تقدیم گردید وبکمیسیون‌های مربوطه ارجاع شد . سه کمیسیون خارجه بودجه واقتصاد باهم دریک جلسه مشترک باین موضوع رسیدگی نمودند ودرجلسات کمیسیون مرحوم فروغی . مرحوم داور و آقای تقی زاده مشارکت داشتند و پس ازچند روز مطالعه در کمیسیون‌ها روز یکشنبه ۷ خرداد ۳۱۲ شور دوم لایحه نفت دریک جلسه بعمل آمد وبا کثریت ۱۰۵ رأی از ۱۱۳ نفرعده حاضر درمجلس بتصویب رسید.

اجتماع تجار وصدور بیانیه : روز ۲۳ اردی‌بهشت جلسه بزرگی ازتجار دراطاق تجارت تهران تشکیل شد ومذاکرات مفصلی دراطراف تجارت ایران وشوروی وروبه سوئی که نمایندگی تجارتی شوروی از چندی باینطرف در تجارت عمومی اتخاذ نمود وبالنتیجه موجب تضییق وخسارات زیاد تجار و مردم گردیده است ایراد شکایات زیادی که ازتمام نقاط بخصوص شهرهای شمالی ایران رسیده بود رسیدگی نمودند وناطقین این جلسه بیاناتی دائر بتشویق وترغیب تجار به پیدا کردن بازار های دیگری غیراز بازارهای شوروی اظهار نموده وموافقت شدبیانیه ای که ازطرف اطاق تجارت تهیه شده بودتکمیل وتقدیم هیئت دولت شود وبیانیه قرائت وبااصلاحاتی تصویب وتقدیم دولت شد .

خلاصه بیانیه این بودکه باوجود تسهیلات زیادی که برای تجارت شوروی فراهم گردیده ومزایای بسیاری که ازطرف دولت اختصاصا برای نمایندگی تجارتی شوروی قائل شده‌اند متاسفانه مؤسسات مزبورسوءاستفاده نموده واردات رابقیمت‌های زیادتر میفروشند ووجوه حاصله ازمعاملات را اسعارخارجی نموده بعوض صادرات از کشور خارج میکنند وشش ماه است از خرید متاع داخلی خودداری نموده و تجار در برابر زیانی که از طرز معاملات مؤسسات شوروی وارد آمده چاره‌ای نمی‌بینندجز اینکه ازدولت بخواهندکه نسبت باین موضوع فکری بیاندیشند ونسبت باین سوء جریان تصمیم عاجل بگیرند .

درخصوص ترقی قیمت روغن : درجلسه ۱۰ اردی بهشت ۳۱۲ مرحوم حسین تهرانی که از نمایندگان آزادیخواه ودلسوزمجلس بودگفت سال گذشته بواسطه سردی‌هوا مقداری ازاغنام واحشام تلف شده‌اند وامسال می‌بینیم روغن گران شده ومردم سیری یکقران و یکمن ۳۶ قران میخرند . این موضوع را که میگویم نه برای اینست که بلدیه گریبان بقالها را بگیرد که باید روغن را سیری ۳ عباسی بفروشند بلکه برای اینست که فکری بشود واز صدور گوسفند جلوگیری شود . مااداره فلاحت ایجادنمودیم که اغنام واحشام مملکت رازیادتر کنند وبرای تربیت آن کوشش نمایند که بهتر بشود، آنوقت ها که اداره فلاحت نداشتیم وضع بهتربود.

محاکمه تیمورتاش و امین‌التجاراصفهانی : مرحوم تیمورتاش طبق ادعانامه مدعی‌العموم متهم باخذرشوه ازمرحوم حاج میرزا حبیب‌الله امین نماینده اصفهان درمجلس گردیدو بهمین جهت در تاریخ ۳۱ اردی‌بهشت ۳۱۲ مرحوم داور لایحه سلب مصونیت امین‌التجاررا تقدیم نمود که بتصویب رسید وایشان نیز زندانی گردید و در تاریخ ۲۹ خرداد ادعانامه مدعی‌العموم دیوان‌جزای عمال‌دولت دائر بر مجرمیت تیمور تاش وحاج‌امین صادر گردید .

این ادعانامه ازاینقرار شروع میشود : «در تاریخ ۷ آبان ۱۳۰۹ آقای امین‌التجار موفق باخذ امتیاز انحصار صدورتریاک تمام مملکت ایران برای مدت سه‌سال شده‌ونظر باینکه حصول این‌موفقیت دراثر مداخله ومساعدت آقای تیمورتاش بوده وتمام مقدمات کار بامداخله اوانجام شده از بدو واگذاری امتیاز بین این دونفر معهود گردیده که درازاء این‌مساعدت وبرای کمک درحفظ امتیاز و اجرای‌آن مبلغی حاج‌امین به تیمورتاش بدهد، وقطع مسلم این‌است که حاج‌امین مبلغ ۹هزارلیره‌انگلیسی درخرداد وتیر ۳۱۰ ومبلغ ۲۰۰ هزارریال درخرداد واردی‌بهشت ۳۱۱ به تیمورتاش پرداخته است. آقایان‌حاج‌امین وتیمورتاش پرداخت واخذ مبلغ مذکوررا معترف بوده نهایت آنکه آقای تیمورتاش ادعانموده وجه‌مزبوررا بعنوان قرض گرفته وحاج‌امین هم‌دراولین مرحله تحقیقی وانمودکرده است که پرداخت وجه‌مزبور بعنوان رشوه‌بوده وبرای ایفای تعهدی بوده که درنزدآقای تیمورتاش راجع بفروش اسعار نموده‌است ... الی آخر .»

روزنامه، آئینه افکار ملت است. بهترین شعف وامیدواری برای کارکنان روزنامه اینست که وقتی بدوره عمل یکساله گذشته خود مراجعه میکنند، می بینند نقطه تاریکی وجود ندارد، دربرابر خدا و وجدان ودربرابر خوانندگان عزیز ومشترکین محترم خود شرمنده وخجل نمیباشند زیرا موفق شده اند مسئولیت وخدمتگذاری که برعهده آنها محول گردیده است با کمال دقت وبانهایت بیغرضی وباحسن نیت وصمیمیت انجام داده مفتخر وسربلند باشند.

بهترین مشخص وبزرگترین ممیزخوبی وبدی، قضاوت افکار عمومی است ، حسن استقبالی که از روزنامه اطلاعات میشود حاکی ازاین است که زحمات کارکنان این مؤسسه مورد توجه وتشویق خوانندگان محترم قرار گرفته است، عظمت هرملت ، رشد سیاسی و ترقیات اجتماعی و اخلاقی مردم را درخلال سطور ومندرجات روزنامه هامیتوان تجسس کرد. روزنامه آئینه افکار وعقاید ونمونه ملی است که ارزش وزیبائی درآن منعکس میگردد وماامیدواریم مندرجات روزنامه را باافکار متین ورزین عمومی وفق داده وترقی وپیشرفت مؤسسه خودرا مدیون رشدملی بدانیم وآرزومندیم درسال هشتم با تأییدات و توفیقات خداوندی مشی ورویه دیرین خودرا تعقیب نموده وسعی کنیم حتی المقدور روزنامه را برای مردم مفیدتر ودلچسب تر انتشارداده وعملا طوری باشدکه پیوسته نزدخدا ووجدان، مملکت وهموطنان عزیز مفتخر باشیم.

بایستی سعی کرد مؤسسات آزاددرمملکت زیاد شود ،هرقدر مؤسسات آزاد واو کوچک هم باشدتاسیس گردد بر آبادی وعمران وتامین سعادت عمومی کمک شده است ، اگرچه مؤسسه روزنامه و مطبعه اطلاعات قابل این نیست که آن را درعداد مؤسساتی ذکر کنیم که ازلحاظ تامین زندگی مردم موثر میباشد ولی درهمین مؤسسه بیش ازیکصدنفرامروز کارمیکنند که اگراین رویه وفکر ایجادکارهای آزاد در راه تاسیس مؤسسات تعقیب شود تاثیر مهمی درزندگی عمومی خواهد داشت .

***

خوانندگان محترم تصدیق می فرمایند که ما ازابتدای شروع بکارتا کنون که مؤسسه اطلاعات وسعت بسزائی یافته و چند صد نفر در آن کار می کنند که در واقع با عائله های خود تعداد چندهزار نفری را تشکیل میدهد پیوسته کار آزاد را بر کار های اداری و دولتی ترجیح داده ایم و خود هم دراین راه گام برداشتیم و هیچوقت نخواستیم که برخزانه دولت دست اندازی کنیم وهمیشه مردم را هم تشویق نموده ایم که بکارهای آزاد بپردازند و از پشت میز نشستن وسربار جامعه شدن و دست بسوی صندوق بیت المال دراز کردن احتراز جویند، متاسفانه اگر این سبك وسیره عمومیت پیدا کرده بودامروز مملکت دچاراین وضع عجیب میشدکه ۸۰ درصد بودجه کشور خرج حقوق کارمندان بشود وکارهاهم همه فلج وبجای اصلاح درتمام شئون اجتماعی فساد ببار آید.

سرجان کدمن گزارش میدهد : رئیس کل شرکت نفت انگلیس و ایران پس از بازگشت خود به لندن گزارشی بصاحبان سهام شرکت ازجریان مذاکره و اقدامات خود وتجدید قرارداد نفت داده است که بسیار مفصل میباشد وخلاصه آن این است :

پس ازتبادل یادداشت بین دولتین انگلستان و ایران در ۱٦ دسامبر ۱۹۳۲ قضیه بجامعه ملل محول شد ازطرف جامعه (دکتربنش) وزیرخارجه چك اسلواکی بسمت مخبری تعیین گردید. باتشکر از اقدامات اودرنتیجه همین اقدامات قرارداد موقتی بین دولتین انگلیس وایران منعقد گردیدکه تاتعیین تکلیف رسمی برای رفع اختلافاتی که درمواد امتیاز پیدا شده شرکت بتواند کارخود را ادامه دهد . پیشنهاد مزبوردرجلسه ۳ فوریه ۱۹۳۳ جامعه ملل مورد قبول واقع شد وازدولتین ذیعلاقه درخواست شد که نتیجه اقدامات ومذاکرات خود را تهیه نموده و برای اطلاع جامعه که جلسه آن درماه مه منعقد میشد ارسال دارند.

نظربااین پیش آمدها رئیس شرکت با چند نفرمشاور حقوقی و عده ای از اعضای مهم شرکت عازم تهران شده و بلادرنگ باب مذاکرات را مفتوح نمودند ودرنتیجه تعاطی افکار قرارداد جدیدی بنام دولت ایران وشرکت در۲۹ اوریل ۱۹۳۳ امضاء گردیده است .

نظر باینکه این قرارداد رسماً ازطرف پارلمان ایران تصویب و صحه همایونی نیزرسیده هیئت مدیره مرا مفتخر ساخته که راپرت مختصری از مواد جدیدالانشاء امتیاز تقدیم دارد .

سپس سرجان کدمن مواد امتیازجدید را تشریح نموده و مدلول آنرا باستحضار صاحبان سهام رسانیده ودرباره تمدید چنین میگوید :

و امتیاز جدید از ۲۹ ماه مه ۱۹۳۳ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ یعنی شصت سال بقوه خود باقی بوده و از همین تاریخ که قرارداد منعقد شده مواد آن عملی میشود. در امتیاز جدید موجبات لغو امتیاز در موقعی بخصوص ملحوظ شده از جمله اینکه چنانچه شرکت از پرداخت وجهی که پس از ارجاع بحکمیت و تشخیص حقانیت ایران امتناع ورزد یکماه بعد از استنکاف امتیاز نامه ترک میشود و در صورت انحلال شرکت و همچنین تصمیم بترک قرارداد که دو سال قبل از وقت مراتب را اطلاع دهد.»

رو یهمرفته رئیس کل شرکت از عقد قرارداد جدید اظهار مسرت نموده و در پایان گفته است امیدواری حاصل است که این قرار داد مرضی الطرفین در آتیه اساس روابط مناسبانه بین دولت ایران و شرکت شناخته شود.

***

چنانچه گفتیم پس از امضاء و تصویب امتیازنامه تمام آن سر و صدا هائی که درباره نفت بلند شده بود یکباره خوابید، هیچکس اظهار عقیده مثبت و منفی در این باره نکرد و از صد و بیست و چند نفر نماینده در مجلس کلمه‌ای برزبان بر مدح و یا ذم جاری نشد و در مطبوعات تهران یك سطر مطلب در این خصوص نوشته نشد فقط بذکر گزارش امر اکتفا گردید و پس از آن شور و غوغا که بنام جنگ نفت در دنیا منعکس شد، این سکوت اجباری کاملا نشان داد که ملت ایران از تجدید قرارداد در قسمت تمدید ناراضی است منتها اوضاع و احوال عمومی و پارهٔ احتمالات و پیش بینی‌ها که بتصور شاه فقید رسیده بود او را وادار و تسلیم به تمدیدی که خود او نیز مسلماً ناراضی بود نموده است.

محاکمه تیمورتاش و امین التجار اصفهانی. سه ساعت بظهر روز سوم تیر ۱۳۱۲ اولین جلسه محاکمه علنی مرحوم تیمورتاش و امین‌التجار اصفهانی در یکی از سالن های دیوان جزای عمال دولت بریاست آقای لطفی و عضویت آقایان عقیلی و یکانی تشکیل گردید ـ تماشاچی حاضر می‌شد ولی خیلی کم و نمایندگان مطبوعات عموماً شرکت داشتند آقای مقبل بوکالت از تیمورتاش و آقایان سید هاشم وکیل، دکتر آقایان و گرگانی بوکالت از امین‌التجار حضور یافتند. قبلاً متن ادعانامه مدعی‌العموم (آقای سروری) در محضر محکمه قرائت گردید و بعد تحقیقات شروع شد.

تیمورتاش با آن قدرت و عظمت، دومین شخص مملکت، اینك برابر میز آقای لطفی جواب میدهد اسمم عبدالحسین، پدرم حاجی کریم دادخان نام فامیلم تیمورتاش ۵۰ سال دارم، شغلی ندارم، محل تولدم خراسان، محل اقامتم محبس.

رئیس محکمه پرسید طبق ادعانامه مدعی‌العموم شما متهم هستید باینکه مبلغ ۹ هزار لیره انگلیسی و دویست هزار ریال از حاج امین بعنوان رشوه درمقابل مساعدتی که راجع بامتیاز انحصار تریاك نموده‌اید گرفته‌اید باین دلایل (دلایل شرح داده شده) حالا چه میگوئید خود را مقصر و مجرم میدانید یا نه؟

تیمورتاش: خیر ـ این چه پولی است گرفته‌اید ـ تیمورتاش: قرض کردم س: مذاکره هم قبلا کرده بودید که بعنوان قرض است ج ـ بلی س ـ پس چرا اظهارات شما با حاج امین مغایرت دارد ج ـ از من نباید بپرسید از ایشان سئوال کنید.

در پایان سئوالات خود لطفی پرسید دفتر روزنامه را ملاحظه کرده‌اید که بچه عنوان نوشته شده ج ـ نخیر (دفتر روزنامه شرکت انحصار تریاك بآقای تیمورتاش ارائه داده شد) او گفت من بی‌خبرم من از او قرض گرفته‌ام و با دوستی و روابطی که با من داشتند این مساعدت را که برای حواله کردن بپاریس احتیاج داشتم بمن کردند و همان حواله که بامضاء بنده وصول شده بهترین سند برای حاج امین میباشد و ادعانامه مدعی العموم بهیچوجه وارد نیست.

مرحوم حاج امین‌التجار نیز در همین زمینه جواب هائی داد و سپس محاکمه شروع گردید و هریك از متهمین و وکلای مدافع آنها روز شنبه و یکشنبه صبح و عصر و شب چندین ساعت بدفاع پرداختند و ساعت ۸ بعد از ظهر چهارم تیر جلسه محکمه با حضور آقای فروهر نماینده مدعی‌العموم و متهمین و وکلای مدافع تشکیل یافت و رای محکمه اعلام گردید.

***

رای محکمه درباره مرحوم تیمورتاش و مرحوم امین‌التجار اصفهانی باین شرح میباشد:

رای محکمه درباره تیمورتاش ـ بر محکمه ثابت و محرز شده است که تیمورتاش مبلغ ۹ هزار لیره انگلیسی و دویست هزار ریال بعنوان رشوه از حاج حبیب الله امین در مقابل مساعدتی که بامشارالیه راجع بعقد امتیاز انحصار صدور تریاک در وزارت مالیه نموده وعملش مشمول ماده اول قانون مجازات ارتشاء مصوب دوم تیر ۳۰۷ و قسمت دهم ازماده واحده قانون متمم قانون دیوان جزای عمال دولتی میباشد ، لذا تیمورتاش محکوم است به پنجسال حبس مجرد و تادیه ۹ هزار لیره ودویست هزار ریال بخزانه دولت.

رأی محکمه درباره حاج امین التجار ـ بر محکمه ثابت و محقق شده است که حاج امین راشی میباشد و عملش مشمول ماده ۱۴۲ قانون مجازات عمومی و محکوم است بشش ماه حبس تادیبی واما راجع باتهام بارتکاب کلاه برداری از شرکاء تجارتی و انحصار صدور تریاک وخیانت درامانت نظر باینکه مستندات مدعی العموم دلیل نبوده و در تمام محتویات دوسیه دلیل دیگری بدست نیامده که ثابت کند امین التجار مرتکب کلاه برداری وخیانت درامانت شده است لذا تبرئه مشارالیه ازاتهام کلاه برداری وخیانت درامانت بشرح ادعانامه اعلام میگردد.

بتاریخ یکشنبه چهارم تیر ۳۱۲ ساعت ۸ بعدازظهر . **لطفی . یگانی . عقیلی**

***

جریان محاکمه مرحوم تیمورتاش ومرحوم امین التجار اصفهانی بطور مبسوط ومشروح در چند شماره اطلاعات بچاپ رسیده وشانزده صفحه روزنامه اطلاعات را اشغال نموده ودرین مورد هیچگونه محدودیتی وجود نداشته وجراید در نشر جریان محاکمه بتفصیل آزادی عمل داشته اند وتمام بیانات متهمین ووکلای مدافع آنها را بچاپ رسانیده اند ودرتمام جریان این محاکمه مرحوم تیمورتاش موقعیت محکمه واحترامات قضات رامرعی داشته و کوچکترین اهانت را روا نداشته ودرعین حال نتوانسته است نگرانی واضطراب درونی خودرا مخفی دارد ، چندبار گریسته واز قضات استمداد طلبیده است .

رواج اسکناس اضافه ـ تحت این عنوان در شماره ۱۱ تیر ۱۳۱۲ مقاله ای بقلم آقای فرج الله فروند چاپ شده و در طی آن می نویسد . « بانک هائی که عهده دار رواج اسکناس هستند بر حسب قوانین مملکتی هیچوقت نمیتوانند اضافه بریک میزان معین اسکناس در جریان بیاورند و همیشه تناسب مقدار طلا ونقره یا اسعاری که درمقابل اسکناس منتشره باید در خزانه بانک موجود باشد قبلا تعیین شده است ولی گاهی حوادث سیاسی و اقتصادی سبب میشوند که دولتها . برخلاف لوایح فوق الذکر یا باستناد اختیارات ضعیف وضمنی که بدست می آورند وبعضی اوقات هم روی اضطرار و اجباری از مقررات انحراف جسته اسکناس اضافه رواج میدهند که این عمل اوضاع اقتصادی ملت را دوحال رفاهیت جلوه [illegible] حکمفرما میشود ، بانکها پیدایش دادوستد را رضایت بخش تلقی کرده بموسسات صنعتی وتجارتی اعتبارات سرشار اعطا میکنند . همه طبقات راضی میشوند لکن چیزی نمیگذرد که همه احساس میکنند [illegible] قیمت اشیاء بالا میرود ، احتیاجاتی را که با مزد دیروز میخریدند امروز دیگر بهمان مقدار نمیتوانند بخرند [illegible] شکایت آغاز میشود ، مطالبه اضافه مزد می نمایند وباین ترتیب زیان اضافه انتشار اسکناس که خارج از [illegible] احتیاج باشد ظاهر میگردد و درنتیجه تعادل بودجه از دست میرود .... الی آخر »

وطن ملی یهود ـ در قبال اقدامات هیتلر برضد یهودیها و تشکیل [illegible] صیونیستهای اصلاح طلب هرطی بیانیه‌ای یهودیان دنیارا برای سه امر برضد آلمان هیتلری مجبور و وادار مینماید این سه امر ۱ ـ تحریم امتعه آلمانی ۲ ـ حفظ معاهده ورسای بمنظور عدم دسترسی آلمان بمستعمرات سابق ۳ ـ ایجاد وطن ملی یهود می باشد .

بازهم جنگ ! ـ در سرمقاله شماره ۱۹۳۰ مورخه هشتم تیر ماه ۱۳۱۲ مخبر مخصوص اطلاعات از لندن تشویش و اضطراب عمومی اهالی اروپارا شرح داده و پیشگوئی بروز جنگ دیگری را نموده است .

خبرنگار مخصوص اطلاعات می نویسد بعقیده اغلب سیاسیون [illegible] بحران شوم اقتصادی ممکن است تاچندی دیگر از بروز جنگ جلوگیری نماید لیکن بمجردیکه دول معظم [illegible] داخلی خودرا مرتب نمودند بیرق جنگ برافراشته خواهد شد [illegible] تجهیزات سوق الجیشی [illegible] و ایتالیا و ژاپن وسایر دول جای تردید باقی نمی ماند که اروپا خودرا برای [illegible] جنگ بین الملل سابق [illegible] تاریخ خواهد آمد مهیا می سازد .

وجوه دریافتی دولت از نفت ؛ وجوهی که شرکت نفت انگلیس و ایران بر طبق قرارداد جدید بخزانه دولت پرداخت بابت دعاوی گذشته و تفاوت قیمت طلا و مالیات و حق الامتیاز ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ و قسط اول و دوم ۱۹۳۳ جمعاً چهار میلیون و ۱۰۷ هزار و ششصد لیره بوده است که گزارش آن در تاریخ ۲۱ تیر بروزنامه داده شده است .

مراسم افتتاح بانک فلاحتی وصنعتی - روز ۲۵ تیر ۱۳۱۲ اطلاعات در اطراف اهمیت بانک فلاحتی وصنعتی ایران مینویسد : «مملکت فلاحتی ایران با استعداد طبیعی ومحصولات مفیدش محتاج بکمک هائی بود که مالکین وخورده مالکین بتوانند درامر فلاحت قدمهای وسیعی بردارند. دراین موقع که دنیا در آتش بحران اقتصادی میسوزد وهر مملکتی در تلاش وتقلای خلاصی ونجات خود از این بحران میباشد جای نهایت خوشوقتی است که شالوده های اساسی برای استحکام بنیه مالی وتوسعه محصول وتقویت امر فلاحت ریخته میشود که یکی از آنها همین بانک فلاحتی وصنعتی است که باید بیدرنگ دراین باب قدم برداشت وبرای عمران وآبادی دهات ویرانه وپیشرفت فلاحت کشور کمکهای مؤثر باسود بسیار ناچیز اهتمام نمود.

اطلاعات علاوه میکند: مملکت مادر لوای استعداد طبیعی مادر است خود را از خطر بزرگ اقتصادی عالم بر کنار نگاهدارد و به اصلاحات داخلی خود بپردازد پس هرچه نسبت بفلاحت کمک کنیم، زارعین ومالکین را تشویق وترغیب باصلاح زراعت وتوسعه آن نمائیم مفید وبانک فلاحتی چنانچه باحسن نیت کار کند مانند سنگ قوی ومستحکمی استکه برای ساختمان عمارت مجلل وباشکوهی کار میگذاریم .»

شاه فقید بامسرت وبشاشت زائدالوصفی بانک فلاحتی وصنعتی ایران را افتتاح نمود . همه قسمت های آنرا دیدن نمود، اساسنامه ومقررات وچگونگی وام دادن بمالکین وزارعین را ملاحظه کرد وتوصیه نمود که درحسن پیشرفت وجریان این مؤسسه نوزادکه تاثیر بسیاری درترقی وتعالی طبقات زحمتکش ورعایای ایران دارد کوشش نمایند وگفت مملکت ماخوشبختانه استعداد صنعتی نیزدارد وما بایدکاری کنیم که مواد محصولات فلاحتی درخود ایران ودر کارخانجات داخلی مصرف شود واحتیاجات ملت ایران را از خارجه مرتفع سازد وبنیه مالی مردم ایران را تقویت بخشد .

نصب سنگ بنای امروز بانک ملی - روز ۲۶ تیر ۱۳۱۲ آقای علاء رئیس بانک ملی خطابه زیر را خواند :

«اعلیحضرتا ، بنائی که باجازه اعلیحضرت اقدس روی این پایه محکم ساخته میشود دوره وروح تازه ای برای بانک ملی ایجاد خواهد کرد ، قصد هیئت مدیره این خواهد بود که همواره از روی صحت ودقت وصداقت مساعی خود را مصروف اصلاح و توسعه امور بانک ملی نماید بنام هیئت مدیره از اعلیحضرت اقدس ملوکانه استدعا می نمایم بدست مبارک سنگ اول این بنا را نصب فرموده بانک ملی را سرافراز وقرین امتنان فرمایند»

در این موقع مرحوم فروغی چکش کوچک طلائی را که در سینی قرار داده شده بود پیش آورده واعلیحضرت پس از گذاردن لوله بلوری که در آن تاریخچه نصب سنگ اول بدست اعلیحضرت بود دربین دو سنگ باچکش سه ضربت برروی دوسنگ زد و باین ترتیب مراسم انجام یافت وبرروی آن دوسنگ اول امروز عمارت با شکوه بانک ملی بالا رفت.

شاه فقید ضمن نطق مختصر خود گفت : «امروز دوستان و دشمنان ما همه متوجه این موسسه هستند اگر این موسسه خوب اداره شد وخوب کارکرد ما آبرومند و سرفراز میشویم باید متصدیان این بنگاه نهایت جدیت وادرحسن انجام کار نمایند ومثل سربازان باشند که درراه وطن جان نثاری وسربازی میکنند ،شماها باید بدانید که من نهایت مراقبت را درامور بانک ملی دارم ،باید مرا رئیس معنوی خود بدانید ودر انجام وظایف خود کوتاهی نکنید .» خیلی مسرورم در اتفاقی که اخیرا برای این مؤسسه روی داد رؤسا و اعضاء ایرانی دخالت نداشته وبعضی از آلمانیها قصد سوء ؛ و ظیفه خود کرده بودند.

دکتر لیندن بلات محاکمه شد: روز ۳ مرداد ۱۳۱۲ ادعانامه مدعی العموم راجع به لیندن بلات رئیس سابق بانک ملی تنظیم گردید که باتفاق پنجنفر آلمانی دیگر مجرم تشخیص داده شدند که خلاصه آن این بود: «دکتر لیندن بلات در موقع ورود بایران حتی الامکان سعی نموده که رفقا وهمکارانی که در بانکهای ممالک دیگر با او کار میکردند بتهران جلب و کنترات نماید وازاین عمل دو فایده برده یکی آنکه حقوقهای گزافی برای رفقای خود درست کرده ومقداری ازسرمایه وعوائد بانک را باسراف وتبذیر ازبین برده ویکی هم اینکه معاونینی برای اعمال سوء خود درست کرده باشد، لیندن بلات دو دارالانشاء در بانک بنام (الف) مامور معاملات محرمانه و پرداخت حقوق اعضاء و(ب) برای معاملات اجناس مال التجاره ترتیب داده که برای هر کدام در بانکهای خارج و در تهران حساب جداگانه داشته است وبوسیله این دو دارالانشاء خود سوء استفاده می نموده، حقوقهای گزاف میداده وبعلاوه چکهائی بسود خود صادر مینموده وچون خود عضو رسمی کمیسیون تفتیش اسعار بوده وازتعیین نرخ اسعار مسبوق بوده تا مدتی نرخ رسمی لیره ۶۰ ریال بوده ودربازار ۹۰ و ۱۰۰ ریال وازاین راه سوء استفاده هائی می نموده است بعلاوه در سال ۱۹۰۹ در بیلان بانک تقلبی مشاهده شده است که عایدات را خلاف نشان داده است وقسمتی ازکارهای لیندن بلات بدست (فوکل) معاون که بعد فرار کرد و خود را در بیروت در دریا انداخت و مفقود انجام شده که باو دسترسی نبوده است.

از طرف دکتر لیندن بلات دکتر آقایان و مظفر فیروز و دکتر هرشونوش آلمانی بسمت وکلای مدافع تعیین شدند.

بیمارستان شماره ۲: این مریضخانه که امروز بنام بیمارستان شماره ۲ ارتش نامیده میشود در تاریخ ۴ شهریور ازطرف اعلیحضرت فقید پس از بیمارستان شماره یک یوسف آباد افتتاح یافت. این مریضخانه استعداد دویست تختخواب را داشت که در آن روز ۱۵۰ تختخواب زده شده بود. سرویس جراحی تحت نظر دکتر میر ودکتر پیشوا، سرویس کحالی دکتر نجات الله، امراض داخلی دکتر فرهومند ودکتر مفتاتی، امراض مسریه دکتر علی اصغرزاده، دندانسازی دکتر سرکیسیان. دراین مریضخانه کلاسی برای تربیت خانمهای پرستار ازهمان موقع بازشد که دورهٔ آن هشت ماه معین گردید.

اطلاعات درسرمقاله خود تشکیل این بیمارستان را که بمنظور حفظ صحت وسلامت افراد قشون که وابسته بجامعه میباشند بوجود آمده ستوده و بخصوص در بارهٔ تاسیس کلاس پرستاری نوشت که این اقدام هم ازلحاظ تربیت عدهٔ خانم پرستار وهم از نظر ترقی نسوان وورود آنها درکارهای نوعی واجتماعی مهم و قابل توجه میباشد.

موقعی که شاه فقید برای افتتاح این مریضخانه حضور یافت باو دکتر غلامحسین شمس رئیس مریضخانه بود وهمه قسمتها را باعلیحضرت نشان داد وبعد شاه سراغ حمام وآشپزخانه را گرفت وخصوصاً بآشپزخانه فوق العاده اهمیت میداد وپس از آنکه تشکیلات آن را دید اظهار خرسندی نمود.

شاه متغیر وعصبانی شد: وقتی بازدید بیمارستان شماره ۲ قشون خاتمه پذیرفت شاه نزد هیئت دولت و نمایندگان مجلس ومخبرین که درمحوطه بیمارستان قرار داشتند آمد و گفت:

«این بود مریضخانه ای که قشون برای احتیاجات افراد نظام تهیه کرده است شما بگوئید برای صحت وسلامت عموم چه کرده اید، کدام مریضخانه را ساخته اید، چه قدمی برای تامین صحیه مردم برداشته اید؟ ده سالها است می شنوم اداره صحیه مشغول تاسیس یک باب مریضخانه است. شما میخواستید بجای مریضخانه هزار تختخوابی یک مریضخانه سیصد تختخوابی بسازید که ببینیم کاری انجام داده اید. اداره صحیه برای چیست وچه اقدامی کرده اید؟ خواهید گفت بودجه کم است این هم عذری است که تکیه کلام شده است. شما میخواستید بقدر همین بودجه کمی که دارید برای مردم کار کنید بودجه صحیه کجا صرف می شود؟ شما تصور می کنید من نمی دانم وضعیت صحیه عمومی خوب نیست، مردم از حیث نداشتن طبیب و دوا در زحمت هستند، من احصائیه های تاسف آوری ازتلفات دارم و شما بودجه صحیه را در تهران صرف حقوق ادباء و شعرای کنید. مملکت قبل ازهرچیز آدم میخواهد، جمعیت سالم وصحیح المزاج میخواهد واین وظیفه را صحیه هیچ انجام نداده است، اگر صحیه بخواهد اینطور کار کند بشما می گویم در آتیه قلم چپ و راستی روی بودجه ادارهٔ صحیه کشیده ودستور میدهم درمریضخانه های لشکری واداره صحیه قشون را بروی عموم باز کرده ودر همه جا تشکیلات صحیه قشون بمردم رسیدگی نماید باید باین وضعیت مسامحه و تعلل خاتمه داد» (شماره ۷ شهریور ۱۳۱۲)

اطلاعات درسرمقاله خود در این موضوع می نویسد: اعلیحضرت حق دارند متغیر باشند اکنون اداره صحیه یک میلیون تومان بودجه دارد حساب کنید چقدر از این پول در تهران فرو میرود و صرف میز و صندلی میشود و چه

مبلغ آن خرج صحیه مردم چه در تهران و چه در ولایات میگردد ، مگر ایران تهران است که همه اطباء در اینجا جمع شده اند و حال آنکه مردم سایر نقاط از صحت و سلامتی و طبیب و دوا محروم میباشند، نظر اصولی شاه این است که باید برای مردم کار کرد، با این روح لاقیدی و مسامحه کاری مبارزه نمود، سعی و عمل را در کار بیش گرفت و بالاخره باری از دوش مردم برداشت.

پل کارون : ساختمان مهم پل کارون برای عبور راه آهن در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۰۷ توسط سندیکای راه آهن شروع و در تاریخ دهم اسفند ۱۳۰۸ خاتمه یافته است. مجموع مصالح فولادی ۱۹٤ تن و دارای ۵۱ چشمه می باشد. طول پل ۲۵ر۱۰۵۸ متر (تقریبا بطول خیابان لاله زار) وعرض آن ۸۸ر۵ متر میباشد، پل کارون بزرگترین پلی است که تاکنون در ایران ساخته شده و در آسیای غربی از حیث طول دومین پل بزرگ میباشد

ایران در نظر دیگران : نام ایران در اروپا وامریکا یعنی ممالک راقیه عالم امروز بطوری برده میشود که حکایت از یک مملکت زنده و بیدار که شروع بنهضت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نموده و بسرعت برای رسیدن بکاروان تمدن دنیا رو بجلو میرود مینماید. نام ایران امروز در اروپا و امریکا غالبا مقرون بیک سلسله تصورات نیکو و حکایت از یک آتیه درخشان مینماید.

نام ایران در ممالک متمدن شرقی یک جلوه و ابهت دیگری علاوه بر مراتب مذکور دارد که بیش از پیش قابل توجه میباشد در دنیای کنونی علاوه از اینکه کشور ایران را یک کشور زنده و بیدار که شروع بنهضت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نموده است شناخته اند، اساسا رویه و اقدامات حکومت دور اندیش و مال بین ایران را برای خود سرمشق دانسته و در مطبوعات آنها که میرسد مقالاتی در آن ملاحظه میگردد که این معنی را تائید میکند چون مطبوعات نماینده افکار عمومی است پس این اظهار عقیده نماینده طبقهٔ منور الفکر و اصلاح طلب آنها است. این مطبوعات از حکومتهای خود تقاضا میکنند که از ایران در راه نهضت اصلاحی و عمرانی و پیشرفت سرمشق بگیرند قسمتی از مقالهٔ شماره ۱۳۹۸

کارخانه سیمان افتتاح یافت : روز جمعه ۸ دی ۳۱۲ شاه فقید کارخانه سیمان ایران را بین راه حضرت عبدالعظیم در پای کوه چشمه علی افتتاح نمود و آقای منصور وزیر طرق ضمن لایحه خود گفت : « اولین کارخانه سیمان ایران که در این عصر همایون برای عمران مملکت افتتاح میشود یکی از وسائل مؤثر بشمار میآید و بهمین جهت مورد علاقه مخصوص شاهانه بوده و اهتمام شایان در این باره فرمودند. عملیات ساختمانی کارخانه در شهریور ۳۱۱ شروع شد قسمتی از ماشین ها ساخت کارخانه دانمارکی و قسمت دیگر از کارخانجات سوئدی و بوسیله متخصصین همان کارخانجات نصب گردید ولی ساختمان قسمتی از بنا بعهده کمپانی ساختمانی آلمانی محول گردید.

این کارخانه در هر روز حد اکثر استعداد ساختن یکصد تن سیمان را داشت ولی با افزودن یک یا دو کوره محصول آن زیادتر میگردد»

اطلاعات در پایان خبر که با عکس های مربوط بگشایش کارخانه انتشار داده علاوه میکند که تماشای کارخانه سیمان، غرش و نعره چرخها و ماشین ها در حینی که قطعات سنگ را خورد میکرد و در آسیا نرم میساخت و بعد میپخت وجد و شعفی بحضار می بخشید. همه از دیدن این مؤسسه که تحول بزرگی در امر ساختمانی کشور بوجود خواهد آورد مسرور و خوشوقت بودند و خدمات موجد آن را تحسین مینمودند. بدون شک احتیاجات مملکت بکارخانجاتی بیشتر است که هم مواد اولیه آن در داخله تدارک میشود و هم مورد ضرورت و احتیاج میباشد و کارخانه سیمان یکی از موسساتی است که خط بطلان بر یکقسمت دیگر از واردات کشور خواهد کشید

فوت ملک فیصل پادشاه عراق: مقاله روز ۱۸ شهریور ۳۱۲ اختصاص بچاپ عکس و شرح حال و اظهار تاسف از مرگ ملک فیصل اول پادشاه عراق شده بود که برای معالجه بکشور سویس رفته و در آنجا وفات یافته بود و چنین اظهار عقیده کرده بود :

«ملک فیصل اولین پادشاه عراق فرزند شریف حسین ، شریف مکه و از بزرگترین خانواده های عرب می باشد که دوازده سال در عراق سلطنت کرد و در طی این مدت خدمات شایانی بکشور خود نمود و دولت انگلیس قبل از اینکه فیصل بسلطنت نائل شود می خواست سر پرسی کاکس کمیسر فوق العاده آن دولت را بسمت امارت عراق منصوب نماید در آن موقع قیام معروف و مهم عراق بوجود آمد که مرحوم میرزا محمد تقی آیت الله شیرازی علمدار این قیام ملی بود و در نتیجه موضوع بهم خورد و بواسطه محبوبیت و مقام خاصی که ملک فیصل در عراق داشت

بسلطنت رسید.»

امیر غازی فرزند ۲۱ ساله پادشاه متوفی عراق بسلطنت رسید. ولیعهد عراق در انگلستان در مدرسه هارو تحصیل می‌نمود و بعد مدت چهارسال در مدرسه صاحب منصبان در بغداد تحصیل فنون نظام اشتغال داشت و بار دوم از آن مدرسه بیرون آمد و در قصر پادشاهی عراق در دفتر مخصوص کار میکرد.

کاروان ششم هم حرکت کرد: روز ۲۵ شهریور ۱۳۱۲ ششمین دسته محصلین اعزامی دولت از ایران حرکت نمود. این دسته هشتاد و دو نفر بیشتر نبودند و اطلاعات در سر مقاله خود نوشت: «این عوامل نهضت علمی ایران باید ثمر و نتیجه خود را پس از پایان دوره تحصیلات خود باین مردم و مملکت تقدیم دارند میوه مطلوبی که این مملکت انتظار دارد از شاخ معرفت مغرب زمین بچینند باید بدست همین محصلین و بوسیله همین جوانان با اشک مسرت موقتا وطن خود را ترک میکنند چیده شود این اشکهائی که از شادی و مسرت آمیخته با الفاظ «خدا نگهدار» بدرقه راه آنها میشود مقداری هم در گوشه و زوایای چشم ذخیره نگهداشته شده که هنگام برگشت بپای آنها افشانده شود و دامن آنها را گرفته بگویند «از علم و معرفت دانش و فن اخلاق و فضلیت برای ما چه سوغات آورده اید؟»

استعفای کابینه: روز ۲۲ شهریور ۳۱۲ اولین خبر صفحه اول اطلاعات این است: «آقای مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزراء استعفای کابینه را بحضور اعلیحضرت همایونی تقدیم نمود و مورد قبول واقع گردید.»

دیگر هیچ خبری در این باب چاپ نشده تا چهار روز بعد که هیئت دولت جدید بشرح زیر بحضور اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی معرفی گردید.

فروغی (ذکاءالملک) رئیس الوزراء، اسعد وزیر جنگ، داور وزیر مالیه، منصور وزیر طرق، جم وزیر داخله، صدرالاشراف وزیر عدلیه، محمد علی میرزا دولتشاهی وزیر پست و تلگراف، باقر کاظمی وزیر خارجه، علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف، علی اکبر بهمن رئیس اداره تجارت، مصطفی فهمی [illegible] رئیس اداره صناعت.

مرحوم فروغی پس از معرفی کابینه خود بمجلس متن برنامه دولت سابق را تقدیم نمود و گفت دولت من همان برنامه را عینا تعقیب خواهد کرد.

صدرالاشراف تا آنموقع مدعی العموم کل دیوان تمیز بود که بجای ایشان مرحوم حاج سید نصرالله تقوی انتخاب گردید. آقای باقر کاظمی وزیر مختار ایران در بغداد بود که احضار شد. آقای حکمت در پاریس از طرف وزارت دادگستری برای تحصیل و تکمیل مطالعه در ثبت اسناد اعزام شده بود که ایشان نیز بایران حرکت کرد. آقای تقی زاده وزیر مالیه سابق نیز پس از تغییر دولت چون مورد مهر شاه فقید نبود تهران را ترک نمود و بسوی اروپا عازم گردید.

کاراخان بایران آمد — ۸ مهر ۱۳۱۲ قائم مقام کمیسر امور خارجه شوروی «کاراخان» وارد تهران شد. دولت ایران تشریفات مفصلی برای ورود او قائل شد.

محل اقامت کاراخان باشگاه فعلی بانک ملی ایران عمارت مرحوم سردار اسعد معین شده بود تمام کوچه های اطراف این عمارت بوسیله مأمورین شهربانی مراقبت میشد. کاراخان چهار روز در تهران توقف نمود و در این چهار روز ضیافت های شایانی بافتخار او داده شد. مشارالیه در نطقهای خود از ترقیات ایران اظهار مسرت نمود و از دوستی و ارتباط همجواری صحبت نمود و گفت که مسافرت و ملاقات دوستانه من صرفا برای برقراری ارتباط با شخصیتهای برجستهٔ ایران و فراهم کردن موجبات برای تکمیل حسن تفاهم بین دو مملکت میباشد.

اطلاعات نوشت: ما امیدواریم مسافرت کاراخان و ملاقاتهای دوستانه ایکه از ایشان بعمل می‌آید بیش از پیش موجب استحکام دوستی و مودت بین ایران و شوروی گردد.

روز ۱۲ مهر کاراخان از راه مازندران مراجعت کرد و نکتهٔ قابل ذکر اینست که کاراخان در بازگشت بمسکو در فاصله کمی معزول گردید و بعد ها خبر مرگ او رسید.

وزارت خارجه ایران روز حرکت کاراخان طی ابلاغیه‌ای که صادر نمود منتشر شد که در چند جلسه مذاکرات بین آقایان رئیس الوزراء و وزیر خارجه از یکطرف و کاراخان و سفیر شوروی از طرف دیگر مسائل مختلفه راجع بامور تجارتی و اقتصادی و امور سرحدی وغیره مورد بحث واقع شد و کاراخان وعده هائی داد و توافق بعمل

درجزئیات موکول بمذاکرات تفصیلی بین اداره کل تجارت و نمایندگی تجارتی شوروی گردید و وعده داد که در مسکو مذاکره کند و زمینه ای موافق فراهم آورد.

***

کاراخان یکی از روزهای اقامت خود برای تماشا بمجبس جدید نظمیه در قصر قاجار رفت در آنجا قسمت های مختلف را تماشا کرد. گفته شد که کاراخان در آنجا خیلی میل داشته است مرحوم تیمورتاش را که محبوس بود ملاقات کند و حتی شایع بود که یکی از تقاضاهای او از شاه فقید بخشش و عفو مرحوم تیمورتاش بوده است.

مازندران گردشگاه شد : سواحل زیبای دریای خزر قابل عبور و مرور نبود، راه نداشت و از تاسیسات تمدنی بکلی بی بهره بود. باین منطقه مستعد بیش از نقاط دیگر توجه شد راه مازندران و راه های کناره باسرعت بسیار ساخته شد پل های قشنگ برروی رودخانه هائی که بدریا میریخت در تمام طول راه کناره زده شد. باطلاقها خشک شد و ساختمان مهمانخانه های بزرگی در طول ساحل دریا در نقاط بسیار زیبا شروع گردید.

«سخت سر» که برحسب دستور شاه فقید «رامسر» نام گذارده شد جای بسیار کثیف بود آب گرم معدنی آنجا بهدر میرفت و بوی عفونت این آب، که بصورت حوضچه درآمده بود از چند فرسخی اسباب زحمت مردم بود، در همین محل بزرگترین و زیباترین مهمانخانه ها دائر گردید، بلوارها ساخته شد عمارات مجلل بالا رفت همچنین در نقاط دیگر ساحل دریای خزر نهضت ساختمانی بوجود آمد.

بنادر جدیدی تاسیس گردید کارخانجات دایر شد و در زمان کمی مازندران تغییر شکل پیدا کرد و گردشگاه مردم تهران شد بعلاوه خارجی هائی که بایران میآمدند تشویق میشدند که سری به مازندران و سواحل سبز و خرم کنار دریای خزر بزنند و از مناظر طبیعی آن مناطق که وسایل مسافرت و آسایش و مسافرخانه های خوب فراهم شده بود استفاده کنند.

بسیاری از خارجیان شیفته زیبائی های طبیعت مازندران بخصوص رامسر میشدند و این مناطق را قشنگترین نقاط دنیا میدانستند: چنانچه ولیعهد سوئد در مسافرت خود بنقاط مازندران حتی چندروز اقامت خود را طولانی نمود و پیوسته میگفت من در گردشهای خود نقاطی باین جذابی و طبیعتی باین زیبائی ندیده ام.

توقیف مدیر گمرک باسعیدو : روز ۲۹-۲-۱۳۱۲ در اطلاعات خبری چاپ شده است باین مضمون: چند روز قبل مدیر گمرک «باسعیدو» را حین انجام وظیفه مامورین بحری انگلیس که در آن حدود بوده اند توقیف نموده و بکشتی جنگی انگلیس برده و استنطاق کرده و پس از آن با کشتی جنگی خودشان به بندر عباس فرستاده اند

اطلاعات در زیر این خبر اضافه میکند که ما این خبر را بانهایت تعجب تلقی می کنیم و هرگز نمیتوانیم تحمل چنین عمل بی رویه ای را نسبت بمامور دولت ایران در نقطه ای که خاک ایران است بنمائیم و از مقامات مسئول می خواهیم که توضیحات بیشتری در این باره بدهند.

روز بعد مذاکرات یک جلسه مجلس اختصاص باین واقعه پیدا کرد و مرحوم حاج محتشم السلطنه از وزیر خارجه پرسید آیا این خبر صحیح است و اگر صحیح است چه اقدامی دولت ایران نموده است و آقای کاظمی وزیر خارجه گفت متاسفانه باید عرض کنم که خبر صحت دارد و موضوع هم این است که در دوره های ضعف و ناتوانی ایران انگلیسها با اجازه دولت مرکزی در قسمت باسعیدوی دهنه انبار زغال و مریضخانه کوچکی برای بحریه خود درست کردند و بعد چند بنای دیگر از قبیل مسافرخانه و غیره و تلگراف بی سیم بر آن افزودند.

چندروز قبل مدیر گمرک باسعیدو برای انجام وظیفه تفتیش و تحقیقات بآن نقطه میرود ولی چهار نفر نظامی مسلح انگلیسی او را توقیف کرده بکشتی انگلیسی می برند این عمل مورد اعتراض شدید میباشد زیرا باسعیدو جزء لایتجزای خاک ایران میباشد و هیچ قسم حق تصرفی برای دولت انگلیس در این نقطه تا بحال شناخته نشده بعد از این هم شناخته نخواهد شد در تعقیب این پیش آمد اقدامات شدیدی برحسب دستور اعلیحضرت که فوق العاده در این مسائل تعصب دارند بعمل آمد که اهانت وارده را انگلیسها باید جبران نمایند و از تکرار نظایر آن در آینده جدا خودداری کنند و مقامات مربوطه انگلیسی قبول کرده اند که درمقام جبران برآیند.

مهمترین سند تاریخی : ۷ آبان ماه ۱۳۱۲ دو صندوق حاوی مهمترین سند تاریخی از تخت جمشید به تهران انتقال داده شد.

اطلاعات ضمن خبر مربوط باین موضوع مینویسد : « در زیر یک ستون سنگی بزرگ خرابه های تخت

جمشید کاخ داریوش دو جعبهٔ سنگی یافت شد که دراین دو جعبه چهارلوح وچهار سکه بوده که دوتا از الواح مزبور طلای خالص ودوتای دیگر نقره خالص و درهریك ازجعبه های سنگی یك لوح طلا ویك لوح نقره و دو سکه یکی طلا ودیگری نقره بوده است.

روی لوح طلا و نقره باخط میخی نقوشی حك شده که ترجمهٔ آن چنین است : «من که داریوش کبیر پسر هیتساسپ شاهنشاه ایران هستم حدود مملکت من حدی بهندوستان و حدی بمملکت حبشه و دریای عمان وحدی بخاك سیتهاست و اهورامزدا مملکت وسیع مرا حفظ خواهد کرد » برروی سکه های طلا دریك طرف کله گاو و کله شیری بنظر میرسد که جنگ میکنند اینکه این الواح وسکه هارا در جعبه های سنگی وزیر ستون بزرك قصر حفظ کرده اند چنین معلوم میشود که هنگام بنای عمارت باعظمت تخت جمشید الواح مزبوررا بعنوان تاریخ و مؤسس بنا بیادگار نهاده اند چنانکه امروز هم درممالك متمدنه معمول است وتاریخ را زیرسنك اول بنای گذارند - خاك سیتها که درخطوط میخی منقوش برروی الواح بدان اشاره شده است درسمت شمال ایران دردشت وسیع ترکستان وروسیه بوده است و هردوت مورخ یونانی نیز جنگهای مهمی را که داریوش کبیر بااقوام وحشی سیتها نموده و دست آنها رااز خاك ایران کوتاه وآنهارا تاقلب صحاری خودشان تعقیب نموده است درتاریخ معروف خود اسم برده است . اکتشاف مزبور ازاکتشافات مهم تاریخی محسوب وصندوقها باالواح وسکه های مزبور بمرکز منتقل گردید که اکنون نیزازطرف موزه ملی ایران باستان حفظ وحراست میشود.

قتل پادشاه افغانستان: روز ۲۰ آبان ۳۱۲ خبر تاثرآور قتل پادشاه افغانستان(محمدنادرشاه) و جلوس اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه فعلی در اطلاعات با ابراز همدردی وتسلیت بملت افغان چاپ شده است.

تفصیل قضیه این بود که جوانی ازساکنین کابل تحت تاثیر تبلیغات مخالفین شاه بنام عبدالخالق درمحوطه ارك هنگامی که شاه دریکی ازمدارس نظام مشغول توزیع جائزه بوده و بامحصلین مشغول صحبت بوده و ولیعهد باتفاق عموی خود وزیر جنك هم همراه بودند غفلتا باروالور بسمت اعلیحضرت محمد نادرشاه حمله نموده و پنج تیر شلیك کند. گلوله ها اصابت کرده پادشاه فورا بقتل میرسد عبدالخالق دستگیر میشود . سرقاتل از مستخدمین مقرب غلام نبی خان ازطرفداران جدی امان الله خان بوده که سال پیش اعدام شده بود محمد ظاهرشاه تنها فرزند ۱۹ ساله پادشاه فقید که تحصیلات خود را در پاریس انجام داده بود (محمد ظاهرشاه) بتخت سلطنت جلوس کرد و زمام امور را بدست گرفت برادران شاه فقید که هریك مصدر مقامات مهم بودند صدارت اعظم و وزارت جنك و سایر مقامات رااحراز کردند و خرابی کشور رادرحال طبیعی نگاهداشتند .

روزنامه اطلاعات سرمقاله روز بعد را بعکس شاه فقید وشاه جدید اختصاص داده خدمات وطن پرستانه اعلیحضرت نادرشاه و مبارزات خونین اورا برای نجات مملکت از دست اشرار وحکومت بچه سقا ستوده واظهار امید نموده است که پادشاه جوان بتواند دنباله اصلاحاتی راکه پدرش شروع نموده است گرفته و همان رویه را تعقیب نماید .

ضدیت باسلطنت مشروطه با مرام اشتراکی : درتاریخ ۲۲ خرداد ۳۱۰ قانون مجازات مقدمین برعلیه امنیت واستقلال مملکت بتصویب مجلس شورای ملی رسید ودرتاریخ ۱۲ آذر ۳۱۲ در صفحه اول اطلاعات بار دیگر انتشار یافت که چند ماده آن ازاینقرار است :

«ماده اول - مرتکبین هریك از جرمهای ذیل بحبس مجرد از سه تاده سال محکوم خواهند شد . هرکس در ایران بهراسم و یابهر عنوان دسته یاجمعیت یاشعبه جمعیتی تشکیل دهد و یااداره نماید که مرام یارویهٔ آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران ویارویه یامرام آن اشتراکی است ویاعضو دسته یا جمعیت یاشعبه جمعیتی شود که بایکی از مرام یارویه های مزبور درایران تشکیل شده باشد یادرخارج ازایران تشکیل شده باشد و هرکس برای جدا کردن قسمتی ازایران یابرای لطمه وارد آوردن به تمامیت یااستقلال ایران اقدام کند بحبس دائم بااعمال شاقه محکوم خواهد

شد ، هر کس مسلحانه خواه با مشارکت خارجی وخواه مستقلا برضد مملکت قیام نماید محکوم باعدام می شود ... الی آخر » .

***

این همان قانونی است که پس از وقوع حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوء قصد نسبت باعلیحضرت فعلی در دانشگاه ایران درباره جمعیت های حزب توده و سایر دستجات وافراد بموقع اجرا گذارده شد.

راه چالوس افتتاح یافت: بعد از ظهر روز جمعه ۱۰ آذر ۱۳۱۲ شاه فقید در چادری که کنار تونل بزرگ کندوان بین راه چالوس افراشته شده بود استراحت نمود. در آنجا گزارش ساختمان تونل مزبور و پایان راه چالوس که از شاهکارهای ساختمانی عصر بشمار میرفت بعرض رسید سپس شاه با قیچی نوار سه رنگی که جلوی تونل کشیده شده بود پاره کرد و درمیان کف زدن و شادی حضار تونل افتتاح یافت و عبور از راه چالوس که چندی بود باز شده بود ولی از قله کوه کندوان عبور میکردند ازداخل تونل صورت گرفت .

آقای منصور وزیر طرق در گزارش خود بعرض رسانید ، کلیه راههائی که تا کنون حسب الامر مبارک در اقطار و اکناف مملکت ایجاد گردیده هریك بجای خود لازم و دارای منافع محلی و عمومی بود اما از حیث مزایا و کیفیات طبیعی راه چالوس در درجه اول قرار میگیرد – بنای پل چالوس نیز از شاهکارهای صنعتی عصر پهلوی بشمار میرود . مسافت این راه از کرج تا چالوس ۱۶۸ کیلومتر و کوتاه ترین خطی است که پایتخت را بدریای خزر متصل میکند. وزیر راه در پایان خطابه خود تقاضا کرد که اجازه فرمایند این راه از نظر اهمیت و مختصاتی که دارا میباشد باسم راه مخصوص نامیده شود.

اما صنعت در گیلان : درسر مقاله ۲۸ آذر ۱۳۱۲ این سطور خوانده می شود :«صحیح است که گیلان منطقه ایست فلاحتی و در چنین مناطقی که از زمینش طلا برداشته می شود نباید مردم پیرامون صنعت بگردند ولی صنایعی که مواد خامش را خود گیلان می دهد و مورد کمال لزوم و احتیاج مملکت می باشد البته قابل توجه و اقدام باینگونه عملیات مستحسن است مثلا تاسیس کارخانه ابریشم و حریربافی بسیار بموقع و مفید است زیرا ابریشم خام بحد کافی عمل می آید ، همچنین کارخانه کیسه بافی که محصول آن کنف و مختص گیلان است از قدمهای مفید بشمار میرود.

میگویند ما مردمانی فلاحت پیشه هستیم و نمیتوانیم صنعت را پیش گیریم همانطور که هریك از مملکت های دنیا حرفه ای را پیشه خود ساخته و بدان معروف شده اند مثلا آلمان ماشین های صنعتی خوب بیرون میدهد ، سویس ساعت خوب میسازد ، بلژیك مهندسازی مفصل دارد ، فرانسه پارچه های ابریشمی وعطر صادر می کند اما در ایران مادر رشته صنایع قصد نداریم حتما صادرات بوجود آوریم بلکه میخواهیم احتیاجات خود را درداخل مملکت تامین سازیم و به صنایعی دست بزنیم که برای ما مقرون بصرفه وصلاح باشد و مصرف مواد خام را درداخل کشور نیز پیدا کنیم .

افکار عمومی و باسعیدو: تحت این عنوان مقاله ای در ۱۸ آذر اطلاعات چاپ شده و مینویسد که دو ماه از واقعه باسعیدو میگذرد هنوز جبران این اهانت بمأمور ایران در پیچ و خم سیاست گیر کرده و بمکاتبه برگذار میشود وما ازدولت می پرسیم چه اقدامی تا کنون کرده اند ، ما در مقالات روزنامه های انگلیسی میخوانیم که دولت مزبور طرفدار عدالت و پای بند یك سلسله قواعد و اصول بین المللی و مبانی اخلاقی و ازمعتقدین حفظ احترامات متقابله است لکن در عمل می بینیم مأمورین بحری آندولت در آبهای ایران تخطی و تجاوز میکنند .

انتظار ما این است که نسبت باین عمل هرچه زودتر اقدام مقتضی بعمل آید و اهانت بیك مامور رسمی ایران جبران شود وباین کاغذ بازی دیپلماسی خاتمه دهند.

چندروز بعد از مقاله مزبور درجلسه ۲۵ دی ۱۳۱۲ آقای کاظمی وزیر خارجه درجواب آقای دکتر طاهری راجع بواقعه باسعیدو و اهانتی که برئیس گمرك آنجا از طرف انگلیسها شده بود گفت: ازطرف دولت انگلیس چه کتباً وچه شفاهاً توضیحاتی بدولت شاهنشاهی داده شد مبنی براینکه این پیش آمد ازروی اشتباه وبدون سوء نیت وقصد توهین بوده است ودر اواسط آذرماه گذشته هوائی را که من غیرحق انگلیسها درباسعیدو وارد کرده بودند احضار نموده و تاسیساتی را هم که اخیراً درآنجا بدون اجازه کرده بودند بهم زدند (نمایندگان احسنت)

عارف شاعر ملی درگذشت: درضمن تلگرافات دیروز خبر تأسف‌آوری دیده میشد این خبر فوت شاعر خوش‌ذوق و قریحه ایران «عارف» را اطلاع میداد.

فوت عارف ضایعه بزرگی است برای عالم علم و ادب، عارف تنها جنبه شاعری و سخن سرائی نداشت عارف علاوه از جنبه فضل و کمال، علم و معرفت یك پارچه احساسات بود، تمام اشعار او ابراز احساسات زیبا وطن‌پرستی، غرور ملی، شهامت و شجاعت اخلاقی بود. از تمام گفته‌های شیرین او روح وطن‌پرستی و تشویق مردم بدوست داشتن مملکت و ارتقاء وطن ظاهر بود......»

در پایان مقاله اطلاعات نوشته شده است: «عارف از چندی باین طرف با کسالتهای شدیدی دست بگریبان بود تا شب ۲ بهمن ۳۱۲ که در همدان از این دنیای مادی بدرود حیات گفت.

جنازه این شاعر وطن‌پرست با تجلیلات شایانی که درخور این شاعر حساس بود در همدان تشییع گردید. حکومت و رؤسای ادارات و طبقات مختلف در مراسم تشییع شرکت جسته و عارف را در آغوش بوعلی سینا و در بقعه آن فیلسوف بزرگ ایران جا داده اند.

عارف رفت و بسرای جاودانی منزل کرد ولی هرگز نمرده و نخواهد مرد.

تعلیمات عمومی و اجباری: موضوع باسواد کردن مردم از مسائلی بود که پیوسته مورد بحث روزنامه اطلاعات قرار میگرفت و خود نیز عملا دراین باره اقدام می‌نمود یعنی بکلاسهای اکابر ازراه ارسال روزنامه مجانی کمك می‌نمود و اجرای تعلیمات اجباری و افزایش دبستانهای شش کلاسه و چهار کلاسه را برای این که مردم فقط سواد خواندن و نوشتن بیاموزند تعقیب می‌نمود.

در تاریخ ۲۲ بهمن ۳۱۲ آقای حکمت کفیل وزارت فرهنگ لایحه‌ای تقدیم مجلس نمود که در مقدمهٔ آن ذکر شده بود. «چون برای تعلیمات عمومی اجباری احتیاج به تهیه و تربیت معلم میباشد لذا از اول فروردین لا اقل تا مدت پنج سال ۲۵ باب دارالمعلمین و دارالمعلمات مقدماتی و یك دارالمعلمات عالی در تهران و در ولایات تاسیس خواهد شد که شبانه روزی و مجانی خواهند بود لکن تا زمینیکه بنگاهی برای آن ساخته نشده صورت مدارس روزانه را خواهد داشت. (دارالمعلمین‌ها بعدها بنام دانشسرا نامیده گردید)

* * *

بطوریکه خوانندگان محترم مطالعه می‌فرمایند فکر تعلیمات اجباری از ۱۸ سال پیش پیدا شده و در آن دوره قدمهائی نیز برداشته شده و شالوده‌هائی ریخته شد لکن هنوز هم تعلیمات اجباری صورت حقیقت بخود نگرفته و دسته دسته اطفال بواسطه نبودن دبستان بی‌سواد بارمیآیند و از همه مهمتر عدم توجهی است که وضع استخدام معلمین میشود و بهمین جهت کادر آموزگار دراین کشور رونق نمی‌یابد و توسعه پیدا نمیکند و آن دسته مردمی هم که اکنون باین شغل شریف اشتغال دارند درنهایت زحمت و سختی بسر میبرند و دیگر جوانان وقتیکه ملاحظه میکنند که مقام معلمی را که محترم‌ترین مقامات دردنیای امروز است احراز کنند ترجیح میدهند که در ادارات پشت میز بنشینند و کارهائی انجام دهند که اثر و خاصیتی از آن برای کشور مترتب نیست.

اطلاعات در شش صفحه: از اول اسفند ۳۱۲ روزنامه اطلاعات قدم دیگری برای توسعه و ترقی خود برداشت و آن تصمیم بانتشار اطلاعات در شش صفحه بود. اطلاعات در آن شماره نوشت که ترقی تدریجی اطلاعات نشانه حسن استقبال مردم ازما میباشد، مردم بخوبی دریافته‌اند که این روزنامه بآنها تعلق دارد. مقالاتی که انتشار می‌یابد همه قابل استفاده و موضوعاتی است که عامه از آن استفاده میکنند. مقالات اجتماعی و اخلاقی بیش از همه مطالب توجه خوانندگان را جلب نموده است. مطالب اقتصادی هم آنقدر مورد توجه قرار می‌گیرد که بما از چندی صورت عمل پیدا میکند، مردم باخبار و نشریات ما اطمینان کامل دارند و متوجه شده‌اند که ما در انتشار اخبار راه مبالغه را نمی‌پیمائیم تا مطلبی صحیح نباشد انتشار نمیدهیم، انتقاد را ضعیف میکنیم ولی در اساس مثبت و عمل بعبارت دیگر راه اصلاح را نشان میدهیم، پیشنهاد میکنیم، مردم را تشویق بکار و فعالیت مینمائیم اینست که مردم روزنامه اطلاعات را ازخود میدانند و ما را هر روز بیشتر تشویق و تا ... ما ناچار میشویم در صفحات روزنامه بیفزائیم و روزنامه را کاملتر و مفیدتر سازیم.

اصلاح پروگرام مدارس: این موضوع یکی از هدفهای روزنامه اطلاعات بوده و پیوسته مورد بحث واقع میشده است ازجمله مقاله‌ایست که روز اول اسفند ۳۱۲ تحت عنوان بالا چاپ شده و در سطور آن این جملات جلب توجه میکند:

«اصلاح معارف و پروگرام مدارس در عداد یکی از آرزوها و آمال طبقه اصلاح طلب مملکت میباشد

بوقیقت این است که طبقه منور و مهذب و نفوس تربیت شده سالیان دراز است این آرزو را در مغز می پرورانند که آیا روزی خواهد آمد اصلاحات معارف از مدار تغییر میز و صندلی و تربیت اشخاص پشت میز نشین جریان خود را منحرف ساخته ولااقل گرد محور مواد پروگرام مدارس و نواقص آن سیر کند ؛ شدت احتیاج باصلاح معارف از طریق پروگرام مدارس بقدری محسوس و مشهود است که از هر کس بپرسید معارف از کجا باید اصلاح شود خواهد گفت از پروگرام مدارس.... الی آخر »

لغزش یک قطعه سنگ در زیر پای پادشاه بلژیک سبب مرگ او شد – آلبرت پادشاه بلژیک علاقه بکوه پیمائی داشت. بعد از ظهر روز ۲۹ بهمن ۳۱۲ برای گردش بقله کوهی بالا رفت چون تا اوایل شب باز نگشت مستخدمی که همراه او بود در پائین کوه انتظار اورا می کشید مراتب را باتلفون اطلاع داد ساعت دو بعد از نصف شب نعش پادشاه را در دره عمیقی کشف نمودند که در اثر لغزش قطعه سنگی از زیر پای او از مغز بدرون دره پرت شده بود. دولت فرانسه یک ماه و پادشاه ایطالیا ۲۱ روز عزاداری رسمی اعلام کرد تمام روسای کشورها و رجال و لیعهد های اروپا در مراسم تشییع شرکت نمودند.

آدمکش بی نظیر – ۳۳ قتل: در نیمه اسفند ۳۱۲ قاتلی در تهران دستگیر که معلوم شد در مدت دو ماه و نیم توقف خود در تهران مرتکب ۸ فقره قتل شده و پیش از آن هم در بغداد بسر می برده و در آنجا طبق اعتراف خود به همدستی چند نفر دیگر ۲۵ فقره قتل مرتکب گردیده است این قاتل عجیب مردی پنجاه ساله بود بنام علی اصغر بروجردی و شغل او بامیه فروشی بود و در فریب اطفال خردسال و لگرد در سنین بین ده تا پانزده سال مهارت عجیبی داشته و آنها را برای اطفای شهوت حیوانی خود به خرابه های خارج شهر می برده و در آنجا شکم پاره میکرده و اغلب سر می بریده است و بعد آثار جرم را مخفی میکرده اولین دفعه که مامورین تامینات بکشف قضیه موفق میشوند اطلاعی بود که از پیدا شدن سر بریده ای در خرابه شترخان نزدیک نجف آباد بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم اطلاع پیدا می کنند که وقتی دنبال می کنند در همان خرابه چند جنازه از زیر خاک بیرون می آورند و عملیات شروع می شود تا موفق بدستگیری اصغر قاتل بامیه فروش که در یکدست سینی حلبی بامیه و در دست دیگر حلبی بنزینی که در آن اثاثیه خودرا میگذاشته است میشوند و این واقعه از حوادث جنائی بی نظیری است که با کمال قساوت و خونخواری انجام می یافته و معلوم ساخت که جانی مزبور از ریختن خون و حتی خوردن خون لذت می برده است.

قاتل تمام جنایات خودرا اعتراف و چگونگی قتل ها را با کمال صراحت و تفصیل بیان داشت. درباره قتل خود او پیشنهادات زیادی میشد و مردم تهران سخت عصبانی و خشمگین بودند و بقدری واقعه مزبور عجیب بود که مردم نمی توانستند باور کنند چنین وحشی سبع و خطرناک آدمخواری در میان جماعت در تهران می زیسته از جمله پیشنهادات این بود که مغز این جانور را در لابراتوارها مورد آزمایش قرار دهند و علل آنرا دریابند. همچنین پیشنهاد شد که هیکل اورا مانند حیوانات موذی در الکل و در شیشه بزرگی که باندازه او ساخته شود نگاهدارند و خلاصه این موضوع مدتها در تهران ورد زبانها بود و با اشمئزاز خبرها و مطالب مربوط باین جنایت بزرگ را مردم میخواندند و پیرامون آن بحث میکردند. در یک بالماسکه ای که همان ایام در کافه شهرداری تشکیل شده بود یکی از شرکت کنندگان هم خود را بشکل اصغر قاتل در آورده بود و باسینی بامیه و پیت بنزین و همان قیافه کریه وارد مهمانی شد و در آن مجلس چند خانم غش کردند و بالاخره این هیکل را که باعث اشمئزاز بود از مجلس مهمانی خارج ساختند.

مسافرت اعلیحضرت فقید بترکیه: روز ۲۳ اردیبهشت ۳۱۳ مرحوم فروغی نخست وزیر در مجلس شورای ملی چنین گفت: «خاطر آقایان محترم بخوبی آگاه است که در ایام گذشته بین دولت و ملت ایران و دولت و ملت ترکیه نظر بسوء تفاهماتی یا سوء نیت و اغراض اختلاف و مشاجراتی بود که سالها بلکه قرن ها طول کشید والبته از این راه بهر دو مملکت و ملت خسارات و لطمات فاحشی وارد آمد. بالاخره بخت یاری کرد و خداوند تفضل فرمود که ایران نو و ترکیه جدید هر کدام دارای یک قائد مصلحت اندیش شدند که در تحت سرپرستی آنها مملکتین ایران و ترکیه را بشاهراه ترقی و تعالی که ملاحظه می فرمائید سوق دادند و اکنون نظر بدوستی و صمیمیتی که در بین پیدا شده اشتیاق کامل بملاقات همدیگر پیدا کردند بالاخره چندی قبل حضرت غازی مصطفی کمال رئیس جمهور دولت ترکیه رسما از اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی دعوت کردند و اعلیحضرت هم این دعوت را با کمال مسرت اجابت فرمودند بنابراین در ماه آینده یعنی در بیستم خرداد از راه آذربایجان بمملکت ترکیه وارد خواهند شد و تقریبا دو هفته در آنجا خواهند بود یقین است که این ملاقات ها و این دید و بازدیدها موجب تشیید و تحکیم روابط حسنه و مزید نتایج مطلوبه است.

ورود قسمت دوم طلاها : در شماره ۲۰۹۴ مورخ ۲۱ دی‌ماه ۱۳۱۲ خبر زیر جلب توجه میکند:

«قسمت دوم طلاهائی که دولت ایران در اروپا برای ذخیره اسکناس خریداری نموده در ۹۷ صندوق محتوی ۳۸۷ شمش وارد تهران وتحویل بانك ملی گردید.

وزن این شمش‌ها بعیارهای مختلف ۱۶ خروار و ۵۰۰ من وخورده و طلای خالص آن ۱۶ خروار و ۲۱ من وخورده‌ای میباشد.

قسمت اول طلاهای خریداری از خارجه در ۱۳ آبان گذشته وارد شد که وزن خالص آن ۱۷ خروار و ۷۸ من بود وباین ترتیب مجموع طلای خالص خریداری دولت از اروپا ۳۴ خروار و ۲۱ من و ۳۶ سیر و خورده‌ای میباشد بعلاوه دولت معادل ۱۹ خروار و ۶۶ من و ۳۵ سیر طلای خالص در ایران خریداری نموده و در بانك ملی موجود دارد وبنابرین ذخیره طلای بانك با دو خروار و ۶۳ من طلای خریداری از خارجه و تهران مخصوص ذخیره اسکناس بالغ بر ۵۶ خروار و ۱۵ من و ۳۸ سیر و ۱۴ مثقال میباشد (توضیح اینکه در تاریخ مزبور هنوز قانون توحید اوزان وتغییر وزن من به کیلو اجرا نشده بود)

نقره های ذخیره اسکناس نیز بصورت شمش از اروپا خریداری و وارد گردیده و درخزانه بانك جای داده شد که وزن خالص آن ۱۹۲ خروار و ۴۲ من و ۳۰ سیر و ۳۳ مثقال بود.»

امتیاز غیرقانونی نفت بحرین: درتعقیب مطالبی که در روزنامه اطلاعات راجع باستخراج نفت بحرین وعمل غیر قانونی که در سرزمین ایران انجام گرفته وبالنتیجه خبری که از خارجه در روزنامه منعکس گردیده موردی برای سئوال وجواب درمجلس شورای ملی پیدا شد و آقای کاظمی وزیر خارجه در جلسه سوم خرداد ۱۳۱۳ در جواب مرحوم دادور (وثوق السلطنه) گفت: دولت دراوایل سال ۱۳۰۹ اطلاع پیدا کرد که یک سندیکای انگلیسی امتیاز استخراج نفت بحرین را تحصیل نموده ودر آن شروع بعملیات استخراجی کرده است. فوراً پرتست شد که این عملیات ناقض حقوق حاکمیت وسلطنت ایران بوده ودولت امتیاز ادعائی را ازدرجه اعتبار ساقط میداند. درهمان موقع یعنی چهارسال قبل سواد این اعتراضات بجامعه ملل ارسال گردیده حالا معلوم میشود شرکت امریکائی نفت استاندارد اویل کالیفرنیا نیز در امتیاز ادعائی شرکت انگلیسی مداخله پیدا کرده وشروع باستخراج نفت دربحرین نموده. این امتیازات از ناحیه دولت شاهنشاهی که یگانه مرکز صلاحیت‌دار برای اعطای اینگونه امتیازات درخاك خود میباشد داده نشده واز ناحیه مقاماتی تحصیل شده است که هیچگونه حق وصلاحیت قانونی در اعطای این قبیل امتیازات نداشته وندارند واین امرخلاف قانون ازدرجه اعتبار ساقط و مورد اعتراض شدید دولت ایران است.

در محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم: اوایل خرداد ۱۳۱۳ سیل مدهشی قسمتی ازشهر قم را خراب کرده وعده زیادی ازمردم را آواره وبی خانمان ساخت. چندتن ازاعضای شیر وخورشید سرخ ومنجمله آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات که عضویت جمعیت را دارا بود داوطلب شدند که بوضعیت آسیب‌دیدگان رسیدگی کنند، چند بار بقم مسافرت نمودند ونسبت بمردمان فقیر وبی بضاعت کمك‌های موقتی رسانیدند وبعد هم کمیسیونی برای ترمیم و جبران خسارات مردم ازمعتمدین ومحترمین محل تشکیل دادند.

آقای مسعودی درباز گشت خود مقالات مؤثری درباب جلب کمك مردم نوشت ودرنتیجه اعانات خوبی جمع آوری شد واز حضرت آیت‌الله فقید آقای حاج شیخ عبدالکریم نیز تقاضا شد تحت توجه وسرپرستی ونظارت خود اعانات را مصرف نمایند.

درشماره ۲۲۰۳ مورخه چهاردهم خرداد آقای مسعودی طی مقاله مشروحی ضمن تشریح وضع آسیب دیدگان قم مینویسد:

«سه ساعت بعدازظهر بود که درمحضر آقای آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حضور پیدا کردم. آقای دکتر حکیم الدوله و آقای دکتر سنك نیز ازشیر وخورشید وآقای فریدونی نماینده مخصوص اعزامی وزارت کشور، آقای همراز نماینده مجلس وحکمران قم هم حضور داشتند. درمحضر آیت‌الله صحبت ومذاکرات زیادی راجع بآسیب دیدگان قم نمودیم آیة‌الله از این پیش‌آمد بسیار متاثر واندوهناك بوده ودرضمن صحبت فرمودند:

«نخستین کسیکه بمحض اطلاع کمك فوری وآنی ومؤثر نمودند اعلیحضرت همایونی بود که فوراً پس‌از وصول تلگرافی که شخصاً نمودم یکصد هزار ریال حواله فرمودو کمك فوری شاهانه بی اندازه مؤثر بود بعد آیة‌الله فرمود: مهمترین امری که توجه ملوکانه رابآن معطوف نمودم این بود که اساساً شهر قم باید برای آتیه ازاینگونه حوادث مصون باشد ولزوم بستن سد و ساختمان پل را متذکر شدم و فوراً بوزارت طرق امر شد که اقدام عاجلانه دراین باب بعمل آید.

اوامر شاهانه سریعاً ازطرف وزارت طرق بمقام اجرا درآمده و آقای وزیر طرق شخصاً بمحل آمده و وضع سیل و بستر سد و پل را بازدید و قرار شد مهندس بفرستند و اقدام نمایند.

سپس آیةالله وضع دلخراش آسیب دیدگان و تأمین اعاشه آنهارا تشریح و بساختمان خانه برای آن‌ها اشاره فرمودند که اعضای جمعیت شیر و خورشید نظر آیةالله راتأیید نموده و بایشان عرض کردند که بهتر است تمام وجوه اعانات یکجا تحت نظـر حضرت آیةالله متمرکز و بمصرف برسد و دراختیار کمیسیون منتخبه ازطرف آیةالله که همه آنها مورد اعتماد هستند و آقای حاج محمد حسین یزدی کـه معتمد آیةالله و صندوقدار کمیسیون میباشد گذارده میشود.

شاه فقید عازم ترکیه گردید : روز شنبه ۱۲ خرداد ۳۱۳ ساعت ۷ صبح شاه از قصـر سلطنتی خارج شد واز راه قزوین و زنجان و تبریز عازم ترکیه گردید. ملتزمین رکاب شاه ازینقرار بودند :

آقای کاظمی وزیرخارجه . آقای شکوه رئیس دفترمخصوص . آقای سمیعی رئیس‌تشریفات داخلی . آقای امیرنظام رئیس تشریفات خارجه . امیرلشکر امان‌الله جهانبانی . سرتیپ‌عبدالرضا افخمی . سرتیپ کوپال.سرهنگ ارفع صاحب‌منصب سوار . سلطان محمود خسروانی صاحب‌منصب هوائی . سلطان دکتر اسفندیاری . سلطان ظلی صاحب منصب بحری . سلطان علی اصغر مزینی صاحب‌منصب توپخانه . نـایب اول محسن قدیمی صاحب منصب پیاده نظام همچنین آقای حسین قدس منشی مخصوص‌وزیرخارجه . آقای یوسف شکرائی عضو تشریفات سلطنتی و آقای‌ارفع رئیس رمز ارکان حرب‌کل قشون درملازمت شاه بودند.

***

آقای عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات هم برحسب دستورشاه فقید دراین مسافرت تاریخی دعوت‌شد ودرتمام مراسم‌وتشریفات‌رسمی‌شرکت‌نمودو‌یادداشت‌های‌جالب توجهی از چگونگی‌پذیرائی واحساسات‌محبت‌آمیزی که ملت و دولت ترکیه نسبت به مهمانان خود بخصوص تجلیل واحترامی کـه بشاه فقیدگذاردند برای اطلاعات فرستاد ، درآن موقع چندتن از روزنامه نویسان متنفذ شایق بودند دراین مسافرت همراه باشند وتشبثات‌بسیاری نیز کردند که درلیست همراهان شاه فقید قرارگیرند لکن شاه کـه درشناسائی اشخاص هوش فوق‌العاده داشت ، بدون هیچگونه توسل وتشبث روزنامه نگاری راکه طی‌چند سال روی پشت‌کار وزحمت و مرارت خود موقعیت ومنزلتی درافکارعامه پیدا کرده واستقبال شایانی ازروزنامه او میشد اورا طرف توجه خود قرارداد اورا انتخاب کرد که هیچ هدفی برای رسیدن بجاه ومقام ندارد ، قصد اخاذی و سوء استفاده ندارد وتنها هدف او ترقی و عظمت حرفه خود وتوسعه روزنامه اطلاعات و خدمت نامه نگاری میباشد ، او آنروز تشخیص داد کـه مدیر اطلاعات جوانی است میهن پرست ، علاقمند بحفظ شئون کشور و ارتقاء ملت و مملکت ایران و در اثر زحمت شبانه روزی خود توانسته است توفیق حاصل‌کند باینجهت اورا انتخاب کرد و درست هم تشخیص داده بود . زیرا ازآن پس با یافتن چنین موقعیت مهمی که‌اشخاص آرزوی کسب‌آنرا داشتند مدیر اطلاعات خود راگم نکرد ، راه و رسم معاشرت و زندگی نامه‌نگاری خود را تغییرنداد ، سعی و کوشش خود را کنار نگذاشت ، عنایت وتوجه مردم را فراموش نکرد وهمچنان تا جائی که میسربود وتا اوضاع و احوال روز وفشار سانسورکه بعدها شدیدتر شد اجازه میداد وظایف وتکالیف ملی خود را انجام داده اعمال و رفتار خودرا با مصلحت مردم ومملکت تطبیق داد ، هرگز راه خطا نرفت ، خیانت نورزید ، سوء استفاده ازموقعیت و مقام خود نکرد ، از حدود نامه نگاری خود خارج نگردید .

باوجودیکه فرصت‌های نیکوئی‌بدست آورد هیچگاه دنبال‌گرفتن شغل و مقام وتحمیل شدن برخزانه‌دولت نگشت ،راه خودرا پیش‌گرفت وبارنج ومشقت کارروزنامه نویسی‌خودرا باشرافت وسربلندی ووطن خواهی ادامه داد . روی همین‌اصل هم‌بود که توانست موقعیت خودرا درجامعه همچنان حفظ وحراست کند وباسعی‌وجدیتی که دشمنان وی ازراه حسادت وبخل‌برای برهم‌ریختن اساس‌وشالوده مطبوعاتی او که نمونه رشدفرهنگی کشور است بخرج دادند چون توکل‌او بخداوند واتکای او بمردم وتوسل‌او بزحمت وکار وفعالیت بودند در گذشته و نه درحال حاضر تمام‌مخالفت‌ها و اتهامات ودشمنی‌ها کوچکترین تاثیری‌در وضعیت او نبخشید و مردمی که‌سالیان‌دراز این‌جوان فعال‌وطن پرست‌را آزموده‌بودند ودر موارد مختلف‌محک‌زده بودند بخوبی‌دریافتند که‌تمام‌شایعات پیرامون‌مدیر اطلاعات روی‌حسادت وغرض شخصی وبرای برهم‌زدن دستگاهی‌است که نشریات‌آن مورداستفاده ملت‌ایران قرارمی‌گیردو ازهرگونه‌غرض و مرض و فحش و هتاکی و دوروئی وفساد مبراست‌وباین جهت همچنان‌هواخواه این‌مؤسسه فرهنگی که امروز بامؤسسات مطبوعاتی دنیای متمدن برابری می کند ونمایندگان مطبوعات خارجی بادیدهٔ‌احترام بآن می‌نگرند باقی ماندند و بریشه غرض وحسادت بدخواهان پی‌بردند.

مضرات لادینی: دزدی، جنایت، فحشاء، بی ناموسی، خیانت، عدم مسئولیت، از بین رفتن حس تعاون، محو کلیه اصول نیك نتیجه سستی ایمان و عقاید مذهبی و در یك کلمه (لادینی) است، چیزی که پیوسته حاکم بر حیات انسان می باشد ودر سایه آن زندگی بشر نظم وترتیب پیدا میکند آن عقیدهٔ دینی است، ترس و خوف، امید و رجاء در حیات انسان زائیده و مولود این عقیده است. این گودالی را که بنام لادینی در پیش پای مردم، شما جوانان بظاهر تربیت شده حفر می کنید، این خنده ها و قهقهه های تمسخر و استهزائی که ازچاك دهن سر داده و یك پهلو بدنده لادینی افتاده اید متوجه باشید که خودتان در آن گودال سرنگون شده بعمق ناپیدای آن فرو خواهید افتاد. سعی کنید با اینگونه اشخاص معاشر نباشید یا اگر مجبور بمعاشرت شدید همانطور که ازیکنفر مبتلا بمرض جذام و یکنفر سیفلیسی احتیاط می کنید برحذر باشید، مبادا میکرب عقیده خطرناك او بشما هم سرایت کند، خدارا بشناسید همیشه اورا درهمه جا حاضر و ناظر دیده تقوی وفضیلت اخلاقی را ازعنایت وتوجه او در خود تقویت کنید. گول نخورید، تصور نکنید که علم و کسب معرفت ومعارف جدید مخالف باخداشناسی است. امروز علماء هرچه بیشتر اسرار طبیعت را کشف میکنند زیاد تر بعظمت اسرار کائنات عقیده پیدا کرده و معترف هستند که یك چیز مافوق این اسرار وجود دارد که درعقیده توحید آن را خدامی گویند

«خلاصهٔ مقاله شماره دوم خرداد ۳۱۳»

برنارد شو و اسلام: فیلسوف معروف انگلیسی برناردشو، مقالات بسیاری درباره اسلام و اهمیت دین مبین اسلام ونفوذی که درسایر ادیان دارد منتشر کرده که درشماره های مختلف اطلاعات منعکس میباشد از جمله دومقاله جالبی است که یکی در شماره ۱۵۹۰ ودیگری درشماره ۲۱۵۷ انتشار یافته که در گفته های این نویسندهٔ بزرك که مورد توجه دنیا میباشد عقیده راسخ او درترویج وتعمیم دین اسلام ظاهر میباشد، او معتقد است که دین اسلام از تمام ادیان برای عالم بشریت مفیدتر وعالی تر وصلاحیت قبول دیانت اسلام را برای تمام ملل دنیا درهر دوره وزمان و مکانی جایز ولازم شمرده است ودراین باره رسالاتی منتشر ساخته از جمله چنین می نویسد:

«دیانت محمدی یگانه دیانتی است که بعقیده من حائز تمام شرایط برای اطوار مختلفه زندگانی وحیات میباشد بطوریکه درهرعصری قادر است مردم را بسوی خود جلب کند. پیشگوئی من این بود که دیانت محمدی نزد فردای اروپا قبول وپذیرفته خواهد بود، طبقه روحانیان قرون وسطی (کشیشها) یا بواسطه جهل یادر نتیجه تعصب مذموم صورت دیانت اسلام را بتاریکترین صور نقاشی کرده بودند ودرحقیقت تنفر و کراهت از محمد و دیانت او را مشق مینمودند واورا خصم مسیح میدانستند من محمد وشخصیت اورا باعتبار یك رجل فوق العاده وحیرت بخش مورد مطالعه قرار داده ام واورا یکلی دوراز معارضه ومخاصمت بامسیح نگریستم وبلکه بایستی منجی شد که محمد نجات دهنده عالم انسانیت است.»

اطلاعات درپایان مقاله مشروح خود اضافه میکند: «برناردشو نخستین کسی نیست که این حقیقت برخورده باشد پیش از او عده بسیاری آن را ادراك نموده اند که یکی از آنها گوته فیلسوف مشهور آلمانی است که درسال ۱۸۳۲ فوت نمود، گوته پراندیشه ترین ودور بین ترین رجال آلمان بشمار میرود وهنگامی که دیانت اسلام موردنظر او قرار گرفت اورا دوچار شگفتی نمود ودربارهٔ آن گفت «اگر اسلام اینست که مأخوذ درآن وارد هستیم وهمان تعالیم خوب اورا پیروی داریم»

نمایشگاه محصولات فلاحتی و صنعتی آذربایجان: مردمان غیور ووطن پرست آذربایجان چون میدانستند که اعلیحضرت راهیچ چیز بیشتر ازتماشای ترقیات صنعتی وفلاحتی کشور خشنود نمیسازد قبل ازحرکت از تهران بتشکیل نمایشگاهی از محصول ومصنوع آذربایجان اقدام نمودند، این نمایشگاه مظهر فعالیت و کوشش آن روز اهالی آذربایجان بود که با سرعت بسوی ترقی وتوسعه امر فلاحت وصنعت پیش میرفت

در این نمایشگاه صنایع بسیاری بمعرض نمایش گذارده شده بود که بدبختانه امروز دیگر از آن اثری نیست زیرا بعدها چون تشویقی نشد و اجازه ورود مصنوع مشابه آن از خارجه داده شد یکی بعد از دیگری از بین رفت.

شاه فقید روز ۱۵ خرداد نمایشگاه را افتتاح نمود وپس از تماشای آنهمه ترقیات صنعتی مردم هنرمند آذربایجان فرمود: هیچ تصور نمیکردم که آذربایجان دارای این همه محصولات ومصنوعات جالب توجه و قشنگ باشد واینقدر هنرمندان باذوق داشته باشد وبهترین خوشوقتی من دیدن این نمایشگاه بود.

اولین برخورد چگونه صورت گرفت: بعد ازظهر ۲۶ خرداد ۱۳۱۳ بعد ازتجلیل فراوانی که در عرض راه از سرحد ایران وترکیه تا پایتخت ترکیه (آنکارا) ازشاه فقید شده بود و درتمام طول راه شهر ها و

قصبات ودهات با پرچم های ملی ایران وترك تزئین شده وهمه جا منتهای احترام را ملت ودولت ترکیه مرعی داشتند دوزعیم مقتدرشرق یکدیگر را در ایستگاه راه آهن آنکارا درآغوش گرفتند وبوسه های زیادی ازهم نمودند. شهر آنکارا بوسیله شلیك بیست ویك تیر توپ ورود شاه ایران رابمردم خبرداد سپس غازی مصطفی کمال پاشا که بعدها بنام آتاتورك معروف گردید مستقبلین را حضور شاه فقید معرفی نمود وهمچنین شاه همراهان خودرا معرفی کرد تمام کف ایستگاه ازدسته های گلی که بطرف واگون سلطنتی رضاشاه پرت شده بود پربود، در ودیوار تزئین شده بود و جمعیت کثیری ایستگاه وتمام طول خیابانهارا فراگرفته بود و کف میزدند وفریادشعف وشادی می نمودند، شاه فقید بعد ازعبور ازمقابل دستجات گارد احترام وافسران ترك ونطقهای مؤثری که ایراد گردید بارئیس جمهور ترکیه در اتومبیل روبازی نشسته باتشریفات مجللی بعمارت حزب خلق که برای پذیرائی آماده شده بود رفتند .

پذیرائی ها صمیمانه و برادرانه است : آقای مسعودی درتلگرافات خود بخصوص این نکته را تصریح می نمود که وضع پذیرائی دولت ترکیه ازشاه ایران و همراهان جنبه رسمی خود را ازدست داده وضع صمیمانه وبرادرانه ای پیدا کرده است، مردم احساسات محبت آمیزی نسبت بما ابرازمیدارند. ایرانیهای مقیم ترکیه بقدری مفتخر وسربلند شده اند که ازخوشحالی درپوست نمی گنجند . بقدری شاه ایران مورد تکریم و احترام رئیس جمهور ترکیه واقع شده که مردم ترکیه میگویند چنین گرمی وصمیمیت ومحبت وپذیرائی تاکنون نظیر وسابقه نداشته است .

غازی مصطفی کمال پاشا و اعلیحضرت همایونی هردو یکدیگر را برادر خطاب میکنند. شاه بزبان ترکی با رئیس جمهور صحبت میکند وبااینکه درپروگرام مسافرت درداخله ترکیه قرارنبود رئیس جمهور با شاه حرکت کند لکن دوستی وصمیمیت بقدری بین این دوقائد ایران وترکیه پیدا شده که رئیس جمهور اظهار داشته است هرگز مصاحبت با برادر خود را ترك نخواهم کرد ودر تمام مدتی که درخاك ترکیه اقامت دارید باید باهم باشیم .

اولین نطق های رسمی – رئیس جمهور ترکیه دراولین شام رسمی که بزرگان ترکیه وخارجی ها نیزحضور داشتند، طی نطق رسمی خود گفت : اعلیحضرتا . دوست بزرك وبرادر معظم من. بانهایت مسرت وشعف رئیس بزرك ملت برادر رادرترکیه تبریك میگویم . تمام ملت ترك از تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی خوشوقت می باشد . جمهوری ترکیه دوستی ایران رایکی ازمواد اساسی خود قرارداده وچون در لوای توانای آن اعلیحضرت عین همین احساسات درمملکت برادروهمجوار موردتوجه قرارداده شده مودت ایران وترکیه بطوردائم وخلل ناپذیر استوار گردیده است . اعلیحضرتا ، ترقیات امروزه ایران راباحساسات مودت آمیز تلقی نموده وترقیاتی را که دراثر اراده توانای آن اعلیحضرت بعمل آمده است تقدیرمی نمائیم . ترکیه وایران امروز هردوبا قدمهای ثابت وتوانادر راه ترقی وتعالی پیشرفت می نمایند وتشیید مناسبات مودت آمیز دو کشور دراثرتشریف فرمائی آن اعلیحضرت برای تمدن ونوع بشر بطورقطع متضمن نتایج سعادت بخشی می باشد . ملت ترك این روزهای تاریخی را ازخاطر محو نخواهدداشت وآن را ازنقطه نظر صلح عمومی درصفحات تاریخ درج خواهدنمود .

اعلیحضرت فقید نیزدر نطق خود گفت : دوست بزرك وبرادرعزیزم . بیانات مودت آمیز آن برادرعزیز و پذیرائی گرم واحساسات صمیمانه که ازطرف دولت وملت ترکیه ازبدوورودمن باین مملکت بعمل آمده تاثیرات بزرگی درمن نموده است .

من از روز اول زمامداری خود لزوم دوستی با ترکیه را احساس کردم وخوشبختانه امروز مشاهده می کنم که صمیمانه ترین روابط بین ترکیه و ایران موجوداست و اساس امر طوری استوارشده که این دوستی در آتیه از هر تزلزل مصون خواهد بود و دوملت همسایه و برادر می توانند با کمال اعتماد واطمینان بیکدیگر متکی بوده ووظیفه مقدس خود را که ادامه ترقیات وتوسعه تمدن و خدمت بصلح عمومی عالم است ایفانمایند وچون اشتیاق کامل دارم که مسرت دیدار آن برادرعزیز تجدید شود امید وارم در موقع امکان ایران راازتشریف فرمائی خود مسرور فرمائید . »

دعوت شاهنشاه ایران را رئیس جمهور ترکیه بامسرت پذیرفت و بعد ها پیوسته در مکاتبات خود این آرزوی قلبی و مسافرت خود را بایران برضاشاه فقید ظاهر میساخت لکن درسال اول کارهای فوق العاده او وبعد هم کسالت شدید اتاتورك مانع مسافرتش گردید ولی مناسبات برادرانه خود را تا دقایق آخرعمر محفوظ داشت و در تلگراف یا نامه رضا شاه را برادر خود خطاب میکرد و در لحظات مرك رئیس جمهور نیز تلگرافات گرم و مودت آمیزی مبنی بر احوال پرسی ازطرف شاه فقید واظهار وداع برادرانه از جانب آن فقید رد وبدل گردید.

یکی از صحنه های پذیرائی شاه ایران درترکیه : برای اینکه خوانندگان محترم به چگونگی پذیرائی مجللی که در ترکیه از شاه فقید بعمل آمد واقف شوند متن یکی از تلگرافات آقای مسعودی را در اینجا نقل می نمائیم:

تهران ــ اطلاعات : دیروز اعلیحضرت همایونی مهمان عصمت پاشا رئیس الوزراء ترکیه بودند ودر ساعت چهار بعد از ظهر مراسم دفیله قشون آنکارا حضور ملوکانه معمول گردید. نیمساعت قبل مدعوین مرکب از هیئت دولت و کور دیپلماتیک، رجال ومحترمین شهر همه بالباس های رسمی در تریبونهای مخصوص قرار گرفتند جمعیت کثیری محوطه میدان اسب دوانی را فرا گرفته وفریاد هورا و دست زدن مردم از مسافت دور تشریف فرمائی اعلیحضرت را بمیدان اعلام داشت اتومبیل روبازی که بیرق ایران و ترکیه در جلوی آن باهتزاز بود واعلیحضرت وغازی کمال پاشا در آن قرار داشتند پیش میآمد همینکه ایستاد موزیك مارش سلام را نواخت وبیرق ایران و ترك در جلوی جایگاه مخصوص افراشته شد قائدین ایران و ترك با اتومبیل قشون را سان دیدند وپس از یك دور گردش در اطراف میدان وعبور از مقابل صفوف وفریاد وهورا و کفزدن جمعیت که تمام محوطه را پر کرده بودند در تریبون مخصوص قرار گرفتند. بلافاصله مراسم دفیله شروع گردید ــ دفیله باحترام شاهنشاه بود بهمین جهت فقط اعلیحضرت برای اجرای دفیله کمی جلوتر تشریف برده وهنگام عبور قشون بحال سلام ایستاده بودند. نه فقط دستجات قشون دفیله دادند بلکه دستجات مفصل ومنظم وجالب توجهی از دختران و پسران مدرسه وپیش آهنگان محصل دختر وپسر بطرز باشکوهی از مقابل اعلیحضرت عبور نمودند بنا براین دفیله دیروز تنها دفیله قشون نبود بلکه ملت هم شرکت داشت ومردم میخواستند بدینوسیله بهترین احساسات قلبی خودرا نثار اعلیحضرت همایونی نموده وباجرای دفیله محصلین عواطف ملی خودرا ابراز دارند»

دو مجلس های ایران و ترکیه : روز ۲۹ خرداد ۳۱۳ اعلیحضرت فقید درمجلس کبیرملی ترکیه حضور یافت وپس از تجلیل واحترامات شایسته ای که ازطرف نمایندگان ترك انجام پذیرفت شاه درجایگاه مخصوص قرار گرفت وجلسه رسمیت پذیرفت آنگاه عصمت پاشا رئیس الوزراء (رئیس جمهور سابق) پشت تریبون قرار گرفت ونطق مؤثر ومهیجی ایراد نمود که با این چند سطر شروع میشود :

«آقایان محترم: حکمفرمای ملت بزرك اصیل ودوست ما ایران اعلیحضرت همایونی ، چند روز است از قدوم خودشان مملکت ما را شرف بخشیده اند (کفزدن های شدید) بدینوسیله با کمال ممنونیت بمجلس ملی کبیر خبر میدهم که اهالی ازهرطرف بمیل خود احساسات خود را نشان داده وبی بمنافع عالی برادری با ایران برده اظهار محبت وعلاقه مینمایند (کف زدن شدید وصداهای آفرین نمایندگان) اهالی ازهرطرف وحتی نه محبت های فوق العاده خودشان را باعلیحضرت همایونی نشان میدادند یقین کامل داشتند که ملت ایران هم محبت واعتماد خودشان را ابراز میدارند ......الی آخر»

درپایان همین جلسه پرشور مجلس کبیرملی ترکیه ونطقهای پاحرارتی که از طرف نمایندگان ایراد گردید آقای جمال بیك نماینده مجلس پیشنهاد کرد که: « ادعیه خالصانه مجلس کبیرملی ترکیه را بمجلس شورایملی ایران رسانیده وتذکرداده شود که ماترك ها رفاه وسعادت دائمی مملکت همجوار وبرادرعزیزخودمان ایران راتمنای مائیم » این پیشنهاد درمیان کفزدن نمایندگان باتفاق آراء تصویب گردید وبامضای کاظم پاشا رئیس مجلس ملی ترکیه بآقای دادگر رئیس مجلس شورایملی متن آن بضمیمه احساسات مودت آمیز خود رئیس مجلس تلگراف گردید و آقای دادگر هم جوابی مبنی برتشکر برئیس مجلس کبیر ترکیه مخابره نموده وازپذیرائی های شایانی که ملت ودولت ترکیه نسبت بشاهنشاه ایران ابراز میدارند ابراز مسرت وشعف نمودند ودریکی ازجلسات مجلس شورایملی نیز آقای حاج محتشم السلطنه نطق مؤثری پیرامون روابط ومناسبات مودت آمیز ایران وترکیه ایراد نمود ودرتعقیب این نطق چندتن ازنمایندگان نیز نطق هائی ایراد نمودند ومرحوم فروغی رئیس الوزراء درپایان جلسه گفت: من سابقاً درهمین محضر محترم محسوسات ومشهودات خودم را ازنیات دولت واحساسات ملت ترك یعنی ترکیه جدید نسبت بدولت وملت ایران باستحضار آقایان رسانیده ام واکنون اظهار مسرت وسرافرازی میکنم که بنده درست تشخیص داده بودم . پذیرائی صمیمانه که دولت وملت ترك ازشاهنشاه ایران میکنند ونطق مهم عصمت پاشا رئیس الوزراء درمجلس ترکیه خود بهترین گواه عرایضی است که سابقاً بعرض مجلس رسانیده ام .

جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل — : سرمقاله ۲۳ دی اطلاعات اختصاص باین موضوع داده شده و پیرامون لزوم تشکیل جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل بحث نموده ومینویسد : باآنکه ایران عضو جامعه ملل می باشد تا کنون تشکیل این جمعیت درایران عملی نشده وتوجهی باین موضوع مهم معطوف نمیکردید و حال آن که ایران باید در صف اتحادیه های ملل قرار گرفته ودر مجامع بین‌المللی شرکت جوید.

مقاله اطلاعات به خبری منتهی می‌شود که بشارت تشکیل هیئت مدیره جمعیت را میدهد ازاینقرار:

دیروز جلسه‌ای مرکب از یکعده رجال ومحترمین در منزل آقای فهیمی نمایندهٔ مجلس تشکیل گردید و در خصوص ریختن شالوده و اساس تشکیل جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل مذاکره شد واساسنامه جمعیت‌های دنیا قرائت گردید ودر نتیجه یك هیئت رئیسه موقتی بشرح زیر انتخاب گردید تاآئین نامه داخلی جمعیت را تنظیم وبتصویب برساند وبعد تشکیلات جمعیت رسماً داده شود: آقای حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری رئیس — آقای فهیم‌الملك وآقای علاء نایب رئیس — آقای لیقوانی نماینده مجلس و آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات منشی — آقای نیك‌پور نماینده مجلس خزانه دار . در جلسه بعد که رسمیت جلسه اعلام گردید آقای دکتر متین دفتری بسمت دبیر کل جمعیت انتخاب شد که بعدها بریاست انتخاب شدند وتا امروز عهده دار انجام کارهای جمعیت می باشند

پس از یك ماه و ۸ روز مسافرت : اعلیحضرت فقید ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ از پایتخت بعزم ترکیه خارج گردید وروز ۲۰ خرداد وارد خاك ترکیه شد و نزدیك یکماه در کشور ترکیه بسربرد ، برنامه مسافرت دوهفته بود ولی دعوت دوستانه رئیس جمهور ترکیه راشاه فقید پذیرفت .

بااینجهت روز ۱۵ تیر یعنی بعداز بیست و پنج روز اقامت درترکیه که بزرگترین احترامات و تجلیل را دولت و ملت ترکیه نسبت بشاه ایران رواداشتند بسرحد ایران واردشد وروز ۲۰ تیرماه یعنی پس‌ازیکماه و ۸ روز به پایتخت واردشد .

مردم ایران درهرشهر استقبال بزرگی ازاعلیحضرت فقید نمودند ودرشهر تهران جشن‌های مفصلی برقرار شد . چراغانی نموده بودند وقسمت‌زیاد خیابانها آئین‌بندی‌شده بودودوشب‌جشن وچراغانی وآتش‌بازی‌ومجالس‌جشن و سرور بمناسبت بازگشت شاه فقید برقرار بود.

سواد دستخط ملوکانه : آقای مدیر اطلاعات — سواد دستخط آفتاب نقط همایونی اروا حنا فداه که بعهدهٔ این جانب شرف صدور یافته است لفا برای درج در جریده و استحضار طبقات ملت ارسال می گردد .

فروغی

جناب اشرف رئیس الوزراء

از اینکه از زمان غیبت ماز مملکت عموم اهالی وطبقات ملت وظیفه شناسی شایانی ابراز و بتکالیف شخصی ونوعی خود قیام نموده ونیز در موقع مراجعت ما احساسات شاه پرستی صمیمی از خود ظاهر ساخته اند خاطرما قرین کمال مسرت گردیده شمارا مأمور می نمائیم که مراتب خرسندی خاطرمارا بعموم ابنای وطن ابلاغ و اعلام نمائید.

۲۲ تیرماه ۱۳۱۳ شاه

اطلاعات درسال نهم — تشویق عملی وحسن‌نیت خوانندگان و مشترکین محترم این نامهٔ ملی است که هیچگاه ودرهیچ موقع مؤسسه اطلاعات را درانجام وظایف ادبی واجتماعی وملی خودخسته نکرده وقفه‌ای در کار وسعی خود راه‌نداده‌اند، درحقیقت سرمشق کاروکوشش راآقای مسعودی مدیر اداره که این‌روزها درمسافرت ترکیه‌میباشند. بماداده‌اند بطوری که هرموقع که ایشان‌هم حضورنداشته باشند چرخهای این‌اداره‌بهمان نظم وترتیب زمان حضورخودشان گردش میکند. چنانکه دیده‌شد درموقعی که ایشان شش‌ماه باروپا رفتندیا بخوزستان درالتزام رکاب شاه‌سفر نموده ویابرای مشاهده وضع زلزله‌زدگان بخراسان رفتندیابرای دیدن اوضاع و احوال مملکت بولایات‌مسافرت‌میکنندوضعیت انتشارروزنامه منظم‌ومرتب‌میباشدو بعلاوه آقای‌مسعودی‌هم درمسافرت‌های خودراحت ننشسته وظیفه روزنامه نگاری را ازنظردورنمیدارند مقالات جذاب‌ایشان درمسافرت اروپاکه‌درشماره‌اول ۱۳۰۹ چاپ شده بهترین شاهد این‌مقال میباشد. همچنین درمسافرت‌های دیگرخود منظما خوانندگان محترم اطلاعات را ازمطالب مفید وجالب‌توجه که با کمال دقت ومطالعه‌وتعمق مینویسند بی نصیب نگذارده‌اند .

سپس سردبیرروزنامه مینویسد: شیوهٔ اداره‌اطلاعات‌وکارکنان آن تظاهر نبوده‌ونیست‌وهمیشه بجای‌حرف،عمل‌راشاهد انجام وظایف‌ادبی‌واجتماعی‌وملی‌خودقرار داده‌وامیدوارند که‌درسال نهم‌نیز بتوانند بیش‌ازپیش‌رضایت خاطرخوانندگان خود رافراهم‌آورند وپیوسته‌درپیشگاه‌خداووجدان ووطن وهموطنان عزیزخودمفتخر وسرافراز باشند .

عمارت جدید پست : پستخانه تهران دراول خیابان لاله‌زار درعمارت مرحوم امین‌الدوله بود و عمارت ازیك سالون بزرك وچنداطاق کوچك بود.

روز ۲مرداد ۱۳۱۳مراسم افتتاح عمارت جدید پست وگمرك درخیابان سپه انجام یافت مرحوم فروغی با قیچی مخصوص نوارسه رنگی که در طرفین گیشه پست آویخته شده بودقطع کرد و اولین کارت پستال که بگیشه تسلیم گردید کارت پستال مرحوم فروغی بود که همانجا بین مدعوین بیادگاراین جشن تقدیم شده بود وروی آن عکس عمارت پست باعبارت «یادگار گشایش تالار پست تهران ۵مرداد ۱۳۱۳» نوشته شده بود سایر مدعوین نیزکارت پستال این جشن‌را بآدرس دوستان خود بگیشه دادند.

اولین سنك بنای سربازخانه ازلی : شاه ایران ورئیس جمهور ترکیه مسافرت خود رادر داخل ترکیه شروع نمودند، مانورهای زمینی وهوائی ودریائی درحضور این دورئیس مملکت ایران وترکیه داده شد مصطفی کمال‌اتاتورك شاه ایران‌را بتمام اسرار ورموز جنگی ترکیه آشنا و آگاه ساخت، همه چیز را برادرانه باو و افسرانش نشان‌داده وپس ازچند روزگردش دورترکیه و دیدن قلاع و استحکامات داردانل‌باتجلیل واحترامات فراوان وارداسلامبول شدند و اعلیحضرت فقید در قصر دولمه باغچه که ازقصور سلاطین عثمانی کنار دریای بوسفور میباشد اقامت نمود . یك روزقبل از ورود باسلامبول در ازلی که شهری است واقع درپنجاه کیلومتری چناق‌قلعه مشرف برداردانل‌سنك اول بنای‌یك سربازخانه بدست شاه ایران گذارده شد اوراق کاغذی که امضای رضا شاه غازی مصطفی کمال آتاتورك و تاریخچه نصب سنك بنابود دربطری میرارداده شده بطری رازیرسنك بنا گذاردند وسنك بنارا شاه‌ایران نصب نمود و عصمت اینونــو باماله مقداری سمنت روی سنك ریخت و بساین‌ترتیب تشریفات انجام گردید .

ضیافت بافتخار روز نامه نگار ایران در اسلامبول : هنگام‌اقامت اعلیحضرت فقیددراسلامبول دوضیافت دراسلامبول بافتخارآقای مسعودی مدیراطلاعات درآنجاداده شد که یکی از جانب‌ایرانیان مقیم‌اسلامبول بریاست آقای‌حاجی‌رضا جوراپچی بود که درهتل «توکاتلیان» داده‌شد دراین مجلس اشکوه که روزنامه نویسها وخبرنگاران ترك‌شرکت‌داشتند وبوسیله خبرگذاری «آژانس آناطولی» جریان آن منعکس گردید آقای حسین‌دانش بااشاره بروابط فرهنگی‌وادبی ایران وترك لزوم همکاری مطبوعات‌دو کشور رامتذکر گردید وآقای مسعودی پس‌از تشکراز مهمان‌نوازی هائی‌که درترکیه شده‌وتقدیر ازایرانیان مقیم اسلامبول گفت که من تکلیف خودمیدانم همکاران مطبوعاتی‌خود وافکارعامه ایران‌را ازاحساسات برادرانه مطبوعات ترکیه آگاه سازم ضیافت دیگری که بافتخارمدیراطلاعات داده‌شد ازجانب اتحادیه مطبوعات‌اسلامبول درپارك‌هتل‌بود که دراین مهمانی علاوه برمدیران جراید خبرنگاران ترك‌عده‌ای ازرجال دولت ترکیه‌نیز حضورداشتندودرسرمیز شام نطقهای باحرارتی ازطرف مدیران جرایدترك وآقای مسعودی ایرادگردید مبنی برتحکیم وتشیید مودت و دوستی مفتی باینکه وظیفه مطبوعات دو کشوراست‌که شالودهٔ ریخته شده بدست‌دو قائد ایران وترك راحفظ ونگاهداری کنند و برای این منظور بایدبین مطبوعات ایران‌وترکیه تشریك‌مساعی خیلی نزدیك وصمیمانه‌ای برقرار باشد روزبعد روزنامه های ترکیه متن نطق‌هارا با مقالات واظهار نظر خود منتشر ساختند واز اعتقادات دولت ها که موجب بسط روابط فرهنگی و مطبوعاتی دو کشوراست اظهارمسرت نمودند .

ازجمله ناطقین محمد عاصم بیك نماینده آرتیون درمجلس‌ملی ترکیه وصاحب روزنامه وقت‌بود که‌طی‌نطق مفصلی گفت : ازمسافرت آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات بترکیه بسیارخوشنودیم و این‌مسافرت باید مبدء مابین جراید ترك وایران اساس نزدیکی کامل بوجودآید وحسن تفاهم برقرار گردد تاکنون منبع اخباریکه‌براید ترکیه راجع بایران بدست می‌آوردند خبرگزاریهای خارجی بود ولی باید این نقیصه رامرتفع کرد وما از همکار عزیزخود آقای مسعودی این توقع را داریم که‌موجباتی فراهم کنند تاجراید ترکیه وایران بیش‌ازپیش بایکدیگر تماس پیداکنند واخبار ایران بطور مستقیم بوسیله آژانس آناطولی بترکیه برسد و نیز تمناداریم درمراجعت خود احساسات عمیقه وپرازمحبت جراید ترکیه‌را نسبت‌بملت ومطبوعات ایران ابلاغ نماید

آقای مسعودی درجواب ازاحساسات‌شایان همکاران‌خود تشکر نمود و گفت «البته آقایان توجه‌دارند که مطبوعات در حفظ‌روابط برادری وصمیمیت وعلاقمندی‌موجود وتوسعه وتکمیل آن نقش مهمی‌دارند ومن امیدوارم در آینده این وظیفه را مطبوعات دو کشور طبق مصلحت دوملت ایران وترك بخوبی تشخیص داده وعمل نمایند و اینکه آقای محمدعاصم‌بیك‌اشاره بنقیصه‌ای که‌اکنون درروابط خبری بین دو کشوروجود دارد نمودند بایدعرض کنم که

موضوع تاسیس خبرگزاری ازدیر زمانی مورد توجه بوده وخود اینجانب قدمهائی دراین باره برداشته بودم وحالا امید میرود دولت ایران نسبت باین موضوع اقدام نماید و بتشکیل اداره خبرگزاری مبادرت گردد ودراینصورت ماخواهیم توانست اخبار کشور دوست وبرادر خود ترکیه رادر نزدیکترین فرصت بوسیله آژانس اناطولی وشما نیز اخبار ایران را بوسیله آژانس ایران بدست آورید که موجبات هم آهنگی و نزدیکی کامل برقرار گردد واطمینان دارم که مطبوعات ایران نیز احساسات شایان همکاران محترم ترك را حسن استقبال نموده وازایجاد روابط نزدیکتری با مطبوعات ترکیه مسرور خواهند شد.

***

پس از این مسافرت بود که شالوده تاسیس آژانس پارس بهمت آقای کاظمی وزیر خارجه ریخته شد و در آن وزارتخانه بریاست آقای فضل‌الله نبیلی دایر گردید و بلافاصله با آژانس آناطولی که نماینده آن اداره بتهران نیز آمد و مهمان آقای مسعودی بود ارتباط خبری گرفت و باین وسیله نظر مطبوعات ترك در برقراری ارتباط تلگرافی تامین گردید، و کشور ایران دارای سازمان مستقلی برای دادن و گرفتن اخبار جهان گردید وانتشار خبرهائی کسه سفارتخانها اغلب بنفع سیاست خود بجراید میدادند موقوف شد.

روز ۳۰ تیرماه ضیافتی نیز در کلوب ایران بافتخار آقای مسعودی ازجانب مطبوعات تهران برقرار گردید درطی این جلسه ایشان شرح مسافرت وخاطرات ولزوم همکاری مطبوعاتی را بانویسندگان ترك بیان داشتند ومرحوم مایل تویسرکانی مدیر روزنامه شفق سرخ ازطرف روزنامه نگاران خدمات وزحمات آقای مسعودی رادر راه توسعه وترقی و آبرومندی مطبوعات که نمونه عظمت ورشد ملت میباشد ستودند واحساسات همکاران مطبوعاتی ترك راتقدیر وقرار شد موجبات هم آهنگی ومبادله مطبوعات بین دو کشور برقرار گردد.

پس از هفت سال: روزنامه اطلاعات درشماره ٤ مهر ۳۱۳ تحت عنوان «پس از هفت سال» بمناسبت اینکه ایستگاه راه آهن تهران راشاه فقید افتتاح نموده است مینویسد که در همین مهرماه هفت سال پیش بود که کلنك اول ساختمان خط سراسری ایران زده شد. در آن روز هیچیك از مدعوین تصور نمیکردند این کار عملی شود. اینك نه فقط قسمتی ازمملکت ما درشمال و جنوب دارای راه آهن شده وعملیات ساختمانی در کوهستان‌های صعب پیشرفت دارد بلکه بایك مراجعه سطحی می‌بینیم که درطی همین مدت هفت سال اصلاحات و نقشه های ساختمانی بسیاری صورت حقیقت پیدا کرده است.

هفت سال پیش از این یك کارخانه صحیح ومنظمی بسیستم جدید باستثنای کارخانه پارچه بافی کازرونی اصفهان وکارخانه کبریت سازی تبریز و دوسه کارخانه کوچك دیگر در این مملکت وجود نداشت ولی حالا بفرمائید حساب کنید.

در صفائیه حضرت عبدالعظیم کارخانه سمنت سازی، در کهریزك و کرج کارخانه قندسازی، بیرون دروازه شمیران کارخانه قطران سازی، بیرون دروازه دوشان تپه کارخانه چرمسازی. کارخانه قند مازندران، کارخانه های نخریسی و قندسازی (کارخانه قندسازی مازندران چون محصول چغندر آن منطقه موادقندی نداشت بیکی از نقاط دیگر مملکت انتقال یافت) باز درمازندران حریربافی، چوب بری ودهها مؤسسات بزرك و کوچك جدید برای تهیه اسباب و ادوات راه آهن. در تبریز چندین کارخانه پارچه بافی و چرمسازی، درسمنان کارخانه نخریسی. در رشت کارخانه کیسه بافی درمشهد چرمسازی. دریزد و کرمان کارخانجات جدید ریسندگی و پارچه بافی. دراصفهان وشیراز کارخانجات ریسندگی وپارچه بافی و کبریت سازی. اینها غیر ازصدها کارخانجات کوچك وبزرك دیگری است که درقزوین وتهران و تبریز و اصفهان ومشهد وشیراز وخوزستان برای تهیهٔ صابون‌های مختلف، انواع مواد دهنی و عطریات واشیاء کوچك و صنایع مختلف ایجاد گردیده است که نمیتوان یك یك آنهارا شماره کرد.

اینها ثمره هفت سال کوششی است که در اثر تشویق و تائید دولت ازطرف مردم یادولت بوجود آمده است و بر این نقشه هفت ساله‌ای که اجرا شده اعزام محصل باروپا، تاسیس دانشگاه عالی و ایجاد مریضخانه های بزرك و تقویت بنیه اقتصادی ومالی و تاسیس بانك ملی وتاسیسات راه سازی وغیره را میتوان اضافه کرد که هفت سال پیش جزو خواب وخیال بود وهمه درسایه امنیت واطمینان مردم بکار وفعالیت بوجود آمده است.

اطلاعات در پایان مقاله علاوه میکند ماmحتاج بداشتن یك ایران نو، مملکت آباد، سرزمین امن، کشور آرام و بالاخره محیط رفاه و آسایش برای مردم هستیم که امیدواریم بتدریج بدان نائل شویم و مردم از ثمرات آن بهره‌مند گردند.

فوت مارشال هیندنبورگ : روز ۱۱ مرداد ۱۳۱۳ رئیس جمهور آلمان در قصر «نوک» دار فانی را وداع گفت. اطلاعات درسرمقاله خودنوشت: «هیندنبورگ ۸۷ سال ازعمرش میگذشت، مردی شریف وعزیزومحبوب ملت آلمان بودوملل عالم نیز بادیدهٔ احترام باومی نگریستند . این حس احترام و تکریم پاس خدماتی است که در مواردحساس ودرجنگ بین الملل اول هیندنبورگ بملت آلمان انجام داده وافتخارات ملی آن مملکت راتامین کرده است.»

ازخبرهای جالب توجه آن روزخبر زیر است :

ساعت ۹ و ۲۵ دقیقه صبح ناگهان کلیه رادیو های آلمان برو گرام خودرا تعطیل کرده ودکتر گوبلس وزیر تبلیغات آلمان ملت رااز واقعه تاثرآور فوت رئیس مملکت مستحضر نمود وپس از نیم ساعت سکوت دوباره گوبلس دوماده قانونی راکه پس از فوت هیندنبورگ ازطرف کابینه تصویب شده بوداطلاع عموم رسانید که بموجب آن تمام مشاغل ریاست مملکت بامشاغل صدر اعظم توام میگردد و بنابراین کلیه اختیارات رئیس مملکت آلمان بشخص آدولف هیتلر صدراعظم انتقال می یابد وروز ۱۹ اوت طبق خواست هیتلراز وزارت داخله تاییداین امر بافکار عموی مراجعه گردید وملت آلمان هم ریاست مملکت و صدارت اعظم هیتلر راتصویب نمود ولی او از ملت تقاضا کرد اورافقط پیشوای آلمان (فوهرر) خطاب نمایند .

سه ساعت بعدازنیمه شب ۲۰ اوت نتیجه مراجعه بافکار عمومی اعلام گردید و از ۴۳ میلیون نفر رای دهنده ۳۸ میلیون نفر موافقت خودرا باریاست جمهوری وصدارت اعظم هیتلر اظهار و اعلام داشتند .

دانشکده فنی درعمارت دارالفنون افتتاح یافت : روز سوم مهر ۱۳۱۳ مرحوم فروغی بدعوت آقای حکمت دانشکده فنی را افتتاح نمود وپس از نطق کفیل معارف آقای دکتر محمود حسابی کفیل دانشکده گزارش جامعی قرائت نمود وبعدآقای منصور وزیرطرق گفت مملکت احتیاج بمتخصصین فنی ومهندسین دارد تا مارا بی نیاز ازاستخدام خارجی ها برای کارهای عمرانی وساختمانی که دردست داریم بنمایند .

البته وزارت طرق درچندسال اخیر یکصدوشصت محصل باروپا فرستاده که ۶۰ تا ۷۰ نفرآنها مراجعت کرده ومشغول کارشده اند ولی هر گز این عده برای احتیاجات مملکت وکارهائی که شروع گردیده کافی نیست

کنگره مستشرقین درتهران : بمناسبت هزارمین سال ولادت حکیم منصور ابوالقاسم فردوسی طوسی ازتمام مستشرقین جهان دعوت شده بود که درجشن هزارساله فردوسی شرکت کنند وبمناسبت این جشن آرامگاه باشکوه ومحللی که درخورمقام این شاعر عالیقدر ایران است درطوس بنا گردید .

بعضی ازکشورهای همجوار مثل ترکیه واتحاد جماهیر شوروی علاوه براعزام مستشرقین، بتشکیل جشن هزارمین سال فردوسی درمسکو ولنین گراد نیز اقدام نموده ونمایندگانی ازایران نیز باین جشنها رفتند ودر بسیاری از پایتختهای مهم جهان هم این مراسم برگذار گردید وانجمن آثار ملی بریاست مرحوم فروغی و مشارکت آقای علاء ومرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ اهتمام شایانی دراین باره مبذول داشتند .

روزنامه اطلاعات درمورد جشن هزارسالهٔ فردوسی مقالات بسیار نوشت واین کتاب بسیار راستود ازجمله درشماره ۱۱ مهر ۱۳۱۳ بمناسبت ورود چندتن ازمستشرقین فرانسوی ، آلمانی، روسی، ژاپونی، عراقی، مصری، چکواسلواکی، ترک ، انگلیسی ، دانمارکی وغیره نوشت :

مملکت باستانی ایران روز گاری درازمهد تمدن بود ، سرزمین ایران همواره درهر عصر و زمانی دانش پرور ، شاعرخیز وملت ایران همیشه ودرهرعهد ودوره ای دانش دوست وادب پرست بود وامروز خوشحالیم که اساتید بزرگ وپرفسورهای عالیقدرمستشرق دول را درپایتخت مملکت می بینیم که باعلاقه شایانی برای شرکت درجشن هزارمین سال شاعر شهیر ایران جمع شده اند .

اولین جلسه کنگره مستشرقین روزدوازدهم مهر ماه ۳۱۳ بوسیله مرحوم فروغی رئیس الوزراء در تالار دارالفنون افتتاح یافت. علاوه برمستشرقین ازملل مختلف عالم که عده زیادی بودند، نمایندگان خارجی و عده فرهنگیان واساتید نیزدراین مراسم شرکت کرده بودند.

مرحوم فروغی گفت آقایان مستشرقین محترم که از راههای دور رنج سفر را برخود هموار کرده اید برما منت نداشتید امادراین اقدام حق داشتید زیرا که فردوسی اگرچه متعلق بملت ایرانیست است روحا فرزند انسانیت است بلکه اگر اجازه بدهید عرض میکنم یکی از پدران انسانیت است واز اینکه در قبول این زحمت فی الواقع دعوت فردوسی را اجابت فرموده اید وچون دعوت کننده فردوسی بوده میتوان گفت بمنزل نبود درسفر روحانی .

پس ازانجام تشریفات مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری بسمت ریاست وپرفسور کریستنسن دانمارکی

وپرفسورسار آلمانی به نیابت ریاست وپرفسورهانری ماسه فرانسوی و آقای عبدالوهاب عزام مصری بسمت منشی گری و آقای دکتر صدیق بریاست دارالانشاء کنگره انتخاب شدند و جلسات کنگره ازهمان روز تشکیل گردید.

درجلسه اول تلگراف مولوتف رئیس شورای کمیساریا های شوروی و کفیل کمیساریای خارجه شوروی، وزیر خارجه انگلستان وسایر تلگرافاتی که ازرجال وانجمن های فرهنگی وادبی وروٌسای کشورها در زمینه تبریک بمناسبت عید رسمی جشن هزارساله شاعرملی ایران مخابرشده بود قرائت و جواب های لازم که از طرف رئیس الوزراء ووزیرخارجه وخود کنگره صادر گردید نیزخوانده شد.

درجلسه بعد سردینس راس مستشرق معروف انگلیسی و رئیس مدرسه السنه شرقیه لندن باطلاع کنگره رسانید که درلندن نیز برای تجلیل ازمقام شامخ شاعر بزرك ملی ایران جشن هائی منعقد خواهد گردید و پروگرام آن را خواند و هریك ازمستشرقین خطابه های جالب توجهی ایراد نمودند واین کنگره ومراسم، اهمیت جهانی یافت وجریان آن بتمام دنیا مخابره میشد.

جشن هزارساله فردوسی درمشهد: پس ازهشت روز اقامت مستشرقین وعلمای جهان درتهران وانعقاد جلسات کنگره مستشرقین و پذیرائی ها ومهمانی هائی که از آنان بعمل آمد مستشرقین تحت پروگرام و تشریفاتی که قبلا تنظیم شده بود بمشهد عزیمت نمودند تادرجشن هزارمین سال فردوسی که درمشهد برپامیگردید شرکت جویند. مرحوم فروغی رئیس الوزرا وبعضی از وزیران نیزحرکت کردند روز بیستم مهر ۳۱۳ مستشرقین وارد مشهد شدند ودر مهمانخانه ومنازلی که برای اقامت آن ها ترتیب داده شده بود اقامت نمودند ودر مراسم جشنهائی که برپاشده بود شرکت جستند و پذیرائی شایانی از آنها بعمل آمد. آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیزدرمراسم جشن وتشکیل جلسات کنگره و آئین افتتاح آرامگاه شرکت داشت وهمه جا بامهمانان ارجمند ایران بود.

مراسم افتتاح آرامگاه فردوسی: تلگراف زیرروز ۲۱ مهر ۳۱۳ بامضای آقای مسعودی درخصوص جریان افتتاح آرامگاه بچاپ رسیده است:

تهران — اطلاعات: الساعه که ساعت ۵ بعدازظهر جمعه ۲۰ مهراست مراسم جشن افتتاح آرامگاه فردوسی با جلال و شکوه کامل خاتمه پذیرفت واین تلگراف را ازهمین جا ازگیشه پست وتلگراف که درمحل آرامگاه فقط برای جشن امروزدایر گردیده است وتمبر مخصوص جشن هزار ساله طبع ومخصوص همین روز توزیع میگردد تقدیم میدارم. سرزمین طوس امروز بهترین وبا افتخارترین ساعات رابخود دید. آرامگاه باعظمت فردوسی بارتفاع ۱۸ متردر ۴۰ متر مربع زمین ازسنگهای ذی قیمت مرمر صیقلی شده معدن خلج بالارفته وبسیارجالب توجه میباشد.

ساعت چهار بعدازظهر بود که مستشرقین ودانشمندان خارجی وسایر مدعوین داخلی وخارجی همه بالباسهای تمام رسمی آرامگاه راحلقه وار درآغوش گرفته ودرهمین موقع اعلیحضرت همایونی پس ازچند دقیقه استراحت بمحوطه آرامگاه وارددر مقابل صف مستشرقین قرارگرفته ونسبت بهریك ابراز تفقد فرموده دست دادند واز شرکت آنهادر جشن ابراز مسرت نموده واغلب دانشمندان ومستشرقین طرف صحبت قرارگرفتند وبعد اعلیحضرت ازپله های آرامگاه بالارفته پشت میزخطابه نطق افتتاحیه راایراد نمودند.

شاه فقید درباره حکیم ابوالقاسم فردوسی چه گفت: متن خطابه ازاینقرار بود: «بسیار مسروریم ازاینکه بواسطه پیش آمد جشن هزارساله فردوسی موفق میشویم که وسایل انجام یکی ازآرزوهای دیرین ملی ایران را فراهم آوریم وباایجاد این بنا درجه قدردانی خودوحق شناسی ملت ایران را ابراز نمائیم. رنجی را که فردوسی طوسی دراحیای زبان وتاریخ این مملکت برده است ملت ایران همواره منظور داشته واز اینکه حق آن مرد بدرستی ادانشده بودتاسف وملول بوده است. اگر چه ایرانیان باعلاقه ای که به مصنف شاهنامه دارند قلوب خودرا آرامگاه او ساخته اند ولکن لازم بوداقدامی بعمل آید وبنائی آراسته گردد که بصورت ظاهر هم نماینده حق شناسی عموم این ملت باشد بهمین نظر بود که امردادیم دراحداث این یادگار تاریخی بذل مساعی بعمل آید. صاحب شاهنامه بافراشتن کاخی بلند که ازبادوباران حوادث گزند نمی یابد نام خودرا جاویدان ساخته وازاین مراسم وآثار بی نیاز میباشد ولکن قدردانی ازخدمت گذاران وظیفه اخلاقی ملت است وازادای حق نباید فروگذار نمود مسرت وخرسندی خاطرمابدرجه کمال رسید ازاینکه مشاهده کردیم جماعتی از دانشمندان که دوستان ما ودوستان صنایع وادبیات ماهستند ازاکناف جهان وراههای دور به آرامگاه حکیم سخن پرداز ما شتافته ودر اظهار شادمانی و قدردانی باماهمقدم شده اند باابراز خشنودی وخرسندی ازاین احساسات محبت آمیز حضاررا باجرای مراسم افتتاح دعوت می نمائیم».

آثار صنعتی داخل آرامگاه و دفتر یادگار : مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ سیتی ساخته شده از سنگ مرمر را که در آن قیچی طلا گذارده شده بود پیش آورد و شاه فقید نوار سه رنگی که جلوی قسمت ورودی داخل آرامگاه بسته شده بود پاره کرد و از پله ها بالا رفت و سایر مهمانان نیز داخل آرامگاه شدند و آثار زیبای صنعتی و کتیبه های شایان توجه و اشعاری که از فردوسی روی مرمر حک شده بود دیدن نمودند سپس اعلیحضرت فقید دفتر یادگار آرامگاه را امضاء کرد و بعد سایرین خاطرات خود را نوشته و مراسم جشن افتتاح آرامگاه پایان یافت .

چند روز بعد یکی از بهترین خیابان های تهران که بنام علاءالدوله نامیده میشد بمناسبت هزارمین سال تولد فردوسی بنام خیابان فردوسی اسم گذاری شد .

بیمارستان شاه رضا : روزنامه اطلاعات درباب این بیمارستان مقالات مفصلی انتشار داده از مساعی آقای طاهرزاده بهزاد که نقشه این بنای معظم را کشیده اند تقدیر نموده و خصوصیات و جزئیات ساختمان بیمارستان شاه رضا را که از موسسات صحی مفید مشهد میباشد در شماره های متعدد با عکس ها از مناظر زیبای بیمارستان که با سلوب شرقی بنا گردیده شرح داده است .

شاه فقید هنگام اقامت در مشهد این بیمارستان را که بدستور او و با مساعی مرحوم اسدی نایب التولیه آستانه ساخته شده بود بازدید و اظهار مسرت نمود

نمایشگاه محصولات و مصنوعات خراسان: اطلاعات در سرمقاله دوم آبان ۱۳۱۳ می نویسد چقدر جای خوشوقتی است که ایالات مهم ایران درمقام نشان دادن محصول و مصنوع خود بوسیله تاسیس نمایشگاه برآمده اند البته شك نیست که ایجاد این نمایشگاهها که تاثیر بسزائی در پیشرفت صنعت و فلاحت دارد در نتیجه تشویق اعلیحضرت است ولی مردم ایران نیز استعداد و توانائی خود و شوق و ذوق ترقی و تعالی وطن عزیز را ابراز و از این گونه کارهای مفید استقبال می نمایند در نمایشگاه هنر و صنعت و محصول خراسان که مقارن ورود اعلیحضرت دایر شد همه قسم صنایع دستی و ماشینی ، قالی های نفیس ، محصول و موادی که در شهرهای خراسان عمل می آید بمعرض نمایش گذارده شده بود. روزی که شاه فقید این نمایشگاه را افتتاح کرد با مسرت بسیار گفت « آقایان این نظر را نداشته باشند که چند روزی نمایشگاه را نگاهدارند بعد منحل سازند بلکه هرسال دایر کنند و مدتی ادامه بدهند تا موجبات توسعه و ترویج محصول و مصنوعاتشان فراهم شود و این نمایشگاهها بهترین وسیله معرفی و ترویج امتعه داخلی کشور است »

ولیعهد سوئد با خانم و دختر و پسرش بایران آمدند : اطلاعات روز ۱۹ آبان زیر عکس چهار نفر مهمانان ارجمند خانواده سلطنتی سوئد نوشت ورود والاحضرت پرنس گوستاو آدولف ولیعهد سوئد و شاهزاده خانم ایشان و پرنسس اینگرید و پرنس برتیل فرزندان ایشان را بسرزمین باستانی ایران که روزگاری دراز مهد تمدن جهان بوده است تبریك و تهنیت میگوئیم .

والاحضرت گوستاو آدولف عشق و علاقه ای بآثار تاریخی و دیدن حفاریها و کشفیات قدیم دارند و خوشبختانه درهر گوشه ای از مملکت عزیز ما سرگذشت مفصلی از عظمت تمدن دیرین نهفته است و ایشان قطعا از دیدن آثار شوش و تخت جمشید و حفاری های نقاط مختلف ایران خوشوقت خواهند شد .

ولیعهد سوئد با تشریفات رسمی وارد تهران شد و میهمان اعلیحضرت فقید بود و باخانواده خود چندی در ایران بگردش و سیاحت و تماشای آثار تاریخی و حفریات ایران پرداخت و سپس بمازندران رفت و چند روز در مهمانخانه رامسر اقامت گزید و این نقطه زیبای مازندران را یکی از نقاط مستعد طبیعی خوب دنیا دانست .

نمایشگاه امتعه وطن: اولین دفعه که نمایشگاه امتعه وطن بدستور رضاشاه فقید در تهران تشکیل گردید در آبان سال ۱۳۱۳ بود و از آن سال بعد مرتبا هرسال این نمایشگاه را دایر می نمود و شرکت کنندگان و صنعتگران و بازرگانان و صاحبان کارخانجات را تشویق و تایید میکرد و بهمین جهت نمایشگاه هرسال نسبت بسال پیش جامعتر و کاملتر میگردید .

چندسال قبل از آن نمایشگاه بزرگی در تکیه دولت از امتعه و مصنوعات ایران تشکیل گردید که بجا جالب توجه واقع شد ولی تعقیب نگردید تا در سال مزبور که اداره کل تجارت و اطاق تجارت تهران پیشقدم شده و صاحبان صنایع و حرف و بازرگانان را دعوت بتشکیل عرضه های از محصول و مصنوعات خود نمودند و نمایشگاه انجام یافت و خیلی مورد توجه عمومی قرار گرفت مخصوص برای خارجیان فوق العاده مهم بود و هر مسافر تازه واردی

ازروی صنایع ومحصولات بایران بیشتر آشنا میساخت وبدان اهمیت میدادند وباعث ترویج امتعهٔ داخلی وبهبود وترقی صادرات میگردید.

ایران بجای «پرس»: دردیماه ۳۱۳ متحدالمآلی ازطرف وزارت خارجه بکلیه سفارتخانهای ایران درخارجه وسفارتخانهای خارجی درایران صادر گردید مبنی براینکه «چون مملکت ماباسم ایران خوانده میشود و سکنه آن ایرانی هستند علتی ندارد که درترجمه بغالب السنه اروپائی ایران را «پرس» وایرانی را «پرسان» بخوانند و حال آنکه پرس یا پارس یك قسمت ازمملکت ایران است

ضمن متحدالمآل تقاضاشده بود که ازاول فروردین ۳۱۴ درکلیه مکاتبات این موضوع را معمول دارند و ایران را دیگر پرس نگویند.

***

با اینکه چندسال است ازتاریخ صدور این دستور می گذرد و تغییرنام مزبور عملی گردیده معهذا هنوز هم در خیلی ازکشورها ایران را باعراق اشتباه میکنند و پرس را همچنان از روی قالی میشناسند ومی گویند قالی پرسان معهذا این تغییرنام در خیلی ازکشور های جهان شناخته شده است که دیگر نمیتوان بصورت اول برگشت بلکه باید مامورین ایران در خارجه سعی کنند ایران را بجهانیان بشناسانند.

نصب سنگ اول بنای دانشگاه: روزدوشنبه پانزدهم بهمن ۳۱۳ سنگ اول بنای دانشگاه بدست اعلیحضرت فقید در اراضی جلالیه نصب گردید.

برروی لوحه ای ازنقره که شاه فقید آنرا بعمق یك متر ونیم زیر زمین درداخل جعبه ای از سنگ گذاردند و روی آن بنام دانشگاه شروع گردید عبارات زیر نوشته شده بود:

«هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضا شاه پهلوی سر دودمان پهلوی ساختمان دانشگاه تهران بفرمان او آغاز و این نبشته که بیادگار در دل سنگ جای گرفته بزمین سپرده شد ۰ بهمن ماه سال هزار و سیصد و سیزده خورشیدی»

شاه در گودال داخل شد و آقای حکمت کفیل وزارت معارف لوح فلزی را بایشان داد که درجای خود گذارد و در این موقع شاه چنین گفت «ایجاد دانشگاه کاری است که ملت ایران بایستی خیلی قبل ازاین شروع کرده باشد حال که شروع شده است باید جدیت شود که زودتر انجام گیرد.»

آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت که جزو مدعوین بودند پیش آمده و گفت:

«چندسال قبل ذات مقدس شاهانه کلنگی برزمین زدند که اوضاع جسمی مردم این مرز و بوم را اصلاح نماید (اشاره باولین کلنگ انشاء راه آهن) وامروز بینای موسسه ای شروع میفرمایند که عقل و روح مردم این مملکت را اصلاح می نماید».

افتتاح مریضخانه فیروز آبادی: روزدوشنبه ۲۵ اسفند ۳۱۳ مراسم افتتاح بیمارستان فیروزآبادی درحضرت عبدالعظیم درحضور آقای رئیس الوزراء وعده ای از وزیران ورجال ومحترمین و نمایندگان مجلس بعمل آمد ـ روزنامه اطلاعات که ازبدو شروع بساختمان مریضخانه پیوسته افکار و نظریات خیر خواهانه آقای فیروزآبادی را تقدیر و تایید می نمود وقدم بقدم بااین مؤسسه مفید همکاری می نمود ومردم خیر خواه را بکمك دعوت می نمود وقسمت مهمی ازوجوه اعانات را خیرخواهان بوسیله روزنامه اطلاعات ارسال داشتند هنگام افتتاح مریضخانه طی سرمقاله خود نوشت :

آقای فیروزآبادی که باعشق وعلاقهٔ مخصوص همت بتاسیس وساختمان این بیمارستان نمودند وا کنون که ساختمان آن پایان یافته ثمر همت خیر خواهانه خودرا در ذائقه روح خویش می چشند و بیش از پیش لذت کار خیر را درك می کنند .

ماتوجه عموم خیرخواهان را بکمك باین مؤسسه خیریه جلب می نمائیم. اینراه برای همه بازاست، هرکس می تواند ازاین راه توشهٔ خیری برای فردای خود ذخیره کند البته نباید ازنظر دورداشت که دولت کمك خودرا کرده و بزرگترین یاری ومساعدتی که دراین قسمت انجام داده همانا دایر نگاهداشتن این بیمارستان وتعیین اعتبار پرسنلی ومخارج طبیب وجراح ودوا وغذا برای بیماران این مؤسسه است که تمام رادولت بعهده گرفته ولی درهرحال آقای فیروزآبادی آنی راحت نمی نشینند و پیوسته درتوسعه مریضخانه کوشش می کنند و پیشقدم این کاربزرك خیری باشد اکنون نوبت سایراشخاص نیکوکار است که همت بتوسعه تشکیلات این بیمارستان نمایند و یادگار خوبی از خود باقی گذارند.

گشایش تالار تشریح : تا قبل از ۱۵ بهمن ۳۱۳ که شاه فقید تالار تشریح را افتتاح نمود محصلین طب وسایل تشریح نداشتند و این نقص بزرگ وجود داشت تا مقدمات کار فراهم و روز مزبور تالار مزبور مورد بازدید شاه فقید قرار گرفت و از آن پس رسما محصلین دانشکده طب تحت تعلیم استادان خود بتشریح پرداختند و دروس خود را توأم با عمل فرا گرفتند.

نمایندگی تهران در دهمین دوره تقنینیه: انتخابات تهران برای دوره دهم مجلس نیمه اسفند ۳۱۳ خاتمه یافت و از این دوره بود که آقای مسعودی مدیر اطلاعات درردیف نمایندگان تهران قرار گرفت و از آن ببعد مرتبا بنمایندگی از تهران انتخاب گردیده است.

صحیح است که انتخابات مجلس شورایملی در دورهٔ اعلیحضرت فقید وضع خاصی داشت و طبق صورت انجام میگرفت ولی مدیر اطلاعات در نتیجه زحمات خستگی ناپذیر خود در راه نامه نگاری مورد توجه عامه قرار گرفته بود که اگر همان موقع انتخابات با کمال آزادی انجام میگرفت او شانس موفقیت را داشت چنانچه پس از سه دوره دیگر که انتخابات بهمین کیفیت انجام گرفت و وقتی اوضاع تغییر کرد و رضاشاه از کشور خارج شد و اصول امروزی جانشین وضع سابق گردید، در دوره چهاردهم مجلس نیز که فعالیت شدیدی از جانب کلیه دستجات در تهران حکمفرما بود و مبارزه انتخاباتی وضع خونین و خطرناک بخود گرفته بود و تشنج شدیدی برعلیه دستگاه سابق وجود داشت معهذا آقای مسعودی بسمت نمایندگی مجلس انتخاب گردید و شاید تنها کسی بود که از بین دوازده نفر وکلای دوره رضاشاه با مبارزه شدید انتخاباتی بنمایندگی اهالی تهران وارد مجلس شد و این خود بهترین دلیل توجه عامه بروزنامه اطلاعات و چگونگی روش مدیر اطلاعات در نامه نگاری بود که ملت ایران رویهٔ اطلاعات را می پسندند و سلامت نفس و متانت و وطن پرستی و ملتخواهی مدیر و کارکنان اطلاعات را طی زمان دراز واقف شده و بدان توجه و عنایت دارند در دوره شانزدهم نه مدیر اطلاعات نامزد نمایندگی سنا گردید و انتخابات مزبور بوسیلهٔ رأی مردم باسواد صورت میگرفت و انتخابات در محیط بسیار آرام و طبیعی انجام پذیرفت باز مسعودی مدیر اطلاعات با آراء قابل توجهی در ردیف اول نمایندگان منتخبه سنا از تهران انتخاب گردید.

در دوره دهم تقنینیه علاوه بر مدیر اطلاعات چندتن از روزنامه نگاران دیگر نمایندگی مجلس در آن دوره یا دوره های بعد انتخاب شدند و یا سابقا نمایندگی مجلس را دارا بودند از جمله آقایان صفوی مدیر کوشش، مید موقر مدیر ایران، طباطبائی مدیر تجدد ایران، اعتصام زاده مدیر ستاره جهان و پیش از آن آقایان رهنما و دشتی هم سمت نمایندگی داشتند.

کاروان پیشاهنگی ایرانیان مقیم عراق : اوایل فروردین ۱۳۱٤ محصلین پیشاهنگ ایرانی مقیم عراق بتهران آمدند و نمایشات ورزشی جالب توجهی دادند و در موسسات فرهنگی و ورزشی و پیشاهنگی تهران از آنها پذیرائی شد و این مسافرت و تشویق هائی که از آنها شد تاثیرات شایانی در روحیه جوانان ایرانی مقیم عراق باقی گذاشت که اگر این مراودات و ارتباط ها ادامه پیدا میکرد بسیار مفید و موثر بود.

یک هیئت اقتصادی بروسیه رفتند : دولت شوروی از دولت ایران دعوت نمود که هیئتی برای مطالعه در امور صنعتی و فلاحتی و تجارتی بروسیه شوروی بروند. این دعوت قبول شد و بریاست آقای مظفر اعلم رئیس اداره کل تجارت هیئتی بشرح زیر انتخاب و عزیمت نمودند:

مصطفی قلی بیات رئیس کل فلاحت، سرتیپ فضل‌الله زاهدی علی وکیلی، محمود فاتح، سرهنگ کریم قوانلو، سرهنگ ابوطالب دکتر شیخ، یاور محمود سرتیپی، هادی سپانلو، عباس ورنوسی، باقر فکرت، دکتر حامدی، مهندس علیقلی سپاهی.

از طرف روزنامه اطلاعات هم یکنفر خبرنگار (آقای خلیل غفیری) باتفاق هیئت مزبور اعزام گردید و این هیئت مدت چهار هفته میهمان دولت شوروی بودند و قسمت های زیادی از آن کشور را بازدید نمودند.

در مراجعت آقای اعلم طی اعلامیه ایکه انتشار داد از مهمان نوازی دولت شوروی تشکر نمود و گفت علاوه بر مطالعاتیکه در رشته های مختلف بعمل آمد در خصوص روابط تجارتی مملکتین براصل توازن مذاکره شد و امیدواری حاصل است که این تبادل نظر موجب تحکیم و توسعه روابط تجارتی گردد.

افتتاح دوره دهم تقنینیه: دوره نهم مجلس روز ۲۴ فروردین ۳۱۴ خاتمه یافت و دوره دهم روز ۱۵ خرداد ۳۱۴ گشایش یافت. شاه فقید در نطق افتتاحیه خود پس از اشاره بروابط ایران با همسایگان وکلیه دول خارجه برای اصلاحات داخلی گفت: « این ملت در ایام گذشته بقدری گرفتار غفلت بوده وعقب مانده وفقر و احتیاج چنان برما مستولی شده بود که هرقدر تلاش می‌کنیم وهرچه پیش میرویم بنقص امور و شدت احتیاج خودمان بیشتر برمیخوریم و روز بروز محسوس‌تر میشود که برای نزدیک شدن بمقصد یگانه وسیله اینست که در سعی وعمل بیش از پیش جد وجهد کنیم. بنابر این بهیئت دولت دستور داده‌ام که در این‌دوره برای پیشرو گرامی که بمجلس شورایملی باید پیشنهاد شود فصول ومواد قائل نشوند وکاررا پروگرام خود قرار دهند و در عین حال عموم ابنای ملت وکلیه افراد اهل این کشور نیز باید دست بدست هم داده متفقاً بکوشند تابنتیجه برسند»

رئیس مجلس شوری تغییر کرد: دراولین جلسه دوره دهم پس‌ازانجام مراسم افتتاح انتخاب هیئت رئیسه انجام یافت ومرحوم حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری بریاست ومرحوم دادور(وثوق‌السلطنه)وآقای دکترطاهری بنیابت ریاست انتخاب‌شدند.

آقای دادگر که ازتهران بنمایندگی دوره دهم انتخاب شده بودند وچند دوره سمت ریاست مجلس را داشتند پس‌ازپایان دوره نهم مورد بیمهری شاه فقیدقرارگرفت وتحصیل اجازه نمود که اجازه‌داده شودکه به اروپا مسافرت نمایند، درحقیقت مسافرت ایشان بصورت تبعید انجام گرفت وبهمین‌جهت باکمال سرعت در فاصله نزدیکی آقای دادگر ببندرپهلوی‌حرکت‌نمود وباکشتی‌بباکووازآنجاعازم‌پاریس گردید و تاچندسال پیش‌دراروپا بسر می‌بردند.

مقارن همین احوال بود که آقای رهنما نماینده مجلس شورای ملی ومدیر روزنامه ایران نیز مورد بیمهری‌شاه فقیدواقع‌شد ومحبوس‌گردید وبراثر تقاضای آقایان علماء نجف موافقت‌شد که مسافرتی بخارج بنماید وایشان ابتدا بعراق وسپس ببیروت حرکت کردند و تابعد از واقعه شهریور ۲۰ درخارج ازکشور بسرمیبردند امتیازروزنامه ایران پس‌ازمسافرت‌اجباری آقای‌رهنماباقای مجیدموقر انتقال‌یافت، آقای‌رهنما ازحضرت‌عبدالعظیم سمت نمایندگی‌مجلس‌را داشتند که بعدازایشان‌آقای‌دکترموسی‌جوان انتخاب‌گردید.

آقای دشتی نماینده مجلس شورایملی نیز در همین اوقات گرفتار شد و در محبس شهربانی و گاهی در منزل تحت نظر بسر می‌برد ولی پس از چندی بار دیگر مورد مهر شاه فقید قرار گرفت و دو باره بنمایندگی مجلس شورایملی‌انتخاب‌گردید.

کلاه یك لبه تمام لبه شد: تاتاریخ خرداد ۳۱۴ کلاه یك لبه که بنام کلاه پهلوی نامیده‌میشد در تمام‌کشورمتداول‌گردید، فرقی‌که کلاه مزبورباکلاه قدیم ایران داشت این بودکه جلوی‌آن برای جلوگیری از آفتاب لبه‌ای داشت.

این کلاه را درمجالس ومحافل رسمی سرمیگذاشتند وبرخلاف امروز که برداشتن کلاه شرط ادب واحترام است معمول نبود کلاه را بردارند چنانچه درشرفیابی‌های حضور شاه هم‌کلاه برسر میگذاشتند. کم‌کم‌این‌رویه‌تغییر کرد و قرار شد کلاه لبه‌داررا درمجالس‌ومحافل‌ازسر بردارند وبعد ازآنکه‌شاه فقید ازمسافرت‌ترکیه بازگشت فکر تغییرکلاه دراوقوت‌گرفت واین‌تغییررا تشویق می‌نمود ومعتقد بودکه اختلاف ظاهری ایرانی‌ها با اروپائی ها برداشته شود

معتقد باید ایرانیها خود را با خارجیها یکسان بدانند ودرترقی وپیشرفت تشویق وتایید شوندوبدانند تفاوتی ازلحاظ روح وجسم واستعداد جزدمن کلاه درظاهر درمن نیست وباید این تفاوت را بردارند و عملاکار کنند تاخود را بآنها برسانند ابتدا کلاه عمای تمام لبه که بعنوان حفاظت سروکردن ازگرما وسرما پیدا کرد بین عملجات وکارگران ودهاقین رواج گرفت که درآفتاب کارمیکردند ولی‌چیزی نگذشت که ابتدا آقای رئیس‌الوزراء ووزراء وبعدمعاونین‌وزراوو وکلای‌مجلس ورؤسای‌ادارات‌کلاه جدید را سرگذاشتند وکم‌کم‌بین سایر طبقات رایج گردید وبرای این‌کار مجالس جشن وسخن‌رانی نیز تشکیل‌میشد عاده ای روداستقبال نمودند وعده‌ای دیرتروبالاخره در بسیاری موارد الزام واجبار هم وجود داشت.

معرفی دولت بمجلس جدید: روز ۲۷ خرداد ۳۱۴ که مجلس دهم آمادگی خودرا برای کار اعلام داشت مرحوم فروغی باتفاق وزیران خود درمجلس حاضر وگفت «اراده مقدس اعلیحضرت همایونی بر اینست که هیئت دولتی که مشغول خدمتگزاری بوده‌اند بازهم برقرار باشند وبنده رامفتخر فرموده ومأموریت داده‌اند که هیات دولت رابمجلس شورای ملی معرفی کنم بنابراین آقای جم وزیر داخله وآقای داوروزیرمالیه آقای منصوروزیر طرق. آقای کاظمی وزیرخارجه آقای صدروزیرعدلیه. آقای نظام‌الدین حکمت وزیر پست، آقای حکمت وزیرمعارف آقای امیرلشکر محمد نخجوان (امیرموثق) کفالت وزارت جنگ. آقای مظفراعلم رئیس کل تجارت: آقای مصطفی‌قلی بیات رئیس کل فلاحت. آقای امین رئیس کل صناعت معرفی میشوند پروگرام دولت هم چون تغییر نکرده است و دنباله اصلاحات وعمران مملکت بخصوص کارهای ساختمانی تعقیب میشود وامیدواریم قبل از انقضای دوره دهم مجلس راه آهن شمال بتهران برسد علاوه توسعه معارف وتاسیس مدارس ازابتدائی ومتوسطه وعالی وساختمانهای لازم برای دبستانها اقدامات برای تامین صحت وسلامت مردم وتکمیل موسسات عدلیه وبهبود امور اقتصاد مورد توجه دولت میباشد» درپایان نطق مفصل خود گفت آقایان میدانند که پادشاه ماامروز عیش ونوش وتفنن وتفریح همه چیزرا برخود حرام کرده وغیرازکار ومراقبت کردن درامور مملکت کاری ندارد واین را باید قدردانست

دستور مجالس سوگواری: درآخر خرداد ۳۱۴ ازطرف مرحوم فروغی رئیس‌الوزراء دستور داده شد که چون مجالس ترحیم نظم وترتیب وساعات معین نداشته واغلب مایهٔ تضییع اوقات وهم برخلاف اصول حفظ‌الصحه وبرای صاحبان عزا نیز ساعات نامحدود مشکلاتی در بردارد لهذا برای تسهیل امر واصلاح وضع کنونی مقرر می گردد که ازطرف بلدیه درچند ناحیه شهرمساجدی برای مجالس ترحیم درنظر گرفته شود که بالنسبه بزرگ وجامع ودردسترس عموم باشد، بعلاوه مقداری نیمکت ومیزبرای نشستن واردین گذاشته شود تاازاین ببعد جالسین روی زمین ننشینند - یک میزبزرگ که روپوش سیاه داشته باشد درمحل مناسب برای گذاشتن جزوات کلام‌الله مجید گذاشته شود. قراء هم باید درجلوی همین میز قرار گرفته بتلاوت قرآن مجید مشغول شوند. گذاشتن گلدان وتنگ که چیززایدی است برروی میزیاروی زمین موقوف گردد ومجلس ترحیم بیش ازیک روز نباید باشد و مدت انعقاد مجلس چه قبل‌ازظهر وچه بعد ازظهر بیش‌ازدوساعت نباید باشد. صرف چای وقهوه وقلیان وسیگار درمجالس ترحیم باید متروک شود.

اطلاعات در هشت صفحه: روز اول تیرماه ۱۳۱۴ دوصفحه بصفحات روزنامه افزوده شد وآقای مسعودی بمناسبت آغاز دهمین سال خدمتگزاری اطلاعات درسرمقاله نوشت «بعقیده‌ما زائداست که بتفصیل وتشریح تاریخ خدمات ده ساله روزنامه بپردازیم ماخودرا موظف به پیروی ازسرمشق شاهنشاه خودمیدانیم یعنی «کار» راپروگرام زندگانی خویش قرارداده وعمل راجایگزین سخن وحرف مینمائیم واین سرمشق بزرگی است که همگی باید پیرو آن باشیم

بنابراین لزومی ندارد دراین باب چیزی بنویسیم وتاریخ یکساله گذشته راتکرار نمائیم همینقدر متذکرمیشویم که این شیوه را بدقت پیروی کرده و میکنیم و حتی‌المقدور سعی خواهیم کرد باترقیات حاصله در مملکت پیش برویم»

یکی شدن ساعات در کشور: دربخشنامه‌ای که درتاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۱۴ بکلیه ایالات وولایات صادرشده چنین اشعار گردیده است: چون مطابق ترتیبی که تاکنون معمول بوده است اماکن وبلاد مملکت شاهنشاهی که درطول های مختلف جغرافیائی واقعند دارای ساعت های مختلف بوده ومقتضیات زندگانی ایجاب میکرد که کلیهٔ نقاط مختلفه مملکت ساعت های بالنسبه واحدی اختیار نمایند علیهذا بموجب تصمیم هیئت محترم دولت ازاین ببعد ساعت محلی طهران برای تمام نقاط ایران مأخذ قرارداده خواهد شد وساعت مذکور سه ساعت ونیم قبل‌ازساعت گرنویچ است البته لازم است مفاد متحدالمآل فوق‌را درنظرگرفته ودرتعیین ساعات رسمی برطبق آن رفتار نمائید.

اعزام هیئت اقتصادی ببرلن: هیئتی مرکب از آقای بدر معاون وزارت مالیه وآقای وثیقی معاون اداره کل تجارت، آقای انتصاری رئیس اداره اقتصادیات وزارتخارجه برای مطالعات درامور تجارتی واقتصادی روز ۳۱ تیرماه ازراه باکو ببرلن عزیمت نمودند.

الغای عناوین: درتاریخ ۱۴ مرداد ماه برای اولین دفعه نظامنامه تشریفات تدوین وطی آن کلیه عناوین ازقبیل میرزا - خان - بیگ - امیر - که قبل‌ازاسم ویابعد ازاسم بکار برده میشد ملغی گردید طبق نظامنامه مزبورمقرر شد که عنوان وزیران، نمایندگان، سفیران، معاونین وزارتخانه‌ها، رؤسای ادارات مستقل «جناب»

باشد ازطرفی عناوین شهرهامثل (دارالخلافه طهران) و وزارت خانهامثل (وزارت جلیله داخله) وادارات مثل (اداره محترمه صحیه) یاپستخانه مبارکه وغیره بکلی موقوف شد.

ضمنا درنظامنامه تشریفات مقرر گردید درمواقع رسمی وضیافت ها ژاکت وفراك و سیلندر ولباس ملیله دوزی و کلاه پردار استعمال شود.

همچنین نوع لباس مستخدمین قضائی واستادان دانشگاه بموجب نظامنامه مزبوربرای تشریفات رسمی انتخاب گردید.

اطلاعات دراین باره نوشت: «بیکاری آفت خودرا درآداب وادبیات ما، در محاورات ومکالمات ما، درکتب ونوشتجات ما، درانشاء و مراسلات مانفوذ داده، ازمرحله معناپرت ودر سنگلاخ لفاظی انداخته، بقدری دپای فکر مارامجروح ووامانده ساخته ووقتی میخواستیم بدوست وآشنائی مراسله و نامه‌ای بنویسیم دراختیار عنوان برای او بیچاره ودرمانده میشدیم.

کارما بجائی کشیده بود که آنچه که خود عنوان میدادیم معنای آنرا نمیدانستیم. آفت بیکاری مارا غافل از این معنی ساخته بود که هرلفظی را بامفهوم خود ارزش وبهائی است وبکار بردن آن لفظ درغیر موضع خود نه تنها ارزش معنای آنرا ازبین میبرد، بلکه شخصیت گوینده ومخاطب رانیز ازمیان برده، وآن هارا بدون مجوز حقیقی اگربزرك هستند کوچك واگر کوچك هستند کوچکتر میسازد.

این رویه مارا گزافه گو، وگزافه گوئی مارا بتملق وچاپلوسی و دروغگوئی ودوروئی وادار ساخته بود بازارالقاب بی‌معنی وعناوین پوچ چنان رایج شد که هر کدخدای دهی عالیجاه رفیع جایگاه، وهرتحصیلدار مالیه‌ای آصفجاه وهرنایب الحکومه ورئیس فره سورانی سلیمان دستگاه شده و پای فرمانفرمای ایالتی که بمیان می‌آمد، دیت گزافه گوئی وایجاد عنوان ولقب برای اولنك میماند!

افزایش سرمایه بانك ملی ایران: سرمایه بانك ملی ایران که دربدو تاسیس هشت میلیون ریال بود در تاریخ چهاردهم تیرماه ۱۳۱٤ بسیصد میلیون ریال افزایش یافت. روزنامه اطلاعات درباره‌این افزایش سرمایه نوشت: «هفت سال پیش که میخواستیم بانکی بنام بانك ملی ایران تاسیس کنیم ومیخواستیم سرنوشت تجارت ومقدرات اقتصادی خودرا بدست خودمان بگیریم ومیخواستیم بسیادت اقتصادی ومالی بیگانگان دراین کشور خاتمه بدهیم ومیخواستیم گریبان تجار وسرمایه‌داران خودرا ازچنك موسسات بانکی ومالی خارجه که دراین کشور از دیربازدرشئون مالی وتجاری واقتصادی مانفوذ پیداکرده بودند نجات بدهیم وقتی که سرمایه آنرا درنظرمی‌آوردیم انتظارات ما جزو آروزهای دورو دراز بود که فقط دورنمای زیبای آنرا در نظر می‌آوردیم زیرا هشت میلیون ریال در مقابل سرمایه هنگفتی که‌دیگران دردست داشته وپنجه خودرا بر پیکر تجارت و اقتصادیات کشور فرو برده اعتبار وحیثیت تجار این کشور وحتی هستی آنها تعلق باراده آنان بودچه کسی باور میکرد بانك ملی بتواند تاب مقاومت آورده وقسمت مهمی ازآرزوهای دورو درازمارا عملی کند.

امروز که سرمایه بانك ملی ایران ازهشت میلیون ریال بسیصد میلیون ریال ترقی داده میشود وقتی وضع مالی امروزرا باروز تاسیس بانك ملی مقایسه میکنیم می‌بینیم ازمرتبه آحاددرگذشته و ازمرتبه عشرات نیز عبور کرده وچند مرحله ازمرتبهٔ عدم ترقی وتکامل نیز بالارفته ایم.

حادثه تأثر آور مشهد ــ درباره حادثه تأثرآورمشهد این اعلامیه ازطرف وزارت داخله روز ۲٤ تیرماه ۱۳۱٤ صادرودرمطبوعات منتشر گردید:

«برطبق راپورت واصله ازایالت خراسان شب نوزدهم شیخ بهلول نامی که سوء سوابق او ازشرارت و فساد معلوم وسابقاً تحت تعقیب نیزواقع شده بود درمشهد مقدس جمعی ازعوام ساده لوح را درمسجد بعنوان موعظه دعوت کرده ودوسه روزاین عمل را مداومت داده وارازل واوباش رادورخود جمع وعنوان کلاه ولباس راپیش کشیده یاوه سرائیها نموده کاررا بهتاکی رسانیده مأمورین انتظامات خواستند بدواً بملایمت ونصیحت اورا از این رفتار و گفتگوهای خلاف ومفسدت آمیزبازدارند مساعی آنها ثمری نبخشید وبیم اختلال نظم رفته ومردم ازاین جهت اظهار نگرانی نمودند مامورین انتظامی درصدد تفرقه آنها برآمدند مقاومت نموده مأمورین نظمیه را موردحمله قرارداده وبعضی ازآنهارا مجروح ومقتول نمودند مأمورین ناچارازنظامیان استمداد کردند اشرار برآنهاهم ستیزه نموده و آلات ضرب وقتل که همراه داشتند بکاربردند نظامیان هم مجبورشدند بااستعمال اسلحه گرم حفظ نظم رابآنها الزام نمایند درنتیجه اراذل واوباش که باعث این بی نظمی شده بودند بعضی گرفتار وبعضی متفرق شدند ولیکن متاسفانه شیخ بهلول که این مفسده رابرپا کرده بود موفق بفرارشده امنیت وانتظام کاملا برقرار گردید فعلا نظمیه مشغول تعقیب قضیه وکشف حقایق میباشد»

تاسیس کانون سوارکاران: کانون سوارکاران در تهران تاسیس گردید وعده‌ای ازرجال و محترمین بسمت هیئت مدیره کانون انتخاب وشروع بکار نمودند. هدف‌این کانون تربیت وتکثیراسب‌های اصیل وافـزایش‌نژاد آن وهمچنین‌اهمیت دادن بورزش اسب‌وسوارکاری‌بود .

هیئت نمایندگی عراق در تهران: آقای‌نوری سعیدپاشا وزیرخارجه عراق وآقای محمدزکی بیك وزیرعدلیه وآقای نصرت‌بیك فارسی معاون وزارت‌خارجه عراق باسه هواپیمای‌عراقی روز۱۳مرداد۱۳۱۴ بتهران آمده‌ودرکاخ صاحبقرانیه اقامت گزیدند همراه این‌هیئت‌همسرآقای نوری سعیدپاشا وفرزند ایشان که‌خلبان یکی ازهواپیماها بود نیز بتهران آمدند .

آقای‌کاظمی وزیرخارجه وسایرمستقبلین درحدود دوساعت درفرودگاه بانتظار هیئت بودند‌زیرافرودگاه تهران هنوز میتوانست باهواپیماهاارتباط برقرار نموده‌وازخط‌سیرآنها آگاه شود وهمین موضوع موجب نگرانی مستقبلین‌را فراهم کرده بود ضیافت‌هائی درتهران بافتخار هیئت‌عراقی داده‌شد ومسافرتی‌هم بمازندران‌نمودند

هیئت‌اعزامی عراق طی بیست‌روز اقامت خود درتهران برای مرتفع شدن اختلافات سرحدی‌که منجـر بشکایت عراق بجامعه ملل شده‌بود بااولیای امور ایران تماس حاصل نموده‌وپس ازیکرشته مذاکرات و مطالعات درروز حرکت هیئت ازتهران این‌اعلامیه رامنتشر نمودند:

درمدت توقف هیئت نمایندگان محترم عراق‌درطهران، مذاکرات بین هیئت نمایندگان مـزبور ودولت شاهنشاهی‌ایران باروح مودت وصمیمیت جریان یافته وقسمت عمده سوء تفاهمات سابق برطرف و اینك موافقت کامل بین‌طرفین ظاهرومشهود می‌باشد چون بملاحظه لزوم حضورنمایندگان دولتین درجلسه عمومی آینده جسامعه ملل‌امکان نیافت مذاکرات درطهران خاتمه یابد بنابراین مذاکرات بتعویق افتاده وطرفین تصمیم نمودندکه‌آنرا درژنو باهمان روح صمیمیت ووداد‌ی‌که تابحال بین‌آنها حکمفرما بوده وباامیدواری کامل بتحصیل نتیجه قطعی سریع تعقیب نمایند .

وزیرخارجه ایران باقرکاظمی — وزیرخارجه عراق نوری السعید

بین ایران وشوروی: روز چهارم شهریور ماه ۱۳۱۴ بین آقای کاظمی وزیر امور خارجه وآقـای آلسکی چرنیخ سفیر کبیرشوروی درتهران قراردادهای بازرگانی واقامت و بحرپیمائی بین‌دو کشور امضاء شد و پس‌ازآن ناهاری ازطرف وزارتخارجه وشامی ازطرف‌سفیر کبیرشوروی داده شد که وزیرخارجه وآلسکی‌چرنیخ نطق مشروحی درزمینه روابط تجارتی‌دو کشور واهمیت قرارداد هائی‌که امضاء شده بود ایراد نمودند امضای این پیمانهاموجب مسرت‌عمومی شد .

بموجب این قرارداد تجارتی قسمتی ازسهمیه واردات وصادرات ایران‌بااتحادجماهیرشوروی‌اختصاص‌یافت و مقرر گردیدکه پنبه — پشم— پوست — کنف — برنج وخشکبار بشوروی تحویل ودرمقابل‌قند — کبریت‌پارچه‌های نخی . سیمان. آهن‌آلات. ماشین‌آلات‌وابزارفلاحتی‌وماشین‌آلات صنعتی‌برای برنج پاك کنی وپنبه پاك کنی و تاسیسات انبارغله معادل‌میزان خریدهای دولت شوروی ازدولت‌ایران‌بشود . ضمنا مقرر گردید محصولات طبیعی و صنعتی‌ایران‌هم بتوسط مؤسسات‌اقتصادی شوروی ومختلط وهم بتوسط تجارایرانی بااتحاد جماهیرشوروی‌وارد شود

دولت اتحادجماهیر شوروی ترانزیت‌آزادرا از خاك خود بایران‌برای‌محصولات طبیعی‌یاصنعتی مذکوره ذیل بموجب این‌قرارداد اعطاء نمود:

الف— ماشین وابزار ومصالح برای‌کارخانجات همچنین برای مؤسسات فلاحتی و ماشین وابزارومصالح برای ساختمان ونگاهداری خانه ها وابنیه و ماشین و ابزار و ملزومات ومصالح برای اصلاح واستفاده از طرق ووسایط‌نقلیه ازهرقبیل که برای‌احتیاجات موسسات‌عام‌المنفعه باشد .

ب— دوا از هرقبیل واسباب جراحی واعضای مصنوعی بدن .

ت— کاغذ واوراق مطبوعه ث— تخم نوغان ج— چای چ— آلات وادوات روشنائی‌وگرم کردن ح— دوچرخه وموتوسیکلت‌واتومبیل‌وکامیون‌ومتفرعات‌وضمائم مجرای آنها.

هرنوع سفارشات غیرتجارتی دولت ایران درکشورهائی که با اتحاد جماهیر شوروی عهدنامه یامقاوله نامه یاقرارداد تجارتی داشته باشندباستثنای اسلحه ومهمات جنگی حق ترانزیت آزاد در خاك جماهیر شوروی خواهند داشت.

اتحاد جماهیر شوروی منتهای موافقت را نسبت بهر قبیل سفارشهای دولت ایران که برای تجارت نبوده و درکشورهائی که با اتحاد جماهیر شوروی عهدنامه یامقاوله نامه یاقرارداد تجارتی نداشته باشند بعمل آمده باشد مبذول داشته وتسهیلات لازمه خواهد نمود اسلحه ومهمات جنگی ازاین مقررات مستثنی میباشد.

تاحمله آلمان بشوروی پیمان تجارتی بین دو کشور ببهترین طرزی اجرامیشد موسسات دولتی وشرکتهای اقتصادی دو کشور وبازرگانان ایرانی چه ازحیث ترانزیت وچه ازحیث مبادله کالاها دررفاه بودند ومتاسفانه آتش جنگ واز آن پس جریانات دیگر بکلی معاملات بین این دو کشور را مسدود نمود .

اسامی جدید برای خیابانهای تهران : چون شهر تهران روبوسعت گذارده بود واز طرفی اغلب خیابانها ومعابر بی نام بود شهرداری تهران برای تمام خیابانها و معابر مهم پایتخت نامهای مناسبی انتخاب ومقرر گردید که کاشیهای آنها تهیه و نصب شود .

نام بیشتر خیابانها باسامی شعراء وادباء ومفاخر علمی و هنری ایران موسوم گردید.

کنگره و نمایشگاه صنایع لنینگراد : دولت ایران درنمایشگاه صنایع لنینگراد شرکت نمود و آثار تاریخی وهنری ایران در نمایشگاه مزبور بمعرض نمایش گذارده شده . هیئتی بریاست آقای حکمت وزیر معارف ومرکب ازآقایان دکتر سیاسی ودکتر صدیق . معاضد . مهندس طاهر زاده بهزاد ، دکتر صورتگر برای شرکت در نمایشگاه شوروی اعزام گردید . آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیز در معیت هیئت نمایندگی بلنینگراد عزیمت نمود .

عده کثیری ازفضلا وادبا ومستشرقین ورؤسای موزه‌های مهم صنایع ومحققین اروپا و امریکا درکنگره ونمایشگاه مزبور حضور یافته بودند صنایع قدیم وتاریخی ایران ومجموعه‌های صنایعی که مشابهت باصنایع ایران داشت درنمایشگاه مذکور بمعرض نمایش گذارده شده بود. فضلا ومحققین تحقیقات جدیدی را که درباب اینگونه صنایع کرده بودند طی سخنرانیهای مشروح باطلاع عموم رسانیدند .

هشتاد اطاق ازدو هزار سالن که موزه را تشکیل میداد برای نمایش آثار ایران اختصاص داده شده بود اشیاء زمان ماقبل تاریخ ودوره ساسانی وادوار دیگر بترتیب دراطاقهای مختلف قرارداده شده وعلاوه بر اشیاء موجوده درموزه ارمیتاژ ازتمام شهرهای مهم جماهیر شوروی مخصوصا آسیای مرکزی وقفقاز وبعضی از کشورهای دیگر علاوه براشیاء ارسالی ازایران آثار مهم تاریخی ایران را بموزه ارسال داشته بودند که روی‌هم رفته موزه مهمی ازصنایع نفیس وآثار برجسته ایران درنمایشگاه گرد آمده بود .

کنگره عصر روز ۲۱ شهریور ۱۳۱٤ باحضور نمایندگان ۲٦ کشور بریاست کمیسر معارف شوروی ووزیر معارف ایران گشایش یافت ونطقهای مؤثری ایراد نمودند .

آقای مسعودی ازروزحرکت تا بازگشت بایران جریان مشروح این مسافرت وگشایش نمایشگاه صنایع ایران را همه روزه تلگراف نموده ازطرفی یادداشت ها ومقالاتی دراطراف چگونگی نمایشگاه باعکسهای زیادی ازاشیاء تاریخی بتهران فرستاده اند که همه روزه مرتب منتشر شده است .

مرحوم فروغی که در آن تاریخ نخست وزیر بوده‌اند نیزمقاله مؤثر ومشروحی درباره نمایشگاه صنایع ظریفه ایران در لنینگراد نوشته ودرروزنامه اطلاعات منتشر شده است .

رویهمرفته تشکیل این نمایشگاه وشناساندن آثارذوقی وهنری کشور ایران و انعکاس جریان مشروح و مفصل آن وچاپ عکسها ومعرفی اشیاء تاریخی چه درایران وچه درکشورهای دیگر کمك مهمی بآشنائی افکار عمومی باتمدن کشور ما داشته است .

طرح قضیه ایران وعراق در جامعه ملل: این تلگراف ازطرف مخبر مخصوص اداره در جامعه ملل روز ٥ مهرماه در روزنامه اطلاعات منتشر شده است :

تهران – روزنامه اطلاعات – امروزدر شورای جامعه ملل متحد قضیه اختلاف ایران و عراق مطرح گردید مخبر شوری متن مراسله‌ای را که وزیر امورخارجه ایران و وزیر امورخارجه عراق باو نوشته وجریان امروحصول موافقت را اطلاع داده بودند قرائت نمود وبعد رئیس شوری از دولتین ایران و عراق تشکر کرد سپس مستر ادن نماینده انگلستان اظهار خوشوقتی از موافقت طرفین کرد واظهار امیدواری نمود که درانعقاد عهدنامه و قراردادهای لازم نیز موافقت حاصل نمایند. شوری راپرت مخبر را تصویب کرد .

جواد مسعودی

تحدید حدود نقاط مرزی: در قسمتی از حدود دولتین ایران وافغانستان که از دهنه ذوالفقار منتهی نقطه شمالی سرحد مشترک بین دولتین شروع وبملک سیاه کوه ختم میشود درسوابق ایام خط سرحدی تعیین شده وعلائم نصب گردیده بود وچون نسبت ببعضی از نقاط همین قسمت تحدید شده اختلاف نظری پیش آمده ومذاکرات مستقیم بین طرفین منجر بنتیجه مطلوبه نشده بود موافقت حاصل گردید که حل اختلاف بحکمیت دولت ترکیه محول شود در نتیجه قراردادی در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۱۲ با دولت افغانستان منعقد گردید وحکمی از طرف دولت ترکیه تعیین ودر سرحد دولتین حاضر وبامامورین ایران وافغانستان درحدود سه ماه ونیم بمطالعه وضعیت حدود پرداخته ورای خود راکه مشتمل برمقدمه واطلاعات عمومی ونظریات تاریخی راجع بمنطقه سرحدی وتعیین خط تحدید شده ونیز بود دولتین ایران وافغان تسلیم کرد.

رای حکمیت در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۱۴ بتصویب مجلس شورای ملی رسید ودولتین ایران وافغانستان وسایل اجرای آنرا فراهم نمودند وبدینطریق اختلافات مرزی بین دو کشور مرتفع گردید.

حمله ایتالیا بحبشه: روز دهم مهرماه ۱۳۱۴ ارتش ایتالیا که در مرزهای حبشه متمرکز شده بود شروع بتجاوز درخاک حبشه نمود ودر روز مزبور زندگانی عادی شهری در رم قطع گردید. سوتهای کارخانه ها وناقوس ها مردم شهر را برای تجهیزات دعوت نمود. مردان چه جوان وچه پیر وزنان وبچه ها پیراهن سیاهان را همراهی کرده وبطرف مراکز ارتشی حرکت میکردند همه مردم با وجود باران تندی که از صبح میبارید در محل اردوگاهها ازدحام نموده ودر میدانهای عمومی بلندگوها سرودهای وطن پرستانه را اشاعه میدادند. درچنین وضعیتی موسولینی از ایوان قصر دولتی در میدان ونیز نطقی ایراد کرد وگفت .

«مردان وزنان ایتالیائی که در تمام عالم وماوراء دریاها پراکنده هستید گوش فرادارید موقع مهم سرنوشت میهن شما در رسیده است. الساعه بیست میلیون ایتالیائی در تمام میدانها وکوچه های مملکت اجتماع نموده اند این اجتماع بزرگترین نمایشی است که در تاریخ وجود دارد ونشان میدهد که بیست میلیون افراد یک کشور دارای یک آهنگ بوده وبرای فداکاری حاضر هستند.

این نمایش که تابحال سابقه نداشته نشان میدهد که یگانگی مطلق بین ایتالیا وفاشیزم وجود دارد. فقط ملتهای ناقص از فهم ایتالیائی ۱۹۳۵ اظهار جهالت مینمایند.

ماه هاست که چرخ سرنوشت در تحت جنبش اراده قوی جامعه ما در حرکت است در ساعت های گذشته پیشرفت ما چنان قوه ای کسب نموده که دیگر جلوگیری از آن ممکن نیست ۴۴ میلیون ایتالیائی با ارتش ما همقدم هستند این ۴۴ میلیون تماما متحد هستند زیرا بزرگترین بی عدالتی ها را میخواهند نسبت بآنها اعمال کنند یعنی میخواهند ازجادادن بایتالیا درزیر خورشید جلوگیری نمایند وجامعه ملل بجای اینکه حق حیات ایتالیا را بدهد جرات نموده از اعمال مجازاتها صحبت مینماید.»

موسولینی موقعی را که ایتالیا در ۱۹۱۵ برله متفقین داخل جنگ گردیده وموجب تحسین همگی شده بود یادآور گردیده اضافه نمود فقط بایتالیا تهسفره غنائم مستعمراتی که سایر ملل بین خود تقسیم نموده اند عاید گردیده باوجودیکه ۶۷۰ هزار مقتول ومیلیونها اشخاص معیوب قربانی ایتالیا برای حصول فتح عمومی بود سیزده سال مارا خفه کردند وحوصله نمودیم ماراهر روز سخت تر احاطه نمودند تاقوه حیاتی مارا مضمحل سازند سی سال ایتالیا باحبشه صبر را پیشه خود ساخت وباآنکه از پیش آمدهای آتیه نباید چشم پوشی نمود ولی قول میدهم آنچه ممکن است خواهم کرد که این مشاجرات مستعمراتی بمشاجرات در اروپا مبدل نشود

موسولینی در خاتمه نطق خود بمردم خطاب نموده گفت: بگذارید که فریاد تصمیم محکم وخلل ناپذیر شما بآسمان برسد. فریاد جنگ بگوش سربازان ایطالیائی در افریقا برسد واین فریاد اخطاری بدشمنان ما باشد زیرا این فریاد ، فریاد عدالت است» وبا این نطق پیشروی ارتش ایتالیا در خاک حبشه آغاز شد

پیمان عدم تعرض – روز ۱۷ مهرماه ۱۳۱۴ درعمارت نمایندگی ایران در ژنو طرح عهدنامهٔ عدم تعرض بین نمایندگان دول ایران وترکیه وعراق وهمچنین طرح عهدنامهٔ حل اختلافات بوسیلهٔ مسالمت آمیز بین دولتین ایران وعراق پاراف شد روز ۲۹ آبان ۱۳۱۴ دولت افغانستان نیز الحاق خود را بعهدنامه عدم تعرض منعقده بین ایران وترکیه وعراق اعلام نمود.

گشایش کارخانه قند شاه آباد: روز ۱۸ مهر ۱۳۱۴ کارخانه قند شاه آباد که پنجمین کارخانه قند سازی کشور بود گشایش یافت مرحوم فروغی نخست وزیر ومرحوم داور وزیر دارائی وآقای حکم وزیر کشور بکرمانشاه

مسافرت نموده ودرمراسم گشایش کارخانه شرکت نمودند درهمین مسافرت مؤسسات تصفیه نفت کرمانشاه و پالشگاه آنجا که احداث شده بود افتتاح یافت.

ششمین کارخانه قندسازی نیز که درمرودشت واقع درچهل کیلومتری شیراز احداث شده بود روز ۲۸ مهرماه ۱۳۱٤ ازطرف مرحوم فروغی نخست وزیر و باحضوروزیر داخله ورؤسای کل صناعت و فلاحت گشایش یافت.

برقراری روابط با آرژانتین : بمناسبت ورود اولین نماینده ایران به آرژانتین رئیس کشور مزبور تلگرافی باعلیحضرت مخابره واز برقراری روابط سیاسی بین دو کشور اظهارخوشنودی نموده بود.

مسافرت وزیر خارجه بافغانستان و هندوستان : آقای کاظمی وزیرامور خارجه صبح هشتم آبان بقصد مسافرت بافغانستان ازتهران حرکت نموده وازطریق مشهد وزاهدان و کویته به آنکشور عزیمت وپس ازده روز اقامت درافغانستان بهندوستان مسافرت وازراه بمبئی و بوشهر بایران مراجعت کردند.

آقای کیهان رئیس اداره اول سیاسی وزارت خارجه وآقای معتمدی رئیس اداره سوم سیاسی وآقای مفتاح منشی مخصوص وزارتی وبعلاوه آقای صفوی مدیرروزنامه کوشش ونماینده مجلس شورای ملی دراین مسافرت همراه وزیر خارجه بودند.

تعهدات گمرکی ایران : وزارت امورخارجه بخشنامه ای بکلیه سفارتخانه های مقیم تهران ونمایندگان دولت که باآنها دولت شاهنشاهی قرارداد گمرکی داشته صادرنمود ودرآن خاطر نشان کرد که چون تعهدات گمرکی ایران بادول خارجه برطبق اجازه مجلس شورای ملی مورخ ۱۲ر۲ر۱۳۰۷ برای مدت هشت سال بوده ومدت مزبوردر تاریخ ۲۰ر۲ر۱۳۱۵ منقضی خواهدشد خاتمه تعهدات گمرکی رااعلام میدارد.

گشایش موزه آستانه قم ومریضخانه : روز ۲۱ آبان ۱۳۱٤ مرحوم فروغی نخست وزیر باتفاق آقای حکمت وزیرمعارف وآقای جم وزیرداخله بقم عزیمت نموده ودرآنجا ابتدا موزه آستانه وبعد بیمارستانی را که آقای حاج سید محمد فاطمی باهمت بلندخود تاسیس نموده بودند افتتاح کردند دراین مسافرت سنگ بنای دبیرستان قم نیز نصب گردید.

اجرای مجازاتهای اقتصادی درباره ایتالیا : پس ازحمله ایتالیا بحبشه بلافاصله دولت حبشه بجامعه ملل شکایت نمود. جامعه پس ازرسیدگی بشکایات و مطالعه دراطراف قضیه، تصمیم بمجازات های اقتصادی درباره ایتالیا گرفت ومقررشد کلیه کشورهای عضوجامعه مجازاتهارا اجرا نمایند ازاینرو درتاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱٤ بموجب تصویبنامه هیئت وزیران مقررشد که ازمعامله با کشور ایتالیا ازتاریخ مزبور بکلی خودداری شود و بازور دادن اجرای مقرراتی را که کمیته تطبیق جامعه ملل وضع نموده نصب العین خود قراردهند.

انحصار صدور پشم وپوست: هیئت وزیران تصویب نامه ای صادر وانحصارصدور پوست گوسفند بز و همچنین صدور پشم راازایران بشرکت سهامی پنبه وپشم وپوست که تازه در تهران تاسیس شده بود واگذار نموده.

درگذشت مشیرالدوله : ساعت ۸ ونیم بعدازظهر روز ٥ شنبه ۲۹ آبان آقای حسن پیرنیا (مشیرالدوله) درسن ٦۳ سالگی بمرض سکته قلبی فوت نمود. روزنامه اطلاعات در شرح حال مفصل آنمرحوم نوشت: مرحوم پیرنیا یکی از رجال سیاسی قدیم ایران بود و در حیات سیاسی وعلمی خود خدمات شایسته ای بوطن خویش کرد چندین مرتبه زمامدار ورئیس الوزراء کشوروهمواره شاغل مناصب عالی بود و پس از کناره گیری ازحیات سیاسی نیزحیات علمی خودرا ازدست نداد وبا تالیفات خود خدمات بزرگی انجام داد از تالیفات مشهور ایشان ۳ جلد تاریخ ایران باستان است که ازقدیمترین ازمنه تازمان پارتها واشکانیان تاریخ ایران راروشن وبسیاری از نکات تاریک تاریخ ایران را روشن نموده اند بزرگترین خدمت سیاسی ایشان حفظ بیطرفی ایران درجنگ بین المللی اول بود که توانست برمشکلات فائق آمده واز سقوط کشور جلوگیری نماید.

استعفای مرحوم فروغی : روزدهم آذر ۱۳۱٤ این خبر بمطبوعات داده شد و روزنامه ها عین آنرا منتشر کردند:

فروغی رئیس الوزراء بواسطه علت مزاج استعفاء خود را به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تقدیم نموده است.»

وروزیازدهم آذرماه درباره دولت جدید نیزاین خبردرروزنامه ها منتشر شد:

حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آقای جم بسمت ریاست وزراء انتخاب گردیدند، پست وزارت داخله نیزباایشان خواهدبود سایرآقایان وزراء وروسای ادارات مستقل کابینه سابق در پستهای خودباقی هستند

انعقاد قرارداد تهاتر با آلمان . هیئتی که مرکب از آقای بدر معاون اداری وزارت مالیه، آقای وثیقی معاون اداره کل تجارت . آقای انصاری رئیس اداره اقتصادیات وزارت خارجه برای مطالعات در امور تجارتی و اقتصادی و مذاکرات بازرگانی بین ایران و آلمان ببرلن رفته بودند موفق بعقد قرارداد تهاتر بین ایران و آلمان گردیدند در نتیجه عقد قرارداد تهاتر از طرف آقای محمود بدر رئیس هیئت اعزامی ضیافتی در هتل اسپلاناد باحضور آقای دکتر شاخت وزیر اقتصادیات و جمعی از رجال آن کشور داده شد و در سر میز آقای بدر گفتند : دو هیئت ایرانی و آلمانی از ابتدا تا انتها با کمال مودت با یکدیگر کار نمودند تا موفق بعقد قرارداد مرضی الطرفین شدیم.

آنچه ما در این مملکت مشاهده نمودیم بر همه ما مسلم گردید که تجارت بین دو کشور توسعه خواهد یافت و این توسعه نیز توسعه طبیعی است زیرا این دو کشور دارای محصولاتی هستند که هریك تکمیل کننده دیگری است نه رقیب یکدیگر هریك از مملکتین دارای آن چیزهائی هستند که دیگری به آن احتیاج دارد و هر دو دولت هم مساعی خود را در رفع هرگونه موانعی که در راه است صرف میکنند.

ما در بانك دولتی آلمان کارهای شعبات مختلفه که مربوط بامور تهاتر بودند بدقت هرچه تمامتر مطالعه نموده و مشاهده نمودیم امور باچه نظم و سرعتی جریان دارد. در دعوت نورنبرك شاهد تمام جشن‌های بزرك بودیم مؤسسات عدیده علمی من جمله مؤسسه مهم امراض ممالك حاره را در هامبورك دیدن نموده و بالاخره با اکثر مراکز مهم صنعتی آلمان مسافرت نمودیم.

آقای دکتر شاخت وزیر اقتصاد آلمان درجواب نطق فوق اهمیت روابط اقتصادی فیمابین مملکتین را توضیح داده واظهار امیدواری کرد که قرارداد منعقده و شناسائی یکدیگر موجبات روابط نزدیکتری برای پیشرفت مصالح مملکتین فراهم کند.

اعدام اسدی - شیخ بهلول نامی در مشهد در تیر ۱۳۱۴ مردم را بوسیله موعظه و خطابه بر علیه حکومت مرکزی اغوا و تحریك می‌نمود واجتماعات در مسجد هرساعت بیشتر میشد و صورت بلوا بخود میگرفت و بالاخره در نتیجه گزارشاتی که از اوضاع محل بتهران داده شد دستور تفرقه مردم صادر گردید و عده زیادی نظامی اطراف صحن و مسجد را محاصره کردند و چون کار بالا گرفت شلیك شروع کرده و دراین میانه عده زیادی مردم بیگناه مقتول و مجروح گردیدند و شیخ بهلول هم فرار کرد و باین ترتیب موضوع خاتمه پذیرفت ولی اقدامات برای یافتن محرکین ادامه داشت تا روزی که خبری در جراید انتشار یافت مبنی براینکه چون مرحوم محمد ولی اسدی محرك این فتنه و فساد تشخیص داده شد اولا امور آستانه در تاریخ ۴ آذر به آقای پاکروان والی خراسان محول گردید و ثانیا مرحوم اسدی حبس و تحت استنطاق و محاکمه نظامی قرار گرفت و چندی بعد هم خبری بجراید داده شد که اورا طبق حکم محکمه نظامی اعدام کردند - بیش از این کسی از واقعه اطلاع نیافت ما پس از تغییر اوضاع که گفته شد تحریکات برای ایجاد بلوای مشهد از ناحیهٔ کسان دیگری بود غیر از مرحوم اسدی، کسانی که مایل ببقای نائب التولیه آستانه قدس نبودند و جریان را بر علیه آن مرحوم بشاه فقید گزارش دادند و اوضاع را از اول تا آخر بر علیه او تمام کردند.

ژورنال دو تهران : آقای مسعودی پس از مسافرت ترکیه و مشاهده ترقیات مطبوعاتی آن کشور و ارتباط یافتن با مؤسسات مطبوعاتی ترکیه متوجه گردید که کشور محتاج بداشتن یك روزنامه بزبان فرانسه میباشد تا این روزنامه بتواند اخبار کشور را در اختیار خارجی‌ها بگذارد و خارجیان را باوضاع و احوالات ایران آشنا سازد. این بود که بتاسیس یك روزنامه یومیه بزبان فرانسه و باسم (ژورنال دو تهران) اقدام نمود

تشویقات آقای کاظمی وزیر امور خارجه در انتشار این روزنامه بسیار مؤثر بود . ایشان علاقه بسیاری باین نشریه ابراز میداشتند و انتشار چنین روزنامه‌ای را برای شناساندن ایران بخارجی‌ها ضرور میدانستند و حتی موافقت نمودند که برای تمام سفارتخانه‌های ایران در خارجه فرستاده شود تا در دسترس خارجیان قرار گیرد .

امتیاز این روزنامه باسم خود آقای عباس مسعودی صادر گردید وانتشار آن بطور یومیه منظم و مرتب شروع شد و همین نظم و ترتیب انتشار یك روزنامهٔ خارجی که خوانندهٔ آن محدود و در بدو امر زیان و خسارت زیاد تحمل می‌نمود مورد توجه قرار گرفت و بر علاقمندان آن افزود .

دراین جا باید از کسانیکه با ما در ابتدای انتشار ژورنال دو تهران کمك کردند یاد نموده و مساعی آنها را ستود از جمله آقای اعتصام زاده مدیر محترم روزنامه ستاره جهان و آقای سعید نفیسی نویسنده دانشمند و مرحوم حاجیان نماینده یکعده از نویسندگان جوان فاضل مثل آقای دکتر عیسی سپهبدی، آقای عبدالحسین میکده ، آقای تفی ، آقای دکتر بروخیم ، آقای دکتر فرزامی ، آقای آذری بتدریج در ژورنال دو تهران با ما همکاری می‌نمودند و آقای ابراهیم خلیل سپهری معاون کل تبلیغات و نشریات چندسال مدیریت ژورنال دو تهران را بر عهده داشتند و همه این آقایان دانشمندی که با این مؤسسه مطبوعاتی همکاری

میکردند در نهایت علاقه وصمیمیت خدمت ملی خود را انجام میدادند.

ژورنال دوتهران بعدازواقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ وتوقیف کلیه مطبوعات امتیاز آن بنام آقای جواد مسعودی صادر گردید ولی اداره آن کماکان درمؤسسه اطلاعات وجزونشریات اطلاعات ادامه پیدا کرد.

مظفر فیروز ومجله انگلیسی ـ از نشریات دیگر روزنامه اطلاعات مجله‌ایست که بزبان انگلیسی بنام مجله اطاق تجارت انتشار یافت، مقالات این مجله را آقای مظفر فیروز مینوشت. ایشان پس از آنکه از ماموریت امریکا بتهران احضار گردید وقبل از آنکه وکالت دادگستری نماید در روزنامه اطلاعات قسمت انگلیسی مجله اطاق تجارت را اداره می‌نمود وچون مجله مزبور آنطور که انتظار میرفت توسعه نیافت پس‌ازدوسه سال که هر ماهه یک شماره انتشار می‌یافت دوچار تعطیل گردید ودیگر انتشار پیدا نکرد.

مجله اطاق تجارت قبل از آنکه شماره مخصوص انگلیسی پیدا کند تامدتی نصف بفارسی و نصف بفرانسه اشاعت یافت ولی چون عملی نبود قسمت فرانسه آن تعطیل شد.

زنها وارد اجتماع شدند ـ برای ورود زنها دراجتماع وبرداشتن حجاب، مجالس جشن و سخنرانی ابتدا درتهران و شهرهای شمال ایران وسپس بتدریج درسایر شهرها برقرار میگردید ولی پیشرفت زیادی نداشت تاروز ۱۷ دی ۱۳۱٤ که شاه فقید باتفاق علیاحضرت ملکه و والاحضرت شاهدخت‌ها درجشن دانش سرای مقدماتی حضور یافتند دراینروز دواتومبیل سلطنتی که اولی اعلیحضرت ودومی علیاحضرت ووالاحضرتین درآن بودند باهم وارد دانشسرا شدند.

اولین دفعه بود که خانواده سلطنتی حجاب ازسر برداشته بود و لباس ساده‌ای دربر نموده بودند و علیاحضرت دیپلم وجوایز دوشیزگان را توزیع نمودند واعلیحضرت درتالاردیگر جوائز و دیپلم فارغ‌التحصیلان پسر راتوزیع نمود. دراین دعوت رئیس‌الوزراء ووزراء وجمعی از رجال‌نیز بابانوان خودمشارکت داشتند، تمام‌محوطه عمارت نوبنیاد دانش‌سرا را دختران پیشاهنگ احاطه کرده بودند.

شاه‌فقید پس‌ازخطابه‌ای‌که خانم‌تربیت‌ایراد نمود درنطقی که‌خطاب‌بخانم های اموزگاروودوشیزگان فارغ‌التحصیل نمود گفت: «بی‌نهایت مسرورم که می‌بینم خانمها درنتیجه دانائی ومعرفت بوضعیت‌خود آشناشده و بی‌بحقوق ومزایای خودبرده‌اند. مانباید ازنظردور بداریم‌که درسابق نصف جمعیت کشور ما بحساب نمی‌آمد و نصف قوای عامله مملکت‌عاطل بود، هیچوقت احصائیه از زنها برداشته نمیشد مثل اینکه زنهایک افراد دیگری بودند وجزوجمعیت ایران‌بشمار نمی‌آمدند فقط دریک مورد اززنها احصائیه برداشته میشد وآن موقعی بود که‌وضعیت ارزاق مشکل‌میشد وبرای تامین آذوقه سرشماری میکردند. شما خانمها اینروز رایکروز بزرک بدانید و از فرصت‌هائی که دارید برای ترقی‌کشور استفاده نمائید. شما خواهران ودختران‌من، شما تربیت کننده نسل آینده خواهیدبود وشماهستید‌که میتوانید آموزگاران خوبی‌باشید وافرادخوبی اززیردست شما بیرون‌بیایند، ازتجمل و اسراف بپرهیزید سادگی‌را پیشه خودسازید کمک ویارمردها باشید بااقتصاد وصرفه جوئی درزندگی عادت‌نمائید و بتمام معنی مفیدبحال مملکت باشید»

سادگی زن و جلوگیری از اسراف: این موضوع در آن تاریخ مورد توجه نویسندگان اطلاعات بود مقالات بسیاری در اطراف این قضیه انتشار می‌یافت و بخصوص در شماره ۲۰ و ۲۱ دیماه بمناسبت نطق شاه فقید و چگونگی حضور بانوان وتشکیل مجلس جشن مقالاتی مفصل نوشته شد ازجمله این قسمت جالب توجه می‌نماید: سادگی زنان نیروی مادی کشور را حفظ میکند، آنها را بمسائل مهم حیات متوجه میسازد، مجال میدهدکه در کیفیت ایجاد سعادت خود بکوشند وبالاخره در سایهٔ سادگی و احتراز از تجمل واسراف است که بانوان می‌توانند بنای اخلاق نسل آینده راکه تربیت آن بعهده زنان این‌کشور است تحکیم سازند، فکر، نیروی از مدو تجمل‌را خانمها باید مانند علفهای هرزه که در بوستان پر ازگل میروید از لوح خاطرخویش محو کننده این افکار مثل مار خوش خط وخالی است که غافل از زهرکشندهٔ آن دست بدان‌پیش می‌بریم ویکوقت بخود می آئیم که تجمل ومد زندگی مارا زهرآگین، تلخ‌وناگوار ومسموم ساخته است.

این پیش‌بینی ما درآن موقع وهمان روزهائی که حجاب برداشته میشد پس از چندی صدق کرد؛ یعنی خانمها بدبختانه بدنبال تجمل رفتند و زندگی خود و خانوادهٔ خود را تباه ساختند و لطمهٔ شدیدی بر این فکر وارد نمودند

جشن و پذیرائی درعمارت مجلس: سر درمجلس تزئین شده بودو برحسب دعوت رئیس مجلس تمام نمایندگان با بانوان خود در جشن نهضت زنان شرکت داشتندودرخلال جشن تلگرافی ازطرف خانمهای نمایندگان مجلس مبنی برتشکر ازعلاقه و توجهات خانواده سلطنتی نسبت به نهضت ترقی زنان ایران مخابره گردیدو فردای آنروز بامضای ملکه پهلوی تلگرافی بریاست مجلس واصل گردید که ازاحساسات خانمهای نمایندگان مجلس و پیشقدمی آنها ابرازمسرت وخرسندی شده بود. این جواب درجشن روز دوم مجلس که برای کارمندان داخلی مجلس تشکیل شده بود خوانده شدو مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس چنین جواب داد:

« امشب موقعی تلگراف مرحمت آمیزعلیا حضرت رسید که جشن اعضاء دوائر مجلس منعقدبود حاضرین با وجد و انبساطی تشکرات خودرا تقدیم وامیدوارند توجهات عالیه شخص اعلیحضرت پیوسته اسباب سربلندی و شرافت مردان و زنان این مملکت گردد»

از آن پس جشن های بسیاری برای همین موضوع در تهران و نقاط مختلف مملکت برقرار گردید و پیشرفت زیادی پیدا شد و موضوع عمومیت یافت و درعین حال برای اجرا وعملی شدن آن اعمال خشونت آمیز میگردیدو بعضی از مامورین انتظامی برای برداشتن حجاب شدت عمل بخرج میدادند ونتیجه غیرمنطقی بودن این کار همین بود که پس از ۲۰ شهریور دسته ای که بارضایت چادرخودرا برداشته بودند و اهمیت آنرا احساس کرده بودند تغییری دروضع خود ندادند ولی دسته دیگر در تهران و در تمام شهرستانها دوباره به حجاب برگشتند.

سرلشگر آیرم رئیس نظمیه باروپا رفت: سرلشکر محمد حسین آیرم رئیس کل تشکیلات نظمیه پس ازعزل و تعقیب وحبس مرحوم تیمورتاش موقعیت مهمی را که تلاش مینمود بدست آورد - دستگیری وحبس مرحوم اسعد و بر جنک نیزدرزمان آیرم بودوباز درهمین موقع بود که تیمورتاش واسعد درزمان نظمیه بدرود زندگی گفتند که مرگ آنها راهیچکس طبیعی وساده فرض نکرد وهمان دوسطر خبرمنتشره درروزنامه کافی بود که همه باین مرگ غیر طبیعی آگاه شوند زیرا بخوبی میدانستند که جرایدسخت سانسور میشود واین قبیل اخبار باهمین عبارات از اداره نظمیه دیکته میشودو باید عین آن منتشر گردد.

سرلشگر آیرم بعدازآنکه رقبای با نفوذ ومؤثر اوازبین رفتندمیدان وسیعی بدون معارض برای خود پیدا کرد ولی زمان درازی طول نکشید ودرنیمه دوم سال ۱۳۱۴ سرلشگر آیرم چندروزی درمنزل خوابید وخودرامریض سخت نشان داد ودرنظر شاه فقیدمعالجه خودرا درایران غیرقابل علاج جلوه دادو باین ترتیب تحصیل اجازه و گذرنامه نمود که برای معالجه باروپا عزیمت نماید، درآن موقع هیچکس نمیدانست که مسافرت رئیس نظمیه صورت فرار داردو کسالت اومصنوعی است ، مشارالیه درعیادت هائی که ازاو میشد حرف نمیزد بعنوان اینکه اعصابش درتمیاس و طبیب قدغن کرده و گلویش متورم وزخم است. سرلشگر آیرم بقدری خودرا بشاه وخانواده سلطنتی نزدیک کرده بود که هیچکس تصور نمیکرد که او از ترس مسافرت میکند.

حقیقت این بود که سرلشگر آیرم موقعیت وآینده خودرا درقبال اعمال قدرت ونفوذ وکارهائی که دردوران زمامداری خود نموده بود وخیم میدید - تشکیل کارناوال سالیانه هم که مبالغ هنگفتی خرج آن میشد وازابتکارات خود او برای خوش آیند رضاشاه بود برحسب دستور خودشاه موقوف شده بود وحتی عوامل این کارنیز تحت تعقیب درآمده بودند واعلیحضرت فقیدنسبت باین اعمال وزحمتی که برای مردم فراهم کرده بودند وحتی پولهائی که گرفته شده بود سخت متغیر وعصبانی بود ولی هنوزرئیس نظمیه وقت که پس ازشاه قدرت رابدست گرفته بود مورد بی مهری واقع نشده بود که سرلشگر آیرم پیش بینی آینده وخیم خودرا کرد باین ترتیب ازکشور خارج شد و پس از چندماه مقداری اسعار خارجی برای بازگشت خودبایران خواست وشاه فقید که کمی ازوضع اعمال اومطلع شده بود ومیخواست اورا بچنگ آورد باارسال مقداری لیره که درآن موقع اهمیت زیادی داشت موافقت نمود. سرلشگر آیرم پولرا گرفت وبار هم نیامد. وسالها درخارج زندگی میکرد تاچندسال پیش که دریکی ازشهرهای اروپا دارفانی را وداع گفت.

شرکت سهامی چاپ و اطلاعات: مطبعه کوچک اطلاعات دیگر کافی برای احتیاجات نبود ، زیراروزنامه بر اثرحسن استقبال عامه برصفحاتش افزوده شده واز اول سال ۱۳۱۴ درهشت صفحه انتشار یافته بود و نشریات دیگر این مؤسسه افزایش مییافت.

در نیمه سال اول ۱۳۱۴ شالوده تشکیل شرکت سهامی چاپ ریخته شد باین ترتیب که جمعی از بازرگانان و دوستان وهواخواهان اطلاعات دعوت آقای عباس مسعودی را برای تشکیل شرکت وخرید سهام آن قبول کردند، جلساتی منعقدشده نطقهائی ایراد گردید وعده ئی از علاقمندان سهام شرکت را خریده بودند وثلث سرمایه یکمیلیون ریال را

برداشتند و باین وسیله خشت اول بنای شرکت کنونی سهامی چاپ و عمارت بزرگ چاپخانه و روزنامه اطلاعات گذارده شد .

شاید بین اشخاصی که در آن روز سهام شرکت چاپ را برداشتند کسانی یافت میشدند که سرمایه خودرا در یك مؤسسه وابسته بروزنامه بخطر میانداختند وبا این توهم وارد شدند که سرمایه شان از بین خواهد رفت ولی کسانی هم یافت میشدند که روی صحت عمل و درستی و سوابق چندساله آقای مسعودی و مؤسسه اطلاعات وچگونگی معاملات ایشان با مردم اندك توهم از بین رفتن سرمایه را درخود راه نمیدادند بهرحال هردو دسته سهام شرکت را خریدند و بعدها متوجه شدند که روزنامه اطلاعات و مدیر و کارکنان آن تاچه اندازه در حفظ حقوق مردم راسخ و با ایمان هستند و تاچه پایه رعایت شرکای خودرا می نمایند و هرگز درمقام آن نیستند که دیناری از حق مردمی که سرمایهٔ خودرا برای تاسیس چاپخانه بخطر انداخته ویا روی علاقه روزنامه سرمایه گذارده‌اند آن سرمایه‌ها تفریط گردد .

این حسن نیت و وفای بقول وعهد وصحت معاملات مؤسسه اطلاعات خوشبختانه باعث شد کـه شرکت سهامی چاپ مدارج ترقی را بپیماید و باستثنای چندسال اول شروع بکار که نفع قابلی عاید شرکای خود نساخت همه ساله منفعت قابل بدهد و دارائی شرکت را محفوظ نگاهدارد وارزش آن را بالا برد بطوری که امروز سهام شرکت چاپ خیلی بیش از دو برابر قیمتش دربازار سهام خریدار دارد وشرکای چاپخانه امروز اطلاعات که شاید از شصت نفر متجاوز میباشند همچنان سهام خودرا محکم نگاهداری میکنند .

ساختمان بنا وخرید ماشین روتاتیو : منظور اصلی ازتاسیس شرکت سهامی چاپ دو چیز بود یکی ساختمان عمارتی برای چاپخانه وروزنامه اطلاعات ودیگری وارد کردن ماشین بزرگی که بتواند اطلاعات را بمیزان زیادی بچاپ برساند وبنابراین بمحض اینکه تشریفات قانونی شرکت انجام یافت هیئت مدیره شرکت سهامی چاپ که ریاست ومدیریت عامل آن دراین موقع با مرحوم یاسائی رئیس سابق کل تجارت بود بخرید زمین از بلدیه که بمزایده گذارده شده بود اقدام نمود ودر مقابل قورخانه عمارت فعلی روزنامه وچاپخانه را پی ریزی کردند لکن فوراً بنقص سرمایه برخوردند ومعلوم شد که سرمایه یکصدهزار تومان هرگز کافی برای ساختمان بزرگی که سازمان روزنامه اطلاعات ونشریات وابسته بآن را کفایت کند وچاپخانه جدید درآن نصب گردد نیست، این بود که درسال دوم شرکا دعوت شدند ومطلب درمیان گذاشته شد وباوجود اینکه هنوز روزنامه ای دیده نمیشد که اطمینان بخش باشد معهذا روی اعتماد واطمینانی که شرکاء داشتند سرمایه را به دوبرابر یعنی دویست هزار تومان بالا بردند وهیئت مدیره توانست ساختمان بزرگ فعلی را برای روزنامه وچاپخانه بسازد وبخرید ماشین بزرگ روتاتیو اقدام نماید مساعی وزحمات مرحوم یاسائی دراین باره قابل تقدیر میباشد .

این نکته را نیز باید یاد آورشد کـه پیشنهاد خرید ماشین روتاتیو درآن روز ازجانب آقای جواد مسعودی رسید ایشان چندسال بود دراروپا ابتدا بتحصیل وسپس بکار تجارت اشتغال ورزیده بود وروی سعی و فعالیت خود تجارت دراروپا وبین چند کشور اروپائی را توسعه داده وبصادرات قالی ایران پرداخت وموفقیت های شایسته ای بدست آورد وحتی چاپخانه بزرگی در بلژیك تاسیس نمود وسالها کار میکرد ودرهمین موقع بود کـه برای کمك بروزنامه اطلاعات ماشین روتاتیو باادوات آن را از بلژیك خرید وبایران حمل نمود ومتخصصی نیز از آن کشور اعزام داشت که ماشین را نصب نماید. آقای جواد مسعودی تمام قیمت ماشین را ازسرمایه خود پرداخت وبعد ها بااقساط طولانی ازشرکت سهامی چاپ دریافت نمود وقسمتی ازقیمت ماشین را نیز سهم برداشت ودرحقیقت کمك مالی وفکری او دراین کار بسیار مؤثر ومفید بود .

معاملات روزنامه اطلاعات باشرکت سهامی چاپ از روز اول براساس یك مشتری خوب ریخته شد. با اینکه آقای مسعودی خود دراین مؤسسه سهامدارند و پیوسته عضو هیئت مدیره بودند و برادر ایشان نیز عضو هیئت مدیره وچندی مدیر عامل بود معهذا درصدد برنیامدند از موقعیت خود سوء استفاده نموده نظری جز حق وانصاف وعدالت در شرکت چاپ تعقیب کنند .

عمارت روزنامه اطلاعات ازروز اول اجاره بندی شد وهرچندیکبار دراجارهٔ آن تجدید نظر گردید و کلیه نشریات مؤسسه اطلاعات روی قیمت عادلانه ای که مشتریان خارج می پردازند ازطرف روزنامه بشرکت پرداخته شده وحالاهم بهمان طرز عمل میشود بنابراین برخلاف تصور بسیاری ازمردم که این دستگاه بزرگ را متعلق بشخص آقای مسعودی وروزنامه اطلاعات میدانند این عمارت و چاپخانه وسیع وسازمانهای فنی متعلق بکسانی است کـه سهام شرکت چاپ را دردست دارند که آقای مسعودی هم یکی ازشرکاء وصاحبان سهام میباشند .

علی منصور وزیر طرق تحت تعقیب قرار گرفت: بر اثر گزارشاتی که از وضعیت وزارت طرق و سوء استفاده در ساختمان راه‌آهن بشاه فقید رسید ، شاه سخت عصبانی گردید و دستور داد آقای منصور وزیر طرق پست خوذ را بمرحوم مجیدآهی واگذار نماید وموضوع تعقیب شود . آقای صدروزیر عدلیه در جلسه ۵ بهمن ۳۱٤ از مجلس تقاضای محاکمه منصور را طبق قانون محاکمه وزراء نمود و کمیسیون دادگستری پیشنهاد وزارت دادگستری را در تاریخ ۲۸ اسفند همان سال به مجلس تقدیم ومجلس هم تصویب نمود و موضوع بدیوان‌عالی تمیز ارجاع گردید.

طبق راپرت کمیسیون عدلیه عده ای متهم بسوء استفاده تشخیص‌شدند که از جمله سر لشکر محمد حسین آیرم رئیس سابق نظمیه بود که چون باو دسترسی نبود محاکمه اوصورت‌نگرفت ولی‌سایر متهمین تحت محاکمه درآمدند و عده‌ای محکوم بپرداخت غرامات وحبس گردیدند وعده ای هم‌تبرئه شدند وخود آقای منصور هم‌از کسانی بود که پس ازچند جلسه محاکمه علنی از اتهامات وارده تبرئه گردید. محاکمه‌متهمین طرق بسیار جالب بود وچندین روز با حضور هزارها نفر جمعیت جریان داشت وپس ازآنکه منصور تبرئه‌شدمراتب از وزارت عدلیه بمجلس شورایملی تحت‌مراسله‌ای اعلام گردید

اولین جشن نوروز با لباس تمام رسمی — روز اول سال ۱۳۱۵ اولین جشن‌نوروز ملی بود که تمام طبقات بالباس های رسمی که امروز معمول است درکاخ برلیان حضورشاه فقید شرفیاب شدند. استادان وقضاة نیز بالباس های مخصوص خود از این سال دراعیادوسلام شرکت جستند — رئیس‌الوزراء رجال ونمایندگان مجلس واعضاء اطاق تجارت وانجمن شهر بالباس ژاکت وکلاه بلند — اعضای عالی‌مقام ادارات ؟ وزیران بالباس های ملیله دوزی وکلاه پردار — قضاة واستادان هم درلباس بلند وگشاد و کلاه منگوله دار و سردوشی‌های ملیله دوزی ورنگ‌های مختلف که‌اختلاف رنگ حکایت از اختلاف شغل ومقام هریک از دستجات می‌نمود — درهمین نوروز بود که آقای ظهیرالاسلام هم از سلک‌روحانیون بالباس ژاکت و کلاه بلند در مراسم سلام جزو رجال‌شرفیاب شدند.

اطلاعات جمعه‌ها منتشر میشود: روز ۲۸ فروردین ۳۱۵ این آگهی در اطلاعات جلب توجه می‌نماید:« همانطورکه روزنامه در همه جای دنیاروزهای تعطیل هفته نیزمنتشرمی‌شود روزنامه اطلاعات‌هم ازهفته آینده روزهای جمعه‌مثل سایرایام انتشارخواهد یافت» ودر شماره بعد چنین نوشت: «ماهم‌بادنیاپیش‌میرویم وباید پیش برویم.هرکس بسهم‌خوددراین‌راه بایدکار کند ودرترقیات روز افزون کشور کمک نماید. این‌حس‌وظیفه شناسی است که‌کارمندان روزنامه اطلاعات را وادار میکند بانهایت صمیمیت و خلوص نیت احتیاجات کشور و رغبت و توجه مردم رادرنظرگرفته تعطیل را برخود حرام ساخته وباوجود مشکلات‌زیادی که انجام این‌کاردر برداردروزهای جمعه‌رانیز مثل‌سایرایام اطلاعات راتقدیم‌هم‌میهنان عزیزنمایند ، تا همه روزه خوانندگان گرامی درجریان‌حوادث‌داخل‌وخارج کشورقرار گیرند»

این تصمیم اطلاعات‌هم مثل‌سایر تصمیماتش صورت‌عمل بخود گرفت واطلاعات مرتبا هرهفته عصر جمعه‌ها انتشار یافت تاتاریخ۱۷ آذر۱۳۲۱ وبلوای معروف که تمام‌جراید منجمله اطلاعات ونشریات وابسته بآن توقیف‌گردید .دولت‌مایل نبوددیگر اطلاعات‌منتشرشود ولی‌فشار افکارعمومی وتوجه نمایندگان مجلس شورایملی سبب‌شد که اطلاعات منتشرشود امابشرط . یکی‌ازآن شرایط این بود که روزهای جمعه اطلاعات منتشرنشودزیرا دراین‌روز مجله‌هفتگی اطلاعات‌انتشارمی‌یابد .

اداره‌اطلاعات ناگزیربود روی‌تصمیم غیرمنطقی دولت‌آقای‌قوام، یااطلاعات جمعه‌را تعطیل کند یا هفتگی‌را. این‌بود که اطلاعات روزهای جمعه علی‌رغم میل‌کارمندان زحمتکش اطلاعات که برای‌انتشار روزجمعه واقعا فداکاری می کردند تعطیل گردید وچون شالودهٔآن بهم‌ریخته شد بعدها که اشکال تراشی وجود نداشت دیگراین توفیق برای‌ما دست‌نداد که بانتشاراطلاعات جمعه مبادرت ورزیم .

عمارت جدید بانک‌ملی: روزسوم اردیبهشت ۱۳۱۵ بوسیله اعلیحضرت‌فقید افتتاح‌یافت . دراین‌موقع آقای‌امیرخسروی رئیس‌بانک بود که درقسمت‌های مختلف توضیحات میداد.

شاه دراین‌روز محل‌ذخیرهٔ طلاونقره رابازدیدکرد وازانتشار اسکناس‌های جدیدبانک که دوماه بعدبجریان افتادسئوال‌نمود ودستورات اکیدی‌برای‌حفظ پشتوانه اسکناس وجلوگیری ازافراط وتفریط وحفظ توازن‌وتعادل پول رایج کشور صادرنمود .

راه‌آهن از شمال بتهران نزدیک میشود: روز ۱۴ اردیبهشت اعلیحضرت فقید باتفاق علیاحضرت ملکه ووالاحضرت شاهدختها درفیروزکوه سوارواگون سلطنتی‌شده بسمت شاهی حرکت‌نمودند و بدین‌ترتیب یکصدوسی کیلومتر مشکلترین راه خط شمال را که از کوهستانهای سخت میگذشت ومهمترین پل‌ها وتونل‌ها درشکم کوهها ساخته شده‌بود افتتاح گردیدوراه‌آهن فیروزکوه به‌بندرشاه متصل‌شد.

تا آنروز هیچکس جرئت نمیکرد باراه‌آهن شمال مسافرت نماید زیرا اولا هنوز جنبهٔ آزمایشی داشت وساختمان آن کامل‌نبود علاوه عبورقطار از قله‌کوههای مازندران وازشکم کوهها وازبین دره‌های‌هولناك جرات وجسارت میخواست وشاه‌فقید اولین کسی بود که قطارمسافری شمال‌را براه‌انداخت وخودآن‌را رسماافتتاح نمود بعدها درباره‌آن‌خارجیهاارزش بسیاری‌قائل شدند وآن‌رایکی ازشاهکارهای ساختمانی جهان دانستند.

آقای‌مسعودی‌که دراین مسافرت همراه‌شاه‌فقید بود یادداشت های جالب‌توجهی ازمسافرت خود در اطلاعات منتشر کرد ازجمله هنگام توقف درفیروز کوه گفت وشنید خودرا باآقای مهندس ورتوسی چنین منعکس ساخته است: آقای مهندس گفت: ده سال پیش یعنی‌درسال ۱۳۰۵ متصدی ساختن راه شوسه تهران بمازندان شدم چون‌راهی جز راه قاطررو وجودنداشت درآن‌روز مردم فیروز کوه از ادوات نقلیه سریع هیچ چیزندیده بودند زیرا وسیلهٔ حمل‌ونقل غیرازقاطر دراین کوهها چیزی‌نبود روزهای‌اولی که‌دستجات عملجات‌مأوارد قصبه‌شده وباچرخ‌های دستی خاك‌برداری میکردند مردم کوچك وبزرك هرروز دور این چرخهارا گرفته و باکمال تعجب عملیات جاده سازی مارا تماشا میکردند وحالا که صدای سوت لکوموتیورا می‌شنوند حق دارند غرق‌بهت وتعجب شوند که چنین‌انقلابی درمحیط زندگی ده‌سالهٔ آنها پیداشده است.

درراه گدوك وعباس‌آباد: مدیراطلاعات دریادداشت خودتحت عنوان فوق بتاریخ ۹ اردیبهشت ۳۱۵ مینویسد: «قطاردرپستی وبلندی کوهها پیش‌میرفت ودر هرچرخی که لکوموتیو روی خط‌آهن بخود میدادو واگونهارا بدنبال‌خود میکشانید نشان میداد چگونه نقاطی که تاچندسال پیش‌بشر بدان استیلا نیافته بود اکنون تحت‌تسخیر هنروصنعت قرار گرفته ومی‌بینیم‌چگونه‌دره‌های عمیق‌فواصل‌خودرا بهم نزدیك‌میکنندو کوهها شکم بازمی‌ نمایند، سنك‌های بزرك خوردشده اند تاقطاربتواند بسهولت ازآن‌عبورکند واین‌زیبائی وجمال طبیعت آشکارگردد، این‌پل‌ها، تونل‌ها، خطوط مارپیچی خط‌آهن اعجازاراده وهمت‌را درشاهکارهای مهندسی‌وفنون بزرك‌ریاضی ومیکانیك ظاهرساخته است»

ازیادداشت روزبعد: «.... همه‌درجلوی پنجره‌ها غرق تماشای‌طبیعت وصنعت بودند وازدیدن آنهمه بدایع ومناظرجالب لذت می‌بردند. مسیو ماکلین: مسیوورابسویچ. بیائیداینجا، بیائید در ایوان این کوهستانهائی را که‌شبها وروزها درآن‌زندگی میکرده‌اید تماشاکنید. این‌صدای آقای حسن شقاقی بود که از ایوان ترن،ماکلین نقشه‌برداروورابسویچ پهلوان تونل‌سازی وسازنده‌پل‌ورسك‌را دعوت بتماشای مناظرمیکرد وآنها خاطرات خودرا شرح میدادند»

«.... ارتفاع شاهی بسطح‌دریا بیش‌از پنجاه متر نیست و راه‌آهن در یکـی از تونلها ۲۰۶۲متر اوج می‌گیرد وازشکم کوه میگذرد، دربعضی کشورها ترن‌موقع‌اوج گرفتن روی‌دنده حرکت‌میکندوترن‌های کوهستانی بکارمی‌افتد ولی شاهکارصنعتی‌راه‌آهن‌شمال‌اینست که‌تشیب‌هاطوری‌مناسب گرفته‌شده‌و باپیچ وخم‌آن‌بلندی‌را گرفته‌اند که‌ترن درکمال‌راحتی ارتفاعات‌راطی‌میکند»

مراجعت ولیعهدایران‌از اروپا: روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ولیعهد ایران که‌برای تحصیل بسویس اعزام‌شده بودند بتهران‌ورودنمودند. درآن‌روز اعلیحضرت‌فقید برای‌استقبال‌والاحضرت‌بکرج‌رفته بودند. هیئت دولت ونمایندگان‌مجلس‌و رجال‌هم دعوت‌شده‌بودند. همینکه‌ولیعهد ازاتومبیل‌پیاده‌شد شاه فقید که پنجسال‌دوری اورا تحمل‌نموده بود اورا دربغل‌گرفت وبوسید واز خوشحالی می‌خندید وبابشاشت ومسرت‌خاصی‌یك‌یك مستقبلین را بوالاحضرت‌معرفی‌نمود.مردم درخارج‌شهرو داخل‌خیابانها اجتماع‌نموده‌بودند بخصوص‌شاگردان مدارس‌با دسته های‌گل‌درخط سیرقرارداشتند. شاه‌فقید و ولیعهد دراتومبیل‌زرد رنك روبازی قرارگرفته‌بودند وباین‌ترتیب‌وارد شهرشدند تا تمام‌مردم ولیعهدرا ببینند.وقتی‌شاه و ولیعهد واردقصرشدند اجتماع‌زیادی‌دربیرون قصر کف‌میزدند و اظهار شعف مینمودند وشاه باتفاق والاحضرت ازقصرخارج‌شده جلوی مـردم چند دقیقه ایستادند ومردم همچنان اظهارمسرت وشادی‌میکردند.

چندی‌بعد والاحضرت‌برای‌تکمیل‌تحصیلات وارد دانشکده‌افسری‌شدند وبدرجه‌افسری نائل‌گردیدند وشاه‌فقید ایشان‌را درامورلشکری‌دخالت‌میدادند وپیوسته ولیعهدرا در جریان امورکشوری‌نیز میگذاشتند ودرتمام مراسم ایشان‌راشرکت‌میدادند.

اطلاعات و کلاس های اکابر : در آخر خرداد ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که کلاس هائی برای آموزش بزرگسالان دایر نماید. روزنامه اطلاعات قبل از این تصمیم مکرر در باره باسواد کردن مردم مقالات می نوشت و همینکه دولت تصمیم مزبور را گرفت این تصمیم را با مسرت و شعف استقبال نمود و بوزارت فرهنگ اطلاع داد که حاضر است برای هر کلاس اکابر یک شماره روزنامه مجانا ارسال دارد. صورتیکه وزارت فرهنگ باداره روزنامه اطلاعات فرستاد برای ۷۵۲ کلاس در تهران و کلیه شهرستانهای دور و نزدیک بود و اداره اطلاعات باین وعده وفا کرد و مادام که کلاس های اکابر دایر بود مرتبا از هر شماره اطلاعات برای مطالعه و تشویق بزرگسالان می فرستاد که زمانی نزدیک بهزار نسخه رسید بدون شک این عمل روزنامه اطلاعات خسارات مالی زیادی در برداشت لکن چون مدیر اطلاعات معتقد بود که هر قدر مردم باسواد شوند قدمی بسوی ترقی کشور برداشته خواهد شد نسبت باین موضوع علاقه فراوان ابراز میداشت بعلاوه میگفت که هر قدر در این راه کمک شود و مردم باسواد شوند بر تعداد خوانندگان جراید افزوده میشود و این خود بالمآل برای توسعه مؤسسه اطلاعات نیز مفید است منتها روزنامه مجانی برای کلاسهای اکابر فرستاده شد و از این راه اداره اطلاعات به باسواد کردن مردم کمک مؤثر نمود ، زیرا در بسیاری از کلاسها پس از درس روزنامه اطلاعات خوانده میشد و تمام بزرگسالان با روزنامه و اخبار جهان و جریان امور مملکت خود [illegible] میکردند و با اوضاع روز آشنا میشدند علاوه بر این اداره اطلاعات اعلان کرد که فارغ التحصیل های [illegible] [illegible] در مدت اشتغال در کلاس اکابر را در دست داشته باشند صدی چهل قیمت آبونمان روزنامه تخفیف داده میشود و از این راه نیز بتوسعه و پیشرفت کلاس های اکابر کمک نمود

اطلاعات در سر مقاله شماره ۳۰ خرداد ۱۳۱۵ مینویسد « تصمیم دولت برای مبارزه با بی سوادی و قلع و قمع ریشه جهل و نادانی شایسته تحسین است اشخاصی که بی سوادند [illegible] هیچ [illegible] میتوانند در این کلاسهای شبانه وارد شوند و خواندن و نوشتن و یک دوره حساب (چهار عمل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]) بیسوادا چار آ در این کلاسها باید خواندن و نوشتن را یاد بگیرند .

سپس اطلاعات علاوه میکند که [illegible] در دنیای امروز [illegible] جهل و نادانی نیست و ما هرچه با نمایش [illegible] اهمیت سواد داشتن [illegible] [illegible] [illegible] است که [illegible] قوانین و نظامات موضوعه کشور احترام گذارد و وظایف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و این میسر نخواهد بود مگر اینکه مردم باسواد باشند [illegible] دارای [illegible] [illegible] هر [illegible] و [illegible] و توانائی در سایه آن حاصل میشود . »

اطلاعات ستون مخصوص [illegible] [illegible] کرد و در هر شماره [illegible] [illegible] [illegible] بیسوادان بکلاس های اکابر می نمود .

جشن ده ساله روزنامه اطلاعات : روز سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۱۵ [illegible] [illegible] عمارت جدید البنای شرکت سهامی چاپ (محل روزنامه اطلاعات و چاپخانه) به بهترین طرزی تزئین شده [illegible] و قالیچه و پرچم ملی آرایش یافته بود روزنامه اطلاعات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وضمنا افتتاح عمارت جدید شرکت سهامی چاپ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] در این مراسم حضور یافته بودند و بسیاری از وزیران ورجال و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] داشتند .

مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی در [illegible] [illegible] گفت همانطور که علم ودانش دارای مقام رفیعی است وسائل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] تقدیر و تعظیم میباشد روزنامه ها ومجلات وکتب موجباتی است که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است که مطبوعات مایه ترقی و تکامل رامی پیمایند و با قلم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وقایع و احوال جهان و کشور آگاه و روشن میسازند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] برای مقصود دیگری از [illegible] توهین و تضییع اشخاص خودداری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آقای مسعودی در پیشرفت روزنامه متین و شریف اطلاعات که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و هیچ مقصود و منظوری جز خدمتگذاری و توسعه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] که بجا آورده ام شخصی است با اخلاق نیک و رفتار شایسته که کمال [illegible] را دارد و [illegible] [illegible] [illegible] آرام دارد باطنی پر از حقیقت و [illegible] و مراقبت دارا است و در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و برای پیشرفت و ترقی کار نامه نگاری خود اهتمام می نماید ، [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] محترم با سرمایه

در پائیز سال شروع بساختمان و وارد کردن ماشین جدید روتاتیو نموده که در یکساعت کار ۲۴ ساعت را انجام میدهد خود خدمت بزرگی است که آقای مسعودی در راه تکامل کار چاپ انجام داده‌اند و روزنامه اطلاعات را از دو صفحه کوچک روی مساعدت خود و توجه و حسن استقبال مردم باین پایه رسانیده‌اند که اکنون چندین هزار نسخه در ۸ صفحه منتشر می شود بعلاوه ژورنال دو تهران را دائر کرده‌اند که خود خدمت دیگری است بکشور از لحاظ آگاه ساختن خارجیان باوضاع و احوال مملکت همچنین مجله اطاق تجارت و مجله جمعیت طرفدار جامعه ملل را اداره می کنند که بنده لازم می دانم از طرف خودم و از طرف حضار محترم از ایشان قدردانی و اظهار امتنان نمایم . »

بعد آقای مسعودی از بیانات تقدیرآمیز ریاست مجلس سپاسگزاری نموده و جریان ده سال روزنامه نگاری خود را باطلاع حضار محترم رسانیده و گفت : « مؤسسه و تشکیلاتی که از روز اول بمنظور خدمتگذاری بمیهن ایجاد شده متعلق بکشور می باشد و همینکه ده سال از عمر آن گذشت و آن مؤسسه و تشکیلات دوام کرد دیگر وجهه انتفاعی نداشته و متعلق بملت و مملکت است، من علاقمندم که این روزنامه را بمنظور خدمت بمعارف و راهنمائی و روشنائی افکار عامه توسعه دهم و نواقص آن را رفع کنم و امیدوارم باتوفیق الهی و حسن توجه و استقبال روزافزون هممیهنان عزیز بتوانم این منظور نائل شوم و آنرا برای ملت ایران مفید سازم. شرکت سهامی چاپ که بدان اشاره فرمودند با شرکت پنجاه و پنج نفر از آقایان تجار و علاقمندان تشکیل گردید که اولین هدف تاسیس این شرکت ساختمان همین بنای بزرگ و نصب ماشین روتاتیو بود که تا چند دقیقه دیگر حضار محترم بازدید خواهند فرمود . »

پیش‌آهنگی توسعه یافت : چندماه پس از بازگشت والاحضرت ولیعهد از اروپا برای تشویق پیشاهنگی در ایران ولیعهد لباس پیشاهنگی در بر نمود و در تمام جشن‌ها و مراسم پیشاهنگی شرکت می‌فرمود، از آن پس تشکیلات پیشاهنگی تحت ریاست عالیه ایشان رو بتوسعه و کمال گذاشت و اردوی تابستانی پیشاهنگان درمنظریه اهمیت یافت و یکنفر مربی ورزش امریکائی بنام (گیبسن) استخدام شد که توسعهٔ زیادی در امر پیشاهنگی داد — رفته رفته موضوع درختکاری بین پیشاهنگان و سایر محصلین اهمیت پیدا کرد هر سال یك روز در تمام کشور جشن درختکاری منعقد میشد و بدین وسیله امر باغداری و درختکاری بین اطفال ترویج می‌یافت ولی چون بیشتر این ورزش‌ها و آداب و رسوم با تظاهرات توام میگردید تاثیر عمیق در اطفال نمی بخشید و بهمین جهت هم ریشه و اساس محکم نیافت

مسافرین خارجی در اداره اطلاعات — پس از آنکه روز نامه اطلاعات در محل فعلی مستقر گردید و سازمان آن آبرومند و وسیع گشت دعوت‌هائی از مسافرین مهم خارجی که بایران می آمدند میشد تا تشکیلات روزنامه و چاپ را تماشا کنند . این دعوت‌ها علاوه بر دیدارهائی بود که نمایندگان مطبوعات خارجی می نمودند، چه هر ماه خبرنگار و یا نماینده روزنامهٔ خارجی بایران می‌آمد و حتما از اداره اطلاعات و مدیر این روزنامه دیدن می کرد و از طرف کارمندان اطلاعات پذیرائی میشد .

اولین دعوت از رجال مهم خارجی ، دعوتی بود که از وزیر دربار یمن شد و درحقیقت دعوت‌های رسمی روزنامه اطلاعات از اشخاص مهم ممالک کشور اسلامی شروع گردید. آقای سید محمد زبارهٔ حسنی وزیر دربار یمن روز ۱۴ شهریور ۱۳۱۵ باتفاق منشی مخصوص خود و آقای عباس صیقل عضو سفارت شاهنشاهی بغداد در اداره روزنامه اطلاعات حضور یافتند و پس از پذیرائی تمام قسمت‌های روزنامه و شعب مختلف چاپ را بازدید و از پیشرفت و ترقی و توسعه سازمان اطلاعات و بخصوص دیدن ماشین جدید روتاتیو و چگونگی چاپ روزنامه اظهار خوشوقتی نمود.

وزیر دربار یمن مدت یکماه در ایران بسر برد و مسافرتی بنقاط ایران نمود و حامل پیام دوستانه از طرف اعلیحضرت پادشاه یمن برای اعلیحضرت همایونی بود.

از آن بعد بتوسط خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات خارجی در اداره اطلاعات حضور یافته و مورد پذیرائی کارمندان روزنامه قرار میگرفتند و مؤسسه ای که بیش از همه مورد توجه و علاقه همکاران خارجی ما بوده مؤسسه اطلاعات میباشد و بهترین قسمت آنها ساعتی است که در این مؤسسه میگذرانند.

دکتر متین دفتری وزیر عدلیه شد: آقای دکتر متین‌دفتری در زمان وزارت آقای صدرالاشراف معاونت وزارت عدلیه انتخاب گردید و چون ایشان سمت ریاست دارالانشاء جمعیت طرفدار جامعه ملل را داشتند اواخر شهریور ماه طبق دعوت رئیس دارالانشاء اتحادیه جمعیت‌های طرفدار جامعه ملل عازم ژنو شدند همینکه وارد اروپا گردید تلگرافی بایشان رسید که فوراً بتهران مراجعت نماید روز ۵ مهر ۱۳۱۵ وارد تهران گردید بسمت وزارت عدلیه بجای آقای صدر مشغول کار شدند ایشان در این پست بودند تا بعد که بریاست وزرائی انتخاب و چندی نیز در پست مزبور انجام وظیفه نمودند.

شاه فقید و مسافرت ولیعهد باطراف کشور: اعلیحضرت فقید مصمم بود ولیعهد را در جریان امور کشور بگذارد و بهمین منظور در پائیز همان سالی که والاحضرت از اروپا بازگشت نمودند مسافرت اطراف کشور را شروع نمودتا ولیعهد بتمام نقاط آشنا گردد اولین مسافرت شاه‌فقید و ولیعهد روز ششم مهر ۱۳۱۵ بآذربایجان شروع گردید در تمام شهرهای عرض راه استقبال بزرگی معمول گردید طاق‌های نصرت برپاشده بود و در هر شهر نمایشگاه کوچك و بزرگی که از امتعه و محصولات آن منطقه ترتیب داده شده بود بازدید میکردید که هم تشویق مردم بوده و هم والاحضرت ولیعهد باوضاع عمومی کشور و میزان و چگونگی محصول هر نقطه آشنا میشدند در تمام شهرها قبل از هر چیز از محصول و موادخام و صنایع آن نقطه پرسش می‌نمودند و برای بهبودی و پیشرفت آن دستورات جهت ایجاد تسهیلات لازم میدادند و بازرگانان را تشویق بصدور امتعه خود بخارج می‌نمودند.

ملاکین هم کمك کنند: در هر شماره اطلاعات ستونی مخصوص اکابر از شده بود که در این ستون مطالب مربوط بکلاس های اکابر چاپ میشد و روزنامه بعناوین و مضامین مختلف مردم را دعوت میکرد که بیسوادان را بکلاسها راهنمائی کنند در شماره ۹ مهرماه در این ستون تحت عنوان مالکین هم کمك کنند مینویسد: «چه ضرر دارد که ملاکین هم یك یا دو نفر از رعایای جوان بیسواد خود را بشهر طلبیده روزها را در خدمت خود نگاهدارند و شبها آنها را بکلاس اکابر بفرستند تا سواد پیدا کنند وظیفه میهن‌پرستی با قایان ملاکین حکم میکند این پیشنهاد را مادام که کلاسهای شبانه در دهات و قراء و قصبات دایر نشده است بپذیرند و توجه نمایند که باسواد کردن یك یا دو نفر دهاتی در حکم احیاء نفس و زنده کردن آنها بوده و سعادت جمعی را بدینوسیله تامین خواهند کرد.

تشکیل نمایندگی های اطلاعات در ولایات: روزنامه اطلاعات از سالهای دوم و سوم بشهرستانها توجه کرد و با انتخاب خبرنگاران و نمایندگانی برای انتشار روزنامه در ولایات اقدام نمود و هر سال در این راه قدم تازه‌ای برداشت تا بتدریج در نقاط مهم ایران نمایندگی‌های اختصاصی دایر شد ــ این نمایندگی‌ها در مراکز مهم کشور دارای سازمان کاملی بود. تشکیلات آن در دفتر نمایندگی از مورعین چرخ‌سوار و روزنامه فروشها و خبرنگار با تمام لوازم کار حتی تلفن و بعدها دوربین عکاسی مجهز میشد ــ بسیاری از جوانان باذوق و دوستان علاقمند ما در شهرستانها آمادگی خود را برای قبول نمایندگی و مخبری اطلاعات اعلام داشتند ــ چندین نماینده از بین باذوق‌ترین اشخاص در تهران انتخاب و با لوازم کامل ببعضی از شهرستانها اعزام شد و رویهمرفته بتدریج در کلیه نقاط کشور سازمان کوچك و بزرگی بنام روزنامه اطلاعات داده شد.

هیئت اعزامی: در تاریخ ۲۵ مهر ۱۳۱۵ هیئتی از کارمندان اطلاعات بریاست مرحوم جهانگیر جلیلی نویسنده دانشمند و ناطق زبردست و عضویت چندتن خبرنگار و عکاس و نویسنده اطلاعات بقصد ترویج روزنامه و تکمیل سازمانهای اطلاعات از تهران حرکت کردند و جریان مسافرت خود را مرتبا باداره گزارش میدادند در روزنامه درج میشد.

هیئت اعزامی روزنامه اطلاعات از شهر قم شروع نمودند و تمام شهرهای جنوب و خوزستان را بازدید کردند در همه شهرها مردم هیئت اعزامی اطلاعات را حسن استقبال نمودند و از آنها پذیرائی کردند و نویسندگان اطلاعات را در جریان حوادث و وقایع شهر خود قرار دادند ــ کارخانجات، بنگاهها، مؤسسات ملی خود را با آنها نشان دادند و توجه نمایندگان اطلاعات را بنواقص امور خود جلب می نمودند ــ در مجالس سخنرانی که از طرف هیئت اعزامی اطلاعات در هر شهر تشکیل میشد ازدحام می نمودند و احساسات خود را نسبت بروزنامه اطلاعات ابراز میداشتند

جلسات سخنرانی هیئت اعزامی اطلاعات خیلی اهمیت پیدا کرد. همه جا مردم استقبال کردند و تشکیل این مجالس سبب شد که مردم ایران با روزنامه اطلاعات بهتر و بیشتر آشنا شوند و همین اقدامات موجب افزایش قابل توجهی در انتشار اطلاعات در شهرستانها گردید.

اداره اطلاعات همه گونه تسهیلات فراهم آورد که مردم با مطبوعات سروکار پیدا کنند در اقصی نقاط کشور

رحتی درقراء وقصبات شعبه نمایندگی وخبرنگاری دایر نمود وباتوزیع روزنامه مجانی درابتدای امر این مردم توجه طبقات را بیرون از مملکت وخواندن روزنامه معطوف ساخت و کم کم مردم باوضاع کشور ازروی مندرجات اطلاعات آشنا شدند وحال آنکه قبل ازاین اقدامات، مردم دور از پایتخت وساکنین کنار دریای فارس وبسیاری ازشهرستانهای جنوب باروزنامه سروکار نداشتند واز اوضاع واحوال عمومی کشور بی اطلاع بودند — این اقدامات که بسرعت وتحت اصول منظم ومرتبی تعقیب میشد انتشار اطلاعات را درتمام نقاط ایران عمومیت داد وروز بروز افزایش یافت وخود وسیله باسواد شدن وانس گرفتن بمطبوعات شد ودرحقیقت پایه علاقمندی مردم مملکت بروزنامه ومجله از آنزمان ریخته شد وامروز که با کمال مسرت می بینیم مطبوعات کشوردرهمه شهرها خواننده وعلاقمند دارد وروزی چندین دههزار روزنامه ومجله چاپ وهمه جا منتشر میگردد قسمت مهم این ترویج و تکامل نتیجه کوشش وزحماتی است که درظرف یک ربع قرن اطلاعات متحمل گردید والا همه میدانند که قبل ازاین مدت میزان انتشار کتب وروزنامه ومجله بسیار ناچیز بود .

امروز کارمندان این روزنامه مفتخرند که چنین موفقیتی را بدست آوردند ودرراه روشنائی افکار عامه وهدایت وراهنمائی مردم ازراه ترویج نشریات روزنامه قدم برداشتند. وبدون شک چندصدهزار نفرخواننده درظرف این مدت درمملکت بوجود آوردند واین بزرگترین خدمت مطبوعاتی است که کارمندان صدیق وخدمتگذار اطلاعات باین مملکت انجام داده اند وهمانطور که درجای دیگر ذکر شد پس از شهریور ۲۰ تمام این وسایل باطیب خاطر دراختیار سایر جراید ومجلات که تازه قدم بعرصه وجود میگذاشتند گذاشته شد، نمایندگان اطلاعات درهمه جا دراختیار بسیاری ازمطبوعات که باداره اطلاعات مراجعه میکردند با کمال خلوص وحسن نیت گذارده شد وچنانچه ملاحظه گردید در ترویج وتوسعه همه روزنامه ها کمک شد واین هم یکی ازافتخاراتی است که کارمندان اداره اطلاعات سهم بزرگی از آن دارند

والاحضرت سردارشاه محمودخان دراداره اطلاعات: عموی پادشاه کنونی افغانستان والاحضرت سردارشاه محمودخان صدراعظم ووزیرجنگ افغانستان روز ۱۱ آبان ۱۳۱۵ باتشریفات رسمی واردتهران شدند وپس ازدوهفته توقف درایران که مهمان رسمی اعلیحضرت فقید بودند ازراه مازندران و گرگان ایران را ترک نمودند. رئیس ستاد ارتش افغان نیز همراه والاحضرت شاه محمودخان بودند.

برنامه جامعی برای پذیرائی ایشان تنظیم شده بود وچندبار باشاه فقید ووالاحضرت ناهار وشام صرف نمودند. تمام مؤسسات مهم کشوری ولشکری را دیدن نمودند ودرضمن بازدید مؤسسات فرهنگی درتهران عصرروز ۱۶ آبان اداره روزنامه اطلاعات وشعب آن را نیز بازدید کردند . البوم عکس یادگار مسافرت ایران تقدیم ایشان شد و پذیرائی شایسته ای در اداره روزنامه ازمهمانان عالیقدر افغانی بعمل آمد. آقای بهمن سفیرکبیر ایران درکابل وآقای نوری اسفندیاری رئیس تشریفات وزارت خارجه نیز همراه مهمانان بودند.

والاحضرت شاه محمودخان پس ازبازدید مؤسسه اطلاعات دردفتر یادبود روزنامه چنین نوشتند :

«امروز که یوم شنبه ۱۶ آبان ۱۳۱۵ است برای ملاحظه مطبعه وروزنامه شریفه اطلاعات حاضر شدم بدیدن مطبعه مزبور که یکی ازعوامل بزرگ خدمات دولت وملت ایران عزیز است خورسندی تام حاصل گردید. واین ترقیات روزافزون که برای ملت عزیز ایران حاصل است ازاثر توجهات بیش قیمت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است. درخاتمه میگویم زنده باد اعلیحضرت همایونی وترقی باد حکومت وملت عزیز ایران - شاه محمود وزیرحربیه افغانستان»

کارخانجات قندسازی باز میشد: ساختمان کارخانجات قند سازی یکی پس ازدیگری خاتمه می یافت و آماده برای بهره برداری میشد وبوسیله رئیس الوزراء ویا رئیس کل صناعت مراسم افتتاح انجام می گردید - چنانچه هنگام افتتاح کارخانه قندسازی آبکوه مشهد آقای جم باتفاق رئیس کل صناعت که درآن موقع آقای سرلشکر جهانبانی بودند عزیمت نمودند ووقتی کارخانه قندسازی میاندوآب افتتاح می یافت فقط رئیس کل صناعت شرکت نمود . خبرنگاران روزنامه اطلاعات درشهرستانها پیوسته دراین مراسم حضور می یافتند وجریان وقایع را باعکسهای مربوطه بضمیمه احساسات مسرت انگیز مردم بروزنامه گزارش میدادند .

فرهنگستان لغات تازه وضع می نمود : چندی بود لغات جدید از فرهنگستان صادر میکردید ما را زحمت معمول میشد براین تصمیم فرهنگستان لغاتی هم ازخارج افزوده میشد. بالاخره فرهنگستان اعلام داشت : «فقط لغاتی که از طرف دبیرخانه رسماً به وزارتخانه ها ومؤسسات ابلاغ ودرروزنامه ها منتشر میشود رسمی است واگر ازطرف اشخاص متفرقه کلماتی انتخاب واستعمال شود یادرمجموعه های چاپی بدون اجازه رسمی منتشر گردد مربوط بفرهنگستان نبوده وبه استعمال وتقلید آن جایز نیست .»

دکتر شاخت کارشناس مالی آلمان: عصر روز شنبه ۲۹ آبان ۱۳۱۵ دکتر شاخت آلمانی بوسیله هواپیما در فرودگاه دوشان تپه پائین آمد. مرحوم داور وزیر مالیه، آقای امیر خسروی رئیس بانک و جمعی دیگر از رجال مشارالیه را استقبال نمودند ـ درین موقع اعلیحضرت فقید باتفاق والاحضرت ولیعهد بصفحات شمال مسافرت نموده و پس از انجام مراسم اسب دوانی صحرای ترکمن ببندر پهلوی رفته بودند. دکتر شاخت روز دوم ورود خود باتفاق مرحوم داور و آقای سهیلی وزیر خارجه با اتومبیل از راه قزوین عازم گیلان شدند و پس از ملاقات شاه در اداره حکومتی رشت دکتر شاخت وهمراهان از راه رامسر وجاده چالوس بتهران بازگشت نمودند. دکتر شاخت در مدت توقف خود در تهران بانک ملی ومؤسسات مختلف اقتصادی را بازدید نمود وبا عناصر اقتصادی تماس گرفت.

خبرنگار روزنامه اطلاعات همه جا با دکتر شاخت بود، وی چنین اطلاع داد که دکتر شاخت طی مسافرت خود مطالعاتی از جنبهٔ بازرگانی ومالی می نماید، استعداد کشور را از لحاظ فلاحت وصنعت مورد مطالعه قرار میدهد از دیدن گیلان ومناظر حاصلخیز وسرسبز مازندران و راهها و پلها و وسایل آبادی منطقه شمال غرق تحسین گردیده و در رامسر بمخبر اداره گفته بود: «ایران سرزمین حاصلخیز، منبع ثروت ومظهر جمال و زیبائی است، شما همه چیز را درین نقاط دارا میباشید»

دکتر شاخت درمصاحبه با نمایندگان مطبوعات تهران گفت «وقتی در آنکارا مؤسسات بانکی آنجا را بازدید میکردم دعوت دولت ایران بمن رسید. خوشوقت شدم که میتوانم از نزدیک ترقیات کشوری را که پیوسته روابط دوستانه و صمیمانه با آلمان داشته و علائق تاریخی وقومی نیز بین این دو کشور وجود داشته است ببینم مسافرت من برای دیدار کشور شما وتوسعه روابط اقتصادی بین دو کشور میباشد و بهیچوجه جنبه سیاسی ندارد. کشور شما دارای مواد و محصولاتی است که مورد احتیاج آلمان میباشد وچون کشور ایران وارد زندگی صنعتی بس مهمی شده است میتواند در این راه از صنایع آلمان در کارهای فلاحت وصنعت استفاده نماید» دکتر شاخت پس از چهار روز اقامت با هواپیمای سه موتوره خود بآلمان بازگشت نمود.

هیئت اعزامی ترکیه در تهران: روز ۶ آبان ۱۳۱۵ هیئتی مرکب از ۱۲ نفر مشاور ومتخصص در امر فلاحت وصنعت وامور مالی واقتصادی وحقوقی از وزارتخانهای مختلف ترکیه بریاست آقای جمال حسنو و معاونت آقای کمال کوپرلو که هردو بعدها بسمت سفارت کبرای آن دولت در ایران مامور گردیدند وارد تهران شدند ومورد پذیرائی گرم ودوستانه قرار گرفتند

مدیر اطلاعات در نتیجه مسافرت خود بترکیه و ارتباط با مامورین عالیمقام آن دولت هیئت اعزامی ترکیه را تجلیل بسیار نمود ومقالاتی در زمینه لزوم همکاری اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور منتشر نمود. آقای جمال حسنو درمصاحبه با خبرنگار ژورنال دو تهران که روز ۸ آبان در اطلاعات منعکس گردیده است گفت:

«ما بایران آمده ایم تا از نزدیک ترقیات این کشور را ببینیم و در راه بسط وتوسعه اقتصادیات و همکاری فلاحتی وصنعتی کوشش نمائیم، قراردادهائی منعقد سازیم که متناسب با روابط دوستانه وعلائق موجوده بین دو کشور باشد، مؤسساتی را که مابین راه دیدیم وتاثیری که همین مدت کوتاه اقامت در ما نمود بما نشان داد که ایران در مرحله ترقی قدم گذارده و آرزوی ما سعادت وترقی ملت برادر میباشد»

آقای مسعودی بافتخار آقای جمال حسنو وهیئت اعزامی ترک ضیافت مجللی در اداره روزنامه اطلاعات شام داد که در این مهمانی هیئت دولت، رئیس وعده ئی از نمایندگان مجلس وجمعی از رجال ومحترمین و سفرا و وزرای مختار و نمایندگی های سیاسی حضور داشتند وپذیرائی در محیط گرم وصمیمانه انجام پذیرفت

اعطای امتیاز نفت بکمپانی امریکائی: روز ۱۷ دی ۱۳۱۵ وزارت دارائی لایحه ای بمجلس شورای ملی تقدیم نمود که شامل دو قرارداد بود یکی برای استخراج نفت قسمتی از شرق وشمال شرقی ایران ودیگری راجع بلوله نفت بدو شرکت امریکائی

قرارداد اول مخصوص استخراج نفت ودارای ۲۹ ماده بود که طبق ماده اول آن حق انحصار برای تفتیش وتفحص واستخراج وبهره برداری نفت بشرکت ایران وآمریک واگذار میشود که مدتی با آخر سال پانزدهم از تاریخ تصویب در دو ولایت از ولایات شرق ویا شمال شرقی یک یا چند قطعه زمین بمساحتی که از یکصد هزار میل مربع تجاوز نکند انتخاب نماید بمتقاضیان معرفت الارضی منتهی پس از شصتماه باید شروع بعملیات نماید ... حق الامتیاز سالیانه مبلغ چهار شلینگ برای هرتن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران فروش میرسد ویا از ایران صادر میگردد بعلاوه بیست درصد منافعی که بسهام عادی شرکت تقسیم میشود ودر صورتیکه مبالغی که در هر سال از طرف شرکت

داده‌میشود هیچوقت نباید ازمیزان معینی که درچهار بندامتیازنامه ذکرشده کمتر نباشد و برای جلوگیری ازامکان توجه ضرر بدولت درموقع ترقی وتنزل قیمت پول انگلیس نیزمقرراتی پیش‌بینی شده بعلاوه برای مالیات بقرار ۹پنس بابت هرتن از ۶میلیون تن نفت استخراج شده و ۶پنس مازاد برآن اخذ میکردد .

رویهمرفته مواد این امتیازنامه درزمینه امتیاز نفت جنوب تنظیم گردیده ولی بعضی شرایط بهتردرآن بکاررفته بود که منافع ایران را بیشتر تامین می‌نمود .

قرارداد دیگر برای اعطای امتیاز لوله کشی برای صدورنفت بود شامل ۲۷ ماده که طبق ماده اول آن برای ساختن ونگاهداری لوله حمل نفت حق غیرانحصاری بشرکت میدهد. لوله نفت بین نقاطی که در هرقسمتی از ایران شرکت انتخاب می نماید بارعایت حقوقی که بشرکت‌های دیگر اعطاء شده ویاخواهدشد امتداد خواهد یافت شرکت حق غیرانحصاری خواهدداشت که تصفیه‌خانه ومؤسسات تلمبه ومحل ذخیره وسایرمؤسسات لازمه برای عملیات خودساخته وبعلاوه بمنظور ازدیاد استفاده ازلوله اصلی لوله‌های فرعی ایجاد ولوله اصلی را بلوله‌های عمومی و خصوصی درایران ودرممالک مجاور راتصال دهد ... الی آخر»

چندروز بعد کمیسیونهای خارجه، بودجه واقتصادمجلس شورایملی دوقرارداد امتیاز نفت ولوله کشی راتصویب نمودند وسپس درمجلس مطرح گردید ودرجلسه ۱۵ و۱۸ بهمن ۳۱۵ باتفاق آراء بتصویب رسید.

بهره‌مندی از گنج‌های کشور : اطلاعات درسرمقاله ۱۱ بهمن مینویسند : «کشور عزیزما از کشورهای پرگنج وزرخیزاست که بابکارانداختن وسایل بهره‌برداری موجبات ثروتمندی ورفاه افراد بخوبی فراهم خواهد آمد . مشکلات و موانعی که درراه ما بواسطه عدم امنیت داخلی ومشکلات خارجی وجودداشت خوشبختانه ازبین برداشته شده ومابخوبی میتوانیم از گنج های شایگان طبیعی و ثروتهای زیرزمینی استفاده کنیم وامتیاز لوله کشی نفت بشرکت‌های دیگربدهیم وحال آنکه این حق درقدیم بشرکت نفت انگلیسی جنوب داده شده بود. اعطای امتیازات مفید که رعایت حقوق ومصالح کشوردرآن کاملا بعمل آمده باشد علاوه برمنافعی که عاید دولت میدارد باعث عمران وآبادی کشور میگردد وبالنتیجه سطح زندگی افرادرا بالامیآورد وفعالیت مردم‌را زیادمیکند. دولایحه امتیاز فقط دردوولایت شرق وشمال شرق ازکارهای مفیدی است که علاوه برمرتفع کردن احتیاجات داخلی ازموادولیه، ازلحاظ تولید رقابت ودرنتیجه ارزانی موادنفتی در کشور مؤثروبرای صنعتی کردن کشور قدم بسیار مفیدی است ....»

داور خودکشی کرد : ساعت ۸ونیم صبح روز ۲۱ بهمن ۳۱۵ طبق خبری که درتمام جراید منتشرشد داور بمرض سکته در گذشت لکن آنمرحوم شب قبل پس ازفراغت ازکارروزانه وپایان جلسه هیئت وزراء بمنزل آمده وبعنوان اینکه کاردارم دراتاق پائین میماند وپس ازآنکه همه بخواب میروند مقداری لول تریاک که روز پیش ازرئیس اداره تریاک بعنوان نمونه تریاک گرفته بود نرم کرده میخورد وبالباس روی صندلی راحتی میافتد ، صبح زود خانم آنمرحوم ازواقعه مستحضرمیشود ولی معالجات مؤثرنگردیده وداور درگذشت .

اداره شهربانی طبق نظرشاه فقط نمیتوانست بگذارد که خبرخودکشی مرحوم داور منتشرشود تادر افکاروازهان مردم تفسیر گردد وایجاد توهم کند ولی این جلوگیری ازانتشار خبر بیهوده بود زیرا بفوریت موضوع روشن بود که این خبر مثل برق در شهر منتشر شد وهمه دانستند که داور بمرگ طبیعی نمرده بلکه خودکشی کرده است .

درباره این خودکشی خیلی حرفها زده‌میشد ولی حقیقت هنوز بدست نیامده بعضی میگویند فشارکار وزارت مالیه ومشکلات وسختگیری شرکتهائی که مرحوم داور تشکیل داده بود وپیوسته مورد ایراد شاه قرارمیگرفت سبب گردیده [illegible] که داوررا حساس کرده بود بزودی برحسب دستور شاه تحت تعقیب قرارخواهد گرفت و [illegible] مرحوم تیمورتاش ونصرت‌الدوله دچارخواهد شد وازاین جهت قبل ازوقوع مصیبت و کشته شدن خودرا ازبین برده [illegible] که موضوع [illegible] با گذراندن دولایحه نفت ازمجلس مربوط میدانستند زیرا مرحوم داور [illegible] واصرار شاه [illegible] بود ولی درهمه حال مرگ ناگهانی داور همه را متاثرساخت [illegible] درا [illegible] عمومی بود .

روزنامه اطلاعات عکس داوررا درصفحه اول چاپ نمود ودرزیر خبرمرگ آنمرحوم شرح مفصلی از مراتب درستی وصداقت وشرافت نفس مرحوم داورنوشت وپس از تفصیل خدمات ملی ودولتی داور اضافه کرد باوجود [illegible] که درتمام [illegible] خود [illegible] داشت هیچگاه دیده نشد که احساس خستگی ازکار [illegible] داور بی‌پرست، پاک، باعن نیت ودرمعاشرتها و آمیزشها خلیق و مهربان ومبادی آداب بود .

آخرین مهره راه‌آهن شمال بدست شاه محکم گردید: عصر روز جمعه ۳۱ بهمن ۳۱۵ در ایستگاه راه‌آهن تهران ولوله و غوغائی بود ، مردم پایتخت بسوی ایستگاه رفته بودند تا ورود اولین قطار شمال را تماشا کنند میدان ایستگاه با پرچمهای ملی تزئین شده بود و جمعیت کثیری تمام خیابانهای اطراف را فرا گرفته و پس از آنکه شاه فقید یکی از دو پیچ و مهره راه‌آهن شمال را بدست خود محکم نمود و محکم کردن مهره دیگری را بوالاحضرت ولیعهد واگذار نمود سپس شاه فقید نوار سه رنگ را با قیچی طلا که مرحوم مجید آهی وزیر طرق بدست شاه داد قطع نمود و اولین قطارهای شمال شامل دو رشته قطار مسافری و یک رشته قطار باری که در یک کیلومتری ایستگاه توقف کرده بود در میان کف زدن و فریادهای مسرت آمیز چندین هزار نفر مردم و ازدحام مدعوین در داخل ایستگاه پیش آمد و از جلوی مدعوین عبور کرد و آئین گشایش راه‌آهن شمال انجام یافت .

مرحوم آهی در نطق خود گفت : «بنیروی عزم و اراده شاهنشاهی ساختمان قسمت مهم راه آهن سراسری ایران بپایان رسید و امروز قطارهائی که از بندر شاه وارد شده‌اند این حقیقت مسرت بخش را اعلام میدارند ـ گذشته از ۴۶۱ کیلومتر خط آهن شمال اکنون ۳۳۶ کیلومتر راه آهن جنوب هم ریل گذاری شده و از بندر شاه تا بندر شاهپور دو نقطه شمال و جنوب کشور ۵۴۰ کیلومتر باقی است که با جدیت پیش میرود » اعلیحضرت فقید در پایان مراسم وزیر طرق و مهندسین و مامورین وزارت طرق و رئیس کنسرسیوم کامپساکس و مهندسین خارجی را مورد مهر خود قرار داده و آنها را تشویق نمود .

روز بعد مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس در جلسه رسمی از وصول خط آهن شمال بتهران اظهار مسرت نمود و گفت : مکرر از خارجی‌ها شنیدم که هیچ راه‌آهن در خیلی از جاهای دیگر از حیث اصول مهندسی و ساختمانی و پلها و تونل‌های عجیب و پیچ و خم کوهها و مناظر طبیعی باین خوبی وجود ندارد بخصوص اینکه ایران راه آهن خود را بدون استمداد مالی از خارجی‌ها با حسن تدبیر و با حسن اداره از پول خود مملکت بهمم عالیه اعلیحضرت همایونی انجام داده است و من از اینجا بتمام ملت ایران تبریک این موفقیت را میگوئیم .

تمدن کنونی با شرایع و اصول دینی مغایرت ندارد : روز ۱۱ اسفند ۳۱۵ مراسم سلام عید غدیر خم باجلال بسیاری در کاخ گلستان منعقد گردید ، پس از عرض تبریک از جانب مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس ، شاه فقید چنین گفت :

«خیلی‌ها در اشتباه هستند و تصور میکنند معنی تجدد و اخذ تمدن امروزی دنیا این است که اصول دیانت و شرایع را رعایت ننمایند و یا کسب تجدد و تمدن مغایر با دین و مذهب دارد و حال آنکه اگر مقنن بزرگ اسلام در حال حاضر در مقابل این ترقیات عالم وجود داشت موافق بودن اصول شرایع حقه خود را با وضعیت و تشکیلات تمدن امروز نشان میداد متأسفانه آن افکار روشن و بزرگ صدر اسلام بمرور زمان وسیله سوء استفاده بعضی اشخاص قرار گرفت و بالنتیجه کشور را بقهقرا کشانید و ما اکنون در برابر نواقص گذشته قرار گرفته باید این خمود و عقب افتادگی را جبران نمائیم . »

یادبود صد ساله پوشکین : همانطور که در خاک اتحاد شوروی بمناسبت جشن هزار ساله فردوسی مراسمی برپا گردید و مجالس جشن و سخن رانی دایر شد بمناسبت صدمین سال وفات پوشکین شاعر و نویسنده مشهور روسی از طرف وزارت معارف در تهران و چند شهر بزرگ ایران مراسم یادبود برپا گردید .

روزنامه اطلاعات نیز از لحاظ اینکه شعرا و نویسندگان و هنرمندان دنیا متعلق بهمهٔ ملل عالم هستند و مورد تکریم اقوام و عموم مردم میباشند با درج عکس‌ها و مقالات و نقل قسمت های ادبی از آثار پوشکین حق این شاعر عالیمقام را ادا کرد.

در جشن یادبودی که در تالار دانشکده ادبیات دانش‌سرای عالی تشکیل گردید پس از نطق آقای حکمت وزیر معارف آقای چرنیخ سفیر کبیر شوروی صحبت کرد و سند تلگرافاتی که بامضای آقای وثوق‌الدوله رئیس فرهنگستان ایران و وزیر فرهنگ بارئیس فرهنگستان و وزیر فرهنگ شوروی مبادله شده بود قرائت گردید .

ساختمان اولین سد در خوزستان : شاه فقید روز ۲۰ اسفند ۳۱۵ باتفاق والاحضرت ولیعهد از راه قم عازم خوزستان گردید تا ضمن بازدید مؤسسات ساختمانی این حدود و رسیدگی باوضاع فلاحتی خوزستان ولیعهد را آشنا سازد.

آقای مسعودی نیز در این سفر همراه بوده و گزارشات جالبی از سازمان موزه آستانه قم و اوضاع

فلاحتی وصنعتی عراق وکشفیات وحفاری‌های جدیدشوش داد وازجمله گزارشات مراسم افتتاح اولین سدی بودکه در۶۳ کیلومتری اهواز نزدیك ایستگاه آهودشت انجام یافت وچنین اطلاع داد : «روی رودخانه شاوورکه بکارون ملحق میگردد سدی بنام سدشاوور ساخته شده که میتواند هشت هزارهکتار زمین را مشروب سازد . نهرهای زیادی از این رودخانه بصحرا کشیده شده وچنددستگاه تراکتورهم ازطرف اداره کل فلاحت دراختیارزارعین گذارده شده و چون هنوزمردم عادت بسکونت دراین منطقه ندارند ورعیت یافت نمیشد ازحدود اصفهان وبختیاری عدهٔ رعایا آورده‌اند وخانه وزمین دراختیار آنان گذارده شده که مشغول زراعت شوند تارفته رفته عشایروایلات ساکن این حدودهم بزراعت وفلاحت مأنوس گردند .

روز۲۶ اسفند این سدرا شاه فقید ووالاحضرت ولیعهدبازدید نمودند چهاردریچه بزرك آهنی که هریك ۲۱ مترطول دارد باگردش موتور جلوی آب رامی‌گیرد وسطح آب رودخانه بالا میآید ووارد کانال‌ها ونهر های فرعی میگردد تابرای زراعت مورداستفاده واقع شود .»

این سد بعدها مورداستفاده واقع نگردید واکنون بکلی بی‌استفاده افتاده‌است زیرا تنها حاضربودن موجبات ووسایل کارکافی نیست بلکه مردان علاقمند وفعال لازم دارد که اززمین وآب بهره گیرند. دولت وسیله‌را فراهم کرد امادراین منطقه ساکنینی پیدانشد واشخاص حاضرنشدند بروند درآنجا زحمت بکشند ومردم ورعایارا جمع کنند و بکار گمارند در نتیجه سدی کــه میتواند آبادی منطقه وسیعی را تضمین کند امروز بی مصرف مانده است .

حوض تعمیر و تنظیف کشتی‌ها : شاه فقید دراین مسافرت تاسیسات مهم راه‌آهن جنوب‌را بازدیدکرد ودرعین‌حال بسایرامور نیزرسیدگی می‌نمود تاروز۲۹ اسفندکه مسافرت خودرا با کشتی دردریای‌خلیج فارس بوسیله ناو پلنك‌شروع نمود وروزاول نوروز۳۱۶ راشاه‌فقید باوالاحضرت دربندر شاهپور که ازتاسیسات جدید اودرداخل خلیج‌خورموسی بود گذرانید دراین روز صبح شاه‌فقید تمام‌همراهان خودرا جلوی اقامت‌گاه خود پذیرفت وبهریك یك پهلوی طلاعیدی داد .

بندر شاهپور دریك زمین باطلاقی خلیج خورموسی ساخته شده وچند کیلومترراه آهن درآب پیش‌میرود.

بعدازظهر نوروز مراسم افتتاح حوض مخصوص تنظیف و تعمیرقسمت های زیرین کشتی‌ها انجام یافت . این حوض یگانه دستگاهی بود که‌آن روز بین‌دریای احمر و سنگاپور بدستور شاه ساخته شده بود وقادربود کشتی های تاده هزار تن را شستشو و تعمیر نماید باین ترتیب که کشتی ها وارد این حوضچه که ازآهن‌وفولاد وسط دریانزدیك خلیج خور موسی ساخته شده‌بودمیشدند وحوضچه بسته‌میشد وبعدباقوه برق آب‌داخل‌آن خارج ومهیا برای تعمیر وتنظیف میگردید . شاه‌فقیدوولیعهد با کشتی پلنك جلوی‌این‌حوضچه آمدند وکشتی باپیشانی‌خود نوار سه‌رنك راقطع نمود ازیکطرف داخل حوضچه که ۱۲۰ متر طول‌وسی‌متر عرض داشت گردید وازسمت‌دیگر خارج‌شد وعملیات آزمایش شروع گردید .

آب بوشهر وشاهنشاه فقید: شاه‌فقید پس‌ازآنکه کار های خودرا در خوزستان تمام کرد از راه خشکی‌کنار دریای خلیج فارس عازم بوشهر گردید واولین‌موضوعی که توجه‌شاه‌راجلب‌نمود وبا والاحضرت در میان گذاشت آب مشروب بوشهر وآبیاری آن‌شهربود و لفت‌این‌شهر آب‌خوراکی ندارد وآب‌آنها عبارت‌ازآب بارانی‌است که درگودال ها وآب‌انبارها ذخیره تابستان‌میشود واگر باران کم‌ببارد مردم دوچار زحمت فوق‌العاده میشوند ودستور دادبرای‌تامین‌آب‌خوراکی به آبیاری‌شهرسمان‌اقدام‌شودوازرودخانه‌های نزدیك شهر تامین گردد. نظر شاه فقید درآن‌روزاین بودکه شرکتی خود تجار ومردم تشکیل بدهند ودولت مساعدتهای‌فنی ومالی بنماید که خود مردم این‌کار را برعهده گیرند و انجــام دهند ، آن روز فکرشاه استقبال شد ولی بعدها متوقف ماند تا چند سال‌پیش که اعلیحضرت فعلی‌عطیه‌ای‌برای انجام این‌کار خیر دادند وکارهای لوله کشی شروع گردیده‌لکن هنوز گویا نتیجه مطلوب نرسیده است.

در بازگشت از جنوب ایران: شاه فقید در بازگشت از بوشهر نمایشگاه کالای فارس را بازدید نمود در این نمایشگاه محصول ومواد فلاحتی وصنعتی بمعرض نمایش گذارده شده بود ودرهرغرفه شاه متصدیان و صاحبان غرفه را تشویق وتایید بتوسعه کارخود مینمود وهنگام خروج از نمایشگاه گفت: «خوشبختانه ما کشوری داریم که هم در فلاحت وهم در صناعت استعداد شایان دارد وخیلی میتوان بکار وسعت داد واین وظیفه مردم است ومردم خودشان باید باحسن ذوق وکار وفعالیت از این نعمت های خداداده استفاده نمایند ومسلماهر کس دنبال کار فلاحت و صنعت برود با موفقیت روبرو شواهدشد، اما درعین حال بفلاحت باید بیش از صناعت توجه شود زیرا مواد خام و محصولات فلاحتی ما طرف توجه دنیا است ما در بین اقلام صادرات کشور هیچ جنس تجملی ولوکس نداریم هر قدر محصول بدست آید بازار خواهد داشت.»

شاه فقید پس از اقامت چندروز درشیراز ورسیدگی بکلیه امور کارخانه قند مرودشت را افتتاح نمود واز آنجا به تخت جمشید رفت ویکروز ویکشب را باولیعهد در بارگاه سلاطین قدیم ایران گذارند ــ شاه از تماشای آثار دوره مجد وعظمت ایران لذت میبرد، یکروز تمام وقت صبح وعصر را درخرابه ها گذارند ویك یك آثاری را که اززیر خاکها بیرون آمده بود موردتوجه وتحقیق قرارمیداد.

از شاه فقید دراصفهان خیلی تجلیل شد زیرا اصفهان در آنموقع مراحل ترقی رامی پیمود ودارای چندین کارخانه بزرگ شده بود که ده ها هزار نفر کارگر رابکار مشغول داشته بود بعلاوه هوای فعاله شاه بکار افتاده بود ــ برای نشاندادن کارخانجات باعلیحضرت فقید حس رقابت عجیبی بین کارخانجات اصفهان پیدا شده بود، هرکدام سعی داشتند توجه شاه را بکارخانه خویش معطوف سازند وبالاخره شاه درظرف دو سه روز اقامت خود دراصفهان بیشتر مراکز صنعتی و کارخانجات جدید را بازدید نمود. آثار تاریخی عهدصفویه نیزمورد تحسین شاه بود ودراین مسافرت قسمت اعظم بناهای سلاطین صفویه رابازدید ودستور تعمیرات وحفظ آنرا دادند.

آقای مسعودی دراین مسافرت طولانی جنوب وجنوب غربی ایران جزو ملتزمین رکاب بود وگزارش ها و عکسهای جالب توجهی از تمام نقاط بتهران میفرستاد که در روزنامه منتشر میشد واین یادداشت ها بخصوص که در مسائل اجتماعی واقتصادی بحث میشد بهترین وسیلهٔ تشویق مردم دوراز مرکز بود وبدون شك درروحیهٔ آنان تاثیر بسزا داشت واحساسات آنها رابرای کار وخدمت ووظیفه شناسی برمیانگیخت.

درخرابه های قصر خشایارشا: از جمله یادداشت های مسافرت آقای مسعودی سلسله مقالاتی است که درخصوص آثار تخت جمشید چاپ گردیده و منجمله درشماره ۱۸ و ۱۹ فروردین این جملات جلب توجه میکند:

«شخص وقتی از پله های تالار آپادانا یا تالارعام که اززیر توده های سنگ وخاك از تخت جمشید بیرون آمده است بالا میرود شکوه وهیبت این آثار روح اوراتسخیر نموده خیال میکند که درقرن پنجم میلادی زیست میکند.

از بالای این پله ها وفرازدامنه کوه رحمت درافق بصورت متن حقیقی تاریخ که اوراق آنرا همین ستونهای شکسته ولی پابرجا وتخته سنگ های بزرگ تشکیل میدهد نمایندگان ملل مختلف آنعهد رادرحجاری های زیبا از دور مینگرد که نفیس ترین اشیاء عصر وزمان خود را برای پیشکشی باستان خشایارشا بر طبقهای زرین نهاده وبا سکوت مقرون باحترام سرها را بزیر انداخته بالا میروند تا بترتیب وارد تالار آپادانا شده هدایای خود را تقدیم دارند. آپادانا بین سالهای ۴۸۵ــ۴۶۵ قبل از میلاد ازدریای سند تاسواحل دریای سرخ وشمال افریقا معروف بوده است. ملل مختلفی که درحوزه مذکور زیست میکردند دربار عام خشایارشارا بخوبی میشناختند وسلطنت ۲۰ ساله خشایارشا (۴۸۵ــ ۴۶۵ قبل از میلاد) این دربار را شهرتی بسزا داده بود، دراین تالار خشایارشا روزهای مخصوص وعیدهای رسمی وبزرگ بارعام میداده و این نقشه ها وحجاری ها سرگذشت بسیار درخشانی ازشکوه وعظمت دربار او در دوهزار وانندی سال پیش حکایت میکنند»

«علماء ودانشمندان غرق بهت وحیرت شدند وقتی اززیر خاك مجاری فاضل آب ونهرهای بسبك لوله کشی تخت جمشیدرا کشف نمودند. نهرهای سنگی زیرزمینی که آب را از تخت طاوس دردو فرسخی تخت جمشید بعمارات مختلف تخت جمشید تقسیم میکرده شایان دقت است. از این جالب تر مجرای فاضل آبست که در زیر زمین های تخت جمشید کشف شده. این نهرهای فاضل آب وسیع از تخته سنگ های بزرگ ساخته شده وآب زائد وفاضل را بخارج انتقال میداده است»

(هنوز تهران پایتخت مدرن شاهنشاهی لوله کشی ومجرای فاضل آب ندارد!)

اطلاعات صبح‌ها در چهار صفحه منتشر شد: از روز ۲۲ فروردین ۱۳۱۶ یک نشریه صبح در چهار صفحه بر اطلاعات افزوده شد در این نشریه جدید آخرین خبرهائی که بعد از انتشار اطلاعات عصر بدست [illegible] منتشر میشد، در آن موقع تلگرافهای خارجه کسب اهمیت نموده بود زیرا مقدمه اختلاف نظر بین کشورهای دنیا را ظاهر میساخت آلمان بسرعت مجهز میگردید و هیتلر هر روز تصمیم جدیدی برای تقویت آلمان اتخاذ مینمود و روی همرفته اوضاع و احوال دنیا آرام نبود. نشریه صبح از اول جلب توجه نمود خوانندگان اطلاعات عصر، اطلاعات صبح را نیز برای تکمیل اخبار روز مشترک شدند و بنابراین اطلاعات صبح جای خود را بزودی باز کرد ولی این نشریه دوام زیادی نکرد و پس از چند ماه تعطیل گردید.

جشن هفتصدمین سال گلستان سعدی: عصر ۲۷ خرداد ۱۳۱۶ در تالار اجتماعات دانشسرا جشنی به مناسبت هفتصدمین سال تالیف گلستان شیخ سعدی علیه الرحمه برقرار گردید، در همان روز اطلاعات مقالهٔ جالب توجهی در این باره با عکس آرامگاه سعدی انتشار داد که چند جمله آن نقل میگردد

«هفتصد سال پیش مردی [illegible] صورت انسان در کشور [illegible] خوش الحان و سرزمین گل و سنبل، مهد نیکان و پاکان جهان یعنی میهن عزیز ما ایران لب بسخن گشود و نغمه سرائی آغاز کرد. این مرد بزرگ که در محضر اساتید نام و نشانی [illegible] کسب کرده نتیجه عمر دراز و مسافرتهای بیشماری که کرد و تجربیات فراوانی که از این راه اندوخته است [illegible] زندگانی را ماهرانه و زیبا در مؤلفات خود تصویر کرده که بهتر از آن ممکن نیست.»

«... امروز فرزندان ادب دوست کشور تو فرصتی بدست آورده مجالسی بمناسبت هفتصدمین سال تالیف کتاب گلستان تو در اطراف و اکناف و نقاط مختلف کشور برپا کرده‌اند...»

در جشن دانش سرای عالی آقای دکتر صدیق رئیس دانشسرا گفت: «چون در این عصر فرخنده ستایش نام بزرگان و یادآوری از مردان نامی کشور مورد توجه ذات اقدس ملوکانه است وزارت معارف برای اینکه در این سال یادی از سعدی شده باشد [illegible] جشن هفتصدمین سال تالیف گلستان سعدی را در تمام ایالات و ولایات و مراکز معارفی کشور [illegible] برپا [illegible] و راجع با آثار و عقاید سعدی [illegible] سخنرانی‌ها شد و نمایشاتی که از روی کتاب [illegible] سپس آقای بهار قصیده شیوائی که سروده بودند خواندند.

روابط ایران و ترکیه: [illegible] روابط ایران و ترکیه روز بروز [illegible] هیئت‌های اقتصادی و مالی ترکیه بریاست آقای جلال بایار مورد پذیرائی گرم واقع شدند [illegible] در خصوص مسائل بازرگانی و گمرکی [illegible] مجلس ایران و مجلس ترکیه رسید

پس از [illegible] آقای دکتر رشدی اراس وزیر امور خارجهٔ ترکیه مسافرتی بایران نمود و در طی ضیافت [illegible] روزنامه [illegible] دو ملت برادر شاهد میشود تنها علاقه [illegible] روابط دوستی [illegible] میکند که با علاقهٔ [illegible] همسایگان [illegible] صلح را در شرق نزدیک محکم نموده و از این راه [illegible] عالم [illegible]

روزنامه اطلاعات [illegible] ایران [illegible] میشود و رود [illegible] کشور را تشریح نموده و [illegible] برای [illegible] کشورها [illegible] مسافرتی [illegible] و آغاز دوره [illegible] ایران و ترکیه [illegible] موجب تحکیم و تشیید مبانی دوستی دو ملت برادر [illegible] عالم [illegible] بود که [illegible] [illegible].

نماینده ایران در جشن تاجگذاری ژرژ ششم: چون ادوارد هشتم پادشاه انگلستان پس از مدت کوتاهی سلطنت نتوانست از مزاوجت با خانم سیمپسون صرفنظر نماید ناچار تاج و تخت سلطنت را ببرادر خود «ژرژ ششم» واگذار کرد.

مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس درجشن تاجگذاری ژرژ ششم بسمت نمایندگی ایران شرکت نمود. آن مرحوم در بازگشت از انگلستان، هیتلر صدراعظم آلمان را ملاقات نمود که عکس آن ملاقات در شمارهٔ ۳۱۷۶ چاپ شده، دراین ملاقات پذیرائی گرمی هیتلر از ایشان بعمل آورد. مرحوم اسفندیاری در پایتخت های کشورهای اروپا همه جا مورد تجلیل واحترام قرار گرفت ومهمانی های مفصل بافتخار او داده شد. آن مرحوم روز ۸ تیر ۳۱۶ بتهران بازگشت نمود.

دراین موقع مجلس دهم پایان یافته و مجلس یازدهم هنوز افتتاح نشده بود وایشان برای دوره یازدهم از تهران بنمایندگی انتخاب شده بودند.

روابط ایران و عراق: روز ۱۱ تیر ۱۳۱۶ دکتر ناجی الاصیل وزیر خارجه عراق برای مذاکره درعقد قرارداد سعد آباد وارد تهران شد.

اطلاعات درسرمقاله خود ازاینکه تیرگی روابط ایران باهمسایگان بکلی رفع گردیده ومحیط دوستانه وصمیمانه پیدا میشود اظهار مسرت نموده ونوشت: ازیکسال پیش زمزمه میثاق عدم تعرض بین دول چهار گانه شروع شده که مبتکر آن پادشاه ایران میباشد ولی پارهٔ اختلافات بین دول مزبور منجمله ایران وعراق درمسئله سرحدی تاکنون مانع انجام آن شده است واینک بامسافرت وزیرخارجه عراق امید میرود آن اختلافات مرتفع شده و پیمان چهار کشور همسایه که ضامن صلح وسلامت ملل شرق میباشد امضاء گردد.»

روز ۱۳ تیر اعلامیه مشترکی بامضای وزرای خارجه ایران (مرحوم مدبرالدوله سمیعی) و عراق دکتر ناجی الاصیل صادر گردید مبنی براینکه مذاکرات راجع بسرحدات مشترک و موضوع شط العرب با موفقیت خاتمه یافته منتهی بعقد عهدنامه سرحدی و پروتکل ضمیمه گردید و باانعقاد این عهدنامه اختلافاتی که ازسالیان دراز بین ایران وعراق موجود بود مرتفع گردید وصدق وصفا جای آنرا گرفته است.

دردنبال این اعلامیه عهدنامه های مربوط برفع اختلافات دروزارت خارجه امضاء شد وزمینه مساعد برای ادامه مذاکره درباره عقد میثاق بین چهار کشور آماده گردید.

ایران و افغانستان: سردار فیض محمدخان وزیرخارجه افغانستان درتاریخ ۱۶ تیرماه وارد تهران شد تادر مذاکرات میثاق سعدآباد شرکت نماید روزنامه اطلاعات ورود این مهمان عالیقدر را گرامی داشته ومقاله ای پیرامون روابط ایران وافغانستان بااشاره بمسافرت رجال بزرگ آن دولت منجمله سردار شاه محمودخان سپهسالار افغانستان بتهران نموده ونوشت که اکنون بین دو کشور ودولت حسن تفاهم کامل برقرار میباشد و در این زمان آشفته ای که هرآن برتیرگی ابرهای افق سیاسی گیتی افزوده میشود روابط ما باهمسایگان خود صمیمانه تر میگردد.

یکروز تاریخی در سعد آباد - عصر روز ۱۷ تیر ۳۱۶ هیئت های اعزامی افغان وترکیه وعراق بریاست وزرای امورخارجه این سه کشور درچادری که مقابل قصر شهوند درسعد آباد افراشته شده بود جمع شدند وعهدنامه عدم تعرض را که چون ایران مبتکر آن بود پیمان سعد آباد نام گذارده شد امضاء نمودند. بعد وزرای امورخارجه بریاست رشدی اراس که قدیمی ترین وزیرخارجه دول چهارگانه بود جلسه ای درقصر شهوند تشکیل دادند وتصمیماتی برای خط مشی آیندهٔ خود در جامعه اتفاق ملل اتخاذ کردند سپس مرحوم سمیعی قلمهای طلائی را که پیمان وتصمیمات متخذه باآن امضاء شده بود بعنوان یادگار بهمکاران خود تقدیم نمود آنگاه اعلیحضرت فقید درجلسه حضور یافته نسبت به هیئت های اعزامی ووزرای خارجه اظهار محبت نموده ودستور دادند نشان درجه اول همایون برؤسای میسیون ها و نشان های دیگر به سایر اعضاء بدهند.

خلاصه عهد نامه سعد آباد این است: «دول چهارگانه متعهد میشوند که سیاست عدم مداخله مطلق درامور داخلی یکدیگر را تعقیب کنند و مصونیت حدود مشترک یکدیگر را محترم شمارند ودر کلیه اختلافات بین المللی که بامنافع شرکت آنها مربوط است مشورت نمایند ودر هیچ مورد خواه بتنهائی خواه بمعیت یک یا چند دولت دیگر بهیچگونه عملیات متجاوزانه برعلیه یکدیگر مبادرت ننمایند.

عملیات ذیل تجاوز محسوب میشود: اول اعلان جنگ. دوم تهاجم بوسیله قوای مسلح یک مملکت حتی بدون اعلان جنگ بخاک مملکت دیگر. سوم حمله بوسیله قوای بری و بحری یا هوائی حتی بدون اعلان جنگ بخاک یا سفاین ویا هواپیما های مملکت دیگر - چهارم کمک یا همراهی مستقیم ویا غیر مستقیم بمتجاوز

مبادله تلگرافات تبریک: امضای عهدنامه سعدآباد در تمام کشورهای امضاء کننده حسن اثر بخشید و مورد بحث مطبوعات قرار گرفت. در دنبال ضیافت ها و مهمانیهائی که بآن مناسبت در تهران داده شد تلگرافات تبریکی نیز ازطرف شاه فقید به پادشاه عراق و افغانستان و رئیس جمهور ترکیه مخابره گردید و جواب های مسرت بخشی از آنها نیز واصل گردید.

روزنامه اطلاعات اظهار امیدواری نمود که این پیمان مقدمه زمینه همکاری وسیع در جمیع رشته های فعالیت بشری باشد و در روابط اقتصادی و حل بسیاری ازمشکلات بین ملل همسایه تاثیر کند و موجبات سعادت و رفاهیت و آسایش ملل شرق را فراهم آورد.

روزنامه های ترکیه و عراق و افغانستان هر یک مقالات مفصلی درباره عهدنامه سعدآباد انتشار دادند و ایران را تجلیل بسیار کردند و از ترقیات ایران اظهار خوشوقتی و مسرت نمودند.

کارخانه حریربافی چالوس: روز ۱٦ مرداد ۳۱٦ شاه فقید و والاحضرت ولیعهد که از راه کلاردشت بمازندران رفته بودند کارخانه حریربافی چالوس را افتتاح کردند. دراین موقع آقای رئیس الوزراء و وزیران و جمعی ازنمایندگان مجلس و مدیران جراید شرکت داشتند. آقای موسی نوری اسفندیاری رئیس اداره کل صناعت بود که پس از ادای توضیحات، شاه دکمه الکتریکی را فشار داد و ماشین های کارخانه براه افتاد. این کارخانه پیله ابریشم را تبدیل به ریسمان کرده و بعد پارچه های ابریشمی میبافد، این کارخانه بعدها جوراب ابریشمی زنانه نیز بیرون داد و پارچه های ابریشمی آن با بهترین پارچه های خارجی برابری میکرد و میرفت توسعه یافته صادرات پیدا کند ولی پس از برهم خوردن اوضاع این کارخانه هم متوقف و حتی رو بقهقرا رفت.

روزیکه شاه فقید کارخانه را افتتاح میکرد هوا در شدت گرما بود و مدعوین در لباس رسمی ژاکت و سیلندر دچار زحمت بسیار بودند و این تشریفات خسته کننده و بیهوده آنهم در کنار دریای خزر برای افتتاح کارخانه مذموم بود اما کسی جرئت انتقاد نداشت.

اطلاعات در سرمقاله خود ۱۹ مرداد نوشت: امروز وجود کارخانجات مهم قندسازی، پارچه بافی، ریسمان بافی کبریت سازی، چرمسازی و اقسام مختلف کارخانه روح میهن پرستان را بوجد و طرب می آورد. افتتاح کارخانه حریربافی چالوس نیز صفحهٔ جدیدی در اقتصاد کشور ما بازمیکند زیرا این کارخانه نیز در آینده قسمتی از احتیاجات ما را از خارجه تامین میسازد و بعلاوه محصول ابریشم خام کشور که در طی چند قرن در اروپا و آسیا شهرت بسزائی داشت و این اواخر لطمه بصادرات آن وارد آمده بود اینک در داخل کشور مصرف پیدا میکند.

اعطای اولین درجه دکترای افتخاری: آقای آندره اونورا فرانسوی سناتور و وزیر معارف سابق و رئیس شهر بین المللی دانشگاه پاریس بنمایندگی ازطرف رئیس جمهور فرانسه باتفاق پرفسور هانری ماسه مستشرق معروف فرانسوی بتهران آمدند تا برای تحکیم روابط بین ایران و فرانسه که در آن موقع بر اثر نگارشات پاره از جراید فرانسوی تیره شده بود از شاه ایران ملاقات بنمایند و موجبات حفظ مناسبات دوستانه دوملت را فراهم آورند. نمایندگان مزبور در نیمه اول مرداد ۳۱٦ وارد تهران شدند و حضور اعلیحضرت فقید شرفیاب گردیدند و سپس بافتخار آنها مهمانی ها داده شد و اولین درجه دکترای افتخاری ازطرف دانشگاه ایران بایشان طی مراسمی اعطا شد و لباس رسمی استادی دانشگاه نیز بدانشمند عالیمقام فرانسوی تقدیم گردید که روز اجرای مراسم پوشیدند.

آسایشگاه شاه آباد افتتاح شد: روز ۲٤ مرداد ۳۱٦ آئین گشایش آسایشگاه شاه آباد با حضور آقای جم نخست وزیر و مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس و مرحوم فروغی و جمعی از رجال دیگر افتتاح یافت و اطلاعات که پیوسته موضوع حمایت مسلولین را مورد بحث قرار میداد و ازلزوم توسعه و تکمیل مؤسسات صحی صحبت میکرد بمناسبت انجام این فکر که آقای دکتر دانشوری کوشش فراوان در تاسیس آن نمودند وسهم بسزائی دراین امر خیر دارند مقالاتی انتشار داد و گفت: کسانی که باهمیت بیماری های گوناگون ریوی بخصوص سل آگاهند میدانند که تاسیس این آسایشگاه که برحسب امر اعلیحضرت در یکی ازبناهای قدیم سلطنتی در شاه آباد دایر گردیده و در یکی از نقاط ییلاقی خوش آب و هوای تهران میباشد چقدر مهم و شایسته تمجید است ولی این مریضخانه کافی نمیباشد و تنها شهر تهران نیست که این مرض مهلک در آن رواج دارد بلکه در خیلی ازشهرهای ایران مسلول هست که بین مردم زیست میکنند و جا دارد مردم خیرخواه کشور بفکر جلوگیری ازشیوع این مرض باشند و توجه نمایند که این عده ازمردم در مقابل حکم شرع و وجدان و عقل مستحق هرگونه مساعدت و یاری هستند و همه باید در این راه خیر کوشش نمایند.

در اثر تشویقات زیاد روزنامه اطلاعات و نوشتن اخبار و مقالات و توجه دادن مردم خیراندیش نوعپرور کشور باین امر مهم صحی چیزی نگذشت که بنگاه حمایت مسلولین مرکب از جمعی مردم بشردوست و خیرخواه تشکیل گردید که مدیر

اطلاعات و بانمایندە روزنامه اطلاعات پیوسته عضو و مشوق این جمعیت بوده و برای پیشرفت افکار و نظریات نوعپرستانه آنها از طرف این روزنامه کوشش و همکاری صمیمانه بعمل آمد .

دوره یازدهم قانونگذاری : روز بیستم شهریور ۱۳۱۶ شاه فقید برای اولین بار والاحضرت ولیعهد را در آئین افتتاح مجلس شرکت داد ـ وقتی شاه خطابه افتتاحیه را میخواند والاحضرت هم دو قدم پشت سر ایشان ایستاده بود. اعلیحضرت فقید در نطق افتتاحیه گفت: «چون اوضاع عمومی جهان ایجاب میکرد که ما بیش از پیش در تحکیم بنیان صلح بکوشیم پس از رفع اختلافات سرحدی با عراق قراردادی را که در طرح آن قبلا توافق حاصل شده بود با دول دوست و همسایه خود افغانستان و ترکیه و عراق بنام پیمان سعدآباد منعقد نمودیم و این پیمان در شرق بی سابقه بود و در این هنگام که امور عالم دوچار آشفتگی است مددی بزرگ ببقای صلح خواهد بود در امور داخلی سیاست دولت من تعقیب روش دوره پیشین و تکمیل اصلاحات است که همه علاقمندان سرمی کشور باید بکوشند که بیش از پیش فروغ حیات بخش تمدن در تمام شئون اجتماعی کشور بتابد»

درهمین روز بود که از روی مجسمه اعلیحضرت فقید درمیدان بهارستان پرده برداشته شد و آئین گشایش آن با نطق آقای بهرامی شهردار تهران و نطق آقای جم رئیس الوزراء انجام پذیرفت.

مسافرت مدیر اطلاعات باروپا : آقای مسعودی مدیر اطلاعات در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۱۶ بار دیگر برای چند ماه باروپا مسافرت نمود مسافرت اولی ایشان که ششماه طول کشید برای مطالعه در اوضاع اجتماعی مردم مغرب زمین و دیدن کشورهای سرمی بود و این مرتبه پس از چندروز بستری شدن برای معالجه باروپا میرفت . در این نوبت پس از معالجه چندماهی را برای استراحت و مطالعه در کشور آلمان و فرانسه و سویس گذرانید و از آنجا بایطالیا و سپس بمصر و فلسطین مسافرت نمود و در عراق چندروزی اقامت گزید و بخصوص در کشورهای اسلامی شرق با مجامع و محافل مطبوعاتی تماس گرفت و درعراق مورد پذیرائی محللی از جانب مطبوعات آن کشور واقع شد .

ادارات تجارت و صناعت وزارتخانه شد : روز چهارم مهرماه ۱۳۱۶ اداره کل تجارت و اداره کل صناعت تبدیل بوزارتخانه شد. آقای علاء رئیس کل تجارت بسمت وزارت تجارت و آقای فرخ رئیس صناعت بوزارت صناعت معرفی شدند .

گشایش کارخانه دخانیات: وضع تهیه سیگار در نقطه کشور صورت خاصی داشت. برای تمرکز امور دخانیات اقدام باحداث کارخانجات دخانیات شد کار گران سیگارپیچی را بکارخانجات دخانیات تحویل داشتند و فروشندگان سیگار را هم در شرکتهای توزیع سهیم نموده و بکار گماشتند روز پنجم مهر ۱۳۱۶ اعلیحضرت فقید کارخانجات دخانیات را که باهشت ساعت کار دوازده میلیون ونیم سیگار و ۲۲ هزار کیلو توتون چپق و هشت هزار کیلو تنباکو تهیه میکرد بازدید و افتتاح نموده و از آنروز تهیه سیگار درخارج از کارخانه بکلی ممنوع گردید و زارعین ناچار شدند که محصول خودرا بدولت فروخته و احتیاجات خود را نیز از لحاظ دخانیات از شرکت های توزیع تأمین نمایند .

در بدو کار برای صادرات توتون و تنباکو و سیگارت اقداماتی بعمل آمد و پیشرفتهائی نیز حاصل شد ولی متاسفانه بعد سیر قهقرائی نمود و بعضی از کشورها مخصوصا کشورهای عربی و خاورمیانه که معتاد بتنباکو و توتون ایران بودند بر اثر اهمال مامورین و صادرکنندگان از مصرف دخانیات ایران صرفنظر کرده و محصول کشورهای دیگر بجای محصول ما را گرفت درصورتیکه باعوارض سنگینی که بعضی از کشورها برای تنباکوی ایران وضع نموده اند هنوز هم بقیمتهای گران تنباکوی اصفهان در کشورهای عربی خریدار دارد و بایستی دولت نسبت بصادرات توتون و تنباکو نیز توجه عمیقی مبذول دارد.

توجه بکشاورزی : روزنامه اطلاعات درسال دوازدهم خدمتگذاری خود بیشتر مقالات روزنامه را براهنمائی رعایا و کشاورزان اختصاص داده و مقالات زیادی در اطراف لزوم تهیه ادوات کشاورزی و ماشینیزه کردن آن منتشر نموده و ارتقاء زندگی دهنشینان و کشاورزان را شرط اول رفاه و آسایش آنها دانسته است ولی متاسفانه در بیشتر نقاط کشور باین مسئله چنانی توجه نشده و مالکین نخواستند و یا نتوانستند که این فکر را تعقیب نمایند .

این مسئله بدیهی است که در دنیای امروز محصول دست را با ماشین نمیتوان مقایسه نمود و باین معنا باید تدریجا متوجه شوند

آسایش ورفاه برزگران وکشاورزان ما تامین نخواهدشد .

خروج ایتالیا از جامعه ملل : هنگامیکه دولت ایتالیا اقدام بتصرف حبشه نمود جامعه ملل مقرر داشت که دولتهای عضو آن مؤسسه فشار اقتصادی برضد ایتالیا وارد سازد و در نتیجه این پیشآمد حکومت رم نمایندگان خودرا از ژنو احضار نمود . تعقیب سیاست ژنو واصرار در نشناختن استیلای ایتالیا بر حبشه وعنوان امپراطوری ایتالیا ازطرف دولتهای دیگر، موسولینی راوادار بنطقی از کاخ ونیز نمود که طی آن خروج ایتالیا رااز جامعه ملل اعلام داشت وباخروج ایتالیا ودر پی آن آلمان از جامعه ملل دنیا بدودسته تقسیم شد .

درگذشت سمیعی وزیر خارجه : شب ششم اسفندماه ۱۳۱۶ آقای عنایت الله سمیعی وزیر امورخارجه که خدمات مؤثری درمقامات مختلف انجام داده بود برحمت ایزدی پیوست. یکی دوماه وزارت خارجه بی سرپرست بود تا اینکه آقای علی سهیلی که در آنموقع وزیر مختار ایران درلندن بود بتهران احضار و بسمت وزیر خارجه انتخاب گردید.

الحاق اطریش به آلمان : روز ۲۱ اسفند ۱۳۱۶ باتهیه مقدمات قبلی چند دسته از نیروی موتوریزه آلمان وارد اطریش شد ودر نتیجه الحاق اطریش بآلمان اعلام گردید.

اعزام مهاجرین بایران : روز پنجم فروردین ۱۳۱۷ اولین کشتی حامل هفتصد نفر ازمهاجرین به بندر پهلوی وارد گردید وازآن پس مرتب همه هفته از نقاط مختلف شمالی دسته دسته مهاجرین بایران وارد میشدند وضع زندگی مهاجرین بسیار تاثرآور بود. دولت برای سروسامان دادن بزندگی وتهیه کار برای آنها اقدام نمود بنگاههای خیریه ازقبیل شیروخورشید سرخ نیز برای کمك بمهاجرین شروع بفعالیت نمودند . مردم نیز از کلیه نقاط کشور بیاری آنها برخاستند واعانات زیادی برای کمك بمهاجرین پرداختند .

. عده از نمایندگان وزارتخانه ها مامور رسیدگی بوضعیت مهاجرین شدند وهردسته را بفراخور وضعی که داشتند بنقاط مختلف فرستاده و بکاری گماشتند. دربین این مهاجرین عناصر مشکوکی هم وجود داشت که چه در همانموقع وچه پس ازواقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ بخوبی شناخته شدند.

گشایش تونل گدوان : روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۷ تونل گدوان در جاده مخصوص از طرف اعلیحضرت فقید افتتاح شد .

قبل از احداث این تونل عبور از جاده مخصوص که نزدیکترین خط بین تهران ودریای خزر بود بصعوبت انجام میگرفت وپنج ماه از سال این قسمت ازخط مستوراز برف بود. با احداث این تونل تسهیلات زیادی درعبور ومرور ازجاده مخصوص فراهم گردید .

کارخانه برق تهران : اوایل خرداد ۱۳۱۷ کارخانه برق تهران شروع بکار نمود. دردرجه اول روشنائی خیابانهای شهررا تامین کرد وسپس شروع بدادن برق بمردم نمود. در ابتدای امر استقبال زیادی ازبرق تهران نشد و اداره برق ناچار متوسل به آگهی وتقاضا از صاحبان مغازه ها برای دریافت کنتور و استفاده ازبرق شدولی پس از چندی که دستگاه فرستنده رادیو نصب گردید مردم برای گرفتن برق بریکدیگر سبقت جستند بلافاصله عدم تکافوی نیروی برق احساس شد ودر نتیجه قراردادی با ذپانی اشکودا برای خرید کارخانه دیگری منعقد گردید وقسط اولیه آن نیز پرداخته شد متاسفانه ده سال ازآن تاریخ میگذرد و هنوز معلوم نیست که این کارخانه حمل خواهد شد یانه ؟

اعلام مراسم نامزدی : روز پنجشنبه پنجم خرداد ۱۳۱۷ طی یك اعلامیه ای که ازدربارشاهنشاهی صادر گردید مراسم نامزدی والاحضرت ولایتعهد باوالاحضرت شاهزاده خانم فوزیه در تهران منتشر گردید. دوروز بعد آقای جم نخست وزیر بمجلس آمده ومواصلت خانواده سلطنتی ایران باخانواده سلطنتی مصر رااعلام نمود وماموریت خودرا برای انجام مراسم مواصلت ومسافرت بقاهره خاطر نشان ساخت. این خبر درمحافل داخلی وخارجی انعکاس خوبی داشت تلگرافهای شاد باش ازطرف کلیه سلاطین وروسای کشورها باعلیحضرت فقید مخابره شد ودر تمام نقاط کشور مجالس جشن و سرور برپا گردید وهمه از این مواصلت ابراز خورسندی وشادی نمودند

موقوف شدن امتیاز نفت شمال شرق: دراواخر سال ۱۳۱۵ دوفقره امتیاز برای استخراج نفت و لوله کشی در استانهای شرقی ایران بشرکت امریکائی داده شده ود شرکت مزبور بلافاصله اقدام بتحقیقات و اکتشافات نموده و بعده از کارشناسان خود را با وسایل و احتیاجات لازم بنقاط مختلف حوزه امتیاز فرستاده و مشغول بررسی بودند تا اینکه روز ۲۴ خرداد ۱۳۱۷ آقای بدر وزیر دارائی در مجلس حضور بهم رسانیده و گفت :

اخیراً نامه ای از طرف نمایندگان شرکت بوزارت مالیه فرستاده شده که موجب آن طبق ماده ۲۴ امتیاز نامه تصمیم خودشان را بصرفنظر کردن از استفاده از امتیاز نامه اعلام داشته اند.

دولت هم از نامه شرکت اتخاذ سند نموده و وظیفه خود دانست مراتب را باطلاع مجلس شورای ملی برساند.

در این باره روایات بسیاری وجود داشت که یکی از آن ها اشکال تراشی خارجی ها در این کار بود و گفته میشد با فراهم کردن موجبات وحشت و نگرانی کمپانی امریکائی مانع از امضای قرار دادو تعقیب قضیه شدند ، روایت دیگر اینست که کمپانی نفت امریکائی قصد داشت لوله کشی نفت را بدریای خزر برساند و از آنجا نفت را با کشتی های حامل نفت بدنیا ارسال دارد و وقتی مشکلات ترانزیت خاك شوروی بر خورد آن ها زیر بار نرفتند و حساب کرد که رسانیدن نفت از مناطق شمالی ایران بدریای خلیج فارس متضمن مصارف بسیاری میباشد و لوله کشی تا خلیج فارس خیلی گران تمام میشود و مقرون بصرفه نیست باین جهت صرف نظر کرد در هر صورت اعم از اینکه اشکال تراشی از ناحیه شمال یا جنوب بود کمپانی های امریکائی کنار رفتند و این فکر مفید و نقشه عالی اقتصادی که ذخایر زیر زمینی مورد بهره برداری میشد عقیم و همچنان در بوطه اجمال باقی ماند.

بر کناری دو وزیر از کار ـ روز ۲۳ تیرماه آقای علی اصغر حکمت وزیر معارف و آقای سهیلی وزیر امور خارجه از کار بر کنار گردیدند .

علت بر کناری را محافل مطلع مخابره دو تلگراف بیکی از کشورهای خارجی بدون جلب نظر اعلیحضرت فقید میدانستند . آقای مظفر اعلم وزیر مختار ایران در عراق بجای آقای سهیلی سمت وزیر خارجه و مرحوم اسمعیل مرآت بجای آقای حکمت بکفالت وزارت فرهنگ منصوب شدند .

گشایش کارخانه شهباز ـ روز اول مرداد ۱۳۱۷ کارخانه هواپیما سازی شهباز که مدت دو سال مشغول بکار بود از طرف اعلیحضرت فقید بازدید ورسما گشایش یافت .

دراین روز جمع کثیری از رجال و نمایندگان مجلس وافسران ارشد در محل کارخـانه حاضر بودند و دو دسته از هواپیماها که در کارخانه مزبور نصب وآماده شده بود به پرواز درآمدند اعلیحضرت فقید خلبانان را تشویق نموده و از این موفقیت بی اندازه مسرور بود. در این کارخانه قطعـات مختلف هواپیما باستثنای موتور تهیه میگردید .

بعد از شهریور واشغال ایران ازطرف متفقین این کارخانه نیز مثل سایر کارخانجات کشور مورد استفاده آنها واقع گردید و برای پیشرفت کارهای خودشان بتوسعه کارخانه مزبور همت گماشتند و در حال حاضر کارخانه هواپیما سازی یکی از کارخانه های خوب ارتش میباشد .

شرکت در نمایشگاهها و مکاره ها : مقالات مؤثر وسودمندی که مدیر اطلاعات در بـاره تشویق بازرگانان بشرکت در نمایشگاههای بین المللی و بازارهای مکاره مینوشت تأثیرخود را در افکار عمومی بازرگانان مخصوصا تجار صادر کننده نموده و انتشار عکسها وتشریح جریان افتتاح وگشایش مکاره ها و نمایشگاهها آنان را معتقد بشرکت در نمایشگاهها کرده ودچنانچه در سال ۱۳۱۷ بازرگانان ایرانی درمکاره سالونیك ـ مکاره باری ایتالیا ـ مکاره ازمیر ترکیه ـ مکاره پاتیزلایبزیك ـ مکاره پراك ـ مکاره بین المللی لهستان و نمایشگاه بین المللی نیویورك در امریکا شرکت نموده واقدامات مؤثری برای شناساندن ومعرفی کالاهای ایرانی ببازارهای دنیا نمودند .

انتخاب وزیر صناعت : آقای علی منصور که پس ازصدور حکم برائت مدتها ازکار بر کنار بود روز ۲۶ مرداد ۱۳۱۷ بکاخ سلطنتی احضار وبسمت وزیر صناعت منصوب و آقای فروهر وزیر صناعت بسمت وزیر کشور برقرار گردیدند .

اتصال راه آهن سراسری : روزچهارم شهریور ۱۳۱۷ اعلیحضرت فقید در ایستگاه سفید چشمه

که بعد بایستگاه قزیه مبدل شد آخرین پیچ ومهره خط آهن سراسری کشور را محکم نموده وطی نطق اظهار داشتند:

« من از مردم ایران فوق العاده راضی و مسرور هستم که برای اصلاحات کشور از صمیم قلب حاضر بوده و مخارج راه آهن را باطیب خاطر پرداختند زیرا تشخیص دادند که این اقدام موجب سعادت و ترقی ایران است. ملت ایران مردم شرافتمند ونجیبی هستند ودرهر موقع همینقدر که تشخیص دادند اقدام واصلاحی برای تعالی و پیشرفت کشور آنها مفید است ازابراز هیچگونه فداکاری وعلاقمندی خودداری نمیکنند. حقیقتا ملت ایران مردم باشهامت ونجیب ودارای صفات ممتازه‌ای هستند وبراهنمائی ومصلحت اندیشی که برای خیر خودشان و کشورشان می‌شود هدایت میشوند وپیروی مینمایند. »

نخستین قطاری که از بندرشاهپور حرکت نموده بود بطرف پایتخت رهسپار گردید وبدینوسیله ساختمان راه آهن سراسری کشور خاتمه یافت و آماده بهره برداری شد.

نمایندگان سیاسی خارجی مقیم تهران، نمایندگان مجلس، هیئت دولت وجمعی از رجال که بنا بدعوت وزارت طرق بسفیدچشمه مسافرت نموده بودند درتشریفات رسمی اتصال آخرین پیچ ومهره خط آهن سراسری که بدست شاه وولیعهد انجام شد حضور داشتند روز بعد درایستگاه تهران نیز تشریفات مفصلی بعمل آمد وپس از رسیدن قطار آقای اسفندیاری رئیس مجلس خطابهٔ مشروحی ایراد نموده وانجام این امر خطیر را بشاهنشاه فقید بنام ملت ایران تبریک گفت.

در همین روز دستور احداث خط آهن تهران بآذربایجان و تهران بمشهد وتهران به یزد صادر گردید و باسرعت مشغول عملیات ساختمانی شدند. تا سوم شهریور کارهای ساختمانی درهرسه خط ادامه داشت و بعضی از قسمتهارا هم اقدام به بهره برداری نمودند ولی متاسفانه با پیشامد شهریور ماه بکلی عملیات ساختمانی تعطیل شد وچه بسا ایستگاهها و پلها وخاکریزها درطول این سه خط بوضع اسف آوری درآمد وتا اینکه درسال گذشته فعالیت ساختمانی مجددا آغاز گردید ولی کارها بکندی جریان دارد ومعلوم نیست که این خطوط نیمه تمام چه موقع بمقصد خواهد رسید.

ورود قماش نخی ممنوع گردید: درسه‌ماهه سال ۱۳۱۷ ورود کلیه پارچه های پنبه‌ای ــ ارمک ــ فاستونی ودیاگنال نخی ــ متقال وناشور وپارچه های بافته شده با نخ خام ــ کتان ــ پارچه‌های پیچازی ــ پارچه های پیراهنی مردانه بانخ غیر مرسریزه ــ پارچه های توری پیراهنی ــ پارچه کرکی برای اولین دفعه ممنوع گردید.

این اقدام موجب خوشوقتی کارخانجات داخلی و کلیه صاحبان کارگاههای دستی شد و روز بروز سعی میکردند که پارچه‌های بهتروبیشتری تحویل بازار های داخلی نمایند.

دوره ولیعهدی دانشکده افسری: روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۱۷ والاحضرت ولیعهد در جشن فارغ التحصیلی دانشکده افسری بگرفتن دانشنامه نائل واعلیحضرت فقید نشان لیاقت را سینه معظم له نصب نمودند.

این دوره دانشکده دوره ولیعهدی نامیده شد واعلیحضرت فقید طی نطق مشروحی خطاب بدانشجویانی که بدرجه افسری مفتخر شده بودند گفتند:

«همینقدر سربلندی وسرافرازی برای شماس که ولیعهد کشور با شما دراین دوسال موافق تمام شرایط وقواعد نظام دوره دانشکده افسری راطی نمود ودر تمام تمرینات وتعلیمات ارتشی دانشکده شرکت کرد واین خود بهترین سرمشق فداکاری، ووظیفه شناسی برای شما میباشد. کشور ایران بواسطهٔ موقعیت جغرافیائی مخصوص خود لازمند یک ارتش بزرگ ونیرومند میباشد که ازهرحیث حافظ ونگهبان مصالح ومنافع کشور باشد. متاسفانه در گذشته این مسئله مهم را مهمل گذارده وتوجهی بآن نداشته‌اند ولی اکنون جای مسرت است که تمام ابناء کشور باعلاقه کامل خودرا آماده خدمت سربازی مینمایند.»

گشایش هنرستان دختران: عصر روز سوم مهرماه ۱۳۱۷ عمارت هنرستان دختران که ساختمان آن در آذرماه سال ۱۳۱۴ آغاز شده بود ازطرف اعلیحضرت فقید بازدید گردیده و گشایش یافت.

بانو مریم اردلان مدیره هنرستان دختران در گزارش خود گفت که این عمارت برای تربیت دویست نفر دوشیزه درنظر گرفته شده که مدت سه سال بفرا گرفتن احتیاجات لازمه زندگی از قبیل خانه داری، آشپزی، شیرینی پزی، خیاطی، پرستاری، کارهای دستی تحت تعلیمات بانوان مربی قرار میگیرند ودرضمن تحصیلات خود را تا کلاس ششم ابتدائی تکمیل خواهند نمود.

نیروی آلمان وارد چکوسلواکی شد: پس از یکرشته جنگ اعصاب شدید در اروپا و اجتماع سران کشورهای انگلیس و فرانسه وایتالیا در مونیخ ومذاکرات مفصل چمبرلن و دالادیه و موسولینی وهیتلر قراردادی راجع بالمانیهای سودت مقیم چکوسلواکی امضاء ومقرر شد در ظرف ده روز نواحی آلمانی های سودت را ارتش آلمان تصرف نماید واین تصرف نسبت بچهار منطقه مجراشود از طرفی یك کمیسیون بین‌المللی مناطقی را که باید در آن نقاط مراجعه بآراء عمومی بشود اداره کند.

درنتیجه اجرای پیمان مزبور مساحت بیست و هشت هزار و یکصد و نود و سه کیلومتر مربع ضمیمه خاك آلمان گردید. نواحی ضمیمه شده دارای سه میلیون و پانصد ونود وشش تن جمعیت بود، چند روز بعد از انعقاد این پیمان ادوارد بنش رئیس جمهور چکوسلواکی استعفا نموده و از کشور خارج گردید و بعد امیل‌هاشا بجای او برگزیده شد.

اطلاعات در دوازده صفحه: روزنامه اطلاعات ازآغازسال سیزدهم خوداغلب درده‌صفحه وبعضی ازروزها که خبرهای خارجه وداخله مهم‌بوده دردونوبت منتشر میشد یعنی یکنوبت غروب وچاپ‌دوم درچهارصفحه درحدود دوساعت ازشب گذشته تاآنکه درتاریخ ۹مهرماه ۱۳۱۷ چهار صفحه بصفحات آن افزوده شد واز تاریخ مزبور مرتب در۱۲صفحه منتشر گردید.

آقای‌مسعودی درباره افزایش صفحات چنین مینویسد:

«کارکنان اطلاعات همیشه سعی داشته‌اند که روزنامه راتاجائیکه میسر ومقدور است‌کامل انتشار بدهند و خوانندگان گرام راازکلیه وقایع‌داخلی وخارجی درزودترین فرصت ممکن آگاه ساخته وضمنا مطالب سودمندی رانشردهند. ابتدا نظرما این‌بود روزهائیکه خبرهای خارجه زیاد است روزنامه رادردو نوبت ودو وقت انتشار بدهیم‌ولی‌این نظرباشکالاتی مواجه گردید یعنی‌از یکطرف مشکلات فنی‌درکار چاپ پیدا شد و از طرفی بواسطه دونوبت منتشرشدن موجب‌شکایت زیادی ازطرف بسیاری ازخوانندگان گرام‌که روزنامه به‌آنها دیرمیرسید گردید و روبهمرفته این‌آزمایش و نظری‌که اداره در نشر تمام مطالب مفید و اخبار جامع همیشه داشته ودارد وعدم گنجایش هشت‌صفحه فعلی برای‌نشر مطالب مارامتوجه ساخت که بجای‌این ترتیب‌که گاه بگاه ممکن‌بود روزنامه‌در دونوبت نشرشود یك‌جهت روزنامه رادردوازده‌صفحه بطورکامل چاپ نمائیم بنا براین چهار صفحه بهشت صفحه همیشگی افزوده‌میشود ومرتب روزنامه دردوازده صفحه منتشرخواهدشد.»

افزایش صفحات روزنامه وسیله شدکه ازنویسندگان وداشمندان بیش‌ازپیش‌استفاده شده وآثار گرانبهای آنان زینت‌بخش صفحات اطلاعات شود.

یکی ازکسانی‌که ازسال سیزدهم اطلاعات آثارش دراین‌روزنامه منتشرگردید دانشمند محترم آقای‌راشد بوده‌اندکه مقالات اجتماعی واخلاقی‌ایشان ازآنموقع مرتب مورد استفاده عامه قرارگرفته‌است، از طرفی چون وضع دنیا دچارآشوب شده بود برای اینکه عامه ازاوضاع سیاسی‌دنیا مستحضرشوند مهمترین مقالات سیاسی بقلم‌سیاستمداران بزرك‌بوسیله خبرنگاران‌اطلاعات ومترجمین‌زبردست‌اقتباس گردیده ودرروزنامه اطلاعات‌دردسترس عامه قرار گرفته است.

افزایش صفحات ژورنال دوتهران: ازاول‌آبان ۱۳۱۷ دوصفحه بصفحات ژورنال دو تهران نیز افزوده‌شد. در این روزنامه علاوه برمطالب وجریانات وحوادث جاری مقالاتی مربوط بباستان شناسی و تاریخ ادبیات ایران وهمچنین مقالاتی‌که ایران را بیشتر بخارجیان بشناساند اختصاص داده شد.

گشایش کارخانه قند سازی شازند: روزچهارم‌آبان ۱۳۱۷ آقای نصر معاون وزارت پیشه وهنر پس‌از تشریح موقعیت‌شازند واستعدادآن‌نقطه برای چغندر کاری درحضورجمعیت کثیری‌که باقطار شازندازاراك مسافرت نموده بودندکارخانه قند آنجا راافتتاح نمودند.

اعطای صفت ایرانی بوالاحضرت فوزیه و تفسیر قانون‌اساسی: درتعقیب اعلام‌نامزدی والاحضرت ولایتعهد ووالاحضرت فوزیه روزچهاردهم آبان ۱۳۱۷ دولت لایحه‌ای بمجلس تقدیم نموده و اصل ۳۷ متمم قانون اساسی را بشرح‌زیر: «منظور از مادرایرانی الاصل مذکور دراصل ۳۷ متمم قانون اساسی اعم است ازمادری‌که‌مطابق شق‌دوم ازماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسب‌ایرانی باشد یامادری که قبل‌از عقدازدواج باپادشاه یا ولیعهد ایران باقتضای مصالح عالیه کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی بموجب فرمان پادشاه عصرصفت‌ایرانی باو اعطاء شده‌باشد» تفسیرنمود ومجلس باابراز احساسات باتفاق‌آراءتصویب‌نموده

در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۱۷ نیز در میان شور و شعف نمایندگان این ماده واحده بتصویب مجلس رسید: «مجلس شورای ملی نظر بتفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی باقتضاء مصالح عالیه کشور بنابر پیشنهاد دولت تصویب مینماید که بوالاحضرت فوزیه دختر اعلیحضرت مرحوم ملک فواد وخواهر اعلیحضرت ملک فاروق پادشاه مصر بموجب فرمان همایونی صفت ایرانی اعطاء شود»

درگذشت کمال آتاتورک: در شماره روز جمعه بیستم آبان ماه ۱۳۱۷ روزنامه اطلاعات در گذشت کمال آتاتورک را باطلاع ملت ایران رسانید در این موقع اعلیحضرت فقید ووالاحضرت در صفحات شمال بسر می بردند آقای مظفر اعلم وزیر امور خارجه مراتب را سریعا باطلاع ایشان رسانید وطبق دستور اعلیحضرت فقید آقای مظفر اعلم وزیر خارجه درسفارت ترکیه حضور بهمرسانیده ومراتب تاثرو تالم خانواده سلطنتی و دولت وملت ایرانرا بسفیر کبیر ترکیه ابلاغ نمود.

آقای فهیمی سفیر کبیر دولت ایران مقیم آنکارا باسمت فوق العاده و هیئت لشکری مرکب از تیمسار سرلشکر نخجوان و تیمسار سرتیپ کوپال وسرکار سرهنگ ارفع ویکدسته مرکب از پنجاه و دو نفر از سپاهیان وسه نفر ازافسران برای شرکت در مراسم تشییع بآنکارا اعزام گردیدند.

روزنامه اطلاعات خدمات کمال آتاتورک و ابراز تاثر وتاسف ملت ایرانرا از این حادثه طی مقالاتی خاطر نشان ساخت وچندروزصفحات اولیه روزنامه اختصاص باین موضوع داشت.

گشایش کارخانه ریسندگی قم - چندنفر از بازرگانان باتشکیل شرکت سهامی اقدام بتاسیس کارخانه ریسندگی درقم نموده بودند روز پنجشنبه سوم آذر ۱۳۱۷ مراسم گشایش این کارخانه باحضور مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی وآقای منصور وزیر پیشه وهنر وجمعی ازمعاریف که باقطار بقم مسافرت نموده بودند انجام گرفت.

مرحوم اسفندیاری درنطق مشروح خود اقدام مرحوم قیصریه وسایر بازرگانانی که اقدام بتاسیس کارخانه ریسندگی نموده بودند ستود.

روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت «تاکنون کارخانه های بسیاری در کشور گشایش یافته و برای هر یک تشریفاتی انجام شد ولی تشریفاتی که درگشایش کارخانه ریسندگی قم صورت گرفت در بین گشایش کارخانه های ملی بی سابقه بود.

ایجاد این کارخانه درشهرستان قم کمک مؤثری باهالی وساکنین این سامان می کند ازآنجمله تاکنون درحدود پانصد نفر کارگر بکار گماشته شده اند که از نتایج کار، خودوعائله آنها اعاشه میکنند، ازطرفی تصمیم گرفته شد کارخانه شب وروز درکار باشد تاتعداد کارکنان آن دوبرابر واثرات اقتصادی آن در زندگانی اهالی وتامین آسایش آنان توسعه یابد.»

تاشهریور ۱۳۲۰ بر کارخانجات داخلی مرتب افزوده میشد ولی متاسفانه ازآن ببعد نه تنها کارخانه ای دیگر تاسیس نگردید بلکه هرچندیکبار یکی ازکارخانجات اعم ازریسندگی وبافندگی وسایر کارخانجات صنعتی دیگر مثل کارخانجات انارک واغلب ازکارخانجات اقتصادملی یکی پس ازدیگری تعطیل می شود و معلوم نیست برای حفظ این سرمایه های ملی ودولتی ووسیله اعاشه وارتزاق هزاران هزار افراد زحمت کش این کشور چه موقع چاره ای خواهند اندیشید.

کفالت وزارت راه : روز هشتم آذرماه ۱۳۱۷ مرحوم آهی وزیر راه که خدمات مؤثری در اتصال راه آهن سراسری نموده و کرارا مورد تشویق اعلیحضرت فقید قرار گرفته بود براثر کسالت و احتیاج بمعالجه از پست وزارت راه معاف شد و آقای دکتر سجادی معاون آنوزارتخانه بسمت کفالت وزارت راه منصوب گردید

پوند پایه طلا را از دست داد : افزایش واردات وتقلیل صادرات انگلستان وبحران شدیدی که در امور بازرگانی آنکشور پدیدار شده بود دولت انگلستان را ناچار نمود که پایه طلای پوند را ازدست بدهد و این عمل تاثیر عجیبی در بازارهای دنیانمود

از دست دادن پایه طلا ازطرف دولت انگلستان دربازار ایران و امور اقتصادی کشور ما تاثیری نکرد زیرا درآمد نفت جنوب که اقلام مهم ذخیره ارزی کشوررا تشکیل میداد بموجب پیمان منعقده برپایه طلا قرارداشت ازطرفی سرمایه های ایرانی در داخل کشور جریان داشت ومردم بهیچوجه حاضر نبودند که سرمایه های خودرا برخلاف امروزدربانک های خارجی متمرکز سازند از اینرو تاثیرآن در اموراقتصادی کشورما زیاد نبود.

کفیل شهرداری تهران: روز چهارم دی مرحوم قاسم صور فرماندار گیلان بکفالت شهرداری تهران منصوب گردید.

قطع روابط با کشور فرانسه: انتشار مقالات برعلیه کشور ما درجراید فرانسه اعلیحضرت فقید را متاثر کرده بود. اقدامات سیاسی چه درتهران وچه درفرانسه بجائی نرسید وحتی مطبوعات فرانسه که از اقدامات مامورین سیاسی ایران درآنکشور مستحضر شده بودند بانتشار مقالات افزوده بودند تا اینکه روز هشتم دیماه ۱۳۱۷ دولت بوزیر مختار ایران در پاریس دستور داد که طی یادداشت رسمی قطع روابط سیاسی را بدولت فرانسه اطلاع دهد این قطع روابط سیاسی تا ۳۰ بهمن ۱۳۱۷ ادامه داشت.

تعدیل مال الاجاره مستغلات: موضوع تعدیل کرایه مستغلات وحفظ حقوق مستاجر مخصوصا رعایت سرقفلی وسابقه پیشه وران یکی از موضوعاتی است که همواره مطمح نظر مدیر اطلاعات بوده و در هر موقع از دادن نظریات صحیح و راهنمائی مالکین و مستاجرین برعایت حق و انصاف و عدم تجاوز بحقوق یکدیگر خودداری ننموده است.

تاثیر همین مقالات و نوشته ها بود که درسال ۱۳۱۷ قانون تعدیل مال الاجاره رابوجود آورد واولیای دادگستری مجبور شدند که توجه سریعی نسبت باین موضوع که یکی از حوائج زندگی عمومی بود بنمایند.

از آن پس نیز همواره در روز نامه اطلاعات در باره اصلاح قانون تعدیل اجاره بها و رعایت حال مستاجرین و پیشه وران مقالات زیادی منتشر گردیده و در هر موقع از راهنمائی های لازم خودداری نگردیده است.

تخفیف در کرایه خشکبار: طبق تصویب نامه هیئت وزیران مورخ ۱۹ دی ۱۳۱۷ در کرایه محصول خشکبار خراسان وآذربایجان برای صدور باراه آهن پنجاه درصد تخفیف منظور گردید روزنامه اطلاعات درد نباله یکسلسله مقالات اقتصادی ازاین تصمیم هیئت دولت اظهار خوشوقتی نموده واین اقدام دولت رابمنظور تشویق صادر کنندگان ستود.

سازمان پرورش افکار: بموجب تصویب نامهٔ هیئت وزیران سازمانی بنام سازمان پرورش افکار درتهران تاسیس گردید وآقایان دکتر صدیق ـ دکتر شایگان ـ دکتر آشتیانی ـ فروزانفر بموجب تصویب نامه مورخ ۲۲ دی ۱۳۱۷ بکارمندی هیئت مرکزی سازمان منصوب شدند که تحت نظر آقای دکتر متین دفتری وزیر دادگستری انجام وظیفه نمایند.

فکر تاسیس سازمان پرورش افکار فکر صحیحی بود ودربدوامر دانشمندان سخنرانیهای سودمند ومفیدی برای جامعه میکردند که متن آنها در روزنامهٔ اطلاعات منتشر میگردید ولی رفته رفته تملق گوئی برمقصود اولیه غلبه کرد ومردم را نسبت باین دستگاه بدبین نمود تااینکه بکلی از بین رفت.

ایجاد بانک رهنی: قانون تاسیس بانک رهنی ایران با سرمایهٔ ۲۰۰ میلیون ریال روز ۲۵ دی ۱۳۱۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

روزنامه اطلاعات که کراراً لزوم تاسیس چنین بانکی را گوشزد نموده بود تاسیس بانک را یکی از اقدامات مفید دانسته واز راهنمائی وانتشار مقالات لازم خودداری نکرد

توسعه رادیو درایران وایجاد دستگاه فرستنده: روزنامه اطلاعات پیش از اینکه مردم رادیو را دیده ویا از چگونگی آن مستحضر باشند در اطراف این اختراع مهم وطرق استفادهٔ مردم از آن مقالات مؤثری نوشت وبعد ستونی اختصاص ببرنامه رادیوهای خارجی داد. مدیر اطلاعات درروز ۲۹ دی ۱۳۱۷ دربارهٔ این اختراع شگرف چنین نوشته است:

رادیو یکی از موالید بزرگ ومهم صنعت وتمدن کنونی ویکی از اختراعات شگفت آور وبسیار سودمندیست که جهان بشریت از آن استفاده های فراوان نموده و درراه تبلیغ اندیشه ها وآراء جدید علمی واقتصادی وسیاسی از آن بهره های زیاد برده اند.

امروزه درهمه دنیا رادیو مثل تلفن وبرق یکی از لوازم مفید وضروری زندگی امروزی بشر شناخته شده ودرکلیه پایتخت های مهم دستگاه مخصوص پخش کن آن نصب گردیده است که درتمام ساعات شب وروز مطابق برنامه معین بپخش آهنگها وسرودها ونشر اخبار واطلاعات مهم سیاسی واقتصادی درداخل وخارج کشور مشغول میباشند ما آرزومندیم دولت اقدام بتاسیس دستگاه ارسال وفرستنده درداخل کشور بنماید وبدینوسیله مردم موفق

شوند سرودهای میهنی و کنسرتهای ملی و نطقهای مهم و خبرهای کشور خود را که بیشتر دلبسته آن می باشند از فرستندهٔ خود کشور - بشنوند .

تاثیر همین نوشته‌ها و تبلیغات فکر ایجاد تاسیس دستگاه فرستنده رادیو را بوجود آورد و بالاخره نقشه ساختمان عمارت در بی‌سیم قصر طرح و اقدام بخرید دستگاه فرستنده گردید .

هیئت اعزامی بمسکو: روز ۱۶ بهمن ۱۳۱۷ هیئتی مرکب از آقای و ثیقی کفیل وزارت بازرگانی ، آقای اللهیار صالح معاون وزارت دارائی ، آقای دلپاك رئیس اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه بسمت نمایندگی دولت ایران برای مطالعه در کارهای بازرگانی بمسکو اعزام شدند .

دعوت حکمت و سهیلی بکار: آقای حکمت وزیر فرهنك و آقای سهیلی وزیر خارجه که مدتی بود از کار بر کنار شده بودند در بهمن ۱۷ مجدداً بکار دعوت گردیدند.

آقای حکمت بسمت وزارت کشور و آقای سهیلی بسمت استاندار کرمان منصوب شدند. آقای ابراهیم علم نیز بوزارت پست و تلگراف برقرار گردید .

استقرار روابط سیاسی بین ایران و فرانسه : پس از قطع روابط بین ایران و فرانسه و تسلیم یادداشت از طرف وزیر مختار ایران بوزارت خارجه فرانسه اولیای آنوزارتخانه برای برقراری مجدد روابط میکوشیدند و خبرگزاری هاواس با انتشار اخبار مساعد در این زمینه ساعی بود، تا اینکه روز سی‌ام بهمن ۱۳۱۷ دو تلگراف زیر بین رئیس جمهور فرانسه و اعلیحضرت فقید مبادله و مجدداً روابط سیاسی برقرار گردید .

تلگراف رئیس جمهور فرانسه: در اینموقع که عروسی والاحضرت شاهپور محمد رضا نزدیك است میخواهیم اعلیحضرت همایونی را بمشارکت کامل خود در شعفی که خاندان سلطنت احساس میفرمایند مطمئن ساخته و مراتب احساسات دوستی خود و تحسینی را که برای ملت ایران و شاهنشاه عظیمش دارم اظهار نمایم. صمیمیت این احساسات بیشتر بر تاسف من از قطع روابط رسمی بین فرانسه و ایران میافزاید و متاثرم که وضع کنونی روابط سیاسی دولتین باولیای دولت جمهوری اجازه ندهد باآن شکوهی که مایلند در این امر باجلال شرکت نمایند و حال آنکه میل تمام فرانسه بر اینست که در این موقع قدر و قیمتی را که بر روابط دیرین بین دو کشور که از چندقرن باینطرف برقرار است میگذارند ابراز داشته و احساسات و تمجید و تحسینی را که نسبت بشخص آن اعلیحضرت و آثار فراموش نشدنی ترقی و تمدنی که از بدو جلوس خود در ایران انجام فرموده‌اند دارند بمنصه ظهور رسانند.

آرزوی کامل من در اینست که ابراز احساسات واقعی کشور من در اثر وضعیت حاصله از پاره‌ای انحراف تاسف آور بعضی جریده نگاران بی‌اهمیت و بی آبرو محروم نماند مخصوصاً که دولت جمهوری مراتب تاسف خود را از این حادثه که مخالف منافع دو ملت دوست میباشد صمیمانه اظهار داشته است .

من بسهم خودم در اینکه برقراری روابط دوستی گرمی بین فرانسه و ایران با شرایط اطمینان آوری میسر است تردیدی نداشته و از آن اعلیحضرت تمنا دارم بصداقت و صمیمیت احساسات ملت فرانسه نسبت بملت ایران مطمئن باشند

آلبرت لوبرن

پاسخ اعلیحضرت فقید : وصول تلگراف محبت آمیز آنحضرت بمن فرصت داد که بار دیگر رضامندی کامل و تشکرات خودمان را نسبت بشخص حضرتعالی که همیشه خیرخواه ایران و دوست خودمان میدانیم ابراز داریم و اطمینان بدهیم که هیچوقت رنجشی از شخص آنحضرت نداشته‌ایم ضمنا میخواهیم از این فرصت استفاده کرده موجباتی که مارا وادار کرد برخلاف میل باخذ این تصمیم اخیر مبادرت ورزیم تشریح نمائیم تصمیم ما فقط مبتنی بر مقالات موهن بعضی جراید نبود بلکه از چندین سال باینطرف احساس میکرد که در فرانسه چنانکه باید نتوانسته و یا نخواسته اند بتغییراتی که در کشور ما حاصل شده پی برده و ایران نو را بشناسند

این احساسات که انعکاس آنرا در مطبوعات مشاهده میکردیم مارا بر آن داشت که روابط را قطع و برقراری آنرا در موقعی که فرانسه مایل باشد کشور ما را واقعا بشناسد محول سازیم با وجود این مقدمات نظر باحترامی که نسبت بشخص آنحضرت داریم حاضریم گذشته را فراموش کرده روابط سیاسی را برقرار سازیم ولی از آنحضرت که در حسن نیتشان تردیدی نیست انتظار داریم شخصا توجهی فرمایند که روابط ما بر اساس محکم و معتمدانه که بوسیله آن طرفین یکدیگر را بهتر بشناسند استوار شود تا در آینده باحتراز از بروز این حوادث اسف آور مطمئن باشیم .

رضا پهلوی

عزیمت والاحضرت بمصر و جریان عروسی: بامداد پنجم اسفند ۱۳۱۷ موکب والاحضرت ولایتعهد بمصر عزیمت نمودند. آقایان اسفندیاری رئیس مجلس، دکتر متین دفتری وزیر دادگستری اعلم وزیر خارجه، محمدعلی مقدم مدیرکل وزارت خارجه، دکتر قاسم غنی نماینده مجلس، عباس مسعودی نماینده مجلس و مدیر روزنامه اطلاعات، دکتر فروهر دبیر دوم سفارت مصر همراهان والاحضرت را تشکیل میدادند. آقای علی ایزدی و سه نفر از آجودانهای والاحضرت نیز در التزام بودند.

از تهران تا مرز همه جا موکب والاحضرت مورد استقبال واقع شده دو روز در عراق، یکروز در سوریه، و یکروز در لبنان طبق برنامه هائی که تنظیم شده بود پذیرائی مجللی از موکب والاحضرت بعمل آمد کشتی سلطنتی مصر به بیروت آمده و روز نهم اسفند والاحضرت و همراهان با کشتی باسکندریه عزیمت نموده و درمدت اقامت در مصر طبق برنامه مشروح و مفصلی که قبلا تهیه شده بود از موکب والاحضرت پذیرائی شایان و مجللی بعمل آمد و روز ۲٤ اسفند مراسم عقدکنان در کاخ عابدین انجام گردید.

روز ۲۱ فروردین موکب والاحضرت با کشتی محمدعلی کبیر باتفاق والاحضرت فوزیه و ملکه نازلی و شاهزاده خانم‌های خواهرهای اعلیحضرت ملک فاروق و ملتزمین رکاب از پرت سعید حرکت و روز ۲۵ فروردین به بندرشاهپور وارد گردیده و باقطار بتهران عزیمت نموده و روز ۲٦ وارد ایستگاه تهران شدند.

از روز حرکت تا بازگشت همه روزه جریان پذیرائیها و ضیافتها و مراسم عقد کنان را آقای مسعودی مشروحا تلگراف نموده و با ارسال عکس های جالب و گزارشات مفصل عامه مردم را از جریان پذیرائی‌ها و ضیافتها مستحضر میساختند.

در تهران چهارشب جشن و پذیرائی و ضیافت‌های رسمی عروسی ادامه داشت از طرفی در پایتخت و شهرستانها مراسم شادمانی و چراغانی در تمام چهار شبانروز برپا بود و روز چهارم اردیبهشت هم تعطیل عمومی گردید.

انروز افکار عمومی این وصلت را مخصوصا از لحاظ علاقمندی و احترام سرشاری که همه مردم نسبت به اعلیحضرت فقید و شخص ولیعهد داشتند با مسرت فراوان تلقی میکردند و روزنامه اطلاعات نیز که همواره تابع و پیرو تمایلات عمومی ملت بوده و هست رساله‌ای حاوی جریانات این وصلت منتشر ساخت که از لحاظ جامعیت مندرجات و زیبائی طبع و نفاست چاپ در آنموقع بی سابقه بود

بااینکه انتشار این رساله برای اداره خیلی گران تمام شده و دچون نظر انتفاعی نبود شمارههای مجله با ربع قیمت تمام‌شده بعنوان یادگار توزیع گردید.

البته تحمل خسارت مادی چندان مهم نبود ولی آنچه مایه تاثر بیشتر شد دخالت مامورین شهربانی بود که قسمتی از مجله را سانسور و قطع کردند و انتشار آن مجله را با آنکه مطلبی مخالف صلاح ملت و دولت نداشت غیرمجاز تلقی کرده کلیه نسخه‌های آن صفحات را جمع آوری کردند بطوری که حتی یک نسخه هم برای نمونه باقی نماند از طرفی یکماه در انتشار رساله مزبور تاخیر قائل‌شدند.

درجشن‌های عروسی در تهران هیئت های اعزامی و نمایندگان فوق‌العاده کشور های خارجی شرکت داشتند و پس ازپایان مراسم عروسی وضیافت‌های رسمی نمایندگان اعزامی دول صفحات شمالی و اکثر آنها آثار تاریخی اصفهان وشیراز رابازدید نموده و باخاطرات خوبی بکشورهای خویش مراجعت نمودند

بودجه سال ۱۳۱۸ کشور روزهفتم اسفند ۱۳۱۷ بودجه سال ۱۳۱۸ کشور بمجلس تقدیم و قبل از پایان سال تصویب شد. ارقام هزینه بودجه مزبور دوهزاروششصد وسیزده ملیون وچهارصد وهشتاد هزارریال بود که قسمت مهم آن اختصاص بکارهای عمرانی داشت اطلاعات پس از تشریح ارقام بودجه نوشت « ارقام هزینه که دربودجه سال ۱۳۱۸ ذکرشده هزینه نبوده بلکه سرمایه ومنابع تولید ثروت برای کشور است واگر در ارقام هزینه دقیق‌تر شویم بیش از نصف وبلکه شصت درصد آن بودجه اساسی است که سرمایه کشور میگردد.

توسعه خطوط آهن ایجاد کارخانه ها، تکمیل واصلاح کارخانه‌های موجود، توسعه فلاحت وزراعت و تمام این قبیل امور درشمار نقشه‌های اقتصادی مهمی است که هزینهٔ اجرا وانجام نقشه‌های مذکور هزینه انتفاعی بوده و سالهای بعد ازهریك ازمنابع مذکور شروع ببهره برداری میشود.

الحاق بوهم ومراوی به آلمان: دکترهاشا رئیس جمهور چك اسلواکی که واسطه روابط بین آلمانها وچکها بود روز ۲٦ اسفند ۱۳۱۷ الحاق بوهم ومراوی اسلواکی را باآلمان دربرابر رادیو اعلام نمود.

پایان جنگهای اسپانیا: دراسفند ماه سال ۱۳۱۷ جنگهای داخلی اسپانیا که مدت چند سال جریان داشت پایان پذیرفت وبالاخره ملیون بپیشوائی ژنرال فرانکو برجمهوریخواهان غالب آمدند وکشورها یکی پس ازدیگری حکومت فرانکورابرسمیت شناختند آلمان وایتالیا بفرانکو ـ فرانسه وانگلیس بجمهوریخواهان کمک میکردند واسلحه وهواپیما بطرفین میرسانیدند داوطلبانی نیز از ایتالیا و آلمان بکمک ملیون شتافته و در جنگهای داخلی اسپانیاشرکت داشتند.

درگذشت پادشاه عراق: شب ۱۴ فروردین ۱۳۱۸ اعلیحضرت ملک غازی اول پادشاه عراق براثر حادثه اتومبیل فوت نمود. درباره فوت اسف انگیز ملک غازی بعد تعبیرات وتفسیرات زیادی شد که حقیقت آن مجهول ماند. دربار ایران باین مناسبت یک هفته عزادار بود و درگذشت ناگهانی پادشاه عراق موجبات تاثرات عمومی را فراهم کرد.

حمله ایتالیا به آلبانی: روز ۱۸ فروردین ۱۳۱۸ ایتالیا حفظ منافع خود را در دریای آدریاتیک مستمسک قرار داده به آلبانی حمله نمود و سواحل آنرا تصرف کرد وشروع به پیشروی بداخل آنکشور نمود پادشاه آلبانی بیونان فرار کرد وآلبانی بدست نیروی ایتالیا ازپادرآمد.

سرشماری کشور: روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۸ در اطراف لزوم سرشماری کشور روزنامه اطلاعات اینطور مینویسد: «فایده سرشماری وتعیین نفوس کشور ازتمام جهات زندگانی خیلی زیاد است ومیشود آمار نفوس کشور را آئینه شفاف وصافی دانست که صورت کامل حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه درآن منعکس شده باشد در دنیای امروز هیچ منطقی ازمنطق ارقام قویتر نیست بوسیله امار نفوس کشور ازبالا وپائین رفتن سطح حیات اجتماعی جامعه میشود اطلاع صحیح پیدا کرد و ارقام نفوس کشور صورت روشنی بدست دولت و اولیای امور کشور میدهد تا بواسطه آن نه فقط احتیاجات ضروری ساکنین کشور را ازقبیل آذوقه و خوراک و امثال آن تامین کنند بلکه برای تدارک وسائل بهبود زندگانی و ترقی و عمران کشور نیز با دقت و بصیرت کامل اقدام کنند»

بعدها با اینکه درپایتخت وبعضی ازشهرستانها سرشماری شد متاسفانه چون روی پایه صحیحی انجام نگردید وثبت نقل وانتقالات افراد ادامه نیافت زحماتی که برای این امر حیاتی متقبل شدند بدون نتیجه ماند.

چنانکه بیش از یکسال است حتی برای بدست آوردن جمعیت واقعی پایتخت جهت تقسیم شهر بحوزه های سی گانه بتعویق انتخابات انجمن شهر افزوده شده ومعلوم نیست که آیا بالاخره موفق خواهند شد جمعیت واقعی تهران ومحلات آنرا بدست آورند یا خیر!

هواپیمائی ملی: روز ۷ خرداد ۱۳۱۸ روزنامه اطلاعات در سر مقاله خود در باره هواپیمائی ملی نوشت:

«یکی از مشخصات برجسته این عصر سرعت است. «سرعت» در تمام شئون زندگانی ملل مترقی نفوذ پیدا کرده است. مسافات دور و دراز را کوتاه ساخته، قطعات گیتی را بهم نزدیک کرده عرصه پهناور جهان را در زیر نفوذ خود محدود نموده و در نتیجه انسان متمدن بردریاها وخشکیها وهوا وفضای بی حد وپایان حکومت وفرمانروائی میکند.

هواپیمائی درزندگانی ملل واقوام مترقی دنیا بقدری وسیله مؤثری شناخته شده است که ملل مزبور سرنوشت زندگانی وتمدن خودرا بسته به نیروی هوائی خویش میدانند وبقدری بان اهمیت میدهند که همیشه درحساب زندگانی خودبزرگترین رقم رابرای تقویت هواپیمائی خودپیش بینی میکنند. یکی ازمهمترین وسیله تقویت هواپیمائی تربیت وآموزش هوانوردی وتشویق وتحریص جوانان بامور هواپیمائی وتشکیل انجمنها وباشگاههای ملی وترتیب دادن مسابقه های مهم وطولانی وتربیت قهرمانان بزرگ این فن است درهمه جا باشگاههای ملی هواپیمائی ایجاد شده وگروه زیادی ازجوانان ومردان واردفن هوانوردی گردیده اند وباشگاهها وانجمنهای مزبور برای تشویق هوانوردان ازهیچ اقدامی فروگذار نکرده ونمیکنند وبه اندازه بموقع ومناسب خواهد بود باشگاه ملی هواپیمائی نیز در تهران تاسیس گردد وبرای پیشرفت وتوسعه هواپیمائی وتشویق وترغیب جوانان اقدام شود»

خط آهن گرمسار بسمنان: پس ازخاتمه راه آهن سراسری اقدام بساختمان راه آهن خطوط دیگر گردید در نتیجه روز جمعه ۲۵ خرداد راه آهن خط مشهد که ازگرمسار بسمنان رسیده بود ازطرف آقای جم نخست وزیر باحضور جمعیت کثیر مدعوین که با قطار بسمنان رفته بودند افتتاح شد. موضوع جالب توجه این بود که خط مزبور وبقیه عملیات ساختمانی درخطوط دیگر مستقیما ازطرف وزارت راه و بنظارت مهندسین وکارمندان وزارت راه ساخته میشد.

حمله آلمان بلهستان و آغاز جنگ بین‌المللی دوم: روز نهم شهریورماه ۱۳۱۸ هیتلر در پارلمان آلمان نطقی ایراد نمود و به بهانه اینکه لهستان پیشنهادهای آلمان را درباره الحاق دالانزیک به آلمان نپذیرفته دستور حمله بلهستان را صادر نمود. در نتیجه بامداد روز مزبور نیروی آلمان از چند نقطه از مرز عبور نموده و هواپیماهای جنگی آلمان برهدفهای نظامی لهستان حمله برده و ناوگان آلمان نیز در دریای بالتیک شروع بعملیات نمود بلافاصله دولتین انگلیس و فرانسه یادداشت اعتراض آمیزی به آلمان صادر نموده چمبرلن نیز در مجلس انگلستان نطقی ایراد کرده و خاطرنشان ساخت که هرگاه آلمان نیروی خودرا از لهستان خارج نکند انگلستان تعهدات خودرا مبنی بر ضمانت لهستان اجرا خواهد نمود و باحکومت نازی آلمان آنقدر جنگ خواهد کرد تا رویه خودرا تغییر بدهد متاسفانه این تهدیدات مؤثر واقع نشده و آلمان پاسخ منفی داد در نتیجه روز ۱۳ شهریور هواپیما های انگلستان به بنادر آلمان در دریای شمال حمله نموده و ارتش فرانسه شروع به پیشروی درخاک آلمان نموده و بدین ترتیب جنگ بین‌المللی در اروپا در گیر شد

دولت ایران بیطرفی اختیار نمود: روز یازدهم شهریور که خبر حمله آلمان بلهستان در تهران منتشر شد بلافاصله اعلامیه‌ای بشرح زیر از طرف وزارت کشور صادر گردید:

«در این موقع که متاسفانه نائره جنگ دراروپا برپا شده است به بیگانگانی که در ایران بهرعنوان زیست مینمایند لزوماً آگهی داده میشود که از ابراز هرگونه احساساتی که منافی بیطرفی کشور ایران باشد جداً خودداری کرده ومتوجه باشند که مبادا برخلاف مقررات بیطرفی حرکتی از آنها ناشی بشود»

روز بعد نیز یك بیانیه رسمی ازطرف نخست‌وزیر بشرح زیر صادر گردید:

در اینموقع که متاسفانه نائره جنگ دراروپا مشتعل گردیده است دولت شاهنشاهی ایران بموجب این بیانیه تصمیم خودرا باطلاع عموم میرساند که در این کارزار بیطرف مانده و بیطرفی خود را محفوظ خواهد داشت

نخست‌وزیر - جم

احضار دانشجویان مقیم اروپا: برای حفظ دانشجویان ایرانی مقیم اروپا روز ۱۴ شهریور به ادارات سرپرستی در کشورهای اروپا دستور داده شد که سریعاً وسایل بازگشت دانشجویان را از راه وینه و بوداپست واستانبول فراهم نمایند.

برای جلوگیری از احتکار - جنگ اروپا تاثیر خودرا دربازار های ایران نموده بود، دولت در آخرین جلسه دوره دوازدهم تقنینیه از مجلس اختیار گرفت که برای جلوگیری از احتکار و گرانفروشی کالاهای مورد احتیاج کشور مقرراتی وضع وبموقع اجرا گذارد ولی متاسفانه چون تقاضا برعرضه غلبه داشت اقداماتیکه برای جلوگیری از گرانفروشی واحتکار بعمل آمد مؤثر واقع نگردید وقیمتها روز بروز بالا رفت.

گشایش سیلوی تهران و کارخانه بلور سازی: روز دوشنبه ۱۲ شهریور ماه اعلیحضرت فقید ابتدا سیلوی تهران و بعد کارخانه بلورسازی را افتتاح نمودند، هیئت دولت وجمع کثیری از رجال در مراسم گشایش شرکت نموده بودند شاهنشاه فقید همینکه باتفاق والاحضرت ولیعهد وارد محوطه سیلو شده وچشمش به بنای عظیم سیلو که گنجایش شصت وچهارهزارتن ظرفیت دارد افتاد خطاب بحضار فرمود:

«ساختمان سیلو برای ماخیلی مهم ولازم بوده کشوریکه قسمت اعظم آب آن ازباران است باید همیشه ازاین وسائل داشته باشد تابموقع از آن استفاده کند»

آقای بهروز بردارائی در گزارشی که داد اظهار نمود: «برنامه ساختمان ۷ سیلو در تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - کرمانشاه - شیراز - اهواز تنظیم گردیده که سه سیلوی آن امسال و بقیه در سال بعد باتمام خواهد رسید»

اعلیحضرت فقید کارخانه عظیم بوجاری سیلو وتشکیلات داخلی آنرا بازدید نموده ورئیس بنگاه کمپرت استروی فروشنده ماشینهای سیلو ورئیس شرکت لناکه عهده‌دار ساختمان بنای سیلو بوده و ساکصیل رئیس کنسرسیوم کامپسا کس را مورد تفقد قرار دادند.

از آنجا اعلیحضرت فقید بکارخانه بلورسازی رفته وکارخانه مزبور را هم افتتاح نمودند، کارخانه بلور سازی که دارای سه کوره ذوب شیشه میباشد کوره اول برای تهیه شیشه پنجره بقوه ۵ تن محصول روزانه - کوره دوم برای تهیه بطری وظروف گوناگون بظرفیت ۴ تن - کوره سوم بظرفیت یکتن محصول روزانه برای تهیه

بلورآلات،مورد توجه شاهنشاه فقید قرارگرفت وهنگام خروج ازکارخانه خطاب بهیئت مدیره گفتند:بیشتر بنگاه‌ها که ابتدا شروع بکارمیکنند درپی نفع آنی هستند وبنام نیك چندان توجهی ندارند امیدوارم این بنگاه برخلاف سایرین بیشتردرصدد اصلاح وتوسعه و کسب نام نیك باشد.

پیشروی نیروی شوروی در لهستان : روز ۲۵ شهریور فرمانده عالی نیروهای شوروی به ارتش سرخ که در مرز های لهستان متمرکز شده بودند دستور پیشروی در خاك لهستان را صادر نمود و در همانروز یادداشت زیرازطرف دولت شوروی بکلیه سفارتخانه های خارجی مسکو تسلیم شد :

آقای سفیر کبیر : جنك آلمان و لهستان خرابی اوضاع داخلی لهستان را بثبوت رسانید درطی عملیاتیکه بیش از ده روز بطول نیانجامید لهستان کلیه نواحی صنعتی و تربیتی خود را از دست داد. ورشو دیگر پایتخت لهستان نیست . دولت لهستان فرار اختیارنموده ونبضش ازحرکت بازمانده است یعنی دیگر دولت لهستان وجود خارجی ندارد بنابراین عهدنامه هائی که بین روسیه واین دولت امضاءگردیده از درجه اعتبار ساقط میشود . خاك لهستان که دیگر سرپرست ندارد مرکز حوادث و هرج و مرج و اغتشاش گردیده است که بحال روسیه خطرناك است بنابراین دولت روسیه که تا کنون بیطرفی کامل را رعایت نموده بود ناچار است تغییر رویه دهد . دولت روسیه در مقابل او کرانیها و اهالی روسیه سفید که دستخوش آزار و اذیت بیمورد واقع شده اند نمیتواند لاقید بماند وبهمین جهت بفرماندهی عالی ارتش سرخ دستور داده است که ازمرزعبور نموده وجان ومال اوکرانی های مغرب و روسهای مقیم روسیه سفید را حفظ کند ودرعین حال دولت روسیه تصمیم دارد برای رهائی لهستان از این جنك تاسف انگیز که در اثر غفلت و ندانستگی سران کم‌تدبیر بوجودآمده سعی بلیغ مبذول دارد وبرای استقرار نظم وآرامش درلهستان هم کافی گمارد. لازم بتذکر نیست که دولت روسیه سیاست بیطرفی خویش را نسبت بکلیه کشورها ادامه خواهدداد.»

تلاقی ارتش سرخ و نیروی آلمان: روز۲۷ شهریور نیروی آلمان وشوروی در برست لیتوسك‌در لهستان با یکدیگر تلاقی نمودند وبدینطریق لهستان ازپا درآمد.

انعقاد پیمان تعاون مشترك بین شوروی و کشورهای بالتیك : پس از تصفیه کار لهستان دولت شوروی با دولت های‌لیتوانی، لتونی و استونی پیمان های تعاون مشترك منعقد نموده و موفق بایجاد پایگاههای لازم درآن کشورها گردید و نیروی سرخ درکشور های مزبور متمرکز گردیدند.

شرکت در نمایشگاه کشاورزی‌مسکو : روز ۲۷ شهریور ۱۳۱۸ برحسب دعوت‌دولت‌شوروی از دولت ایران آقایان حسن دیباتیان‌و مجید عدل برای‌شرکت در نمایشگاه کشاورزی بمسکو رهسپار گردیدند

سفیر کبیر جدید شوروی : آقای فیلی متوف سفیر کبیر جدید دولت اتحاد جماهیر شوروی روز ۲۸ شهریور بتهران وارد شده و روز چهارم مهر ماه استوار نامه خودرا باعلیحضرت فقید تسلیم نمود کارمندان‌سفارت‌شوروی نیز که‌تغییر یافته بودند باتفاق سفیر کبیر بتهران‌وارد شدند.

سفیر کبیرترکیه‌نیز تغییر کرد: آقای سواد دواز سفیر کبیر جدید ترکیه نیزکه بتهران واردشده بود روز ۱۵ مهرنامه‌های خودرا بحضور اعلیحضرت فقیدتسلیم‌داشت .

قتل نخست وزیر رومانی : روز۲۹ شهریور ۱۳۱۸ نخست وزیر رومانی(کالینکو) بدست‌عده‌ای ازعناصرمشکوك ومهاجر بقتل‌رسید وازآنروز وسایل آشفتگی آنکشورفراهم گردید.

امضای پیمان بین ایران وژاپن : روز چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۳۱۸ پیمان دوستی بین ایران و ژاپن از طرف آقای مظفراعلم وزیرامور خارجه وآقای شواشی ناکاپاماوزیرمختارژاپن در کاخ‌وزارت خارجه امضاء شد.

گشایش دوازدهمین دوره قانونگزاری : روز سوم آبان ۱۳۱۸ دوازدهمین دوره قانونگزاری از طرف اعلیحضرت فقید گشایش یافت در نطق افتتاحیه شاهنشاه بجنگ اروپا اشاره نموده و اظهار داشت: «اصلاحاتی که بعمل آمده اثرات نیکوئی در پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی نشان میدهد در سیاست خارجی روابط ما باتمام دول و خصوصا باهمسایگان برپایه دوستی و احترام متقابل استوار می‌باشد، بواسطه منقضی شدن مدت قرارداد بازرگانی مابادولت شوروی از نقطه نظر تجارت وقفه‌ای پیدا شده است که امید میرود در نتیجه مذاکرات مستقیم و حسن نیت طرفین با رعایت اصول قوانین کشور جریان عادی خود رابیابد. چیزی که باعث تاسف خاطر است وقوع جنگ دراروپا است اگر چه دراین قسمت هم سیاست دولت ما بیطرفی کامل است ولی چون دوام جنگ ازلحاظ مادی واقتصادی موجب زیان همه ملل وتهدیدتمدن جهان خواهد بود آرزومندم هرچه زودتر صلح برقرار گردد.

در امور داخلی سیاست دولت تعقیب و انجام اصلاحاتی است که پایه آن گذاشته شده وخوشبختانه روز بروز اهل کشور روح این سیاست را بهتر درك نموده در پیشرفت اصلاحات میکوشند و در امر آموزش و پرورش اهتمام بیشتری نشان میدهند، ما هم از اینکه مخصوصا جوانان در اقسام ورزش وپرورش جسمانی ذوق و علاقه پیدا کرده‌اند کمال خوشوقتی را داریم البته وظیفه هیئت دولت ونمایندگان مجلس وهمه علاقمندان بسعادت کشور اهتمام در ترقیات است تانتیجهٔ مطلوب چنانکه منظور نظر است بدست آید و اهالی از نعمت تمدن و تعالی بهتر کامیاب وبهره‌مندشوند»

دکتر متین‌دفتری نخست‌وزیر شد: پس‌از گشایش‌مجلس‌هیئت دولت مستعفی گردید وآقای دکتر متین دفتری وزیرداد گستری‌وقت بسمت نخست‌وزیر انتخاب وآقای جم بسمت وزیردربارمنصوب گردیدند.

آقای دکتر متین‌دفتری روز پنجم آبان هیئت‌دولت رامر کب‌از اقایان علی منصور وزیرپیشه وهنر، حکمت وزیرکشور، اعلم خارجه، مرآت فرهنگ، دکترسجادی راه، علم پست و تلگراف، امیرخسروی‌دارائی، سرتیپ نخجوان جنگ، وثیقی بازرگانی، سروری دادگستری، سرتیپ تاجبخش کفیل کشاورزی بحضور اعلیحضرت فقید و روز بیستم شهریور که مجلس آماده کارشد بمجلس شورایملی معرفی نمود.

بجای امیر خسروی مدیر کل بانك ملی که بسمت وزارت دارائی منصوب شده بود مرحوم محمد علی فرزین بمدیریت کل بانك‌ملی برقرار گردید.

گشایش راه شاهرود بگرگان : اعلیحضرت فقید روز دهم آبان ۱۳۱۸ باقطار راه آهن بسمنان عزیمت نموده و راه آهن گرمسار بسمنان را که بدست مامورین و مهندسین ایرانی احداث شده بود سر کشی کرده‌وازآنجا با اتومبیل بشاهرود رهسپار گردیده و راه شاهرود بگرگان راکه ازسال هزار و سیصد و چهارده مشغول ساختمان آن بودند افتتاح نموده واز این خط نوبنیاد برای حضور در اسب دوانی بگرگان رفتند اطلاعات درباره راه مزبور نوشت : طول‌راه شاهرود بگرگان که ۲۰۳ کیلومتر میباشد یکی از راههای درجه اول ومفید است که صفحات شمالی کشور را بخراسان و کلیه نقاط شرق متصل میکند متجاوز از ۲۰۰ پل دراین راه ساخته شده که‌در حدود شصت کیلو متر آن کوهستانی است ساختمان راه مزبور برای مبادله محصولات شرق باشمال تاثیر شایانی دارد و از لحاظ اقتصادی کمك زیادی به کشاورزان و زارعین خواهد نمود.

۱۱۳۹ نفرداوطلب فن‌خلبانی : پس‌از تاسیس باشگاه هواپیمائی کشوری ازطرف اعلیحضرت فقید و کمك‌های نقدی که خاندان سلطنت باین‌مؤسسه نوبنیاد نمودند مردم برای قبول کارمندی آن بریکدیگر سبقت‌جسته وهر کس بفراخور حال‌ازکمك‌های نقدی‌وپرداخت حق‌کارمندی مضایقه نمیکرد در نتیجه باشگاه هواپیمائی کشوری توانست قدمهای‌سودمندی باخرید هواپیما وایجاد فرودگاه کشوری وتاسیس آموزشگاه خلبانی انجام‌دهد. جمع زیادی ازدوشیزگان وجوانان داوطلب‌فراگرفتن فن‌خلبانی شدند‌بطوریکه دراول‌آذرماه ۱۳۱۸ تعداد دوشیزگان وجوانان داوطلب به ۱۱۲۹ نفر رسید وعده کثیری از انان در آموزشگاه خلبانی تحت تعلیم و تربیت قرار گرفتند آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات نیز که بعضویت هیئت مدیره ازبدو تاسیس انتخاب شده بودبرای پیشرفت کار این‌مؤسسه مفیداز هیچگونه تشویق وتبلیغ خودداری نمیکرد درستون مخصوص نام داوطلبان فن خلبانی وعکس آنها وکسانیکه قبول کارمندی میکردند ویاباین مؤسسه نوبنیاد کمك مینمودند منتشر میکردید.

همین تشویقات متوالی باعث‌شدکه باشگاه هواپیمائی سفارش پنجاه‌هواپیما بخارج دادوسرمایه قابلی‌برای احتیاجات خوداز قبیل احداث فرودگاه وساختمان‌آموزشگاه خلبانی اندوخت ولی متاسفانه پس‌از واقعه شهریور

مردم از کمک مالی و پرداخت حق کارمندی باین مؤسسه مفیدخودداری نمودند وکارهای آن متوقف ماند.

درحال حاضر درآمد باشگاه هواپیمائی کشوری عبارت از حمل و نقل پست‌های هوائی درداخله کشور ودرآمد مختصری از پروازهای تفریحی و تعلیمی میباشد.

روابط بازرگانی ایران و آلمان : روز یکشنبه ٤ آذرماه ١٣١٨ مطالب زیردرصفحه اول روزنامه اطلاعات جلب نظر میکند :

« امروزهریك از دول متخاصم بیك معاذیر غیرموجه لطمه ببازرگانی ما میزنند ، دیگر حرف حسابی آلمان چیست ؟ حاصل رنج وزحمت کشاورزان وبازرگانان مارا مدتی است تحویل گرفته‌اند وهمینطور کالاهائی که مورد احتیاج ماست بکارخانجات آلمان سفارش داده شده وبهای آنراهم دریافت داشته اند وحالا بروی بزرگواری خودشان نمی‌آورند وهیچ معلوم نیست کی وبچه ترتیب میخواهند تعهدخودرا انجام بدهند. همه را بحرف میگذرانند اگر وضعیت معکوس بود یعنی چنانچه بازرگانان و کارخانجات آلمانی از ما طلبکار بودند امروز چه بسر ما می‌آوردند ؟ آیا اکنون ما بایدساکت بنشینیم بانتظاراینکه آلمانها کی مصلحت خودشان اقتضا میکند که بدهی خودرا بمابدهند ، خیر ! این وضعیت برای ماقابل تحمل نیست زیرا ما میدانیم که آنها ازراههای مختلف میتوانند تعهد خودرا انجام بدهند نهایت معما اینست که چرا خودداری میکنند حل این معما هم مشکل نیست چه رویه دول اروپائی اینست که منافع دیگران را فدای سیاست خود بکنند، ولی ما دیگر نمیتوانیم اجازه بدهیم که حقوق حقهٔ ما یعنی مطالباتی که درزندگانی بازرگانی ماامروز کمال اهمیت را دارد دستخوش سیاست دیگران شود .

ما همیشه در معاملات خودمان باهمه خوش حساب بوده ایم و تقاضا داریم که بدهکاران ما هم باما خوش حسابی بکنند »

بین شوروی و فنلاند: پس از عقد پیمان تعاون مشترك بین کشور شوروی و کشور های ساحل بالتیك نوبت بفنلاند رسیده بود. یادداشت هائی بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و فنلاند مبادله شد ودر آخر منجر بقطع روابط دو کشور گردید.شب نهم آذر ماه ١٣١٨ مولوتف نطقی دربرابر بی‌سیم ایراد کرد و در طی آن خاطر نشان ساخت که روابط سیاسی روسیه و فنلاند قطع گردید و روسیه برخلاف شایعات کشورهای خارجه قصد ندارد فنلاند را بخاك خود ملحق سازد و نمیخواهد باستقلال فنلاند لطمه وارد آورده ودر امور داخلی آن کشور مداخله کند و حتی حاضر است گذشت هائی نسبت به آن دولت بکند ومایل است باتفاق آن دولت مسئله الحاق سر زمین (کارلی) را بفنلاند و تشکیل دولت بزرك فنلاند را بررسی کند. مابفنلاند حق میدهیم که روابط خود را با دیگر کشور ها بر قرار سازد.تنها منظور ما حفظ امنیت کشور خودمان و مخصوصاً لنینگراد میباشد و اطمینان داریم که حل این مسئله پایه دوستی روسیه و فنلاندرا استوار خواهد نمود.»

روز بعد نیروی روسیه چندین نقطه از تنگه کارلی رابتصرف در آورده و ده دقیقه بعد از آن در هلسینکی برای نخستین مرتبه آگهی خطر هوائی داده شد و طولی نکشید که هواپیماهای روسیه برفراز پایتخت فنلاند آغاز پرواز نمودند و باین ترتیب جنك بافنلاند آغاز شد.

به آب انداختن کشتی مازندران : روز ١٩ آذر ١٣١٨ کشتی حفاری مازندران در مرداب بندر پهلوی بآب انداخته شد.

روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت : «کشتی لاروب عامل مؤثری برای تکمیل وتوسعه بنادرشمالی است زیرا بوسیله آن میتوان استعداد بندرهای ساحلی شمال ایران را تقویت نمود تاقابل ورود وخروج هر گونه کشتی بشودبا نقصان محسوسی کـه در سطح آب دریـای مازندران بروز نموده کـه علت آن هنوز از نظر فنی مجهول است. وجوداین کشتی برای حفظ موقعیت بنادرشمال فوق العاده ضروری است.متفرعات کشتی لاروب عبارت ازچهار دستگاه باربر و یك دیك یدك کش الماس میباشد.طول کشتی ٧٦ متر و عرض آن ٤ر١٣ متر وظرفیت آن ١٨٧٨ تن و در هر ساعت میتواند معادل هشتصد متر مکعب ماسه سرم وتا ٣ هزار متر مکعب گل و لای حفاری نماید. دستگاه مولد آن دارای ٣ هزار قوه اسب بخار است. وزن کشتی در حدود یکهزار و چهار صد و چهل تن میباشد .»

کشتی مزبور که از کشتی های بزرك حفاری است بعداز شهریور مورد استفاده متفقین قرار گرفت وبه آبهای شمالی بحر خزر منتقل گردید تااینکه درمرداب بندر پهلوی تحویل مامورین وزارت راه شدولی متاسفانه از آن استفاده کامل نمی‌شود درحال حاضر قسمت مهمی ازمرداب پرشده و بجای اینکه درظرف ٢٤ ساعت باسه دسته کارگر گل ولای مرداب راخارج کنند فقط ٨ ساعت کار میکنند اغلب هم بواسطه نداشتن سوخت یانرسیدن حقوق کارگران یانواقص دیگر عمل حفاری انجام نمیشود .

برای حفظ ریال ایران: روز ۲۹ آذر هیئت وزیران تصویب نمود برای کمك ببازرگانی کشور نرخ ریال نسبت بارزهای خارجه چهل درصد کمتر از ارزش ریال زرقانونی تعیین شود. مدیر اطلاعات این اقدام دولت را اینطور تشریح نمود:

این تصمیم دولت یك اقدام مهم اقتصادی است که مدتهاست انتظار آنرا داشتیم وی بایستی زود تر اتخاذ شده باشد درحقیقت پول کشور علیرغم قوانین پولی که واحد زررا مقرر میداشت عملا نه باواحد زر تطبیق می نمود و نه براساس ثابت دیگری استوار بود. نرخ بندی که بعد از قانون ارز مورخ اسفند ۱۳۱٤ نسبت بارزهای خارجی در بانکملی میشد بدون جهت وضعیت ریال مارا خیلی پائین تر از اعتبار حقیقی آن قرار میداد. تنها نتیجهٔ قابل تحملی که این وضعیت داشت این بود که عملا نرخ تبدیل ریال نسبت بارزهای عمده ثابت نگاهداشته شده بود اخیراً این ضعف هم از آن زائل شد وما میدیدیم که بهای بعضی ازارز ها درمقابل ارزهای دیگر تنزل کرده بدون اینکه در ایران این تنزل رعایت شده باشد وبطور خلاصه پول ایران باوجود اندوخته های سرشار زروسیم بدون جهت خط سیر تنزلی پول کشورهائیکه عنان اختیار پول خودرا ازدست داده بودند درپیش گرفته بود درصورتیکه نرخ بندی فعلی بهیچوجه منطقی وقابل تحمل نبوده وناگزیرهستیم برای اینکه از تزلزلات درمعاملات خارجی خودجلو گیری کنیم پول خودرا روی اساسی قراردهیم که تابع تغییرات وتحولات بین‌المللی نباشد از طرفی کسر چهل درصد از ارزش ریال زرقانونی جائزه‌ایست که دولت ازنظر تشویق بتولید کنندگان وبازرگانان کشور میدهد که جا دارد این طبقه برسعی وعمل خود برای صادرات بیفزایند.

تغییر وزیر مختاران انگلیس وفرانسه: سر ریدرز بولارد که بسمت وزیر مختار جدید انگلیس به تهران وارد گردیده بود روز ۸ دیماه استوارنامه خودرا بحضور اعلیحضرت فقید تسلیم نمود.

آقای ژان‌هلو نیز که بسمت وزیر مختار جدید فرانسه بتهران وارد شده بود روز شنبه ۲۲ دی‌ماه استوارنامه خودرا تقدیم کرد.

راهنمائی جوانان بکار های فنی: مدیر اطلاعات همواره جوانان را بکار های فنی وشغل آزاد راهنمائی نموده وساعی بوده‌است که نسل‌جوان عناصر مفیدی برای‌جامعه بشوند درهمانموقع که وزارتخانه ها و اداره‌های دولتی نهایت احتیاج‌را بکارمند داشته حتی هر اداره‌ای برای خودآموزشگاهی جهت پرورش کارمند تاسیس میکرد احتراز از پشت‌میز نشینی واستقبال از کارهای فنی وآزادرا کرارا گوشزد میکرده‌است چنانکه آقای مسعودی در شماره ۱٤ بهمن ۱۳۱۸ مینویسد:

«جوانهای این‌عصر ازروی اشتباه خواهان تحصیلات دانشکده‌ها ودانشگاهها میشوند بخیال آنکه تحصیلات عالی‌را طی کرده وهمواره چنانکه اصطلاح‌شده یقه‌وسردست آهار زده بپوشند وپشت‌میز بنشینند.

چراجوانها دوره زندگانی رابرای پشت‌میز نشینی میخواهند وچرا ازکارکردن وبکارانداختن دست های خودعاجزند؟ جوانان امروز رویهمرفته قطعا ازجوانان ادوار گذشته نیرومند تر وتندرستی آنها نیززیادتراست، پس‌چرا ازکارهای دستی میهراسند؟

جوانهائیکه دوره آموزشگاههای عالی‌را طی کرده‌و پشت‌میز نشین شده‌اند تصور میکنند که آن سیم کش تلفن ویاآن سوارکننده چراغ‌برق مردپست‌وکوچکی است درصورتیکه نیاز جامعه باین‌قبیل افراد فنی زیاد تر شده ونسبت بجوان‌های غیرفنی کمتر میشود در کشورهای صنعتی که دارای کشاورزی موتوری هستند ارزش جوان های فنی وصاحبان گواهی‌نامه‌های فنی روزبروز زیادتر میگردد.

درسالهای ۱٤ تا ۲۰ که هوش واستعداد جوانان درنهایت طغیان وبهترین ادوارآموزش عمرآنها بشمار میرود وقت بمطالعه وآموختن تئوری‌ها بکارمیرود وچون دوره دانشکده تمام‌شد جوان تحصیل کرده یك مشت تصورات موردعمل قرارنگرفته‌را درسرداود ولی‌راه‌زندگی‌را درست نمیداند‌ازاین جهت چندین سال پی‌درپی وقت خودرا صرف پیداکردن جای‌مناسب‌برای‌خودمینماید.

برای پیشرفت جوانان بهترآنست که دردبستان و دبیرستان و دانشکده ها بیشتر بکارهای دستی اهمیت گذارند جوانان خود تشنه این نوع آموزش‌هستند، وسیله را برای آنها فراهم سازید خود بانهایت میل دنبال آن میروند‌اهمیت آشناشدن‌بکارهای فنی ودستی‌باندازه‌ایست که بعقیدهٔ من وعاظ‌مذهبی، پزشکان وحتی حقوق‌دانها پیش‌از اتمام دوره تحصیل‌لازم است بکارهای دستی‌آشنا شوند. کسی که دستش بکارافتاد فکرش‌نیز بکار می‌افتد

زیرا تحصیل کرده های عمل‌دیده هنگام آغاز هر کار میدانند که دست خود را بانیروی دماغی خویش چگونه بکار اندازند .

تغییر وزیر مختار آلمان : فن‌اشترانس اتل که بسمت وزیرمختار جدید دولت المان به تهران وارد شده بود روزهفتم اسفند ۱۳۱۸ اعتبارنامه خودرا بحضوراعلیحضرت فقید تسلیم نمود .

انعقاد پیمان بین شوروی و آلمان : هنگامیکه جنك در دریا و هوا وزمین بین نیروهای فرانسه و انگلیس با نیروی آلمان و بین نیروی شوروی با فنلاند باشدت ادامه داشت در دنبال انعقادیك پیمان عدم تعرض بین آلمان وشوروی در تاریخ یازدهم فوریه ۱۹۴۰ پیمان‌دیگری برای مبادله کالاها و امور اقتصادی بین روسیه و آلمان امضاء شد. روزنامه اطلاعات نقل‌از ایزوستیادرتاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۱۸ چنین مینویسد :

« پیمان اقتصادی منعقد درروز ۱۱ فوریه بین روسیه وآلمان از لحاظ سیاسی و اقتصادی اهمیت شایانی‌در بردارد اساس این پیمان برمصالح دو کشور نهاده شد ووسیله تامین روابط اقتصادی وسیاسی بین روسیه‌وآلمان میباشد که پایه‌آن بوسیله پیمان بازرگانی و اعتبارات منعقد در اوت ۱۹۳۹ گذاشته شده است این پیمان‌دومی پس ازآنکه روابط سیاسی دولتین توسعه بیشتری حاصل کرد بامضاء رسید درسال‌گذشته پیمانی‌نیز مبنی‌بردوستی وعدم تجاوز بین‌آلمان وشوروی انعقاد یافت .

مبادلات بین روسیه وآلمان درپیمان بازرگانی واعتبارات پیش بینی‌شده بودگفتگوهائی‌بین‌نمایندگان دولتین درپایان ماه سپتامبر وقوع یافت و اینان تمایل خودرا باستقرار همکاری اقتصادی دو کشور بیشتر از آنچه درسابق بوده است اظهارداشتند. نخست«مولوتف» کمیسر امور خارجه شوروی و« فـن ریبن ترپ » وزیر امورخارجه آلمان درنامه‌هائی‌که درتاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹ بیکدیگر نوشتند تمایل خودرا باین امر اظهارنمودند .این دونامه مدلل‌ساخت که آلمان وروسیه‌عزم دارند حتی‌المقدور مناسبات اقتصادی خود را توسعه دهند وبهمین جهت مقرر گردید یك برنامه اقتصادی تهیه گردد که بموجب آن مبادلات روسیه وآلمان به پیشینه میزانی که درسالهای قبل رسیده بود ترقی یابدمذاکرات دراین‌خصوص بین هیئت نمایندگی اقتصادی آلمان و کمیسر بازرگانی خارجه روسیه آغاز گردیده و روز ۱۱ فوریه منتهی بامضای قـرار داد اقتصادی آلمان و روسیه گردید بموجب این قرارداد مازاد مواد اولیه روسیه بآلمان فرستاده خواهد شد ودرنتیجه آن بازرگانی خارجه روسیه بیش از پیش توسعه خواهد یافت و دراین موقع که دولت روسیه از لحاظ اقتصادی کاملا خـود را ازقید بیگانگان رهائی بخشیده بیش از پیش برنیروی اقتصادی خود افزوده ودر پرتو صنایع شگرف خویش کشاورزی خودرا توسعه داده و روز بروز مناسبات اقتصادی خودرا با دولت آلمان که مایل بهمکاری اقتصادی باروسیه است نیرومند تر خواهد ساخت قرار داد بازرگانی روسیه و آلمان که در روز نوزدهم اوت ۱۹۳۹ بامضاء رسید نتایج نیکی بخشیده‌است. قرارداد یازدهم فوریه ۱۹۴۰ مبادلات بین دو کشور را بیش از پیش توسعه داده وامتیاز های بیشمار برای طرفین خواهد داشت این قرارداد اقتصادی گواه براصلاح کامل مناسبات سیاسی آلمان و روسیه بوده و نوید میدهد که برای تشریك‌مساعی دو کشور مبانی محکمی‌برقرار گردد.

سرشماری تهران : روز دهم‌اسفندتعطیل‌عمومی‌شد وسرشماری تهران انجام گردید روزنامه‌اطلاعات یکماه پیش از انجام سرشماری ستون‌مخصوصی برای آشناکردن مردم بامر سرشماری اختصاص داد ووظایف آنها را در قسمت پرکردن پرسش‌نامه ها وسایر مسائل مربوط بامرسرشماری متذکر گردید چندروز بعد اعلامیه ای ازطرف وزارت‌کشور صادر شد و جمعیت تهران را ۵۴۰٫۰۸۷ نفرتشخیص‌دادند.

گشایش خط آهن تهران - قزوین : روزهفدهم اسفند ۱۳۱۸ خط‌آهن بین‌تهران‌ـ‌قزوین گشایش یافت بامداد روز مزبور هیئت‌دولت، نمایندگان مجلس و جمعی از رجال باقطار بقزوین رهسپار شده و پس‌از انجام مراسم گشایش شب بتهران مراجعت نمودند. آقای دکترسجادی وزیر راه طی‌نطق افتتاحیـه آماده شدن وزارت راه را برای ساختمان خطوط‌آهن‌خاطرنشان‌و اظهارامیدواری کردکه اداره ساختمان راه‌آهن شبکه راه آهن ایران را بدون نظارت ودستیاری بنگاههای‌خارجی بدست‌مهندسین‌ایرانی باتمام برساند

عقد قرارداد بازرگانی با دولت شوروی: روز ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ عهدنامه بازرگانی و کشتی رانی میان دولت شوروی و دولت ایران امضاء شد. این عهدنامه را از طرف ایران آقای ساعد سفیر کبیر و آقای سیاح نماینده اعزامی و از طرف شوروی آقای میکویان کمیسر ملی بازرگانی خارجی و الکسف نماینده بازرگانی خارجی مأمور ایران امضاء نمودند .

خاتمه جنگ در فنلاند: پس از یکصدوچهار روز جنگ در فنلاند متارکه گردید و عهدنامه صلح از طرف شوروی بدست مولوتف و ژدانف و واسیلیوسکی و از طرف فنلاند بدست ریتی و پاسیکیوی و سرلشکر والدن امضاء شد. بموجب عهدنامه مزبور برزخ کارلی و ویبورک و تمام کرانه دریاچه لادگاو شبه جزیره فیشر و قسمتی از خاور فنلاند بدست روسیه افتاد و قرار شد پایگاههای دریائی و هوائی نیز در آن کشور از طرف شوروی احداث شود .

مسافرت بخوزستان: اعلیحضرت فقید روز سه‌شنبه ششم فروردین ۱۹ با قطار راه آهن بخوزستان مسافرت نمودند. آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیز در این مسافرت همراه اعلیحضرت بود. شاه فقید پس از سرکشی بمؤسسات راه آهن و نقاط بین راه در آبادان کارخانجات و تأسیسات نفت و دانشکده آنجا را بازدید نموده بعد با ناو ببر ببندر شاهپور رفته و پس از سرکشی بتأسیسات بندری آنجا با قطار بتهران مراجعت کرد .

در این مسافرت پایه احداثات جدیدی در نقاط جنوبی ریخته شد که آقای مسعودی بتفصیل برای خوانندگان روزنامه تشریح نموده اند.

اشغال دانمارک و نروژ بوسیله نیروی آلمان: روز ۱۹ فروردین ۱۳۱۹ نیروی آلمان بدانمارک و نروژ حمله نمود و بتر برای نخستین مرتبه طی اعلامیه زیر این خبر را در دنیا منتشر نمود:

«دولت آلمان اطلاع داد که دو کشور نروژ و دانمارک را تحت حمایت خود در آورده است و اضافه نمود که این اقدام وی بمنزله پاسخ بمین گذاری در آبهای کرانه نروژ بوسیله فرانسه و انگلستان میباشد بدولت انگلیس در این خصوص اطلاع رسیده بود که وزیر مختار آلمان در نروژ تسلیم دولت نامبرده را از طرف آلمان خواستار شده و گفته است که در صورت عدم قبول بتسلیم هر گونه ایستادگی نروژ در هم شکسته خواهد شد . بدیهی است دولت نروژ عدم موافقت خود را در این مورد فورا باطلاع وزیر مختار نامبرده رسانیده است . سپس اطلاع رسید که نیروی آلمان قسمتی از سرزمین نروژ را اشغال کرده است.

اظهارات دولت آلمان دائر براینکه این اقدام آنها در پاسخ اقدامات فرانسه و انگلیس بوده است بهیچ وجه از عهده پوشانیدن حقایق برنتوانند آمد . مقدمات چنین حمله شدیدی که طی آن نیروی آلمان در آن واحد در چندین بندر نروژ پیاده شده‌اند مسلما از مدتها پیش از این تهیه شده بوده است .

زراعت نیشکر: در یکی از یادداشت های مسافرت خوزستان آقای مسعودی مدیر اطلاعات در اطراف توسعه زراعت نیشکر بحث نموده و چنین مینویسد:

«مامورین کشاورزی از مصر و هندوستان مقداری قلمه های نیشکر وارد نموده و در اهواز بکشت این محصول مفید پرداخته اند تا با نصب کارخانه تصفیه نیشکر احتیاجات کشور از قند و شکر مرتفع شود .

نیشکر اصولا محصولی است که کشت آن مخصوص بخشهای گرم و مرطوب است و در کشور ما نقاطی که برای کشت این زراعت از هر حیث مستعد میباشد عبارتست از نواحی شمال از قبیل گیلان و مازندران و در جنوب ایران دشت های حاصلخیز خوزستان و بلوچستان سابقا در این قسمت ها نیشکر رواج کلی داشته و بمقدار کافی کشت میشده و حتی تا اندازه‌ای کسب شهرت هم در جهان نمود و صادرات داشته است

درمیان نقاطی که برای کاشتن نیشکر مفید است خوزستان موقعیت بسیار ممتازی دارد و در صورتیکه کشت نیشکر و توسعه آن در خوزستان عملی شود علاوه براینکه ممکن است تمام حوائج داخلی ما را از لحاظ قند و شکر مرتفع سازد ممکن است یک رقم صادراتی خوب نیز برای ما درست نموده و میزان فرستاده های ما را افزون نماید»

متاسفانه بعد از شهریور ماه نیشکر کاری در خوزستان نیز مثل صدها کار عام المنفعه و اساسی دیگر از بین رفت و از کارخانه خریداری شده اثری نیست. قلمه های نیشکر نیز که از مصر و هندوستان وارد و در زراعت آن نیز توسعه زیادی حاصل شده بود بطوریکه در سال ۱۳۲۱ محصول آنرا برای تصفیه بهندوستان فرستادند بکلی از بین رفت و معلوم نیست

آیا که بفکر استفاده از اراضی زرخیز کشور وتوسعه نیشکرکاری هست یانه؟

گشایش دستگاه پخش صدای تهران: ساعت ۷ بعداز ظهر روز پنجم اردی بهشت ۱۳۱۹ آیین گشایش دستگاه فرستنده رادیوی تهران درحضور والاحضرت ولایتعهد انجام گردید وچون یکدستگاه بلندگو درگوشه عمارت پست وتلگراف نصب شده بود باریزش باران و طوفانی بودن هوا مردم تاپایان برنامه درمیدان سپه اجتماع نموده و بشنیدن خبر گشایش وقسمتهای دیگر برنامه مشغول بودند.

پایان ساختمان بندر نوشهر: شرکت هلندی که ساختمان بندر نوشهر واسکله آنرا بعهده داشت روز ۲۹ فروردین بهیئتی که بریاست آقای مهندس دولنداد بنوشهر رفته بودند موج‌شکن وساختمانهای بندری را تحویل دادو از آنروز اسکله تحت نظر مامورین اداره بندر قرار گرفت.

کتابخانه اطلاعات: روزنامه اطلاعات درسال ۱۳۱۸ برای نویسندگان خود وهمچنین ارباب رجوع اقدام بتاسیس کتابخانه‌ای نمود ویکی ازسالن‌های عمارت اطلاعات را اختصاص بکتابخانه داد.

ناشرین ونویسندگان کتاب این اقدام روزنامه اطلاعات را باارسال نسخی از کتاب‌ها و تألیفات خودستودند ازجمله کسانی که برای کتابخانه اطلاعات مقداری از کتب ذیقیمت خود را فرستاد آقای علاء بودند، روزنامه اطلاعات روزدهم اردیبهشت در این باره می‌نویسد:

«درچندماه پیش خبر تشکیل کتابخانه روزنامه‌را باطلاع همگان رسانیدیم ودر ضمن برای توسعه آن اهمیت کمک بنگاههای نشر کتاب وسایر کسانی‌را که علاقمند به پیشرفت این بنگاه میباشند گوشزد نمودیم.

اینک لازم دانستیم از حسن استقبال خوانندگان گرام و دانشمندانی که از این راه بتکمیل کتابخانه روزنامه کمک نموده اند، مراتب امتنان خویش را ابراز داریم و بویژه اداره روزنامه وظیفه خود میداند که نسبت بجناب آقای حسین علاء منتهای سپاسگزاری خویش را اظهار کند، چه ایشان در اثر حسن نظری که نسبت به پیشرفت این بنگاه دارند، سی ویک جلد از کتابهای حقوقی وتاریخی و سیاسی نفیس ومجله های اقتصادی و بانکی کتابخانه خودشان را برسم ارمغان و یادگار به کتابخانه روزنامه اطلاعات هدیه نموده اند

این سی و یك جلد کتاب شاید نخبه کتابهای سیاسی وحقوقی وتاریخی و اقتصادی باشد که درعرض چند سال اخیر بزبانهای انگلیسی و فرانسوی انتشار یافته و بیشتر آنها ازآثار مردان سیاسی و رجال برجسته اقتصادی اروپائی میباشد وبهمین جهت یقین است که مورد استفاده کامل ما قرار خواهد گرفت»

روزنامه اطلاعات علاوه بر کتب ارسالی برای تکمیل کتابخانه مقدار زیادی کتاب هم ازخارجه وارد نمود که علاوه بر استفاده نویسندگان، جوانان دانش پژوه نیز ازآنها استفاده میکردند متاسفانه کتابخانه و آرشیو ذیقیمت آن بتحریك بد اندیشان طعمه حریق واقع گردید که درجای خود درباره آن اشاره خواهد شد

حمله بهلند و بلژیك و لوکزامبورك: روز بیستم اردیبهشت فن‌ریبن تروپ وزیرخارجه آلمان دو یادداشت بوزیران مختار بلژیك و هلند مقیم برلن تسلیم نمود وحمله نیروهای آلمان را بدو کشور مزبور باطلاع آنان رسانید.خبرگزاری آلمان درباره علل حمله بهلند و بلژیك خبرداد که بموجب اطلاعات و مدارك تردیدناپذیر مسلم گردیده که بزودی فرانسه و انگلیس برعلیه آلمان اقدام بحمله خواهند نمود این حمله که بحوزه (روهر) درنظر گرفته‌شده باید از راه بلژیك و هلند صورت گیرد اینستکه دولت آلمان به نیروی خود دستور داده بهروسیله که شده بیطرفی این دو کشور را تامین نماید یك یادداشتی هم بشرح زیر بدولت لوکزامبورك فرستاده شد:

« دولت آلمان ازمنبع موثقی اطلاع بدست‌آورده که انگلیس وفرانسه درتعقیب سیاست توسعه جنك خود تصمیم گرفته اند ازراه بلژیك وهلند بالمان حمله نمایند لذا برای جلوگیری ازاین حمله قریب الوقوع به نیروی آلمان دستورداده شد بیطرفی آن کشوررا تامین نماید‌چنانچه‌این‌حمله‌فرانسه‌وانگلیس ازخاك(لوکزامبورك)بموقع عمل‌درآید‌دولت‌آلمان برای جلوگیری‌از آن ناگزیر خواهدبود‌عملیات خودرا بقلمرو(لوکزامبورك) نیزامتداد دهد.

بااین بهانه‌های سفسطه‌آمیز بلژیك‌وهلند ولوکزامبورك مورد تجاوز نیروی آلمان هیتلری‌قرار گرفت.

راه تهران به آمل: روز دهم خرداد ۱۳۱۹ روزنامه اطلاعات در باره ساختمان راه تهران به آمل نوشت:

«ساختمان این راه از آب‌علی که در ۶۵ کیلومتری تهران واقع شده آغاز و اکنون تا آب گرم لاریجان که در ۱۳۹ کیلومتری آب‌علی و ۱۹۳ کیلومتری تهران میباشد امتداد یافته و مبارک آباد و کنل معروف امامزاده هاشم پلور و رنه در مسیر آن واقع شده است در رنه این راه بدو شاخه تقسیم میشود یک شاخه تا کنار آب گرم لاریجان و چشمه سارهای آبهای معدنی امتداد یافته و شاخه دیگر به اسک و بی‌جان و آمل منتهی میگردد.

این راه که کوتاهترین راهی است که پایتخت را بمازندران و نقاط شمالی کشور اتصال میدهد صرفنظر از اهمیت اقتصادی از چند نظر دیگر قابل دقت و اهمیت می‌باشد. مهمترین اهمیت این راه اینست که از کنار آبهای معدنی گرانبهائی که از دامنه های البرز جاری است مانند آب گرم لاریجان — آب نمك — آب جیوه استراباکو — آب آه — آب آهن و چشمه سارهای گرانبهای دیگر کانی میگذرد و این آبها بطوریکه خبرگان اظهار نظر میکنند و البته در آینده نیز از طرف بهداری مشخصات و اهمیت هر یك بطور مشروح معین و باطلاع عامه خواهد رسید در شمار بهترین آبهای معدنی جهان می‌باشد. و اهمیت دیگر آن اینست که همه این چشمه سارها در نقاط بسیار مصفا و خرم و سبز ییلاقی واقع شده و در آینده بهترین تفرجگاه و بهترین آسایشگاه برای کسانی که میخواهند مدتی از هوای روح پرور ییلاق بهره‌مند شوند خواهد بود»

بعد از شهریور ۲۰ عملیات ساختمانی در این راه بکلی متروك مانده و اکنون که ۹ سال از آن تاریخ میگذرد هنوز هیچگونه اقدامی نشده با اینکه کرارا از طرف مقامات عالیه و مردم شمال بساختمان این راه توجه شده دولتهای بعد از شهریور نتوانسته اند از مالیات های سرسام آوری که بعناوین مختلف از مردم دریافت میکنند ۲۰ میلیون هزینه ساختمانی این راه را بپردازند و برای این همه بیکار کاری تهیه نمایند در حالی که در سال جاری چندین هزار بیکار را سازمان برنامه نگاهداری میکرد و بآنها حقوق میداد و ممکن بود در راه مزبور آنها را بکار بگمارند.

پادشاه بلژیك تسلیم شد: روز نهم خرداد لئوپلد سوم پادشاه بلژیك که کشورش مورد تهاجم نیروی آلمان قرار گرفته بود تسلیم گردید ولی پیرلو نخست‌وزیر بلژیك اعلام داشت که بلژیك جنگ را دوش بدوش متفقین ادامه خواهد داد. چند نفر از افسران و کارمندان غیر نظامی سوگند وفاداری خود را نسبت بپادشاه نقض کرده و اعلام داشتند که با واحد هائی از نیروی بلژیك که در فرانسه بسر میبرند در راه نیل بمقصود مشترك متفقین خواهند جنگید.

عقب‌نشینی از دونکرك: روز یکشنبه ۱۲ خرداد چهار پنجم از نیروی انگلیس که برای شرکت در جنگ بفرانسه رفته و در دونکرك باتفاق ۱۰ هزار تن از نیروی فرانسه مورد محاصره واقع شده بودند با باز کردن راهی بطرف دریا دونکرك را تخلیه نموده و بسواحل انگلستان عقب‌نشینی نمودند.

اعلان جنگ ایتالیا بفرانسه: روز ۲۰ خرداد ۱۳۱۹ خبرگزاری ایتالیا یك اعلامیه رسمی بشرح زیر انتشار داد:

امروز کنت چیانو وزیر امور خارجه ایتالیا سفیر کبیر فرانسه را در کاخ «شیگی» پذیرفت و بوی چنین گفت: اعلیحضرت پادشاه و امپراتور ایتالیا آگاهی میدهد که از فردا یعنی روز یازدهم ماه ژوئن ایتالیا با فرانسه داخل جنگ خواهد شد. سپس وزیر امور خارجه سفیر کبیر انگلیس را بکاخ شیگی دعوت نمود و تصمیم ایتالیا را بدخول در جنگ با انگلیس بوی ابلاغ نمود.

در همان روز موسولینی نطقی ایراد نموده اظهار داشت امید ملت ایتالیا مبدل بیاس شد اکنون این ملت در باطن میداند از چه لحاظ باین جنگ اقدام کرده است. یك ملت آزاد و بزرگ نیاز مند خطوط ارتباطیه است. ایتالیا باید در دریا آزاد باشد این جنگ رنجبران بر علیه صاحبان زر و سیم است که میخواهند ثمره دسترنج خود را بدست آورند.

اطلاعات و خبرهای جنگ: پس از آغاز جنگ بین‌المللی روزنامه اطلاعات که در ۱۲ صفحه منتشر میشد بر اثر کمیابی و نرسیدن کاغذ اوله مخصوص روزنامه مجبور شد که چهار صفحه از صفحات خود را کم نماید ولی برای اینکه چیزی از مندرجات روزنامه کم نشود تدبیری اندیشید از ضخامت حروف کاست و با بکار بردن تیترهای کوچك و کم کردن آگهی‌ها همان مقالات و مطالب متنوع از قبیل گفتارهای سودمند اجتماعی. روانشناسی. پرورشی. هنرهای زیبا. سیاسی. اقتصادی. قضائی. کشاورزی. بهداشتی. مسائل مربوط ببانوان. نثابهای علمی و اجتماعی. کودکان داستان روزانه. پاورقی‌ها. جدول که همه بزبانی ساده و اسلوبی نغز و دلپسند بتوسط نویسندگان دانشمند روزنامه

تهیه میشد وزپنجاه وشش ستون روزنامه جای میداد .

از طرفی نسبت بانتشار خبرهای کوچک برای اینکه رعایت بیطرفی کاملا شده باشد کلیه خبرهای تلگرافی ورادیوئی کشور های مختلف را بترتیب ساعات رسیدن تلگراف ودریافت خبر حتی بدون عنوان وتیتر یکی پس از دیگری در دسترس خوانندگان میگذارد که مردم بخوبی از نظریات سران کشور های مختلف درباره حوادث واتفاقات جنگ مستحضر شده وتحت تاثیر یک خبر یا یک نطق قرار نگیرند وحقایق امور را دریابند .

تغییر هیئت دولت: روز پنجم تیرماه ۱۳۱۹ آقای علی منصور وزیر پیشه وهنر بسمت نخست وزیری منصوب گردید و آقایان دکتر متین دفتری وحکمت از خدمت معاف شدند آقای منصور ساعت ۷ بعد از ظهر روز مزبور هیئت دولت جدید را بشرح زیر بحضور اعلیحضرت فقید معرفی نمود :

منصور نخست وزیر و وزیر پیشه وهنر . اعلم خارجه . خسروی دارائی . سهیلی کشور . علم پست وتلگراف دکتر سجادی راه . مرآت فرهنگ . سرلشکر نخجوان وزارت جنگ . وثیقی بازرگانی . سروری کفیل دادگستری، رام رئیس کشاورزی .

روز نهم تیر هیئت دولت جدید بمجلس معرفی شده وباتفاق آراء رای اعتماد گرفتند. چندروز بعد هم مرحوم مجید آهی بسمت وزیر دادگستری انتخاب ومعرفی گردید .

متارکه جنگ درفرانسه: پس از شش هفته جنگ درفرانسه روزچهارم تیرماه ۱۳۱۹ قرارداد متارکه امضاء گردید چرچیل درهمانروز نطقی درپارلمان انگلستان ایراد نمود وطی آن اظهار داشت : « من نمیتوانم بدرستی تعیین کنم که چگونگی مناسبات ما بادولت « بردو » چه خواهد بود. این دولت تسلیم دشمن گردیده واکنون درتحت انقیاد آن بسر میبرد باوجود این ما باتوجه بنبوغ حقیقی ملت فرانسه وعنایت باین نکته که زمامداران فرانسه پس از بررسی دقیقتری، دراوضاع بنادرستی قضاوت خویش پی خواهند برد ما باید بکوشیم که بیدرنگ باین دولت ازمیان نرده های زندانش تماس حاصل کنیم ودراین اثنا ما باید جدا درصدد تامین دفاع موثر خویش برآئیم زیرا نه تنها سرنوشت انگلیس بسته باین دفاع است بلکه آینده فرانسویان واروپائی ها وتمام دنیا با آن پیوستگی خاصی دارد .

خاطر مبارک آسوده باشد : روز بعد از تغییر دولت یعنی روز هشتم تیرماه ۱۳۱۹ نمایندگان مجلس و مدیران جراید بکاخ سعدآباد احضار وشرفیابی حاصل نمودند اعلیحضرت فقید نمایندگان مجلس را مخاطب قرارداده و چنین گفتند :

« اگرچه من بوسیله دولت همیشه با مجلس ارتباط دارم اما حالا میل کردم مستقیما نیز نیات خود را بنمایندگان اظهار بدارم . این ملاقات بیشتر برای اظهار عدم رضایت از سیستم کار امروزه است که خوب نیست . بما همیشه میگویند خاطر مبارک از هر حیث آسوده باشد ، کار ها منظم است. ولی ازطرفی ما می بینیم حقیقتا آنطوری که لازم است وموقع اقتضادارد کار نمیشود.

درست است که هر یک از وزارتخانه وبنگاهها برنامه اصلاحی دارند و هر کدام مشغولند ولی امروز یک وضع فوق العاده ایست که بیشتر باید در صدد پیش بینی بود . یکی از پیش بینی های لازم بیداری مردم یعنی آشناساختن عموم بوسیله دولت بوضعیت حاضر است که در این خصوص هیچ اقدامی نشده مخصوصا وزارت کشور که وظایف خاصی از لحاظ اوضاع اجتماعی کشور عهده دار میباشد بواسطه ضعفی که دارد اقدامی نکرده است والبته رئیس دولت هم که ماموریت در تمام رشته ها دارد غفلت کرده است وبالاخره باگفتن: « خاطر مبارک آسوده باشد » کار ها درست نمیشود .

این بود که لازم دانستم راجع باوضاع حاضره توجه نمایندگان مجلس ودولت را جلب نمایم. صحیح است که ما متکی بقوای منظم وبیطرفی خود هستیم ولی این کافی نیست وباید آحاد و افراد مردم را برای روز های سخت حاضر و تربیت کرد اما این عمل باوجود داشتن تمام وسایل بکلی از نظر دور افتاده است باید دانست مقصود از وسائل چیست وسایل داشتن تشکیلات . داشتن مجلس .داشتن مطبوعات . داشتن بی سیم ورادیو وغیره است اینها تمام وسایلی است که برای پیشرفت کار لازم میباشد اما بهیچیک از اینها متشبث نشده واستفاده نکرده ایم بحدی که ما می بینیم حقوق حقه ما در این گیرودار دارد ضایع میشود

حالا من رئیس جدید دولت و مجلس را متوجه میکنم که غفلت های گذشته را موقوف نموده وبیشتر برای بیداری افکار و مستعد کردن مردم برای روزهای مشکل تری متفقا اقدام نمایند»

طرز کار وعمل شرکت نفت: روز ۱۶ تیر ۱۳۱۹ آقای خسروی وزیر دارائی باتفاق آقای منصور نخست وزیر درمجلس حضور یافته و گزارشی درباره رویه وطرز عمل شرکت نفت ایران وانگلیس بمجلس دادند وزیردارائی در گزارش خود گفت:

«اختلافی که با شرکت بمیان آمده قضیه بهره برداری ازمعادن است. استعداد منابع نفت ایران باتوجه بمعادن جدیدی که اخیرا در گچساران وپازانون وغیره کشف گردیده بحدی است که لااقل سه برابر حداکثر محصول سالیانه که تا کنون مورد استفاده صاحب امتیاز بوده است میتوان ازآنها استخراج نمود ومحصول نفت کشور ایران میتواند بعداز امریکا مقام دوم را ازحیث اهمیت استخراج نائل گردد واین منظور نیز بموجب بند الف ازماده ۱۲ وقسمت اول ازماده ۱۶ ومدلول ماده ۲۱ امتیازنامه ازتعهدات والزامات حتمی وغیرقابل بحث صاحب امتیاز میباشد ولی باوجود مقررات صریح مذکور که شرکت ملزم برعایت آن بوده با کمال کندی درچهار سال اول قدری براستخراج محصول نفت ایران افزوده ودر سال ۱۹۳۷ مسیحی بده میلیون ونیم تن رسید ومطابق وعده‌های کمپانی دراینکه همواره بهره برداری راتوسعه خواهدداد بایستی درسال ۱۹۴۰ حداقل به ۱۴ میلیون تن برسد ولی با تذکرات واعتراضات پی‌درپی دولت هرسال ازمیزان مزبور کاسته شده تادرسال ۱۹۳۹ میزان این کاهش بیك میلیون تن رسیده‌است ودرسال جاری میزان این کاهش بدرجات بیشتر خواهد بود البته دولت اقدامات لازمه‌را نسبت مراتب مزبور بانهایت جدیت تعقیب نموده وخواهد نمود ولی نظر باهمیت موضوع اختلافات و دنباله‌ای که ممکن است بعداً پیدا نماید ضروری دانست مراتب را باستحضار مجلس شورای ملی برساند»

اعزام دو هیئت بمسکو: طبق یکی از نامه‌های پیوست قرارداد بازرگانی ودریاپیمائی منعقد بین‌دولتین ایران واتحاد جماهیر شوروی مقرر گردیده‌بود سه‌ماه بعداز تاریخ انعقادقرارداد، کنفرانسی برای‌تنظیم امور حمل‌ونقل وترانزیت بوسیله راه‌آهنهای ایران وشوروی درمسکو تشکیل شود برای‌اجرای این‌نظر هیئتی مرکب ازآقایان حسین نفیسی - مهندس خسرو هدایت - هادی‌سپانلو بریاست آقای سیاح مدیرکل وزارت‌خارجه روزدوم مرداد ۱۳۱۹ بمسکو اعزام گردید.

آقایان محمدامینی ومحمدبیات نیز برای شرکت‌درنمایشگاه کشاورزی بمسکو اعزام گردیدند که بسرپرستی آقای‌سیاح درنمایشگاه کشاورزی مسکوحضور بهمرسانندمدیراطلاعات درباره اعزام این‌دوهیئت در سر مقاله نوشت

انعقاد پیمان بازرگانی واجرای آن بین دودولت دوست وهمجوار حاکی ازکمال حسن نیت اولیای طرفین بادامه روابط دوستانه ایست که‌خوشبختانه ازآغاز عصر فرخنده ایران نو شروع شده است این یك‌مسئله بدیهی است کشور هائی که بایکدیگرهمسایه‌می‌باشند بیش ازسایر کشورها نیازمند داشتن روابط دوستی و بازرگانی بایکدیگرمیباشند. دولت ایران هم‌همواره متوجه این اصل بوده که روابط خود را باعموم دول جهان روی اساس احترام ودوستی متقابل بطور کامل استوارسازدوبویژه بیشتر اهتمام وکوشش خودرا مصروف‌توسعه وتشیید روابط دوستانه و اقتصادی بادول همسایه بنماید و درپرتوهمین مساعی است که دولت ایران باعموم‌دول دارای روابط دوستانه بوده و روز بروز بر استحکام آن‌افزوده میشودکشور مابا کشور شوروی بیش ازدوهزار کیلومتر مرز آبی وخاکی دارد وبواسطهٔ همین موقعیت جغرافیائی ومرزی از دیرباز دو کشور نیازمندمعاضدت وهمکاری معنوی و اقتصادی با یکدیگربوده اند بهمین جهت دولت ایران‌همواره متوجه توسعه روابط‌مودت‌آمیز و مناسبات اقتصادی بین‌دوکشور بوده و قطعاًدولت اتحاد جماهیر شوروی هم عین این علاقه‌را دارا می‌باشد و اینك خوشبختانه در نتیجه حسن نیت اولیای دودولت با اجرای‌پیمان بازرگانی روابط اقتصادی بین دو کشور برپایه متین واستواری برقرار گردیده و امیدواریم‌روزبروز این‌روابط دوستانه‌استوارتروبویژه‌روابط بازرگانی واقتصادی بین‌دو کشور بیش‌از پیش توسعه یابد»

نفت و اهمیت آن: در تعقیب گزارشی که وزیردارائی‌درباره کاهش میزان استخراج بمجلس‌دادروزنامه اطلاعات یك سلسله مقالات در اطراف اهمیت کانهای‌نفت ایران ولزوم افزایش میزان‌استخراج از طرف شرکت منتشر نمود ودرشماره‌جمعه‌چهارم‌مرداد ۱۳۱۹ چنین نوشت:

«کانهای‌نفت ایران وضعیت خاصی داردکه کمترنظیرآن درجهان دیده شده است:معمولا در کانهای نفت‌عمر چاهها از ۴ تا ۸ سال‌تغییرمی کند که درسال‌های آخرهم فقط بوسیله تلمبه میتوان نفت آنها رابیرون کشید والا فوران طبیعی ندارد اما درکانهای ایران که بیش‌از ۲۳ سال‌است‌عمل استخراج‌ادامه داردگذشته ازاینکه هیچیك ازچاهها ازحیزانتفاع خارج نشده، فوران طبیعی‌آنها نیز ازبین نرفته وتا کنون احتیاج باستعمال تلمبه و فشار هوا وغیره پیدا نشده است وچاههای نفت مسجد سلیمان مانند چاه ب ۷ وب۱۷ وب۲۰ وب۲۱ شهرت جهانی بهمرسانیده

است. معمولا هریك ازاین چاهها بتفاوت درسالهای متوالی روزی هزارتاپنج هزارتن نفت داده‌اند بدون اینکه ضعفی درآنها بروز کند. بدین‌جهت هزینه استخراج نفت ایران خیلی نازل وبنابراین شرکت میتواند نفت ایران را ببهای خیلی کمی درقسمت‌های مختلف دنیا فروخته ورقابت شدیدی باسایر شرکتهای نفت بنماید وبازارهای بزرگی برای نفت ایران تهیه کند. کانهای مسجد سلیمان درتاریخ کان‌های نفت جهان بی نظراست چه ازسال ۱۹۱۲ تا کنون بالغ بر ۸٤ میلیون تن ازآن نفت استخراج شده ویقین است که سالیان دراز دیگری نیز از این کانها نفت استخراج خواهدشد. نفت کشورهای متحد امریکا تنهاازئیدرو کربورهای غیرحلقه‌ای تشکیل شده ونفت‌های شوروی نیز ترکیبی است ازئیدروکربورهای حلقه‌ای وحال آنکه نفت ایران مخلوطی ازهردودسته است واین خود نهایت اهمیت را درصناعت نفت دارد وازاین حیث نیزمانند جهات دیگرکانهای نفت ایران درجهان حائزمقام فوق‌العاده شامخی است در کانهای نفت مسجد سلیمان وهفت کل عمق چاههائی که تاکنون حفرشده از ۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر میباشد ولی برای مطالعات زمین شناسی چاههای عمیق‌تری نیز کنده‌اند که درنتیجه کاوش‌های علمی معلوم شده درزیرطبقه نفتی که اکنون مشغول استخراج آن میباشند قشردیگری نیزوجود دارد که نفت آن غلیظ‌تراست.

حل اختلاف باشرکت نفت: روز سوم شهریور ۱۳۱۹ وزیر دارائی در مجلس حضور یافته در اطراف اختلافات وزارت دارائی باشرکت نفت گزارشی داد وچنین اظهارداشت:

مورد اختلاف مهم ما موضوع کار استخراج وبهره برداری بودکه بواسطه کسر عمل موجب زیان در آمد دولت گردیده ضمنا مسئله تفاوت ارزش لیره نسبت به زردربازارهای آزاد نیز برآن اضافه میشد. در این موضوع مذاکرات ومکاتبات لازم باشرکت بعمل آمد وبالاخره چنین موافقت گردید که شرکت حقوق دولت را ازحیث حق‌الامتیاز ومالیات و تفاوت بهای لیره نسبت بزر که مطابق مقررات امتیاز نامه بایدپرداخته شود ازسال ۱۹۳۸ تا آخر ۱۹٤۱ بپایه سال ۱۹۳۷ که حداکثر بهره برداری را نموده است و درآمد دولت ۳٬٤٤٤٬٤۳۹ لیره بود، بپردازد وعلاوه ازحیث تفاوتی که برای دولت ازنظر ارزش لیره درمعاملات با وضعیت فعلی نسبت بسال ۱۹۳۷ ایجاد گردیده کمبودآنرا میپردازد که برای دوسال ۱۹۳۸ و۱۹۳۹ جمعا مبلغ ۱٬۵۰۰٬۰۰۰ لیره میشودبرای سال های ۱۹٤۰ و۱۹٤۱ نیزعمل سال ۱۹۳۷ ماخذقرارداده شده که علاوه تفاوت بهای لیره برای هریك از این دو سال دست کم چهار میلیون لیره بدولت خواهدپرداخت وقرارشده است نسبت بمدت بعداز انقضای سال ۱۹٤۱ اختلاف مربوط بدعاوی دولت درآنموقع با توجه باوضاع وقت بمنظور حصول ترتیبی که مورد موافقت طرفین باشد موردبررسی قرار گیرد.

مانور بزرگ ارتش در اطراف همدان: مانور سالیانه ارتش درسال ۱۳۱۹ روز ۱۸ شهریور درحدود آبگرم خرقان واقع در ۸۵ کیلومتری همدان انجام‌گردید. اعلیحضرت فقید باتفاق والاحضرت ولیعهد روز ۱۷ شهریور [illegible] سلطنتی از تهران بایستگاه تاکستان که‌دردست ساختمان بود عزیمت نموده‌وازآنجا بمنطقه مانور رهسپار گردیده شب‌را اقامت‌وروزبعد پس از انجام مانور بتهران مراجعت نمودند بطوری که شایع بود مانورسال ۱۳۱۹ ارتش که درمنطقه خرقان انجام گردید یکی ازبزرگترین مانورهای نظامی ارتش قبل از واقعه شهریور بوده‌است.

تاسیس ۲۱۵۰ آموزشگاه: درسال تحصیلی ۲۰-۱۳۱۹ وزارت فرهنگ ۲۱۵۰ آموزشگاه جدید درسراسر کشوردائر نمودروزنامه اطلاعات‌دراین‌باره‌نوشت:

امروز دیگر گفتگو ازفوائد نشر وتوسعه فرهنگ وشمردن یکایك سودهای آن زائداست. سابقه این گفتگوها در کشورما درازاست وازسالها پیش ازاین آنهائی که دم ازاصلاحات کشور میزدند هروقت سخنی از اصلاحات اساسی این مرزوبوم درمیان می‌آمد چاره منحصربفرد رانشر فرهنگ وبویژه توسعه آموزش و پرورش ابتدائی میدانستند البته گفتار این جماعت اصلاح‌طلبان بهزارویك دلیل راست ودرست‌بود ولی آنروزها چون هنوز دوره حرف وگفتار سپری نشده وزمان عمل واجرای این‌قبیل افکار واندیشه‌های پسندیده فرانرسیده بود ازاین‌سخنان نیز نتیجه‌ای گرفته نشد وسالهااوضاع فرهنگ کشور بهمان‌حال ضعف وبیسروسامانی باقی‌ماند.

دراین چندسال که نهضت بزرگ فرهنگی وپرورشی آغاز گردیده‌است علاوه براینکه ما بتاسیس دانشگاه وتوسعه وافزایش دانشکده‌ها وآموزشگاههای فنی‌وتخصصی بسیارکامیاب شده وبنیان آموزش عالی‌را برشالوده متینی استوار نموده‌ایم درراه توسعه آموزش ابتدائی‌هم قدمهای شایانی برداشته‌ایم امسال نیز در دنبال اقدامات سالهای پیش وزارت فرهنگ برای توسعه وپیشرفت آموزش ابتدائی ۲۱۵۰ آموزشگاه جدید دائر نموده‌است.

۲۱۵۰ آموزشگاه یعنی ۲۱۹۵۰ کانون نور وروشنائی که تاشعاع زیادی پیرامون خودرا ازنور خیره کننده دانش وبینش روشن میسازد وپرتوی از آن که بدرون قلب یامغز مستعدی بتابد ممکن است روزی پرتوافکن جهان بشریت گردد زیرا چه بسا درمیان این کودکان وجوانان خردسالی که اکنون این دبستانهای نوبنیاد آنها را در آغوش خود جای میدهد اشخاص صاحب استعدادی یافت شوند که اگر پرتوی ازانوار علم ودانش بردل ومغز آنها بتابد روزی خود خورشید رخشانی شوند ازاینرو این آموزشگاهها که اکنون درگوشه دهستانها وشهرستان های کوچك هم تشکیل شده ممکن است روزی برای ما نخستین پرورشگاه جمعی ازرجال علم وادب باشد.»

***

امروز درست دهسال ازآن تاریخ میگذرد فرهنك ما ، آموزشگاههای ما که تاقبل از شهریور سال بسال رو بتوسعه میرفت دراین مدت نه تنها متوقف گردید بلکه سیر قهقرائی پیمود .

دراین ده سال کابینه ها باطمطراق زیادی لایحه تعلیمات اجباری رابمیان آورده و بتصویب رساندند هزاران وعده و وعید دادند، هرروز بنوعی عوامفریبی و تبلیغات سفیهانه نمودند ولی متاسفانه نه تنها موفق بافزایش آموزشگاهها نشدند بلکه امور آموزشگاهها راهم بادستورات ضدو نقیض خود بطوری درهم ریختند که دیگر محال است بتوان بصورت اولیه برگرداند تاقبل ازشهریور مطابق مقررات درهر کلاس آموزشگاه سی تاسی و پنج طفل مشغول تحصیل بود وآموزگاران بالاخره درهرهفته موفق میشدند که لااقل ازدونفر ازاین اطفال سئوالاتی نموده وازمیزان پیشرفت کار تحصیل آنان مستحضر شوند ولی وزیرانی که هدفشان «بیسوادی برای همه» بود بدون مطالعه امریه صادر کردند که کلیه اطفالیرا که بمدارس مراجعه میکنند بپذیرند بدون اینکه یك کلاس بتوانند علاوه کنند در نتیجه باجای دادن ۷۰ تا یکصد طفل در یك کلاس چنان سطح تحصیل ومعلومات راپائین آوردند که اطفال باید درخارج تحصیل کنند و گرنه در آموزشگاههای امروز باوضع کنونی جز تضییع وقت اطفال و معلمین نتیجهٔ دیگری عاید نمیگردد مگر اینکه یك انقلاب وسیعی در اوضاع فرهنك بوجود آید وخرابکاری های دهساله یکباره جبران شود.

حمله به مستعمرات افریقائی انگلیس ومصر : روز ۲٤ شهریور نیروی ایتالیا بافریقا حمله نموده وراه مصررا درپیش گرفتند روزنامه اطلاعات درسرمقاله روز سی ام شهریور نوشت مابحکم علائق خود با کشور مصر وروابط دوستی دیرینه وتاریخی که بااین ملت برادرداریم دراین موقع که حوادث ناگوار فعلی یك قسمت از جهان رافرا گرفته واین کشور محبوب بیطرف باآنکه وارد هیچگونه از این حوادث نگشته میدان مخاصمه و مصادمه واقع گردیده است نمیتوانیم ازابراز همدردی خودداری نمائیم . بر طبق خبرهائی که میرسد اکنون قسمت باختر کشور مصر صحنه نبردهای وحشتناکی شده که ادامه آن ممکن است خسارت زیادی بملت مصر وارد آورده ازخداوند خواهانیم کشور مصر هرچه زودتر از کشمکش وزدوخورد کنونی برکنار شود و برادران مصری ما ازاین حادثه وپیش آمد ناگوار بخوشی وسلامت بیرون آیند .

سرشماری تبریز و مشهد : روز پنجم مهر ۱۳۱۹ در تبریز سرشماری شد. جمعیت آن شهرستان تاشعاع شش کیلومتر بالغ بردویست وسیزده هزار وپانصد وچهل و دونفر بود که از این عده ۱۰۹٤٦۲۹ تن مرد و ۱۰۳۹۱۳ تن زن بودند که چهل وچهار هزار وسی وشش خانوار راتشکیل میدادند. سرشماری مشهد نیز در ماه بعد انجام گردید و جمعیت آن ۱۷٦٤۷۱ تن بود .

راه آهن زنجان : روز ۱۷ مهر ۱۳۱۹ راه آهن زنجان بطول ۳۱۵ کیلومتر که ساختمانش از ۱۸ آبان ۱۳۱۸ آغاز شده بود پایان یافت ومراسم گشایش آن از طرف آقای دکتر سجادی وزیر راه بعمل آمد مدعوین بامداد بزنجان رهسپار گردیده وهمانشب بتهران باز گشتند .

احداث سد روانسر : روز دهم آذر ۱۳۱۹ ساختمان سد روانسر پایان یافت و مراسم افتتاح آن انجام گردید روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت : همانطور که مکرر گفته ایم یکی از عوامل مهم ترقی و پیشرفت کشاورزی کشور ما اصلاح امر آبیاری وایجاد سدهائی است که ازاتلاف آب رودخانه هائی که بهدر میرود جلوگیری نماید خوشبختانه مسئله اصلاح امر آبیاری وسدسازی وجلوگیری از اتلاف آب رودخانهها اینك ازهر حیث مورد توجه قرار گرفته وتاکنون بکمك بانك کشاورزی و پیشه وهنر ایران برای اصلاح امر آبیاری شهرستانها و ساختمان سدها یکسلسله اقداماتی شده وشرکتهائی تاسیس شده است یکی ازآن سدهائی که اخیرا ساختمان آن انجام گردیده ودر پرتواحداث آن درحدود ده هزار هکتار زمین بایر دائر وآباد شده است سد روانسر می باشد که روز جمعه دوم آذرماه مراسم گشایش آن بطرز شایانی درحضور بالغ برهزار تن از مردم کرمانشاهان ودهستان روانسر انجام گردید و جمع کثیری از رعایا و کشاورزان را خشنود ساخت.

بمباران بحرین و تهدید پالایشگاه آبادان : روز پنجم آبان ۱۳۱۹ مطلب زیر در صفحه اول اطلاعات جلب نظر میکند : «از قراری که شنیده شد بعضی روزنامه های بیگانه نقل از جراید ایتالیا پس از واقعه بمباران بحرین اخباری منتشر ساخته اند مبنی بر اینکه چون نیروی دریائی انگلستان از نفت ایران بمصرف میرساند ممکن است آبادان نیز که محل پالایشگاه بنگاه نفت است مورد تهدید واقع گردد. جراید مزبور خواسته اند بدین عنوان نفت ایران را منتسب بتمامات دریائی متخاصم جلوه دهند. معلوم است این گفتارها و تعبیرات غریب و عجیب هر شنونده بیغرض و بامنطق را چه اندازه دچار حیرت میسازد .

بعقیده ما جرایدی که این قبیل عنوانات را مطرح میکنند بمسموم ساختن و انزجار افکار عمومی ملل بی طرف دنیا کمك مؤثری مینمایند اگرچه مطلب بقدری روشن است که محتاج بتوضیح و تشریح نمیباشد با این حال محض این که جای هیچگونه ابهامی برای هیچکس باقی نمانده باشد میگوئیم که آبادان خاك ایران و نفت متعلق بایران و شرکت نفت ایران و انگلیس مستاجر این نفت است و آنچه دستگاه و اسباب کار برای عملیات خود وارد و دایر کرده و بعد بکند مطابق قرارداد ملك و مال دولت شاهنشاهی شناخته میشود پس هر گونه تعرض و تجاوزی که در این قسمت بشود یك عمل خصمانه مستقیم برضد کشور ایران تلقی و بدیهی است که با نیروی مدافع ما مواجه خواهد شد. جای بسی تاسف است که نسبت بیطرفی ایران که بصلح و آرامش یك قسمت از دنیا خدمت کرده.

چنین نظریات و اندیشه های ناپسند تراوش کند ایرانیان برای حفظ موقعیت و دوام سیاست بیطرفی فعلی کشور خود نهایت علاقه را داشته و برای هر گونه فداکاری مهیا هستند و اجازه نمیدهند کوچکترین تعرض و نقضی از هر طرف در هر جا باشد بدان وارد آید بنابراین انتظار داریم تمام کشورها که با ما روابط دوستانه دارند این سخن را کاملا فهمیده بدان عمل کنند .

امضای پیمان بازرگانی بین ایران و آلمان : این اعلامیه رسمی روز ۱۹ آذر ۱۳۱۹ در برلن منتشر گردید : هیئت نمایندگی ایران بریاست آقای حمید سیاح مدیر کل وزارت امور خارجه ایران در چند هفته اخیر با دولت آلمان برای تعیین میزان مبادله کالاهائی که باید در ظرف سال آینده طبق عهدنامه بازرگانی میان ایران و آلمان انجام گیرد مشغول مذاکره بود و اینك مذاکرات پایان یافته و موافقت نامه در روز آدینه از طرف دولت آلمان بامضای آقای کلودیوس وزیر آلمان و از طرف دولت ایران بامضای آقای سیاح مدیر کل رسیده است آقای اسفندیاری وزیر مختار ایران در آلمان و آقای دکتر علامیر نماینده بازرگانی دولت شاهنشاهی ایران و مدیر کل وزارت بازرگانی در موقع امضای قرارداد در عمارت وزارت امور خارجه آلمان حضور داشتند.

هیئت نمایندگی شوروی در تهران : هیئتی مرکب از آقایان الیموف - الکساندر لئونیدویچ - اسمعیل اف احمد اسمعیل ویچ - اولیانیشوف والری - ایوانویچ برای شرکت در کنفرانس کشاورزی و دفع آفات نباتی روز ۲۳ آذر بتهران وارد شدند. روزنامه اطلاعات در این باره نوشت:

منظور از مسافرت این هیئت اجرای مقررات پیمان دفع آفات نباتی است که بین دولت شاهنشاهی و دولت اتحاد جماهیر شوروی در چند سال پیش بسته شده و بموجب این پیمان سالی یکبار کنفرانس مختلطی مرکب از نمایندگان فنی اداره کل کشاورزی و کمیساریای کشاورزی اتحاد جماهیر شوروی در خاك یکی از دو دولت تشکیل میگردد، سال گذشته این کنفرانس در شوروی و امسال در ایران تشکیل میشود و ما خوشوقتیم باین مناسبت بنمایندگان کمیساریای کشاورزی دولت اتحاد جماهیر شوروی که برای انجام مقصود ارجمندی که عبارت از حفظ منافع مشترك دو کشور و تامین مصالح اقتصادی طرفین است بایران آمده اند شادباش گفته و در همان حال آرزومندیم که کنفرانس امسال نیز موفق ببررسی های فنی کاملتری شده و در اثر تصمیمات مشترکی که گرفته خواهد شد و مجاهداتی که در خاك دو طرف بعمل خواهد آمد نتایج رضایت بخشی حاصل گردد .

کشور ایران و شوروی دارای مرز مشترك وسیعی هستند و بخش مهمی از زمین های زراعتی دو کشور در همسایگی یکدیگر واقع شده و یقین است هر اقدامی که در بهبود کشاورزی و دفع آفات نباتی در خاك یکی از دو طرف بعمل آید نتایج مفید و مؤثری در خاك کشور دیگر خواهد داشت و همین همکاری مشترك دو کشور و حسن نیتی که از طرفین در انجام مساعی ترقی خواهانه ابراز میشود اثرات قابل توجهی در تحکیم مناسبات دوستانه دو کشور داود .

اطلاعات و بنگاههای خیریه : در آذرماه ۱۳۱۹ بنگاهی بنام بنگاه حمایت مادران و کودکان در تهران تاسیس گردید. روزنامه اطلاعات نسبت باین بنگاه نوبنیاد نیز روش خود را مثل سایر مؤسسات خیریه تعقیب نمود و با انتشار مقالات مؤثر و سودمند مردم را بنیکی و نیکوکاری و حمایت از زنان مستمند باردار و اطفال یتیم و فراهم ساختن وسایل پرورش کودکان و نوزادان بیگناه تشویق نمود و ستونی برای کمك توانگران ببنگاه حمایت مادران باز کرد و باجلب اعانات و مساعدت های عمومی وسایل پیشرفت کار این بنگاه را استوار نمود .

امریکا زرادخانه کشورهای دموکراسی: بعد از تجدید انتخاب روزولت رئیس‌جمهور فیدامریکا بریاست‌جمهوری و پس‌از الحاق کشورهای مجارستان ورومانی به‌پیمان سه جانبی (ژاپون - ایتالیا - آلمان) در تاریخ ۹ دی‌ماه ۱۳۱۹ روزولت دربرابر رادیو نطقی‌ایراد نموده وطی آن گفت:

«اگر کشورهای‌دیکتاتوری باحراز سیادت دردریاها توفیق‌حاصل کنند منابع بسیاریرا که ازاین‌رهگذر بدست خواهند آورد برای حمله بردن بامریکا مورد استفاده قرار خواهندداد. نمیتوان امیدواربود که نازیها بصلح و آرامشی تن‌دهند. بوعده‌های هیتلر بهیچوجه اعتماد نمیتوان کرد.

این‌مرد پیمانهائی راکه باکشورهای بزرك بسته شکسته‌است ودرمورد کشورهای کوچك نیز گرچه‌خود گفته‌است جاندارد این‌ملل از آلمان بیمناك باشند لیکن باینها نیز حمله‌برده و کشورشانرا تصرف کرده‌است ودر توجیه این حملات خود یاحمایت‌این کشورها رابهانه کرده‌یااین که گفته‌است اگر بتصرف آنها قیام امینمود کشور های دیگر بآنها حمله می بردند همانطور که امروز خاك بلژیك برای آلمان بمنزله نردبان هجوم بملت انگلیس است که‌برای حفظ حیات‌خود میجنگند همانطورممکن‌است یکی از کشورهای امریکای جنوبی مبدء حملات‌آلمان بکشورهای متحد امریکا واقع شودوشك نیست که دراین مورد نیز آلمان برای حمله بچنین کشوری این مسئله‌را بهانه‌خواهندکرد که خواسته است آنرا ازخطر حمله امریکا برهاند.

ازآنجا که شیوه زندگی نازیها اساسا باشیوه زندگی امریکائیان تفاوت دارد میتوان گفت که اکنون امریکا در معرض خطر جنك قراردارد. امریکا امروز بمنزله زرادخانه کشورهای دموکراسی است‌که برای آنها مهمات تهیه‌میکنند. اگر چه‌خطری‌که متوجه کشورهای‌دموکراسی‌است بزرك‌است لیکن من‌شك ندارم‌که در آخر کار پیروزی با ایشان وشکست بادیکتاتورها خواهدبود.

روزولت درپایان سخنرانی خودگفت من‌باستناد بآخرین گزارش‌های کارشناسان نظامی حتم دارم که انگلستان دراین‌جنك پیروز خواهدشد.

تونل های راه آهن تبریز: این خبرروز ۱۴دی ماه ۱۳۱۹ در اطلاعات‌جلب‌نظر میکند:

با آنکه ساختمان خط آهن تهران به تبریز رویهم رفته از زمین های نسبتاً هموار بیرون آمده‌و رشته خط‌سازی بکوههای مرتفع میانه و تبریزرسیده است با وجود این ساختمان خط مانند پیش با جدیت و سرعت جلومیرودخبرباز شدن تونل‌قطعه ۱۱ بدرازی ۵۰۰متر را چند روزپیش‌منتشر نمودیم اینك بنابگزارشی که رسیده تونل شماره ۷ درقطعه۱۲ بدرازی ۶۰۰ متر که بعد ازایستگاه‌میانه‌واقع‌استروز نهم‌این‌ماه بازشده و همچنین کار در تونل های ۱۵۰۰ متری و ۱۷۰۰ متری قطعه چهارده و تونل های دیگر در این قطعات بخوبی پیشرفت دارد.

محمولات کشتی آرابیا: روز ۲۲ اسفند۱۳۱۹روزنامه‌اطلاعات در باره‌محمولات کشتی‌آرابیا چنین می‌نویسد: «مقداری‌ازکالاهائی که‌دولت شاهنشاهی برای‌کارخانجات‌مختلف‌خریداری‌نموده‌وتوسط کشتی ایتالیائی «آرابیا» متعلق بشرکت‌کشتی‌رانی لوید ترستینو حمل شده بوداز اوایل تابستان گذشته دربندرمصوع در اریتره متوقف گردیده‌واز طرف‌دولت اقدامات برای‌تهیه‌وسایل‌حمل‌آن بعمل‌آمده.

اینك‌بنوار اطلاعات حاصله معلوم میشود تمام اقداماتی که دولت شاهنشاهی از آن تاریخ تاکنون برای ترتیب حمل‌کالاهای مزبور که علاوه‌برقیمت هنگفت‌بی‌اندازه موردنیازکارخانجات مختلفه‌بوده وهرروز تاخیروصول آنها موجب خسارات‌زیادی میگردد بعمل‌آورده بنتیجه‌نرسیده بااینکه‌پس‌ازمذاکرات وجلب موافقت دولت‌ایتالیا مبنی براینکه چنانچه دولت شاهنشاهی کشتی بیطرفی‌را کرایه‌و به‌مصوع بفرستد اشکالی‌درحمل‌کالا ها نخواهدبود و بازحماتی کشتی یاناماتی موسوم به‌اورگاباقیمت زیاد کرایه‌شده وتمام‌کرایه‌آن قبلا پرداخت ورهسپار مصوع گردیده همینکه کشتی نزدیك عدن‌رسید دولت‌ایتالیا ازموافقت‌قبلی‌خود سرباززده وبعنوان اظهارداشته‌اند ورودهیچ کشتی بیطرف‌بمصوع ممکن نخواهدبود ودرنتیجه کشتی‌اورگا درعدن متوقف ماند وحمل‌محمولات میسرنشده است چون‌با وجودتمام مساعی دولت وبااینکه‌اهمیت مخصوص این‌محمولات‌برای‌کارخانجات مختلفه‌کشورمکرر بمقامات‌مربوطه ایتالیا خاطر نشان شده ازطرف‌آن‌دولت نسبت‌بحمل این محمولات‌بهیچوجه رویه‌عملی وقابل‌قبولی اتخاذنشدوبموجب اطلاع اخیر ورود کشتی را بمصوع قطعا رد کرده‌اند بنابراین درمقابل این‌نقض موافقت قبلی دولت ایتالیا وعدم توجه‌آن‌دولت بحل این‌قضیه ازطرف دولت شاهنشاهی حقا خسارات هنگفت وارده‌را ازباب بهای کالاها و کرایه کشتی وخسارات ناشیه‌ازتاخیرازدولت ایتالیا مطالبه وجبران فوری‌آن خواسته شده است. ما درضمن اینکه این خبر را بخوانندگان خود میدهیم ازجریان قضیه بی‌نهایت‌تعجب وتاسف داریم ونمیدانیم چنین‌رویه‌ورفتاررا چگونه بایدتعبیرنمود. بهرحال منتظراقدامات‌دولت دروصول‌خسارات وارده میباشیم

انتشار اطلاعات هفتگی: از اول فروردین ماه ۱۳۲۰ مجله اطلاعات هفتگی بانتشارات روزنامه اطلاعات افزوده شد. این مجله که با همکاری عده ای از نویسندگان دانشمند اداره میشد از همان آغاز انتشار مورد توجه عمومی واقع گردید و تا آن زمان مجله‌ای باین سبك و زیبائی سابقه نداشت و مطالب متنوع و مختلفی که داشت تا آنموقع در ایران بی نظیر بود و همین استقبال زیادی که مردم از اطلاعات هفتگی نمودند موجب شد که مجلات هفتگی دیگری بعد ها بتقلید از سبك آن منتشر شد بنگاه اطلاعات خوشوقت است که بدین ترتیب قدم مهمی درراه پیشرفت سایر مطبوعات کشور برداشته شده. اطلاعات هفتگی مرتبا درراه پیشرفت بوده بر زیبائی وتنوع مطالب جالب آن افزوده میشد و اینك نیز با آنکه هرهفته ده ها مجلات و نشریات هفتگی منتشر میشود اطلاعات هفتگی اهمیت و تعداد انتشارش روزبروز زیادتر میشود.

حمله مجارستان بیوگوسلاوی: روز ۲٤ فروردین ۱۳۲۰ این خبر جلب توجه می کند:

«کریستی لی وزیر مختار مجارستان در شوروی روز دوازدهم آوریل ویشینسکی معاون کمیسر امور خارجه شوروی را ملاقات واز جانب دولت متبوع خود راجع بعلت هائی که دولت مجارستان را وادار بداخل کردن نیروی خود در خاك یوگوسلاوی نمود توضیحاتی داد واظهار امیدواری نمود که دولت اتحاد جماهیر شوروی اقدامات دولت مجارستان را مشروع و موجه بداند.

ویشینسکی بوی چنین پاسخ داد: هرگاه مقصود این اظهار آگاهی یافتن از نظر دولت اتحاد جماهیر شوروی باشد لازم بتذکر میدانم که دولت شوروی نمیتواند چنین اقدامی را از طرف مجارستان موجه بداند. آنچه که بیشتر بنظر دولت شوروی بد آمده آنست که دولت مجارستان تنها چهار ماه پس از امضای پیمان دوستی دائمی با یوگوسلاوی نیروی خود را در خاك آنکشور داخل کرده هرگاه خود مجارستان دوچار بدبختی میشد و تجزیه میگردید معلوم میشد که گرفتار چه اوضاعی میگشت زیرا همه میدانند که مجارستان نیز دارای اقلیت های زیادی است. وزیر مختار مجارستان قول داد که نظریات دولت اتحاد جماهیر شوروی را باطلاع دولت متبوع خود برساند

کابینه رشید عالی گیلانی: رشید عالی گیلانی که در ۲٤ فروردین در عراق کودتا کرده بود کابینه خود را بشرح زیر تشکیل داد:

نخست وزیر ووزیر کشور رشید عالی – وزیر خارجه موسی شهبندر – وزیر دارائی ناجی السوادی – وزیر دفاع ناجی شوکت – وزیر دادگستری علی محمود الشیخ علی – وزیر اقتصاد یونس السجادی – وزیر راه محمد علی محمود – وزیر اجتماعی رئوف البحرانی – وزیر فرهنگ دکتر محمد حسن سلمان.

بر اثر این اقدام رشید عالی بلافاصله بموجب عهدنامهٔ انگلیس و عراق و باموافقت نایب السلطنه عراق که بغداد را ترك نموده بود نیروی انگلیس دربصره پیاده شد و عراق را اشغال نمود.

دوهفته بعد از سه کشتی دیگر انگلیسی که میخواست در بصره نیرو پیاده کند دولت عراق جلوگیری نموده و یادداشتی بسفیر کبیر انگلیس تسلیم کرد که نیروی عراق باید آن کشور را تخلیه نماید. از طرفی کلیه نقاط لشکر کشی کشور منجمله بندر بصره را نیروی عراق اشغال کرد و مناطق نفت عراق نیز تحت مراقبت نیروی نظامی عراق قرار گرفت.

روزنامهٔ اطلاعات در سر مقالهٔ خود درباره حوادث کشور عراق روز ۱۵ اردی بهشت ماه ۱۳۲۰ چنین نوشت: «چون اخباری که بوسیله خبرگزاری های بیگانه رسیده ودر ستون های متعدد روزنامه های این چند روزه منتشر شده وقایع اخیر عراق وجریاناتی را که منتهی باوضاع فعلی گردیده بتفصیل بیان میکند باین جهت از تکرار جزئیات وقایع خودداری نموده تنها بذکر این نکته اکتفا می کنیم که وقایع واتفاقات اخیر کشور عراق ازاین جهت که موجب اختلال صلح وباعث سلب آسایش مردم این سرزمین شده است اسباب تاثر وتاسف قلبی ماست زیرا طبیعی است کسانیکه سعادت بشر و نشوونما وسیر تکاملی آنرا در سایه پیدایش محیط آرام و مسالمت آمیز میدانند جا دارد از بروز این قبیل وقایع سهمگین که مایهٔ انهدام اساس نیکبختی هائی استکه دردورهٔ های صلح وصفا برپا میشود اظهار تاسف نمایند.

بهمین جهت صرف نظر از کیفیات وموجبات پیش آمدهای اخیر عراق وعواملی که طرفین اختلاف را وادار باعمال خشونت وسختی درمقابل یکدیگر نموده است. این حقیقت قابل انکار نیست که اوضاع فعلی عراق که نتیجه قهری آن زیان های جانی ومالی بسیاری برای این کشور است تاثرات شدیدی در خاطر هر شخص انساندوست وصلح طلبی ایجاد میکند واین تاثر برای ما درمورد کشور عراق افزون میباشد زیرا عراق کشوری است آسیائی که باما دارای مناسبات وعلائق بسیار همسایگی ودوستی است بعلاوه ازلحاظ اتباع ومنافع زیادی که ما درعراق داریم احساسات ما نسبت بخوب وبد احوال و سرنوشت مردم این سامان امری طبیعی وفطری است.

بهمین جهت آرزومندیم که هرچه زودتر وضعیات صلح وآرامش دراین کشور برقرار وملت نجیب عراق درپرتو آسایش وزندگانی خودرا بانیل بترقیات ادامه دهد.»
اوایل خرداد ۱۳۲۰ رشیدعالی ورفقایش ناچار عراق را ترک نموده وفراررابرقرار ترجیح دادند.

فرار هس باسکاتلند: روز ۲۳ اردیبهشت رودلف هس که بعد ازهیتلر شخص دوم آلمان محسوب میشد بایك هواپیمای مسراشمیت دراسکاتلند فرود آمدآترووزرادیوی آلمان‌عنوان فرار بمسافرت‌رودلف هس داد ولی بعد معلوم گردید که برای مذاکره‌دراطراف‌صلح بانگلستان پروازنموده بود که درآنجا بعنوان اسیرجنگی تلقی گردیده وبازداشت‌شده

تغییر وزیر دارائی: روز ۲۸اردیبهشت۱۳۲۰آقای خسروی وزیر دارائی‌ازکار بر کنارگردیده و آقای کلشائیان معاون آن وزارتخانه بکفالت منصوب گردید.

گشایش راه آهن شاهرود: وزیر راه هنگام گشایش راه آهن شاهرود در تاریخ دوم‌خرداد ۱۳۲۰ طی نطقی در برابر چند هزار نفر اهالی ومدعوین که از تهران بشاهرود مسافرت کرده بودند گفت: ساختمان ۳۱٤ کیلومتر راه آهن از گرمسار تا شاهرود با وجود مشکلات بسیاری که درتهیهٔ مصالح ساختمانی وجود داشته واین اواخر بعلل خارجی این موانع شدت پیدا کرده در ظرف مدت‌قلیلی پایان یافته‌است. عملیات ساختمانی روبمشهد نیزبا جدیت ادامه دارد و مقاطعه کاران مشغول پل سازی وخاك ریزی در قسمت های مختلف هستند.

آغاز سال‌شانزدهم: اقدام مادرسال جدید همانا‌انتشار اطلاعات هفتگی‌است که‌ازآغاز فروردین‌ماه ۱۳۲۰ انتشاریافته ومااميدواريم که‌درآينده نيزبتوانيم کارهای سودمندی در راه انجام وظیفه نامه نگاری و خدمت بفرهنگ کشور انجام‌دهیم‌وهرسال قدم‌تازه‌ای درراه ترقی روز نامه وتوسعه بنگاه اطلاعات برداریم پیروزی وکامیابی ماپس‌از الطاف پروردگاری توجه واستقبال روز افزون هم میهنان عزیز ماست که همواره موجبات تشویق کار کنان این‌نامه‌رافراهم نموده ومارا‌تائید فرموده‌اند

خبرآژانس‌فرانسه آزاد یااولین نغمه‌شوم: نائره جنك شعله‌هایش بیشتر ودامنه آن وسیعتر میگرددنگرانی شدیدی همه‌ملل بخصوص کشورهای همسایه جنگجویان گیتی را فراگرفته وهرروزخبری‌پیرامون وضع سیاسی و نظامی ایران انتشارمی‌یابد ازجمله آژانس مستقل فرانسه خبری منتشرساخت حا کی از اینکه دولت شوروی‌نسبت بایران باسوءظن نگاه میکند وآنجارا مرکزی برای حمله شوروی میداند و دلایلی برای ادعای خودذکر کرده‌بود که‌تحریك آمیز بودوبهمین مناسبت سرمقاله اطلاعات موضوع این خبر قرار گرفته و اینطور نتیجه گرفته بود:

« تاچندروز پیش دولتین شوروی و آلمان روابط و مناسبات نزدیك داشتند و عوامل ماجراجو سعی می نمودند هرلحظه مارا‌ازدولت همسایه‌شمالی نگران سازند وهرروز بعنوانی ازقبیل تمر کز قوا درمرزهاونمایش-های نظامی در نواحی نزدیك ماویا احتمال سازش آلمان وشوروی بضرر ایران متشبث شده وبرآن بودند که موجبات تیرگی روابط مارا باشوروی‌ها فراهم ساخته واز این سوء تفاهمات خودنتیجه بگیرند حالاهم که‌ورق بر گشته و آلمان وشوروی باهم درجنك‌میباشند بعنوان اینکه ایران پایگاه ومحل اقامت شماره زیادی آلمانی است میخواهند شوروی‌را نسبت بما نگران ساخته و روابط دو کشور را تیره نمایند و حتی صریحا فشار مشترك دولتین شوروی و انگلیس را بایران تذکر می‌دهند درصورتیکه روش ایران حفظ کامل بیطرفی وسعی‌دررعایت مناسبات دوستی‌خود با تمام‌کشورها بخصوص‌همسایگان‌است. ملت ایران این تحریکات زهر آلود راتقبیح‌مینماید و این افکار مغرضانه ومفسدت انگیز را که بخواهند ملت‌صلح طلب و بیطرف ایران‌را واردکارزار کنند یك‌نوع جنایت بزرك دانسته ویقین داریم تمام عناصر صلح‌طلب گیتی باما دراین‌نظر شریك‌خواهندبود.

دوروز بعد آژانس تاس ازمسکو خبری منتشر ساخت و شایعات درباره تیرگی مناسبات ایران وشوروی ویا نگرانی دولتین را از یکدیگر تکذیب کرد وروز دهم تیر ماه سفیر جدید شوروی (آقـای اسمیر نوف) وارد تهران شد.

اعلام حمله نیروهای شوروی و انگلیس بایران کـه چهارساعت بعداز نیمه‌شب سوم شهریور ۲۰ از طرف آقای اسمیرنوف و آقای بولارد باقای منصور نخست‌وزیر تسلیم گردید معلوم داشت که پیش بینی آژانس فرانسه صحیح بوده و تکذیب آژانس تاس یك مانور دیپلوماسی بیش نبوده‌است.

- **وجود آلمانیها در ایران بهانه شده بود** : جسته جسته تراوشاتی میکرد که در ایران ستون پنجم آلمانی وجود دارد و به آلمانی‌هائی که درخدمات صنعتی کار میکردند اشاره میشد دراین‌باره سرمقاله ۱۷ تیر اطلاعات جلب توجه میکند ازاینقرار :

« ایران در زندگی صنعتی خود نیازمند کارمندان فنی وکارشناس‌است‌و توسعه کارخانجات نیازمندی ایران را ظاهر می سازد .

این نیازمندی از دو راه تامین میشود یکی اعزام محصل‌باروپا است که این امر باکمال شدت شروع‌شده و کشور اکنون دارای عده بیشماری مهندس ومتخصص شده که آموزشگاههای فنی نیز درداخل کشور بوجود آورده‌اند راه دیگر استفاده از کارمندان فنی خارجی است که‌در این‌مورد دولت توجه کامل‌دارد که‌بتدریج از عده آنها کاسته شده وکار آنها بایرانی ها تفویض‌شود و بهمین‌نظردرغالب پیمانهائی که برای خرید کارخانجات منعقد میگردد قید میشود که متخصصین بیگانه در مدت معینی بتعلیم و آموزش کار کنان ایرانی اقدام و آنان را برای انجام خدمات‌فنی آماده‌نمایند. چون‌ایران‌درمرحله‌صنعت قدم گذارده و بعلاوه در سایر رشته ها نیـز احتیاج بجلب متخصصین خارجی‌دارد نمیتواند از استخدام‌خارجیها بی نیازشود لکن‌میتوانـد بتدریج از تعداد آنها بکاهد تا پس از چندی کارها بدست‌خود ایرانی‌ها بیفتد..»

« .... قسمت عمده اتباع بیگانه دربنگاه‌های‌مهم صنعتی‌ازقبیل‌شرکت نفت‌وراه‌آهن،شرکت‌ماهی‌ایران‌ه کارخانجات‌دولتی وملی مشغول کارهستندوعدد آنها ازینقرار است:

۲۵۹۰ نفر اتباع انگلیس – ۳۹۰ نفر اتباع شوروی – ۶۹۰ نفر آلمانی – ۳۱۰ نفر ایتالیائی – ۱۸۰ نفرچکوسلواکی – ۷۰ نفرسویسی – ۲۶۰ نفریونانی – ۱۴۰ نفر یوگوسلاوی .

توسعه صنایع بزرگ در هرکشور مستلزم‌وجودشماره بسیاری کارمندان فنـی است و درایران شماره کارشناسان‌بیگانه‌متناسب با نیاز های داخلی ومطابق نقشه ایست که دولت درپیشرفت هریك‌ازرشته کارهای‌صنعتی و کشاورزی‌وساختمانی وغیره‌درنظر گرفته‌است.»

اطلاعات درچهارصفحه – پیش آمد جنك سبب شد که اطلاعات از ۱۲ صفحه یومیه به ۸ صفحه و از ۸ صفحه بشش صفحه برسد وروز ۳۰ تیرماه ۱۳۲۰ اداره اطلاعات مجبور شد برای ادامه حیات خود اطلاعـات را درچهارصفحه انتشار دهد در این‌موقع راهها بسته‌شده بود وکاغذ مخصوص اطلاعات که لوله سفارش‌داده‌می شد دیگر نمیرسیدو مقداری ازکاغذهای اطلاعات هم که از خاك شوروی بطورترانزیت حمل‌می‌شد با پیش آمدجنك آلمان‌وشوروی ازبین‌رفت واداره اطلاعات ناگزیر شدروزنامه رادرچهار صفحه منتشر کند .

بازهم‌خبرگزاری‌فرانسه‌آزاد : روز ۱۰ مرداد ۱۳۲۰ خبرگزاری‌فرانسه آزاد خبر داد «سازمان ستون‌پنجم آلمان در ایران و افغانستان برقرار گردیده وعمال‌آلمانی از آن استفاده کرده بسـر زمین های مجاور جمهوری‌های قفقازوترکمن و ترکستان ونواحی شمال هندوستان راه می یابند و حوادث راجع بخرابکاری که در مراکز صنعتی قفقاز روی داده مراقبت زمامداران شوروی را بیش از بیش فزون کرده و بیشتر وقت دولت‌انگلیس‌معطوف‌باینست که‌پالشگاههاو منابع نفت شرکت‌نفت ازخطر مصون‌ماند. عمال‌آلمان بامهاجرین روس سفید که برخی از آنها باگذرنامه آلمانی‌وارد ایران شده‌اند همکاری‌میکنند. نمایندگان دولت‌اتحاد جماهیر شوروی وانگلیس دقت دولت ایران‌را نسبت باین فعالیت خطرناك‌عمال‌آلمانی که‌می کوشند کمك بازرگانان‌ایرانی رادرخاك‌شوروی و انگلیس بدست آورند جلب کرده‌اند»

اطلاعات در سرمقاله همانروز بعد از نشر مطالب فوق علاوه می‌نماید:« ناشرین این اخبار تحریك آمیز میخواهند قسمتهای دیگر جهانرا میدان اغراض خطرناك خود قرار داده بربدبختی‌های جامعه بشر بیفزایند، این گفته‌ها بکلی دور از حقیقت است هرکس مختصر اطلاعاتی از داخلهٔ ایران داشته باشد بخوبی درك میکند که باوجود قدرت دولت ومراقبتی که در انتظامات کشور میشود هرگز دستجاتی که بعملیات خلاف نظم وسیاست دولت دست‌زنند‌تشکیل نشده ونخواهد شد. مقصود اصلی اینست که دامن کشوری را که در تمام دوره‌جنك‌سیاست بیطرفی را بتمام معنی مجری داشته وباستقرار صلح در این قسمت از جهان خدمت شایان‌کرده ومنافع کلیه دول بخصوص همسایگان را بانهایت دقت وصمیمیت حفظ کرده است آلوده سازند وآنرا در مخاطره جنك اندازند و این منتهای قساوت وبی انصافی است که کشور مارا بخواهند میدان مطامع دیگران قرار دهند والا همه‌میدانند که نفت ایرانرا قوای دولت حفظ وحراست می‌کند و درظرف دو سال جنك کوچکترین خلاف نظمی‌پیش نیامده ومصونیت منابع نفتی وتأسیسات آن تأمین می‌باشد بعلاوه این عناصر ودستجات ستون‌پنجم آلمانی که ادعامیکنند

کجاست وچرا ایشان ایشهند چه خلاف ترتیبی مشاهده کرده اند و کدام نازی ایرانی در خاک شوروی وجود دارد که عمال آلمانی توانسته باشند با آنها ارتباط حاصل کنند.

ما این رویه تبه کاری وماجراجوئیرا یک عمل پست دانسته با اعتراضات سخت خود بناشر این اینگونه مطالب خاطر نشان میسازیم که دولت و ملت ایران بادقت کامل مراقب جریان اوضاع وحقایق امور بوده کسوچکترین نکته را در زمینه مصالح و منافع واقعی خود از نظر دور نمیدارد و بیطرفی خودرا همچنان حفظ وحراست خواهد کرد.

***

در همین ایام بود که مبادله یادداشتهائی بین دولتین شوروی و انگلستان با ایران در زمینه وجودستون پنجم آلمانی در ایران شروع شده بود. دولت در جواب وجود آنهارا انکار ودعاوی مزبور را ردمیکرد ولی در مطبوعات چیزی دراین زمینه انتشار پیدا نمیکرد.

***

این مقاله در آنروز فوق العاده با اهمیت تلقی گردید وحقایقی راروشن ساخت ومعلوم داشت که متفقین تقاضاهائی دارند که دولت باتقاضاهای آنها موافقت نمیکند وروش بیطرفی را پیش کشیده ودرحفظ بی طرفی کوشش دارد.

در آن موقع چه مردم ایران وچه عموم خارجیها میدانستند چنین مقالاتی که خلاصه‌ای‌از آن‌در بالا انتشار یافت طبق دستور ونظردولت وشخص‌رضاشاه فقید منتشر میگردد والا بحث درمسائل سیاسی ومهم کشور آن هم در آنموقع دقیق وحساس همه میدانستند از قدرت یک‌روزنامه نویس خارج است. بهرحال این مقاله‌روشن‌کرد که انگلیس ها هم وجود آلمانی‌های متخصص ومستخدم دولت را بهانه قرار داده‌فکر حمله‌بایران را در مغز خود میپرورانند ومقدمه چینی آنرا آغاز کرده‌اند.

روزنامه های ترکیه چه نوشتند؟ براثر انتشاراتی که برعلیه ایران دررادیوها وخبر گزاری ها یکنواخت شروع گردید وهمه وجود دسته‌های آلمانی رادر ایران خطرناک دانسته وآنرا وسیله حمله بکشور ایران تلقی کردند وایدن وزیر خارجه انگلیس هم آنرا تایید نموده بود روزنامه های ترکیه مقالاتی انتشار داده وسیاست روشن وصداقت آمیز دولت ایران را درحفظ بیطرفی و جلوگیری ازهرگونه ماجراجوئی اجانب ستودند. از جمله‌روزنامه (صون‌تلگراف) و(جمهوریت) و(آغشام) و(اقدام) که ازجراید مهم ترکیه میباشند در سرمقاله های‌خود نوشتند:«حکومت ایران مسئول حفظ سیاست‌بیطرفی کشوربوده واین حکومت حرکاتی مینماید که مخالف بیطرفی باشد.ایران کشوری است که حافظ آزادی واستقلال خود بوده ووجود چند تن بیگانه نمی‌تواند استقلال اورا برهم زند.»

روزنامه آغشام واقدام نوشتند: «اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی پس از جنگ گذشته بر اثر اصلاحات بزرگ زمام‌ایران رابدست گرفت وحقوق واستقلال وحاکمیت ایران راتامین نمود.معظم‌له ایران نوینی براساس ایران قدیم بنا فرموده وازآغاز این جنگ با کمال‌صمیمیت طرفدار صلح بوده وبنابراین مسلم است که در حفظ بیطرفی کشور وصیانت تمامیت ارضی ایران موفق خواهدگردید...»

اطلاعات پس از نقل مطالب روزنامه‌های ترکیه اضافه نمود:پس ماحق داریم‌بگوئیم سیاستیکه دولت‌از آغازجنگ تاکنون پیروی نموده بخوبی ثابت کرده است که هیچ منظوری جزحفظ بی‌طرفی کامل ونگاهداری صلح وآرامش نداشته‌وکشور های بی‌طرف‌ودوست‌ایران‌نیزاین‌رویه‌را می‌پسندند وآنها نیز همین‌روش راپیروی‌میکنند.

جشن سی وششمین سال مشروطیت: ۱۴ مرداد ۲۰ طبق معمول همه ساله جشن مشروطیت ایران درعمارت مجلس ومیدان بهارستان منعقد گردید ــ تمام رجال و محترمین وطبقات مختلف و همچنین‌سفراو وزیران مختار در جشن شرکت نموده و نکتهٔ مهم دراین مراسم تفکیک نمایندگان خارجی از یکدیگر بود ــ سفراء ووزرای مختار دول متحد و کشورهای متفق که درجنگ بودند دردو محل پذیرائی شدند و باین ترتیب تمام نمایندگان وارد درجنگ شرکت کردند و میزبانان‌توانستند بیطرفی کامل را نیز در این باره‌رعایت نمایند.

در ایران جهانگرد زیاد دیده می‌شود : روز ۱۷ مرداد بمناسبت انتشاراتی که درخارجه داده شده‌بود مبنی براینکه ایران مرکز جهانگردان خارجی شده و عده بیشماری در ایران تمرکز پیدا کرده و اسلحه و لباس بین مردم توزیع می‌کنند اطلاعات نوشت که تمام‌بیگانگانی که بایران می‌آیند قبلاً مقصد وشغل ومحل اقامت آنها معلوم و هیچکس نمی‌تواند بدون نظارت دولت از زیر نظر مامورین از مرز ها و گمرکخانه ها بگذرد و یا اسلحه ومهمات وارد کشور کنند .اینکه‌میگویند ایران مرکز فعالیت بیگانگان بضرر کشور های همسایه شده سفسطه‌ای بیش‌نیست. سیاست ایران براساس حاکمیت خود و حفظ حقوق مشروع کلیه کشور هائی که با ما ارتباط دارند طبق عهود ومقررات مربوطه‌استوارمیباشد ودراین‌باره از هیچگونه مراقبت فروگذار نشده ونخواهدشد.

پیرامون نطق وزیر خارجه انگلیس : ایدن وزیر خارجه انگلیس درمجلس مبعوثان طی نطق خود درباره سیاست بین‌المللی راجع بایران گفته بود : « ورود عده زیادی متخصصین آلمانی در ایران خطر بزرگی برای استقلال آن‌کشور ایجاد نموده است و دولت‌انگلیس اززوی کمال پاکی و صداقت نسبت‌باین خطر بدولت ایران آگاهی داده وامیدوار استکه این آگاهی موردامعتناقرارگیرد»

اطلاعات درسرمقاله ۱۸مرداد ۲۰نوشت « آقای ایدن‌نبایدایران امروز راباایران ۱۹۱۴در یک زمینه‌فرض و روی پارهٔ گزارشهای غلط ازوجود آلمانی هادرین مملکت‌چنین‌عقیده‌ای را اظهار نمایند. دوسال است‌جنگ شروع شده‌و نظم وترتیب داخلی ایران وعدم تغییراوضاع نشان‌میدهد که‌ایران میتواند بروضع داخل خودحکومت وتسلط داشته‌باشد بنابرین وجود یکعده معین‌و محدودمتخصص فنی‌یا غیرآن دربرابر مراقبت‌های مؤثر دولت ابدا نمیتواند خدشهٔ درجریان امور وارد سازدچه‌رسد باینکه‌استقلال کشوررا تهدید کند واینکه‌آقای ایدن تمایل دولت بریتانیا رابصلح وآرامش درین کشورها اظهار داشته‌اندتردیدنیست که‌ایران بسهم خودنهایت میل‌و آرزو راجهت پایداری آسایش وامنیت دراین قسمت ازجهان وبر کنار ماندن از کشمکش وبحران کنونی اعمال نموده است‌و سیاست بیطرفی حقیقی وقطعی دولت‌ایران؛ مؤثرترین وسیله برای حفظ صلح و ممانعت از سرایت هرگونه جریانات نامطلوب‌میباشد واین پافشاری دولت درحفظ بیطرفی وعدم‌قبول تقاضاهائی که بیطرفی رانقض میکند نباید موردی برای سوء تفاهم واقع گردد وطرفداری یک جانب وطرفیت نسبت بجانب دیگر تعبیر گردد زیرا این نظریه کاملا در مورد یک دولت بیطرفی صدق میکند که تقاضای مخالف بیطرفی خودرا از هر طرف که‌باشد ردمی‌نماید برای‌اینکه بیطرفی‌رابمعنای حقیقی عملی کند .»

آخرین نطق رضا شاه در افسریه : همه‌ساله پس ازپایان دوره تحصیلی‌دانشکده افسری یکماه‌شهریور بدانشجویان مرخصی داده‌میشد وآغاز مهرماه جشن‌فارغ التحصیلی‌دانشکده برپامیکردید. سال ۱۳۲۰ این‌تعطیل موقوف شده‌و افسران فارغ‌التحصیل بیدرنگ بواحدهای خود منتقل شده‌و مشغول کارشدند ومراسم جشن‌دانشکده روزسه شنبه ۲۸مرداد درحضور اعلیحضرت فقیدو والاحضرت ولیعهد برقرار گردید که درین مراسم ۱۰۷۴ تن مفتخر بافسری ارتش‌میشدند و۲٤نفر فارغ‌التحصیل ازدانشگاه جنگ گواهی نامه خودرامی گرفتند .

ساعت چهارو نیم‌بعد ازظهر ۲۸مرداد بود که اعلیحضرت فقیدخطاب بافسران فارغ‌التحصیل دانشکده افسری چنین اظهـار داشتند :

« درین موقع بشما دانشجویان دانشکده افسری که تحصیلات خودتان رادر دانشکـده تمام کرده و امروز ساخته‌گواهی‌نامه یابعبارت دیگر فرمان افسری نائل‌میشوید‌تبریک میگویم. امیدوارم‌در آینده بواسطه حسن خدمت وانجام وظیفه بدرجات بالاتر وبمقام عالیتر نائل شوید .

شاید بعضی‌ها پیش خودشان تصور کنند که امسال ازیکماه مرخصی معمولی دانشکده‌محروم شده‌اندولی البته‌بعد که‌علل وجهت آن رافهمیدند تصور میکنم حس‌فداکاری آنان تحریک‌شود .

بیش ازاین لازم‌نیست توجه‌شما رابوظائف عمومی وموقعیت مخصوص امروزجلب کنم، همینقدر میگویم لازم‌است ارتش وافسران ارتش با کمال توجه‌بجریان اوضاع علاقمند باشند ودر موقع‌لزوم ازهیچگونه فداکاری‌و جان بازی خودداری ننمایند »

* * *

روزنامه اطلاعات دوروزبعد بتفسیرنطق اعلیحضرت فقید پرداخته ونوشت :

« دراین روزها تمام‌گیتی نگران اوضاع این کشورشده اندو پیوسته‌زمزمه‌هائی موافق‌ومخالف پیرامون کشورما بلندمیباشدولی‌ما بایدجز بمصالح‌خودو کشورخویش بچیزی دیگر نیاندیشیم وهمان حق‌پرستی‌وراستی را کـه

آئین ما بوده است پیشه سازیم ما قطع داریم افراد و افسران ارتش بندشاهوار شاهنشاه را بکار بسته و با ایمان راسخ وعزم استوار آماده برای اجرای نیات و فرمان شاهنشاه میباشند و آن هورای دلیرانه که دانشجویان فارغ التحصیل در پایان فرمایشات ملوکانه ازدل میکشیدند ازاین روح سلحشور و فداکار ارتش حکایت میکند با اینهمه سزاوار است تمام مردم ایران امروز این روح مردانگی وشهامت را در خود تقویت نمایند و همین وسیله است که ما را در گیرودار امروز جهان رستگار میسازد . »

سوم شهریور ۱۳۲۰

حادثه سوم اشغال ایران باطلاع مجلس رسید : جلسه رسمی مجلس یکشنبه نهم شهریور تشکیل میشد ولی پیش از ظهر روز دوشنبه سوم شهریورماه آقای منصور نخست وزیر بمرحوم اسفندیاری رئیس مجلس اطلاع داد که بعد ازظهر همانروز جلسه فوق العاده تشکیل دهند تا گزارش مهمی را باطلاع نمایندگان برسانند سه ساعت و نیم بعد از ظهر سوم شهریور آقای نخست وزیر پشت تریبون رفت و درمیان سکوت آمیخته بتعجب وحیرت و تاثر شدید نمایندگان نطق زیررا قرائت نمود :

«مطالبی که حالا باطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات اخیر ووقایعی است که روی داده است آقایان نمایندگان درین موضوع هرگونه اظهاراتی داشته باشند تمنی میشود بجلسات بعد موکول دارند .

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا برفرمان ملوکانه مقرر گردید دولت شاهنشاهی بیطرفی ایرانرا اعلام نموده با تمام وسایل وقوای خود دقیقا این سیاست را پیروی و بموقع اجرا گذاشته وبا یکرویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت وقایع جنگ ودر صیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشید . چنانکه تاحال بهیچوجه خطری در ایران از هیچ طرف بهیچیک از آنها متوجه نگردیده با اینحال دولت انگلیس وبعد ازاتفاق آن دولت با دولت شوروی هر دو متفقا اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یکعده آلمانی در ایران نمودند و دو نوبت در تاریخ ۲۸ تیرماه وتاریخ ۲۵ مردادماه برطبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاریه هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمده از آلمانیهای مقیم ایرانرا درخواست میکردند .

در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیده شفاهی وچه طبق تذکاریه های تاریخ هفتم مرداد و تاریخ ۳۰ مرداد کتبا اطمینان های کافی در مراقبتهای دولت ایران نسبت برفتار کلیه اتباع بیگانه وعدم امکان بروز مخاطراتی از عده محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دو دولت اقدامات مقتضی برای کاستن عدهٔ معتنابهی از شمارهٔ آلمانیها بعمل آمده وبجریان افتاد و مراتب مکرر چه در تهران وچه در مسکو ولندن بمقامات مربوطه دولت انگلستان وشوروی خاطر نشان وآنچه ممکن بود برای حصول اطمینان وروشن ساختن نظریه آنها کوشش گردید .

متاسفانه باتمام این مجاهدات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دو دولت همسایه خود نمود درعوض حسن تفاهم و تسویه مسالمت آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهار صبح امروز بمنزل نخست وزیر رفته هرکدام یادداشتی مبنی برتکرار مطالب گذشته که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخش داده شده بود تسلیم نموده و در این یادداشتها توسل خود را به نیروهای نظامی اخطار کرده اند و مطابق گزارش هائی که رسیده معلوم شد نیروهای نظامی انها در تاریخ همان ساعت که نمایندگان مزبور درمنزل نخست وزیرمشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران تجاوز نموده نیروی هوائی شوروی در آذربایجان به بمباران شهرهای باز و بیدفاع پرداخته و قوای زیاد ازجلفا بسمت تبریز اعزام شده اند . در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرمشهر حمله برده کشتی های ما را غافلگیر نموده صدمه زده اند و نیروی هوائی آن دولت باهواز بمب ریخته همچنین قوای انگلیس با وسایل موتوریزه فوق العاده زیاد ازطول قصر شیرین بسمت کرمانشاه در حرکت میباشند .

قوای متجاوز درهرنقطه که بانیروی ارتش شاهنشاهی مواجه شده اند طبعاً تصادم و زدوخوردی هم رخ داده است دولت برای روشن ساختن علت ومنظور این تجاوزات بفوریت مذاکره و اقدامات بعمل آورده ومنتظر نتیجه میباشد که البته باستحضار مجلس شورای ملی خواهد رسانید . چون املا منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضا شد دراین جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد . دولت لازم میداند بعموم افراد کشور توصیه وتاکید نماید که دراین موقع باید کمال خونسردی و متانت را رعایت نموده و با رعایت آرامش رفتار نمایند .»

بمباران شهرهای آزاد و بیدفاع : روز سوم و چهارم شهریور تجاوزات نیروهای اشغال کننده ادامه داشت و اطلاعات در سرمقالهٔ خود تحت عنوان بالانوشت: بمباران شهرهای بیدفاع ایران بچه منظور است وارد آوردن تلفات و ویرانیها برای چیست؟

ما سر جنگ با کسی نداریم. دولت ایران چنانچه مکرر گوشزد ساختیم بیطرف بوده و ایرانیان آرزوئی جز حفظ صلح و آرامش نداشته و درصدد جنگ با هیچ دولتی نبوده‌اند بااینحال نمیدانیم از روی چه اصل و رویه‌ای بچنین عملیات تجاوزکارانه‌ای مبادرت میکنند. این فجایع و پیش آمدهای ناگوار برای ملتی که پیوسته خواهان صلح و صفا بوده بی‌اندازه حیرت‌انگیز و مؤثر است .

مرحوم فروغی مامور تشکیل دولت شد و عدم مقابله با مهاجم را اعلام داشت: روز پنجم شهریور آقای منصور استعفا داد و بلافاصله مرحوم فروغی مامور تشکیل دولت شد و بمجلس اطلاع داد که نخست‌وزیر اظهاراتی خواهد کرد .

روز ششم شهریور جلسه فوق العاده مجلس تشکیل گردید و مرحوم فروغی کابینه جدید را مرکب از آقایان آهی وزیر دادگستری . سهیلی وزیر خارجه . علم وزیر پست . مرآت وزیر فرهنگ . دکتر سجادی وزیر راه .عامری وزیر کشور. سرلشکر نخجوان کفیل وزارت جنگ . وثیقی کفیل بازرگانی . گلشائیان کفیل دارائی.رام رئیس کشاورزی معرفی نمود وضمن نطق مختصری گفت :

دولت بورود در برنامهٔ تفصیلی حاجتی نمی‌بیند همین‌قدر باستحضار نمایندگان محترم میرساند که با نهایت جدیت در حفظ مناسبات حسنه بادول خارجه مخصوصا همسایگان و تعقیب اصلاحات خواهد کوشید و چون دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و میباشند برای اینکه این نیت تزلزل ناپذیر کاملا بر جهانیان مکشوف گردد در این موقع که از جانب دو دولت شوروی وانگلستان اقدام بعملیاتی شده که ممکن است موجب اختلال صلح و سلامت گردد ، دولت به پیروی نیات صلح خواهانه اعلیحضرت همایونی قوای نظامی کشور هم اکنون دستور میدهد که از هرگونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند تا موجبات خونریزی واختلال امنیت مرتفع شود و آسایش عمومی حاصل گردد .

سپس مرحوم فروغی بدون تشریفات معموله تقاضای رای اعتماد در دو باتفاق آراء باورای دادند ودرحقیقت رویه دولت را دراین راه نیز تائید نمودند.

اولین اعلامیه دولت فروغی : یك اعلامیه از طرف ستاد ارتش روز ٤ شهریور انتشار یافت و چون دستور متارکه وعدم مقابله داده شد دیگر اعلامیه‌ای از ستاد منتشر نشد ولی قوای خارجی بداخل کشور پیش میآمدند و روز ٨ شهریور این اعلامیه بامضای فروغی نخست‌وزیر صادر گردید:

«دراین موقع که مذاکره بانمایندگان دولتین انگلیس و شوروی نسبت بتقاضای اخیر در جریان است هیئت دولت لازم میداند مردم را متوجه کند که اولا متانت و خونسردی را پیوسته رعایت کنند ومطمئن باشند که ازهیچ اقدام لازمی فروگذاری نخواهد شد.

ثانیا اخیراً دیده میشود که شایعات و اراجیف در میان مردم زیاد منتشر میشود و موجبات نگرانی خاطرها را فراهم میسازند لزوماً تذکر داده میشود که باین شایعات بی‌اساس بهیچوجه وقعی نگذاشته و بانها ترتیب اثر ندهند.»

همین موقع سپهبد امیر احمدی بفرمانداری نظامی تهران انتخاب و حکومت نظامی اعلام گردید.

چرا مردم فرار میکنند ؟ مرحوم فروغی در جلسه ۹ شهریور مجلس شورایملی گفت :

«تاسفی که برای ما حاصل شده از وضع روحیه مردم است که چیزهای عجیب وغریب میشنوم اراجیفی منتشر میسازند که موجب وحشت ونگرانی میگردد ومی‌شنوم عدهٔ ازمردم از تهران خارج میشوند ، کجا فرار میکنند، چرا فرار میکنند. بنده اطمینان میدهم شهر تهران کاملا در امان است وهیچ خطری نیست، نباید باین شایعات اعتنا کنند آقایان هم باید میان مردم این اراجیف را تکذیب کنند ومردم را اطمینان بخشند.»

باید فوراً دکاکین را باز کنند : فرماندار نظامی تهران اعلامیه‌ای منتشر کرد بدین مضمون :

«عموم کسبه ومغازه‌داران بایستی بفوریت دکانها را باز و باگذاشتن کالای خود در دسترس مشتریان مشغول کار خود باشند. هرگاه از روز ١٢ شهریور مغازه‌ای بدون جهت اقناع کننده بسته باشد صاحب مغازه مورد تعقیب واقع خواهد شد».

بر اثر این اعلامیه وضع خواربار و اجناس بهبود یافت و با وجود هجومی که روزهای اول برای تهیه نان و آذوقه آوردند با اقدامات سریعی که دولت نمود و تدارکاتی که از گندم داشتند بزودی رفع نگرانی عمومی شد.

قرار داد بین دولت ایران ودولتین انگلیس و شوروی: روز ۱۸ شهریور مرحوم فروغی و آقای سهیلی وزیرخارجه درمجلس حاضر شدند وچون فروغی کسالت داشت وزیرخارجه یادداشت‌ها و مراسلات متبادله بین دولت وسفارتخانهای انگلیس وشوروی را در چند روز حادثه تجاوز باطلاع مجلس رسانده وگفت طبق تصمیم دولت که مورد تایید مجلس قرار گرفت برای اثبات نیت صلح‌خواهانه دولت ومصلحت کشور بقوای نظامی دستور داده شد که درمقابل قوای دولتین شوروی وانگلیس ازمقاومت‌خودداری نمایند و بلافاصله مذاکرات شروع شد.

بعد آقای سهیلی متن نامه‌هاراخواند ، دراولین نامه صادره بسفرای انگلیس وشوروی بتاریخ ۶شهریور خاطر نشان گردید: «دولت‌ایران بارعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه‌خودرا با تمام دول بویژه بادولت همسایه محفوظ بدارد. دراین موقع هم که نیروی‌جنگی دولتین وارد خاک ایران گردیده اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت وحفظ مناسبات مبادرت بجنگ ننمود با این حال قوای‌آن دولت‌اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهر ها نموده و نیروی پادگان ایران در شهرستانها هم طبعا درمقابل حمله ای که بآنها شده است ناگزیر از خود دفاع ومقاومت نموده اند ولی دستور داده شد که نیروی دولتی بکلی ترک مقاومت نموده ازهر گونه اقدامی خودداری‌نمایند. انتظار دارد قوای آن دولت‌هم حرکت خود را متوقف ساخته عملیات جنگیرا متروک‌دارد

جواب دولتین شوروی وانگلیس از اینقرار بود :

۱ـ دولت ایران باید امرصادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال وشرق خطی که از خانقین . کرمانشاه . خرم‌آباد . مسجد سلیمان . هفت‌گرد . گچساران و از آنجا ببندر دیلم که‌درخلیج فارس واقع شده‌است عقب‌نشینی نمایند . در شمال هم قشون ایران باید ازنقاط اشنو . حیدرآباد . میاندوآب زنجان قزوین . خرم‌آباد . بابل . زیراب . سمنان . شاهرود . علی‌آباد عقب‌نشینی کنند وموقتاً این‌نقاط درجنوب بوسیله قشون‌انگلیس ودرشمال بوسیله قشون‌شوروی اشغال گردد .

۲ـ دولت ایران بایستی درظرف یک‌هفته کلیه اتباع آلمان باستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که دربنگاههای مخابرات ونظامی نباشند ازایران خارج نموده و صورت اسامی آلمانی های مزبوررا برای موافقت نمایندگان سیاسی انگلیس وشوروی درتهران تسلیم نماید و دولت بایدتعهدنماید که اتباع آلمانی دیگری بخاک‌ایران وارد نشوند.

درنامه دیگری اضافه شد که کلیه اتباع‌آلمانی را باید بقوای انگلیس‌یاسویت تحویل دهندزیراکلیه‌طرقی که‌آلمان‌ها بتوانند از ایران خارج شوند بروی آن ها بسته‌شده و فقط زیرنظرنظامیان دو دولت می توانند خارج شوند .

۳ ـ دولت ایران‌بایدتعهدنماید که‌مانعی در راه حمل‌و نقل‌لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد بود وازوسط خاک‌ایران بین‌نیروهای شوروی‌وانگلیس بعمل‌خواهدآمد قرار نداده‌بلکه تعهد نمایدوسایل‌تسهیل‌حمل‌و نقل اینقبیل لوازم‌را که بوسیله راه باخط‌آهن یاازطریق هواحمل‌میشود فراهم‌سازند .

درمقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت می‌نمایند که:

الف ـ حقوق مربوط به‌نفت وغیره‌ایران‌را کمافی‌السابق بپردازند. ب ـ وسایل‌تسهیل‌لوازم‌مورداحتیاجات اقتصادی ایران‌را فراهم‌سازند . ج ـ پیشروی زیادتر نیروهای‌خودرامتوقف ساخته وبمحض‌اینکه وضعیت نظامی اجازه‌دهد قشون خودرا ازخاک ایران‌خارج نمایند .

٤ ـ علاوه براین دولت ایران تعهدنماید که بی‌طرفی خودرا ادامه‌داده‌وهیچگونه عملی که برخلاف‌منافع دولتین‌انگلیس وشوروی باشددراین مبارزه که براثر تجاوز آلمان برآنها تحمیل گردیده است ننماید .

آقای‌سهیلی جواب دولت ایران رابتقاضاهای بالاخواند که درقسمتهای زیادی‌ازآن اظهارموافقت‌شده‌تنها شرایط وتوقعات متقابلی نیز پیشنهاد شده‌بود که خیلی‌مفصل میباشد وازبحث‌ماخارج‌است .

نکته قابل توجه‌این‌است‌که مذاکرات ومکاتبات سفیرشوروی ووزیرمختارانگلیس هرروزشدیدتر وتقاضا های آنها بیشتر میشدکه ازجمله موضوع بستن سفارتخانهای‌آلمان وایطالیا وبلغار ومجار ورومانی بودکه آنهم مورد قبول واقع‌شد ولی تقاضای ایران‌را حتی‌درخارج ساختن شهرهای‌سمنان‌وشاهرود وقزوین وخرم‌آباد ودزفول ازخطی که معین کرده بودند آنهاNپذیرفتند .

توقیف روزنامه اطلاعات: براثر گزارش دولت بمجلس وانعکاسی که در افکار عمومی بخشید روزنامه اطلاعات روز ۱۹ شهریور سرمقاله‌ای انتشار داد تحت عنوان «تاثر مردم» که در آن بهت وحیرت مردم از وقوع حوادث اخیر وشرایط دشواری که دولتین شوروی و انگلیس پیشنهاد نموده بودند تشریح شده و نوشته شده بود که مردم پس از شنیدن گزارش های مجلس بینهایت متاثـر ومتالم شدند وحق دارند زیرا ما امروز بامشکلات سختی روبرو شده‌ایم که هیچ منتظر ومستحق آن نبودیم وحتی در تصور واندیشه ما نیـز نمیگنجید، راست است که ما بادولت آلمان وایطالیا جزیک روابط عـادی واقتصادی روابط دیگری نداشته‌ایم ولی میل داشتیم باین روابط حسنه ما خللی وارد نیاید واصل بیطرفی کامل هم که مرام و آرزوی عمومی ملت ایران می باشد همین اقتضارا داشت که ما باتمام دول وملل جهان دارای روابط دوستانه وحسنه باشیم. متاسفانه دولت ما امروز ناگزیر شده است که سفارتخانهای آلمان وایتالیا ورومانی ومجارستان را در ایران برچیند ولی سفارتخانهای مادر پایتخت این کشور هامانند پیش دایر وروابط سیاسی ماهم باآنها برقرار خواهد ماند. این حقیقت را باید بگوئیم که انتظار مردم ایران ازدولتین شوروی وانگلیس درعالم همسایگی ودوستی خیلی بیش از اینها بود.

***

این مقاله عکس العمل عجیبی درمحافل خارجی پیدا کرد خبرنگاران خارجی که براثر حادثه اشغال ایران وارد کشور ماشده بودند مقاله مزبوررا باآب وتاب بسیار بدنیا مخابره کرده وآنرا حمله مستقیمی بمتفقین دانسته وتحریر مقاله‌را مستقیما بشاه فقید نسبت دادند دراین مورد تحریك خارجی های ذینفع مؤثر بود که عمدا میخواستند بگویند این مقاله بدستور اعلیحضرت فقید چاپ شده وحکایت ازمخالفت شخص پادشاه باسیاست وروش انگلیس وروس می کند.

خلاصه پیرایه‌های بسیاری برآن بستند وشاه فقید که تازه یکهفته بود دستور برداشتن سانسوررا داده بود وبکلی بی‌اطلاع ازآن مقاله بود ومقاله مزبور صرفا احساسات خود روزنامه وانعکاس تاثر وتاسفات آن روز توده‌های کثیرمردم بود لکن بقدری سانسور درمطبوعات قوی بود که هیچکس باور نمیکرد چنین باشد بالاخره شاه فقید روز بعد دستور توقیف اطلاعات راصادر کرد و روزنامه از آن روز تاروز ۲۵ شهریور که شاه فقید استعفاداد واز تهران خارج گردید در توقیف بود.

استعفای رضاشاه از سلطنت: شماره بعد از توقیف حاوی مطالب مهمی، متضمن متن استعفای شاه فقید و عزیمت ایشان باصفهان و جریان مجلس و نطق‌های وکلا در زمینه مخالفت با اوضاع گذشته بود.

سه و ربع بظهر روز ۲۵ شهریور مرحوم فروغی پشت تریبون مجلس گفت:

« یکی از مهمترین قضایاو اموررا که واقع شده‌است باید بعرض مجلس شورای‌ملی و باطلاع عموم ملت برسانم ومتاسفم که بااینکه کسالت مزاج و اینکه نفس ندارم وقضیه‌هم طوری بسرعت انجام گرفته‌است که هیچ‌مجالی نداشته‌ام که فکری بکنم تا بیاناتی که دراینجا میکنم مرتب باشد از این جهت معذرت میخواهم وآن قضیه اینست که اعلیحضرت رضاشاه‌پهلوی‌بموجباتی که حالاخواهم خواندار اراده کردند که ازسلطنت کناره کنند و امرسلطنت‌را بجانشین قانونی خودشان تفویض فرمایند. ایشان استعفانامه‌ای‌نوشته‌اند ووالاحضرت همـایون ولایتعهد زمام امورر ا بدست گرفتند. استعفانامه‌ایشان این‌است

متن استعفانامه: « نظر باینکه من همه قوای خودرا دراین چندساله مصروف امورکشور کرده. وناتوان شده ام حس‌میکنم که اینك وقت آن‌رسیده است که‌یك قوه وبنیه‌جوان‌تری بکارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که‌اسباب‌سعادت ورفاه ملت‌را فراهم آورد. بنابراین امورسلطنت را به‌ولیعهدوجانشین خود تفویض کردم و ازکار کناره‌نمودم. از امروز که‌روز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری ولشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید بسلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظوردارند.

کاخ مرمر. تهران ۲۵شهریور ۱۳۲۰. رضاشاه

سپس مرحوم فروغی گفت اعلیحضرت جدید مرا مأمور فرمودند باطلاع مجلس شورای ملی برسانم که در امر ملك و مملکت داری کاملا یك پادشاه قانونی هستند و تصمیم قطعی ایشان براین است که قانون اساسی دولت و مملکت و ملت ایران را کاملا رعایت کرده و محفوظ بدارند امیدوارم این سلطنت نو برملت ایران مبارك باشد و تقاضا میکنم آقایان موافقت فرمایند فردا مجلس شورایملی راباز تشکیل بدهند که اعلیحضرت همایونی تشریف بیاورند و وظایف قانونی خودشان را در این باب عمل کنند .

درهمین جلسه بود که یکی دوتن از وکلاء زمزمه مخالفت با رضاشاه را آغاز کردند و آقاسید یعقوب انوار بمناسبت تغیر سلطنت گفت الخیر فی ماوقع امیدواریم تمام خرابی های سابق ما ترمیم شود که مثلا من میگویم سئوال دارم یا استیضاح دارم از فلان وزیر فوری آن وزیر حاضر شود و روزنامه های ما مثل مرغ منقار چیده در قفس آهنین نباشد تاکی باید ملت ایران صدا نداشته باشد که بگوید آقا ظلم خانه مرا خراب کرده است بعد از این بنده و جنابعالی آقای دشتی امیدواریم که کارها تحت نظر خودما یعنی مجلس شورایملی باید بیاید و بعد از این هم باید برای سعادت مملکت کار کنیم و وزراء هم بعد از این راه مجلس را گم نکنند.

باز درهمین جلسه بود که مرحوم فروغی گفت: هرچند که دولت اقداماتی کرده است که قوای روس و انگلیس شهر تهران نیایند و امیدواریم این اقدامات مؤثر باشد ولی فرضاهم که نزدیك تهران بیایند باید خاطر آقایان مسبوق باشد که اینها برای مخاصمت نمی آیند برای مقاصد خودشان نسبت بکارهائی که دارند میآیند ومیروند اگر از این رفت و آمد بگوش آقایان خبری رسید تصور نکنند مقاصد خصمانه ای دارند آن اندازه که بما اطمینان داده اند و ماهم البته این اطمینان را حاصل کرده ایم مطلب اینست مبادا مثل چندروز پیش مردم تهران وحشت کنند و اسباب زحمت برای ما فراهم گردد و در نگاهداری امنیت و ارزاق شهر کارما سخت شود.

جواهرات سلطنتی و پشتوانه اسکناس: مسافرت شاه فقید باصفهان و کرمان موجب شایعات بسیاری در افواه گردیده و گفته میشد که شاه سابق جواهرات سلطنتی را باخود برده است. این موضوع در مجلس نیز منعکس گردید وازدولت سئوال شد و درجلسهٔ ۲۲ شهریور آقای گلشائیان وزیر دارائی شایعات را تکذیب نموده و اطمینان داد که جواهرات سلطنتی وجواهرات بانك هریك درجای خود زیر نظر هیئت نظار و مامورین مربوطه محفوظ میباشد وهر وقت آقایان مایل باشند میتوانند معاینه نموده و باصورت اصل آن که در ضبط دولت میباشد ، تطبیق نمایند .

مرحوم مؤیداحمدی ناظر بانك نیز اطلاعات خود را دایر بحفظ وحراست جواهرات سلطنتی در بانك داد و همه را دعوت برسیدگی ومشاهده آن نمود، چند روز بعد رسما هیئتی از طرف مجلس انتخاب گردید واین وظیفه را انجام داد .

اجرای آئین سوگند : روز بیست وششم شهریور ماه ساعت چهار و نیم بعد ازظهر اعلیحضرت همایونی با تشریفات رسمی در تالار جلسه مجلس شورای ملی قسم نامه را خواندند وامضاء کردند وبعد خطابه ای ایراد نمودند مبنی بر توجه باصول مشروطیت وتفکیك قوا ولزوم همکاری دائم وکامل بین دولت ومجلس واهتمام در اجرای دقیق قوانین برای حصول تامین قضائی واصلاحات مربوط باموراجتماعی واقتصادی ومالی وتغییر مقرراتی با احتیاجات ومقتضیات امروز وفق دهد ودر پایان گفتند اهتمام کامل بعمل خواهد آمد که باهمکاری نزدیك با دولت هائی که منافع ما با منافع آنها ارتباط مخصوص دارد بطوریکه مصالح مملکتی کاملا رعایت شود و مشگلاتی که فعلا برای ما پیش آمده حل شده وجریان امور بر وفق دلخواه گردد.

***

شاه جدید ایران مورد استقبال شایان چندین هزار مردی که درمعبر شاهانه قرار گرفته و کف میزدند و هورا میکشیدند واقع شد وازدحام جلوی کاخ سلطنتی موقع بازگشت بقدری بود که شاه ناچار شد در ایوان کاخ حضور یافته از جمعیت با اشاره سرو دست اظهار تشکر نماید .

این پیش آمد طبیعی کلیه شایعاتی راکه تولید وحشت ونگرانی برای مردم کرده بود زائل ساخت زیرا قبل از انجام مراسم سوگند هیچکس باور نمیکرد این قضیه بسادگی انجام پذیرد واحتمال وقایعی میرفت وحتی انتشار داده شده که چون دول اشغال کننده ایران راضی نیستند این کار صورت نخواهد گرفت.

در مراسم سوگند خارجی‌ها شرکت نداشتند و علت این پیش‌آمد هم این بود که چون نمایندگان شوروی و انگلیس حضور خود را در آئین سوگند موکول بکسب اجازه از مسکو و لندن کردند و از طرفی دولت مصمم بود بلافاصله پس از حرکت شاه سابق مراسم معمول گردد ناچار شدند عذر تمام خارجی هائی که رسما دعوت شده بودند بخواهند تا معلوم نشود که نمایندگان انگلیس و شوروی حضور پیدا نکرده‌اند . همین قضیه سبب شهرت‌های زیاد شده بود و مردم را نگران ساخته بود ولی بعد که مراسم بخوبی انجام یافت دول مزبور در مراسم بعدی و شرفیابی برای معرفی ، حضور یافته و شرکت نمودند .

فرمان عفو عمومی : بر اثر تذکراتی که در مجلس راجع بآزادی زندانیان سیاسی و غیرسیاسی داده شد روز ۲۸ شهریور فرمان عفو عمومی صادر گردید و بموجب این فرمان بدولت اجازه داده شد که بزهکاران سیاسی و غیر سیاسی را که قانونا بخشودگی و تخفیف کیفر آنها اقتضا دارد معین نموده بخشودگی و تخفیف را مطابق مقررات قانون درباره آنها اجرا نماید و بکسانی هم که برای بخشودگی آنها طبق ماده ٤٥ قانون کیفر عمومی تصویب قانون خاصی ضرورت دارد وزارت دادگستری فوراً لایحه آنرا تهیه و بمجلس پیشنهاد نموده پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شود.

***

در میان زندانیان کسانی هم بودند که پس از آزادی دوباره راه خود را در کوهها و گردنه‌ها پیش گرفته موجبات ناامنی را فراهم آوردند ، همچنین عناصری وجود داشتند که باز ناراحت نشسته مزاحمت ملت و مملکت را باعث گردیدند و بعد ها همان نمایندگانی که برای آزادی عموم محبوسین تلاش میکردند متوجه شدند که حق این بود عفو زندانیان با مطالعات و تعمق بیشتر و با مشورت هیئتی که اطلاع از اوضاع و احوال و روحیات آنها داشتند انجام میگرفت و اشخاص فاسد را رها نمیکردند.

اولین کابینه سلطنت محمد رضا شاه پهلوی : روز ۳۰ شهریور دولت جدید بریاست مرحوم فروغی بمجلس معرفی گردید و چون رئیس دولت سخت مریض بود این وظیفه را مرحوم آهی وزیر دادگستری انجام داد از اینقرار :

آقای حکمت وزیر پیشه و هنر آقای سهیلی وزیر خارجه ، آقای مرآت وزیر بهداری ، آقای دکتر سجادی وزیر راه ، آقای گلشائیان وزیر بازرگانی ، آقای سرلشکر احمد نخجوان وزیر جنگ (ایشان کفیل وزارت جنگ بود و در قضایای شهریور مورد بازخواست شدید شاه فقید قرار گرفت و زندانی شد و پس از حرکت شاه آزاد و بوزارت رسید) ، آقای سرلشکر امان‌الله جهانبانی وزیر کشور ، آقای علی اکبر حکیمی وزیر کشاورزی ، آقای دکتر مشرف نفیسی وزیر دارائی ، آقای حمید سیاح وزیر پست ، آقای دکتر صدیق وزیر فرهنگ .

دارائی و اموال شاه سابق : هنگامی که شاه فقید در اصفهان اقامت داشت آقای دکتر سجادی وزیر راه و آقای ابراهیم قوام شیرازی باصفهان عزیمت نمودند تا ترتیب نقل و انتقال املاک و دارائی شاه فقید را که مقرر شده بود ایران را ترک نماید بدهند - پس از دو روز مراسم مزبور در اصفهان انجام پذیرفت و شاه سابق طبق مصالحه نامه کلیه اموال منقول و غیرمنقول را باعلیحضرت فرزند والاتبار خود بخشید تا بمصرف امور خیریه و فرهنگی بمقتضای مصلحت کشور برساند.

از لحاظ ضبط در تاریخ متن صلح نامه رضاشاه فقید و دستخط اعلیحضرت در این صورت در زیر چاپ میشود :

متن صلح نامه رضا شاه بنام خداوند متعال چون از ابتدای تاسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران و آبادی کشور بوده و این مطلب را در مقدمه برنامه اصلاحات کشور خود قرار داده بودم و همواره در نظر داشتم آن رویه عمران سرمشق کلیه صاحبان زمین و املاک گردد تا در موقع خود بتوانم از ثمره این املاک کلیه ساکنین و رعایای کشور خود را بهره‌مند نمایم این فرصت در این موقع که فرزند ارجمند عزیزم اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی زمام امور کشور را بدست گرفته‌اند حاصل شده است بنابراین مصالحه نمودم کلیه اموال و دارائی خود را (اعم از منقول و غیرمنقول و کارخانجات و غیره) از هر قبیل که باشد با یشان بمال الصلح ده گرم نبات موهوب تا بمقتضای مصالح کشور بمصارف خیریه و فرهنگی و غیره بهر طریقی که صلاح بدانند برسانند ،

دستخط اعلیحضرت به نخست وزیر : جناب نخست وزیر – چون منظور اصلی اعلیحضرت پدر بزرگوارما در واگذاری اموال خودشان باین بود که بمصارف خیریه برسد و ما همیشه سعی داشته و داریم که وسیله آسایش ورفاه عموم را از هر حیث فراهم آوریم بنابراین چنین تصمیم نمودیم اموالی که از قبیل املاک و مستغلات و کارخانجات بما واگذار شده است بمنظور ترقی کشاورزی و بهبود حال کشاورزان وترقی اوضاع شهرها و ترقی صنایع کشور و بهبود حال کارگران و ترقی فرهنگ و بهداری بدولت وملت اعطا نمائیم، تا برحسب اقتضا برای انجام منظورهای بالا یااملاک را بفروش برسانند و یا با حفظ وتوسعه آبادی آنها درملک دولت نگاهدارند و نیز مقرر میداریم که اگر کسانی باشند که نسبت باملاک ادعای غبنی داشته باشند پس از رسیدگی شکایات آنها از محل عواید املاک رفع ادعا بشود .

* * *

روزنامه اطلاعات که مانند سایر مطبوعات از قید سانسور خارج شده بود هر روزه سرمقاله هائی پیرامون اوضاع جاری می نوشت واظهار نظر می نمود ودراین خصوص نیز بتاریخ ۳۱ شهریور نوشت که دردستخط همایونی بطور صریح اشاره بوجوه نقد نشده بود ومعلوم نیست که آیا این بخشش شاهانه شامل وجوه نقد هم میباشد یانه و بدیهی است دراین قسمت نیز اعلیحضرت ازابراز عواطف واحساسات عالیه خود دریغ نخواهند داشت واما درباره املاک ما صاحب نظر هستیم و این اصل میباشیم که باید ضررها و خسارتهائی که مالکین نخستین این املاک وارد آمده کاملا جبران شود و حتی مزارع و کشتزارهائی که بصورت اولیه باقی مانده است اگر صاحبان اولیه بخواهند دوباره اداره کنند بآنها برگردد ولی هرگز نمیتوان املاکی را که دراین مدت بکلی تغییر شکل داده ومبالغی هنگفت از ثروت کشور که چندین برابر بهای خود ملک بوده صرف آبادی وعمران آن شده است بصاحبان آن مسترد داشت این املاک متعلق بهمه مردم وملت است وباید درآمد آن بمصارف عمومی کشور و مردم برسد مگر اینکه دولت تصمیم بفروش آنها بگیرد دراینصورت صاحبان اولیه برسایر خریداران درشرایط متساوی حق تقدم خواهند داشت و اما راجع بکارخانهای اختصاصی ومهمانخانه ها وسایر بنگاهها که از این پس تعلق بملت دارد باید درآمد آنها جداگانه بمصرف بهداشت وامور خیریه وفرهنگ و آبادی وعمران شهرها ودهکده ها برسد و برای اداره امور آنها عقیده داریم دولت شخصا ازاداره کردن آنها صرف نظر نموده واداره آنها را بشرکتها و بنگاههای ملی واگذارد تا از هر گونه افراط وتفریط جلوگیری شود

* * *

دو روز بعد اعلیحضرت همایونی فهرست عطایای خود را از دارائی شخصی بوسیله مقام ریاست بمجلس دادند که عموم نمایندگان استحضار یابند. مرحوم اسفندیاری فهرست پانزده گانه امور خیریه ای که شاه از وجوه نقد خود تقبل فرموده بود خواند ومورد تحسین قرار گرفت .

سانسور روزنامه ها در اصفهان وشیراز – در شماره چهارم مهر ۱۳۲۰ اطلاعات این خبر جلب توجه میکند : «بقراریکه مخبر ما از اصفهان وشیراز اطلاع میدهد هنوز سانسور روزنامه ها در این نقاط برقرار است و وقتی مدیران روزنامه ها باداره شهربانی مراجعه کرده اند بآنها گفته شده است که هنوز دراین خصوص دستوری بآنها داده نشده . ما توجه آقای وزیر کشور را باین موضوع جلب نموده وامیدواریم هرچه زودتر دراین خصوص دستور تلگرافی بفرمانداران این نقاط داده شود که مزاحم روزنامه ها نشوند و همانطوریکه در تهران موضوع سانسور از بین رفته است در شهرستانها نیز روزنامه ها بتوانند با آزادی کامل مطالب و نظریات خود را منتشر سازند .

شاه فقید ایران را ترک کرد : ساعت ٤ بعدازظهر روز پنجم مهر ۲۰ رضاشاه باکشتی بستی موسوم به (بندرا) از بندر عباس بسمت هندوستان حرکت نمود ، این کشتی متعلق بانگلیسها بود وشاه ایران و خانواده سلطنتی را بهندوستان می برد که از آنجا بیکی از کشورهای امریکای جنوبی (شیلی) اعزام شوند ولی این تصمیم را انگلیسها تغییر دادند وبجای امریکا شاه سابق ایران را بجزیره موریس در افریقای جنوبی فرستادند

از خانواده سلطنتی که چند روز قبل از حرکت اعلیحضرت فقید از تهران باصفهان اعزام شده بودند علیاحضرت ملکه فوزیه وعلیاحضرت ملکه مادر وشاهدخت اشرف پهلوی روز ٦ مهر وارد تهران شدند ولی شاهپورها و شاهدخت شمس پهلوی باتفاق پدر خود عزیمت نمودند .

تقاضای هیئت تحریریه از مدیر اطلاعات :

در شهریور ۲۰ بر ایران چه گذشت ؟

وقایع وحوادث شهریور ۱۳۲۰ مهمتر از آنست که دراین مختصر منعکس گردد ، بخصوص مسائلی در پس پرده واقع میشد که تفسیر وتوضیح آن از عهده بنده خارج میباشد بدینجهت کارمندان تحریری اطلاعات از آقای عباس مسعودی مدیر محترم خود تقاضا کردند ایشان خود رشته مطلب را بدست گیرند و آنچه بخاطر دارند بتحریر درآورده برای تکمیل تاریخ یکربع قرن اطلاعات درمعرض افکار وقضاوت عامه بگذارند خوشبختانه ایشان تقاضای مزبور را پذیرفتند وازین پس نگارشات مربوط باطلاعات دریکربع قرن را از حوادث شهریور ۲۰ ببعد خود ایشان مینویسند واین تصادف با اعلامیه که ایشان باوضاع دار بموجب کمال خوشوقتی ما گردید زیرا ما یقین داریم خواهند توانست خوانندگان عزیز اطلاعات را از بسیاری جریانات و پیش آمد های گذشته آگاه و روشن سازند و صفحاتی از حقایق تاریخی این چندسال را درنظر عموم باز کنند .

همه میدانیم که آقای مسعودی درظرف این ۲۵سال حکومت دموکراسی ، دچار چه رنجها وصدمات شدند و چگونه با روح صداقت ومیهن پرستی وملت دوستی با کوشش فراوان خود وخوشبختانه باتقویت وپشتیبانی عناصر صالح وحسن استقبال وتوجه عمومی که پیوسته شامل حال ایشان بود باعفریت نادرستی وخیانت و جنایت مبارزه کرده ودر بیشتر قسمتها بنفع کشور وملت ایران موفقیت هائی حاصل نمودند ، ما میدانیم که نتیجه رنج ومشقت و تاثرات والمات این چندساله منتهی بکسالتی گردید که اگر از تعقیب دستور اطباء منفک شوند وهرچند یکبار دست از کار نکشند وبمعالجه ومداوای خود نپردازند قوای ایشان بکلی تحلیل خواهد رفت .

آقای مسعودی در ظرف این مدت ۲۵سال موهای خودرا سپید کرد ، قوای جسمی خویش را ازدست داد و با مرض زخم معده (اولسر) که از تحریک اعصاب وشدت آلام تولید میشود دست بگریبان گردید و علاوه بر این بضعف کبد وامعاء مبتلا شد که ما مکرر ایشانرا از اشتغال زیاد بکار منع مینمائیم ولی شوق وافر وعلاقه شدید ایشان بخدمات مطبوعاتی مانع از این است که تقاضای ما را قبول کنند .

از خداوند متعال میخواهیم وجود ایشان را سلامت نگاهدارد و پیوسته علاقمندان از تراوشات فکری این مرد خدمتگزار بهره مند شوند .

هیئت تحریریه اطلاعات

ع . مسعودی

بر ایران چه گذشت ؟

تشویق وتائید نویسندگان عزیز وکارمندان شریف اطلاعات مرا بر آن داشت که خاطرات شهریور بیست ببعد را برای تکمیل تاریخچه خدمات اطلاعات در یکربع قرن بنویسم .

قدیمی ترین کارمند اطلاعات که نزدیک یکربع قرن است در اداره اطلاعات با من همکاری میکند تا اینجا حقاً از عهده انجام این خدمت برآمد وتوانست خلاصه وقایع مهم این مدت را باشمه ای از خدمات فرهنگی موسسه اطلاعات منعکس سازد ومن از درگاه باریتعالی کمک مطلبم وامیدوارم بتوانم این وظیفه خطیری را که نویسندگان صدیق ومحبوب اطلاعات برعهده ام محول فرمودند طوری انجام دهم که از هرگونه شائبه وپیرایه بدور بوده ، عاری از غرض ومتکی بصحت واعتماد باشد .

من قبل از هرچیز لازم میدانم خدمات صادقانه عموم همکاران ونویسندگان واعضای محترم اداری و فنی اطلاعات را تقدیر نموده واز توجه وعلاقمندی آنها بکار صمیمانه تشکر کنم . مادربین کارمندان اطلاعات که همه با روح وفاداری وصمیمیت باین خدمت بزرگ مطبوعاتی اشتغال ورزیده اند کسانیرا داریم که بیش از بیست سال است در اطلاعات با من همکاری وکمک میکنند ، جوان بوده اند ووارد این خدمت شده وحالا صاحب زن وفرزند و نواده شده موهای خود را سپید کرده اند معهذا با عزمی آهنین وصمیمیت شایان توجهی آمیخته بتجربیات مفید زحمت می‌کشند و برای ارتقاء و عظمت این مؤسسه فرهنگی که ثمره یک عمر زحمت و فداکاری آنها است ، کوشش میکنند .

من از خداوند متعال عزت وسلامت وسعادت وموفقیت همگی کارمندان عزیز وشریف تحریری ، اداری ، فنی اطلاعات را درقسمت های مختلف مؤسسه آرزومندم وامیدوارم این موسسه فرهنگی همانطور که آرزوی قلبی من است برای همیشه درکشور ایران پاینده وبرقرار و مفید برای ملت ایران بماند وابناء وطن از آن بهره مند گردند

خواب فاجعه شهریور دیده شده بود !

رضاشاه میخواست یانمیخواست، بیطرف می‌ماند یانمی‌ماند ، وعده مساعدت و کمك میداد یا نمیداد ، راه عبور اسلحه ومهمات را باز میگذاشت یا نمیگذاشت ، هرچه میکرد فایده نداشت زیرا خواب اشغال ایران وواژگون کردن حکومت ایران دیده شده ونقشه آن از چندماه قبل‌ازشهریور طرح گردیده بود.

امارضا شاه غافلگیر شد ، اوهرگز از طرح چنین نقشه ای خبر نداشت ، ازاین خواب هولناك مسبوق نبود ، بیادداشت های مقدماتی و بهانه‌های اولیه دولتین شوروی وانگلیس باخونسردی وبی‌اعتنائی نگاه‌میکرد و بحفظ بیطرفی خود مغرور بود. میگفت مابی‌طرف می مانیم و باکشور بی طرف کار ندارند ، بعلاوه این یادداشت ها را بیشتر « بلوف » فرض میکرد و دنبال نقشه ای بود که ترك‌ها داشتند : « تسلیم نمیشویم‌و پایداری خواهیم کرد . »

بقدری آنمرحوم در این باره اطمینان داشت که وقتی وزیر مختار آلمان بوسیله وزارت خارجه برای شاه فقید پیغام فرستاد که ماوا ببهانه حمله بایران میخواهند قرار دهند اگر مقصود اخراج آلمانی ها از ایران است ما حرفی نداریم وحتی سفارت را برمی‌چینیم و ازایران میرویم ولی شاه جواب داده بود که هرگز چنین موافقتی نخواهم کرد زیرا این موضوع حیثیت و موقعیت مرا مخدوش و بیطرفی کشورایران‌رامتزلزل می سازد ، وزیر مختار آلمان هم روی این قرص و استحکام بیان اطمینان حاصل کرد که شاه ایران تسلیم‌توقعات متفقین نخواهد شد وباخراج آنها از کشوردستور نخواهدداد .

هیچکدام نمیدانستند چه‌خوابی برای آنهادیده شده ، نه‌نمایندگان سیاسی آلمان واتباع‌آن دولت می دانستند بچه‌سرنوشتی دوچارخواهندشد ونه شاه فقید میدانست که کشورما بچه وضعی خواهد افتاد .

اگر رضا شاه ازاین خواب ایران ویران‌کن خبرداشت ومامورین لایق ودیپلوماتهای عالی‌مقام در دستگاه وزارت خارجه ایران بودند واوراازحقایق ونقشه‌های پشت‌پرده آگاه میساختند قطعا در روش او تاثیر میکردوسیاست خشن‌خودرا باعتبارحفظ بیطرفی‌ایران‌تغییر میداد وبامتفقین ازدرسازش‌وارد‌میگردید شایداین‌خواب دیده نمیشد وطرح اشغال ایران ازچند ماه قبل ریخته نمیشد .

لکن چنین بنظرمی‌رسدکه این مرحله هم طی‌شده بود وبرفرض محال که رضا شاه تسلیم توقعات و تمنیات اجانب میگردید راه ترانزیت میداد ، آلمانیهارا خارج می کرد باز نقشه ، زبوراجرامیگردید زیرا انگلیسها با شخص رضاشاه طرفیت پیداکرده بودند ودرپی فرصت می گشتند .

رضاشاه چند سال پس‌ازاستقرارسلطنت خودرویه خاص میهن‌پرستانه واستقلال طلبانه ای درسیاست‌خارجی اتخاذ نمودجلوگیری شدیدازمداخلات‌اجانب‌را وجهه‌همت خودقرارداد وبقدری دراین زمینه پیش‌رفت که حتی‌وزیر جرئت قبول دعوت یك سفارتخانه را قبل‌ازتحصیل اجازه ازشاه پیدا میکرد. باهرقسم توقع وتقاضائی که بموقعیت ایران خلل‌واردمیاورد ایستادگی می‌کرد مگراینکه مجبور بقبول‌شود چنانچه در مورد تجدید قرارداد نفت جنوب این پیش‌آمد بوقوع پیوست وفشار شدید بین‌المللی و احتمال وقوع حوادث نا مطلوبی شاه را وادار به قبول تمدید اجباری نمود .

ولی نظیراین مسائل وتوقعات بعدی رضاشاه درموردنفت بزرگترین عقده انگلیسها گردید زیرا رضا شاه پس‌ازگذراندن قرارداد نفت دوبارطبق یکی ازمواد امتیازنامه ادعای غبن واحقاق حق‌نمود وهردفعه چند میلیون لیره برعایدات نفت‌افزود ومهمترازهمه مطالبه‌ای بودکه موقع جنگ وبدبختی انگلیسها نمود.

وضع جنگ انگلیسهارا درنهایت سختی وبدبختی دچار ساخته بود ، وضع اقتصادی آنــان خراب و مضیقه مالی آنان را بیچاره کرده بود در همین موقع رضا شاه هم از حدوث جنگ استفاده نموده واحتیاجات‌شدید بحریه انگلیس‌را بنفت‌احساس کردوتقاضای افزایش عایدات راطبق همان ماده نمود. بدیهی است اصرار وابرام مامورین بریتانیای کبیر درتخفیف‌وصرف‌نظر کردن‌این‌موضوع‌ودرنظر گرفتن وضع‌مالی بریتانیا بیهوده‌بود زیرا رضا شاه از تصمیم خود منصرف نمیشد وشرکت نفت چارهٔ جز پرداخت مبالغی که مورد درخواست دولت‌ایران‌بودنمیدید.

شاید برسر همین معامله بودکه مامورین انگلستان حساب‌کار خود راکردند و دیدند با رضاشاه بهیچ وجه نمیتوان‌کنار آمد برفرض اینکه اجازهٔ ترانزیت ازشاه ایران تحصیل کنند چگونه میتوانند بتوقعات مالی او جواب دهند کرایه میلیون ها تن ادوات جنگی و مهمات که باید از ایران بروسیه فرستاده شود باضافه حقوق

ترانزیت و سایر مخارجی که ایران خواهد گرفت سر بجهنم خواهد زد و با اوضاع مالی و اقتصادی انگلستان وفق می‌دهد .

این بود که نقشهٔ حملهٔ بایران ترسیم گردید و بااطلاع باینکه ایران کشور بیطرفی است و میتواند بیطرفی خود را حفظ کند و با علم باینکه رضاشاه جداً مداخلات خارجی‌ها را در امور داخلی جلوگیری میکند و با اطمینان باینکه قوای ایران قادر بحفظ امنیت و آرامش و انتظامات کشور میباشد و به یقین میدانستند که ایران با آلمان هیچگونه تعهد یا قراردادی منعقد نکرده و سازش سیاسی و نظامی ندارد معهذا تصمیم خود را اجرا نمودند در حقیقت میتوان گفت مسائل مالی و باز بودن دست متفقین در امور داخلی ایران سبب عمده اجرای آن نظر و تصمیم بود و چون با بودن رضاشاه در ایران غیرممکن بود بتوانند نقشه‌های خود را عملی و اجرا کنند از همان روز های نخست که طرح نقشه ریخته شد فکر تغییر حکومت را نیز نمودند .

شك نیست که مردم ایران نیز خواهان پیشرفت آلمانها بودند و این روحیه در تمام ملل شرق تعمیم داشت و در آنروز آلمانها نفوذ بسیاری در کشورهای شرق بین مردم پیدا کرده بودند ولکن نظم و انضباط ایران هرگونه عملی را که منافی بیطرفی ایران بود جلوگیری میکرد و حکومت بتمام معنی قادر بود که براوضاع تسلط داشته باشد و آرامش را حفظ کند، و خارجیها نیز این موضوع را بخوبی درك کرده بودند ولی منظور آنها با بیطرفی ایران و با وجود رضاشاه در این کشور تامین و براورده نمیشد .

بهمین جهت بود که وجود یکعده آلمانی که در کارخانجات و مؤسسات فنی و اقتصادی کار میکردند و در آن موقع ایران روابط بازرگانی وسیعی با آلمان روی مقتضیات زمان و احتیاجات طرفین پیدا کرده بود بهانه ستون پنجم آلمانی در ایران قرار گرفت و فکر چرچیل نخست وزیر بریتانیا را در این موضوع تقویت نمود و همین بهانه را وسیله پیشرفت منظور قرار دادند ، بعقیدهٔ من اگر این بهانه هم با اخراج آلمانی‌ها گرفته میشد بهانه دیگری دستاویز میشد .

برای اثبات این مطالب بهتر است ما استناد کنیم بنوشتجات اخیر مستر چرچیل. مستر چرچیل نخست وزیر زمان جنك انگلستان که نقش مهمی بازی کرد کتابی از خاطرات خود انتشار داد که در جلد اخیر آن فصلی هم درباره ایران یافت میشود که من خلاصه آن فصل را باستحضار خوانندگان عزیز میرسانم تا بهمه این امور بهتر آگاه شوند و بدانند خواب حمله بایران از چندماه پیش دیده شده بود .

خلاصه فصل مربوط بایران از کتاب خاطرات چرچیل

فصل ششم - ایران و خاور میانه - تابستان و پائیز ۱۹۴۱

برای ما اهمیت فوق‌العاده داشت که از راه ایران خط ارتباطی درجه اول و مهمی با روسیه داشته باشیم تا از یکطرف برای روسیه مهمات و مواد کمکی که فرستادن آنها از راه اقیانوس منجمد شمالی دشوار بود بفرستیم و ازطرف دیگر از لحاظ لشکر کشی و نظامی از ایران استفاده کنیم .

در اینوقت ما متوجه شدیم که هیئت آلمانی که شامل عده زیادی افراد فعال و جدی بود در تهران مشغول کار است و حیثیت آلمان هم در ایران خیلی زیاد بوده

اسکات شورش رشید عالی در عراق و اشغال سوریه ازطرف قوای مشترك انگلیس و فرانسه اجرای نقشه هیتلر را در آسیا غیر ممکن کرده بود بدینجهت ما از موقعیت خود با نهایت خوشوقتی استفاده کردیم برای اینکه از راه ایران با روسیه متصل شویم. وقتی که تصمیم خود را گرفتیم در این باب نظر خود را برای همکاری مشترك بروسیه پیشنهاد کردیم .

روز ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۱ (۲۰ تیر ۱۳۲۰) شورای هیئت وزراء انگلستان از روسای ستاد های مشترك این کشور خواست که موضوع اقدام نظامی برعلیه ایران را مورد مطالعه قرار دهند روز ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر) رؤسای ستادهای زمینی و دریائی و هوائی پاسخ دادند که مطالعه کافی در این باره کرده و عقیده دارند که باید رفتار بسیار جدی و سختی نسبت بایران در پیش گرفت. شب همان روز تلگرافی از لرد ویول نایب‌السلطنه هندوستان بوزیر جنك باین مضمون مخابره شده بود :

فرضیه‌ام که دولت انگلستان در نظر دارد رفتار ملایم و آمیخته با حسن نظری نسبت بدولت ایران پیش گیرد این سیاست بنظر من غیر قابل درک میاید، ما باید هم از تکرار وقایعی نظیر شورش رشید عالی در ایران جلوگیری کنیم و هم از راه ایران با روسها کسب ارتباط مستقیم نمائیم و اگر حکومت فعلی حاضر باین کار نباشد کافی است این حکومت را برداریم و یکی دیگر که سازش داشته باشد جای آن بگذاریم .

بهر حال عقیده من باید شدیدترین فشارهای ممکن را بلافاصله و پیش از آنکه تکلیف جنگ روسیه با آلمان معلوم شود بایران وارد آورد .

رؤسای ستاد ها عقیده داشتند که عملیات نظامی ما در ایران باید بقسمت جنوبی این کشور مخصوصا مراکز نفتی محدود بماند و برای اینکار بنظر آنها یك لشکر کافی بود، روز ۲۲ ژویه (۳۱ تیر) ایدن وزیر امور خارجه بمن نوشت: «البته فشار بایران برای اجرای نظریات خودمان لازم است، اما این فشار وقتی باید صورت گیرد که ما نیروی نظامی کافی داشته باشیم و گرنه ممکن است نتایج نا مطلوبی منتهی شود **تا وقتی که قوای کافی در عراق تمرکز نداده‌ایم نباید با دولت ایران با خشونت حرف زد** . مخصوصا که طبق اطلاعات واصله قوای ایرانی در جنوب و شمال این کشور تمرکز یافته است . البته باید ما اقدام خودمان را تا قبل از تعیین تکلیف روسها در قفقاز بکنیم ؛ برای اینکه آلمانها در صورت پیشرفت در این جبهه بدولت ایران فشار خواهند آورد که چاههای نفت جنوب را اشغال کند و از دست ما بیرون بیاورد»

من (چرچیل) عقیده داشتم که مقدمات حمله بایران باید با دقت بیشتری صورت گیرد ، در نامه‌ای برؤسای ستادهای مشترك نوشتم که : «ممکن است دولت ایران ناگهان کارمندان ما را در شرکت نفت توقیف کرده بعنوان گروگان نگاه دارد یا قوای ایران مراکز نفت و پالایشگاهها را اشغال کرده در صورت حمله ما ویران و منهدم کند ، یا قبایل برعلیه ما وارد جنگ و شورش شوند، بهر حال باید دقت کنید که ما غافلگیر نشویم .»

بر اثر کسب نظریه ما ، مائیسکی نماینده اتحاد جماهیر شوروی بما اطلاع داد که دولت شوروی حاضر است در عمل نظامی بر علیه ایران شرکت جوید بشرط آن که این تهاجم نظامی با کمك انگلستان و مشترکا صورت گیرد . من در تاریخ ۱۹ اوت با این نظر موافقت کردم و از آن پس شروع بجمع آوری قوای لازم در عراق کردیم.

شب سوم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹٤۱) ما آخرین یادداشت خود را بدولت مرکزی ایران فرستادیم و صبح حملات خویش را از سمت دریا و طرف اهواز شروع کردیم ، ایرانی‌ها غافلگیر شدند و مقاومتشان ناچیز بود ، و این کار خیلی سریع ما تمام شد ، زیرا در صورت مقاومت قوای ایران در نقاطی مثل پاطاق برای ما ادامه پیشرفت تا مدت نامحدودی مقدور نبود .

روز ۲۸ اوت قوای ایران پرچم تسلیم بر افراشتند و ما در عملیات خود مجموعا ۲۲ کشته و ٤۲ نفر زخمی داده بودیم .

بدین ترتیب بود که عمل نظامی و ثمربخش حمله بایران صورت گرفت زیرا بنا بضرب المثل لاتین «وقتی که سلاح بمیان میآید زبان قانون بسته میشود»

از آن پس کار ما در ایران دوباره جنبه سیاسی پیدا کرد و من به سر ریدر بولارد دستور دادم که تقاضا های ما را یکی یکی از دولت ایران تامین کند و هر وقت دولت ایران در صدد مخالفت برآمد آنها را از اشغال تهران بدست روس‌ها بترساند.

روز ۱۷ سپتامبر شاه استعفا داد و پسر او که جوان ۲۲ ساله‌ای بود بجایش نشست و با موافقت متفقین و طبق صلاح اندیشی آنها روز ۲۰ سپتامبر پادشاهی خود را اعلام داشت ، پدر او نیز اندکی بعد بسمت تبعیدگاه بسیار راحت و مطبوعی روانه شد و در ژوئیه ۱۹٤٤ در ژوهانسبورگ مرد .»

چگونه ایران غافلگیر شد ؟

ساعت چهار بعد از نیمه شب دوشنبه سوم شهریور ۱۳۲۰ زنگ در خانه نخست وزیر کشیده شد و چند ثانیه طول کشید خبری نشد ، زنگ با شدت بیشتر زده شد ، نوکر آقای منصور در را گشود و در آن دل شب دو هیکل بلند و کوتاه با لباس رسمی دید ، دو اتومبیل بزرگ هم در آن طرف جلوی در دید ، مستخدم چیزی نمی فهمید بالاخره با کمك شوفر اتومبیل باو حالی شد که اینها سفرای روس و انگلیس هستند و کار فوری با آقای نخست وزیر دارند ، مستخدم دوید و در اطاق خواب منصور را کوفت و او را بیدار کرد و مطلب را

گفت ودستور گرفت، در همین موقع اسمیرنوف وبولارد با هم وارد عمارت شده در اطاق کوچکی نخست وزیر را با همان حالت خواب آلود ملاقات کردند و یادداشت مشترک دولتین شوروی و انگلستان را تسلیم نمودند و گفتند در همین موقع در مرزهای شمال و جنوب و غرب ایران قوای روس و انگلیس توسل بقوه نظامی جسته اند.

منصور هاج و واج مانده ، هرگز باور نمیکرد وجود یکمشت متخصص آلمانی در کشور که در کارخانجات دولتی و بنگاههای ملی کار میکنند ودو بار همین مطالب در یادداشتهای دیگر تکرار شده و اطمینان داده شده بود که در تقلیل عده آنها و تفویض کارهای فنی بایرانی ها اقدام خواهد شد باعث چنین ماجرائی شود. تلاش آقای منصور در تکرار همان جوابهای پیش بی فایده بود زیرا کار از کار گذشته و حمله بایران در دل شب شروع شده بود بعلاوه نمایندگان روس و انگلیس پس از تسلیم یادداشت مشترک خود خدا حافظی کرده و رفتند.

نخست وزیر چند لحظه در فکر فرو رفت ، دورنمای موحش این ماجرا در نظرش مجسم گردید و بلافاصله تلفن را برداشت و کاخ سعد آباد را گرفت ، شاه بیدار شده بود ، شاه در این ساعات طبق معمول بیدار میشد اجازه خواست و بیدرنگ سحرگاه شرفیاب شده ماوقع را بیان داشت.

شاه ازاین واقعه ناگهانی غرق بهت و حیرت شده وچند دقیقه میگفته است «این قاعده کجا است که کشوری را غافلگیر کنند و شبیخون زنند ، مقصود چیست ، چه میخواهند ، آنچه را که براستی میخواهند بگویند اقدام مینمائیم چرا حمله میکنند.» درهمان موقع دستگاههای مخابراتی راه افتاده بود، تلفن سعد آباد مرتب زنگ میزد وهر دقیقه خبری را از یک قسمت مرز شمال و جنوب بشاه فقید میداد

اخبار موحش و جانگدازی ازهمه جا میرسید، خبر رسید قدری بعد از نیمه شب ناوهای جنگی انگلیس بساحل خرمشهر نزدیک شده و باشلیک توپ و تفنگ حمله ببندر بردند و ناوهای ایران را سحرگاه ازپای در آوردند وچندتن ملوان وافسر کشته شده. چند دقیقه بعد خبر رسید که سرتیپ بایندر فرمانده نیروی دریائی را کشتند وقوای هندی وانگلیسی پیاده شدند

چند دقیقه بعد خبر بمباران هوائی اهواز رسید، درهمین موقع خبرهای موحشی از شمال، حمله باذربایجان ونقاط مرزی و بمبارانهای هوائی واصل گردید ازینقرار سربازخانه ها هدف قرارداده میشود، قوای روس وانگلیس درشمال وجنوب وغرب بنظامیان ایران حمله می کنند و نظامیان هم مقابله می نمایند. ترس ووحشت همه مردم را فراگرفته وقشون خارجی بسرعت پیشرفت می کند و بسیاری خانواده ها ازشهرها فرار می کنند.

وصول این اخبار هردقیقه شاه فقید را بیشتر متاثر میساخت ، دستور داد سفیر شوروی وانگلستان را احضار کنند، ساعت ۱۱ صبح بود که نمایندگان سیاسی دو کشور مهاجم در کاخ سعد آباد باشاه صحبت می کردند یکساعت ملاقات آنها طول کشید و معلوم شد هیچ نتیجه نداده است

اگرچه ازمذاکرات آنها اطلاعی دردست نیست ولی آنچه استنباط گردید شاه فقید اصرار ورزیده است که دولتین شوروی وانگلستان تقاضاهای خودرا ازدولت ایران بنمایند و وعده داده بود که دستور میدهم همه گونه تسهیلات فراهم آورند ، تاموجبات رضایت خاطر متفقین ازنظر حمل و نقل ادوات جنگی تامین گردد، همچنین افراد آلمانی را خواهیم کاست وهرگونه اطمینان دیگری خواهید داده خواهد شد واین حمله ناگهانی را متروک سازید و قوای خودرا عقب بکشید.

اصرار وتوقع شاه بیفایده بود زیراهمانطوریکه ذکر شد این خواب هولناک برای ایران از چند ماه پیش دیده شده بود. اعلیحضرت فقید تصور میکرد که منظور ازمبادله دو یادداشت سابق و بهانه کردن وجود یکمشت آلمانی مقیم ایران خواستن راه است ازایران وبرای انجام این تقاضای متفقین حاضر بود منتها بلحاظ حفظ بیطرفی ایران مایل بود این تقاضا بااصرار بیشتری بشود واو هم شرایط بهتر خودرا جلوی متفقین بگذارد و تحت اصول صحیح و منظم کشور امر ترانزیت انجام شود.

همین موضوع را بانمایندگان سیاسی روس وانگلیس درمیان گذاشته بود ولی نمیدانست که تصمیم این دو کشور براشغال ایران ومداخله مستقیم خود آنهاست درامر حمل و نقل وکارهای مربوط بآن.

این ملاقات بیش از حد شاه راملول ساخت ومتوجه شد که نقشه ای جز خواستن راه ازدولت ایران که او انجام آنرا برای مرحله آخر گذاشته بود در پس پرده طرح شده واساس ضدیت ومخالفت باخود او است و نمیخواهند بااو کار کنند ووجود او را مزاحم پیشرفت مقاصد خود میدانند.

نخست‌وزیر پس از این ملاقات و یأس شاه از حل مسالمت‌آمیز قضیه مأمور شد ماجرا را آنچه هست در معرض افکار ملت ایران و نمایندگان مجلس بگذارد، بلافاصله برئیس مجلس اطلاع داده شد جلسه فوق‌العاده تشکیل دهند و عصر همانروز درمجلس تمام‌جریان‌را نخست‌وزیر باطلاع نمایندگان رسانید .

ایرادی که در اینجا کاملا وارد میباشد و ناشی از سیستم و رژیم آنروزی حکومت ایران بود استتار مطالب بود که حتی وزراء از مبادله یادداشت ها بی‌خبر بودند ، فقط نخست وزیر و کفیل‌وزارت خارجه ویکی دو نفر دیگر از اعضای دولت (مرحوم آهی و آقای سهیلی) مسبوق شده بودند وحال آنکه اگر یادداشت اولی که بتاریخ ۲۸ تیر (یك ماه وچند روزقبل از حادثه) تسلیم شده بود در معرض افکار عامه گذاشته می شد با اینکه پیش از آن تاریخ انگلیسها تصمیم قطعی گرفته بودند و نایب السلطنه هندوستان شدیدترین وخشونت‌آمیز ترین روش‌را نسبت بدولت ایران توصیه کرده بود معهذا شاید درشیوه عمل دولت بواسطه اظهارنظررجال واشخاص مطلع مؤثر میافتاد وقضیه مورد مشورت واقع میگردید و تدابیری اتخاذ میشد که کار باین وضع نمیکشید لیکن با کمال تاسف موضوع همانطورکه نزد انگلیسها عمداً درپرده استتار ماند وخواستند ایران را غافلگیر کنند در کشور ما هم درپرده استتار ماند هم شاه وهم دولت وهم ملت غافلگیر شدند .

شاه تصمیم بکناره‌گیری گرفت

روز دوم ماجرای شوم (٤ شهریور) آقای منصور برحسب دستور شاه مستعفی گردید تا مذاکرات بامتفقین بوسیله دولت جدیدی شروع گردد ومنجر بترك محاصمه وعقب نشینی قوای روس و انگلیس گردد ، درهمن‌احوال شاه تصمیم گرفت ازکار کناره گیری نماید. وزیران را بسعدآباد خواست ، عصر وزراء حاضر شدند وگفت : « من میدانم‌که منظور از این حمله وتعرض مخالفت باشخص من است ، من مصلحت میدانم که بلحاظ جلوگیری از آشفتگی کشور و خرابی و خسارت و ریختن خون سربازان و مردم بیگناهی که مورد بمباران قرار میگیرند از سلطنت صرف نظر کنم وسلطنت را بولیعهد واگذار نمایم شماها نظر خودتان را بگوئید من بشما مجال میدهم که چند دقیقه مشورت کنید.

شاه از اطاق جلسه خارج شد و وزیران بمشورت پرداختند . اظهارات شاه تاثیر شدیدی در وزیران تولید نموده و دوسه نفر ازآنها اشك ریختند . چند دقیقه بعد به شاه اطلاع داده شد که بجلسه تشریف بیاورند وزیران تصمیم گرفته بودند که شاه‌را ازاین خیال منصرف سازند ، شاه وارد شد وسئوال کرد چه تصمیمی گرفتید ، بعرض میرسانند که مصلحت نیست اعلیحضرت از سلطنت کناره گیری فرمایند زیرا این عمل موجب آشفتگی و بهم ریختگی کشور خواهد شد وخسارات آن بیشتر است ، چند دقیقه گفت وشنید میشود وبالاخره شاه را ازتصمیم کناره گیری منصرف میسازند .

فروغی مأمور تشکیل‌دولت‌شد

سپس صحبت از تشکیل دولت جدید بمیان آمد ، نظرشاه فقید ابتدا این بودکه ازبین‌آقایان‌وزیران یکنفر بنخست وزیری انتخاب گردیده و تشکیل دولت جدید بدهد نظر شاه مرحوم مجید آهی و یا آقای سهیلی بوده است ، مجید آهی و سهیلی هردو پیشنهاد میکنند که مرحوم فروغی از لحاظ موقعیتی که بین مردم دارند مناسب تر خواهد بود شاه این نظر را میپذیرد و بلافاصله آقای انتظام رئیس تشریفات سلطنتی احضار و مأمور میشود که بمنزل آقای فروغی بروند و ایشان را از جانب اعلیحضرت دعوت نموده بکاخ سعدآباد بیاورند .

ساعت ۷ ونیم بعد از ظهر مرحوم فروغی احضار واعلیحضرت فقید میفرمایند موقعیت مهم خطیر امروز کشور اقتضای فداکاری دارد و از شما توقع دارم رشته امور دولت را بدست گیرید وبا تدابیر عاقلانه خود مشکلات راحل کنید . مرحوم فروغی این ماموریت دقیق ومهم آن‌روز را باوجود کسالت مزاج‌پذیرفت وفردای آنروز کابینه جدیدرا تشکیل داده ومشغول کارشد .

قرار بود پایتخت باصفهان انتقال یابد

باوجود اعلام عدم مقابله وترك محاصمه از طرف قشون ایران که ازطرف دولت رسما ابلاغ گردید وبمورد عمل شد و پرچم های سفید ازطرف نظامیان ایران برافراشته شد قوای شوروی و انگلستان همچنان به پیشروی خود ادامه میدادند و در شهرها استقرار مییافتند و بخصوص قوای شوروی بمباران های‌هوائی خود را

ادامه میداد وازاین راه وحشت ونگرانی شدیدی درسراسرکشور تولید شده بود.

درباره متارکه یاعدم متارکه جنگ عقاید ونظریات مختلفی درآن روز وجود داشت . برخی اولین اعلامیه ستاد ارتش را درباره مقابله نظامیان ایران سخت انتقاد نموده و میگفتند چه ضرورت دارد که سربازان ما ازبین بروند وشهرهاخراب شود وبهتراست فوراً متارکه اعلام شود بعضی دیگر معتقد بودندکه نباید دولت ترک مقاومت را اعلام میکرد بلکه حق این بودکه بسربازان وافراد رشید ایرانی اجازه داده میشدازخاک میهن دفاع کنندو نگذارند اجانب پیشروی نمایند.

این نظریات له وعلیه بخصوص بعد ازرفتن اعلیحضرت فقید شدت یافت واکثریت مردم ترک مقاومت را انتقاد کرده واز اوضاع بدگوئی می‌نمودند. حالا پس از گذشتن ۹ سال با انتشار خاطرات مستر چرچیل بخوبی فهمیده میشود که هرگونه مقاومت بی‌اثر وبی فایده بود، فقط ممکن بود پیشروی اجانب را در داخل ایران چندی بتعویق اندازد ولی همین عمل ببهای خون چند هزار جوان ایرانی تمام میشد و خسارات بیشماری نیز بکشور وارد میساخت بعلاوه ماهم متجاوز ومتخاصم شناخته میشدیم و حال آنکه با ترک مقاومت ایران ثابت کرد که قصد جنگ وستیز ندارد و با دول همسایهٔ خود میخواهد حسن مناسبات داشته باشد.

از همه اینها گذشته، مگرقشون ایران با آن تجهیزات ناقص میتوانست در برابر قوای روس و انگلیس ایستادگی نماید. بنابراین توقع آن دسته اشخاص برمقاومت ایران صحیح ومنطقی نبوده چنانچه دیده شد چگونه پادگان‌ها درهم‌ریخته شد وبعضی افسران همینکه باحمله متفقین روبروشدند گریختند.

باری پیشروی قشون روس بطرف تهران فکر انتقال پایتخت ازتهران باصفهان رادرشاه ایجاد کرد ـ هر روز که خبر از نزدیک شدن قوای شوروی بتهران میرسید این نظر درشاه فقید قوت می‌یافت و بالاخره دستور داد که خانواده سلطنتی باصفهان بروند ودرآنجا استقرار یابند تاتصمیمات بعدی گرفته شود.

درنیمه اول شهریور شاه فقید براثر وصول گزارشات زیاد ازپیشروی قوای شوروی درشمال وعدم موافقت نمایندگان انگلستان و شوروی درتعیین مناطق اشغالی مصمم بحرکت از تهران گردید تمام وسایل حرکت فراهم و اتومبیل جلوی کاخ ایستاده بود، در همین موقع مرحوم فروغی و مرحوم آهی و آقای سهیلی وزیر خارجه شرفیاب شدند وتعیین خطوط ومراکزی که قوای شوروی و انگلیس درآن استقرارخواهند یافت وجلوتر نخواهند آمد باطلاع شاه رسانیدند در اینصورت شاه ازتصمیم خودبرتغییر پایتخت منصرف گردید اما اصرار داشت که دولت مذاکره کند و متفقین را قانع سازد عقب نشینی کنندوتوقعات آنها راخوددولت انجام دهد ولی اصرار شاه بیهوده بود زیرا در عین حالی که متفقین زیربار نمیرفتند با خود شاه هم طرفیت داشتند ومایل بودند او برود و درمقام تهدید او بودندکه یکی ازآن عوامل پیشروی قشون روسیه بسمت تهران بود و بهمین جهت بود که شاه با مراجعت خانواده سلطنتی از اصفهان موافقت ننمود.

نقطه ضعف رضا شاه بدست رادیو لندن افتاد

تهدید دیگر حملات وتعرضات شدیدی بودکه از رادیولندن بگوش ملت ایران میرسید و مردم را برعلیه شاه می‌شورانید. رادیو برلن هم ازچندی پیش شروع کرده بود وبنابراین حملات شدیدی از رادیو های خارجی بخصوص رادیو لندن منظم ومرتب ادامه یافت.

بزرگترین نقطه ضعفی که شاه فقید پیدا کرده بود، تملک زیاد او بود که دراین خصوص خیلی حریص شده بود. رضاه شاه در ابتدای سلطنت و اواسط آن این خوی بد را نداشت، از سال پنجم و ششم او را بعنوان آبادکردن املاک باین راه هدایت کردند، این خیانت را درحقیقت چند تن از نزدیکان شاه مرتکب شدند و بعدی آن فقید را تشویق وترغیب وتحریص بخرید املاک و آبادکردن آن نمودند و باندازه‌ای دایرهٔ تملک او وسعت یافت که از هرگونه اجحاف وتعدی نسبت بمالکین ومردم بی اطلاع می‌ماند وکاملا تحت تاثیر این نقطه ضعف خود قرارگرفته بود، زیرا رفته رفته خرید ملک و توسعه دایرهٔ ملکداری عادت ثانوی شاه شده ودراین باره بی‌باکانه جلومیرفت و نواحی بسیاری را در شمال و غرب و شمال شرق ایران مسالک شد و بین مأمورین املاک هم اشخاص جابری بودندکه در این حدود برای آباد کردن املاک شاه بمردم تعدی می‌نمودند وبه آنها فشار وارد میساختند وهمین مسئله نیز برعدم رضایت عمومی کمک میکرد.

شاه از فکر اولیه خود منحرف شده بود. اعلیحضرت فقید در اوایل سلطنت متوجه شده بود که مالکین بالایق در این کشور بیشمار هستند که درصدد اصلاح و آبادی املاک خود نیستند، سطح زراعت را ترقی نمی دهند و وضع مردم را بهبود نمی بخشند. مکرر از بی غرضی ملاکین شکوه می نمود و از آنها انتقاد میکرد آنچه را که روز اول شاه را قانع ساخت و مصمم گردید ملکداری کند همین بود که املاک مخروب و زمین های مستعدی که بی حاصل مانده است دایر و آباد کند و در حقیقت نمونه و مدل ملاکین دیگر قرار گیرد، در این رشته انصافاً قدمهای مفیدی برداشت، تمام املاکی که صاحب و مالک گردید آباد نمود، ساختمان های بزرگی ایجاد نمود مهمانخانه های عالی برای مزید آبروی مملکت نزد خارجی ها ساخت، خیابانها و مغازه ها در شهرها و خانه های روستائی بسیار در دهات بنا نمود مریضخانه و مدرسه و پل و راه ساخت، سطح کشت و زرع را بالا برد، محصول شمال را بچند برابر ترقی داد کشت نباتات مفید را معمول ساخت پنبه کاری توتونکاری تربیت ابریشم را وسعت داد، کارخانجات سودمندی بعنوان مدل و نمونه برای صاحبان سرمایه و بازرگانان دایر نمود که در این قسمت یعنی توسعه صنایع کاملا صادق بود زیرا از روی حقیقت و درستی سرمایه داران کشور را تشویق و تایید بتاسیس کارخانه و توسعه صنایع ایران نمود چنانچه تمام کارخانجات فعلی کشور پس از دایر کردن کارخانه نخ ریسی و بافندگی شاهی بر اثر تشویق رضا شاه بوجود آمد، اما با تمام این احوال شاه در این باره دوچار اشتباه شده بود زیرا برای افزودن یك مزرعه باملاك خود هرگونه پیشنهاد متملقین و مامورین جاه خود را می پذیرفت که در بسیاری از آنها اجحاف و خبط و خطا اعمال میکردند.

این متملقین در بعضی موارد بشاه پیشنهاد میکردند که فلان مالك که همسایه ملك اعلیحضرت میباشد بطیب خاطر حاضر است ملك خود را بشاهنشاه واگذار نماید که از صورت ویرانگی خارج شده آباد گردد با اینکه این دروغ فاحش را برای جلب توجه شاه میگفتند معهذا شاه که تحت تاثیر این ضعف بزرگ خاصا برابدا از واقع شده بود زیر بار میرفت و دستور میداد مالك ان را راضی کنند و خریداری نمایند ولی معلوم است آن متملقین چگونه معامله را صورت میدادند و بدبختها نمیدانستند از این راه چه ضربت مهلکی بر او و بر مملکت وارد خواهند ساخت.

***

آری، نقطه ضعف رضاشاه بدست رادیو لندن افتاد، آنرا گرفت و هر شب ساعتی پیرامون آن حرف میزد، حرفهائی که بدل می نشست، در افکار مردم رخنه و نفوذ میکرد، معایب و مضار ملکداری رضاشاه را میگفت، ساختمانهای بزرگ و عالی مهمانخانه ها را تشریح می نمود، از کاخ ها و عمارت هائی که در تمام طول شمال ساخته شده بود صحبت میکرد و در دنبال ان از گرسنگی و فقر و بدبختی و بیماری مردم بحث میکرد و آنرا نتیجه سوء رفتار رضاشاه و ملکداری و ثروتمندی او میدانست.

این سخن پراکنی ها تاثیر عمیقی در مردم بخشید، زیرا حرفهای رادیو لندن با حقیقت وفق میکرد و در مقابل این حملات هم هیچگونه دفاعی نمیشد، یعنی فقط معایب زیر ذره بین گذاشته میشد و بزرگ میگردید بدون اینکه کمترین ذکری از محسنات دیگر و خدماتی که رضاشاه در راه ترقی و تکامل کشور انجام داده بشود علاوه این تبلیغات شدید مستقیما از ناحیه انگلیسها میشد و کاملا حکایت میکرد از اینکه آنها میخواهند رضاشاه را از تخت سلطنت بردارند و چون آشفتگی بسیاری در همین اوان در کشور حکمفرما بود و همهٔ مردم مصیبت وارده بر کشور را نتیجه سوء سیاست رضاشاه میدانستند و رژیم حکومت هم طوری بود که صدا از کسی در نمیامد، این روزه ای که بوسیله رادیو لندن بازشده بود متاسفانه مورد استقبال بسیاری از مردم واقع گردید و عده کثیری را تحت تاثیر قرار داد باین جهت کمترین عکس العمل در برابر این همه تعرضات و حملات نسبت بشاه ایران که مقام عزیز و محترمی در بین ملت دارد نشان داده نشد و همین سستی و بیحالی و عدم تظاهر مردم بموافقت با رضاشاه بود که انگلیسها را در پیشرفت و انجام نظریات خود، مداخله در کارهای مملکت و تبعید شاه ایران جسور و گستاخ ساخت

اگر آن روز در مجلس شورایملی از طرف نمایندگانی که با موافقت خود او انتخاب شده بودند تظاهراتی میشد یا در بین جمعیت ها و دسته ها و طبقاتی از مردم تظاهراتی بر ضد رادیو لندن صورت میگرفت، هرگز انگلیسها جرئت نمیکردند علیرغم تمایلات ملت چنین رفتاری را با کشور ایران معمول دارند.

متاسفانه نه فقط در مجلس صدائی بنفع رضاشاه و بر علیه رفتار انگلیس و اظهارات رادیو لندن بلند نشد بلکه بمحض اینکه رضاشاه استعفا داد و از تهران خارج شد، همان روز زمزمه مخالفت اغاز گردید و این مخالفت نمایندگان مجلس بیش از هر چیز، بآشفتگی افکار و گسیختن رشته امور مملکت کمك کرد و زیان بسیاری از رفتار مجلسیان که قصد عوام فریبی و جلب توجه مردم را داشته بودند متوجه ملت ایران گردید.

ممکن است گفته شود چرا مطبوعات سهم خود را اداء نکردند و چرا روزنامه اطلاعات در آن روز تظاهری برعلیه رادیو لندن نکرد.

این ایراد درصورتی وارد است که جرائد آزاد بودند راست است که مخالفت با رادیو لندن بمصلحت شاه و محتاج بسانسور نبود ولی همین موضوع ساده هم بدون کسب دستور او اجازه انتشار داده نمیشد، بعلاوه در آنموقع هرچه در مطبوعات منتشر میشد، چون همه میدانستند که سانسور شدیدی حکمفرما است، آن دفاع را عقیده روزنامه تلقی نمیکردند و تاثیر نداشت و وقتی هم که سانسور برداشته شد و رئیس اداره تبلیغات، مدیران جراید را طبق دستور شاه مسبوق ساخت که دیگر سانسور وجود ندارد، اولین مقاله اطلاعات تحت عنوان «تاثر مردم» باعث رنجش سخت متفقین گردید و آن را از ناحیه شاه فقید دانستند و درنتیجه رضاشاه دستور داد روزنامه را توقیف کنند و مادام که شاه فقید در تهران بود اطلاعات هم در توقیف ماند، بعلاوه مطبوعات هم دل خوشی نداشتند.

اما این مشکلات برای مجلس وجود نداشت، نمایندگان مجلس مصونیت داشتند و علاوه براینکه چند ماه از دوره وکالت آنها باقی مانده بود، همه آنها برای دوره بعد بسمت نمایندگی انتخاب شده بودند و در اینموقع نه تنها هیچگونه تظاهری بنفع تثبیت اوضاع نشان ندادند بلکه معکوس آنرا عمل کردند.

البته همه وکلا اینطور نبودند، چنانچه در جلسه خصوصی همانموقع تظاهراتی برعلیه اظهارات خارجی‌ها شد لکن درمقابل حملات و تعرضات جمعی از کسانی که جدا رویه مخالفت پیش گرفته بودند آن احساسات و تظاهرات تحلیل رفت ونشد که فکر مزبور توسعه یافته و در جلسات علنی ظاهر گردد، بعلاوه همه مات و مبهوت بر اوضاع می‌نگریستند و متحیر بودند که عاقبت مملکت در این اشغال چه خواهد شد؟

مخفی نماند که در آن روز بیشتر زعما و متصدیان امور هم تحت تاثیر قرار گرفته بودند، چه بسیار از نزدیکان خود اعلیحضرت فقید و اعضای دولت و رجال و وکلاء و طبقات ممتاز مایل بودند و صریحا اظهار نظر می‌کردند که اگر رضا شاه تخت سلطنت را بنفع فرزند خود ترک گوید و رژیم حکومت تغییر کند بهتر است و اوضاع عمومی مملکت بهبودی خواهد یافت

اگر بگویم که خود من نیز از این تغییر باطنا خوشنود بودم راه اغراق نپیموده‌ام. این خوشنودی نه فقط برای این بود که سانسور و مشکلات بزرگ از پیش پای مطبوعات برداشته میشود و راه پیشرفت باز میگردد و عقاید و افکار مادر آینده ارزش خواهد یافت و موقعیت ما چند برابر میگردد اینها البته خوشحالی داشت ولی توجه من هم مثل خیلی از ساکنین این کشور معطوف اوضاع عمومی بود و خیال میکردم که وقتی آزادی کامل در کشور حکمفرما گردید، مردم بهتر و بیشتر در زندگی موفق و کامیاب خواهند شد و مملکت به ترقیات بزرگتری نائل میگردد و غافل از اینکه هر کدام تیشه‌ای برخواهیم داشت و بریشه هستی یکدیگر فرود خواهیم آورد و بدست خود مملکت را آشفته و اوضاع را بدتر خواهیم کرد.

رضا شاه تهران را ترک کرد

پس رضاشاه مورد تهدید سخت متفقین قرار گرفت و طبق گفته چرچیل که برای پیشرفت منظور خود دولت را با پیشروی قشون شوروی می‌ترساندند، از یکطرف با حملات شدید خود در رادیو لندن شاه را در افکار عمومی خفیف و تضعیف نمودند و از طرفی بروسها می‌گفتند قشون خودشان را بطرف تهران پیش بیاورند و شاه را مورد تهدید قرار دهند که استعفا داده تهران را ترک کند، شاه روزهای اول مقاومت نشان میداد و باطمینان تحدید خطوط اشغالی متفقین بود ولی تهدید متفقین روز بروز شدت می‌یافت و برخلاف قول و قرار و مکاتبات خود رفتار می‌کردند و کاملا ظاهر میساختند که شاه باید کنار برود.

صبح روز ۲۵ شهریور ۲۰ در دنبال اخبار شب قبل و حرکت قوای شوروی بسمت تهران بشاه اطلاع دادند که قوای روس از کرج بسمت پایتخت سرازیر شده است و قصد این پیشروی هم معلوم میباشد. شاه دیگر چاره‌ای جز ترک پایتخت و کناره‌گیری ندید. مرحوم فروغی را خواست و مطلب را با او درمیان گذاشت و گفت:

«من از روز اول میدانستم که مقصود مخالفت با من است ولی دولت مصلحت ندید استعفا دهم امروز ناچار باید کناره‌گیری کنم شما متن استعفا و تفویض سلطنت را بولیعهد تهیه نمائید امضاء کنم و باید همین امروز باصفهان حرکت نمایم» مرحوم فروغی که از تمام جزئیات و جریان امر مسبوق بود متن استعفا را بخط خود تنظیم کرد که بخواند و پس از تصویب پاک‌نویس نماید ولی بقدری شاه مشوش و مضطرب بود که گفت آنچه نوشته‌اید خوب است بیاورید امضاء کنم و مرحوم فروغی همان را دوباره پاک‌نویس نموده بامضای شاه رساند. سپس فرزند خود اعلیحضرت همایونی را در بغل گرفت و با چشمهای اشک‌آلود خود بوسید و بمرحوم فروغی توصیه نمود که در اصلاح امور شاه را کمک و همراهی کند. شاه مستعفی جلوی قصر مرمر سوار اتومبیل شد و تهران را برای همیشه ترک کرد.

مرحوم فروغی نقش مهمی بازی کرد

این تغییر سلطنت و انجام تشریفات و مراسم آن در محیط متشنج و پریشانی افکار مردم و ازهم گسیختگی کارها امر ساده‌ای نبود، حسن تدبیر، حسن نیت و علاقمندی بکشور و علاوه بر اینها شخصیتی چون فروغی لازم بود که بتواند آن مشکل بزرگ راحل کند، مخالفت با رضا شاه فقید هرروز زیاد تر میشد. بغض‌ها و کینه‌ها ظاهر میگردید، هیاهو و جنجال زیادی راه افتاده بود که این اوضاع آشفته بفکر خارجی‌ها کمک میکرد و نقشه آنها را سریعتر انجام میداد، کم کم زمزمه هائی از ناحیهٔ خارجی‌ها شنیده میشد که تبعید رضاشاه امر عادی تلقی میگردید زیرا نسبت بجانشین رضاشاه هم عقایدی از طرف آنها ابراز میشد

لکن مرحوم فروغی و دولت ایشان که همه با ایمان کامل انجام وظیفه میکردند رل بزرگی در مقاومت با این افکار و عقاید ابراز داشتند ولی درباره مسافرت شاه ازایران، ناچار تسلیم گردیدند. محل این تبعیدگاه ابتدا، امریکای جنوبی (شیلی) در نظر گرفته شده بود و شاه فقید اطمینان داشت که اورا بامریکای جنوبی خواهند برد و در آنجا زندگی میکند ولی وقتی در کشتی باو خبردادند که تبعیدگاه او جزیره موریس است بی اندازه متاثر و پریشان گردید.

مرحوم فروغی پس از حرکت شاه فقید بلافاصله دستور تشکیل جلسه فوق العاده مجلس را داد که آئین سوگند و تشریفات رسمی تغییر سلطنت انجام بگیرد ولی علاوه بر اینکه جواب قبول دعوت دولت ایران برای حضور در مجلس ازطرف سفارت انگلیس و شوروی نرسید حضور خودرا درمراسم مزبور موکول بکسب دستور جدید نموده بودند و بهمین جهت دولت شرکت خارجیان را درمراسم سوگند متوقف ساخت تحریکاتی هم در بین مردم ظاهر گردید که اجرای امررا مشکل می‌ساخت، این پیش‌آمد با نگرانی شدیدی که مردم را فراگرفته بود بر ابهام اوضاع می‌افزود، روز پیش از انجام مراسم و هماروز صبح عده زیادی ازمردم تهران را ترك کرده و بسوی نقاط جنوبی فرار میکردند و چنین شایع شده بود که متفقین نخواهند گذاشت مراسم تغییر سلطنت انجام گیرد.

صبح آن روز وحشت و نگرانی حتی بین نمایندگان مجلس هم پیدا شده بود، تلفن ها بوکلا غیر مستقیم میشد که اگر امروز بمجلس حاضر شوید خون شما ریخته خواهد شد، مجلس بمباران میشود ترور خواهید شد و بقدری تحریك زیاد بود که درداخل مجلس و بین وکلا هم تاثیر کرده بود و چندنفر از وکلای مخالف نمیخواستند بحدنصاب مجلس تشکیل شود. تبلیغ بد میکردند و حرفهای خارج را تکرار و حتی ظهور یك هواپیمارا درآسمان تهران وسیله بمباران ذکر کردند باهمه این احوال هیئت دولت وبخصوص مرحوم فروغی ایستادگی مینمود وتمام این تبلیغات راخنثی میساخت و نمایندگان هم در این مورد با افکار و نیات مرحوم فروغی برای تمشیت اوضاع آشفته آنروز کوشش می‌نمودند وخوشبختانه موفقیت یافتند ومراسم سوگند و تشریفات تغییر سلطنت درمحیط امن و راحتی انجام گرفت واحساسات بی شائبه‌ای که هنگام بازگشت اعلیحضرت ازمجلس درخیابانها بعمل آمد و جمعیت زیادی که جلوی کاخ سلطنتی ازدحام کرد بتمام صداهای مخالف جواب داد و شایعات آن چندروز را ازبین برد وبرتثبیت اوضاع کمك کرد و بهمین جهت فراریان بتدریج بتهران باز گشتند.

این مطلب هم نا گفته نماند که جریان سوم تابیست وپنجم شهریور وشایعه حرکت شاه ازتهران و تغییر پایتخت موجب فرار بسیاری ازاشخاص گردید که دربین آنها رجال وصاحب منصبان ارشد ارتش زیاد بودند ولی وکلای مجلس باستثنای دوسه نفر بقیه درتهران باقی ماندند وازمطبوعات هم هیچکس خارج نشد و بیش ازهرچیز فرار افسران باخانواده‌های خود ازتهران بر تشنج اوضاع افزود.

دوافسر عالیمقام خلع درجه وزندانی شدند

آشفتگی اوضاع بسعدآباد هم سرایت کرده بود باغ و گلکاری زیبای سعدآباد نیز از آفات بهم ریختگی بی نصیب نمانده و نسبت بآن سرپرستی نمیشد، خیابانهائی که یك برگ درخت در آن راه نمی‌یافت اینك پراز برگهای خزان درختان شده و گلها هرروز نسبت بروز پیش پژمرده تر میشوند و منظره عمومی باغ باصفای سعدآباد کاملا ازتغییر اوضاع ناگهانی حکایت میکند.

دریکی ازهمین روزهای شوم، شاه باولیعهد خود دریکی از خیابان های سعدآباد قدم میزد وراز ونیاز

میکرد وافسرده ومتاثر بنظر میرسید، پیش‌آمدی اوراسخت برآشفت وآن گزارشی بودکه ازجانب شورای عالی جنك بعرض میرسید.

افسران عالیرتبه ارتش که عضویت شورای عالی جنك رادا شتندصبح آن روزجلسه ای تشکیل داده ولایحه ای را امضاء کرده بودند که طبق آن خدمت نظام وظیفه در کشور موقوف گردد وبتدریج افراد مرخص شوند وبرای آینده قشون داوطلب گرفته شود، این پیشنهاد درحقیقت انحلال ارتش ایران بود وزحمات چندساله رضاشاه رادر برقراری نظام وظیفه درایران بهدرمیبرد. شاه دستور دادامضاء کنندگان پیشنهاد بسعدآباد احضار شوند وهمین که همه جمع شدند، شاه درحالی که ولیعهد نیزهمراه او بود بافسران نزدیك شد وپرسید علت این پیشنهاد چه بود وبرای چه آن را امضاء کرده اید، افسران از چگونگی برخورد شاه فقط وشدت خشم او برخود لرزیدند ونتوانستند جواب قانع کننده بدهند

هریك زیرلب چیزی گفتند وبرعصبانیت او بیشتر افزوده شد بالاخره شاه بنای خشونت را گذاشت وحتی دوسه نفر آنها ازضربهٔ شمشیر بی نصیب نماندند، کار بالا گرفت، یکی از افسران گفت والاحضرت چنین اظهار نظری فرمودند شاه بیشتر عصبانی شد ورو بپیشخدمت فریاد زد هفت تیر بیاورید، وحشت واضطراب سراپای همه را فرا گرفت ولرزه براندام شش هفت تن افسر عالیرتبه ارتش افتاد و کسی نمیدانست که اگر هفت تیر برسد چه کسی هدف قرارخواهد گرفت، شاه مکرر میگفت خیانت، خیانت.

این پیش آمد درست بدنبال مرخص کردن سربازان لشکر های پایتخت بودکه با وضع تاسف آوری چند هزار سرباز را از سربازخانه ها بی پول و گرسنه خارج وآواره شهر وبیابانها کرده بودند، همان شب که سربازها مرخص شده وباوضع حزن انگیزی در خیابانها وکوچه های تهران سرگردان بودند ولوله عجیبی درشهر افتاد، نگرانی و اضطراب شدیدی درمردم تولید گردید وهمان شب بودکه عده بیشماری ازتهران فرار کردند وسربازان گرسنه وبدبخت هم روبدهات وشهرهای خود پیاده و گرسنه روان گردیدند، فردای آن روز بودکه شاه ازقضیه مستحضر گردید متاثر شد وبلافاصله دستور جمع آوری افراد را صادر کرد واتومبیلها وموتوسیکلتها درشهرها وجاده های خارج براه افتاد وعده زیادی ازسربازان آواره شده را جمع آوری وبسربازخانها برگرداندند

این واقعه دلخراش بتمام معنی حکایت از کمك وسریع درهم ریختن اوضاع میکرد والا چگونه ممکن بود چندهزار سرباز وظیفه رالخت و گرسنه ازسربازخانها خارج کنند وجیره ومواجب آنها راحیف ومیل نمایند، بعلاوه صدور چنین امریه ای را که کسی زیربار آن نمیرفت از مسائلی بودکه شاه فقید را سخت ظنین ساخته بود. از اینها گذشته گزارشاتی همان دو روزاول حادثه ازطرف افسران ستادوشورای جنك تقدیم شاه شده واظهارعقیده کرده بودند که نمیتوان هیچگونه مقاومتی باقوای مهاجم کرد وترك مقاومت وتسلیم راپیشنهاد نموده بودند واستقرار قوا را در چند کیلومتری پایتخت برای حفاظت شهراز هجوم قشون اجانب که بشکل نگین شهررا نگاهداری کنند امری بیهوده دانسته وباکمال تاسف نتوانستند یا نخواستند بچندهزار سرباز درچند کیلومتری تهران خوراك برسانند!

این جریانات درفکر شاه دخیله میداد وهرثانیه برخشم او می افزود تاجائی که بابی صبری انتظار رسیدن هفت تیررا میکشید، امابیش آمدی رشتهٔ فکر شاه را مشوش تر وبدتر کردوآن گزارشی بود که تلگرافچی قصرسعدآباد حضورشاه تقدیم نمود وآن گزارش حاکی از عبورقشون شوروی ازینگی امام راه قزوین بسمت تهران بود، دراینموقع حالت شاه تغییر کرد وگویا انحرافی درفکرش پیداشد جلوی سرلشکر احمد نخجوان کفیل وزارت جنك وسرتیپ ریاضی آمدو بافشار دست درجات آنهاراازروی شانه ولباسشان پاره کرد ودستور داد آن دونفررا توقیف کنند وبدون اینکه دیگر حرفی بزند راه خودرا پیش گرفت وازیکی ازخیابانهای سعدآباد عبور کرد ورفت، افسران دیگر نفسی براحت کشیدند وباعجله بشهر باز گشتند.

آقای سرلشکر نخجوان ومرحوم سرتیپ ریاضی تاروزبعد ازاستعفای شاه وحرکت او از پایتخت زندانی بودند وپس ازآن آزاد وشروع بکار نموده اند.

مجلس می توانست بر اوضاع آشفته مسلط شود ولی ...

پس از تغییر سلطنت ، قدرت بدست مجلس شورای ملی افتاد ، مجلس طبق قانون اساسی حاکم براوضاع گردید . امامنتخبین رضاشاه فقید که تا آن روز بی‌صدا و آرام بوظیفه قانونگزاری خود عمل میکردند و در کار های اجرائی کشور کوچکترین دخالتی نداشتند ناگهان وظیفه سنگین خودرا در نگاهداری اوضاع عمومی کشور فراموش کرده بدنبال کسب وجاهت ملی وامیال واغراض شخصی افتادند!

آنروز بازار ناسزا و بدگوئی نسبت باعلیحضرت فقید رواج یافته بود ، روزنامه‌ها مسابقه گذاشته و مجلس هم میخواست گوی سبقت را برباید و باین وسیله نمایندگان در دل مردم برای انتخاب آیندهٔ خودجای گیرند وچون مردم از اوضاع عصبانی بودند و کینه ها نیز ظاهر شده بود و کلای ملت هم همان راه را سیر میکردند و گفتار و کردار خود را با افکار عمومی که در منتهای تشنج و آشفتگی بود وفق میدادند ، عوام فریبی رایج شد و در پس این عوام فریبی وکلای مجلس پس از شش دوره تقنینیه که اوضاع واحوال مملکت یک نهج سیر میکرد و قانون گذاران فقط وظیفه قانونگزاری خود را انجام میدادند اینك خودرا مختارمطلق دانسته وحکومت را در اختیار داشتند و میخواستند حکومت کنند ، حساب خورده هسا پیش کشیده شد، دوستی ها ودشمنی‌ها عرض وجود نمود ، رسیدن بمقام وزارت و گرفتن پستهای مهم وحساس برای دوستان وخویشان و تحصیل رتبه و اضافه حقوق برای رفقا که درزمان رضاشاه کسی جرئت نداشت دم بزند مورد توجه یکعده از نمایندگان واقع شد ودر نتیجه مجلس از وظیفه اصلی خود بکلی دور افتاد و میدان ومرکزی برای کمك بهرج ومرج وتفرقه وتشتت افکارعمومی گردید

خوب بخاطر دارم درآن ایام یکی ازجراید ترکیه مقاله‌ای درباب اوضاع ایران انتشار داد و از اینکه چگونه یك ملتی درظرف چند روز تغییر ماهیت میدهد اظهار تعجب نموده ونوشت : « رضا شاه مردی بود با نفوذ وقدرت که خدماتی انجام داده بود ومورد توجه عموم بخصوص عناصری که از نزدیك با او همکاری می‌کردند واقع بود چطورشد درظرف چند روز تمام آن کارها فراموش شد وکسی که چند سال زمامدار کشوری بوده و خدماتی انجام داده و باید مورد احترام باشد اینطور معرض حمله وناسزا قرار میگیرد و وضع رژیم مشابه ایران ترکیه را مثال زده بود که پس ازفوت آتاتورك بانی آن کشور کسه همچنان دارای نفوذ و قدرت و اختیار مطلق بود ملت ترك وحتی آنهائی که ازآن وضع ناراضی بودند احترامات خود را نسبت به پیشوای ترك مرعی داشتند وهیچگونه انحرافی حاصل نشد وخط مشی او باوجود اینکه با عصمت اینونو درچند سال اخیرسازش خوب نداشت معهذا ازطرف او ومجلس ملی تعقیب میشود - اکنون پیشوایان و متصدیان امور ایران بجای این که پیش‌آمد اخیر را بسا تاثر و اندوه تلقی کنند نسبت بهمان کسی که تـا دیروز لب بتحسین وتمجید میگشودند (اشاره بمجلس شورای ملی) اکنون اورا درچنین روزگاری سخت وناگوار تقبیح میکنند !»

خلاصه ، مجلس میتوانست این تغییر حکومت را با خونسردی تحمل کند ، خوبی های حکومت رضا شاه را نگاهدارد و بدی ها را دور بریزد وبالاخره مشی اصلاح‌طلبانهٔ اورا پیروی کند وبرای حفظ امنیت وآرامش کشور که شاهکار شاه فقید بود کوشش نماید نه اینکه خود بپاره کردن رشته های امنیت کشور کمك کند ، اولین قدمی که باسرعت مجلس شورای ملی تحت تاثیر عوام فریبی برداشت آزاد کردن زندانیان بود کـه بی مطالعه انجام گرفت . آنقدر دولت را تحت مضیقه وفشار قرار دادند که دو روز بعد از رفتن رضا شاه ناچار شدند در زندان را بازکرده وآنهارا آزاد کنند بین زندانیان سیاسی یکعده دزد و شرور و غارتگر وقاتل هم بودند که آنها نیز مرخص شدند وبجان مردم افتادند و امنیت را درهمه جا متزلزل ساختند .

بدیهی است وقتی امنیت متزلزل شد همه چیز در دنبال آن ازبین میرود ، چیزی نگذشت که تاثیر این عوام فریبی‌ها وتحقیر وتخفیف حکومت سابق وحکومت آن روز درهمه‌جا نمایان گردید ، دربسیاری ازنقاطمردم آزادی را که در مجلس عنوان میشد تعدی و تجاوز و شرارت فرض کرده وهر کس زور داشت بظلم و تعدی پرداخت . هر کس فکر شرارت داشت بچاقو کشی وآدم کشی وسرقت پرداخت ، درو پنجره عمارت ها وساختمان هائی که درشمال در املاك کار شده بود غارت گردید ، چیزی نمانده بود که سیمهای تلگراف وریلهای راه‌آهن را هم مردم برچینند و اسفالت خیابانها را خراب کنند و مجسمه های شاه فقید را واژگون سازند .

این وقایع تاثرآور ، نتایج روشن و اثرات بارز مرکز قدرت مملکت بود که بجای تثبیت و تحکیم اوضاع برخرابی و شوریدگی کمک میکرد و نطقهای مضریکه‌ده از عوام فریبان هرروز بر تجری مردم میافزود ونمایندگان دیگر مجلس که اکثریت‌داشتند وباانده و تاثر نگران این وضع بودند از ترس فحش وهتاکی جرئت دفاع نداشتند واگر کسی مثل آقای دهستانی در آن بحبوحه تشنج حرفی میزد ومثلا میگفت بعدها خواهید دانست که آن مرد چه بود وچه کرد وباید چراغ بردارید وعقب او بگردید اورا چنان تخطئه میکردند و درروزنامه‌ها مسخره مینمودند و باو می تاختند تادیگر کسی جرئت نکند در مقام دفاع برآید .

اطلاعات چه نقشی را انجام داد ؟

دربین جراید آن روز تنها روزنامه اطلاعات بود که باجرئت وجسارت مدافع اوضاع سابق‌شناخته میشد . یعنی چون ساکت بود وفقط وقایع جاری را منتشر میکرد واظهار نظر روی مسائل روز می نمود و نمیگذشت ، کاری نداشت همین سکوت را دلیل بر طرفداری از اوضاع سابق‌میدانستند درآن‌روز پیدایش‌این‌فکر صحیح بود زیرا این رفتار اطلاعات علیرغم منافع روزنامه نگاری خود بود ، چه ، همانطور که دررژیم گذشته وکیل مجلس عنوانی جز همان وکالت واحترامی جز در آن حدود نداشت ودر دوره بعد ازرضاشاه، وکیل‌مجلس خودمختاروديكتاتور کوچکی شده‌بود، روزنامه نویس هم اعتبار وموقعیتش بعدازرضاشاه چندبرابرشده و رکن چهارم مشروطیت بشمارمیرفت.

منافع روز نامه بیشتر ، موقعیت ان مهتر، نفوذآن چند مرتبه بالاتر دراین‌صورت چرا روز نامه اطلاعات از گذشته چیزی نمیگوید واز شاه سابق بدگوئی نمیکند ومشی خودرا همچنان تعقیب می‌نماید ، پس‌در اینکار منافعی دارد.

این جریان چنین وانمود میکرد که اطلاعات بستگی بادربار دارد ، گفتند و نوشتند که اطلاعات ازشاه سابق کمک مالی میگرفت و ازشاه فعلی هم‌کمک‌میگیرد، این شایعات روزبروز شدت می‌یافت‌وماکارکنان اطلاعات این‌حرفهارابگوش می‌شنیدیم و بچشم میخواندیم‌لکن درجریان انتشار اطلاعات کوچکترین‌انحرافی حاصل نمی‌ساختیم ، درنتیجه بسیاری ازمردم‌بستگی این اداره‌را بادربار حتمی و قطعی فرض میکردند وحملات‌وتعرضات روزنامه های مخالف نسبت باطلاعات اوج میگرفت ، کار ما بجائی رسید که علاوه برباران مراسله‌تهدیدآمیز وتلفن‌های خشن و هتاکی از چند نقطه نیز اطلاع رسید، که جمعی از مردم روزنامه را اتش میزنند و عصبانی هستندکه چرا اطلاعات تغییر روش نمیدهد ومطالبی نظیر سایر جراید انتشار نمی دهد ، باز هم بسرما مؤثر واقع نگردید.

میدانید چرا ؟ برای چه ما تمام این اتهامات را برخود هموار میکردیم ، فحش‌ها وناسزاهاراجواب نمیدادیم و مشی خود را تحت تاثیر اوضاع واحوال آن روز عوض نمیکردیم ؟ برای اینکه ما متوجه شدیم که منفعت مملکت در هرج ومرج نیست ومانبایدبرای حفظ منافع‌ونیل‌باغراض وامیال شخصی خود مصلحت‌جامعه را زیر پا گذارده بر تشنج و غلیان احساسات که نفع آن مستقیما عاید خارجی‌ها میشد کمک کنیم ، ما بخوبی میدانستیم که از این آتش افروخته ، خارجی ها استفاده می‌برند ، از آمد ورفت سریع دولت ها ، تضعیف و تخفیف حکومتها آنها لذت می‌برند . هرچه اوضاع مغشوشتر باشد برای آنها بهتر ، زیرا آنان تسلط خودرا بوسیله تمرکز قشون در نقاط اشغالی داشتند و مشغول کار خود بودند ونمی‌خواستند حکومت قوی وپا برجائی روی‌کار باشد که حق‌وحساب گیردودرفکرحفظ منافع ملی‌ایران باشد .

اما چندی نگذشت خارجی‌ها مخصوص انگلیس‌ها دریافتند که این وضع آشفته مضرات سیاسی‌دیگری دربردارد ولی دیر باین فکر افتادند ، کار ازکار گذشته بود ، موقعی بود که رشته‌ها از هم‌دررفته بود، افکار طوری منقلب شده بود که دیگر نمیشد تمرکزی بآن داد . بدبینی مخصوص نسبت بانگلیسها شدت یافته بود و از آن ببعد هرچه بجستجوی حکومت مقتدری که رشته‌ها را دردست گیرد میرفتند نائل نمیشدند زیرا آن‌قدرت فرضی در میان تشنج و غلیان افکار تحلیل میرفت و قوی‌ترین افراد هم دیگر قادر نبود جلوی آشفتگی آنروز را بگیرد .

یاری ، متهم می‌توانستم در آن روز همرنگ جماعت شوم وامروز هم همرنگ جماعت باشم چنانچه صدی هشتاد از کسانی که امروز هم براین ملت حکمفرمائی میکنند ، چه در دستگاه دولت ، چه در مجلس و چه در مطبوعات همانهائی هستند که پس از رضاشاه باجماعت همرنگ وهمصدا گردیده برای حفظ موقعیت خود بابدگوئی و اتهام نسبت به رضاشاه ودستگاه سابق که خود عضو وابسته و پیوسته آن بودند در تخریب اوضاع می کوشیدند وافکار مردم را بیشتر تهییج کرده ومنقلب ساخته ومملکت رابه این روز سیاه نشانیدند و همینکه بادی وزید ومردم زجر وزحمت دموکراسی قلابی یعنی هرج ومرج را چشیدند فهمیدند رضاشاه مرد خدمتگذاری برای این کشور بوده واگر املاکی هم بزور بدست آورد بیشتر از ملاکین بزرک بود وباز برای مملکت آباد کرد ودر مملکت باقی گذارد ودر هرصورت طمع ملکداری او دربرابر خدماتش ناچیز بود وکفهٔ اعمال حسنهٔ او برسیئاتش می چربید وحال آنکه بیشتر حکومت های بعد دراین چندساله جز سیئات ازخود چیزی باقی نگذاشتند وروی‌همرفته اگر برای خواص خوب نبود برای تودهٔ مردم خوب بود. بهمین جهت از تشنج فکری افتادند ووضع خراب زندگی آنها رابخود آورد ونسبت برضاشاه فقید احساساتی پیدا کردند بدیهی است جریان هم نزد این اشخاص عوض شد همه لباسهارا عوض کردند بطوریکه رضاشاه فقید در همان مجلس شورایملی که مورد اتهام وناسزا واقع میشد رضاشاه کبیر نامیده شد!

اطلاعات در انجام وظایف ملی قصور نکرد وبمردم ومملکت خدمت کرد

پس بااین طرز قضاوت عمومی ونبودن قوه تشخیص وتمیز وعدم وجود پرنسیب واصل وقاعده درکار ، چه مانعی داشت که اطلاعات هم در آن روز مشی خود را بمصداق باجماعت قرار دهد و برگذشته بتازد و بتهییج افکار عمومی کمك کند وامروز هم باکمال سهولت در یك محیط فراموشکاری مثل ایران ، لباس نو بپوشد ولی ما علی رغم منافع خود وبرخلاف میل باطنی که دراین تغییر و تحول داشتیم اینکار رانکردیم ، تهمت‌ها وناسزاهارا شنیدیم ودم نزدیم وحتی نگفتیم که در آن روزگار سانسور برقراربود وهرحرفی رانمیشد گفت و هرموضوعی را ممکن نبود برشتهٔ تحریر درآورد وباکمال تاسف ازسکوت مابدخواهان استفاده کردند وباوقاحت وبیشرمی مارا بوقلمون صفت معرفی کردند وگفتند اطلاعات نان را بنرخ روز میخورد از هرطرف باد بیاید باد میدهد وحال آنکه مادر تمام دوره خدمت نامه نگاری خود جز مصلحت مملکت ونفع جامعه راهی نپیموده‌ایم ، ازلغزش هائی که مبتنی برغرض ومنفعت شخصی بوده دور ومبری بوده‌ایم ، ممکن است خبط واشتباهاتی درعالم نامه نگاری مرتکب شده باشیم ولی حقیقت وراستی را پیوسته شعار خود ساخته وازان انحراف نجسته‌ایم اگر برعلیه اوضاع گذشته با دیگران همصدا نشدیم برای این بود که آن راضربه هولناکی بر گسیختگی رشته امور وپاشیده شدن اوضاع وهرج ومرج بیشتری که منافع خارجیان در آن بود تشخیص میدادیم وبعبارت بهتر استقلال کشور را درخطر میدیدیم ، اگرما هم همصدا میشدیم وباعوامل وعناصری که راه خیانت وتجزیه طلبی را پیشه خود ساخته بودند مثل خیلی‌ها کمك میکردیم وآنطور باجرئت وشجاعت وجسارت ودرکف گرفتن جان خود در مقام فداکاری و ازخودگذشتگی و مبارزه ودفاع بر نمی آمدیم شاید وضع کشور دگرگون و لطمهٔ سختی بر استقلال و حاکمیت ملی ایران وارد می آمد .

اما ما را متهم ساختند و گفتند بوقلمون صفت هستید وما نفهمیدیم این صفت بوقلمونی چگونه در مورد ما صدق می کند ؟

زیرا درسال های از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۵ اطلاعات را طرفدار حکومت رضا شاه میدانستند وبراو میتاختند که چرا از آن فقید بدگوئی نمیکنیم وباآنها همصدائی نمی نمائیم مارا جیره خوار دربار سابق و لاحق می دانستند ، گاهی طرفدار انگلیسها و زمانی دست نشانده امریکائی ها و موقعی هم مارا ستون پنجم آلمان ها معرفی کردند ، سیل لیره ودلار را بسوی اطلاعات سرازیر ساختند ، ما رامیلیونر ومیلیاردر ومتعدی ومتجاوز بحقوق ها برخواندند برای اینکه طرفدار رضاشاه هستیم

از سال ۲۵ ببعد بخصوص دراین دوساله اخیر قضیه معکوس شد چون وزش باد تغییر کرد ، رنك ها عوض شد ، رضا شاه موقعیت یافت ، نوع فحش و هتاکی بما هم تغییر کرد ، این بار نوشتند اطلاعات نسبت برضاشاه بدگوئی کرده است ، از شاهپور علیرضا بدنوشته است .

برای صدق گفتار خود در هر دومرتبه که برما تاختند از نطقهای نمایندگان مجلس وازخلال مقالات واخبار چندین سال اطلاعات جملاتی را که سروته آن را عمداً میزدند بیرون آورده دلیل مدعای خود قرار میدادند

ولی بالاخره تکلیف ما را روشن نکردند که ما طرفدار رضا شاه بودیم یا مخالف او وبکدام جرم باید فحش بخوریم چون هردو قسمت را در این دو دوره بمقتضای زمان بما دادند

ما فرض میکنیم همانطور که زمانی قلم بمدح رضا شاه روی کاغذ میگذاشتیم ، موقعی هم بذم او چیز نوشته ایم ، چه اشکالی دارد ، مگر وقتی جراید آزاد شد ما حق انتقاد نباید داشته باشیم ، چرا نباید نامه آقای طیبی را در خصوص پرسش از جواهرات سلطنتی چاپ کنیم مگر روزنامه ها آزاد نشده بود و مردم حق اظهار عقیده نداشتند ، مگر کسی را در بین رجال ، وکلا و اشخاص برگزیده و متصدیان امور کشور میتوانید نشان بدهید که هنگام تغییر سلطنت اندک تظاهری بنفع شاه سابق کرده باشند یا از بدگوئی اوضاع مبری باشند ، یکی از آنها هم ما ویکی از آن روزنامه ها هم اطلاعات ، چه مانعی دارد آن روزهای شوم شهریور و اشغال ایران تحت تأثیر اوضاع و پیش آمد های روزمره و حتی خودمن باطنا از این تغییر خوشحال بودیم و آنرا بفال نیک می گرفتیم ولی بعد بسیاری از تیپ و طبقه فهمیده کشور فوری متوجه شدند که از دست دادن پادشاه کار خطائی بود و بزیان کشور وسود اجانب و تسلط آنها بر این مملکت تمام شد باینجهت با هرج و مرج و تشنج افکار کمك نکردند ولی خیلی ها عالما و عامداً روی منافع و نظر های شخصی خود بخرابی اوضاع کمك کردند که خود آباد شوند.

ما از زمره کسانی هستیم که دنبال هرج و مرج نرفتیم و طالب تثبیت وتحکیم اوضاع کشور و ایجاد امنیت وآرامش وطرفدار حکومت های صالح بوده و تمام دولت ها را از لحاظ اینکه شاید در اجرای منویات اصلاح طلبانه خود وپیدایش امن وراحت وعدالت اجتماعی موفق وکامیاب شوند همراهی وهمکاری کرده ایم ، اما امروز که آبها از آسیا افتاده وشاه فقید در ارامگاه ابدی خود آرمیده که ما آرزومند بودیم این مرد وطن پرست درخاك میهن که بی اندازه بدان علاقمند بود مدفون شود و حالا که همه بمدح وستایش می پردازند ، خوب و بد اوضاع گذشته را میتوانیم بگوئیم ودرقبال تهمت ها وافترا های چندساله اخیر از خود دفاع کنیم.

آری ، ما جیره خوار دربار نبوده و نیستیم که اگر بذم شاه سابق چیزی بنویسیم وحشت داشته باشیم که حقوق ومواجب ومنصب ما را بگیرند ، ما درهر موقع آنچه مصلحت مملکت تشخیص داده ایم ، گفته ایم و بیم وهراسی هم نداشته ایم .

اولین سال تولد اعلیحضرت چگونه برگزار شد؟

روز چهارم آبان ۱۳۲۰ وتولد اعلیحضرت همایونی بود ، اولین سالی بود که ملت ایران باید ولادت پادشاه خود را جشن بگیرد یك ماه وچند روز از حرکت پادشاه مستعفی بیشتر نگذشته بود ، احساسات عمومی برعلیه اوضاع بمرحله کمال رسیده بود ، صفحات روزنامه مملو از بدگوئی وناسزا برضاشاه بود ، مردم برای درهم ریختن اساس وشالوده های رضا شاهی حال عصیان وانقلاب داشتند ، کی جرئت داشت عکس اعلیحضرت فعلی را بمناسبت ولادتش بچاپ رساند ، کی میتوانست ازشاه فعلی چند سطر تعریف وتمجید کند ؟ درهمین ایام اطلاعات مصمم گردید اولین سال ولادت پادشاه جوان ایران را جشن بگیرد و ابراز احساسات نماید .

پس عکس اعلیحضرت را درستون اول گذاشت ومقاله ای در سه ستون در توصیف و تمجید اخلاق پسندیده و عواطف ورأفت و مهربانی های شاه فعلی نوشت . بدیهی است در این مقاله که برای جلب توجه افکار عمومی بمنظور تثبیت اوضاع و ایجاد محبوبیت برای شاه برشته تحریر درمیآمد لازم بود برای تسکین افکار مردم چند جمله انتقاد هم وجود داشته باشد تا مطلب دلنشین ودلچسب گردد یکی ازکسانیکه درآن روز مورد انتقاد وبدگوئی مردم ومطبوعات بود والاحضرت شاهپور علیرضا بود که بهدایت افکار عمومی وبمنظور صلاح کشور انتقاد ملایمی در اطلاعات از ایشان شد البته ملایم نسبت به نوشتجات مطبوعات آنروز ولی سخت وشدید مطابق اوضاع مقتضای امروز.

آن مقاله صدا کرد و تاثیر خود را نمود ، از آن پس رفته رفته زبان بتعریف وتمجید اعلیحضرت همایونی بازشد وچون ما درطی آن مقاله درباره اعلیحضرت حقیقت را نوشته بودیم آن حقایق باروش نوع پرستانه وخیر خواهانه ایشان تجلی نمود وبرمحبوبیت ایشان افزود وسال بعد موقع ولادت ، چاپ عکس اعلیحضرت در صفحات اول بعضی جراید امری عادی ومعمولی گردید .

درطول این چند سال بعضی بد خواهان وحسودان برای اطلاعات نقطه ضعف پیدا کرده اند ، هرچند یکبار آن جملات انتقادی نسبت بشاهپورها وشاهپور علیرضا را ازمقاله اطلاعات نقل می کنند وبرای حافظ ونشان میکنند

یا تعرضات و حملاتی که نسبت برضاشاه فقید دراخبار مجلس ازطرف و کلا می‌شد که ما پیوسته بلحاظ حفظ بیطرفی روزنامه مطالب مجلس را بی کم وکاست انتشار میدادیم آن حملات زننده نطقها را بیرون آورده و باخط درشت درجراید منعکس میساختند ومیگفتند اطلاعات این طور نسبت برضاشاه بدگوئی کرده است وبرعکس درسالهای اول تغییر سلطنت جملاتی ازمقالات دوره ۲۰ ساله بیرون می‌آوردند ومی‌نوشتند اطلاعات این طور از رضاشاه تعریف وتمجید کرده است!

البته ما درطی دوره گذشته از رضاشاه تمجید و تعریف کرده‌ایم ولی اگر بمقالات اطلاعات مراجعه شود وتمام مقاله خوانده شود، نه اینکه جملات وسط سرو دست شکسته نقل گردد ، هرخواننده بروش اطلاعات تحسین میکند زیرا می‌بیند که هیچوقت تعریف وتمجید بیجائی از رضاشاه نشده است، تمام مقالات بمناسبت افتتاح یک کارخانه، تاسیس یک بنگاه ، ساختمان راه و پل ومدرسه ومریضخانه وراه آهن وبرای کارهای مفید بوده است که اگر آن تعریف وتمجیدها درمقام سنجش برآید ملاحظه خواهند فرمود درمقابل تملقاتی که آن روز درمجلس وبین رجال ما معمول بود وسجده‌هائی که سر بزمین میرسید بسیار ناچیز است علاوه براین بسیار مواردی بود که وجود سانسور مطالبی رابروزنامه ها تحمیل میکرد ولی آنچه دراختیار خود روزنامه بود هیچوقت ازحقیقت دور نمیافتاد وازتملق وچاپلوسی کاملا بدور بوده

درهمین احوال چه بسیار مطالب اخلاقی ودینی و اجتماعی درآن روز انتشار می‌یافت که حتی امروز هم به آن توجه واعتنا نمیشود ، روزنامه اطلاعات همیشه ودرهمه وقت بامردم وبرای مردم وبخیر جامعه پیش رفته است واندك غفلتی درانجام وظایف ملی ومیهنی خود نکرده است

همچنین ما درطی این ۹ سال دموکراسی بواسطه آزادی که در انتشارات خود داشته‌ایم چه بسیار اتفاق افتاده است که از بعضی اعمال گذشته خرده گیری کرده وسیستم حکومت سابق را مردود دانسته ایم، دراین مورد هم باز انکاری نداریم بیجهت حسودان بخود رنج وزحمت میدهند واز خلال مقالات روزنامه جملاتی را پیدا میکنند وپهلوی جملات مقالات دیگر میگذارند .

ما هم حق داریم اظهار عقیده ونظر کنیم واگر معایب ومفاسدی از گذشته وحال بنظرمان میرسد باهمان روش متانت خود انتقاد نمائیم، مگر ما التزام سپرده‌ایم ویا ادعا داریم که مداح رضاشاه باشیم یا چیزی برخلاف رضاشاه بنویسیم که ازما خرده بگیرند چرا بد نوشتید یا چرا خوب نوشتید. ما برخلاف آنچه که دراین چندسال بما نسبت دادند وخواستند اطلاعات را از نظر مردم بیاندازند متکی بهیچ مقام وموقعیتی نیستیم نه بدربار بستگی داریم و نه با حکومتها بند وبست میکنیم نه طرفدار روس هستیم و نه طرفدار انگلیس وامریکا وهیچ خارجی دیگر. اطلاعات متکی بفضل الهی ومستظهر باحساسات وافکار ملت ایران و درحقیقت جیره‌خوار مردم این مملکت است ، زیرا بودجه هنگفت این مؤسسه را فقط مردم میدهند و همین مردم هستند که پیوسته هواخواه مابوده وازهرگونه تقویت وپشتیبانی نسبت بما دریغ نداشته اند وهمین مردمند که بهترین مشوق ما درخدمتگزاری و توسعه مؤسسه فرهنگی خود بوده اند و بازهمین مردمند که روش متین روزنامه اطلاعات را که عاری از غرض های شخصی و دور از آلودگی های سیاسی است می‌پسندند نشریات ما را باطیب خاطر میخوانند و ما را در تعقیب همین روش که آنها پسندیده اند و دور از هتاکی و هوچیگری است تأیید میکنند پس چه دلیل دارد بامردم نباشیم وبخیر مردم کار نکنیم و روزنامه و نشریات خود را طبق مصلحت ومیل وعلاقه آنها ننویسیم .

فروغی دررادیو تهران صحبت کرد

اولین دفعه که نخست‌وزیر ایران ازرادیو تهران برای مردم حرف زد بعداز شهریور ودر تاریخ ۱۶ مهر ۲۰ بود ، مرحوم فروغی درطی این نطق بمردم نصیحت کرد که درانجام وظایف ملی و استقرار نظم وآرامش اهتمام نمایند و آزادی ودموکراسی راتفسیر نمود وگفت معنی آزادی ودموکراسی این نیست که مردم خودسر باشند وهر کس هرچه میخواهد بکند . اگر حدود وقیودی درکار نباشد وهمه خودسر باشند هیچکس آزاد نخواهد بود وهر کس از دیگران قویتر باشد آنان رااسیر وبندهٔ خود خواهد کرد ، این حدود و قیود همان قانون است که هر کس باید رعایتش رابرای خود واجب شمارد ؛ اولین سفارشی که درعالم خیرخواهی و میهن دوستی میکنم اینست که قانون را محترم شمارید ملت آزاد آنست که جریان امورش بروفق قانون باشد ، هر کس بقانون بی اعتنائی کند و تخلف از

قرار را بداره دشمن آزادی ودشمن آسایش ملت است . بالاخره درپایان نطق خود پرده برداشت و گفت اگر مردم بجای اشتغال بامور شرافتمندانه از نام آزادی سوء استفاده کرده برای پیشرفت اغراض خصوصی وسایل نامناسب از نفاق تزویر وفتنه وفساد ودسته بندی وهوچیگری بکار برند و اکثر نمایندگان ملت نمایندگی را وسیله تحصیل حفظ منافع شخصی بدانند وعوام فریبی را پیشه خود سازند ودسیسه کاری راشعار خود کنند ویامعنی نمایندگی ملت رامدعی ..ن بادولت بدانند واگر وزیران وزارت رافقط مایه تشخص وجلب منافع شخصی* فرض کنند واگر روزنامه نگاران بجای حقیقت گوئی و رهبری ملت براه خیر، روزنامه را آلت هتاکی و پیش بردن اغراض فاسد قرار دهند باید حتم و یقین است که تاز اوضاع این سی و پنج سال گذشته تجدید خواهد شد وکشور و ملت هر روز گرفتار مصیبت و فتنه و فساد می شود .

***

نطق نخست وزیر وضع درهم و آشفته آنروز را کاملا منعکس میسازد، مرحوم فروغی در این تحول وتغییر بزرگ سیاست خویش کشور بامشکلات بسیاری روبروشد ، یکطرف توقعات خارجی ها که هرروز بیشتر میخواستند براو تحمیل کنند وچه بسا اوقات آن مرحوم کسالت رابهانهٔ عدم پذیرفتن نمایندگان شوروی و انگلستان میکرد وباین کیفیت ازز یر فشار تحمیلات آنها شانه خالی مینمود ، ازطرف دیگر بهم ریختگی وضع مجلس وعوام فریبی های بعضی نمایندگان ومخالفت هائی که بااو شروع کرده بودند هرروز بر وخامت اوضاع میافزود ، دراینمیانه عده بسیاری باخلال وتخریب وخراب کردن اذهان مردم مشغول شده بودند و باینجهت تحریکات خارجی هم مؤثر میشد ، کم کم راه سفارتخانه های اجنبی برای بعضی مردم ماجراجو بازشد ، دعوت ها بعناوین مختلف درسفارت روس وانگلیس وخارج وداخل شروع گردید ، رفت وآمد باین دوسفارتخانه باکمال تاسف جزء تشخص ورسیدن بجاه ومقام گردید واینگونه سخنرانی ها کوچکترین تأثیررا در افکار اینقبیل اشخاص که مرحوم فروغی بدان اشاره کرده واز آن طبقات ذکری نموده است نمیکرد و بر مشکلات مملکت وهرج ومرج هرروز افزوده میشد .

اطلاعات طرفدار حکومت فروغی بود

درخواستها وتوقعات بیجائی که از مرحوم فروغی میشد و او تسلیم نمیگردید منشأ و اساس مخالفت های شدید باآنمرحوم بود ، هنوز چند روزی از عمردولت او نگذشته بود که درمجلس و ازآنجا در مطبوعات ، مخالفت با او آغاز گردید وباران تهمت وافترا بسوی فقید سعید جریان پیدا کرد .

اولین مقاله ای که در اینباره تحت عنوان (مرام ما) در اطلاعات نوشتم ودر شماره ۱۶ مهر منعکس میباشد تحت تاثیر حملاتی بود که باین روزنامه شروع شده بود و گفتم: « اگر میخواهید مارا تحریک نمائید تا احساسات عده ای از مردم را تهییج کنیم وکارها را مختل نمائیم اندیشه بیهوده ای کرده اید ؟ روش ماچنین نیست وخیر جامعه هم در اینکار نه باشد، اگر میخواهید هرروز پرده های تاریکی از گذشته کشوررا در نظر مردم باز کنیم وخود راسر گرم بحث در پیرامون اوضاع گذشته سازیم ومردم را به بی نظمی وهیجان واضطراب سوق دهیم منتظر چنین اقدامی ازطرف ما نباشید زیرا اینکار بحال کشور زیان آور است. مسموم نمودن افکار مردم ، ایجاد اضطراب و نگرانی در هامه عمل نکوهیده وزشتی است وما قطع داریم که هیچ شخص عاقل وباوجدان ومیهن پرستی در اینموقع که کشور یارای تحمل بی نظمی را ندارد پیرامون چنین کاری نمیگردد ، آیا بهتر نیست بجای تجسم صفحه های سیاهی برای مردم حساس وعصبانی امروز کشور بیائیم همه دست وحدت ویگانگی بهم بدهیم وفکری بحال امروز وآینده کشور نمائیم و در فکر علاج دردهای فعلی خود باشیم

گفته میشود روزنامه اطلاعات ازدولت طرفداری میکند ، اگر مقصود اینست که ماهرروز دولت را که هنوز یکی دوهفته ازعمر او نگذشته است مورد حمله وعرض قرار دهیم ، چنین کاری صلاح کشور ومرام ما نیست اما اگر میخواهید دولت را وادار باصلاحات سازیم واگر مواجهه با اشتباهات وخبط وخطائی شد گوشزد نمائیم ، البته این اولین وظیفه روزنامه نگاری ماست که برخلاف گذشته اظهار عقیده نمائیم و نگذاریم دولت کاری جز آنچه مصلحت ملت وکشور است انجام دهد ، غیر از این دیگر ازما چه میخواهید

ستونهای اطلاعات برای انتشار مطالب سودمند باز است

در شماره دوم آبان نوشتم : خوانندگان عزیز ، تصمیم گرفتیم با هرکس که روی نفع شخصی خود صحبت کرده مبارزه کنیم ، هرکس که خواست شمارا با الفاظ فریبنده ومنفی بافی بامقاصد خود همراه کند مخالفت نمائید، را راست گفتار نیك ، عقاید خوب ، افکار مثبت و اندیشه های درستی که دردهای مردمرا درمان میکند بپذیرید ، شما میدانید که روزنامه اطلاعات اول بپشتیبانی خداوند ودوم باتکای ملت بوجود آمد و چون هیچگونه غرض ونظری جز خیر عامه وترقی وسعادت میهن عزیز نداشتیم پیشرفت کرده ایم و امروز روزنامه ای در پایتخت منتشر مینمائیم که از حیث سازمان وانتشار دومین روزنامه شرق نزدیك میباشد. این گفته اغراق نیست بموجب اطلاعات صحیح بعد از روزنامه الاهرام مصر که شماره آن از یکصدهزار تجاوز میکند روزنامه ای از لحاظ انتشار در کشور های مصر، ترکیه سوریه ، عراق و افغانستان بپایه روزنامه اطلاعات نمیرسد. شما تصور میکنید که اگر من دنبال افکار زشت وفکرهای شخصی ومنافع خصوصی روزنامه را هر روز آلت دست این وآن ووسیله اجرای مقاصد شوم اشخاص میکردم میتوانستم یك چنین موفقیتی که ازهیچ شروع شده است پیدا کنم ؟ در تمام دوره ۱۶ ساله (آنموقع روزنامه وارد شانزدهمین سال بود) با هر ناملایم وهر پیش آمدی مقاومت کرده ایم ولی خدا را شاهد میگیرم که درهمه وقت از جاده حقیقت و راستی منحرف نشده وجز سعادت وترقی کشور هدفی را تعقیب نکرده ایم اکنون هم باید آزادی را با کمال قوت حفظ کرده و نگذاشت از آن سوء استفاده بشود ، ما اکنون روزنامه خودمان را که متعلق بمردم میدانیم با سازمان وسیع و وسائلی که در دست دارد بیش از پیش برای خدمتگذاری در راه میهن ، آزادی، پشتیبانی از حکومت مشروطه وقانون و مقاصد پسندیده و خالی ازهرگونه شائبه وغرض میهن پرستان آماده نموده ایم وستونهای آنرا برای نشر مطالب سودمند در اختیار مردم میگذاریم ولی البته راضی نخواهیم شد وهیچ شخص با انصاف وبا وجدانی هم نباید راضی شود که روزنامه ما با نفوذ وتاثیری که در جامعه دارد روزی ازحدود عفت قلم وحق پرستی پا بیرون نهد ویا خدای نکرده وسیله ای برای اغراض زشت وپلید اشخاص ناپاك گردد»

مقالاتی برای تسکین افکار وتثبیت اوضاع انتشار می یافت

مقالات مؤثری بعداز شهریور ۲۰ همه روزه انتشار می یافت که درهدایت وراهنمائی افکارعمومی مؤثر بود منجمله درخصوص ارتش وانتظارات مردم درشماره ۵ و ٦ آبان ۲۰ نوشتم که موردتوجه قرار گرفت ، این مقالات هنگامی انتشار می یافت که مردم نسبت بارتش فوق العاده بدبین شده ودرمطبوعات وحتی درمجلس نسبت به آنها بدگوئی میشد ، افسران بسیار افسرده شده بودند، عشق بخدمت ازآنها سلب میگردید واین طعن ولعن ها محیط یأس ومسمومی درارتش بوجود آورده بود.

درمقاله ای تحت عنوان (آرتش...؟) نوشتم :

شما ای سربازان وافسران جوان چرا دراندوه و تأثر مانده اید ، مگر نمی بینید میهن شما در آتش ناامنی و غارتگری دزدان میسوزد ، مگر خبرهای کشور را نمیخوانید، چرا برنمیخیزید ، چرا در فکر امنیت و آسایش میلیونها مردمی که گرفتارچنگال ناامنی ودزدی شده اند نیستید ، تصور میکنید میهن از شما دست کشیده است، تصور میکنید بدون وجود شما کشور میتواند زیست کند ، مردم خوب میدانند که شما مقصر نیستید ، مقصر آن عده انگشت شمار ومحدودی هستند که بشما وکشور خیانت کرده اند، ماشمارا ازصمیم قلب دوست داریم، شما فرزندان رشید فداکار این آب وخاك هستید . شما درمهد ودامان مادران این کشور تربیت شده اید چطور میهن از شما دست برمیدارد. ای سربازان نجیب ، مگر ما از نجابت فطری شما سربازان ساده وبی آلایش بیخبریم، مگر نمیدانیم آن شب تاریخی، آن شبی که تهران منقلب شده بود، همه راه فرار پیش گرفته بودند ، هرج ومرج و ناامنی شهررا تهدید میکرد ، درهمان شب سی چهل هزار نفرسربازان را لخت وعور ازسربازخانه ها بیرون ریختند . شما شب را درکوچه ها وخیابانها وبیابانهای اطراف شهرروی زمین گرسنه خوابیدید ولی دست تعرض وتجاوز بهیچ کس دراز نکردید و کوچکترین خطائی ازشما گرسنه ها سرنزد.

پس ای افسران جوان وای سربازان نجیب ، برخیزید وافسردگی و تاثر را دور بریزید ، زندگی را از سر گیرید و از تجربه های تلخ گذشته عبرت گیرید و در آینده سازمانی برای ارتش بدهید که درقلب

مردم جای داشته و باروح ملت دمساز باشد ، بروید شروع کنید ، دست رد بسینه خیانت کاران و غارتگران بزنید ملت پشتیبان شما است ، تنفر مردم از کسانی است که بحقوق شما و ملت تعدی وتجاوز کرده ودر انجام وظایف خود قصور وخیانت ورزیده اند آنها باید طرد شوند واز ارتش دور باشند.

***

در مقاله دیگر (شماره ٦ آبان) نوشتم انتظار مردم اینست که طرز فکر و سیستم کار عوض شود ؛ متاسفانه هنوز در این راه قدمی برداشته نشده ، ما نمی توانیم از حقیقت چشم پوشی کنیم و دور از انصاف می دانیم امروز که قلم آزادانه دردست داریم آنچه میدانیم و میشنویم نگوئیم ، در وزارت جنگ تغییراتی در مقام اشخاص داده شده عدة از افسران ارشد نائل بترفیعات شدند ولی هیچگونه اصلاحات اساسی بعمل نیامده ، آقای وزیر جنگ (سرلشکر یزدان پناه) که شخص پاك نظر و تحصیل کرده و آگاهی میباشند باید باین حقیقت توجه نمایند که ایشان وزیر جنگ ملت هستند ، وزیر جنگ حکومت قانونی و مشروطیت و در برابر مجلس و ملت مسئول میباشند و باید صاف وصریح بایشان تذکر دهیم که مردم از بعضی انتخاباتی که اخیراً در وزارت جنگ و برای فرماندهی تیپ ها و برای فرمانداریهای نظامی بعمل آمده خوشبین نیستند و حال آنکه در حکومت قانونی ایشان باید نحوه کار مشروطی باشد

وزیر جنگ در سابق اسمی بود بلامسمی ، وزیر جنگ نه با دولت کاری داشت و نه با مجلس چنانکه در گذشته وزیر جنگ در هیئت دولت اساسا هیچ شرکت نداشت ولی آن صفحه برچیده شده وصفحه نوی باز گردیده است و مردم انتظارات دیگری دارند .

***

این دو مقاله ومقالات دیگری که در زمینه لزوم اصلاحات اداری انتشار یافت تاثیر بسزائی کرد ، روح تازه ای در ارتش بوجود آمد ، اقدامات شدیدی در استقرار امنیت کشور وجلو گیری از شرارتها وخودسریها بعمل آمد ومقالات زیادی نیز در تائید نظریات ما رسید که قسمتی از آنها طبع گردید ، یکی از افسران جوان در نامه ای که بمقاله ٥ آبان اطلاعات نوشت ودر ٨ آبان منتشر شد گفت ما تشنه خواندن یك همچو مقاله ای بودیم زیرا بعد از وقایع اخیر وبا وجود تحمل خسارات فراوان وازدست دادن همقطاران ودوستان ، یکنفر پیدا نشد که کمترین دلجوئی و استمالتی ازمابکند ، آنانکه چشم حقیقت بین خودرا بسته واز شدت تعصب منطق و انصاف را از دست داده بودند با چشمانی خیره وگاهی غضب آلود وزبانی که بیشتر بیان احساسات افراطی را میکرد باما مواجهه میشدند واظهار بدبینی بارتش مینمودند وگاهی جسارت ، توهین و ادای کلمات نامناسب باین طبقه که جامه مرك بتن کرده ودر منتهای غیرت وشرف جانبازی کرده وبسیاری از دسان ودوستان ما شربت شهادت رانوشیده اند مینمودند افسوس که فراموشی وبی خبری چنان درنهاد ما آشیان گزیده است ، که بیك بار روزگار تیره دیرین را که در هرگوشه ایران گردن کشی قدعلم کرده بقتل و غارت و تاراج اموال و ثمره دسترنج مردم مشغول بودازیاد رده ایم . . الی آخر »

نویسنده دیگری درهمین شماره چنین نوشت : بشما تبریك میگویم که آن دوران پرخطر را بامتانت ودرایت کامل طی کردید وسعی نمودید که اگر نمیتوانید بواسطه وجود سانسور شدید درپاره ای مسائل سیاسی کشور اظهار عقیده کنید یابعضی مطالب تحمیلی را چاپ نمائید درعوض کتابهای شیرین وسودمند اخلاقی ، مطالب ومقالات اجتماعی وموثر درروزنامه خود گرد آوردید وبروشنائی افکار کمك کردید ودر توسعهٔ فرهنك کوشیدید واکنون هم که دوران آزادی فکر وقلم فرارسیده است بازهمان متانت وعقل را پیشه ساخته رویه ای دور از غرض ورزی وخشونت وجاروجنجال پیش گرفته اید وچون سخن شما ازدل برمیخیزد و خالی ازغرض وهرگونه آلودگی و باروح میهن پرستی وایمان توام است تاثیر خودرا می بخشد وکاملا مؤثر واقع میگردد . »

مردم تجدید انتخابات دوره سیزدهم را میخواستند

موقعی که شاهنشاه ایران را ترک کرد، انتخابات دوره سیزدهم جریان پیدا کرده بود.

قانون انتخابات میگوید پنج ماه قبل از پایان دوره مجلس فرمان انتخابات صادر و مقدمات امر فراهم میشود و سه ماه قبل از خاتمه دوره مجلس انتخابات در تمام کشور شروع میشود که دوره فترت پیش نیاید و مجلس ها تعطیل ممتد پیدا نکنند.

رضاشاه کبیر این قسمت را کاملا مراعات می‌نمود و چون دوره ۱۲ در تاریخ ۲۹ آبان ۲۰ خاتمه می‌یافت در موعد قانونی یعنی در تاریخ نهم تیر ۱۳۲۰ فرمان انتخابات دوره ۱۳ را صادر کرد و نهم شهریور هم انتخابات در همه جا طبق معمول شروع گردید. طرز انتخابات در آن زمان چنین بود که قبل از رسیدن موعد انتخابات اعلیحضرت فقید از استانداران و فرماندهان و بعضی اوقات از شهربانی هم هر یک جداگانه نظر عمومی مردم هر شهرستان را می خواست، از آنها سئوال میشد چه اشخاص مورد احترام و توجه مردم می‌باشند و وقتی آن صورت ها میرسید بین آنها یکی را که مورد نظر بیشتر قرار گرفته بود و خود نیز می‌پسندید انتخاب میکرد بعد دستور میداد با نتخاب او کمک شود و همان شخص انتخاب میشد منتخب مزبور دیگر باقی می‌ماند و هر دوره تجدید انتخاب میشد مگر اینکه شکایاتی از او میرسید یا رفتاری جز انجام وظایف قانونگزاری از او ناشی میگردید در اینصورت بتغییر آن نماینده بهمان کیفیت خواستن اسامی جدید از معتمدین و محترمین محل اقدام میشد، البته درین مورد در آخر استثناهائی نیز پیدا شده بود.

در نمایندگان دوره ۱۳ نسبت به دوره ۱۲ هیچ تغییری داده نشد و شاید تصادف جریان انتخابات با وقایع شهریور باعث گردید که فرصت رسیدگی باین کار پیدا نشود و حتی دو سه نفری که اغلب در ادوار سابق تغییر داده میشد این بار هیچ تغییری نکرد.

موضوع قابل توجه اینست که با وجود از هم گسیختن تمام کارها و تعطیل و تاخیری که در کلیه رشته های امور کشور بواسطه اشغال متفقین پیدا شد موضوع انتخابات دوره ۱۳ چون مورد علاقه خود وکلای مجلس که حاکم بر وضعیت شده بودند بود دچار هیچ وقفه و تعطیلی نگردید در همان موقع بمباران و اغتشاش باز انتخابات جریان خودرا طی میکرد. رضاشاه فقید روز ۲۵ شهریور تهران را ترک کرد و در آن روز جز تشکیل انجمن ها هیچ کاری صورت نگرفته بود ولی پس از مسافرت او مجلس دوازدهم خود رشته کار انتخاباتی را با کمک دولت در دست گرفت و قبل از پایان دوره، انتخابات همه جا خاتمه یافت و تمام وکلای حاضر انتخاب شدند.

مردم از این پیش آمد عصبانی بودند میخواستند در انتخاباتی که پس از تغییر اوضاع انجام میشود دخالت کنند و تغییراتی بدهند و شرکت نمایند بخصوص اینکه عده زیادی داوطلب نمایندگی پیدا شده بود و جدا اقدام میکردند که انتخابات دوره سیزدهم را باطل نموده و دولت را وادار بتجدید انتخابات نمایند البته مجلس پایداری میکرد و مرحوم فروغی هم در این باره منطقی قانونی ذکر میکرد و ابطال انتخابات را نقض قانون میدانست و زیر بار نمیرفت.

روز نهم آبان آخرین جلسه دوره ۱۲ خاتمه یافت و مرحوم فروغی در این جلسه پس از اظهار قدردانی از زحمات اکثریت مجلس که در روزهای خطرناک وتیره وظیفه خودرا ترک نکرده و در تهران ماندند و در استقرار اوضاع کوشیدند و از هیچگونه تهدید بهراسیدند اشاره بافتتاح دوره ۱۳ نموده و گفت امیدوارم روز ۲۲ آبان اعلیحضرت همایونی مجلس آینده را افتتاح فرمایند و در اینصورت ایام فترت ده یازده روز بیشتر نیست و چون اکثر بلکه تمام آقایان خودشان دوباره منتخب هستند و همین مجلس منعقد خواهد شد انشاءالله دوباره خدمت آقایان محترم در این جا خواهیم رسید زیرا برحسب معمول تا افتتاح مجلس بعد دولت باقی خواهد بود حالا بعد از آن چه دولتی روی کار بیاید البته اختیارش با اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی است.

این نطق مرحوم فروغی و وعده افتتاح مجلس بر شدت حمله و تعرضاتی که باین مناسبت بمرحوم فروغی شروع شده بود افزود، در اینجا باید اعتراف کرد که فروغی نسبت باصرار خود در عدم ابطال انتخابات سیزدهم مؤمن بود بخاطر جلب توجه نمایندگان مجلس نبود که موقعیت خودرا حفظ کند زیرا او بخوبی تشخیص داده بود که در مجلس اشخاصی هستند که خواهان جاه و مقام و توقعاتی هستند که انجامش از عهده او ساخته نیست و با مخالفت هائی که با

او شر و مرشده بود و یقین داشت در مجلس بعد شدت خواهد کرد نخواهد توانست بر ماندداری خود ادامه دهد ولی از لحاظ حفظ اصول و مقررات قانون به تجدید انتخابات موافقت نکرد و بخصوص بیم آن داشت که در چنان وضع متشنجی که احساسات بر مردم غلبه کرده است و تبلیغات زهرآلود تاثیر بسیار کرده است اگر انتخابات تجدید شود معلوم نیست با خونریزی و کشتار و کشمکشهای بسیار چه صورتی پیدا کند وقطعا منتهی بتعطیل و ادامه فترت مجلس که بی نهایت بان احتیاج داشت خواهد شد این بود که به تقاضاهای مکرر، اجتماعات ، نطقها ، مقالات و حملات روزنامه ها وقعی نگذاشت ولی تظاهراتی در بین مردم تدارک میشد تا بالاخره مرحوم فروغی بنامه ای که جمعی از اهالی تهران بدفتر مخصوص شاهنشاهی در این خصوص نوشته بودند چنین پاسخ داد :

«بنده وارد بحث این مسئله نمیشوم که انتخاباتی که واقع شده کاملا درست بوده یا نبوده است زیرا بشرحی که عرض خواهم کرد انتخابات مزبور خواه غلط خواه صحیح دولت حق ندارد در آن نظر کند و آنرا لغو یا تجدید نماید وقتی طبق قانون انتخابات فرمان انتخابات صادر شد و انجمن های نظارت تشکیل گردید دیگر دولت حق مداخله ندارد و این حق بانجمن های نظارت تفویض میشود و اگر دولت بخواهد در این خصوص اقدام بلغو انتخابات انجام شده نماید نقض قانون کرده است و فلسفه وجود این قانون هم روشن است زیرا اگر دولت حق داشت انتخابات را لغو و یا تجدید نماید هر وقت انتخاب نمایندگان مخالف میل دولت میشد میتوانست آنرا لغو کند و باین وسیله میتوانست مجلس شورایملی را مدتها در حال تعطیل نگاهدارد »

روز ۲۲ آبان اعلیحضرت همایونی اولین دوره مجلس شورایملی را در سلطنت خود افتتاح نمودند و اتومبیل اعلیحضرت هنگام بازگشت با احساسات بی نظیری از طرف مردم مصادف گردید که اواسط خیابان شاه آباد اتومبیل قادر بحرکت نبود و جلوی کاخ سلطنتی هم تظاهرات بسیاری صورت گرفت و باین ترتیب دوره سیزدهم گشایش یافت ولی مردم بمجلس خوش بین نبودند .

روش اطلاعات در انتخابات دوره سیزدهم

برای تجدید یا عدم تجدید انتخابات دوره سیزدهم که مورد بحث بیشتر جراید روز بود و اکثرا خواهان لغو انتخابات بودند اطلاعات درعین طرفداری از نظر دولت رویه خاصی پیش گرفت و آن این بود که معتقد بود خود مجلس اقدام به رد اعتبار نامه عده ای از نمایندگان نماید و در حدود یکربع عده نمایندگان مجلس بوسیله حق قانونی خود یعنی رد اعتبار نامه ها تجدید انتخاب بشود . این تنها راهی بود که با قانون وفق میداد و جلوی تشتت افکار و عصبانیت جمعی را میگرفت و جا برای انتخاب اشخاص تازه باز میشد و ریشه اختلافی که بین مردم و مجلس و دولت دامن زده میشد و همه را بوسیله تبلیغات شدید بدستگاه بدبین میساخت سوزانده میشد و از تعطیل مجلس هم جلوگیری می نمود .

در این خصوص بمحض افتتاح مجلس ، قبل از اینکه اعتبار نامه ها مورد رسیدگی قرار گیرد مقالاتی نوشتم و اخباری انتشار دادم که طبق قانون مردم شکایات خود را درباره انتخابات بمجلس تقدیم دارند در طی مقاله ۲۹ آبان نوشتم :

« اگر نمایندگان میخواهند با افکار مردم همکاری و همراهی کنند در این مورد باید ازخود گذشتگی نشان بدهند ، اصلاحات را از خود شروع نمایند ، بدبینی مردم را مرتفع سازند و از روز اول بین مجلس و ملت صمیمیت و پیوستگی ایجاد نمایند. بنده بسهم خود حاضرم و داوطلب هستم که چنانچه صلاح باشد مرا کنار بگذارند زیرا مقصود همه ما باید مصلحت کشور و رضایت و خرسندی خاطر ملت باشد ، من نمیگویم بعضی از نمایندگان صالح نیستند و منظورم شخص یا اشخاص معینی نیست و انتخابات در تمام کشور یک شکل انجام یافته و کسی را و کسی از این لحاظ رجحانی نیست ولی مردم میخواهند یکعده دیگر از رجال فاضل و مردان حق پرست هم که امتحان صداقت و درستی خود را داده اند و اکنون در گوشه عزلت و انزوا بسر می برند در این مجلس شرکت داشته باشند پس مجلس هم برای انجام این منظور مردم باید فداکاری نماید یا جمعی حاضر شوند کنار بروند و یا تصمیم نهائی بر رد اعتبار نامه عده ای از نمایندگان اتخاذ شود »

علاوه برانتشار مقالات در زمینه فوق ، اینجانب کوشش زیادی درمجلس نیز نمودم که این فکر عملی شود ولی بالاخره جز عدة خیلی کمی ازنمایندگان کسی بامن کمك نکرد، مجلسیان انجام این پیشنهاد را محال می‌دانستند و می‌گفتند کسی حاضر نخواهد شد از کرسی نمایندگی صرفنظر کند ورداعتبار نامه هم بمنزله مرك سیاسی وهتك حیثیت اشخاص است . راه دیگری پیشنهاد کردم وآن این بود که بوسیله قرعه عده‌ای در حدود بیست نفر ازمجموع نمایندگان استخراج گردیده وآنها حاضر شوند کنار بروند وجای خود را بمنتخبین جدید بدهند و این ترتیب هم‌مجلس را ازجریان کار بازنخواهد داشت وهم‌مردم‌راضی خواهند شد که‌اشخاص‌تازه، وارد مجلس شده‌اند و اتفاق نظر ووحدت کلمه که بیش ازهرچیز مورد احتیاج کشوری که‌دراشغال قوای متفقین‌می‌باشد‌بین مردم ومجلس ودولت بوجود خواهد‌آمد‌ولی‌این پیشنهاد هم قبول نشد. روزی که قرار بود اعتبار نامه ها تصویب شود تصمیم داشتم فورمول خودرا قبل از قرائت گزارش اعتبارنامه ها پیشنهاد نمایم و بر آن پیشنهاد رای مخفی درباره تمام اعتبار نامه‌ها رانیز علاوه کردم باین ترتیب که بدون استثناء درمورد کلیه اعتبارنامه ها بجای رای قیام و قعود رای مخفی بامهره سیاه وسفید گرفته شود و یقین داشتم باین وسیله اعتبار نامه بعضی کسانی که صلاحیت نداشتند ومردم هم نسبت بآنها اظهار بدبینی زیادی کردند رد خواهد شد ومنظور حاصل‌می‌شود ولی‌جمعی از نمایندگان درآن دقیقه که‌جلسه رسمیت‌یافت برامانع‌شده و درخارج ازجلسه نگاه‌مداشتند و نگذاشتند‌قبل‌ازطرح اعتبارنامه‌ها داخل‌مجلس‌شده پیشنهاد‌خودرا‌تقدیم دارم .

این‌هم یکی‌ازماجراهای وقایع‌بعد ازشهریور بود که‌اختلاف بین مردم وهیئت‌ها کمه رازیاد کرد......

عهد نامه بین دولت ایران و دولتین انگلستان و شوروی

عقد قرار داد اتحاد بین‌دولت‌ایران و دولتین انگلستان و شوروی یکی ازخدمات بزرگی است که مرحوم فروغی باین مملکت انجام داد و از مشکلترین کارهائی بود که بعد از وقایع شهریور صورت گرفت، افکار مردم بقدری عصبانی و متشنج بود که کسی جرئت نداشت درباره لزوم عقداین قرارداد صحبت کند ، چندی بودمذاکرات بین هیئت دولت و مامورین انگلیس و شوروی جریان داشت ولی حتی دوسطر در روزنامه هامنعکس نمیشد و در مجلس هم‌کسی پیرامون آن‌حرف نمیزد زیرا صرفنظر ازیکعده‌مطبوعات‌داخلی که بر ضداین‌عمل‌قلمفرسائی میکردند و مردم‌را برعلیه‌دولت‌وشخص فروغی برمیانگیختند برنامه فارسی‌رادیوبرلن هم از هرگونه ناسزا و بدگوئی نسبت بمرحوم فروغی خودداری نداشت،تهمت ها و افترائات برآن مردمحترم وارد میساخت ، نا گفته نماند که این جریان در بحبوحه قدرت آلمانها و پیشرفت سریع آلمان در خاك شوروی بود

اهمیت و عظمت فکری مرحوم فروغی نیز همان‌بود که‌درآن موقع متمادیعقد قرارداد بامتفقین گردید و برای انجام آن که تامین و تحکیم استقلال و تمامیت ایران بود کوشش فراوانداشت درآنوقت افکار عمومی هواخواه‌آلمانها بودند و تحریکات‌بسیاری برعلیه مرحوم فروغی میشد بطوریکه قصد‌سوء‌قصد‌وایقتل‌تهدیدمی نمودند و هرشب‌اوراقی‌درخانه‌او میریختند.

روزنامه اطلاعات هم تحت تاثیر این اوضاع و احوال جرئت نداشت پیرامون لزوم عقد قرارداد چیزی بنویسد تاروز ۱۶ آبان که این طلسم رابازخود اطلاعات شکست و اولین دفعه در ایران مصاحبه با مرحوم فروغی نخست وزیررا برله لزوم عقد قرار داد منتشر کرد و بعد از آن باز در میان تشنج وتشتت افکار رشته‌سخن را گرفت وموضوع را علی رغم انتشارات مغرضانه اشخاص اینقدر دنبال کرد تا خوشبختانه به نتیجه رسید و نمایندگان مجلس هم شهامت اظهار نظر و عقیده پیدا کردند و قرار داد را بتصویب رسانیدند

در دومصاحبه که با نخست وزیر بعمل آمد مرحوم فروغی موفق‌شد مطالب خلاف حقیقتی‌راکه‌شهرت دادهشده بود و منجمله گفته میشد که قرارداد مزبور مطالبی خواهد‌بود و برای اینست که جوانان ایران‌رابرای شرکت درجنگ جهانی تجهیز نماید تکذیب کند، همچنین شهرت داده شده بود که این قراد‌برای شناختن مداخلات آن دودولت در امور داخلی‌ایران است وحال آنکه همکاری و ائتلاف با این دو دولت بر مبنای مقرراتی بود که منافع و آزادی و استقلال ایران را تضمین نماید و قرار داد در دنبال بیانیه ای بودکه رئیس جمهور امریکا و چرچیل در اقیانوس اطلس انتشار داده وحاکمیت وتمامیت‌ملل‌راتضمین‌نموده‌بودند.

***

از پیش آمدهای مهم آن روز، واقعه‌ایست که در مجلس شورای ملی برای مرحوم فروغی هنگام دفاع از لایحه قرار داد الحاق با متفقین روی داد. مرحوم فروغی پشت تریبون صحبت میکرد، جمعیت زیادی هم در جایگاه تماشاچیان حاضر بودند و احساسات مخالف ابراز میکردند در همین موقع شخصی از میان تماشاچیان بیرون جست و راه جایگاه هیئت رئیسه را پیش گرفت و بالای سر مرحوم فروغی ایستاد و بنای بدگوئی را گذاشت و پاره سنگی بطرف فروغی پرت کرد که هدف او سر آن مرحوم بود خوشبختانه اصابت نکرد ولی آن شخص خود را از بالا روی فروغی انداخت و با او گلاویز شد که نمایندگان رسیدند و فروغی را از دست او نجات دادند، ضارب دستگیر و توقیف شد و بعد از چندی بدستور مرحوم فروغی آزاد گردید و از جرائم او صرف نظر کرد چون بعدها برای آن مرحوم معلوم گردید که ضارب مرد آزادیخواهی است که تحت تاثیر احساسات واقع شده و مخالفت شدید او با قرارداد باین جا منتهی شده بود. همین عمل نیک و پسندیده مرحوم فروغی شخص ضارب (آقای محمدعلی روشن کرمانشاهی) را فریفته اخلاق و نیات حسنه فروغی نمود.

باری این حادثه جلسه را برهم زد و فروغی چند دقیقه بحال ضعف افتاد ولی پس از آنکه بهبود یافت تعطیل مجلس را جایز ندانست و قبول کرد که رشته سخن را در دست گیرد و با حال ضعف دوباره پشت تریبون آمد و گفت: « جمله معترضه‌ای کلام مرا قطع کرد که جای تاسف است ولیکن جای تاسف نیست چون مطلب خیلی بزرگ است شبهاتی القاء می شود اشخاصی که درست مسبوق نیستند باشتباه می افتند و روی اشتباهی که با نها دست می‌دهد عقایدی اتخاذ می کنند، یا حرکاتی می نمایند ولی اینها نباید باعث شود که عقلا حقیقت را در نظر نگیرند و مطابق مصلحت کشور رفتار نکنند .... »

مجلس سیزدهم با مرحوم فروغی سازش نکرد

دولت جدید فروغی پس از گذراندن عهدنامه اتحاد بین دولت ایران و دولتین شوروی و انگلستان دچار مخالفت های شدید یکعده از نمایندگان مجلس گردید، این امر طبیعی بود زیرا بعضی از نمایندگان در مقام انجام توقعات خود از دولت بوده و برخی خواهان جاه و مقام بودند و مرحوم فروغی بهیچوجه خود را آشنا باین سخنان و حرفهای تنگ گوشی نمیکرد و میگفت اگر مایل هستید مملکت از این بحران و گرفتاری خارج شود باید همه گونه نظریات شخصی را کنار گذارده با دولت همکاری کنید و چون زمزمه مخالفت زیاد شد و دولت تحت استیضاح قرار گرفت و کار های دولت را معوق نگاهداشتند روزی فروغی تقاضای جلسه خصوصی کرد و مجلس آمد و این تاریخ ششم اسفند ۱۳۲۰ بود و گفت « من نیامده‌ام که وضعیت خود یا کابینه را تثبیت کنم بلکه جریان اوضاع مرا بر آن داشت که مطلب را با آقایان در میان بگذارم یا جلوی این شایعات و تزلزل دولت را بگیرید و با دولت همکاری کنید یا نظریات خودتان را صریحا اظهار دارید که من استعفا بدهم و کنار بروم این وضع بی تکلیفی و تزلزل دولت بضرر مملکت است دولت نمیتواند کار کند تکیه گاه ندارد و هر روز وضعیت بدتر میشود و از لحاظ سیاست خارجی این رویه مضرات بسیار دارد من حاضر نیستم با این مخالفتها و ایجاد تشنجات و تزلزل کار کنم. » در همین جلسه که در حقیقت کناره گیری مرحوم فروغی بود اکثریت تمام نمایندگان مجلس بار دیگر ابراز اعتماد نمودند ولی مشروط بر این کردند که کابینه ترمیم شود و اشخاصی که بیشتر همکاری با مجلس نمایند انتخاب شوند منظور بعضی نمایندگان این بود که با نظر و مشورت آنها وزیران انتخاب شوند و حتی دو سه نفر از بین وکلا داوطلب بودند ولی چون مرحوم فروغی باین مسائل توجه نمیکرد این ابراز اعتماد تمام نمایندگان را پشتیبانی خود فرض کرد و چندروز بعد کابینه استعفا داد تا نخست وزیر بتواند کابینه جدید تشکیل بدهد و بالاخره روز ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ دولت جدید فروغی بمجلس معرفی گردید و چون منظور آن دسته از نمایندگان تامین نشده بود در همان جلسه میخواستند با رای عدم اعتماد دولت را ساقط سازند و همینکه رای گرفتند دولت از ۱۱۲ نفر ۶۵ رای موافق پیدا کرد ولی بلافاصله پس از ختم جلسه رسمی مرحوم فروغی و وزیران جدید در یکی از اطاقهای مجلس اجتماع نموده بمشورت پرداختند و فروغی گفت من مصلحت کشور را در اختلاف نظر نمی بینم ۶۵ رای موافق حکومت را ضعیف می سازد و نمیتواند در برابر مشکلات خارجی و داخلی ایستادگی نماید باینجهت استعفا میدهم. بعضی از نمایندگان ایشان را همان ساعت ملاقات نمودند و گفتند که رای دولت بعداً اضافه خواهد شد ولی ایشان قانع نشده و گفتند نتیجه ندارد زیرا بعضی‌ها نظریاتی دارند که انجام آن از عهده من ساخته نیست و منظور عده‌ای روی کار آوردن قوام السلطنه است و او در این امر فعالیت میکند بر فرض امروز هم با من موافقت کنند باز دو روز دیگر بنای مخالفت و کارشکنی را خواهند گذارد. این بود که یکسر حضور اعلیحضرت شرفیاب شد و استعفای دولت را تقدیم نمود.

اطلاعات از مرحوم فروغی شدیداً حمایت میکرد باوجود حملات شدید سایر جراید مقالات زیاد بطرفداری فروغی نوشت منجمله دریکی از مقالات گفت : «فروغی رفت ولی تاریخ قضاوت خواهد کرد و مردم فهمیدند که در مجلس نمایندگانی هستند که مصلحت کشور و مردم را بازیچه هوی و هوس می‌سازند. فروغی را چندتن از نمایندگان که دارای افکار و نظرهای شخصی هستند فریب دادند، باو گفتند کابینه را ترمیم نمائید همه موافق و معتقد بشما خواهیم شد و همین که ایشان باینکار اقدام نمودند رأی ندادند تا ایشان را باین وسیله خفیف سازند و از میدان بدر برند ولی ارزش معنوی فروغی و یک عمر خدمات ایشان در کشور هرگز فراموش نخواهد شد و موقعیت فروغی همچنان عزیز و گرامی خواهد بود.

مخالفین فروغی طرفداران قوام‌السلطنه بودند

بحران و بی‌تکلیفی پس از استعفای فروغی ادامه یافت تا این موقع طرز ابراز تمایل نمایندگان مجلس چنین بود که فراکسیونها بطور دسته‌جمعی نظر بشخص رئیس دولت میدادند وشاه رئیس دولت را انتخاب میکرد، در این موقع که مجلس بار دیگر میخواست درخصوص نخست‌وزیر آینده اظهار عقیده کند جمعی پیشنهاد کردند که رای مخفی گرفته شود تا هرکس عقاید باطنی و درونی خود را بنخست‌وزیر آینده روی ورقه سفید و بی‌امضاء بنویسد و کسیکه رای بیشتر داشت بنخست وزیری انتخاب شود یعنی اقلیت نظر اکثریت را قبول کند روز ۱۳ اسفند جلسه خصوصی تشکیل شده و رای مخفی گرفتند، مرحوم فروغی ۴۷ رای و قوام‌السلطنه ۳۹ رای داشتند و بخوبی معلوم شد که مخالفت فروغی بخاطر نخست‌وزیری قوام‌السلطنه است.

روز بعد طرفداران مرحوم فروغی بصدور قطعنامه‌ای مبادرت ورزیدند، زیرا صحبت ازاین بود که فروغی زیربار مسئولیت و زمامداری نخواهد رفت و ناچار قوام‌السلطنه را انتخاب خواهند کرد این قطعنامه برله فروغی بود ضمنا حکایت ازمخالفت آن عده بازمامداری قوام‌السلطنه مینمود وبهمین جهت طرفداران قوام را از پیشرفت نظریه خود مأیوس ساخت ودست ازتعقیب نظریه خود برداشتند وخود قوام‌السلطنه هم موقتاً ازادامه فعالیت‌های خود صرف‌نظر مود. کسی که پیشقدم این کار بود وقطعنامه را تنظیم نمود وجداً بحمایت از مرحوم فروغی می‌کوشید اینجانب بود وروزنامه اطلاعات هم کمك مؤثر می مود ودر این موقع بود که من در مجلس چند بارمورد حملات شدید وتعرضات طرفداران قوام‌السلطنه واقع شدم لکن متاسفانه درهمین احوال که نظر ما موافقین مرحوم فروغی پیشرفت کرد ونمایندگانی ازطرف دستجات مجلس انتخاب میشدند که آنمرحوم راملاقات نموده وزمامداری را بدون اظهارمخالفت بایشان پیشنهاد نمایند آن مرحوم بدون تعیین محل اقامت از شهرخارج شده ودریکی از نقاط شمیران بسرمی برد. کوشش در ملاقات فروغی بیفایده بود زیرا هیچکس ازمحل اقامت آنمرحوم اطلاع نداشت.

سهیلی مامور تشکیل کابینه گردید

وکلای طرفدار فروغی ازقبول زمامداری آنمرحوم مایوس شدند دراین موقع دو نظر پیدا شد یکی زمامداری مرحوم آهی ودیگر زمامداری آقای سهیلی - مرحوم فروغی قبل از آنکه ازمسئولیت شانه خالی کند وازشهر خارج گردد درمقابل اصرار عده‌ای ازطرفداران خود که گفته بودند مجلس دیگر مخالفت نخواهد کرد وبقوام‌السلطنه نظر ندارد شخصا امتناع نموده وتوصیه نموده بود یکی ازآقایان آهی و سهیلی را انتخاب نمائید - این بود که مجلس نسبت بدونفر آقایان نامبرده توجه پیدا کرد وبالاخره اتفاق نظر روی آقای سهیلی حاصل شد ومرحوم آهی هم دراین باره کمك نمود بالاخره درتاریخ ۱۸ اسفند ماه اولین کابینه سهیلی ازاینقرار بمجلس معرفی گردید:

آهی دادگستری - حکمت بهداری - بدر دارائی - سرلشکر جهانبانی جنگ - منصورالسلطنه عدل فرهنگ - عضدی راه - هژیر پیشه وهنر - حسین‌عدل کشاورزی - فضل‌الله بهرامی پست وتلگراف - وزارت کشور را خود آقای سهیلی عهده‌دار شد وتعیین وزیرخارجه را موکول ببعد نمود.

حکومت های ایران در دوره رضاشاه و دوره نه ساله

در طول زمامداری اعلیحضرت فقید پنج نخست‌وزیر درشش بار تشکیل دولت دادند ازاین‌قرار:

۱ـ مرحوم فروغی ۲ـ حاج مخبرالسلطنه هدایت ۳ـ فروغی ۴ـ جم ۵ـ دکتر متین‌دفتری ۶ـ منصور .

حکومت هدایت از طولانی‌ترین و حکومت منصور کوتاهترین حکومت‌هائی بود که در دوره رضاشاه بوجود آمد . البته هر دولتی که چند سال عمر و دوام میکرد دچار تغییراتی نیز میشد گاهی وزیران کابینه تغییر و تبدیل میکردند ولی استخوان بندی و اصول تشکیل دولت‌ها پایدار میماند و هر دولتی برنامه دولت سابق را پیروی میکرد بطوریکه در حکومت بیست ساله رضاشاه تقریبا پروگرام واحدی نسبت باقتصادیات و مسائل کشاورزی و صنعت بخصوص عمران کشور تعقیب گردید .

دوام دولتها در پیشرفت امور تاثیر بسیار داشت و اگر این رویه در حکومت دموکراسی ایران پیروی میشد و مجلس‌ها رویه تضعیف و تغییر دولت ها را پیش نمیگرفتند و هر چندماه یکدولتی را ساقط و دولت دیگر را روی کار نمیآوردند و همه تصمیم میگرفتند از روی صفا و صداقت و حقیقت مملکت را نگاهداری کنند و نگذارند رشته‌ها از هم گسیخته شود اوضاع کشور باین روز سیاه نمی‌افتاد .

از تاریخ سوم شهریورماه بیست که قوای متفقین ایران را اشغال کرد و شالوده تشکیلات ۲۰ ساله کشور درهم فروریخت تا این تاریخ که ۹ سال میشود پانزده کابینه روی کار آمده است ازاینقرار :

۱ـ مرحوم فروغی ۲ـ سهیلی ۳ـ قوام ۴ـ سهیلی ۵ـ ساعد ۶ـ بیات ۷ـ حکیمی ۸ـ صدر ۹ـ حکیمی ۱۰ـ قوام ۱۱ـ حکیمی ۱۲ـ هژیر ۱۳ـ ساعد ۱۴ـ منصور ۱۵ـ رزم‌آرا .

هر یك از این کابینه‌ها در طول عمر کوتاه خود دوچار تغییرات و تحولات نیز شده و بعضی‌ها چند بار اعضاء دولت را زیرورو کرده از نو تشکیل کابینه داده‌اند وحتی هرچندروز یکبار وزیران را عوض و بدل نموده‌اند که همه آنها روی بی‌تکلیفی و عدم ثبات مجلس بوده است .

حکومت دوم سهیلی و قوام و ساعد از سایر کابینه‌ها دوامش بیشتر بود بدلیل اینکه با تعطیل مجلس مصادف شدند حکومت اول سهیلی دچار همان سرنوشت مرحوم فروغی گردید ، یعنی هواخواهان قوام‌السلطنه بعد از یکی دوماه بمخالفت و کارشکنی پرداختند تا حکومت قوام را روی کار آوردند ، حکومت اول قوام هم دوام پیدا نکرد و منتهی بمخالفت های شدید و پیش آمد ۱۷ آذر گردید و سقوط نمود اما حکومت دوم سهیلی چون دراواخر مجلس سیزدهم روی کار آمد و انتخابات دوره ۱۴ را بدست گرفت چهارده‌ماه روی کار باقی ماند زیرا مصادف با فترت گردید تا مجلس چهاردهم افتتاح شد ولی همینکه مجلس ۱۴ بازشد، اول کار نمایندگان این بود که حکومت دوره فترت را که بوجود آورنده همان مجلس بود ساقط نمودند ، سهیلی بمجلس ۱۴ برای آیین گشایش آمد و دیگر قدم بدانجا نگذاشت .

همین معامله را با قوام‌السلطنه که بوجود آورنده مجلس ۱۵ بود نمودند و همین روش نسبت بساعد در انتخابات دوره ۱۶ معمول گردید و پیش از این سه نخست وزیر نیز عین همین معامله را مجلس سیزدهم با مرحوم فروغی که آنهمه مقاومت در نگاهداری مجلس و عدم تجدید انتخابات ادوره نمود معمول داشت !

***

روزنامه اطلاعات باتمام حکومت هائی که روی تمایل اکثریت مجلس روی کار آمدند از نظر اصول و بلحاظ اینکه نسبت باصلاح امور و بهبود حال مردم موفقیت حاصل کنند موافقت کرده و تاجائی که اعمال و رفتار آنها موافق مصلحت مردم و مملکت بوده از آنها پشتیبانی و تقویت نموده است .

متاسفانه این روش پسندیده اطلاعات را بعضی ، خواهان حمل براین نمودند که ما عضو دستگاه حاکمه و طرفدار هرگونه اعمالی که از آنها ناشی میشود هستیم و حال آنکه نظر ما بعد از تغییر سلطنت پیوسته این بود که در اوضاع کشور ثبات پیدا شود ، وقتی حکومت پشتیبانی شد قدرت قانونی پیدا خواهد کرد و وقتی می‌تواند بر اوضاع تسلط پیدا کند و قانون را بموقع اجرا بگذارد که مورد تقویت مجلس و مطبوعات و افکار عامه واقع شود ولی متاسفانه کسانی که میخواستند هرج و مرج باشد تا از اطاعت قانون سرپیچی کنند، آب گل‌آلود باشد تا ماهی بگیرند نه فقط روش ما را در نگاهداری دولت‌ها دوست نداشتند بلکه جداً باافکار و نیات ما مبارزه میکردند، از بدگوئی و اتهام و ناسزا خودداری نمی کردند .

چه بسا دیده شد که نوشتند و گفتند اطلاعات از فلان حکومت کمک میگیرد ، ارز گرفته است ، کاغذ اطلاعات را دولت میدهد . لکن ماهمچنان راه خودرا پیش گرفتیم ورفتیم واین همه اتهامات و بدگوئی کوچکترین انحرافی درمشی اصلی ما بوجود نیاورد ، باتمام حکومت‌ها درابتدای پیدایش ابراز موافقت نمودیم وپشتیبانی خود را اعلام کردیم ودرطرفداری خود صداقت داشتیم از بدی‌ها و کجی‌ها انتقاد می کردیم ونظریات مفید وپیشنهادهای سودمند بدولت میدادیم وبهمین جهت بود که دولتها نظریات وعقاید اطلاعات را چون بی‌غرض وبی نظر میدانستند مورد توجه قرارداده وبدان عمل میکردند . چقدر ازکارهای خوبی که دراین چند ساله انجام یافته است می توان نشان داد که ابتکار روزنامه اطلاعات ونتیجه پیشنهاداتی بوده است که دراین روزنامه منعکس گردیده ودولت بدان رفتار کرده است .

نفوذ معنوی اطلاعات درافکار عامه که ناچار دولت هم از آن پیروی میکند ، همین بی غرضی و متانت و رویه اعتدال و بی‌طرفی وخودداری ازحمله وتعرض و کشمکش واجتناب ازورود درجنجال وهیاهوئی است که متأسفانه دراین مملکت رواج پیدا کرده وچنانچه می‌بینیم جز تخریب کشور وسوق ملت به بینوائی وبیچارگی ثمری بار نیاورده است .

مادر دوره دمو کراسی انتقادهای شدید ازکارها نموده ایم ، مجلس ها راسخت وبا شدت مورد تنقید قرار داده‌ایم ، گاهی انتقادهای ما بقدری برای دولت‌ها سنگین بوده‌است که تاب مقاومت نیاوردند وچون قادر باصلاح خود نبودند رفتند ، بسیاری از نمایندگان مجلس در برابر انتقاد های شدید اطلاعات ناچار دست ازرویهٔ که مورد ایراد واقع شده بود میکشیدند و خواه نا خواه بدنبال افکار وپیشنهادات سودمندی که اطلاعات میداد میرفتند .

بنا براین روزنامه اطلاعات بتمام معنی وظیفه ملی خودرا درمدت خدمتگذاری یکربع قرن خودانجام داده و اگرما نخواستیم در برابر اتهامات بعضی کسانی که‌روی منافع شخصی باما ستیزه‌میکردند ازخوددفاع کنیم فقط برای‌این بود که جدال وستیزه راموجب هرج ومرج وانصراف از خدمتگزاری حقیقی خودمیدانستیم وراستی حیف بود ستون‌های روزنامه اطلاعات بجای چاپ مقالات مفید یااخبار ووقایع دنیا ویاانعکاس مطالب وپیشنهادات سودمند وقف مشاجرات قلمی ومباحثاتی که یك پول برای‌این‌ملت ارزش ندارد بسازیم برای‌اینکه نمیخواستیم‌از خود دفاع کنیم ، ماازروزاول قضاوت‌را بافکارعامه برگذار کردیم ودراین‌راه اشتباه ننمودیم زیرا توجه وحسن استقبالی که در طول مدت یك ربع قرن نسبت بما می شود بهترین دلیل‌است براینکه روش‌ما درنشرحقایق و انتقاد های بجا و انتشار مطالب سودمند وخود داری از تعرضات و حملات بیجامورد پسند و مطلوب خوانندگان عزیز اطلاعات است .

حکومت‌هائی که طرف توجه مردم بودند

حکومت هائی که از بدو تشکیل تاروزسقوط مورد تائید و پشتیبانی اطلاعات قرار گرفتند و بخاطر آنها هر گونه اتهام و افترائی را برخود خریدند حکومت مرحوم فروغی وآقای حکیمی بودند که روزنامه اطلاعات درعین اینکه اگر مطلبی میدید که بمصلحت مردم نبودانتقاد میکرد، ازاین‌دوحکومت شدیداً حمایت وطرفداری میکردو هنوز هم بر عقیده وایمان خود استوار میباشیم که اگر مجلس هامیگذاشتند واین دوحکومت درایران باقی میماند ونقشه های عمرانی خودرا بمرحله اجراوعمل میگذاشت وضع عمومی مردم غیرازاین بود که‌الان باآن روبرو هستیم ولی چه باید کرد که دستهای مرموزی همیشه درکاراست که بوسیله عناصر نفع‌طلب نمیگذارد این کشورسر وسامان پیدا کند وثباتی دراوضاع آن پیداشود .

دسته ای که بامرحوم فروغی کار میکردند، همچنین طبقه ای که باآقای حکیم‌الملك کمك میکردند ، بیشتر آنها مردمانی صدیق و خدمتگذار بودند که‌افکارو نیات خیرخواهانه‌روسای خودراپیروی مینمودند و بسودمردم کار میکردند و چون‌اعمال ورفتار آنهابامنافع دسته هائی دیگر تماس می یافت حکومت‌های‌این دومردشریف ومحترم‌دوام زیادی نکردولی در قلب مردم جای گرفتند.

حکومت سهیلی هم بعد از ایندو حکومت موفقیت هائی داشت ومورد تقویت اطلاعات بود ، سایرحکومت ها زیاد توفیق پیدا نکردند و اطلاعات هم نتوانست آنطور که حکومت فروغی وحکیمی را تقویت می کرد .

از آنها حمایت وطرفداری نماید زیرا روش بعضی از وزیران این حکومت ها بیشتر با منافع دستجات بلحاظ حفظ موقعیت ومقام تلفیق میشد

از جمله حکومت هائی که خیلی کم مورد تائید اطلاعات واقع شد، حکومت قوام السلطنه بود که از روز اول بین ایشان با اطلاعات نگرفت وسرانجام بمخالفت های شدید کشید.

در این باره خیلی حرفها زده می‌شود ، بعضی تصور می کنند ما روی نظرهای شخصی با آقای قوام السلطنه مخالفت آغاز کردیم ، پاره‌ای مخالفت ما را دستور مقامات عالیه میدانستند ، بعضی دیگر می گفتند این مخالفت ها بخاطر آقای سهیلی است که سوابق دوستی با شخص من دارد ، برخی دیگر آنرا حمل بر لجاج وعناد می کردند وهر کس در این باره چیزی فکر می کرد وشاید معدودی ، آنها که بسبك وروش دیرین اطلاعات آشنا میباشند ، آنها که از بدو انتشار این روزنامه پیوسته روابط معنوی باما داشته اند دانستند که ما در این خصوص هیچ گونه نظر شخصی و خصوصی نداشته‌ایم و جز صلاح و صرفه مردم ومملکت راهی نپیموده‌ایم ، زیرا این دسته اخیر بخوبی باروش ما آشنا شده ویقین داشتند که ما گرد منافع خصوصی نیستیم واگر بودیم گرد حکومتهائی مثل حکومت آقای قوام السلطنه جمع میشدیم نه اینکه سنگ حکومت فروغی یا حکیم الملك را بسینه بزنیم وهرگونه افترا و تهمتی را جواب ندهیم و روش خودرا عوض نکنیم .

* * *

روش کلی وعمومی اطلاعات اینست که وقتی حکومتی روی کار آمد، اگر معتقد بآن حکومت است جداً مدافع آن دولت واقع میشود که در تمام این مدت فقط در دو مورد حکومت فروغی وحکیمی نظیر پیدا کرد والا روش موافقت بخود میگیرد، از کارهای خوب حمایت وپشتیبانی میکند وکارهای بدرا انتقاد وخرده گیری مینماید وهرگز درمقام برانداختن یکدولت وآوردن دولت دیگری برنمیآید زیرا درهرحال به بقا ودوام حکومت ها معتقد است مگر اینکه آن حکومت مضر تشخیص داده شود وهمینکه حکومتی ساقط شد وحکومت دیگری روی کار آمد ، دیگر بحکومت گذشته توجه نمیکند بلکه سعی وهمت خودرا روی موفقیت حکومت جدید میگذارد که شاید این حکومت نائل بکار های مفید وخدماتی شود.

بنابراین حکومت هائی که روی کار آمده اند غیراز حکومت قوام السلطنه وبعد از او حکومت هژیر بقیه تاروز آخر مورد تقویت روزنامه اطلاعات قرار داشته اند یا اگر حمایت نشده اند کارشکنی واخلال در کار آنها نشده است.

اساس وریشهٔ اختلاف نظر بین قوام السلطنه و روزنامه اطلاعات از حکومت مرحوم فروغی شروع شده اطلاعات از حکومت فروغی حمایت میکرد ، مخالفین دولت را سخت انتقاد می نمود وچون قوام السلطنه بوسیله طرفداران خود در مجلس سیزدهم فعالیت شدید می نمود واین فعالیت ها بامقاومت اطلاعات خنثی میگردید رفته رفته عنادی بوجود آورد بخصوص پس از استعفای فروغی و صدور قطعنامه ای که بضرر آقای قوام بود او از این پیش آمد سخت متاثر شد وناچار چندی کناره گرفت وچون بعد از فروغی و عدم موفقیت قوام ، دولت سهیلی روی کار آمد ، جمعی بر این عقیده شدند که مخالفت من با قوام بخاطر روی کار آمدن سهیلی بود ، درصورتیکه سعی ومجاهدت من بطور قطع برای تجدید تشکیل حکومت فروغی بود که متاسفانه آنمرحوم شانه خالی کرد و مخفی شد و چون قوام السلطنه هم موقع را مقتضی ندانست مجلس بفکر شخص ثالثی افتاد و بواسطه توصیه مرحوم فروغی و وجود طرفدارانی برای مرحوم آهی وسهیلی بالاخره همه در انتخاب سهیلی اتفاق نظر حاصل کردند. بنابراین مخالفت من با قوام السلطنه در آنروز صرفا برای نگاهداری فروغی بود نه روی کار آمدن آقای سهیلی البته با آمدن ایشان نیز کمال موافقت را داشتم وحکومت ایشان هم مورد تائید اطلاعات قرار گرفت وحکومت آقای سهیلی ، در دوبار که مصدر کار شد کارهای مفیدی انجام داد که مهمترین آن صدور اعلامیه تهران برای شناسائی استقلال وحاکمیت کشور وسایر مسائل بین المللی بود که آقای سهیلی در این خدمت مقدس سهمی بسزا دارند ،

بعد از زمان کوتاهی کابینه اول سهیلی دچار مخالفت شدید مجلس گردید ، این مخالفت از ناحیه قوام السلطنه سرچشمه میگرفت زیرا او مصمم بود زمام امور را بدست گیرد وبالاخره هم موفقیت حاصل نمود باین ترتیب که آقای سهیلی چون عرصه را برخود تنگ دید بدون اینکه رای اعتماد بدولت او داده شود پس از چهار ماه ونیم تصدی امور ، خود شخصا در پشت تریبون مجلس استعفا داد و رفت ومیدان را برای رقیب خود باز گذاشت .

وقتی آقای قوام‌السلطنه روی کار آمد ، اطلاعات برتسیب شوروا درپشتیبانی ازحکومت‌ها کاملا رعایت کرده در سرمقاله ۱۱ مرداد که فرمان نخست‌وزیری ایشان روی تمایل اکثریت مجلس صادرشد نوشت :

هواخواهی ما از دولت : خوانندگانی که بسبک وروش ما آشنائی دارند میدانند که هدف‌ما درهمه حال رعایت مصلحت کشور ومنافع ملت ایران است. کوشش ما درایجاد وحدت واتفاق واتحاد بین طبقات ملت برای اینست که گیتی دستخوش آتش جنگ وخطر ازهرسوی بایران نزدیک است ونخستین وظیفه ما ترک همه نوع نظر های شخصی وخصوصی وایجاد وحدت ویگانگی بین ملت است ، مااگر دراین مدت ازدولت‌های وقت که روی نظر وعقیده اکثریت مجلس روی کار آمدند هواخواهی نمودیم برای اینست که معتقدیم درحال حاضر دولت میتواند ازعهده انجام وظایف خطیر خود برآید که افکار عموی ومردم ومجلس ومطبوعات پشتیبان او باشند واو راتقویت نمایند والا ازدولت ضعیف وناتوان کاری ساخته نیست.

بااینهمه ما بشهادت اوراق روزنامه خود هیچوقت ازخطاها ومعایبی که درکار دولت میدیدیم چشم‌پوشی نمیکردیم وروزی نبود که دراطلاعات یك انتقاد بجائی ازکارهای دولت نباشد یاتذکر وپیشنهاد مفیدی نکرده باشیم وچون این پیشنهادها ونظرها هیچوقت آلوده بغرض نبود اغلب مؤثر واقع گردیده وبنفع جامعه انجام می‌شد .

ما باضعیف ساختن ومتزلزل نمودن دولت وسوق کشور باغتشاش وهرج ومرج جداً مخالفیم و با این منشٔ افکار خطرناك مبارزه مینمائیم.

اکنون‌هم باردیگر اعلام می کنیم که ماهیچوقت نظر باشخاص نداشته وغرض ما تقویت دولت برای موفقیت درخدمت بملت میباشد وباینجهت باآقای قوام موافقت داریم وامیدواریم ایشان موفق شوند مستدعیات ملت را انجام داده بخصوص نان وخواربار وآسایش وامنیت مردم را تأمین کنند ونگرانی واضطراب عامه را برطرف سازند. البته اگر آقای قوام توانستند خدمات شایسته‌ای بکشور انجام دهند طبیعی است مانیز از پشتیبانی ایشان دریغ نخواهیم کرد وبدیهی است دراین‌حال خبط وخطاها نیز چشم‌پوشی نمیشود وهرگونه عیب ونقص درکارها را مثل همیشه باهمان رویه متین وبیغرضانه خود گوشزد خواهیم کرد»

چندروز بعد که دولت آقای قوام بمجلس معرفی شد عکس نخست‌وزیر درصفحه اول چاپ گردید ووزیران از اینقرار تعیین شدند :

آقایان صادق وحکیمی وزیرمشاور ، دکتر مرزبان بهداری ، علیرضا قراگوزلو دادگستری ، باقر کاظمی کشور ، حمیدسیاح پست ، عضدی راه ، هژیر بازرگانی وپیشه‌وهنر ، احمدحسین عدل کشاورزی ، ساعدخارجه ، دکتر سیاسی فرهنگ. معرفی وزیر دارائی ووزیرجنگ راهم بعد موکول نمودند ومجلس ۱۰۹ رأی بدولت داد

اطلاعات مقالاتی پیرامون تقویت دولت انتشار میداد ودرشماره ۲۳ مرداد تحت‌عنوان همکاری دولت ومجلس نوشت: «آرزوی ما اینست دراین‌موقع همانطور که اتفاق نظر کامل میان‌مجلس ودولت بر قرار است رشته وحدت واتفاق نظر میان افراد ملت نیز استوار گردد وهرگونه اختلافات خرد وبزرگ ازمیان افراد جامعه رخت بربندد ، باید همه افکار پراکنده و متشتت را بیکسو نهاد دست بدامان وحدت و یگانگی زد تا همه‌کارها اصلاح گردد ازخداوند خواهانیم که این‌وحدت واتفاق دولت ومجلس درایجاد وحدت نظرمیان افرادملت نیز مؤثر واقع‌شده بتوانیم برمشکلات عموی فائق آئیم.

اعتراض برویه متفقین درخصوص زندانی کردن جمعی از رجال

اولین واقعه ناگواریکه در بدو نخست‌وزیری قوام‌السلطنه بوقوع یافت انجام توقع متفقین در زندانی کردن جمعی از رجال ومحترمین و افراد مؤثر ایرانی بود که عنوان همکاری با آلمان‌ها راروی آن گذاشته بودند .

روز ۱۵ مرداد درحدود پنجاه نفراشخاص طبق صورتی که سفارت انگلیس وسفارت‌شوروی داده بودند از طرف شهربانی دستگیر وزندانی شدند و بعدها در اثر فشار زیادی که خارجی ها بدولت وارد آوردند از مامورین ایرانی تحویل گرفته در مناطق اشغالی خود تحت نظر قرار دادند و تا پایان جنگ آن ها را نگاهداشتند .

اطلاعات در دنبال اخبار اعتراض آمیزی که انتشار داد در شماره ۲۹ مرداد مقالهٔ انتقادی‌سختی منتشر ساخت و این جریانرا برخلاف قانون وحق و عدالت و خلاف آزادی و دموکراسی دانست و گفت متفقین ماحتی خلاف عهدنامه‌ای که بادولت منعقد ساخته رفتار کرده‌اند .

همانطورکه ملت ایران در مدت یکسال که ارتش متفقین در ایران اقامت دارد با کمال محبت و نجابت همکاری و مساعدت و مهمان نوازی خود را دریغ نداشته و رعایت اصول و مقررات پیمان منعقده را نموده همانطور هم حاضر نیستند از طرف متفقین رعایت حق و حقوق ملی ایران نشود و بعقیده ما دیپلماسی دول متحد ما دراین مورد نباید تحت تاثیر سیاست سخت نظامی قرار گیرد، توقیف یکعده اشخاص از محترمین و رجال خوب کشور بدون اینکه معلوم شود تقصیرشان چیست، بدون اینکه از آنها تحقیق شود که گناهشان را بدانند، نه تنها مخالف نص صریح قانون اساسی و قوانین جزائی ما و برخلاف عهدنامه دوستی است بلکه برخلاف تمام قوانین و آدابی است که درمیان تمام ملل متمدن جهان معمول میباشد و برخلاف حقوق بشری و آزادی و منشور اتلانتیك است که متفقین ما میگویند برای خاطر آن میجنگیم.... الی آخر

این پیش آمد موقعیت قوام السلطنه را درمجلس متزلزل ساخت، حس بدبینی درمجلس پیدا شد که چرا دولت بدون دلیل و دردست داشتن اسناد و مدارکی دال برتقصیر اشخاص، یکعده از رجال و مردم محترم را تحویل اجانب داده و تسلیم نظر آنها شده‌اند از آن پس انتقاد و تعرض نسبت بدولت درمجلس آغاز گردید .

هر روز مشکلات زندگی درنتیجه اشغال ایران بیشتر میشد

وضعیت نان شهر فوق العاده خراب شده بود، دستگاه نانوائی سیلو بکار افتاده بود ولی نانی که از سیلو بدست بمردم داده میشد باندازه‌ای ناگوار و خراب و غیرمأکول بود که موجب تلف شدن چندنفر و پیدایش امراض بین مردم میشد، این پیش آمد نیز برخلاف انتظار مردم بود زیرا کمیابی گندم و بدی نان قبل از آمدن حکومت قوام السلطنه آنقدر نبود که درزمان او ظاهر شد ، شدت قحطسالی که درسال ۱۳۲۱ بوجود آمد و چندین ماه دوام یافت در همین تاریخ یعنی از نیمه شهریور تا اواخر سال ۱۳۲۱ بود . علل آن بسیار و یکی از آنها ناامنی و غارتگری بعد از شهریور ۲۰ بود که رعایا و مالکین نتوانستند محصول خود را خوب جمع آوری نمایند و بعلاوه موفق بکشت نشدند و از طرفی اشغال مملکت از طرف قوای متفقین برمصرف گندم افزوده بود و از همه بدتر اینکه راه صدور غله بازشده و بخصوص از شمال و غرب ایران مقادیر زیادی برنج و گندم و گاو و گوسفند و چهارپایان دیگر خارج شد و موجب تنگی و مضیقه شدید و قحطی گردید و تلفات بسیاری درتمام مملکت وارد آمد.

متفقین با اینکه میگفتند احتیاجاتشان از خارج تامین میشود مطلب صحیح نبود، سربار آذوقه ایران بودند و قسمت زیادی از تنگی و گرانی ارزاق مربوط بتأمین احتیاجات آنها بود فقط قوای متفق آمریکائی بودند که کلیه احتیاجات خود را همراه آورده و مرتب کشتی های آذوقه و لوازم و احتیاجات برای سربازان خود وارد میکردند و همه چیز داشتند و خرید آنها از بازار ایران محدود بچند قلم سبزیجات بود

این عوامل دست بهم داده وقحطی و تنگی را بوجود آورده و موجبات نارضایتی مردم را فراهم نموده بود

یکی از مسائلی که برگرانی اجناس و ارزاق کمك میکرد نشر اسکناس بود که طبق قرارداد مالی ایران و انگلستان که در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۲۱ بامضای نمایندگان دولتین رسیده بود دولت ایران بایستی احتیاجات ریالی متفقین را بدهد و در آخر هر شش ماه معادل صدی چهل آنچه ریال از ما گرفته اند بنرخ رسمی طلا بپردازند که پشتوانه اسکناس باشد و صدی شصت هم احتیاجات جنسی کشور را از حیث قند و شکر و قماش و لاستیك وغیره تامین نمایند و برای این کار لایحه ای درشهریور ماه ۲۱ بمجلس داده شد که اجازه انتشار سیصد میلیون تومان اسکناس داده شود . این پیشنهاد بتصویب رسید ولی تورم پول هر روز سبب بالا رفتن اجناس و مضیقه زندگی طبقات پائین میگردید.

ویندل ویلکی چند روزی در تهران بسر برد

ویندل ویلکی که از شخصیت های مهم امریکا و نامزد ریاست جمهوری آن کشور بود چند روزی بتهران آمد ، مشارالیه که نماینده مخصوص رئیس جمهور بود درضمن پیامی که بوسیله رادیو منتشر شد گفت: «کلیه مردم آمریکا بدون توجه باحزاب مختلفه متحد و متفق هستند و قصد دارند که نیروهای محور را شکست دهند. ما مصمم هستیم پس از جنگ ارتباط عادلانه‌ای مابین ملتهای جهان برقرار کنیم و کلیه مردم شرافتمندانه و آزادانه زندگی نمایند.»

مخبر روزنامهٔ اطلاعات با ویندل ویلکی مصاحبه نمود ودر سر مقاله ۲٤ شهریور نوشتیم : «شما قطعا آگاهید که ملت ایران بدون اینکه هیچگونه مسئولیتی در این جنگ و پیکارجهانی داشته باشد کمک ویاری نسبت بمتفقین را بعهده گرفت ، راهها ، راه آهن و آنچه را برای پیشرفت متفقین لازم بود از روی کمال صمیمیت در اختیار آنها گذاشت متفقین بخصوص رئیس جمهور امریکا وعده کمک و مساعدت های اقتصادی دادند وموافقت کردند خسارت های ما را جبران کنند و حوائج کشوررا تامین نمایند و حتی روزولت ایران را شامل مقررات قانون وام و اجاره نمود و ملت ایران را بکمک امریکا امیدوار ساخت و اینک ما از شما که بزرگترین شخصیت امریکا هستید انتظارداریم گرفتاریها و بدبختی ها و مشقات ملت ایران را که درجنگ متحمل شده است درنظر بگیرید و بما کمک کنید.»

ویندل ویلکی پس ازچند روز اقامت ومشاهده وضع فلاکت بارمردم با خاطرات تاثر آوری از کشور ایران رفت وبعدها کتابی انتشار داد که وضع زندگی مردم ایران راسخت انتقاد نمود وبخصوص از موضوع آب مشروب پایتخت اظهار نگرانی وبد بینی شدید نمود . ویندل ویلکی متاسفانه پس از چند ماه که ازمسافرت طولانی خود در بسیاری از کشورهای جهان مراجعت کرده بوددر گذشت و نسبت بآنچه درایران وعده مساعدت داده بود اثری ظاهر نگردید

مضیقه کاغذ موجب شد که اطلاعات دردو صفحه انتشار یابد.

روزنامه اطلاعات که پیش ازجنگ مرتبا در ۱۲ صفحه انتشار می یافت و گاهی در ۱٦ صفحه منتشر میگردید تحت تاثیر عوامل جنگ ونرسیدن کاغذ وبسته بودن راهها هرچند ماه ازصفحاتش کاسته شدومطالب آن محدود گردیدتا تاریخ چهارم مهرماه که در دوصفحه انتشار یافت ومدتی بهمین وضع ادامه پیدا کرد ؛ این صرفه جوئی کمال لزوم راداشت زیرادر غیراین صورت روزنامه دچار تعطیل می گردید علاوه اگردرصدد برمیآمدیم که از کاغذ نوع جراید دیگر استفاده کنیم وروزنامه رابا ماشین های معمولی هم بطبع برسانیم بواسطه زیادی مصرف کاغذ اطلاعات قیمت کاغذ دربازار ترقی بسیار می نمودو روزگارسایر مطبوعات طاقت فرسا وغیرقابل تحمل میکردید وما پیوسته این ملاحظات را داشتیم .

اصولا درهمه وقت اطلاعات سعی داشت مصرف کاغذ روزنامه ونشریات خود را از خارج تهیه کند تا تحمیل بربازار ایران نشود ومشکلاتی برای سایر همکاران بوجودنیاورد و عجب اینستکه باوجودتعقیب چنین رویه ای بازمورد بی لطفی بعضی ازهمکاران آنروز خود برای کاغذ واقع میشدیم. همینکه مقداری کاغذ لوله که مخصوص چاپ اطلاعات است درذخیره و انبارروزنامه میدیدند بدون توجه باینکه مصرف روزنامه زیاد است واین مقدار ذخیره هرچند ماه تمام میشود توقع گرفتن مقداری کاغذاز مامینمودند وهمینکه انجام نمیشد مورد تهمت وافترا قرارمی گرفتیم و نسبت های عجیب وغریب برما وارد میاوردند وچون ما نمیخواستیم خود رادر کشمکش وجنجال وارد نمائیم وبر هرج ومرج فکری وآشفتگی بیفزائیم همین سکوت ورویه متین مابیشتر بر تجری بعضی ازآنان میافزود وهر یك مدتی بدگوئی میکردند وچون عکس العملی نمیدیدند ازسکوت ما خسته شده پس از چندی دنباله فحش وتهمت را رها مینمودند ولی بازهرچند یکبار بهانه ای پیدا کرده داغ دلی ازمامیگرفتند .

پانصد میلیون ریال اعتبار برای تدارك خواربار

مشکلات آذوقه و گرانی قیمت اجناس روزبروز بیشترمیشد وبرای اینکه دولت بتواند خواربار و احتیاجات عمومی را تدارك کند دولت لایحه ای تقدیم مجلس نمود که طبق آن لایحه اجازه داده شود مبلغ پانصد میلیون ریال اسکناس بچاپ برسد و ازاین راه گشایشی درتامین خواربار وخرید غله بعمل آید.

وقتی این لایحه درجلسهٔ ۲۹ مهر مطرح شد بنده پیشنهادی تقدیم داشتم مبنی بر اینکه دولت لایحه چاپ اسکناس راکه مسبب گرانی اجناس ومایحتاج عامه است مسکوت بگذارد واحتیاجات پولی را بوسیله وضع مالیات بر درآمدزمان جنگ تامین نماید ودرطی نطقی در مجلس گفتم که مخالفت من نه برای تدارك آذوقه برای مردم است بلکه بلحاظ جلوگیری ازانتشار مجدداسکناس وتحمیل برخزانه مملکت میباشد که بالمال تحمیل بر توده مردم میشود زیرااز یکطرف بااین رویه ما میخواهیم نان ارزان بمردم بدهیم ولی متوجه نیستیم که با این عمل بیش از این مبلغ بر نرخ سایر احتیاجات مردم خواهیم افزود.

در چنین روزگار مشکلی باید قوه خرید افرادرامساوی کرده انجام این عمل یکی بوسیله جیره بندی است که

اغنیا و توانگران نتوانند مایحتاج سایر مردم را بخرند و از بازار خارج کنند دیگر اینکه با وضع مالیات‌های سنگین بر طبقه توانگران بنام مالیات زمان جنگ تعادل اقتصادی و مالی تا حدی میان طبقات عامه حفظ شود و دولت هم برای هزینه‌های ضروری از این راه عایداتی بدست آورد و محتاج باین نشر اسکناس که مسلماً مضراتی در بردارد نگردد بعلاوه دولت باید بوسایل مقتضی آزادی خرید افراد داخلی و خارجی را در بازار محدود نماید تا کسی نتواند بیش از احتیاج خود با قیمت گران هر متاعی را خریداری و عرصه را بر ضعفا تنگ نماید، مخصوصاً باید خریدهای خارجیها از بازار آزاد تحت نظر و بازرسی دولت در آید.

این پیشنهاد آنروز مورد توجه واقع نگردید و لایحه دولت بتصویب رسید ولی بعدها همه در عمل متوجه شدند که این کار متضمن معایب بسیاری بود، کمکی را که دولت و مجلس تصور می‌نمودند از این راه میتوان بر مردم مستمند کرده نشد و فشار و تحمیلات و زحمات مردم روز بروز زیادتر گردید و بعد از چندی لایحه‌ای از طرف دولت تقدیم مجلس گردید که در مقدمه آن نوشته شده بود میزان بخشودگی نسبت به پیشه‌وران و حقوق بگیران سالیانه ۲۷۰۰ ریال بشود و بر مالیات کسانی که در آمد متوسطی دارند چیزی اضافه نگردد و فقط در میزان نرخ در آمدهای سرشار ناشیه از حوادث جنگ و بیش آمدهای فوق‌العاده تغییراتی بسود جامعه و خزانه دولت داده شود و این ترتیب فقط تا مدت جنگ جهانی برقرار باشد.

ولی در متن لایحه منظور اصلی تأمین نشده بلکه فقط در اقلام مالیات بر در آمد تغییراتی داده شده بود بهمین جهت مورد مخالفت واقع گردید و چون موضوع استخدام دکتر میلسپو در پیش بود و مجلس در این باب تسریع می‌نمود که رئیس کل مالیه زودتر از امریکا خواسته شود، باین جهت لایحه مزبور مسکوت ماند تا با نظر دکتر میلسپو تنظیم شود.

اگر قانون اجازه انتشار اسکناس بتصویب نرسیده بود..؟

از وقایع مهم دیگر بعد از شهریور موضوع توقع مالی متفقین است که ابتدا لایحه دولت در این خصوص مورد مخالفت مجلس قرار گرفت و چیزی نمانده بود که وضع ناگواری پیدا شود و قوای متفقین امور کشور ما را در دست گیرند و رسما مداخله کنند ولی مقاومت مجلس در روز پنجشنبه ۲۹ آبان ۲۱ و باقیماندن وکلا در مجلس تا نیمه شب این نقشه را برهم زد و اختلاف بین دولت و قوام‌السلطنه و مجلس از آنروز شدت یافت.
تفصیل واقعه از اینقرار است:

در تاریخ ۲۲ مهر لایحه‌ای با امضای قوام و کاظمی وزیر دارائی تقدیم مجلس گردید که اجازه انتشار دو هزار میلیون ریال یا دویست میلیون تومان اسکناس داده شود تا خواربار عمومی تدارک شود و احتیاجات ریالی متفقین نیز انجام گردد.

این لایحه ابتدا مورد مخالفت مجلس قرار گرفت و نظر مجلسیان این بود که فورمول بهتری برای تأمین پشتوانه اسکناس از طرف دولت در نظر گرفته شود و بهمین جهت پس از چندی که این لایحه در کمیسیونها معطل ماند دولت پانصد میلیون ریال آنرا برای تدارک خواربار جدا کرد و بتصویب رساند و بقیه معوق ماند و بعد هم آقای کاظمی وزیر دارائی بعلت عدم توافقی که با آقای قوام داشت استعفا داد.

از آنطرف مامورین شوروی و انگلستان برای احتیاجات ریالی خود هر روز بدولت فشار می‌آوردند و از دولت میخواستند که تکلیف این کار را معین کند در همین ایام بود که مخالفت مجلس با دولت شدت می‌یافت و عدم موافقت مجلس با لایحه جنبه مخالفت با متفقین را نداشت بلکه بیشتر برای ابراز مخالفت با دولت قوام بود، ایشان هم که این حقیقت را دریافته بودند نسبت بگذراندن لایحه مزبور آنقدرها ابراز علاقه نمیکردند و اهمیت آن را گوشزد مجلس نمی‌نمودند.

بدیهی است، تعویق تصویب لایحه نشانه مخالفت صریح مجلس با متفقین تلقی میگردید که نمایندگان از آن بی‌خبر بودند و تصور نمیکردند که چنین افکاری وجود داشته باشد زیرا در مورد لایحه هر چند یکبار تذکر بدولت میدادند که راه حل مناسبتری پیدا کنند و دولت هم راه دیگری بنظرش نمیرسید و اینکار همچنان معوق میماند و احتیاجات قوای متفقین برای گرفتن پول روز بروز شدید تر میشد.

در این موقع آقای قوام‌السلطنه در مقام آن بر آمدند اختیاراتی از مجلس بگیرند. روز ۲۶ آبان جلسه خصوصی مجلس تشکیل گردید و آقای قوام لایحه‌ای که برای گرفتن اختیارات از مجلس تهیه نموده بودند خواندند.

لایحه مزبور تحت ماده واحده وبدین مضمون بود :

«مجلس شورای ملی به نخست دولت فعلی اختیارمیدهد که تا آخرشهریورماه ۱۳۲۲ برای حفظ امنیت کشور وفراهم کردن موجبات تهیه وحمل خواربار وسایرحوائج ضروری ازداخله وخارجه وجیره‌بندی و توزیع عادلانهٔ مایحتاج عمومی وجلوگیری ازگرانی هزینهٔ زندگی وتعدیل وتثبیت نرخها وتامین وسایط باربری بحد کافی و ممانعت از موجبات هیجان افکار وعملیات ومعاملات مضر بانجام مقاصد مزبور هراقدامی را که لازم بداند بعمل آورد وهرگونه مقرراتی که برای این منظورمقتضی باشد فوراً بموقع اجرا گذارد، درصورتیکه تامین مقاصد مزبور مستلزم تجدید نظر درقوانین مربوط بپول رایج کشور بشود دولت مکلف است اصل شصت درصد پشتوانه اسکناس را براساس نرخ رسمی بین‌المللی زروسیم محفوظ بدارد ومقرراتی‌را که دولت باستناد این‌قانون وضع می‌نماید دارای اعتبارقانونی است وپس ازانقضاء شهریور ۲۲ کلیه این مقررات برای‌تصویب مجلس‌شورای ملی تقدیم میگردد وتاوقتیکه ازطرف مجلس اصلاح ویارد نشده‌باشد باعتبار قانونی باقی خواهد بود»

این لایحه بامخالفت شدید نمایندگان مواجه شد وگفتند دادن اختیارات تام بدولت بر خلاف مصلحت کشور ومخالف قانون‌اساسی‌است ودراینصورت وجود مجلس زائد خواهد بود واگربرای جلوگیری از احتکار و گرانفروشی وتامین ارزاق‌است که قوانین جداگانه وضع شده ومورد ندارد واگربرای تامین احتیاجات پولی متفقین است اقتضادارد دراین باره دولت بامشورت مجلس اقدام نماید تاتهمت فشار قرارنگیرد وکاری بر خلاف مصلحت انجام نشود وتاکید نمودندکه درباره پرداخت پول متفقین،دولت لایحه جدیدی پیشنهاد نماید بتصویب خواهیم‌رسانید ولی دولت‌دراین‌باره اقدامی بعمل نیاورد

معلوم‌می‌شود رد لایحه اختیارات دولت آخرین‌روزنه امیدمتفقین رابسته‌وساخت، زیرا آنها انتظارمیکشیدند که باگرفتن اختیارات تام دولت خواهد توانست همه قسم احتیاجات آنهارا مرتفع سازد وبا ین ترتیب دیگر هیچ راهی باقی‌نمانده است جزاینکه مجلس تعطیل‌گردد وخودشان مداخله درکارها نمایند.

دو روز بعد ، یعنی روز ۵ شنبه ۲٦ آبان‌ماه‌اوضاع و احوال حکایت ها میکرد ، زمزمه های ناسازشنیده میشد ، احساسات مخالفت آمیز نمایندگان برعلیه دولت شدید میگردید، تشکیل جلسه خصوصی را عصرپنجشنبه اطلاع داده بودند و دولت خبردار شده بود که پیشنهاد جدید خود را برای‌گرفتن اعتبار و نشر اسکناس جهت پرداخت متفقین بجلسه خصوصی بیاوردکه پس از مشورت و مطالعه در جلسه علنی بتصویب رسد.

ساعت ۵ عصر همان روز رئیس مجلس برای مشورت بجلسه هیئت وزیران خواسته شدند و چون بطول انجامید از مجلس با تلفن بایشان اطلاع داده شدکه نمایندگان برای تشکیل جلسه علنی وگذراندن لایحه دولت آماده میباشند زودتر بیائید .

پس از مراجعت‌رئیس مجلس حدس نمایندگان بیقین‌مبدل گشت و معلوم شدمتفقین نسبت بمجلس‌فوق‌العاده بدبین شده و تصویب لایحه نشر اسکناس را مخالفت مستقیم مجلس نسبت بخود فرض نموده‌اند. در این خصوص مذاکراتی در جلسه خصوصی شد و بعضی از نمایندگان رئیس دولت را مسئول این پیش آمد دانسته‌و شواهدی در صدق‌گفتار خود اظهار نمودند ونتیجه گرفتند که مخالفت مجلس با دولت نزد متفقین بصورت مخالفت با آنها ظاهر گردیده است . باردیگر بهیئت دولت اطلاع داده شد که مجلس آماده قبول وگذراندن لایحه مربوط به احتیاجات مالی متفقین میباشد بالاخره ساعت ۹ بعد از ظهر آقای قوام‌السلطنه بمجلس‌آمدند و نیمساعت بعدجلسه علنی تشکیل شد و لایحه جدید دولت پس از شور ومطالعاتی‌که تا نیمه شب ادامه یافت بتصویب رسید .

تشکیل این جلسه فوق‌العاده وگذراندن لایحه در نیمه شب‌خواب تازه‌ای‌را که متفقین دیده و نقشه تازه‌ای که‌طرح نموده‌بودند باطل ساخت . درآن روز حدس زده میشد قبل از آنکه سپیده صبح فرا رسد قوای متفقین پایتخت را اشغال نمایند ودر نظر دارند امورکشور را خود در دست‌گیرند ولی عمل مجلس جلوی این‌پیش‌آمد های نامطلوب را گرفت.

مخالفت بادولت قوام شدت یافت

ازاین پس وضع دولت در مجلس مشکلتر شد، مخالفت‌ها علنی گردید و طی نطـق‌های مبسوط حملات شدید بدولت میشد، زیرا اوضاع واحوال مردم‌ومملکت هم هرروز خرابتر می‌گردید، نان مردم براستی‌آجرشده بود، نعلهای سیاه پرازریگ وشن بجای نان سیلو بمردم که ساعت های دراز صف میکشیدند داده میشد، معهذا عده زیادی از بدست آوردن‌همین نان‌سیاه سخت‌تر ازخشت محروم می‌ماندند، قیمت تمام احتیاجات عامه چندبرابر

افزایش یافته و هزینه زندگی طاقت‌فرسا شده و طبقات متوسط بیش از پیش در چنگال سختی و عسرت بسر میبردند.

روزنامه اطلاعات هم به پیروی از افکار عمومی و پیروی از نظر مجلس دیگر نمی‌توانست در برابر این وقایع و بخصوص وضع تاثرآور نان مردم ساکت بنشیند، از این پس یعنی از اوایل آذر ماه ۱۳۲۱ مقالاتی انتقادآمیز از طرز و روش دولت آقای قوام منتشر ساخت و کم‌کم وضع مقالات شدیدتر و صورت مخالفت بخود می‌گرفت ولی بهیچوجه جنبهٔ اهانت و تعرضاتی که در آن‌روز در بیشتر مطبوعات دیده میشد در اطلاعات وجود نداشت، معهذا روش مزبور خارج از اعتدالی بود که همیشه در روزنامه ظاهر بود.

چیزی که بیشتر وضع دولت را متزلزل میساخت روش نمایندگان مخالف در مجلس بود که هر روز بر تعداد آنها افزوده میشد و این جریان در روزنامه اطلاعات منعکس میگردید. بالاخره کار دولت با مجلس بجای حساسی رسید، بجائی که در مورد موضوعی وقتی رای گرفتند دستهٔ مخالفین غلبه داشتند و بهمین‌جهت دولت از حضور در مجلس خودداری داشت و همین موضوع یکی از مسائلی بود که مورد سئوال اطلاعات واقع میشد و در شماره‌های دوسه روز قبل از بلوای ۱۷ آذر اطلاعات در سرمقاله خود می‌نوشت چرا آقای نخست‌وزیر بمجلس حاضر نمیشوند تا تکلیف خودرا معلوم کنند، اگر دارای اکثریت هستند چرا لوایح دولت نمیگذرد و چرا نمی‌آیند که از لوایح دولت دفاع کنند و اگر هم دارای اکثریت نیستند چرا وضع ناگوار و سختی مردم و مملکت را اینطور در بلاتکلیفی نگاه میدارند.

جلسات خصوصی در مجلس تشکیل میشد و بیشتر مذاکرات روی بی‌تکلیفی و نبودن اکثریت برای دولت بود. بالاخره روز دوشنبه ۱۶ آذر تصمیم قطعی گرفته شد که ورقهٔ عدم اعتماد بدولت تنظیم و ابلاغ گردد زیرا دولت بهیچوجه حاضر نمیشد که بمجلس بیاید و رای بگیرد.

در ۱۷ آذر چه گذشت

صبح روز سه‌شنبه ۱۷ آذر ۲۱ یکعده از محصلین، کلاس‌های درس را رها کرده بحال دسته‌جمعی بسمت بهارستان آمدند و کم کم از بیشتر مدارس عالی و متوسطه بهمین‌ترتیب محصلین بسمت مجلس حرکت و بدون هیچگونه مانعی بحال دسته‌جمعی وارد مجلس گردیدند. این اجتماع محصلین طبعاً اجتماع دیگری را بوجود می‌آورد، مردم متفرقه هم بتدریج داخل محصلین میشدند و صحبت‌ها و نطق‌ها روی تمایلات اشخاص متفرقه تغییر میکرد. بخوبی معلوم بود که محصلین هدف مشخصی ندارند، ابتدا اعتراض آنها بوضع خراب نان و کمیابی و سختی معیشت مردم بوده از وکلای ملت میخواستند در این باره فکری بیاندیشند، کم کم جنبه تعرض بوکلا پیدا کردند، همینکه اشخاص متفرقه داخل آنها شدند نحوه صحبت عوض شده برعلیه دولت حرف میزدند، سقوط دولت را میخواستند و یکدسته به مجلسیان می‌تاختند و دسته‌ای برضد دولت صحبت میکردند، هرکس که روی بلندی میرفت و برای آنها صحبتی میکرد و هر مقصدی داشت مخالف یا موافق دولت مستمعین همان وضع و حالت را بخود میگرفتند، اگر ناطق فریاد میکرد زنده‌باد مجلس، همه آنها که دور او جمع بودند همان را تکرار میکردند، اگر فریاد میکرد زنده‌باد دولت همان را میگفتند، هیچ معلوم نشد آن دسته‌های اولی که وارد مجلس شدند تحت تاثیر چه عواملی بودند آیا برای این می‌آمدند که دولت زودتر ساقط شود؟ در این صورت این سئوال مورد پیدا میکرد که چطور دولت و وزارت فرهنگ موافقت کردند و اجازه دادند مدارس را تعطیل کرده با کمال سادگی و سهولت در مجلس حضور پیدا کنند، و یا اینکه برای این آمده بودند که نگذارند مجلس تشکیل شود، نمایندگان را تهدید کنند و مانع اخذ تصمیم برعلیه دولت شوند، یعنی وقتی جلسه و اجتماعی از نمایندگان وجود پیدا نکرد طبیعی است تصمیمی نخواهند گرفت و دولت باقی خواهد ماند، این موضوع همچنان در پرده ابهام باقی ماند و نخواستند منشاء اصلی تحریکات را پیدا کنند و بدانند آن کسانی که باعث شدند جوانان محصل کلاسها را ترک نموده و در مجلس حضور پیدا کنند از چه ناحیه تحریک شده بودند؟ آیا همانطور که گفته میشد خود دولت محرک بود یا اشخاص دیگر. دولت آقای قوام که چندماه پس از واقعه ۱۷ آذر زمام امور را در دست داشت درباره یافتن محرکین اصلی کوچکترین قدمی برنداشت و تمام سعی و اهتمام دولت صرف مغلوب ساختن مخالفین خود گردید، تمام دستگاه‌ها طرف رسیدن بنقطه اصلی تحریک اولیه را کنار گذاشتند و جمعی از مخالفین قوام‌السلطنه را زندانی و تحت استنطاق قرار دادند و مدت‌ها مردم را سرگرم این عمل بیهوده نمودند و بعد پرونده ۱۷ آذر را کنار گذاشتند، در این صورت برای هر شخص بیطرفی چه فکر پیدا میشود، طرح این نقشه کودکانه را منتسب بکی میدانند؟

این نقشه طوری طرح شده بود که نتیجهٔ آن جلوگیری از تشکیل مجلس و یا تحت تأثیر قرار دادن نمایندگان در اخذ تصمیم آن روز نسبت بدولت بود ولی متأسفانه رشته از دست طرح کنندگان نقشه بدر رفت یکدسته چند هزار نفری محصل جوان، بی نقشه و بی اراده بداخل مجلس آمدند و تحت تأثیر عوامل مختلفی که مثل گرگ بین آنها ریخته قرار گرفتند، باهر نغمه ای ساز شدند، بهر صدائی زنده باد و مرده باد گفتند و رفته رفته اجتماع مردم متفرقه ، اشخاص بیکاره و ماجراجو، رشتهٔ نظم و ترتیب محصلین را که مایل بودند رعایت شود برهم زد و کردند آنچه نباید بشود .

ماجراجویان اول باطاق جلسه خصوصی ریختند، پرده ها را پاره کردند ، صندلی ها را بهم ریختند به نمایندگان توهین کردند و بعد بتالار جلسه علنی رفتند و خرابی و خسارات بسیار وارد آوردند و نزدیک ظهر چندین هزار نفر جمعیت متفرقه که از محلات مختلف شهری آمدند باجتماع کنندگان پیوستند و دیگر هیچ قوه و قدرتی در داخل مجلس قادر بحفظ نظم و انضباط نبود

بیشتر نمایندگان مجلس از دیدن این وضع خطرناک فرار کردند و چند نفر بین آنها باقی بودند که پیوسته سعی میکردند مردم را بآرامش و سکوت و تفرقه دعوت نمایند ولی بیحاصل بود بالاخره ناطقی از پنجره اطاق بالا برای مردم صحبت کرد و گفت از چند نفر نمایندگانی که حضور دارند توقع می کنیم که حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شده مطالب ما را بعرض رسانیده و تقاضا کنند اعلیحضرت شخصا در اینجا تشریف آورده اطمینان بدهند یا اعلامیه ای صادر فرمایند تا مردم اعتماد یافته خارج شوند والا از اینجا بیرون نخواهیم رفت چند نفر از نمایندگان از جمله آقایان صدرالاشراف ، یمین اسفندیاری ، تهرانچی ، مرحوم میرسید احمد بهبهانی ، حسن اکبر عباس مسعودی تعیین شدند و از بین جمعیت خارج شده بدربار رفتیم و بلافاصله حضور همایونی شرفیاب شدیم . شاه از این وقایع بسیار متالم و متأثر و پس از چند دقیقه صحبت در اطراف ماجرا، اعلیحضرت فرمودند صدور بیانیه مورد ندارد خود آقایان مطالب مرا بصورت پیام از طرف من بمردم بگوئید و آنها را دعوت بآرامش و تفرقه و خروج از محوطه مجلس نمائید و بگوئید که این اخلال و بی نظمی برای کشور زیان آور و این وضعی که بمجلس هجوم آورده اند جز خسارت ملت و مملکت حاصلی ندارد و هیچ کاری از پیش نخواهد رفت.

نمایندگان مزبور از کاخ سلطنتی یکسر بمجلس آمدند ، در این موقع ازدحام بیشتر شده و عناصر مشکوک و اجامر و اوباش در بین مردم زیاد دیده می شد ، همینکه چند تن از جوانان مرا دیدند ، گفتند چه شد، همه منتظرند گفتم مطالبی دارم که باید باطلاع عموم برسانم ، موجی از جمعیت مرا تا بالا کشانید و از سرسرا بالا برد و دوباره پائین آورد و من در این موقع از خود اختیاری نداشتم ، این موج جمعیت بود که مرا اینطرف و آنطرف میکشاند ، من از رفقای دیگر که از دربار برگشتیم بکلی بی اطلاع ماندم بعد معلوم شد این بی احتیاطی را فقط بنده و آقای صدرالاشراف نمودیم که خود را وارد معرکه ساخته و خواستیم بتکلیف خود و رسانیدن پیام شاهانه بمردم رفتار کرده باشیم، سایرین همینکه وضع را نامساعد دیدند از ورود در جمعیت اجتناب کرده بکلی کناره گرفتند و از میدان خارج شدند .

در محوطه عمارت، کنار اداره بازرسی مجلس مرا بالای سکوئی کردند و گفتند از اینجا برای مردم صحبت کن هنوز چند کلمه حرف نزده بودم که ناگهان یکی دو نفر از میان جمعیت شروع بهتاکی و پرخاش نمودند و کلام مرا قطع کردند ، چند نفر بطرفداری من قیام کردند ولی بیحاصل بود و کتک خوردند زیرا باستثنای عده معدودی که در آنجا مرا می شناختند سایر مردم که برای ماجراجوئی آمده بودند توجه نداشتند که بحرفهای من گوش بدهند یا تحقیق کنند که این ناطق کیست باینجهت با چند نفر آنهائی که تصمیم گرفته بودند مرا آنروز نابود کنند همصدائی کردند و وضع صورت وحشت آوری بخود گرفت ، چند تن از جوانان غیرتمند و روشنفکر که مرا میشناختند حلقه وار دور مرا گرفتند تا مرا از آسیب حفظ کنند و از مهلکه نجات دهند ، این دستهٔ دوستان مرا بسمت باغ بهارستان هدایت کردند که از در چاپخانه خارج سازند، همینکه بحرکت آمدیم موج جمعیت هم بر ضد من بدون اینکه مرا بشناسند تحریک شده چندهزار نفر بسمت باغ روانه شدند، در داخل خیابانهای باغ بر من هجوم آوردند و از چوب درختان و شاخه های شمشادان که از ریشه میکندند استفاده کرده برسر و مغز من و کسانی که زنجیری دور من تشکیل داده بودند فرود می آوردند وسعی مهاجمین اصلی این بود که مرا از چنگ آن چند نفر بیرون کشیده طعمهٔ جمعیت سازند ولی تفضل خداوندی شامل حال من بود و ساعتی بعد خود را بیحال روی نیمکتی در اطاق تاریک رختکن مجلس یافتم ، دوستان ناشناسی که صرفا روی علاقه و احساسات و مردانگی مرا از هلاکت نجات دادند پس از آنکه در چاپخانه را بسته دیدند بداخل باغ برگشتند و شیشه در اطاق تلفن را شکستند و مرا از پنجره داخل اطاق کردند و در آنجا در اطاق رختکن

مخفی شدم - در آنجا آقای صدرالاشراف را دیدم که بهمین سرنوشت مبتلا شده بودند ولی قبل از آنکه زیاد آسیب ببینند این مکان پناهنده شده بودند ، ساعت هولناکی در آنجا گذراندیم تا با کمک دوستان و خویشان که خود را به مجلس رسانیده بودند بیرون آمدیم .

عصر بلوا صورت وخیم‌تری پیدا کرد و شب بغارت وچپاول مغازه‌ها ودکاکین و شکستن در و پنجره‌ها منتهی گردید و خسارات سیاری بمردم و کسبه خیابان های لاله‌زار و اسلامبول و نادری وارد ساخت که اگر حکومت نظامی اعلام نشده بود وسپهبد امیر احمدی رشته نظم را بدست نگرفته بود بلوای ۱۷ آذر عواقب بس خطرناکی را بوجود می آورد و بطور قطع انتظامات را اجانب در دست گرفته ولطمه بزرگی به استقلال وحاکمیت مملکت وارد میشد .

من در اینجا ضرور نمیدانم وقایع تاثر آوری که درنتیجه پیش آمد ۱۷ آذر رخ داد شرح دهم زیرا بسیار مفصل وازبحث ماخارج است ، بلکه میخواهم زیان و خساراتی که در "این واقعه متوجه روزنامه اطلاعات و کسان و کارمندان اداره گردید شرح دهم و درحقیقت حادثه را تا آنجا که ارتباط با روزنامه پیدا کرده توضیح دهم .

عصر همان روز ۱۷ آذر اطلاعات هم مثل تمام جراید توقیف گردید و چهل و سه روز در توقیف ماند ، آقای قوام‌السلطنه در صدد برآمد از این حادثه بنفع خود استفاده نماید وحکومت خود را با ازبین بردن مخالفین تحکیم وتثبیت نماید وچنانچه سابقا اشاره کردیم متفقین هم در جریان وقایع مجلس ومشکلات ومخالفت‌های مجلس طرفدار این فکر شده بودند و با ایشان مساعد وموافق شده وفکر بستن مجلس درمغزها پرورانده میشد ، این حادثه که بهیچوجه پیش بینی وخامت آن نشده بود و بطور قطع محرکین اولیه هیچوقت مایل نبودند باین صورت در آید که اطاقهای مجلس را خراب ودکاکین مردم را غارت وچپاول نمایند وبرقراری امنیت بقیمت خون چندتن از مردم بیگناه تمام شود ولی وقتی اهمیت ووخامت آن ظاهر گردید دولت درمقام استفاده از فرصت برآمد ، اول فکری که بداندیشان بآقای قوام‌السلطنه دادند این بود که مخالفین خود را سرکوبی نماید ، توجه ایشان معطوف روزنامه اطلاعات ومدیران آن گردید .

چون من مصونیت پارلمانی داشتم دو برادر مرا دو روز بعد زندانی کردند وچندتن از کارمندان اطلاعات را گرفتند ودرحقیقت درافکارعامه چنین وانمود ساختند که محرك وقایع ۱۷ آذر من وبرادران واعضای اداره اطلاعات بودند درین موقع وسیله‌ای هم برای دفاع اشخاص وجود نداشت روزنامه‌ها تعطیل بود ویك روزنامه دولتی بنام اخبار روز منتشر میشد ، مجلس هم بواسطه خرابی بسته بود ونخست وزیر میل نداشت دوباره دائر و افتتاح گردد وحتی بنمایندگان مجلس اجازه داده نمیشد که درمجلس اجتماع نمایند و ممانعت از ورود آنها میگردید ، مخالفین دیگر دولت هم دربین مطبوعات گرفتار شدند وبعضی‌ها هم که در مطبوعات داخل نبودند چون درخارج در زمره مخالفین قوام‌السلطنه بودند زندانی شدند باین ترتیب دولت در مقام تصفیه برآمد وروی همین نقشه مجرای تحقیقات راجع بواقعه ۱۷ آذر تغییر کرد بجای اینکه مامورین تحقیق بروند محرکین را که همه می‌شناختند جلب نمایند ومنشاء اصلی را بدست بیاورند عالما عامدا آنرا کنار گذارده کشف واقعه ۱۷ آذر را موکول بمحاکمات اززندانی‌ها که ابدا در حادثه شرکت ومداخلاتی نداشته وفقط گناه آنها مخالفت بادولت بود نمودند وچون میدانستند حاصلی ندارد تا دو هفته یك سطر تحقیقات بعمل نیامد وبعد که روی فشار تحقیقات شد بی گناهی همه آنها بثبوت رسید ولی چون قرار براین نبود که مخالفین آزاد شوند وقضایا طور دیگر منعکس گردد نه تنها همه بازداشت شدگان درحبس ماندند اما بالاخره پیش نبردند و نتوانستند آنها را متهم ساخته وازبین ببرند ، ناچار بتدریج آزاد شدند .

شاید نظر اولی این بود که ازمن ومؤسسه اطلاعات چیزی باقی نماند، مقدمات این کار هم خوب فراهم شده بود وحتی درهمان روزهای آشفته که مردم نگران وعصبانی ازپیش آمد بودند صحبت ازسلب مصونیت من هم درافواه بود . گفته میشد خانه قوام‌السلطنه بدستور من ومخبر اداره اطلاعات غارت وآتش زده شده ، ان مخبر هم که امروز مدیر مجله خواندنیها است زندانی بود و در آنموقع آقای امیرانی در اداره اطلاعات اصلا کار نمیکرد، چندی بود خود مستقلا سازمانی برای خواندنیها بوجود آورده بود وچون جوانی پر شور وبا ذوق است درآن روز برای تحقیق و کسب وقایع همه جا ماجراجویان را دنبال می کرد و با اتوموبیل خود در خیابانها گردش می کرد ، این جرئت او درحاضرشدن باجتماعات خطرناك آن روز وبستگی سابق او باداره اطلاعات وسیله‌ای بدست بدخواهان داد که اورا متهم بتحریك ساخته و بگویند از طرف من دستور بلوا داشته است !

باتمام این مقدمات و گرفتن برادران و عده‌ای از کارمندان ادارهٔ اطلاعات که همه بی‌تقصیر بودند و کمترین دخالت و شرکتی در بلوا نداشته وحتی از حضور در اجتماعات پرهیز داشتند نائل باجرای نقشهٔ بر هم زدن اساس تشکیلات اطلاعات نگردیدند و روزنامه پس از ۴۳ روز توقیف انتشار یافت .

نجات از این همه بلیات و مصائب که از عصر روز ۱۷ آذر و قصد کشتن من شروع گردید در مرحله اول فضل خداوندی و بعد توجه و عنایت مردم بی‌غرض و مساعدت کسانی بود که خدمات و زحمات میهن‌پرستانه ما را در عالم نامه‌نگاری و جریانات پارلمانی میدانستند و به بیگناهی ما اطمینان داشتند .

عناد و لجاج رئیس دولت نسبت بمن و اطلاعات روز بروز آشکارتر میشد و هر روز آثاری ظاهر میگردید که حکایت از مخالفت شخصی او مینمود . او بهیچوجه راضی نبود روزنامه اطلاعات انتشار یابد و برای این کار قانون مخصوصی دستور داد بمجلس پیشنهاد نموده و بتصویب رسانند که شامل اطلاعات و نشریات اطلاعات نشود . جراید دیگر طبق آن قانون از توقیف خارج شد و اطلاعات همچنان در توقیف باقی ماند تا خود مجلس مبتکراً قانون خاصی وضع نمود که شامل چند روزنامه و اطلاعات گردید .

پس از تصویب این قانون باز اشکالتراشی فراهم گردید که همه را با بردباری و صبر و شکیبائی تحمل نمودیم گفتند روزنامه اطلاعات باید جمعه‌ها منتشر شود و اگر منتشر شود مجله باید انتشار یابد قبول کردیم . گفتند امتیاز دو روزنامه در تهران نباید بنام من صادر گردد و یکنفر میتواند بدو اسم نشریه داشته باشد قبول کردم و امتیاز آن روزنامه بنام برادرم آقای جواد مسعودی صادر گردید ولی در عین تحمل این مصائب و مشکلات هرگز از حقیقت گوئی در مجلس صرفنظر نکردم و در موقعی که همه را وحشت فرا گرفته بود و از دولت ملاحظه میکردند چه در مجلس و چه در جلسات خصوصی مطالب گفتنی را میگفتم که موجب تعجب همکاران مجلس میگردید .

از جمله چند روز پس از واقعهٔ هفده آذر در کاخ ابیض آقای قوام دعوتی از نمایندگان مجلس نمودند و با وجودی که دعوت بمن نرسیده رفتم و در آن مجلس گوشه‌ای از ماجرای ۱۷ آذر را شرح دادم و مخصوصاً گفتم بمحض اینکه اطلاع یافتم که برادران و کسان مرا میگیرند تا تحقیق نمایند آمادگی خود را با آقای سپهبد امیراحمدی و آقای سرتیپ اعتماد مقدم رئیس شهربانی اطلاع دادم و گفتم در این باره هرچه کمک بخواهید حاضرم، هر کس را می خواهید جلب کنید بگوئید میفرستم وحتی خودم هم برای توضیحات و استنطاق حاضرم تا کمک بکشف این واقعه ننگ‌آور بشود و اکنون هم همین تقاضا را دارم و از نمایندگان مجلس تمنا دارم این پیش‌آمد شوم را سرسری نپنداشته و آنقدر آنرا تعقیب کنند تا محرکین اصلی بدست آیند و بسخت‌ترین مجازات برسند .

حرفهای تند و شدید من علیه اوضاع در جلسهٔ کاخ ابیض همه نمایندگان را نگران ساخت و بیم آن داشتند که روش سخت‌تری نسبت بمن و کسانم از طرف دولت اتخاذ شود باینجهت مرا دعوت بسکوت مینمودند و نگرانی دیگر نمایندگان هم این بود که نخست‌وزیر بتشکیل مجلس سیزدهم اقدام نماید و آنقدر عقب بیفتد که دوره مجلس سپری گردد و حکومت مطلقه روی کار آید ، باین جهت با کمال نرمی و ملایمت و اظهار وفاداری و علاقمندی ، صحبت می نمودند .

متأسفانه همانطور که پیش‌بینی میشد پرده ضخیمی روی وقایع ۱۷ آذر کشیده شد و اسرار این ماجرا در اختفا و تاریکی ماند و نخواستند بکشف حقیقت و یافتن محرکین واقعه شوم مزبور اقدام کنند .

پس از چند ماه حکومت قوام، صحبت تعقیب قضیه شد ولی متصدیان امر و مأمورین تحقیق بعلت منحرف شدن تحقیقات اولیه و از بین رفتن آثار و علائم جرم و عدم علاقه، موضوع را دیگر دنبال نکردند و پرونده این ماجرا هم بدنبال سایر جریانات و جنایات مدفون و فراموش گردید

هیچکس پرسید علت اینهمه بدبینی و عداوت نسبت بمن و مؤسسه اطلاعات برای چه بود؟

مخالفت من با قوام‌السلطنه در حکومت مرحوم فروغی از لحاظ اصول و پایداری برای بقای حکومت موجود بود و پس از روی کار آمدن حکومت قوام‌السلطنه همچنانکه دوره روزنامه‌های اطلاعات شاهد است از او حمایت و همکاری نمودیم و مطالب و مقالات روزنامه در دو ماه اول حکومت ایشان گواه این مطلب است که بهیچوجه نظر خاصی به ایشان نداشته‌ایم و برخلاف آرزومند موفقیت حکومت آقای قوام و خدمت بکشور بخصوص در آن روزگار سخت و مشکل بودیم و اگر پس از دو ماه موافقت شروع بانتقاد از وضع نمودیم تحت تأثیر برای اوضاع رقت‌بار زندگی مردم و روش غیر مفید دولت در سیاست خارجی بود که دست اجانب را در هر کاری باز میگذاشتند و هرچه میخواستند

بلاشرط میدانستند

بعلاوه جریان مجلس هم در این مخالفت ما با حکومت تاثیر داشت زیرا عده زیادی از نمایندگان که در روزهای آخر پیش از بلوا اکثریت را مسلما تشکیل میداد خواهان سقوط دولت و روی کار آمدن حکومت بهتری بودند و اطلاعات هم با این دسته از نمایندگان همصدائی و همکاری میکرد و البته عرصه بر دولت تنگ میشد.

من اعتراف میکنم که ما در این مورد از رویه همیشگی خود و همکاری با دولت ها مادام که مشغول کار میباشند خارج شده و اعتدال را از دست داده بودیم.

ولی برای این مخالفت خود دلایل بارزی داشتیم که خود را ذیحق میدانستیم و جدا نسبت بدولت و ادامهٔ کار او بی‌عقیده بودیم و روش دولت را موافق مصلحت جامعه تشخیص نمیدادیم اما با تمام این احوال بفرض اینکه اطلاعات یا هر روزنامه دیگر از حکومتی انتقاد بنماید یا شخص خود بنده در مجلس نقش مخالف دولت را داشته باشم که هردو در یك کشور مشروطه ودموکراسی از حقوق مسلم افراداست یکدولت که خود را متکی بقانون میداند نباید تا این حد درمقام انتقام جوئی برآمده ودر صدد باشد مخالفین خود را نیست و نابود کند و آنچه برای خود من مسلم گردیده اعمال چنین رویه خشونت آمیزی از طرف آقای قوام نسبت بمن و روزنامه اطلاعات نتیجه سعایت و بدخواهی بعضی از عناصر فرومایه‌ای بود که غالبا نخست وزیران را در کشور ما احاطه میکنند و بخصوص که آقای قوام این عادت و رویه را دوست دارند و همیشه در هر موقع زمامدار میشوند یکدسته یادو و هوچی و مردم پست و بدنیت و بدخواه دور ایشان را میگیرند و این قبیل اشخاص هم درمجلس و هم درمطبوعات وهم درادارات و پست ها ومشاغل و بین مردم متفرقه وجود دارند.

بدیهی است این قبیل اشخاص که برای نفع‌طلبی وحفظ مقام وموقعیت خود دور نخست وزیر را میگیرند آماده هرعمل خلاف وجدان وانصافی هم میشوند ومعاملهٔ آقای قوام در واقعهٔ ۱۷ آذر نسبت بمن و کسان و دوستان و مؤسسه‌ای که با خون جگر بوجود آورده‌ام یکی از مفاسدی است که از طرف این قبیل عناصر برخاسته بود و او را وادار برفتاری نمودند که هیچ حکومت مستبدی هم بدون رسیدگی وتعمق ومطالعه چنین نمیکرد

باری، پس از تجدید حیات اطلاعات روش من و روزنامه عوض نشد انتقاد از دولت باهمان روش متانت و اعتدال و گاهی تند صورت میگرفت، مخالفت خود من با دولت ایشان ادامه یافت و با تشبثات زیادی که اطرافیان او چه پیش از ۱۷ آذر و چه بعد از آن برای جلب من نمودند و وعده هر قسم کار و هر نوع استفاده را میدادند کمترین تغییری در روش من پیدا نشد. متاسفانه قبول میکردند که در کشور ما هنوز اشخاص هم یافت میشوند که اهل رد و بند و منفعت شخصی نیستند و جاه و مقام نمیخواهند باینجهت وقتی بی نیازی خود را باین اشخاص میگفتم وجدا از هر گونه صحبتی در این مسائل ابراز تنفر میکردم تعجب مینمودند و چون خودشان را با آلوده این کثافات بودند نمیتوانستند باور کنند که من حقیقت میگویم. بالاخره رویه من هیچ تغییر نکرد ولی بعد از آنکه حکومت قوام افتاد دیگر از گذشته چیزی بر زبان نیاوردم و نخواستم روزنامه را با اغراض خصوصی و انتقام های کودکانه آلوده سازم.

چه شد که آقای قوام استعفا دادند

کابینه اول آقای احمد قوام ششماه و دوازده روز طول کشید و در تاریخ ٢٤ بهمن ۲۱ بواسطه عدم توفیق در تشکیل کابینه مجبور باستعفا گردید. بدون شك اگر واقعه ۱۷ آذر رخ نداده بود ایشان میتوانستند بحکومت خود دوام بدهند و در حقیقت دوماه و هفت روز زمامداری بعد از واقعه ۱۷ آذر را باید عکس العمل آن پیش آمد شوم دانست و نباید از نظر دور داشت که مقاومت و پایداری آقای قوام در اطفای بلوا و شورشی که میرفت دامنه خطرناکی پیدا کند و منجر بمداخله اجانب گردد شایان توجه بود. اگر سپهبد امیراحمدی عهده دار انتظامات شهر نشده و فردای آنروز بلوا را خاموش نساخته بود متفقین تصمیم داشتند خود با قوای نظامی آشوب را خاتمه دهند زیرا با کارهای دقیق و مهمی که از لحاظ جنگ در ایران داشتند نمیتوانستند ناظر چنین وقایع ناگواری باشند که در کارهای آنها خلل وارد شود خوشبختانه سپهبد امیراحمدی موفقیت حاصل کرد و اعتقاد همه این بود که حکومت آقای قوام باید دوام پیدا کند تا آرامش کامل حکمفرما شود و ریشه این جنایات را پیدا کنند. اولی حاصل شد ولی نسبت بدومی کوچکترین قدمی در این راه برداشته نشد و دولت هم پس از آنکه چند روزی اعمال قدرت در کارها بخرج داد دوباره دچار کشمکش و اختلاف نظر و مخالفت گردید و این بار اختلافات در هیئت دولت و میان وزیران پیدا شد نه در مجلس.

در دنبال کشمکش وزیران و نخست‌وزیر، روزی در هیئت وزیران مشاجره سختی بین نخست‌وزیر و وزیر کشور (دبیراعظم بهرامی) روی داد. نخست‌وزیر بوزیر کشور تکلیف استعفا نمود. آقای بهرامی استنکاف نموده و گفت طبق قانون اساسی من بفرمان ملوکانه و رأی مجلس انتخاب شده‌ام و یکی ازاین دو مقام میتواند مرا معزول نماید. آقای قوام مجبور شد که کابینه را منحل سازد تا در نتیجه بهرامی را کنار بگذارد بده نفر ازوزیران خود تکلیف استعفا نمود آنها استعفا دادند ولی چهار نفر باقی ماندند وخودداری کردند از اینقرار: بهرامی، انتظام، سپهبد امیر احمدی. صالح که چندروز باین ترتیب ادامه بکار دادند. بالاخره آقای انتظام استعفا داد وروز بعدهم آقای بهرامی استعفای خودرا تقدیم شاه نموده قبول گردید وباین ترتیب کابینه منحل شد وچون وضعیت دولت در مجلس متزلزل شده بود آقای قوام درصدد بر آمد از نمایندگان مجلس در دولت خود انتخاب نماید. دراین قسمت به مشکل قانون محرومیت نمایندگان از مقامات دولتی برخورد ولایحه‌ای بمجلس تقدیم داشت که آن قانون لغو شود و چون دسته بزرگی درمجلس علیه این تصمیم دولت تشکیل شده بود فوریت را ازلایحه حذف کردند که مراجعه بکمیسیون بشود وشکست دولت ظاهر گردد. بالاخره آقای قوام مصمم گردید بهر کیفیتی است چندتن ازوزیران خودرا از بین نمایندگان با نفوذ مجلس انتخاب کند تابتواند رأی اکثریت را بدست آورد وچندتن ازخارج انتخاب نماید ولی دراینکار توفیق حاصل ننمود زیرا بیشتر اشخاصی را که دعوت بهمکاری نمود چون اوضاع واحوال متزلزل آنروزرا میدیدند وتکیه گاهی برای حکومت در دربار ومجلس نمی‌یافتند شانه خالی کردند.

آقای قوام اصرار زیادی دربقای خود بخرج میداد وباوجودیکه کاملا احساس می‌نمود که اعلیحضرت هیچگونه موافقتی با ایشان ندارند ودر مجلس هم دسته‌ای قوی بمخالفت برخاسته‌اند معهذا کاخ ابیض را رها نمیکرد تا بالاخره چند تن ازمتولی‌ها وکارگردانان مجلس که ازطرفداران جدی آقای قوام بودند جلسه‌ای در منزل آقای سید کاظم یزدی تشکیل داده واوضاع واحوال را مطالعه نمودند وچون هیچ قسم روزنه پیشرفت وموفقیت برای قوام ندیدند وتشکیل مجدد کابینه را غیرممکن تشخیص دادند همگی سران مجلس مصمم شدند که بایشان تکلیف کناره گیری واستعفا نمایند. نیمه‌شب جمعه ۲۳ بهمن چندتن ازموافقین بانفوذ آقای قوام در کاخ ابیض ایشانرا ملاقات نموده و تصمیم دسته جمعی موافقین را بایشان اعلام نمودند معهذا هنوز ایشان انصراف حاصل نکرده بودند تا پیش‌ازظهر روز شنبه که چون ازهرطرف مایوس شدند بتقدیم استعفا حضورشاه مبادرت نمودند.

روز بعد اطلاعات نوشت: «ما میتوانیم بحکم حق وقانون تمام خسارتهای خود رامطالبه کنیم، ما میتوانیم آقای قوام را بمحاکمه دعوت نمائیم وخسارت زندانی کردن برادران وکارمندان روزنامه وزیانهای وارده باداره اطلاعات رامطالبه کنیم ولی ازهمه اینها صرفنظر می‌کنیم زیرا اولا امروز آقای قوام ازکار بر کنارند ودوران قدرت ایشان سپری شده وازطرف دیگر ازروی مردم گرسنه وپریشان مملکت خجالت می‌کشیم که وقت خود را صرف این امور کنیم وراه انتقام جوئی پیشه خود سازیم.

امروز باید تمام قوا ومساعی کشور وافراد مردم صرف ترمیم خرابیها ونجات کشور ازاینهمه بلاها ومصائبی که گرفتار است گردد ومن نه تنها بسهم خود میگذرم بلکه از برادران بی گناه وکارکنان مظلوم روزنامه وحتی سایر دوستان عزیزی که بی‌سبب دربند زندان افتادند تمنامیکنم گذشته را بدست فراموشی بسپرند وبفکر آینده باشند البته تاریخ خود قضاوت خواهد کرد.»

ازآن پس اطلاعات باتمام مصائبی که در دوران حکومت قوام تحمل نمود دیگر بهیچوجه پیرامون حوادث گذشته نگشت وهیچگونه مطلبی ازحکومت سابق ننوشت وبحث خود را روی مسائل روز وجریان آینده کشور و تقدیم نظریات وپیشنهادهای مفید قرارداد.

چرا ازنمایندگی مجلس استعفا نمودم

پس‌از استعفای آقای قوام دولت جدید را آقای سهیلی تشکیل داد ودرتاریخ ۲۸ بهمن بمجلس معرفی نمود، این حکومت چون دراواخر دوره سیزدهم روی کار آمد وآقای سهیلی تجربیاتی هم ازدوره‌اول زمامداری پیدا کرده بود موفق شد بامجلس همکاری نماید وانتخابات دوره چهاردهم رابدست گیرد وبهمین جهت دوام حکومت زیاد شد و ۱۴ ماه بطول انجامید.

درنیمهٔ دوم اسفند ۲۱ بواسطه احساس کسالت مسافرتی بفلسطین ومصر نمودم در بیت المقدس پرفسور معروفی بنام «زوندك» کارمیکرد، دراین مسافرت نزدیك یکماه درفلسطین بستری شدم وپس ازبهبود وبازگشت بتهران درمقام کناره گیری از خدمات مطبوعاتی وپارلمانی برآمدم. روی این تصمیم که هیچ جنبه‌ای جز کسالت و فتور روحی ولزوم استراحت نداشت درتاریخ سوم خرداد نامه‌ای بمقام ریاست مجلس فرستادم وازنمایندگی مجلس

استعفا دادم، چون میدانستم که اگر نامه را در غیر موقع تشکیل جلسه تقدیم کنم مرا منصرف خواهند ساخت سعی کردم ساعتی که جلسه تشکیل است استعفانامه خود را بضمیمهٔ مراسله خصوصی خطاب به مرحوم حاج محتشم السلطنه بفرستم ودر نامه خصوصی مصراً از آنمرحوم استدعا کردم نامه مرا دستور بدهند در جلسه علنی همانروز قرائت نمایند، چون طبق نظامنامه استعفای هر نماینده که بمجلس میرسد قبل از قرائت باستعفا دهنده باید مذاکره شود واگر انصراف حاصل نکرد خوانده میشود وپس از قرائت استعفا قطعی تلقی میشود وتصمیم من این بود که بدون اطلاع قبلی دوستان پارلمانی خودرا درمقابل امرواقع شده بگذارم. اتفاقاً همین طورهم شد ومرحوم اسفندیاری اصرار خصوصی مرا ترتیب اثرداد ومراسله را فوراً مطرح نمود که متن آن ازاینقرار بود:

«مقام ریاست محترم مجلس شورایملی — باکمال احترام باستحضار عالی میرساند اینجانب درمسافرت اخیر بکسالت شدیدی مبتلا شدم وپس ازمراجعه بپرفسور زوندك که معروفیت دنیائی دارد ومعالجه قسمتی از کسالت بطوری که بتوانم بمسافرت خود ادامه دهم مرا باستراحت وگرفتن رژیم ومداوای قطعی توصیه وتاکید نمود که برای پیروی ازدستورهای ایشان با کمال تاسف مجبورم ازخدمتگزاری درمجلس شورایملی وهرقبیل کارهای فکری وسیاسی واداری کناره گیری کنم تاشاید بتوانم سلامت خودرا دوباره بدست آورم بنابراین بوسیله این عریضه استعفای خودرا ازمقام نمایندگی مجلس شورایملی تقدیم وتقاضا دارم مقررفرمایند این نامه بعرض آقایان نمایندگان محترم نیز برسد. ع. مسعودی»

این استعفا که ازروی کمال سادگی وصداقت وصرفاً بمنظورمعالجه وکناره گیری ازکارهای مجلس بواسطه تالمات روحی که داشتم تقدیم شده بود مثل همهٔ کارهای این مملکت موجب تعبیر وتفسیرات زیادی گردید و دوستان من جداً نسبت باین رویه اعتراض نموده ومرا مورد ملامت قرارداده اند ومرحوم اسفندیاری نیز پیغام فرستادند و نامه‌ای درجواب نوشتند که استعفای شمارا نخواهیم پذیرفت.

تعجب دراین بود که هرچه استدلال میکردم که جسماً مریض وروحاً خسته وخورد هستم و نمی‌توانم ادامه خدمت نمایم کسی زیربار نمیرفت، کم کم حرفهای عجیب و غریبی هم ازخارج بگوشم خورد یك روزنامه نوشت این مانور انتخابات آینده است، دیگری گفت این کناره گیری علامت اینست که چون فلانی درانتخابات آینده شکست خودرا قطعی میداند ازحالا حفظ آبرو نموده و کناررفته است، یکی نوشت سیاست خارجی دراین کاردخالت داشته، دیگری گفت چون انتخابات گذشته را رضا شاه فقید دردست داشت وحالا باید مردم انتخاب کنند این عمل بمنظور کسب وجاهت ملی است که مردم ازاین عمل تمجید نموده ودرانتخابات باو رای بدهند. خلاصه هر کس چیزی گفت و حتی در یك محفلی که جمعی ازمحترمین ورجال حضورداشتند واین موضوع بمیان آمده بود شخصی گفته بود که فلانی مبتلا به کسالت دماغی شده وحالت جنون باو دست داده است.

نتیجه این هیاهو وجنجال دامنه داراین شد که درتصمیم راسخ وقطعی که برای کناره گیری خود از کار های سیاسی وپارلمانی گرفته بودم تامل نمایم ووقتی این تردید با اصرار دوستان توام گردید و قضیه در مجلس باردیگر مطرح شد وآقایان نمایندگان اظهارعقیده کردند که استعفای مرا مسکوت خواهند گذارد ومرحوم اسفندیاری شرحی ازاینجانب درمجلس تمجید نموده واغلب نمایندگان ابراز محبت واحساسات نمودند ناچار تسلیم پیشنهاد استرداد استعفای خود گردیدم وبجنجال پایان دادم.

***

در این گیرودار استعفای من، همه چیز گفته شد جز آنچه که با روح وفکر من هم آهنگی داشت وآن این بود که پس از این مسافرت ودیدن وضع آرام کشورهای عربی همسایه، عراق وسوریه ولبنان وفلسطین ومصر، تاثر شدیدی برمن مستولی شده بود که چرا ما اینطور گرفتارهرج ومرج شده وبرای ازبین بردن خود ومملکت بجان یکدیگر افتاده‌ایم وآنها درامن وراحت زندگی میکنند، این آشفتگی وتهییج وتحریك مردم بخرابکاری واخلال بکجا خواهد انجامید ونتیجهٔ این مبارزه‌ها که دولتها هم خود فساد واختلافات کمك میکنند چه فایده دارد؟ من که هیچ منظوری جزخدمت بمردم وحفظ مصلحت ومنافع کشور ندارم و کوچکترین اعمال نفوذرا برخلاف شهرت بدخواهان نمی‌کنم واهل زد وبند ومنفعت جوئی نیستم وحمایت من ازدولت‌ها صرفاً برای اینست که بتوانند بمردم ومملکت خدمت کنند و همین حمایت وطرفداری که متاسفانه دولتها هم از آن استفاده نمیکنند سبب میشود که انواع تهمتها برمن وارد سازند وبرمن بتازند که چرا بردولت تعرض وحمله نمیکنی وسکوت اطلاعات دلیل برساخت و پاخت وشرکت بادستگاه حاکمه است، دراینصورت چراخودرا اینطوردرمعرض هووجنجال وتهمت قراردهم، چرا کنار نروم منهم فردی از افراد این مملکت هستم که حدود وظایف وتکالیف خودرا از شدت یاس و تاثر میخواهم محدود کنم بخصوص اینکه از روی راستی وحقیقت کسالت دارم وطبیب مرا منع کرده است که مدتی وارد کار باشم.

یکی از دوستان صمیمی من که در آن روز این مطالب را با او بمیان گذاشتم گفت عجب اشتباهی داری، گوش مردم از این هو وجنجال وهرزگی‌ها وفحاشی‌ها پر شده و اعتنائی بر آن ندارد. باو گفتم چون من مردرا از جنجال مطبوعاتی کنار می‌کشم واتهامات را بی‌جواب میگذارم وقتی این تهمت‌ها و افتراآت ماهها وسالها گفته شد و بسکوت بر گذار گردید کم کم برای مردم قابل قبول می‌شود وممکن است یکعده مردم ساده‌لوح آنهارا باور کنند ومرا آدم بدخواه منفعت‌جو وسست‌عنصر ومفسدی بدانند ومن هرگز نمیخواهم مردم مرا جز آنچه هستم بشناسند وبرای آن‌ها تردیدی در روش ملی ومملکتی من حاصل گردد.

من اگر درباره رضاشاه چیزی نمی نویسم وباین سبب برمن می‌تازند، نه برای این است که بتمام اعمال ورفتار او معتقد بوده‌ام یا از جانب او استفاده میکرده‌ام، من هم جنبه ضعف آن فقیدرا میدانم ولی حالا موقع گفتن این حرفها نیست، اگر من هم دهان بدهان دیگران گذارم وبدگوئی نسبت بشاه فقیدرا برای خوش‌آیند هرج ومرج طلبان شروع کنم که خودرا تبرئه نمایم میتوانم، اما نتیجه‌اش ازهم پاشیدگی بیشتری در کارها خواهد شد وملاحظه خواهید کرد که با این تشنج افکار وعصبانیت مردم سنگ روی سنگ قرار نخواهد گرفت - بعلاوه این کمال بی انصافی است که نقطه ضعف شاه فقید را برخ مردم بکشیم واز هزاران کارهای مفید وخدمات برجسته او اسمی نبریم، من فحش‌ها واتهامات را پذیرفتم وتا کنون پایداری واستقامت نموده‌ام اما حالا خسته وفرسوده شده‌ام وفکر میکنم اگر از کارها کناره گیری کنم بسود من خواهد بود.

گفت نه، این منطق را قبول ندارم، روش مثبت خودرا که سود مملکت ومردم در آن است عوض مکن، با آنچه بر علیه تو مینویسند جواب مده وهرگز شانه از زیر بار خدمات اجتماعی وملی که بر عهده داری خالی مکن ویقین داشته باش که مردم حقیقت را فراموش نخواهند کرد واین هیاهو ومنفی بافی وعوامفریبی‌ها دوام نخواهد داشت، ثبات وبقای مملکت ورفاه وآسایش مردم باحرف میسر نیست وبالاخره باید دولت‌هارا همچنان در انجام کار خوب کمک کرد واز کارهای بد انتقاد نمود وافکار مردم را راهنمائی وهدایت کرد تا این کشتی شکسته بساحل نجات برسد و مملکت از آشفتگی بیرون بیاید ودر یک چنین روزگار تاریکی اگر کناره گیری نمائی مرتکب گناه و تقصیر بزرگی شده‌اید.

این سخنان مرا بیش از پیش تائید بادامه خدمت نمود، باو قول دادم روش خودرا علیرغم بدخواهان همچنان تعقیب خواهم کرد از عناصر خدمتگذار کشور تشویق وباعوامل بدخواه وفاسد مبارزه میکنم وابداً مقید نیستم برای مملکت هرگز خسته نخواهم شد ولو درمعرض اتهام وناسزا قرار گیرم ولو جانم بخطر افتد، چنانچه در واقعه ۱۷ آذر پیش آمد. اتکای من بخداوند متعال وتوجه مخصوص قاطبه ملت ایران و عناصر شریف میهن‌پرست و علاقمند و روشن ضمیر ایران است که پیوسته مرا تائید وپشتیبانی نموده‌اند. این بود کمر خدمت بستم و باردیگر مصمم بفداکاری شدم.

مبارزهٔ من با توده‌ای‌ها خطرناک بود

اینکه میگویم فداکاری کرده‌ام وجانبازی راهم برآن علاوه میکنم اغراق نیست، من درظرف این مدت هفت سال حقیقتاً از خود گذشتگی وفداکاری کرده‌ام من در هیچ مورد از پای ننشسته وخیر مملکت را بر هر نظر خصوصی وهوی وهوس ترجیح داده ودر نتیجه برشادت کسالت خود افزودم ولی امروز در پیشگاه خدا و وجدان وملت ایران سرافرازم که درطول این مدت که هرج ومرج فکری دراین کشور حکومت میکرد وخدمت وخیانت بیک چشم نگریسته میشد وخادم وخائن را بایک چوب میراندند دلسرد ومایوس نشدم، خدمت خودرا باصداقت انجام دادم و اطلاعات همچنان مدافع حق وحقیقت باقی ماند و مبارزات سنگین وخطرناک خود را ادامه داد وبسهم خود باستقلال وحاکمیت ایران کمک کرد ونگذاشت اساس و شالوده یک ملت کهن‌سالی درهم خورده شده وشیرازه کشور گسیخته گردد.

یکی از هدفهای بزرگ توده‌ای‌ها کاستن ارزش اطلاعات در افکار عمومی بود، از اطلاعات وحشت داشتند زیرا بنفوذ معنوی آن در جامعه آگاه بودند بعلاوه هیچ میل نداشتند اطلاعات باقی بماند باین سبب مبارزه خودرا با این روزنامه بشدت وسختی آغاز نمودند وهمینکه اطلاعات پرده‌ای از افکار ونظریات بعضی از زعمای فاسد آنها که جوانان روشنفکر مارا فریب میدادند کنار زد وضع آن چندتن اشخاصی که برای رسیدن بمقام ومسند افکار عامه را با جملات و عبارات فریبنده منحرف میساختند متزلزل گردید ودر حقیقت اسلحهٔ تبلیغاتی آنها آنطور که پیش میرفتند از کار افتاد در عوض بعضی

وهشاد بیشتری ازمن دردل گرفتند وهمان چند نفر که در بین صدها جوان خوش فکر و باحسن نیت عضو حزب توده به اغوا پرداخته بودند مرا تا پای جان تهدید نموده طرحها و نقشه ها ریختند ولی خوشبختانه همه جا تیر آنها بسنگ خورد و موفقیتی نیافتند با کمال تاسف بعضی حکومتهائی که روی کار می آمد برای خوش آیند همسایهٔ شمالی و جلب توجه اولیای آن دولت بخود نسبت بآنها موافقت بسیار می نمود و همه گونه تسهیلات در کار تبلیغاتی آنان فراهم میآورد بدون اینکه بعواقب وخیم آن توجه داشته باشند.

رفته رفته چندتن از خائنین حزب توده کمك شوروی ها را بطور علنی وصریح در کارهای خود جلب کردند و همین عمل موجب رسوائی و تزلزل این حزب در بین جوانان پرشور میهن دوستی که داخل تشکیلات حزب شده بودند گردید ودسته هائی از آن حزب جدا گردید ورو بهمرفته بعدم موفقیت منتهی شد و چون افکار خیانت پیشه ای ازجانب آن دسته مزدور که بیشتر درراس تشکیلات قرار گرفته بودند منظم ومرتب بصورت رساله و کتاب وروزنامه و کنفرانس وغیره تراوش میکرد و کمك مالی زیادی داشتند توانستند سازمانهای خطرناکی بوجود آورند ومردم را تهدید نموده وحشت واضطرابی تولید کنند.

از جمله مبارزاتی که با من نمودند پیروی از روشی بود که تعلیم گرفته بودند یعنی اشخاص را در افکار عامه با عبارت های خیلی فریبنده موهون سازند مثلا وقتی میخواهند نسبت داشتن ثروت و تمول بکسی بدهند ارقامی بیرون بدهند که باعث تعجب افراد مخصوصا طبقات پائین گردد و آن ارقام ازیاد نرود بهمین جهت درطی مدت زیادی بمناسبات مختلف مینوشتند که من بیست میلیون فرانك سویس وده میلیون دلار وچند میلیون لیره در بانك های خارجی دارم ودارای قصور در امریکا وسویس هستم ، خانهٔ کوچك مرا که تنها وسیله زندگی من در ایران وتمام عالم است پارك میخواندند وبر آن پارك ییلاقی هم علاوه میکردند وحال آنکه من خانه ییلاقی ندارم وخانه ای که در تابستان استفاده میکنم بمن تعلق نداشته و ندارد.

بدبختانه درمملکت ما مردم بارقم وعدد سروکار ندارند واعداد وارقام غالبا دیمی گفته می شود و دیمی هم پذیرفته میگردد واین همان نکته ای بود که مبلغین توده بر آن واقف شده ، و ارقام و اعداد را می پراندند مردم ساده لوح هم حساب نمی کردند که یك اداره روزنامه مگر چقدر عایدات دارد که اینقدر جاه وجلال وثروت بمن ببخشد وچون باعدد ورقم آشنا نیستند این ارقام دردل بعضی ساده لوحان زود باور، کینه و عداوتی که آنها خواهان ایجاد آن بودند بوجود میآورد.

مرا قاتل ارباب کیخسرو خواندند!

مثلا زمانی عده زیادی از روزنامه ها تشکیل جبهه ای دادند بنام جبهه آزادی . این روزنامه ها مرکب بود از جراید منتسب بحزب توده وروزنامه های منتسب بقوام السلطنه یامتمایل باینده و دستگاه.

این روزنامه ها ظرفیت شدیدی با اطلاعات پیدا کرده بودند ومیخواستند گزکی پیدا کنند که برمن بتازند چون درزندگی من کمترین لکه سیاه نمی یافتند ومیدانستند که من در تمام دوره رضاشاه فقید وبعد از آن ازراهی که درعالم نامه نگاری در پیش داشتم منحرف نشده واز مقام و موقعیت خود چه در دوره گذشته و چه در دوره دمکراسی کوچکترین استفاده را نکرده ام درصدد بر آمدند برمن اتهامی بزرگ وارد سازند.

در یك جلسه مشورتی فکری بنظر یکی از اعضاء کمیته رسید و آن این بود که فلانی را متهم بقتل ارباب کیخسرو شاهرخ سازیم، کی بکیه و کی مؤاخذه می کند؟

این فکر در آن جلسه مورد پسند واقع شد وطبق قراری که گذاشته بودند فردای آنروز در یکروزنامه و روز بعد دربیشتر جراید عضو جبهه آزادی منتشر شد و تا لهان چندین روزنامه بتدریج برمن تاختند ومرا قاتل مرحوم ارباب کیخسرو دانستند وامیدداشتند که با این اتهام مرا مرعوب خواهند ساخت و چندی افکار را بر علیه من خواهند شورانید ولی من در این مورد هم ابدا خونسردی خود را از دست نداده و کار خود را در تعقیب روش مسالمت کارانه اطلاعات و در عین حال مخالف خط مشی که آنها تعقیب می نمودند ادامه دادم ضمنا طی نامه ای ازوزارت دادگستری خواستم که موضوع را روی پروندهٔ امر تحقیق نموده و چنانچه نام ونشان یـا آثار و علائمی درباره اتهام من وجود دارد مرا مستحضر سازند و آقای سرایی دادستان دادسرای عالی مراتب مندرجه در جراید را جداً تکذیب و نامه ای نوشتند که بهیچوجه موضوع واقعه ارتباطی باشما و اطلاعات ندارد

بنابراین اتهام قابل تعقیب شناخته نشد باوجود دریافت این تکذیب نامه ابداً در مقام انتشار آن برنیامدم و باز بسکوت برگذار کردم و چون بقدری این تهمت ناروا و ناجوانمردانه بود نخواستم یك کلمه در اطلاعات نوشته شود تنها عکس العملی که نشان دادم این بود که برعلیه چند تن از روزنامه نگارانی که موضوع را تعقیب میکردند اقامه دعوا نمودم و پس از چند هفته موعد رسیدگی فرا رسید ولی چون نتیجه نگرفتند و سکوت اختیار کرده بودند و بعضی ازدوستان واسطه شدند که ادعا نامه خود را مسکوت گذارم و تقاضای عدم تعقیب نمایم و چون برای آن اشخاص احترام قائل هستم تقاضایشان را قبول کردم اما باز هم از این مطالب چیزی درروزنامهٔ منعکس نشد و شاید اول دفعه است که بطور حکایت از آلام و مصائب گذشته به خوانندگان عزیز شکایت میکنم .

از این شهرت استفاده کردم

از اتهاماتی که هرگز از آن دفاع نکردم میلیونر بودن خودم است، آنقدر در این باره اقلام درشت خیره کننده از دارائی نقدی من ذکر کرده اند که این موضوع در افکار عمومی جایگرفته و مردم رفته رفته مرا یکی از ثروتمندان ایران میدانند.

راستش منهم تکذیب نکردم زیرا از این شهرت استفاده اعتباراتی کردم - بعلاوه داشتن ثروت را بشرط آنکه از راه نامشروع بدست نیامده باشد گناه نمیدانم ولی طبیعی است که از راه مشروع هرگز کسی نمیتواند در طول مدت کوتاهی برفرض بیست سال هم باشد میلیونها ثروت پیدا کند و ملیونها دلار و لیره و فرانك در بانکهای خارجی داشته باشد اگر من چنین ذخایری بدست آورده باشم حتما از راه مشروع نیست و چون بقدر کافی تحصیل اعتبار در مؤسسات و بین مردم نموده ام اکنون میتوانم تقاضا کنم رسیدگی کنند تا معلوم شود من از چه منابعی این پولها و ثروتهای هنگفت را پیدا کرده ام و اگر چنین ثروتی سراغ دارند آنرا بنفع امور خیریه کشور ضبط نمایند یا اگر جز یك خانه مسکونی که یازده سال پیش ۲۸ هزار و پانصد تومان خریدم و تا سال ۱۳۲۳ قسط آنرا ببانك رهنی میپرداختم خانه وملك و مستغل و دهاتی از من سراغ دارند یا آنطور که می نوشتند عمارات و قصوری از من درخارجه سراغ دارند باز دولت بتواند ضبط نموده و برای کارهای خیریه بفروش برساند.

اینکاش مالیات بر ثروت و دارائی در کشورما وضع می شد تا معلوم میگردید تمول و ثروت در پیش چه کسانی خوابیده است.

باری، اداره اطلاعات دفاتر منظم و مرتبی دارد . تشکیلات آن بقدری دقیق است که حساب هر روز را میتواند همانروز صورت بدهد، یك اداره روزنامه که عایدات آن تشکیل می شود از سه قلم : تك فروشی، آبونمان و اعلان و درمقابل آن مخارج هنگفتی از حقوق پرسنلی و حق الطبع و کاغذ و مرکب وغیره قرار دارد چطور قادر خواهد بود چند میلیون لیره و دلار برای من ذخیره کند این حساب دیار ها چطور درظرف مدت کمی سر بمیلیونها میزند و از کجا و از چه راه نامشروعی این میلیونها پیدا شده است؟

بجرئت میتوانم عرض کنم یکی از روزنامه هائی که از بدو تاسیس روی پای خود بوجود آمده و روی عایدات و دخل و خرج مسلم و مشروع خود چرخیده است روزنامه اطلاعات و نشریات وابسته بآن می باشد که عایدات آن از محور اعلان و آبونمان و تکفروشی خارج نگردیده ، یعنی هیچ عایداتی از خارج نداشته است و حال آنکه بعضی از روزنامه ها هستند که اگر هیچ عایداتی از خارج هم بآنها نرسد لااقل آب باریکی از دولت دارند ، حقوق از دولت دریافت میدارند و اگر مشمول قانون اخیر هم شدند امتیاز روزنامه را بنام کسان خود تغییر میدهند که آن قانون شامل آنها نگردد و از خزانهٔ دولت حقوق بگیرند .

بیشتر روزنامه ها یا زیر بار قرض میروند و یا کمکهائی بآنها می شود تا بتوانند روزنامه خود را بچرخانند زیرا خیلی مشکل است روزنامه ای توانا دخل و خرج کند ، مخارج روزنامه بقدری سنگین است که کمتر روزنامه ای میتواند ادعا کند دخل و خرجش توازن دارد.

روزنامهٔ اطلاعات پس از گذراندن یکدورهٔ مشکل و مقروض و مفلوك از سال سوم و چهارم دخل و خرج آن مساوی شد و تا شهریور ۱۳۲۰ این تعادل و توازن دخل و خرج با چند ماه ذخیره کاغذ که تنها سرمایه ما است وجود داشت از آن سال ببعد یعنی در دوره دوم ترقی عایداتش بر مخارج چربید و بعض اینکه عایدات اضافه شد بر نشریات اداره افزوده گردید و پایه حقوق کارمندان اداری و فنی را بالا برد و خلاصه بهر نسبتی که افزایش عایدات بدست آمد

بر مخارج نیز افزوده شد بطوریکه اکنون وضع مالی اداره در مرحلهٔ دقیقی قرار گرفته یعنی اگر خللی بر عایدات وارد شود بواسطه ارقام درشتی که در مخارج پیدا شده ادامهٔ حیات برای نشریات اطلاعات میسر نخواهد بود.

سرمایه اطلاعات ذخیرهٔ کاغذی اوست

تاقبل از شهریور ۱۳۲۰ سرمایه من و مؤسسه اطلاعات که عبارت از کاغذ میباشد، نه لیره و دولار و فرانک، قابل نبود و اطلاعات میتوانست با کمک بانکها سه چهار ماه ذخیره کاغذ داشته باشد، آرزوی من همیشه این بود که موفق شوم یکسال کاغذ روزنامه را که بزرگترین تکیه گاه مالی موسسه است تامین نمایم ولی تاامروز باین آرزو نائل نشده‌ام و بهمین جهت بود که هنگام بروز جنگ ما نتوانستیم انتشار روزنامه را در ۱۲ و ۸ و حتی ٤ صفحه نگاه داریم. اگر مؤسسه اطلاعات سرمایه کافی داشت و می‌توانست ذخیره یکسال را داشته باشد باین مشکلات دوچار نمیشد که مقدار زیادی از کاغذهای مصرف خودرا علی‌رغم تصمیمی که برای خرید ازخارجه داشتیم در بازار تهران بقیمت گران تدارک کند، اکنون هم وضع ذخیره کاغذ روزنامه که بهترین شاخص خوبی و بدی وضع مالی اداره است باذخیره یکماه و دوماه کمتر یازیادتر همان است که بود و حال آنکه یک چنین مؤسسه مطبوعاتی که در ماه ششصد هزار ریال فقط حقوق کارمندان اداری و تحریری و فنی حوزه مرکزی خودرا غیراز حق العمل فروشندگان میپردازد باین مبلغ وقتی حق طبع و قیمت کاغذ و مرکب و لوازم دیگر اضافه شود نزدیک بدو میلیون ریال مخارج سازمان تهران میگردد اقتضا دارد که لااقل ذخیره یکسال کاغذ خودرا همیشه در انبار داشته باشد و متاسفانه این موفقیت بزرگ هنوز نصیب این موسسه نشده و بااعتبار جاری که هرماهه ازبانکها استفاده می‌شود یعنی همیشه در حدود دو ست هزار تومان اداره اطلاعات مقروض است باز نمیتواند بیش از چهار پنج ماه مصرف کاغذ نشریات خود را ذخیره داشته باشد.

برای شخص من بزرگترین افتخار همین است که توانسته‌ام مؤسسه‌ای بوجود آورم که چنین ارقام درشتی در عایدات و مخارج آن وجود دارد و چندصد نفر در تهران و چندصد تن در شهرستانها که باعائله های آنها بچندهزار بالغ میگردند ازاین سازمان و تشکیلات بهره میبرند و زندگی میکنند.

من میتوانم ادعا کنم که نه فقط سربار جامعه نبوده و از خزانه ملت و مملکت دیناری سوء استفاده نکرده‌ام بلکه باری ازدوش جامعه برداشته و باایجاد کار و سازمان وسیع مطبوعاتی عده کثیری را در کشور مشغول ساخته‌ام و اگر در کشور مصیبت دیده و نفرین کرده ایران، بجای اینکه جمعی پیدا شوند و بخواهند بیرنج و زحمت بهمه چیز برسند و باوسایل ناپسندیده‌ای موجبات سقوط اشخاص را فراهم آورند و آنهائی را که جلو هستند عقب بکشند بدون اینکه خود جلو بروند، اگر همه در صدد برآیند بوظایف اجتماعی و ملی خود رفتار کنند، یعنی توجه نمایند که در برابر آنچه عاید می دارند و همان زندگی محقری که میکنند عوض باهندیعنی کار کنند، و بعد که عادت بکار پیدا نمودند و تنبلی را رها کردند کمی فکر سلیم و صدیق با کار توام سازند و راه راست و درست پیشه کنند، حتما در زندگی موفق شده و ترقی خواهند کرد و هیچ ضرورت ندارد بدیگران بخل و حسادت ورزند و آنهارا ازپیشرفت باز دارند.

مملکت ایران خوشبختانه آنقدر وسیع است و میدان کار و فعالیت آن اندازه توسعه دارد که ده ها میلیون نفر دیگر بخوبی میتوانند دراین سرزمین وسیع ارتزاق کنند و زندگی مرفه و آسوده داشته باشند کشور بکر و دست نخوردهٔ ایران دردنیای امروز بهترین میدان برای ایجاد کار و ترقی و کسب سعادت است.

**

اگر هزار نفر در مملکت همان راهی که من رفتم و همان روشی که من در زندگی خود اتخاذ نمودم که از کجی وسوء نیت و بخل و حسد و تنبلی دور بود پیش گیرند، در هر رشته‌ای شروع بکار نمایند و علاقه و صمیمیت و صداقت را وجههٔ نظر خویش قرار دهند مسلما توفیق خواهند یافت.

همین هزار نفر میتوانند، موجد کارهای وسیعی در کشور شوند که چندصد هزار نفر را مشغول سازند، هم خود بهره مند شوند وهم با بیکاری و فقر مبارزه نمایند.

مگر دیگران چه میکنند، مگر اینهمه صاحبان صنایع و اختراعات و کارخانجات روز اول باچه وسایلی شروع بکار کردند؟ اگر دیگران هم میخواستند همین راه و رسم ما را پیش گیرند مملکتشان بصورت گورستان در می آمد نه گلستان.

این افراد یك کشورهستند که میتوانند مملکت را آباد یا ویرانه سازند و اگر امروز می بینید کشور ما فاقد همه گونه وسایل زندگی است و باین صورت درآمده نتیجهٔ اعمال فرد فرد خود ما است .

حکومتهائی که روی کار میایند و نمیتوانند توفیق پیدا کنند مولود همین جامعه وافراد هستند وبرهمین مردم که بیشتر نافرمانی وعدم اطاعت ازهرقانونی را پیروی می کنند حکمفرمائی می نمایند، اگر مردم خوب بوظایف خود آشنا باشند حکومتشان هم خوب تشکیل میشود وجرئت نمیکند قدمی جز بخیر آنها بردارد، مجلسشان هم از عناصر بیغرض ومصلح وخیراندیش ترکیب میشود ، وقتی بدی غلبه کرد، همه چیز خراب ومفتضح درمی آید .

* * *

ازمطلب دورشدیم، میخواستم بگویم من یکی از افرادی هستم که برآب و خاك خود خدمت کرده ام نه خیانت ، دراین مرزو بوم زحمت کشیده ام، رنج برده ام، صداقت وصمیمیت داشته ام ، جان خود را بدفعات زیاد بخطر انداخته ام ودر نتیجه توفیق خدمتگزاری بمردم را یافته ام ومردم پاکدل ایران هم در کشاکش بیست و چند سال مرا یافته اند، میدانند تهمت ها وافترائات ونسبت هائی که برمن وارد میسازند صرفا ازراه بخل و حسد وبه پیروی ازرویه ناپسندی است که متاسفانه دراینکشورمعمول گردیده واگرامروز من درمقام آن بر آمده ام که زندگی خودرا پس ازبیست وپنجسال خدمت درمعرض قضاوت عامه قراردهم برای رفع توهماتی است که شاید درطول چند سال تبلیغ برای بعضی افراد وخوانندگان عزیز ذهنی شده باشد ، منجمله توهم درمورد تمول سرشار من بود که چون هیچ دفاعی نکردم واین شهرت را برای تزئید اعتبارات خود و روزنامه اطلاعات مفید ومستحسن دانستم ازاین چندین میلیون ثروت نقدی موهوم خود استفاده کردم وچنانچه اکنون هر معامله ای از طرف اداره اطلاعات بایك تلفن بدون گرفتن پول وتضمین وقول نامه وامضاء ومراسله انجام میشود وجنس موردخواست باداره فرستاده میشود، چه موقعیتی از این بهتر، تصورمیکنم این موقعیت برای کمتر مؤسسه ای در ایران وجود داشته باشد وامید وارم درآینده هم اینطورباشد زیرااگر روزنامه اطلاعات وشخص من فاقد آن میلیونها تومان ودولار ولیره و فرانك هستیم ولی درعوض سعی کرده ایم سرمایه حقیقی وتزلزل ناپذیر اعتماد واطمینان همه را نسبت بخود جلب نمائیم واین روش پسندیده را که بزرگترین سرمایه های مادی ومعنوی است بفضل خداوندی درآینده نیز همچنان ادامه خواهیم داد تا اعتبارات مالی مانیز بین مردم کماکان محفوظ باشد .

چرا مرا بزرگترین سرمایه دار میدانند؟

چند چیز سبب شد که شهرت سرمایه داری من دردلها جای گیرد و مورد قبول واقع شود. اول سازمان وسیع اداره اطلاعات است که خود نشانه یك مؤسسه ثروتمند میباشد . این مؤسسه که نمونه یکی از سازمانهای خوب روزنامه های بزرك عالم میباشد آبرومند بوده وظاهری آراسته دارد ، زندگی کارمندان آن تاجائی که بودجه اداره اجازت دهد تامین میشود ، حقوق تمام اعضاء درسرموعد پانزده پرداخته میشود، درمواقع سخت ومشکل مثل سال شوم ۱۳۲۱ و ۲۲ که گرانی و قحطسالی ملت ایران را تهدید نمود، اداره اطلاعات کوشش بسیار کرد که خوار بار کارمندان و کارگران خودرا بقیمت ارزانتر تدارك نموده ودردسترس عموم قراردهد واداره اطلاعات توانست این کمك ذیقیمت رادرآن روزگار سخت باپرداخت مساعده وقرض وغیره انجام دهد .

اداره اطلاعات دراین مورد وسایر مواردی که لازم بوده درباره کارمندان خود، که درحقیقت موجد این سازمان ونگاهدارآن بوده وازروی کمال علاقه وصمیمیت کار کرده اند مساعدت نماید هیچ مضایقه نکرده است درحالی که میتوانست رویهٔ کدامنشی که معمول اغلب بنگاههای مملکت ما است پیشهٔ خود سازد، زیر بار این پرداخت ها ومساعدت ها نرود و ترجیح دهد ازقرض بانك ملی کاسته شود تزول پول ندهد لکن باطیب خاطر وعلاقه فراوان روش نیکو وموفقیت آمیز خودرا پیروی کرد وروش کدامنشی را دور انداخت ومن باز یکی از افتخارات بزرك خودرا همین خدمت بسزائی میدانم که اداره اطلاعات در مشکلترین اوقات توانست درباره چند هزار نفر کسانی که معیشت آنها برعهده این مؤسسه وچاپخانه قرارداشت انجام دهد و سهم خود درماجرای قحطی وخشکسالی کارمندان وکارگران خودرا حفظ ونگاهداری کند .

بدیهی است سازمان متشخص وثروتمندی میخواهد که بتواند چنان روشی نسبت بکارمندان خود معمول دارد ومن این تظاهر مستحسن ونظایر آن را که دیگران باداشتن وسایل کافی شانه خالی میکنند بخاطر کارمندان عزیزم دوست داشتم وبدان فخر ومباهات می نمودم ولو حکایت ازآن نماید که بزرگترین ثروتمند روی زمین هستم .

همچنین در زندگی مختصر خود متشخص بودم ، اتومبیل نو نگاه میداشتم ، پیوسته سعی مینمودم دائره کار خود را وسعت دهم ، بر تشکیلات اداره بیفزایم ، نشریات را علاوه کنم و راز بیگانگان به آبرومندی پذیرائی کنم و خلاصه تجمل را تا آنجا که مصرف یک روزنامه نویس آبرومند کشور بخارجیان است حفظ مینمودم غافل از اینکه تمام این اعمال خلاف روشی است که در این مملکت عاقلان دارند ؛ و این رفتار در بین بعضی اشخاص تولید رشک و حسد مینماید بهتر این بوده است که در این مملکت انسان گمنامش زندگی کند تا از گزند حسودان دور باشد ، اتومبیل قراضه سوار شود ، مهمانی ندهد ، خانه و اثاثیه متجمل خودرا بمردم نشان ندهد تا فقیر و بینوا جلوه کند و محبوب عامه قرار گیرد. باید همیشه ناله کرد و از بدی زندگی خود شکوه کرد و ارقام قرضها را شمرد .

***

باز از جمله کارهای خوب من که عقلا هیچوقت پیرامون آن نمیگردند : یک مهمانی سالیانه ئی بود که بدنبال تجمل و تشخص مدیریت یک روزنامه آبرومند کشور میدادم ، این مهمانی بیشتر برعایت خارجیها داده میشد زیرا در جریان سیصد و شصت روز سال هر سفارتخانه و مؤسسه خارجی در تهران دعوتهای خصوصی و عمومی از من مینمود لازمه زندگی اینست که باین دعوتها جواب داده شود ، من این جواب را سالی یکمرتبه با تشکیل مجلس باشکوهی میدادم که در این مجالس علاوه بر رجال بزرگ و محترمین کشور تمام نمایندگان خارجی مقیم پایتخت هم دعوت میشدند و بسیاری از دوستان و ارباب قلم نیز مشارکت میجستند ، پذیرائی شایسته و آبرومندی میشد و مهمانی مزبور در اذهان خاص و عام انعکاس خوب و بد میکرد ، اشخاص بیغرض این کار را تحسین مینمودند و میگفتند غیر از مهمانی های دولت که از خزانه ملت بخارجی ها داده میشود خوب است یکنفر هم پیدا میشود که بطرز آبرومندانه هر سال یک مهمانی بخارجیها میدهد و بر حیثیت و اعتبار ملت و مملکت می افزاید ، اما اشخاص مغرض که عقلا از آن دسته پرهیز و اجتناب میکنند و هرگز زیر بار این مهمانیها نمیروند طور دیگری تعبیر مینمودند که یکی از آن تعبیرات داشتن پول سرشار من بود و میگفتند فلانی آنقدر ثروت دارد که نمیفهمد چطور خرج کند و در اینصورت وقتی نوشته میشد که مدیر اطلاعات میلیونها ثروت روی هم انباشته است و جوابی هم از طرف من داده نمیشد و این گشادبازی ها را هم میدیدند و میشنیدند صحت مطلب در دل بسیاری جای میگرفت .

مسافرت های من بخارج از کشور

و باز از جمله کارهائی که بر این شهرت قوت میدهد مسافرتهای پی در پی من بسوئیس است که در دنبال این مسافرتها گاهی گفته میشود برای جابجا کردن ملیونها لیره و دلار و فرانک است در صورتیکه جابجا کردن میلیونها پول محتاج بمسافرت کسی نیست ، دو سطر نامه یا تلگراف میلیاردها پول را از نقطه ای بنقطه دیگر انتقال میدهد بدون اینکه آب از آب تکان بخورد و محتاج بمسافرت و رفت و آمد باشد .

من از دیرزمان مسافرت را دوست داشته ام ، مسافرتهای زیادی بنقاط اروپا و امریکا بمنظور مطالعه نموده ام و از تمام آن مسافرتها هم خوب استفاده کرده و خوانندگان عزیز اطلاعات را از نتیجه مطالعات خود که در هر موقع و مورد قابل و مفید بوده است مطلع ساخته ام که مهمترین یادداشت های مسافرت خود را در امریکا در دو کتاب انتشار داده ام و در آنجا آنچه راه و رسم زندگی امروز ملل جهان بخصوص سر موفقیت و ترقی امریکائی است بزبان ساده و سلیس نوشته ام و از انجام این خدمت خود مفتخر و سرافرازم زیرا در طی این دو جلد کتاب ضمن تشریح زندگی امریکا مردم ایران را بوظایف خطیر خود آگاه ساخته و نشان داده ام که تنها ضامن ترقی و تعالی کشور کار و فعالیت افراد و وظیفه شناسی آنها است .

دوست داشتم مسافرت بمنظور سیاحت و گردش و مطالعه نمایم ، مسافرت برای معالجه متاسفانه از چندسال باینطرف کسالت های چندی بر من روی آورد که زمانی در امریکا مشغول معالجه شدم و حتی در بیمارستان بستری گردیدم و بعد ها دنباله معالجه خود را تحت نظر یکی از پرفسور های عالیمقام که در امراض داخلی تخصص دارد و مقیم ژنو است (پرفسور بیکل) قرار دادم . این شخص مرا باستراحت متمادی و رعایت دعوت و توصیه مینماید و چون از قبول این توصیه سرباز میزنم دستورات کوتاهی برای مدت ۳ ماه بمن میدهد و معتقد است که هر سه ماه شخصا مرا معاینه و عکس برداری نموده دستورات دوائی و غذائی مرا تجدید کند اگر طالب صحت و سلامتی خود باشم ناچارم رعایت دستور طبیب معالج خودرا بنمایم و طبق تعلیمات او رفتار کنم و اگر بخواهم رعایت گفته ها و تصورات واهی بعضی اشخاص را بنمایم نادر باره من بگویند مسافرتهای پی در پی برای جابجا کردن پول ها و یا نرار از ... و یا نشانه ثروت هنگفت من است ناچار باید به پیروی از گفته های مردم ، دست از معالجه بکشم و خودرا تسلیم مرگ تدریجی سازم ،

زیرا تجربه کرده‌ام که بمحض تخطی از دستور و رژیم و تعقیب معالجه بصورت بیمار عاجزی میافتم که نه قدرت کار دارم نه توانائی و حوصله فکر و مطالعه و در نتیجه مرگ تدریجی را بچشم می‌بینم و بخوبی آن را حس میکنم و من شق اول را انتخاب کرده‌ام یعنی بصحت و سلامتی خود علاقمندم دوست دارم زنده بمانم و بخدمات اجتماعی خود ادامه دهم، فرزندان خود را برای جامعه خوب تربیت نمایم چرا برای خاطر حرف مردم خود را علیل و درمانده ساخته و بمیرم مگر در زندگی خیانتی کرده‌ام که وحشت داشته باشم، مگر پول کسی را خورده‌ام و کلاه کسی را برداشته‌ام، حق کسی را پایمال نموده‌ام، من که از زحمت خود نان میخورم و توقعی از کسی ندارم، جاه طلب نیستم، دنبال مقامات نمی‌گردم، بخزانه مملکت خود را تحمیل نساخته‌ام چه اضطرابی داشته باشم از اینکه با پول و در آمد خود مسافرت میکنم حتی اگر در تمام مدت معالجه خود و مسافرتهای بخارجه یک لیره یا یک دولار یا یک فرانک ارز دولتی گرفته باشم و از این راه ضرری بذخیرهٔ ارزی دولت که متاسفانه با کمال بی‌انصافی خیلی از آن عقلا بر آن تحمیل‌اند وارد ساخته باشم حق این است که در مقابل دولت و ملت سرافکنده باشم که ارز دولتی را بمصرف معالجه و مسافرت خود رسانده‌ام، ولی وقتی چنین نیست و احتیاج ارزی خودم را از بازار آزاد تهیه میکنم چرا سلامت خود را فدای حرف بی‌منطق و طعن و لعن بعضی مردم ساده‌دل سازم، بگذارید هرچه میگویند بگویند و هر قضاوتی درباره من میکنند بکنند

سازمان روزنامه و تشکیلات چاپخانه

منظره باشکوه عمارت روزنامه اطلاعات و چاپخانه وسیع شرکت سهامی چاپ که نشریات اطلاعات را بطبع میرساند از دلایل قطعی و خلل‌ناپذیر ثروتمند بودن من میباشد، من در این قسمت انکار ندارم زیرا مؤسس این تشکیلات بزرگ بوده‌ام و در آن سهیم میباشم. حاصل زحمت و کوشش چندین ساله من همین سازمان وسیعی است که با کوشش و همت شبانه‌روزی من برای مملکت و ملت ایران بوجود آمده اما متعلق بجمعی صاحبان سهام میباشد و من هم در آن سهم قابلی دارم، ابتدا از ذخیرهٔ عایدات روزنامه یک ماشین کوچک و یک تشکیلات مختصر و فچینی تهیه کردم و بعدها قدری وسعت دادم و چون این سازمان کوچک آتش عشق و علاقه مرا بتوسعه کارهای مطبوعاتی خود فرو نمی‌نشاند و پیوسته مایل بودم مؤسسه بزرگ فرهنگی بوجود آورم از جمعی علاقمندان و دوستان دعوت کردم شرکتی تشکیل دهند و مطبعه کوچک اطلاعات را تقویم نموده بشرکت بگذارند و عمارت مخصوص بسازند و چاپخانه بزرگ خریداری نمایند خوشبختانه دعوتم اجابت شد. شرکت سهامی چاپ تشکیل گردید و عمارت بزرگی ساختند که قسمتی از آن باداره روزنامه اطلاعات اجاره داده شد و تا توانستیم سازمان روزنامه را در این محل جدید وسعت دادیم و من در این موقع لازم میدانم از مساعدت شایان تقدیری که جمعی از بازرگانان و محترمین و دوستان بالخصوص سرمایه خود موجبات انجام این منظور بزرگ فرهنگی را فراهم آوردند صمیمانه شکرگزاری کنم.

افکار معارف‌پرورانه شرکای ما بزودی صورت تحقق یافت و از این حیث در پیشگاه این آقایان محترم روسفید بخصوص اینکه در طی چندین سال که از تاسیس شرکت سهامی چاپ میگذرد این شرکت توانست خود را یک مؤسسه صدیق و خدمتگزار فرهنگی معرفی نموده و بشرکای خود سود هم برساند و امروز قول و فعل این شرکت بزرگ مطبوعاتی را همه شرکای ما میستایند و تحسین میکنند و اگر قبول میکردند که نشریات اطلاعات هم در این شرکت و یا در شرکتی نظیر آن گذاشته میشد موجب کمال خرسندی من و همه کارکنان اطلاعات بود ولی افسوس که نسبت بسازمان و انتشارات اطلاعات که بشرکت گذارده شود استقبالی تا بحال دیده نشده و اگر چنین توفیقی حاصل گردد و استقبالی در این قسمت بشود با طیب خاطر قبول خواهم کرد و بالاخره روزی باید این کار هم صورت گیرد و سازمان و انتشارات اطلاعات بشرکت واگذار گردد همانطور که روزنامه‌های بزرگ عالم این کار را میکنند و جرایدمهم روی سهم افراد و شرکت چند سرمایه‌دار اداره میشود زیرا فعالیت و سرمایه فردی هرگز قادر بتشکیل و اداره سازمانهای بزرگ مطبوعاتی نمیباشد و بدیهی است اگر روزنامه اطلاعات سرمایه کافی میداشت میتوانست بسیاری از نواقص کنونی را مرتفع ساخته و بخصوص برای طبع و نشر مجلات مانند مجلات امروز عالم قدمهای بلندی بردارد ولی افسوس که استعداد مالی اداره اطلاعات بیش از آنچه تاحال وسعت داده شده نیست و اگر بتوانیم همین نشریات امروز را نگاهداری کنیم و بتدریج برفع نواقص آن بپردازیم پیوسته سپاسگزار ملت ایران که با حسن استقبال از نشریات ما موجبات تشویق و تائید ما را فراهم میآورند خواهیم بود و در هر قدم که بجلو برداشته‌ایم مرهون توجه و عنایات مخصوص خوانندگان باوفا و عزیز اطلاعات بوده‌ایم.

اکنون باید در پیشگاه خوانندگان محترم اعتراف نمایم که سه نشریه اداره اطلاعات نه فقط سودی ندارد بلکه زیان هم دارد یعنی زورنال دو تهران، دیگری اطلاعات ماهانه و سومی اطلاعات هوائی — از همه بیشتر اطلاعات ماهانه

است که با وجود کثرت انتشار برای اداره ضرردارد زیرا مخارج چاپ و کاغذ آن سنگین و معادل قیمتی که بفروش میرسد حق الطبع و پول کاغذ پرداخته میشود و امیدوارم بتوانیم انتشار این نشریه مفید را که مورد توجه قرار گرفته است با همین نظافت و ظرافت طبع ادامه دهیم .

اکنون نشریات اداره برروی هم از حیث درآمد و هزینه تعادل دارد و بدیهی است چنانچه این موازنه بر اثر افزایش قیمتها از دست برود ناچار بتعطیل نشریاتی که زیان آور است خواهیم شد زیرا مسئولیت بزرگ حفظ و نگاهداری این مؤسسه وسیع را برعهده دارم و هرگز نمیتوانم از آن غفلت ورزم و مقدرات آن را بدست طبیعت و پیش آمد بسپارم در حال حاضر ارقام بودجه سازمان مؤسسه بقدری وسعت یافته و مخارج آن باندازه‌ای بالا رفته است که اندك لغزشی در بهم خوردن دخل و خرج موجب ازهم پاشیدگی امور میگردد زیرا برخلاف آنچه درباره من تصور میکنند من صاحب گنج و خزانه و جواهرات و پول و میلیون‌ها دلار و لیره و فرانك نیستم یا املاك و مستغلات و دهاتی ندارم که بتوانم بافروش آن زیان مؤسسه را جبران نمایم اینست که باید خیلی با احتیاط و دقیق باشم زیرا صرف نظر از همه چیز مسئولیت زندگی چند هزار نفر برعهده من و هیئت مدیره ایست که این مؤسسه بزرگ فرهنگی را میچرخانند و نمیتوان نسبت بآن خونسرد و بی اعتنا بود .

این مطلب را هم جواب میدهیم و میگذریم

یك مطلب باقی مانده است که باید بان نیز جواب داده شود و بعد دنباله وقایع مهم سالهای اخیر را شروع نمایم و آن گرفتن ارز دولتی برای ورود کاغذ اطلاعات و نشریات وابسته بآن است .

این از مواردی است که بعضی تصور میکنند دیگر قابل دفاع نیست زیرا گرفتن ارز دولتی برای ورود کاغذ روزنامه یك امر پیش پا افتاده ایست که در هرموقع اطلاعات گریبان حکومت وقت را که برای آن سنگ بسینه میزده است گرفته و واردات کاغذ خود را باارز دولتی انجام داده است و چه بسا ممکن است ازاین راه استفاده هائی هم کرده باشیم یعنی ارز بیش از احتیاج گرفته اضافه بر احتیاج را در بازار آزاد فروخته‌ایم یا بیش از میزان احتیاج کاغذ وارد کرده و مازاد آنرا در بازار بفروش رسانیده و از این راه تمول سرشاری بدست آورده‌ایم .

آنهائی که در باره ماهیچیك از تصورات دیگر را نمیکنند وزیر بار اتهاماتی که برما وارد میسازند نمیروند ، دیگر قبول ندارند که اطلاعات ارز دولتی هم برای کاغذ مصرف خود نگرفته باشد .

در ظرف این چند سال موضوع تدارك کاغذ اطلاعات و گرفتن صدها هزار لیره ارز بقیمت دولتی مکرر مورد بحث بعضی جراید واقع شد و بقدری موضوع شیوع پیدا کرد که در مجلس هم گفتگوئی از آن بمیان آمد .

یکی از نمایندگان مجلس بعد از حکومت حکیم الملك تحت تاثیر نشریات روزنامه‌های مخالف قرار گرفت و در مجلس موضوع گرفتن چندصد هزار لیره ارزدولتی برای ورود کاغذ را عنوان کرد و نتیجه گرفت که اگر من حکومت حکیمی را پشتیبانی میکردم و خیلی هم طرفدار آن بودم برای این بود که منافع مرا آن حکومت تامین نمود و چندصد هزار لیره ارزدولتی برای کاغذ روزنامه اطلاعات داد . وچون این مطلب در یك مرکز رسمی کشور مطرح گردید همانروز تکذیب کردم و اصرار ورزیدم که اگر چنین چیزی سراغ دارند روی دلیل و سند بگویند و چون واهی بودن مطلب واضح بود و منظور ایجاد محیط نامساعد برای پیشرفت منظور دیگری بود و اتکای ناطق بمندرجات جراید بود ناچار ساکت ماند ولی ممکن است توهمی برای بعضی باقی مانده باشد که آیا واقعاً در حکومت آقای حکیمی ما ارز دولتی برای کاغذ گرفته‌ایم و اگر در آنموقع نگرفته‌ایم حتماً در حکومتهای قبل و بعد استفاده زیاد ازین راه کرده‌ایم .

چندی بعد موضوع استفاده ازارزهای دولتی جداً از طرف مجلس تعقیب گردید و اطلاعات هم موضوع را دنبال کرد تا آقای دکتر سجادی وزیر اقتصاد ملی گزارش جامعی از اسامی کسانی که درطی چند سال ارز دولتی گرفته اند تقدیم مجلس نمود و برای مطالعه و دقت آقایان نمایندگان بکمیسیون ارجاع گردید و اطلاعات ستونی در روزنامه باز کرد و گیرندگان ارزدولتی را که عده‌ای از بازرگانان و اشخاص متفرقه بودند انتشار داد و از آن ببعد هر ششماه یکبار این صورت را کمیسیون ارز بروزنامه ها میفرستاد و چاپ میکردیم از آن پس دیگر کسی نپرسید که چند میلیون لیره ارزهای دولتی چرا بی تناسب باشخاص داده شده یك بازرگان برای چه صدها هزار لیره استفاده کرده و بدرخواست بسیاری از بازرگانان ابدا ترتیب اثر داده نشده سر و صداها خوابید و دیگر کسی بتعقیب برنخاست

حالا ما باین قسمت‌ها کار نداریم، مقصودم اینست که ما در زمان رضا شاه فقید و دوره دموکراسی هیچگاه از مقررات رسمی دولتی خارج نبوده و هر گز به فکر گرفتن ارز دولتی از کمیسیون ... هم چنانچه تمام صورت هائیکه کمیسیون ارز به مجلس و مطبوعات فرستاده دال بر این است که اطلاعات ... و حال آنکه ۱۹۰ تن چنین کاری میشد صحیح و عادلانه بود زیرا کاغذ روزنامه باید در ردیف وارداتی تشخیص داده شود که مورد احتیاج کشور و نسبت بآن مساعدت و تسهیلات فراوان فراهم آورند.

چندی پیش از سازمان مطبوعاتی بین‌المللی یونسکو نماینده‌ای بایران آمد و ضمن ملاقات با من از تسهیلاتیکه دولت برای مطبوعات فراهم می‌آورد پرسید و وقتی باو گفتم که برای ورود کاغذ مثل سایر مال‌التجاره‌ها باید گواهی نامه تهیه کرد و بعد ارز بدست آورد و بعلاوه گمرک فاحشی از کاغذ گرفته می‌شود غرق تعجب و حیرت گردید و گفت این رویه مخالف و وحشی است که در اغلب کشورهای متمدن وجود ندارد. در هر حال آنچه را که تاکنون درباره ما گفته و نوشته‌اند دروغ بوده است و ما هرگز از موسسه مطبوعاتی خود سوء استفاده نکرده و از همان راهی که سایر تجار مملکت باز بوده مانند یك تاجر وارد کننده کاغذ اقدام بدرخواست ورود و انجام کلیه تشریفات مقرره قانونی نموده‌ایم و از ارز دولتی بنرخ رسمی هیچ استفاده نکرده‌ایم کمیسیون ارز ... دفاتر آن موجود و صورت هائی هم که داده شده حاضر است و اگر کسی سراغی از انحصار نمود تقاضا میشود کشور را مطلع سازد ولااقل بدسته‌ای که علنا مخالفت ما قیام می‌کنند گزارش دهند تا موضوع در معرض قضاوت افکار عامه گذارده شود.

یکی از دلایل بارز و شخص مبارزات سخت و شدید ما با اشخاص و دستجات اجتماعی و پاکی حساب ما است اگر ما در زمرهٔ کسانی قرار داشتیم که در زندگی سیاسی خود حاشیه و عیوبی سراغ داشتیم از ترس اینکه رسوا نشویم سعی میکردیم مثل خیلی از اشخاص که همه میشناسند با مخالفین خود سازش کنیم و آنها را خاموش سازیم نه اینکه با کمال سرسختی بمبارزات خویش با توده‌ای و دموکرات و قوام و غیره بی باکانه ادامه دهیم و از هیچ اتهام و افترائی واهمه و ترس نداشته باشیم دلیل اینکه ما از حکومتهای با صلاحیتی چون حکومت مرحوم فروغی و آقای حکیمی آنقدر طرفداری و حمایت کردیم و خود را در معرض هر گونه اتهام قرار دادیم چه بود؟

آیا این حکومت ها اهل زد و بند و رسانیدن منفعت بودند و زیر بار توهم و تمنیات اشخاص میرفتند یا بعضی حکومتهای دیگر این چند ساله که همه چیز میدادند و همه قسم برای سازش آماده و حاضر بودند، آیا جز مصلحت کشور و خیر عامه و ایمان بخدمتگزاری و انجام وظیفه صادقانه چیزی سبب میشد که ما این راه را پیش گیریم و خود را اینطور در کشمکش و جدال و سیل تهمت بیاندازیم و از سازش با آنها خودداری کنیم.

من شق اول را انتخاب کردم و موفقیت خود را هم در آن میدانم و اطمینان دارم که همیشه حق و حقیقت غلبه خواهد کرد و بالاخره روزی پرده‌های تاریك از جلوی دیده‌ها برچیده میشود و مردم آنچه را که باید بدانند و بفهمند خواهند دانست و حقایق روشن خواهند شد و بین خدمتگزار و خیانت پیشه فرق میگذارند اما افسوس که هنوز مردم ایران در قضاوتهای خود گاهی راه اشتباه می‌پیمایند و جای تأسف است که تحت تأثیر هر گونه تبلیغات شوم و مسموم کننده قرار می‌گیرند و قضاوت منطقی و صحیح نمیکنند.

اگر روزگاری پیدا شد و این مملکت سامانی پیدا کرد و بحسابها رسیدگی گردید معلوم خواهد شد چه پول‌ها که از خزانه مملکت غارت شده و چه ذخیره‌ها در خارج آرمیده و چه کسانی ارز دولتی گرفته و چه قیافه‌های حق بجانب جنایتکاری در این مملکت استفاده های هنگفت نموده و ضرر و زیان بخزانه ملت و مملکت وارد آورده‌اند و چه اشخاصی این مملکت فقیر را استثمار می کنند و ثروتها و تمول‌های هنگفت خود را در لباس بینوائی و بی‌چیزی روی هم میگذارند و چه کسانی دسترنج بینوایان و دهاقین و کشاورزان زحمت کش را بصورت ارز از مملکت خارج کرده صرف کیف و خوش گذرانی خود در خارجه می کنند و چه اشخاصی تحت عنوان مطالعه در دنیای خارج بسر میبرند من آرزو دارم چنین روزی فرارسد و ماسك‌ها برداشته شود و اشخاص آنچه هستند بجامعه معرفی گردند ولی با اوضاع و احوالی که گرفتار آن هستیم نمیدانم این روز حساب کی فراخواهد رسید و کی این کشور مصیبت دیده ما از این آشفتگی و بدحسابی و ناروائی نجات خواهد یافت و کی توده حقیقی مردم این سرزمین روی خوشی و سعادت خواهند دید.

اگر این مطالب که جنبه دفاع داشت بدرازا کشید از خوانندگان عزیز معذرت میطلبیم، پس از بیست و پنجسال خدمت مطبوعاتی و سکوت در برابر ناملایمی امروز بمن حق میدهند از یك موسسه فرهنگی مفید و مؤثری که ... برای این ملت و مملکت ... بدهند باشد، روی حق و حقیقت دفاع نمایم. حالا میرویم بر سر وقایع تاریخی و مهم این چندسال که بطور گزارش و اختصار از آن میگذریم.

اولین انتخابات دوره دموکراسی چگونه انجام یافت

اول آذرماه ۱۳۲۲ دوره سیزدهم مجلس پایان یافت و پنجماه قبل از خاتمه مجلس فرمان همایونی صادر و بموقع خود انتخابات آغاز گردید، بسیاری از نقاط درحین تشکیل مجلس سیزدهم نمایندگان خود را تعیین کردند که اغلب همان نمایندگان دوره سیزدهم بودند و بعضی از نقاط هم پس از ختم دوره ۱۳ صورت گرفت که بیشتر وکلای جدید از آن نقاط بیرون آمد وچون جریان انتخابات بطول انجامید ناچار دوره فترت پیدا شد وحکومت آقای سهیلی توانست دوام پیدا کند.

رویهمرفته صدی چهل نمایندگان جدید وارد مجلس چهاردهم شدند و پس از چند دوره که انتخابات بطرز خاصی انجام می یافت این دوره مردم تاحدی در انتخاب نمایندگان خود مداخله کردند وبرای اولین بار بعد از بیست سال در تهران انتخابات بدون دخالت دولت انجام یافت.

حکومت آقای سهیلی کوچکترین مداخله را در انتخابات تهران نداشت واوضاع واحوال طوری بود که رئیس دولت ویا اعضای دولت نمیتوانستند مداخله کنند، دستجات بسیاری در تهران برای شرکت در انتخابات تجهیز شدند واین دستجات باهم بمبارزه پرداختند وکمترین راه ورخنه مداخله دولت را می بستند چنانچه درجریان انتخابات تهران همینکه انجمن نظارت احساس مداخلات شهرداری را نمود انتخابات را تعطیل کرد تا جریان مداخلات موقوف شود و پس از رفع مشکلات رئیس انجمن دوباره انتخابات را بجریان انداخت وباین ترتیب انتخابات تهران از هرگونه مداخلات دولت بر کنار ماند. اما مبارزات برای پیش بردن کاندیدای دستجات خونین بود ازجمله مبارزات سنگین و سخت مبارزه حزب توده بود که سالهای اول تشکیلات آن حزب ویکعده بسیار از جوانان روشنفکر روی ایمان وعقیده داخل این حزب شده وفداکاری می کردند وازافکاری که بعضی رؤسا و لیدرهای حزب پشت سر داشتند بی اطلاع بودند. این جوانان بهر وسایلی متشبث میشدند که کاندیدای حزب توده را در تهران پیش ببرند ونظر اصلی کمیته حزب این بود که در انتخابات تهران ولی یکی دو نفر هم باشد از کاندیدای خود را پیش ببرند تا گفته شود که دایره فعالیت حزب در تهران قوی گردیده وباین ترتیب بتوانند در ولایات هم کاندیدای خود را پیش ببرند وخلاصه قسمتی از کرسی های پارلمان را بدست آورند و کرسی های تهران برای آنها فوق العاده ارزش داشت زیرا همه میدانستند که انتخابات بازادی وبا مبارزات شدید انجام می گردید.

حزب توده تشکیلات انتخاباتی خود را در تمام حوزه های فرعی انتخاب در بیشتر شعب فرعی دست یافت و در تمام حوزه ها مامورین مخصوص با بازوبند بنام مامورین انتظامات گذاشتند و باین کیفیت انجمن ها و دستگاه انتظامی دولت مرعوب تهدیدات توده ای ها شده بود و مامورین رسمی دولت بهیچوجه قادر باستقرار انتظامات در محیط انجمن ها بواسطه مداخلات غیر قانونی افراد حزب توده نبود و در نتیجه از ریختن آرائی جز آنچه بنفع حزب توده بود بصندوقها ممانعت می شد یا در مقام خراب کردن آراء برمیآمدند. چند روز جریان انتخابات در این وضع تهدید آمیز ومرعوبیت دستگاه انتظامی کشور ادامه یافت وبالاخره عرصه بر دستجات دیگر تنگ شد ولی کسی را جرئت مقابله با آنها نبود زیرا وحشت واضطرابی در دلها بخصوص از تظاهراتی که بعضی از مامورین خارجی بنفع آنها می نمودند جای گرفته بود، دراین میانه سازمانی هم داخل جریان انتخابات بود و آن سازمان بسته بدستگاه روزنامه اطلاعات بود که از افراد برجسته وروشنفکر اطلاعات ودوستان وعلاقمندان بروزنامه اطلاعات تشکیل شده بود. این سازمان بمبارزه پرداخت وآنقدر فعالیت نمود که موفق شد از مداخلات بیرویه وغیرقانونی افرادی که انجمن ها را احاطه کرده ومانع ریختن آراء مردم میشدند جلوگیری نماید وآن سازمان مرعوب کننده را بازدوخورد بجای خود بنشاند وازطرفی مردم بخصوص بازرگانان و کسبه واصناف را تشویق وتأیید بشرکت در انتخابات نماید وبا این وسیله مردم مایوس سمت حوزه های انتخابیه هجوم آوردند ورای خود را آزادانه دادند وباین ترتیب اکثریت نصیب کسانی شد که بیشتر طرف توجه مردم واقع شده بودند ومن هم افتخار نمایندگی را پیدا کردم دراین میانه بسیاری از کاندیدای انتخابی سرمایه دارانی بودند که صدها هزار تومان خرج کردند و آرائی برای خود تهیه کردند ولی هیچکدام موفقیت حاصل نکردند آقای دکتر مصدق یکی از کاندیدای اطلاعات بود ودر آنموقع امید وآرزوی من این بود که این رجل سیاسی پس از سالها کناره گیری اینک در مجلس پیشوای جمعی از نمایندگان صالح و بیغرض مجلس گردیده قدمهای مؤثری درراه بهبود زندگی عموم بردارند، سرلوحه کاندیدای دستگاه اطلاعات با نام دکتر مصدق شروع میشد وتاچندی بعد در مجلس چهاردهم با ایشان صمیمانه همکاری می نمودم ولی رفته رفته درخط مشی وروش سیاسی ایشان با خود اختلافی احساس کردم واز آن پس فقط درمواردی که با گفتار و پیشنهادات ایشان معتقد بودم نظر ایشان را پیروی می نمودم ودر خیلی موارد دردو جهت مخالف سیر میکردیم.

از مواردی که با نظریات آقای دکتر مصدق هیچ موافق نبودم اقدام ایشان در استیضاح و کمیسیون مجلس چهاردهم بود که بعنوان اعتراض حکومت صدر پیش کشیدند. این مبارزه طولانی و ممتد که منجر بفلج شدن کارها گردید زیان بسیاری بر کشور وارد ساخت، آتش نفاق و اختلاف را دامن زد، هرج و مرج را بیشتر کرد و بدون اینکه کمترین سودی عاید دارد و اثری داشته باشد موقعیت خطیر مملکت را در آن روزگارهای سخت و مشکلی که شوروی ها فشار بسیار بایران وارد میآوردند خطرناکتر ساخت.

چقدر افسوس خوردم که مجلس چهاردهم موقعیت های مهمی را از دست داد، این مجلس باکمك معنوی و نفوذ آقای دکتر مصدق میتوانست خدمات شایانی به مملکت انجام دهد ولی باستثنای دوسه کار مفید و مؤثر باقی اوقات گرانبهای مجلس و مملکت صرف مشاجرات و اختلافات و برانداختن حکومت ها گردید.

چیزی از اول دوره چهاردهم نگذشته بود که عده زیادی از نمایندگان مجلس جداً معتقد و علاقمند شدند که آقای دکتر مصدق خود زمام امور را بدست گیرند، با ایشان مطلب را درمیان گذاشتند ولی ایشان قبول شغل نخست وزیری را مشروط بگذراندن قانون خاصی از مجلس برای خود نمودند و در حقیقت تعلیق بمحال شد زیرا اکثریت مجلس قبول نمیکرد و ایشان تصور کرده بودند که جمعی در نظر دارند ایشان در مجلس نباشند، بعید نیست که بعضی ها چنین نظری داشتند ولی برعکس در آنموقع خیلی از نمایندگان مجلس جداً علاقمند بودند که ایشان زمام امور را بدست گیرند و همه گونه قول موافقت و مساعدت داده میشد و بدون شك اگر ایشان شروع بکار میکردند و نمونه هائی از افکار اصلاح طلبانه خود نشان میدادند که اطمینان و توجه مردم جلب میشد هیچ قدرت و قوه ای توانائی آنرا نداشت که در کار و روش خیرخواهانه ایشان اخلال کند و یا حکومت ایشان را متزلزل و دوچار سقوط سازد.

مداخله دولت در انتخابات دوره چهاردهم

غیر از انتخابات تهران و چند نقطه دیگر که با قانون ناقص انتخابات در محیط آزاد و مبارزات و فعالیت دستجات انجام پذیرفت در اغلب شهرستانها مداخلات مامورین دولت کم و بیش وجود داشت و متنفذین هر محل با پشتیبانی مامورین محلی توانستند آراء مردم بیسواد و رعایا را بنفع خود بصندوق ها بریزند و نکته جالب توجه این است که حکومت مرکزی در اکثر نقاط انتخابی نتوانست اعمال نفوذ کند و بعدها بی جهت آقای سهیلی را متهم بمداخله در انتخابات چند نقطه نمودند و برای او پرونده تشکیل دادند زیرا آنچه را او نسبت میدادند وارد نبود و معکوس نظر ایشان انتخابات آن نقاط انجام گرفته بود ولی در نقاطی که دخالت مستقیم شده بود صدای کسی در نمیآمد.

اصولا آقای سهیلی مایل و مصمم بود انتخابات در محیط آزاد انجام شود و در این باره سعی میکرد منتها قانون انتخابات دست متنفذین و مأمورین دولت و اقدام بهر گونه تطمیع و تهدید را باز گذاشته بود وضمنا اورا راحت نمی‌گذاشتند از جمله دستورالعملهائی آقای سهیلی روی فشار اشخاص و داوطلبان که درمحظور اخلاقی واقع میشد صادر میکرد و برای تسلی خاطر ارباب رجوع تلگرافات پوچی صادر میشد که بی اثر بود و بعدها همان تلگرافات سبب بدبختی او گردید.

ولی اصل موضوع و ریشهٔ تعقیب او چیز دیگر بود، مداخله حقیقی دولت در امر انتخابات چند شهرستان برای چند نفر سران حزب توده بود که در آن مورد دولت بدون تردید مداخله صریح کرد و سهیلی چوب این عمل خود را تحت عنوان مداخله در انتخابات شهرضا و بندرعباس و یکی از نقاط آذربایجان میخورد، همه میدانستند که سهیلی در مورد این چند نقطه مرتکب تقصیر قابل تعقیبی نشده اما از ترس حزب توده و حملات آنها در مجلس و خارج، جرئت نداشتند بگویند این شش هفت نفری که باسم عضو حزب توده بر چند شهرستان ایران تحمیل گردیده، چطور انتخاب شده اند و برای چه حکومت سهیلی نسبت بانتخاب آنها دستور صادر کرده و پشتیبانی نموده است؟ وقتی این مطلب خصوصی و محرمانه را باآقای سهیلی درمیان میگذاشتند او ازخود دفاع میکرد و میگفت من در این قسمت گناه ندارم مملکتی که نیمی از آن در اشغال شورویهاست و ما در کارها تماس نزدیك باآنها داریم چطور میتوانیم در برابر توقعات و حمایت و پشتیبانی های آنها آنقدر بی اعتنا باشیم که شش هفت نفر طرفداران آنهارا درمجلس نپذیریم بخصوص اینکه درمقابل علائم و آثاری ازاعمال نفوذ انگلیسها هم ظاهر شده و آنها هم در حوزه های دیگر مساعدتهائی کرده اند.

روی این اظهار نظر خصوصی معلوم بود که مامورین شوروی همان اعمال نفوذ و شایعه مداخلات انگلیسی ها را بهانه قرار داده مایل بودند لااقل یک ثلث نمایندگان مجلس از توده ایها و طرفداران آنها انتخاب شود و بالاخره در نتیجه پافشاری و مقاومت های زیاد حکومت وقت بشش نفر عضو رسمی حزب توده و چند تن طرفدار آنها از نقاط شمال اکتفا شد ولی همین عده محدود که از ۱۲ و ۱۴ نفر تجاوز نمیکرد آتشی در مجلس چهاردهم روشن کردند که سرآسر جلسات جنجال و جدال و زدوخورد حکمفرما بود و دست آخر غائله آذربایجان راهم بار آورد و بر مشکلات کشور افزود .

پس سهیلی چوب این عمل خود را تحت عناوین دیگر از جمله مداخله در انتخابات چند نقطه دیگر که سر و تهی نداشت و معامله لولا و دستگیره های زائد عمارت وزارتخارجه خورد درصورتیکه خدمات شایسته ای هم در زمان حکومت ایشان بکشور شد که بطاق نسیان افتاد.

دوران دوم حکومت سهیلی باامن و راحت ورفاه مردم توأم بود ، مشکل نان و آذوقه حل شده بود ، قیمت ها قوس نزولی یافته بود وازهمه مهمتر اجتماع سران سه دولت مهم شوروی، امریکا و انگلیس در تهران و صدور اعلامیه تهران بود ورویهمرفته سهیلی بلحاظ تسلط و ورزیدگی در امور سیاسی توانست در دوره زمامداری خود سیاست تعادل ودوستی متقابل با کشورهای همسایه بخصوص متفقین را حفظ نماید ، اما همینکه مجلس چهاردهم افتتاح یافت و کلائی که بسیاری از آنها بامساعدت خود او انتخاب شده بودند مخالفت شدید خود را برعلیه سهیلی آغاز نمودند و بساو مهلت ندادند کابینه جدید تشکیل دهد. همانروز اول تشکیل مجلس اعلام جرم ها روی میز رئیس مجلس ریخته شد و حملات سخت براو شد و بااین ترتیب حکومت سهیلی پس از رسمیت یافتن مجلس چهاردهم طبق قانون استعفا داد و حکومت ساعد روی کار آمد و بعدها در انتخابات دوره ۱۵ و ۱۶ مجلس، ارزش سهیلی معلوم شد زیرا با مقایسه بااینده دوره مسلم گردید انتخابات دوره ۱۴ نسبت بآن دو دوره ، حسن جریان داشته است.

حکومت ساعد و نفت شمال

آقای ساعد پس از چندروزی که از حکومتش گذشت باپیشنهاد کافتارادزه معاون کمیساریای خارجه شوروی درمورد گرفتن امتیاز نفت تمام منطقه شمال ایران مواجه گردید.

شورویها باآقای ساعد که مدتی سفیرکبیر ایران درمسکو بود وحسن رابطه داشتند دوستی میورزیدند و اطمینان داشتند که حکومت ساعد بانظریات آنها مساعدت خواهد کرد بخصوص که ازچندی قبل متخصصین امریکائی در نواحی جنوب شرقی ایران وبلوچستان مطالعات معرفة الارضی برای کشف نفت مینمودند وصحبت از استخراج نفت نقاط مزبور ودادن امتیاز بامریکائیها بود. درهمین موقع شوروی ها هم پیشنهادخودرا روی میزآقای ساعد گذاردند و گفتند ازاین نمد کلاهی هم ما میخواهیم .

ساعد مات ومبهوت ماند. آنروز که این پیشنهادها را دادند جواب ردنداد وهمین قضیه اشکال بزرگ سیاسی بوجود آورد یعنی شورویها مطلب را بانظر مساعدی تلقی کرده بمسکو گزارش دادند و آنرا دنبال نمودند وچقدر تعجب کردند وقتی باجواب منفی ومقاومت شدید ساعد مصادف گردیدند .

در همان روزگاری که آقای کافتارادزه بامیدواری در تهران میزیست دعوتی ازسه تن مدیر روزنامه ومجله نمود که یکی از آنها من بودم در آن جلسه بعنوان مصاحبه شرح تقاضای خودرا ازدولت داد که روز بعد بطورعادی بعنوان مصاحبه کافتارادزه چاپ شد دراین مصاحبه دولت شوروی تقاضای امتیاز نفت نقاط شمال ایران را نموده وشرایط معامله وشرکت خودرا توضیح داده بود ومن ازلحاظ اینکه یک مرد بزرگ سیاستمدار دولت همسایه بایران آمده و پیرامون مسافرت او انتشارات زیادی است خواستم بوسیله طبع و انتشار متن مصاحبه کافتارادزه نظریات و پیشنهادات اورا باطلاع عموم برسانم والبته ازجنبه خبری حائز اهمیت بود وهیچ الزام وتعهدی برای اطلاعات در موافقت یا مخالفت با موضوع ایجاب نمیکرد ، من پیوسته طرفدار حسن مناسبات با ملل همسایه بوده و هستم و همیشه سعی کرده ام که احترامات همسایگان را رعایت نموده و هرگونه شکایت وگله و اعتراض را بزبان ادب ومتانت در روزنامه منعکس سازم، در اینمورد هم کوتاهی نکردم منتها در ردیف بعضی جراید تندرو قرار نگرفتم و آنرا دور از رویه اطلاعات میدانستم همین اعتدال ومیانه روی وانتشار مصاحبهٔ کافتارادزه را بعدها بعضی ازهمکاران مطبوعاتی موافقت من بااعطای امتیاز نفت شمال بروسها دانسته وایرادات بیش قولی برمن گرفتند .

اقدامات خصوصی من در آنموقع از احساسات وثبت من حکایت میکرد . درپی این مصاحبه وداشتن رابطه دوستانه باماموریـن شوروی فرصت نیکوئی بدستم آمد که آقای کافتارادزه وماموریـن عالی مقام شـوروی را متقاعد سازم که دولت وملت ومجلس ایران بهیچوجه موافق اعطای امتیاز نیستند وصریحاً گفتم که درزمان جنگ واشغال کشور ایران ازطرف قشون شما مصلحت ما وشما نیست عنوان گرفتن امتیاز نفت بمیان آیـد و فشار وارد آورند زیرا اعمال هرگونه فشار برملت ایران عکس‌العمل شدید خواهدداشت. چند جلسه من و آقای مجیدموقر وآقای ابوالقاسم امینی ملاقاتهای خصوصی درهمین زمینه بامعاون کمیساریای خارجه شوروی نمودیم و جدا از تعقیب رویهٔ او انتقاد نموده وگفتیم روشی که ماموریـن شوروی پیش گرفته اند بخصوص تظاهرات نظامی که برله نفت میشود ومتینگ‌هائی که حزب توده بدستور شما برعلیه ساعد و برای گرفتن امتیاز نفت باتکای سرنیزه قشون سرخ می‌دهند بموقعیت شوروی نزدملت ایران لطمه وارد مسازد ـ در آن جلسات ایشان و نمایندگان عالی شوروی در تهران قانع میشدند ولی بخوبی معلوم بود دستوراتی دارند یا جمعی دیگر آنهارا وادار باعمال نفوذ وتظاهر می کنند واز آن پس چون از ما جز مخالفت چیزی ندیدند قطع رابطه کردند وراه خودرا دردادن نمایشات بـزرگ حزب توده که با کمك نظامیان شوروی انجام پذیرفت ادامه دادند وکافتارادزه وماموریـن شوروی دامنه تظاهرات را بنقاط دیگر ایران کشانیدند ومنجر به زدوخوردهای شدیدی شد ودامنهٔ تهدید دولت از طرف ماموریـن شوروی وسعت یافت ودراین باره پادوهای حزب توده که عمال واقعی شوروی‌ها بودند دوندگی بسیار کردند، درمجلس و درخارج کار شکنی‌ها نمودند، تخریب واخلال کردند وبالاخره عکس‌العمل این کار آنقدر بالا گرفت تاپس‌ازچندی منتهی بوقایع آذربایجان گردید .

حکومت ساعد باتکای اکثریت مجلس وافکارعمومی که جداً مخالف اعطای هرگونه امتیاز بخارجی‌ها بود مقاومت شدیدی دربرابر عدم قبول پیشنهادات کافتارادزه نمود و وقتی منتهی بگذشتن قانونی از مجلس گردید بر شدت عصبانیت شوروی ها افـزوده شدودامنهٔ عملیات خودرا بوسیله توسعه تشکیلات حزب توده و غـیره وسعت دادنـد .

ساعد رفت وحکومت بیات روی کارآمد

دولت ساعد بالاخره تاب مقاومت تحریکات و فشار شورویها را نیاورد ، آنقدر کارشکنی و اخلال درکارها میشد وحتی ماموریـن رسمی شوروی از مراوده وملاقات با آقای ساعد و اعضای دولت خودداری نموده و اگر در مجلس ضیافتی دریك سفارتخانه ساعد و ماکسموف سفیر کبیر شوروی با هـم ملاقاتی می کردند فورا پشت بیکدیگر کرده ازهم میگذشتند ، جمعی از نمایندگان مجلس که درصف بیطرفان قرار داشتند و اعتدال را رعایت میکردند مقتضی دیدند که روش دولت ایران بادولت همسایه چون شوروی اینطور خصمانه باشد باقای ساعد پیشنهاد کناره گیری دادند تا باین وضع آشفته وآتش هرج‌ومرج و نا امنی که بدست توده‌ای ها درهمه‌جای کشور دامن زده میشود خاتمه داده‌شود. آقای ساعد چند روزی مقاومت بخرج داد و در این موقع آقای سید ضیاء الدین طباطبائی آقای ساعد را خیلی تقویت می کرد و دعوت بایستادگی وعدم استعفا می نمود روزنامـه رعد امروز هم که مظفر فیروز می‌نوشت وسیاست ضد شوروی راآنروزدنبال میکرد هرروز مقالات تحریك‌آمیز برعلیه شورویها منتشر میکرد.

بالاخره آقای ساعد احساس کرد که مجلس دیگراز او تقویت نمیکند و بسیاری ازنمایندگان معتقدشده‌اند که مصلحت کشور نیست بیش از این پافشاری دربقای خود داشته باشد لذا استعفا داد و رفت .

اکثریت مجلس نسبت بحکومت آقای بیات اظهار تمایل نمود و ایشان بسمت نخست وزیری منصوب‌شدند و بعد ازبحث دربرنامه رای قابل توجهی بدولت ایشان داده شد ، چیزی ازحکومت ایشان نگذشت که آن دسته از طرفداران اولیه بیات که بایشان ابراز تمایل نمودند برعلیه حکومت او قیام کردند.

در این باره چند نکته جلب توجه میکند یکی اینکه آقای بیات برخلاف نظرهمکاران اولیه خود دولت را از کسانی تشکیل داد که طبق میل و دلخواه آنها نبود و باینجهت از اول کار بمخالفت با او پرداختند دیگر اینکه درجریان حکومت ایشان حزب توده قدرت و قوتـی پیدا کرده بود و ایشان زمینه فعالیت‌سازمانی آن حزب‌را بازگذاشته بودند و روش سیاسی آقای بیات را بیشترحمایت از توده ایها وتظریات آنها دانسته وتشکیل جشن سالیانه ارتش شوروی را درباشگاه افسران از جانب اقای بیات یکی از علائـم آن میدانستند در نتیجه عده‌ای از نمایندگان و اشخاص دیگر ناراضی شده و ادامه این رویه را مناسب و مفید برای کشور نمیدانستند

وحال آنکه آقای بیات منظوری جز ایجاد محیط صمیمیت بین دولت ایران و شوروی نداشتند. منتها روش مسالمت آمیز ایشان میدانی برای سوء استفاده عناصر بد خواه بوجود آورده بود و رویهمرفته دوره حکومت آقای بیات را میتوان دوره سکون و آرامش دانست زیرا تظاهرات و مایشات حزب توده موقوف شده و جنجال و هیاهو کم شده بود ولی بالاخره بواسطه عدم رضایتی که در مجلس از ایشان روی چگونگی تشکیل دولت و یا روی روش سیاسی ایشان پیدا شده بود موضوع باستیضاح کشید و دولت هنگام اخذ رای اعتماد سقوط نمود.

پس از بیات دولت حکیمی رسید ولی پیاده بمنزل رفت

اکثریت مجلس مصمم شد شخص کاملا بیطرفی را روی کار آورد آقای ابراهیم حکیمی را در نظر گرفتند. بایشان رای تمایل داده شد و همینکه فرمان نخست وزیری حکیمی صادر گردید ایشان بدون مشورت با کارگردانان مجلس، دولت خود را تشکیل داد و حضور همایونی معرفی نموده و بمجلس آورد، این واقعه برای عده ای از نمایندگان که در انتخاب وزیران میخواستند اعمال نفوذ و اظهار نظر کنند نابهنگام بود، بعلاوه احساس کردند که این پیرمرد شریف بهیچوجه زیر بار قبول توقعات و تقاضاهای نمایندگان نمیرود گوشش شنوای شنیدن حرفهای احساسی را ندارد، بااینکه تازه دولت خودرا معرفی نموده و برنامه اش مطرح است و در حقیقت ریششان گرو مجلسیان برای گرفتن رای اعتماد است ابدا اعتنائی ندارد و مشغول کار خود می باشد، جمعی از متولیان نشستند و حساب کردند دیدند با این دولت نمیتوانند کار کنند از حالا که اینطور خونسرد و بی اعتناء است پس فردا که رای اعتماد گرفت چه خواهد شد و ازطرفی متوجه شدند که نمی توانند وقت مملکت را بیهوده تلف کنند، می دولت دوسه ماهه بیاور بدو ببر بد گفتند از اول رای عدم اعتماد میدهیم و خلاص می شویم همین کار را هم کردند برنامه دولت را سه هفته معطل کردند و همینکه رای اعتماد گرفتند بیست و پنج نفر از نمایندگان بیشتر بدولت رای ندادند. حکیمی بدون اینکه هیچ گونه تاثیری را و دست دهد از مجلس بیرون آمد و اتومبیل نخست وزیری را مرخص کرد و پیاده راه منزل خود را پیش گرفت و رفت و این پیش آمد مجلس را در اذهان و افکار عامه خیلی موهون ساخت.

حکومت صدر هم دوامی نکرد

سپس نمایندگان بسراغ آقای صدرالاشراف رفتند، بایشان رای تمایل دادند ولی در مجلس عده زیادی از رفتن حکومت آقای بیات و بیاء حکومت آقای حکیمی عصبانی بودند و از اول با حکومت صدر مخالفت آغاز کردند در همین موقع اقلیت بزرگی در مجلس با شرکت نمایندگان حزب توده و نمایندگان متمایل و طرفدار آنها تشکیل گردید.

با اینکه حکومت آقای صدر با مخالفت شدید مجلس مواجه شد و مجلس مدتی تعطیل گردید معهذا باید انصاف داد که این حکومت وظایف خویش را در مراقبت امور کشور و دقت در حسن جریان کارها و جلوگیری از شرارتها و اغتشاشات انجام داد کار مفیدی صورت گرفت ولی اندك غفلتی هم از او ناشی نشد در این هنگام آقای احمد قوام که در انتخابات دوره چهاردهم از تهران داوطلب بود و دوچار شکست گردید مشغول فعالیت شده بود که باردیگر بمقام نخست وزیری نائل شود و با اقلیت مجلس نیز رابطه داشت و همین مواقع بود که مظفر فیروز هم از سید ضیاءالدین جدا شده روش سیاسی خودرا عوض میکرد و میخواست در ردیف طرفداران شوروی درآید و راه آشتی و نزدیکی با قوام السلطنه را می پیمود خلاصه اینکه عوامل بیشتری در تضعیف و تخفیف حکومت صدر مشغول فعالیت شد و تبلیغات زیادی برعلیه او در مطبوعات صورت گرفت و این تبلیغات بقدری بود که بعد ها حکومت صدر را حکومت یکطرفه نام نهادند و از این عنوان که باین حکومت و حکومت ساعد روی غرض شخصی داده شد زبان بسیاری متوجه کشور گردید زیرا این دو حکومت هردو از منافع مسلم کشور دفاع میکردند نمی خواستند بگذارند که دامنهٔ تحریکات خارجی در ایران توسعه پیدا کند و وقتی از اقدامات و فعالیت های توده ای ها که همه میدانستند از منابع خارجی آب می خوردند جلوگیری میکردند میگفتند این حکومت ها یك طرفه است و همین موضوع که اغلب در محافل و مراکز رسمی کشور بعنوان مجلس عنوان میگردید اتخاذ سند میشد و برفشار شورویها بدولت و ملت ایران میافزود و آنها نیز همین حرفها را وسیله تبلیغات نفع خود قرار داده و افکار عمومی را مشوب میساختند و اقلیت مجلس که مبادرت باستر و کسیون نموده و مخالفت شدیدی با صدر شروع کرده بودند بر این هیجان و از هم گسیختگی کمك می کردند و حاضر نمی شدند مجلس را تشکیل داده روی منطق و استدلال حکومت را با رأی ساقط کنند.

پس از مدت درازی که مجلس در نتیجه ابستروکسیون تعطیل بود و دولت باقدرت بکار خود اشتغال داشت مجلس تشکیل گردید ولی عمر دولت پس از گرفتن رأی اعتماد بیشتر از دو سه هفته دیگر دوام نکرد و ساقط شد

غائله آذربایجان چگونه پیدا شد ؟

بدون شك واقعه آذربایجان زائیدهٔ اختلاف و کشمکش و روش نامطلوب و دسته بندی‌های مجلس بود ، اگر بعد از قضیه نفت و ایستادگی مجلس و دولت درعدم اعطای امتیاز بخارجیان همچنان در افکار و نظر واحد خود مقاومت می کردند یعنی آن وحدت و همکاری را در تمام امور کشور نگاه میداشتند، ولجاج وعناد وخود پرستی را کنار میگذاشتند می‌توانستند ازعکس‌العمل عصبانیت شوروی‌ها بخوبی جلوگیری کنند و نگذارند افکاری که در مغز اجنبی پرستان وخائنین بکشور بتحریك اجانب پخته می‌شود صورت عمل وحقیقت پیدا کند، اما قضیه معکوس بود بعضی‌ها روی کج سلیقه گی یاغرض ورزی جنبه حمایت ازتوده‌ای‌ها راپیش کشیدند وبا آنها همکاری نمودند و بر آتش اختلاف دامن زدند، روش مغرضانهٔ اکثریت مجلس هم این شکاف و اختلاف را وسعت داد ، اکثریت متزلزل ومتلون که در بین آن یکعده مغرض ومفسد وجود داشت در برابر اقلیت وبخصوص توده‌ای ها مرعوب بودند وهر گونه اتهامی را ازترس بسکوت بر گذار میکردند، ازطرف دیگر تحریکات اجانب نمیگذاشت مجلس آرام بگیرد تا بتواند دولت راحمایت کند ودولت درمقام حفظ وحراست منافع ایران که در آن روز دستخوش هوا وهوس اجانب بود بر آید، قوام‌السلطنه هم برای آمدن روی کار دست وپائی کرد، ازهمه مهمتر اختلاف شدیدی بود که بین نماینده گان آذربایجان درمجلس وجود داشت دودسته روبروی هم ایستاده بودند یکدسته با آزادیخواهان وحزب توده همراهی وهمکاری می کردند ودستهٔ دیگر با اکثریت مجلس بودند وروی این اختلاف نظر ماهها بود که آذربایجان سرپرست نداشت بعد از احضار مرحوم وثوق‌السلطنه دادور دیگر نمی گذاشتند استاندار بآذربایجان برود وهر کس را دولت می‌خواست انتخاب واعزام دارد مورد مخالفت یکی از این دو دسته نماینده‌گان آذربایجان واقع می‌شد واین موضوع بر آتشی که زیر خاکستر تدارك می‌شد کمك می کرد، مردم آذربایجان هم بتدریج ازدولت مرکزی ناراضی شده ادارات دولتی در آنجا بواسطهٔ ضعف حکومت‌ها و نبودن استاندار و رؤسای دیگر از وظایف خود خارج شده بعدم رضایت مردم کمك میکردند ودراین میانه پیشه وری که اعتبار نامه اش درمجلس رد شده و ناراضی بود باچند تن از همفکران خود بآذربایجان رفته بتحریك پرداخته بودند و موجبات بلوا و شرارت را فراهم میساختند، باتکای بعضی مامورین شوروی وتقویت آنها که بر اثر جریان نفت تصمیم گرفته بودند اوضاع کشور را دگر گون سازند مقدمات بر انداختن حکومت وتسلط بر آذربایجان را فراهم می آوردند .

این عوامل مختلف که درحقیقت از تهران وازمرکز ثقل کشور یعنی اختلافات مجلس هستی وقوت میگرفت و بعضی نماینده گان مجلس با پیشه وری وعمال او درتماس و ارتباط بودند و ریسمانی بین آندسته مجلسیان و عمال خیانت پیشه کشیده شده بود که مرتبا دستور میدادند و میگرفتند ، قاصدهای محرمانه رفت و آمد میکرد، همه دست بهم داده ومصیبت آذربایجان را بوجود آوردند.

میگویند اسنادی در دست است که پیشه وری را از تهران جمعی اشخاص که معروفیت دارند و مقاصدی داشتند تحریك نمودند و بتبریز فرستادند و با او همه گونه کمك ومساعدت کردند که البته دراین مجمع دو سه تن از نماینده گان آذربایجان را هم اسم میبرند و بطور غیر مستقیم دست اجانب وتحریکات آنها نیز در کار بود که درباره آن میشود کتابها نوشت و حالا ضرور نیست بیش از این درباره وقایع آذربایجان گفتگو شود.

آنچه مسلم میباشد غائله آذربایجان با کمك تهران و بر اثر اختلافات موجود درمجلس بوجود آمد یعنی وقتی ضعف کامل حکومت ها در آن نقاط ظاهر شد ، هر متنفذی تسلیم حادثه گردید وپیش آمد را حسن استقبال نمود و با یاغیان کمك کرد و چون محتاج بتقویت و نگاهداری خود بود در نتیجه ماجراجویان به پشتیبانی اجانب توانستند بر اوضاع سست و پوشالی آن روز حکومت مرکزی که اساس و بنیان محکمی در آذربایجان نداشت تسلط پیدا کنند

حکومت حکیمی در بحرانی ترین موقع کشور تشکیل شد

بعد از استعفای صدر دوباره مجلسیان بسراغ حکیمی رفتند زیرا موقعیت مملکت وخیم تر وشیرازه امور از هم پاشیده تر ومداخله اجانب درکارها زیادتر گردیده ودامنهٔ اغتشاش آذربایجان و ناامنی وشرارت در آن صفحات بمرکز

میرسید معهذا هنوز وکلای آذربایجان درباره فرستادن استاندار توافق نظر پیدا نمیکردند ودولتها هم آنقدر دربرابر مجلس ضعیف بودندوهیاهو وجنجال درداخل وخارج مجلس زیاد بود که حکومتها هیچ کار مثبت نمیتوانستند انجام دهند واعزام استاندار بآذربایجان یکی ازمعضلات ومشکلات مملکت شده بود که بدون شك دراین امر تحریکات میشد کـه آذربایجان همچنان بی‌سرپرست ونماینده دولت مرکزی بماند وادارات نیز فاقد مامور رسمی مرکزی باشند تازودتر اوضاع بهم ریخته شود، حکیمی بواسطه بلائی که برسر او آورده بودند زیربار نمیرفت ولی چون موقع حساس کشوررا بایشان گوشزد نمودند قبول کرد دولت تشکیل بدهد اما بدون هیچگونه شرطی وهیچ قسم دخالتی درکارهای او . وکلائی که بسراغ ایشان رفته بودند قبول کردند وآقای حکیمی دولت جدید خودرا تشکیل داد و شروع بکارنمود درهمین موقع بود که وقایع آذربایجان شدت یافت و دولت حکیمی تصمیم گرفت قوا بآذربایجان اعزام دارد ولی درشریف آباد قوای متمرکز شوروی جلوی عبور ژاندارمها را گرفتند.

این پیش آمد علامت بسیار بدی بود وحکایت ازمداخله علنی شورویها وحمایت از آشوب طلبان می نمود، مبادله یادداشت وهرگونه تلاش دولت برای مذاکره باماموریـن دولت شوروی بیحاصل بود زیرا قوای شوروی تانك های خود را وسط جاده قرار داده وازعبور ژاندارم وسرباز وحمل ونقل هرگونه اسلحه ومهمات جلوگیری می نمود.

دولت مصمم شد قوا بفرستد واگر ممانعت شد زدو خورد کنند وباین ترتیب ثابت نمایند که قوای شوروی درداخل خاك ایران ازعبور قوا برای حفظ امنیت داخلی کشور جلوگیری می‌نماید شاید بتوانند عبور کنند، این تصمیم دولت درمقابله باقوای شوروی بامخالفت بعضی ازمجلسیان که در صف اقلیت مجلس هـم بودند مواجه گردید، آنها دولت رامنصرف ساختند وحتی راضی نبودند قوا اعزام گردد ولی بالاخره دولت براهنمائی اعلیحضرت همایونی باعزام قوا اقدام نمود منتهـا دستور داده شد چنانچه ممانعت شد مقـاومت نکنند و شلیك ننمایند ودرهمانجا متمرکز شوند .

نظامیان رشید ایران ویکعده داوطلبان که برای کمك به برادران آذربایجانی حرکت کردند باوجود شدت سرما وبارندگی های زیاد بین راه متوقف گردیدند ومدتها باین وضع بلاتکلیفی باقی ماندند.

حکومت حکیمی علیرغم تمایل دستهٔ مخالف خوددرمجلس که درراس آن توده‌ای‌ها بودند روش خشونت آمیزی نسبت باوضاع آذربایجان اتخاذ نمود وچون آقای بیات که بعنوان استاندار ونماینده رسمی و بااختیار دولت مرکزی بآذربایجان رفته و پس از حادثه و تسلط عمال پیشه‌وری تبریز را ترك نموده بتهران آمدند آقای حکیمی فورا درمقام اعزام استاندار دیگری برآمد وآقای فرخ بآن سمت انتخاب و وسایل حرکت ایشان نیز فراهم گردید وبدون شك درآن روز که هنوز غائله بسط پیدا نکرده بود رفتن فرخ باقوای ژاندارمری که قرار بود ازاطراف آذربایجان به تبریز فرستاده شود تاثیر شایسته‌ای داشت ولی بازهم دستهائی شروع بفعالیت کرد واز مسافرت استاندار جدید ممانعت گردید ودرنتیجه سرنوشت آذربایجان بدست طبیعت وحادثه‌جوئی سپرده شد.

اما حکومت حکیمی ازپای ننشست وازلحاظ بین‌المللی بفعالیت پرداخت.

ازکارهای مفید ومهم حکیمی یکی این بود که حکومت پیشه‌وری راعلیرغم تمایـل اقلیت وتوده‌ئی‌ها درمجلس متجاوز و اشرار وباغی وغیرقانونی شناخت و لزوم قلع وقمع اشرار را درپشت تریبون مجلس عنوان کرد واکثریت مجلس ایشان را تائید وپشتیبانی نمود . این عمل درآن روز کاری که وحشت و اضطراب همه را فراگرفته وتحریکات اجانب شدت یافته وسعی میکردند که حکومت پیشه‌وری را حکومت قانونی بشناسانند اهمیت فوق‌العاده داشت و یك دولت شجاع بیغرض میتوانست این قدم را بردارد همچنین تصمیم دولت در ارجاع شکوه ایران بجامعه ملل شایان توجه بود .

مامورین شوروی ازاین عمل بسیار عصبانی بودند ، هرگز نمیخواستند واقعه آذربایجان یك امر شرارت آمیز تلقی گردیده و نسبت بمساعدت وموافقتهای آنها با یاغیان بشورای امنیت سازمان ملل متحد که درآن روز شورویها توجه مخصوصی بآن مؤسسه داشتند شکوه برده شود. تبلیغ شدید شورویها بوسیله بعضی مطبوعات ایران این بود که پیش آمد آذربایجان یك حادثه ملی وطبق دلخواه مردم آذربایجان انجام شده وحکومت قانونی است وچون خلاف آن را مشاهده کردند از این دو تصمیم وطنپرستانه حکومت حکیمی سخت خشمگین شده برشدت رفتار خود افزودند و از طریق تحریکات در داخل وخارج مجلس برای برانداختن حکومت حکیمی زیاد شاید ...

با سمت وابسته مطبوعاتی بسازمان ملل متحد رفتم

برای دفاع از حقوق ایران و تقدیم شکایات و تظلمات ملت و دولت ایران از تجاوزات مامورین شوروی و اینکه با دلائل مثبت از عبور قشون ایران، بمنظور تقویت عناصر آشوب طلب در آذربایجان که هر روز اخبار موحش از قتل و غارت و تجاوز بحدود و حقوق مردم از نقاط مختلف آذربایجان میرسید، جلوگیری کرده بودند دولت هیئتی را انتخاب نمود که در جلسه سازمان ملل متحد حضور یافته بریاست آقای تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در لندن، احقاق حق نمایند و شکایت ایران را تسلیم دارند، این هیئت از آقای سهیلی، آقای کاظمی، مرحوم منصورالسلطنه عدل، آقای دکتر عبده، آقای فضل‌اله نبیل تشکیل می‌شد و من نیز داوطلب شدم که بخرج خود بعنوان وابسته مطبوعاتی با هیئت بلندن بروم و در این جلسه مهم که سرنوشت قسمت مهمی از کشور ما معین میگردید شرکت نموده بسهم خود بوظایف خویش رفتار کنم.

در آن روز نقش بزرگ دولت در کارهای مملکت همین استخلاص و نجات آذربایجان بود، کار دیگری صورت نمیگرفت، این پیش آمد تمام کارهای مملکت را تحت‌الشعاع قرار داده بود بخصوص اینکه تبلیغات شدید شوروی‌ها هر روز وضع را وخیم‌تر و نگرانی و اضطراب مردم را بیشتر می‌نمود، دسته‌های بزرگی از مردم آذربایجان که با زن و فرزند پیاده فرار کرده بتهران می‌آمدند بیشتر بر نگرانی میافزودند.

دولت آقای قوام روی کار آمد

جنگ اعصاب و تبلیغات کار خود را کرده، موجبات سقوط دولت فراهم گردید و بآقای حکیمی فشار آوردند استعفا بدهد تا کسی که با روسها مناسبات حسنه دارد و قادر بحل مشکلات است روی کار آید و نظر اقلیت و توده‌ایها و جمعی دیگر از مجلسیان این بود که آقای قوام‌السلطنه زمام امور را بدست گیرد، در همین ایام بود که مظفر فیروز هم توانسته بود خود را بشورویها نزدیک ساخته و برای قوام‌السلطنه تبلیغ نماید و تمام فشار مامورین شوروی برای آوردن آقای قوام در این نقطه مرکزیت مییافت که شکایت ایران بسازمان ملل ارجاع نگردد و چون از دولت حکیمی مایوس بودند میخواستند حکومتی روی کار آید که آن شکایات را پس بگیرد و موجبات شناسائی حکومت پیشه‌وری را فراهم آورند. بالاخره فشار زیادی که از مجلس به آقای حکیمی وارد آمد ایشان استعفاء داد ولی برخلاف انتظار کار خود را هم کرد یعنی آنقدر در امر استعفاء تعلل ورزید و امروز و فردا کرد تا هیئت اعزامی ایران در لندن بریاست آقای تقی‌زاده شکوه ایران را از دولت شوروی تقدیم سازمان ملل متحد نمودند و بشورای امنیت ارجاع شد و در دستور قرار گرفت و این اقدام مؤثر و مهم برداشته شد.

حکومت آقای قوام‌السلطنه با اکثریت ضعیفی روی کار آمد، این اکثریت طرفدار قوام از اقلیت مجلس و اعضاء حزب توده و طرفداران آنها تشکیل مییافت که چند نفر از اکثریت نیز بر آنها علاوه شده بود، نصف بعلاوه یک از نمایندگان حاضر را در دست داشتند. اولین کار قوام‌السلطنه مخابره تلگرافی بود بلندن که شکایت ایران از شوروی مسکوت بماند تا مذاکرات مستقیم صورت بگیرد.

خوشبختانه این تلگراف موقعی رسید که موضوع در شورای امنیت مطرح بحث و مذاکره واقع شده و در نتیجه نمایندگان ایران با کمک هواخواهان ایران توانستند آنرا در دستور بگذارند و مسکوت بماند نه اینکه از دستور خارج شود تا مذاکرات دولت ایران با دولت شوروی مستقیما و بدون واسطه در محیط صمیمیت و دوستانه ادامه پیدا کند و شرط شد که اگر این مذاکرات بحسن نتیجه خاتمه نیافت در جلسه بعد شورای امنیت که در امریکا تشکیل خواهد شد موضوع بار دیگر مطرح گردد.

بنا بر این مدت و ضرب‌الاجلی برای اینکار معین شد. البته بهترین راه همین بود که مذاکرات مستقیم با اولیای دولت شوروی عمل آید و حکومت حکیمی نیز همین نیت را ابتدا تعقیب کرد و حتی بوسیله مرحوم آهی سفیر ایران در مسکو تقاضا نمود بمسکو مسافرت نماید و در آنجا بحل موضوع در محیط دوستانه موفق گردد و حکومت حکیمی معتقد بود که اختلافات بین دو کشور همسایه بهتر است بین خود آنها بدون واسطه حل شود ولی چون جوابی از مسکو نرسید و اقدامات متجاوزین شدیدتر میشد ناچار موضوع بجامعه ملل ارجاع گردید و بعدها معلوم شد که مذاکرات مستقیم بی‌حاصل و مشکلات را فزونتر میسازد.

بلافاصله پس از معرفی دولت مقدمات مسافرت آقای قوام بمسکو فراهم گردید و باتفاق هیئتی رفتند و مورد

تجلیل واحترامات بسیار واقع شد و کوشش بسیار برای حل مشکل آذربایجان نمودند ولی نتوانستند اریغانی بیاورند مقاوله نفت هم حاصل این مسافرت بود . در بازگشت از مسافرت چند روزی بیش از عمر مجلس چهاردهم نگذشته بود .

طبق قانونی که مجلس چهاردهم وضع نمود ویکی از کارهای مهم آن مجلس میباشد که حکایت از کمال علاقه اکثریت بحفظ حاکمیت واستقلال کشور بنماید تصویب شد که انتخابات دوره بعد شروع نگردد مادام که قشون اجانب ایران را تخلیه نکرده اند زیرا با نفوذ بسیار ومداخلات شدیدی که در کارها از ناحیه مامورین خارجی میشد بیم آن میرفت که مجلس آینده را صف بزرگی از عناصر توده ویا طرفداران شوروی و یا طرفداران انگلیسها تشکیل دهند وخطراتی متوجه مملکت گردد. این قانون دست دولتی را که روی کار آمده بود باز میگذاشت زیرا بدون مجلس ووجود رقیب ومزاحمتی از طرف نمایندگان ، دولت میتوانست امور مملکت را اداره نماید و بحل مشکلات فائق گردد این بود که چند روز باقیمانده عمر مجلس با ایجاد اختلال وجنجال وکنك کاری و کلا در جلوی مجلس تعطیل گردید ودولت خود را بی نیاز دانست از اینکه بمجلس بیاید ناموردا عتماد یا عدم اعتماد واقع شود زیرا دولت آقای قوام پس از معرفی دولت دیگر برای بحث برنامه حاضر نشد ورای اعتماد نگرفت وبمسافرت بمسکو رفت ودر مراجعت هم چون احساس کرد در مجلس دسته بزرگی بمخالفت قیام کرده اند مصلحت را در عدم تشکیل مجلس دید تا عمر دوره سپری شود و میدان وسیعی در پیش داشته باشد.

پس از بازگشت از لندن بامریکا رفتم

موقعیکه حکومت آقای قوام روی کار میآمد من در لندن بودم ودر جلسات سازمان شرکت میکردم ، پس از پایان کار وتعطیل شورای امنیت بواسطه بروز کسالت چند روزی بستری شدم واز آنجا بپاریس رفتم دراین موقع اخبار وحشت انگیزی از تهران میرسید ، دامنه تحریك آشوب طلبان برعلیه من زیاد میشد زیرا مبارزات سخت ودامنه دار چندساله من، دشمنان سرسختی در مقابلم تشکیل داده بود، حکومتی هم که روی کار آمده بود گذشته روشن ورضایت بخشی نداشت.

تشکیلات توده روز بروز قوی تر میشد وسازمانهای کشور ودوایر انتظامی را مرعوب ومختل مساخت و اعمال نفوذ رؤسای حزب توده در ادارات بقدری بود که کارها فلج شده وهر کس برای حفظ وصیانت خود ناچار بود خود را بشکلی بحزب یا عمال ودستگاه حزب توده نزدیك سازد تا بتواند برهمه چیز تسلط پیدا کند رفته رفته حزب توده در امور انتظامی وقضائی کشور مداخله مینمود و کار خیلی بالا میگرفت بطوریکه حبس افسر انتظامی درداخل حزب وتشکیل دادگاه مخصوص کار ساده آنها بود.

روش آقای قوام السلطنه هم در بدو حکومت خود همکاری کامل با آنها بود، رویه مسالمت جویانه ای نسبت به تشکیلات وافراد ورؤسای حزب اتخاذ شده بود و آنها را در دستگاهها مداخله ورخنه میداد بدو تمام کسانی که سودای مخالفت با قوام السلطنه را در سرمیپروراندند وسوابقی در مخالفت با ایشان داشتند دچار حبس وزجر میشدند، وصول این اخبار وحشت انگیز بخارجه بیش از آنچه در داخل کشور اهمیت دارد در نظر ایرانیان دور از وطن جلوه میکند ودر آن روز حکایت از وجود حکومت وحشت وترور در ایران مینمود کا وقتی خبر آتش گرفتن اداره روزنامه اطلاعات هم رسید فکر کنار بودن از کار در من قوت گرفت ، تصمیم گرفتم بامریکا بروم تا هم از محیط آشفته ای که معلوم نبود با من چگونه معامله خواهند کرد دور باشم وهم بمعالجه خود بپردازم ودرضمن از حقوق ایران که خواه ناخواه به سازمان ملل متحد کشیده میشد سهم خود در امریکا دفاع نمایم یعنی از طریق مطبوعات وتبلیغات که مؤثرترین عامل پیشرفت هر نظری در امریکا میباشد سهم مطبوعاتی خود کمك کنم وتوجه رجال ومحترمین ومحافل مطبوعاتی را بنام یکنفر روزنامه نویس ایرانی بسوی وطن خود و گرفتاریهای آن معطوف سازم .

جز این چه میکردم؟ آیا در چنین وضعی میتوانستم بایران بیایم؟ برای چه بیایم؟ برای همکاری با دولت یا برای مبارزه، هیچیك برایم میسر نبود، مدت وکالت مجلس که خود مصونیت دارد نیز تمام شده بود، از این حیث مسئولیتی هم در برابر مردم نداشتم وراه بدان برایم صاف وباز بود، خطری در برابر خود بلحاظ از بین رفتن سازمان اطلاعات نه باخون دل بنا نهاده ام احساس مینمودم وبار مسئولیتی، در برابر مملکت.

خطر اضمحلال اطلاعات با آنهمه مبارزات سنگینی که با توده‌ایها و عمال پیشه وری و غلام یحیی نموده بودم و در نتیجه داشتن مخالفین و دشمنان سرسختی که آرزوی رسیدن چنین روزی را می کشیدند، مسلم بود، زیرا من هرگز نمیتوانستم با حکومت قوام با آنهمه سابقه خصومت سازش نمایم و اگر هم از لحاظ اوضاع و احوال مملکت و خطر بالاتری که برای محو استقلال و حاکمیت ملی ایران در پیش بود میخواستم با خلوص نیت و عقیدت با دولت ایشان همکاری نمایم هرگز ممکن نبود مورد اعتماد قوام‌السلطنه واقع شوم و ایشان تحت تاثیر مخالفین من واقع نشدند اما مسئولیتی که در برابر مملکت در خود احساس میکردم این بود که اکنون دولتی روی کار آمده است که مایل است بر مشکلات و معضلات مملکت فائق شود و امیدواری میرود که آقای قوام بتواند باشورویها کنار آید و آذربایجان نجات یابد در اینصورت هرشخص با انصاف و باوجدانی باید با تمام قوا از افکار و نیات آقای قوام که قطعا نمیتواند جز استخلاص آذربایجان چیز دیگری باشد تقویت و همکاری نماید تا این گره کشوده شود و مشکلات بزرگ کشور از بین برود، پس برای من نه مبارزه میسر بود و نه همکاری له آن روز از نظر مصلحت عمومی مملکت شائق و علاقمند آن بودم و حتی بدوستان و نزدیکان خود می‌نوشتم که اکنون راه و رسم وطن‌پرستی تقویت و پشتیبانی دولت است. پس باقی می‌ماند حفظ تشکیلات اداره اطلاعات که در این قسمت تنها راه چاره من کناره‌گیری از موقعیت آن روز بود ولی بعدها با کمال تأسف هرچند یکبار این مسافرت اضطراری مرا به امریکا که از روی حق و منطق و کاملا صحیح و بجا بود، مخالفینی که درموقع تصدی و اقتدار قوام السلطنه هم نتوانستند مرا نابود و محو سازند آن را سوژه قرارداده بر من نیش میزدند و می‌نوشتند فلانی در موقع حساس بامریکا فرار کرد، البته مقصودشان این بود که چرا آنروز که قوام‌السلطنه را می‌توانستند وادار بتصمیمات شومی نسبت بمن یا اطلاعات سازند من از چنگ آنها هزارها فرسخ خودرا دور ساخته بودم غیر از این تصور دیگری نمیتوان کرد زیرا منظور این نبود که چرا در آنموقع من برای کمک و همکاری با اوضاع در ایران نبودم برای اینکه همه می دانند آن چند ماه فترت مجلس، کسی مؤثر در اوضاع نبود مجلس وجود نداشت، روزنامه‌ها تحت تأثیر دولت بودند و اگر خوب یا بد راهی که دولت می‌پیمود تصویب میکردند، بودن من در ایران چه اثری داشت که از نبودن من از چنگ رفته است، من چه میکردم؟ اگر مقصود همکاری روزنامه اطلاعات است با دولت که این وظیفه را روزنامه با وجود مشکلات و خطرات انجام داد، اگر مقصود مبارزهٔ اطلاعات است که هرگز میسر و مقدور نبود و بمصلحت کشور هم نبود، مجلسی هم در کار نبود، پس بودن و نبودن من در این وضع جز اینکه ممکن بود بنابودی من و محو سازمان اطلاعات تمام شود و صدها نفر بیخانمان و سرگردان و بیکار شوند حاصلی نداشت حالا نمیدانم چرا بعضی‌ها اصرار دارند که در آنموقع من اینجا بودم! البته قضیه معلوم است ولی چرا ناجوانمردانه مرا متهم میسازند باینکه درموقع حساس فرار کرده و این موضوع را در ظرف این چندسال سکوت، گناه عظیم برای من در نظر مردم جلوه داده‌اند.

خلاصه من از پاریس ببرادرم آقای حسن مسعودی و ببرادرزاده‌ام آقای محمدعلی مسعودی نوشتم که علل و جهاتی که خود میدانید ایجاب میکند که من چندی از میهن عزیز دور باشم و از خداوند میخواهم که دولت کنونی موفق برفع غائلهٔ آذربایجان و انجام خدمات ملی گردد البته شما دولت را تقویت نمائید و اطمینان بدهید که در پشتیبانی و کمک دولت مضایقه نخواهید داشت تا انشاءاله برفع مشکلات نائل گردند و چون موضوع شکایت ایران در دستور شورای امنیت قرار گرفته و در هرحال سه‌ماه دیگر در نیویورک مطرح خواهد شد، تصمیم گرفتم بامریکا بروم که هم هنگام طرح شکوه ایران در آنجا باشم و هم بمطالعات اجتماعی بپردازم و هم معالجه خود را در آنجا ادامه دهم.

خوشبختانه آقایان بزودی موفق شدند اعتماد آقای قوام‌السلطنه را جلب کنند و مسافرت طولانی مرا بامریکا نیز باطلاع ایشان رسانیدند و بنابراین دیگر موردی باقی نماند که نسبت بروزنامه اطلاعات رویه نامطلوبی پیش گیرند و بخصوص وقتی بهمکاری صمیمانه و با ارزش اطلاعات مطمئن شدند دیگر مجال و فرصت هرگونه تفتین و اخلال و کارشکنی از مخالفین بخصوص کسانیکه بقای اطلاعات را خار راه خیانت کارانه خود میدانستند و این مؤسسه را که حامی و حافظ و مدافع حقوق و حاکمیت تمامیت ایران بود مانع پیشرفت افکار خود میدانستند گرفته شد و دیگر نتوانستند نیت سوء خودرا نسبت باین مؤسسه اعمال دارند و انصافا همه کارمندان روزنامه اطلاعات و برادر و برادرزاده های من صمیمانه کار کردند و موفق شدند موقعیت روزنامه را همچنان حفظ کنند و مهمتر این آسوده خاطر بودند که اداره با نظم و ترتیب

خسارات وارده از حریق را جبران نمایند ولی چقدر تاسف خوردم وقتی شنیدم مقدار زیادی آرشیو عکس و فیلم و روزنامه‌ها و اوراق ضبط شده و کتابخانه طعمه حریق گردیده است .

در این موقع برادر دیگرم آقای جواد مسعودی که دوره نمایندگی ایشان از دماوند تمام شده بود در اروپا بود، ایشان هم بواسطه اینکه در واقعه ۱۷ آذر ناحق بازداشت شد از آن ببعد روابط نیکوئی با آقای قوام السلطنه نداشت و ابراز مخالفت از طرفین کاملا ظاهر شده بود باینجهت ایشان هم بکارهای بازرگانی خود در سویس که از سالها قبل از جنگ شروع نموده ادامه داده از بازگشت بایران خودداری نمود .

***

هر روز خبرهای بدی از پیشرفت ماجراجویان و روش مسالمت آمیز حکومت مرکزی با آنها بمن میرسید که مزید بر تاثرم میگردید، کم کم وزرای توده در دولت پیدا شدند که رویهمرفته وضع تاسف آوری را حکایت میکرد، در آنموقع من شرحی ببرادر و برادر زاده‌ام نوشتم مبنی بر اینکه چنانچه تسلط توده‌ایها بمملکت بجائی رسید که دولت را در دست گرفتند و حکومت تشکیل دادند دیگر انتشار روزنامه اطلاعات را ادامه ندهید و تعطیل کنید .

خوشبختانه در اینباره آقای قوام نقش خوبی بازی کرد. برای خلاصی از دامنه تحریکات و تقویت تشکیلات توده‌ای داوطلبان و شیفتگان مقام وزارت توده‌ای را داخل کابینه کرد تا مردم بافکار و نیات آنها آگاه شوند. سه وزیر از رؤسای آنها داخل دولت خود نمود و چندماهی نگذشت که روش آنها در دولت و در وزارتخانه‌ها و ادارات مشت آنها را باز کرد و رسوا شده و از دولت رانده شدند و بعد از آنهم اختلافات داخلی خود آنها دنباله پیدا کرد و دیگر نتوانستند خود را جمع و جور کنند .

نمایندگی من در دوره پانزدهم مجلس

هیچ تصور میکردم که در انتخابات دوره ۱۵ باوجودیکه هزارها فرسنگ از ایران دور بودم بنمایندگی مجلس انتخاب شوم زیرا انتخابات این دوره در اختیار دولت بود و بدون اینکه آقای قوام و یا دسته‌ای که با ایشان کار میکردند موافقت نمیکردند کسی انتخاب نمیشد، حالا در اینباره شایعات و یا حقایق بسیار از سوء استفاده اشخاص و چگونگی اعمال نفوذ و افتضاح و رسوائیها گفته میشود که مورد بحث ما نیست . انتخابات تهران پس از کشمکش زیادی بجریان افتاد و جمعی از علاقمندان روزنامه اطلاعات و بستگان من مصمم شدند مرا انتخاب کنند . جلسات پرشور و حرارتی تشکیل دادند و بفعالیت دامنه داری دست زدند که آقای قوام ناچار شد کاندید بودن مرا نیز جزو کاندیدای حزب دموکرات ایران قبول کنند . چنانچه دو روز اول اخذ آراء هیچگونه اقدامی از جانب حزب برای نوشتن نام من در اوراق رای خود نشده بود و فعالیت انتخاباتی درباره من محدود باقداماتی بود که جمعیت و دسته متشکل اطلاعات و علاقمندان بمن مینمودند که از جانب طبقات مختلف نیز استقبال میشد و همین فعالیتها موجب شد که آقای قوام برای پیش بردن کاندیدای حزبی خود با دسته متشکل اطلاعات ائتلاف نماید و از روز سوم دستور اضافه کردن نام من و حذف یکی از کاندیدای حزبی که آن شخص هنوز از این پیش آمد از من رنجیده خاطر میباشد بحوزه‌ها صادر گردید و باین ترتیب من هم در ردیف کاندیدای حزب دمکرات برای نمایندگی تهران در دوره پانزدهم انتخاب شدم .

این عواطف و لطف و فداکاری که در آنروز جمعی از دوستان و خویشاوندان و علاقمندان باطلاعات نسبت بانتخاب من نمودند مرا بیش از پیش بخدمتگزاری تایید نمود و رسیدن این خبر موفقیت آمیز بمن که نه کاندید شده بودم و نه اطلاع داشتم و نه تصور چنین موفقیتی را مینمودم محرک من در تسریع و تعجیل حرکت بایران شد زیرا از آنروز مسئولیتی در خود احساس کردم و تکلیفی برعهده‌ام محول شده بود که با مصونیت میتوانستم بتهران بیایم و ادای وظیفه نمایندگی کنم .

بلافاصله پس از پایان انتخابات تهران حرکت کردم و در فرودگاه مهرآباد مورد استقبال شایانی از طرف دوستان عزیز و طبقات مختلف اصناف و خویشان و محترمین و همکاران گرامی خود قرار گرفتم که آن منظره پرشور و احساسات را نیز هرگز فراموش نمیکنم ، همه این پیش آمدها مرا تشویق و تائید میکرد که زودتر بکار مشغول شده و از نواقص و خرابی‌های کار که در هر مجلس و محفلی از آن صحبت بمیان میآمد مستحضر شوم .

از همان روزهائی که دسته‌جات بملاقات من میآمدند هریك مشکلات خود وعدم رضایت عمومی وشیوع فساد را بخصوص در ادارات توضیح میدادند واز مجموع مطالعات اولیه دریافتم که درسیاست خارجی وسیاست داخلی دولت آقای قوام موفقیت هائی نداشته اند وحال آنکه یکسال وچندماه بدون وجود مجلس، بدون هیچگونه مشکل داخلی، بااختیارات وسیعی قدرت ونفوذ کاملی دردست گرفته ومیتوانستند برخیلی ازمشکلات وهرج و مرجهـای داخلی فائق شوند وقدمهای وسیعی برای ترمیم خرابیها وزیانهای وارده برمردم بردارند وبالاخره وضع مالی و اقتصادی مردم ومملکت را بهترسازند متاسفانه اوضاع آنروزکه من برآن واردشدم چنین نبود شوریدگی ادارات افزایش یافته وصحبت ازخرید و فروش جواز وسوء استفاده‌ها بحد شیاع رسیده بود، درسیاست خارجی هم برخلاف امیدواریهائی که ملت ایران دربدو زمامداری آقای قوام داشتند وهمه ازصمیم قلب ایشانرا پشتیبانی نموده وتصور میکردند با آمدن ایشان آذربایجان فوراً تخلیه خواهد شد، چنین نشد بلکه صحبت‌های دیگری پیش آمد وبالاخره هم بنا بتصمیم شخص اعلیحضرت همایونی به اعزام نیرو پس ازیکسال آوارگی و سرگردانی مردم آذربایجان وخسارات وارده بآن ایالت بزرك ایران موجبات دیگری نیز کمك کرد وسبب استخلاص آذربایجان شد وحال آنکه اگر مجلس دوره چهاردهم بسقوط حکومت حکیم الملك قیام نکرده بود ودوره فترت را بدست آن حکومت میسپردند ویك‌دهم قدرت آقای قوام را حکیمی درکارهای داخلی اعمال مینمود ممکن بود موفقیت‌های بیشماری در سیاست خارجی و داخلی داشته باشند وبطور مسلم ازقسمت اعظم کارهای خلاف رویه وخلاف قانونی که دردوره فترت حکومت قـوام واقع شد جلوگیری میکردید ووضع باتصورت درنمی آمد که همه آرزوی تغییر دولت و خلاصی ازوضع شوریده و خراب آنروز رابنمایند.

از وقایع مهم بطور خلاصه متذکریم

من قصد ندارم تاریخ گذشته‌را تکرارکنم ویا وارد جزئیات وتفصیل وقایع شوم بلکه میخواهم آنچه را که در این حوادث ارتباط با اینجانب پیدامیکند بطور اختصار بعرض خوانندگان عزیز رسانده و ازآن بگذرم.

اگر میخواستم آنچه‌را درظرف این ۹ سال دمکراسی در ملت ایران گذشته است روی کاغذ بیاورم چندجلد کتاب می شد.

بعـلاوه وظیفه من تاریخ نویسی نیست ۵ اداره اطلاعات درصدد برآمده است بمناسبت بیست وپنجمین سال روزنامه اطلاعات فهرستی از وقایع مهم این مدت را بضمیمه کارهائی که اطلاعات درطول این مدت انجام داده است جمع آوری نموده وبعرض خوانندگان محترم برساند قسمت پایان آن‌را خود بنده برعهده گرفتم تاچندقسمت مهـم ومطالب دانستنی این مدت ۹ سال را بطور اختصار بعرض برسانم وبنا براین ذکرجزئیات حوادث ازبحث ماخارج است وبطول میانجامد وبهمین جهت خوانندگان عزیز ملاحظه فرمودند پس‌از ذکر تفصیلی چند موضوع ازحوادث شهریور ۲۰ باقی قضایا باختصار گذشت

پس ازرد مقاوله نامه نفت، دولت قوام سقوط کرد

دربدو ورودم ازامریکا مقالات انتقادی شدیدی بخصوص دراطراف اوضاع مالی مملکت وبذل وبخشش‌های بیهوده وتقسیم رتبه ومقامات نوشتم وازرویه مرحوم هژیر وزیر دارائی وقت نیز انتقاد سخت نمودم ویادداشت های آنروز وپیشنهادات اصلاحی من مورد توجه عموم قرار گرفت ولی باوصفی که دولت بخود گرفته بود کوچکترین تاثیردردستگاه ادارات نمی بخشید.

بنابراین تحت تاثیر اوضاع واحوال آن روز بنوشتن مقالات وتذکرات لازم پرداختم، یعنی در حقیقت پس‌از یکدوره کامل یکسال وچند ماه کـه روزنامه اطلاعات حمایت دولت‌را مینمود و این همکاری برای حـل مشکلات سیاسی کشور ونجات آذربایجان لازم بود بار دیگر رویه انتقاد پیش گرفت. این نکته‌را بایـد یادآورشد که‌درتمام دوره همکاری اطلاعات باحکومت مبارزات خودرا برعلیه مفسدین ومنفعت پرستان وعوامل اجنبی وخائنین کماکان همچنان ادامه‌داده وچندین‌بار بامشکلات بزرگی در مبارزات خود برضد اجنبی پرستان مواجه شده بودند که بیم حبس و گرفتاری های‌دیگر میرفته است، بالاخره روزنامه اطلاعات وارد خرده گیری وانتقاد ازرفتار دولت آقای قوام گردید ولی درعین‌حال چون مشکل مهمتری درپیش بود وآن حل مسئله نفت شمال ومقاوله نامه قوام وسادچیکف بود، توجه اینجانب معطوف مسئله نفت گردید که اول بایداین مشکل مهم حل گردد.

اولین کسی که پرده ازروی این‌کار درمجلس پانزدهم برداشت من بودم درنطقی که بمناسبت برنامه دولت آقای قوام درافتتاح مجلس ایراد نمودم صریحاً گفتم که دولت باید درقدم اول تکلیف اینکاررا معلوم کند. ماصاحب

ومالك معادن ومنابع خود هستیم ولمیتوان بهیچوجه کشوری رامجبور کرد که امتیاز نفت خودرا بهرصورت و کیفیت باشرکت وبصورت سهام یاغیر آن تفویض کند. علاوه باید نقشه وسیعی برای بهره برداری نفت ازطرف دولت طرح گردد وسرمایه داران ایرانی دست باین کار پرسود بزنند وبالاخره دراین نطـق ازروش اولیای دولت شوروی انتقاد نموده وگفتم ماهم میخواهیم دارای همان احساسات وطن پرستانه ای که ملت شوروی دارا میباشد باشیم، ما نمیخواهیم بیگانگان را درامور اقتصادی ومنابع زرخیزخود شرکت ودخالت دهیم واضافه کردم که شرکت نفت جنوب هم که یك شرکت خارجی است متاسفانه حقوق ملی مارا تضییع نموده ومارا باشرکت باهراجنبی ترسانیده است وباید حقوق حقه خودرا نیزازآن شرکت بگیریم.

* * *

دولت هیچ مایل نبود روی این موضوع بحث شود، البته آقای قوام نمیخواست نفت بشورویها دادهشود ولی مایل هم نبود موضوع دردستور قرار گیرد وتکلیف این کار زود مشخص شود زیرا حس کرده بود که اگر کار نفت حلشود موضوع دیگری برای بقادردست اوباقی نمیماند وحکومتش خواهوناخواه دوچار تزلزل میگردد بهمینجهت همه را منع میکرد ازاینکه صحبت ازنفت بمیان آورند ولی چیزی نگذشت پس ازآن نطق که درمحافل خارجی تاثیر بسیار کرد مقالات پیاپی اطلاعات ومطبوعات دیگر نیز کمك کـرد و دولت بحل این مشکلـی که درحقیقت میتسکن آن خود اوبود اقدام نمود والبته درقدم اول بساز مایل بود مـوضوع به کمیسیـون برود وچندی بماند و کشمکش برسرنفت ادامه داشته باشد ولی یکعـده از نمایندگان جدابااین فکر مبارزه کردند وگفتند فیالمجلس باید تکلیف آن معـین شـود، دراین خصـوص هـم جدیت بسیار نمـودم ویکی از اعضـای سوکمیسیونی بودم که طرح مربوط به نفت را تنظیم وبمجلس پیشنهاد نمودهوبتصویب رسیده، نباید از نظر دور داشت که آقای قوام نیزدررد لایحه کمك مؤثر بود زیرا اکثریت مجلس از نظر ایشان تبعیت میکرد ودراینباره حسن نیت داشت.

مقصود این بود معاوله نامهای که خود آقای قوام امضاء کردهاندخود ایشان هم لغو وباطل سازند بنابر این بعد ازانجام اینکارهمانطور که پیشبینی میشد حکومت دوچار مخالفتهای شدید گردید وچند نفرازاکثریت که داخل حزب دموکرات وبرگزیدهٔ حزب بودند استعفاداده خارج شدند وبراقلیت پیوستند وبالاخـره مجلسی که اکثریت آنرا خود آقای قوام انتخاب کرده بودبرعلیه خود اورای دادواینسنت پارلمانی! درباره تمام نخست وزیرانی که مجلس تشکیل دادهاند تعقیب گردیده،اول مرحوم فروغی ، بعد سهیلی ، بعد قوام، این اواخرهمساعد

سومین دولتی که آقای حکیمی تشکیل داد

پس ازآقای قوام زمزمهٔ رویکارآمدن مرحوم هژیر بود. من از کسانی بودم که با نخست وزیری او مخالف بودم ودلیلم اعمالی بودکه درحکومت قوام باهمکاری اوصادرشده بود. بااین عقیده خیلی از نمایندگان همـراه بودند ودرنتیجه کوشش جمعی از نمایندگان حکومت آقای حکیمی رویکار آمد ، این حکومت چون میخواست حساب های گذشته قوام رسیدگی کند بعلاوه باکمال علاقه وصداقت بندوبستهای گذشته راپاره میکرد وقدمهائی مفید برای مردم برمیداشت مورد مخالفت شدید کسانی واقع شد که منافعشان متزلزل گردیده بودوحمایت ازحکومت قوام را برعهده گرفته بودند باینجهت حکومت مزبور که یکی ازبهترین حکومتهای دوره ۹ ساله دموکراسی بود عمری نکرد وپس ازچهارماه سقوط نمود وکسی که درآستان نخست وزیری مشغول فعالیت بود(مرحوم هژیر) باین سمت برگزیده شد.

حکومت هژیر هیچگونه توفیقی حاصل نکرد

خیلیها تصورمیکردند که هژیردرپست نخست وزیری موفقیتهای بزرك حاصل خواهد کرد ولی از قدم اول وتشکیل دولت نامتناسب ونامـوافق اومعلوم شد توفیق پیدا نخواهد کرد بخصوص اینکه با مخالفت شدید طبقات مردم بسرپرستی آیتالله کاشانی مواجه گردید. درچند ماه حکومت هژیر نه فقط کاری مفید انجام نگرفت بلکه روی تزلزل وسستی اوکارهائی که زیانآوربود صورت پذیرفت واطلاعات بلحاظ اینکه مانع پیشرفت کار دولت نشود یکی دوماه سکوت نمود وتقدیم پیشنهادات ونظریات مفید اکتفاورزید ولی بعد ناچار با تمام پرداخت ومقالاتی دراطراف وضع دولت وعدم پیشرفت کارها منتشر نمود وبالاخره موقعیت دولت در مجلس متزلزل گردید و کناره گیری جست.

حکومت ساعد دوام کرد چون انتخابات آینده را در دست گرفت

این بار ساعد شانس آورد یعنی تا پایان عمر دوره پانزدهم روی کار باقی ماند و بعد هم ماند تا انتخابات را انجام دهد. هنگامی که قرار بود مجلس رای تمایل بدهد دو نظر برای مجلسیان پیدا شده بود یکی تمایل با آقای ساعد و دیگری تمایل باقای منصور ولی آراء ساعد چربید و برای ایشان فرمان صادر گردید و بعد از او منصور روی کار آمد، وقتی بعقب بر گردیم می بینیم همین وضع هم موقع ابراز تمایل درباره هژیر پیدا شد یعنی ساعد بعد از هژیر برای نخست وزیری شانس داشت و حائز رای عده ای از نمایندگان بود وقتی هم برای حکیمی اقدام میشد نخست وزیر شود رقیب او هژیر بود و بعد از حکیمی رای زیاد داشت. باین ترتیب نخست وزیران یکی پس از دیگری بهمین کیفیت در آستان زمامداری قرار میگرفتند جز حکومتی که امروز روی کار است. نسبت باین حکومت چندماه پیش که نمایندگان علی الرسم پس از افتتاح مجلس حکومت ساعد را ساقط نمودند ومنصور را انتخاب نمودند هیچ صحبتی از سپهبد رزم آرا نبود و غیر از منصور، مجلس نظری بدیگری اعلام نداشت که در آستان نخست وزیری قرار گیرد. بعلاوه از موقع تشکیل حکومت ساعد که در اواخر دوره پانزدهم روی کار آمد وضع انتخاب نخست وزیر و گرفتن نظر تمایل مجلس نیز تغییر کرد و دیگر رای گرفته نشد یعنی آنچه را در سابق عمل میشد و تمایل مجلس بصورت اخذ رای مخفی نمایندگان معین میگردید بوسیله استعلام و استمزاج کلی بفرمان ملوکانه صورت گرفت، همینقدر که چند فراکسیون مجلس ابراز میل نسبت با انتخاب شخصی نمودند و یا بطور کلی معلوم میشد که فلانی اکثریت در مجلس دارد اعلیحضرت همایونی دیگر انتظار تشریفات اخذ رای مخفی را که فقط از چندسال باینطرف معمول شده بود نمی کشیدند و فرمان نخست وزیری صادر می نمودند، کابینه ساعد و کابینه منصور و کابینه رزم آراء بهمین ترتیب انتخاب و تشکیل گردید و در حقیقت آن سابقه موقوف شد.

حکومت ساعد ۱۷ ماه دوام کرد، چندبار کابینه دوچار تغییر گردید وعده ای از وزیران عوض شدند ولی دولت ایشان باقی ماند زیرا انتخاب دوره ۱٦ را در دست گرفت. ماههای آخر دوره مجلس جمعی از نمایندگان درصدد بر آمدند دولت را بیاندازند ولی چون دولت بمجلس بلحاظ در دست گرفتن انتخابات مسلط شده بود وضعف فوق العاده ای بر مجلس بهمین نظر که نمایندگان میخواستند دولتی را که روی کار است و انتخابات را در دست دارد راضی نگاهدارند تا دوباره انتخاب شوند مستولی شده بود باین جهت نتوانستند کاری صورت بدهند وحتی تمایلات دولت را در قسمت وضع قوانین بیش از انتظار دولت انجام میدادند و قوانین در آخر دوره مجلس پانزدهم باسرعت غیرقابل تصوری میگذشت!

سوءقصد نسبت باعلیحضرت تغییراتی بوجود آورد

واقعهٔ تاسف آور ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که در روز های اول حکومت ساعد رخ داد یکی از عوامل موثر بقای دولت ایشان گردید، در اثر آن حادثه تغییرات زیادی در اوضاع واحوال کشور بوجود آمد، این پیش آمد که شلیک ۵ تیر بسوی اعلیحضرت و اصابت آن بکلاه ولباس وصورت ایشان بود که خوشبختانه بخیر گذشت و بخواست خداوندی بسلامت جستند باعث گردید که جلوی هرج ومرج گرفته شود حزب توده منحل گردد وتبلیغات مسموم کننده آنها تعطیل شده واز هر گونه فعالیت که بزیان کشور تمام میشد جلوگیری گردد وبراثر این حادثه توجه خاصی از طرف ملت ایران معطوف اعلیحضرت همایونی گردید وبالنتیجه شاه درصدد بر آمد اختیارات قانونی خودرا توسعه دهد و مجلس پانزدهم مقدمات این کار را باموافقت در تشکیل مجلس مؤسسان و گذراندن قانون تشکیل مجلس سنا فراهم آورد.

حکومت ساعد از این فرصت و با در دست داشتن اختیارات وسیعی که از ضعف مجلس وحادثه ۱۵ بهمن بدست آورده بود خیلی میتوانست کارهای مفید انجام دهد ولی متاسفانه در حکومت طولانی ایشان هم قدم موثر ومفیدی که قابل ذکر باشد برداشته نشد واوقات کشور کماکان روزمره گذشت و کم کم عدم رضایت عمومی از اینکه برخلاف انتظار ووعده هائی که داده میشد کاری صورت نمیگرفت شدت یافت ودرموقع انتخابات تهران این عدم رضایت کاملا ظاهر وآشکار گردید ومردم بمنظور مخالفت صریح واظهار عدم رضایت هواخواه مخالفین جدی دولت شدند.

اطلاعات طرفدار تفویض حق انتخاب بباسوادان است

یکی از هدفهای روزنامه اطلاعات تقویت روح دموکراسی در ملت وتفویض حق مردم بخود مردم است که در این باره مقالات بسیار منتشر ساخته و معتقدم که حکومت نیمه دموکراسی و نیمه دیکتاتوری بدرد نمیخورد اگر میگوئیم حکومت ملی ومشروطه میخواهیم باید حکومت کاملا در دست ملت باشد ووضع فعلی این منظور را

تامین نمیکنند ومردم درحال حاضر نمیتوانند ازحق مسلم ومشروع خود در حکومت ملی استفاده کنند یعنی نمایندگانی که بمجلس میفرستند بی غل وغش و بی مداخله دولت روی طیب خاطر وتمایلات خود مردم باشند تاآن وکیل مجلس هم بداند باید رضایت خاطر مردم را فراهم آورد نه رضایت خاطر اولیای امور را ـ متاسفانه قانون کنونی انتخابات روح آزادی انتخابات ودموکراسی را کشته و انتخابات رابدست ارباب نفوذ وصاحبان زروزور ومداخلات مامورین دولت سپرده است.

ازکارهای خوب دولت ساعد تقدیم لایحه ای بود برای اصلاح قانون انتخابات وتفویض حق رأی بباسوادان تاانتخابات ازچنگال متنفذین و مامورین دولت خارج شود، اطلاعات دراین باره پافشاری کرد ومن درمجلس ثبت به پیشرفت این کار تاجائی که با مخالفین دست بیقه میشدم پافشاری کردم وازهیچگونه تهدید وتوهین وحملات دربعضی جراید واهمه نکردم وبابکعده اشخاصی که در مجلس ۱۵ صمیمانه نسبت باین موضوع کمك میکردند همکاری مینموده ولی پیدا شدن مخالفت درخوددستگاه دولت از یکطرف وپیش کشیدن لایحه نفت ازطرفی دیگر سبب شدکه این قانون مفید درمجلس دفن شود. اماچون اکثریت نمایندگان مجلس شوری بانتخابات سنا علاقه ای نداشتند ودراین کار ذینفع نبودند قانون انتخابات سنا باتفویض حق رای بباسوادها بدون چون وچرا تصویب شد وانتخابات سنابرای اولین دفعه باشرکت طبقه باسوادصورت گرفت.

انتخابات سنا در تهران جریان منظم ومرتبی داشت وچون بی سابقه بود عده شرکت کنندگان خیلی زیاد نبود ولی از آنچه شرکت کردند نتیجه خوب بدست آمد وکاملا وضع نشان داد که انتخابات در کمال آزادی و نظم وترتیب انجام گرفته وجاروجنجالی پیرامون آن برنخاست ولی متاسفانه بواسطه عدم دقت درتصویب این قانون نقص فاحش درآن دیده شدکه همان نقص موجب گفتگوهائی گردید وآن انتخاب ۷۵ نفر دردرجه اول و ۱۵ نفر در درجه دوم بود وحال آنکه میبایستی قانون مزبوریکدرجه باشد یعنی تانفر پانزدهم هر کس دارای اکثریت بود انتخاب گردد، حالا امید میرود این نقص ونواقص دیگر قانون مزبوررا خود مجلس سنامرتفع سازد .

اعتراض اطلاعات بانتخابات تهران برای اصلاح قانون انتخابات بود

اما انتخابات مجلس شورای ملی درتهران بواسطه نواقص فاحش قانون انتخابات وراههائی که برای مداخله واعمال نفوذ باز است باعدم رضایت وکشمکش وجنجال شروع گردید . یك بار انقدرافتضاح ورسوائی درصندوقها شد که افکارعمومی متنفر وبیزارشد واطلاعات درسرمقاله خود پیشنهاد کرد این آراء مورد اعتماد مردم نیست و انجمن نظارت باید انتخابات را باطل کند وانجمن نتوانست ازچنین جریان انتخاباتی حمایت کند، باردوم وضع بهتر بود ولی علائم وآثار بارز شرکت دستجات بی سواد وخرابکاری درانجمن هاظاهر بود .

درجریان انتخابات این دورهٔ مجلس بواسطه علاقه شدیدی که بگذشتن قانون انتخابات جدید وتفویض حق رأی بباسوادها داشتم دوسه بار مقالاتی پیرامون انتخابات تهران انتشاردادم وازجریان انتخابات انتقاد کردم و نوشتم با این وضع مردم حقیقی وطبقه باسواد شرکت نمی کنند وبازهم آراء عمله ها ودهاتی هائی که باکامیون ها می آورند بصندوقها ریخته میشود ومیخواستم نتیجه بگیریم که تا انتخابات بدست طبقه با سواد سپرده نشود نمی‌توان اطمینان داشت که انتخابات خوب انجام گیرد این اظهارعقیدهٔ من ومقاله ای که هنگام شروع انتخابات به مناسبت تصمیم آقای دکترمصدق بتحصن دردربار انتشاردادم وازآن روش تیزانتقاد کردم وگفتم عیب ازقانون است، بیائید اصلاح قانون را بخواهید ازتحصن واجتماع که ممکن است نتایج وخیمی هم دربرداشته باشدچه حاصل می‌شود متأسفانه این دومقاله باعث گردید که چند ماه برمن بتازند وحال آنکه مقصود من از این دومقاله بهیچوجه مخالفت باآقایان اقلیت نبود بلکه انتقادی بود که درحکومت مشروطه ودموکراسی حق مسلم ومشروع هرفردی است که میتواند نظریات خود را بگوید وانتقاد بجانماید، من چیزی نگفتم . من پس ازچندماه که همه روزنامه های تهران ازافتضاح ورسوائی انتخابات تهران مینوشتند نوشتم آری این افتضاح وجود دارد وصحیح است و نتیجه خرابی وبدی قانون است واز این قانون بد همه استفاده میکنند زیرا آرائی که بصندوقها ریخته می‌شود اکثراً ازطرف مردم بیسواد وبی اطلاعی است که بنفع همه دستجات داده میشود وباید هردوسه دسته و همهٔ وکلا درآینده تصمیم بگیرند این قانون را اصلاح کنند .

این دومقاله را بعضی از همکاران جبههٔ مخالف، باآقای دکترمصدق ودسته اقلیت بآن دادند و چند ماه من وروزنامه اطلاعات را موضوع مقالات واخبارروزنامه های خود قرارداده بودند وباکمال بی انصافی بمن حمله کردند وحال آنکه بهیچوجه نظرمن مخالفت شخصی نبود بلکه انتقادات اصولی وکلی بود .

البته من درجریان انتخابات تهران با آنهاهمکاری نداشتم ولی این عدم همکاری مشروع که حق مسلم من در حکومت مشروطه است وقطعا مبتنی بردلایلی است که نزدخودم ثابت ومبرهن میباشد دلیل بر این نیست که

آنها چنان رویه‌ای تندی نسبت بمن پیش گیرند البته من همچنان رویه اعتدال و بیطرفی را حفظ و بهیچوجه برله یا بر علیه کسی در انتخابات تهران چیزی ننوشتم.

چنانچه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند در تمام مدت جریان انتخابات غیراز همین دو مقاله انتقادی که ذکر شد وموجب اینهمه هیاهو و گفتگو وجدال گردید دیگر بهیچوجه پیرامون قضیه ننوشته و در برابر انتشارات زیادی که برعلیه من داده میشد حتی یك سطرهم جواب ندادم زیرا مبارزه انتخاباتی بود ومن میدانستم که مقصود کوبیدن من است که دیگران حساب کارخودشانرا بدانند وبا آنها مخالفت نکنند متهم اطاعت کردم وساکت و آرام هفته‌ها وماهها بردباری کردم که آقایان کار خودشانرا بدون هیچ عائق و مانع ومخالفتی از طرف من و روزنامه اطلاعات ادامه‌دهند تابعدها برای خودشان ثابت شود که من هرگز سرستیز ومخالفت با هیچکس نداشته واطلاعات هیچوقت از رویه اعتدال و بیطرفی خارج نشده ونمیشود چنانچه ملاحظه کردند که بعدازخاتمه مبارزات وجنجال‌ها همینکه درمقام رسمی جای گرفتند مطالب و گفتگوهای آنها ضمن جریانات مجلس مثل همیشه بدون کمترین اعمال نظر وبدون حشووزوائد و کم و زیاد واعمال غرض تا جائی که مخبرین پارلمانی اطلاعات قادر بضبط مطالب هستند انتشار داده شد ودر آینده نیز همین رویه بیطرفی و کناره جوئی از جنجال ومبارزات ادامه خواهدداشت و باز هم اگرخدای نخواسته تعرضاتی بمن واطلاعات بشود، عادت ورویه سی سالت و پنجساله را ازدست نخواهیم داد.

تشکیل دفتر قضائی در اداره اطلاعات

درهمین اوان که بعضی جراید بمنظور پیشرفت کار انتخاباتی برمن می تاختند ولی درعین حال اصول ونزاکت را پاره‌ای آنها رعایت می‌نمودند چند روزنامه فحاش هم همینکه سیل حمله بطرف مرادیدند موقع را مغتنم شمرده هریك برای مقاصد خاص وتحریکاتی که میشد مراهدف وموضوع مقالات ومطالب روز خود قرار دادند و بقدری افتضاح و رسوائی بار آوردند و باندازه‌ای ازسکوت من وعدم تعقیب استفاده کردند که هرروز کاریکاتوری از من می‌کشیدند و بر سر کوی و بازار فریادمیزدند.

در این موقع کارمندان اطلاعات از بردباری و تحمل من ستوه و بصدا در آمده و گفتند حیثیت وحقوق ما بستگی بشما وروزنامه اطلاعات دارد و ماهرگز نمیتوانیم اینهمه فحاشی وهتاکی را تحمل کنیم واگر شما فکری برای جلوگیری نمی کنید ما ناچاریم عکس‌العملی ازخودظاهر سازیم، چراساکت باشیم وازحق و حیثیت و مقام خود دفاع نکنیم بالاخره پس از تبادل نظر تصمیم گرفتم ازراه حقوقی وقضائی در مقام استیفای حق خود برآیم نه از راه هوچیگری وجنجال. این بود که دفتر حقوقی و قضائی دراداره اطلاعات ترتیب دادیم و یکی از وکلای درجه اول ومبرز دادگستری را برای ارجاع دعاوی خود انتخاب کردیم وقرارشد شعبه قضائی اطلاعات هرروزنامه فحاش را طبق قانون مورد تعقیب قراردهد.

چرا جواب روزنامه را با روزنامه نمیدهیم؟

درضمن نظریاتی که کارمندان اطلاعات میدادند پیشنهادی هم کردند که زیربار نرفتم وآن دایر کردن یکی دو روزنامه برای مبادله جواب بود که این کار خیلی ساده وآسان و کم خرج وبرای مصون بودن از فحش اسلحه خوبی است، گفتند ما خودمان هر کدام قادر بانتشار واداره کردن یك روزنامه هستیم اما چون پرنسیب اطلاعات را میدانیم خود مبادرت باین کار نمی کنیم، از روزنامه هائی که در دسترس همه هست استفاده می نمائیم. برای یك هفته، یك ماه بیشتر کمتر هرمدت لازم باشد در اختیار می گیریم و اضافه کردند شما می بینید خیلی از روزنامه ها هستند که نسبت بهم کاری ندارند دلیلش همین است که از یکدیگر حساب می‌برند اگر فحش داده شد پشت سرآن جواب داده میشود وشما اگر بیائید یکی دو روزنامه برای دفاع اطلاعات حاضر داشته باشید همیشه راحت خواهیم بود و اینطور بی پشت وپناه نیستیم گفتم بهیچوجه این نظریات شما را نمی‌پسندم من ۹ سال است فحش می‌خورم ویا مورد حمله و تعرض مطبوعات مخالف قرار میگیرم ودرتمام این مدت نه حاضر بمعامله متقابل شده ام ونه درمقام سازش و تسلیم برآمده ام برای اینکه نقطه ضعف ندارم تا واهمه داشته و دراثر فشارتعرض و فحش کنار بیایم. آنهائی کنار می آیند، آنهائی تسلیم میشوند، آنهائی حاضر بقبول توقعات میشوند که نقطه ضعف دارند علت اینکه سرسختانه باهمه کس در موارد مشکل و حساس بی آنکه تحت تاثیر ونفوذ شخص یا مقام باشم مبارزه اصولی و مملکتی کرده ام که خدارا گواه می گیرم درهرموقع وموردی از نظرهای شخصی وغرض های خصوصی دور و بر کنار بوده ام همین است که نقطه ضعف ندارم تا از کسی بترسم نه رشوه گرفته ام نه خیانت وجنایتی ازمن سرزده نه پول دولت را خورده ام نه مقام ومنصب خواسته ام نه حقوق کسی را پایمال کرده ام، من که راه خود را راستی و درستی وهدف وآرمان خویش را سعادت ملت و ترقی کشور ایران قرار داده ام و در زندگی پیوسته مورد عنایت ولطف ومحبت هممیهنان عزیزم بوده ام و مردم مخارج مرا باتشکیلات

وسیع این مؤسسه از روی کمال میل وطیب خاطر از راه اشتراک وخرید نشریات اطلاعات میدهند وازمن پشتیبانی میکنند ومرا درپیشرفت کار وهدف خود تقویت می نمایند چرا ترس داشته باشم و برای چه روزنامه فحاش دایر کنیم و خود را آلوده جریانات ناپسند سازیم،چه پشت وپناهی بهتر از صداقت و درستی وپیروی از راه حقیقت و میهن پرستی که قطعا مورد حسن استقبال عامه قرار می گیرد مگر ما موفقیت خودمان را جز باتعقیب همین خط مشی از راه دیگر بدست آورده ایم؟

همه تصدیق کردند وهمین رویه راپسندیدند وقرارشد درآینده هم مثل گذشته پیرامون تدارک وسایل مبادا جواب اتهامات وهتاکی‌ها باشیم وهمچنان بابی اعتنائی وخونسردی رفتارشود منتهادرموارد ضرور از راه محاکم قضاء احقاق حق شود .

ازجرایدی که بی ریا ازما دفاع کرده‌اند تشکر میکنیم

من دراینجا لازم میدانم ازچند روزنامه ایکه درجریان وقایع سال گذشته وسیل تهمت وافترا و فحاشی بدون هیچگونه آشنائی وبدون اینکه ازآنها توقع وتقاضائی کرده باشم وهمچنین درموارد مختلف سال های پیش در مقام دفاع از اینجانب برآمدند وبکسانی که ناحق مرا موردتعرض وحمله قرار داده بودند بامتانت ومنصفانه ، نه فحاشی وهتاکی، جواب‌های منطقی داده‌اند صمیمانه تشکر کنم. هرگز این علاقه واحساسات بی‌ریای چند همکارعزیز خودرا فراموش نمیکنم وهمین علاقه وبروز عواطف است که مرابیش ازپیش درادامه خدمات صادقانه فرهنگی خود تایید وتشویق مینماید .

خیلی از مطبوعات باروزنامه اطلاعات درمسائل کلی وعمومی کشور هم آهنگی می‌نمایند زیرا میدانند که اطلاعات غرض خاصی در وقایع جاری کشور نشر نمیدهد ودردوران چندسال خدمت خود ثابت کرده است که پیرو مصلحت جامعه بوده وازحدود حفظ منافع مملکت تخطی وتجاوز نکرده است باینجهت اعتماددارند که وقتی موضوعی راطرح نمود روی صلاح مردم است باین جهت کمک میکنند تاآن موضوع پیشرفت نماید واین هم آهنگی بسیار شایان توجه وحکایت ازتوجه وعلاقه مطبوعات وزین وخوب بامور کشور مینماید که اغلب درمسائل ملی و مملکتی همفکری و همکاری مینمایند ومن خوشوقتم که نابسیاری ازجراید ملی دوستی وهم آهنگی درامور کلی دارم ولی هیچوقت ازدوستان مطبوعاتی خود توقع نکرده‌ام که ازحقوق خصوصی من دروزنامه اطلاعات که دستخوش هوی وهوس مخالفین من قرار می گیرد دفاع نمایند وهیچیک از آنها هم تاکنون دیده نشده است که دراین نام برآیند بنابراین پیدایش چند روزنامه ازمیان این همکاران عزیز که هم نمایند وافکارمن اعتماددارند و نظریات مراپیروی میکنند وهم برخلاف انتظار مدافع حقوق خصوصی من قرار گرفته‌اند قابل توجه واقدام آنها شایان تقدیر وموجب امتنان و تشویق من است اگر بگوئیم که بعضی از این مدیران جرایدی که مخصوص ازجریان سال پیش چنین اظهار عقیده نسبت بمن کرده‌اند هنوز آنهارا ندیده‌ام ونمی شناسم دروغ نگفته‌ام بهمین جهت است که احساسات پاک آنهارا تقدیس میکنم .

مدت کوتاهی روزنامه مشعل را دایر کردیم

این نکته را هم ناگفته نگذارم که درطول این مدت ۹ سال یکبار ما بانتشار روزنامه ای کـه مدافع و جواب گو باشد مبادرت کردیم و آن درسال ۱۳۲۱ بود که روزنامه مشعل بمدیریت آقای صاعدی که ازکارمندان صدیق و قدیمی اطلاعات هستند انتشار یافت این روزنامه دربدو امر با متانت بوشتجات جراید مخالف راجواب میداد و روزنامه وزین و آبرومند وپر انتشاری شده بود و درمورد مخصوص یعنی جواب گوئی هم مؤثر واقع شد ولی کم کم وارد مبارزه گردید ومدتی همان رنگ را پیدا کند ومن متوجه شدم که این کار بمصلحت ما ومملکت نیست بشأن اطلاعات است که داخل مبارزات شخصی شود وبه آقای صاعدی ابلاغ میکنند که روزنامه او چنین سبکی را داشته باشد بعلاوه ما نباید باب فحش وهتاکی را باز کنیم ومقتضی نیست باین اوضاع آشفته وآتش اختلاف ونفاقی که افروخته شده است ماهم دامن بزنیم این بود کـه مشعل معطل شد ودیگرهم انتشار نیافت ودرتمام این مدت هر کسی پیرامون این فکر نگشتیم که روزنامه مشعل یاروزنامهٔ دیگری رابرای جوابگوئی حاضر کنیم وترجیح دادیم ساکت باشیم ودرصورت لزوم ازمراجع قانونی ودستگاه قضائی کشور استمداد طلبیم ولی متاسفانه همه اینطور فکر نمیکردند وحتی این رویه مضر را بعضی از حکومت هائی که روی کار میآمدند پیش میگرفتند یعنی وقتی سرکار میآمدند چند روزنامه برای نگاهداری خوددایر میکردند و آنهارا بجان مخالفین خود میانداختند ویکی ازاین حکومتها دراینباره خیلی افراط کرد وبازار هووجنجال را آشفته تر ساخت ودستی از هرج ومرج مطبوعاتی امروز که مدیران جراید ملی ومتین خون دل میخورند زیرا این وضع بموقعیت عمومی ومقام مطبوعات لطمه شدیدی وارد ساخته است، از آن زمان بوجود آمد وبعدها رواج بیشتری یافت .

تهران مصور بستگی سیاسی با اطلاعات نداشت

خلاصه، لازم بود باطلاع خوانندگان عزیز برسانم که مؤسسه اطلاعات بجز انتشارات خود که عبارت است از اطلاعات یومیه، اطلاعات هفتگی، اطلاعات ماهانه، ژورنال دو تهران و اطلاعات هوائی هیچگونه نشریه وابسته بخود ندارد، سالها همه تصور میکردند تهران مصور بستگی سیاسی و همکاری نزدیك با اطلاعات دارد و مقالات و مطالب آن با جلب نظر و با دستور اداره اطلاعات تدارك می شود، این اشتباه از اینجا ناشی شده بود که شالوده تاسیس این روزنامه هفتگی در اداره اطلاعات ریخته شد و در آنجا چاپ میرسید و مرحوم دهقان بواسطه سوابق اداری که در این مؤسسه داشت و دوستی زیادی که در اداره اطلاعات با کارمندان این اداره داشت با همه همکاری میکرد و همه نیز با آن مرحوم همکاری داشتند، ولی پس از زمان کوتاهی مرحوم دهقان مستقلا امور آن مجله را در دست گرفت و روی سیاست و نظر شخصی خود پیش می برد، خیلی اتفاق میافتاد که در موارد مختلف و مسائل مملکتی از نظر اصول هم آهنگی و همکاری بین روزنامه اطلاعات و آن مجله وجود داشت همانطور که با بسیاری از جراید این هم عقیدگی و همفکری طبیعتا پیدا میشد ولی از لحاظ سیاست عمومی و مندرجات آن و مطالبی که برله و علیه اشخاص نوشته میشد که گاهی ممکن بود صورت تعرض و حمله بخود بگیرد تحت تاثیر اراده شخصی خود بود و ارتباط با من و روزنامه اطلاعات نداشت و با کمال تاسف این قضیه برای من ایجاد مشکلی کرده بود زیرا کسی از من قبول نمیکرد که سیاست و روش تهران مصور بستگی و ارتباط با من و دستگاه اطلاعات ندارد من در اینجا نمیخواهم از خط مشی و روش سیاسی او انتقاد کنم بلکه میخواهم متذکر شوم که ذوق و سلیقه من در نامه نگاری و حفظ رویه اعتدال، آن نبود که تهران مصور داشت، بعضی اوقات که مطالبی برله و علیه اشخاص در آن مجله نوشته میشد موجب رنجیدگی خاطر اشخاص می گردید بمن مراجعه میکردند و دفاع من در بی اطلاعی از آن مطالب بی نتیجه بود زیرا هرگز باور نمیکردند که مندرجات مجله زیر نظر من و کارمندان اطلاعات نمیباشد.

بالاخره در اسفند ۱۳۲۷ مرحوم دهقان در اثر اختلاف حسابی که با چاپخانه پیدا کرد مجبور شد طبع تهران مصور را بمطابع دیگر ارجاع کند. من از این پیش آمد خرسند شدم که باین وسیله توهم بستگی و ارتباط شدید بین تشکیلات و خط مشی آن مجله با روزنامه اطلاعات از بین میرود، متاسفانه همین پیش آمد و عدم طبع مجله در چاپخانه شرکت سهامی چاپ موجب گردید که مرحوم دهقان رنجیده خاطر شود و درصدد برآمد دوستان قدیم خود را رنجیده خاطر سازد، نتیجه این شد که درطول سال گذشته نسبت بمن و مؤسسه ای که با او کمال علاقه و محبت را داشت راه غیردوستانه ای پیش گرفت،

منظورم از ذکر موضوع بالا تأیید این نظر بود که روزنامه اطلاعات از بدو انتشار کرد تدارك ارکان او ایجاد روزنامه های وابسته بخود که امری بسیار ساده بوده است نگشته و آنقدر در این مورد راه میانه روی پیش گرفته است که حتی نشریه خوب تهران مصور را هم که گاهی جنبه افراطی پیدا میکرد مایل نبود ارکان و بستهٔ اطلاعات بدانند .

زندگی نامه نگاری ما بدو مرحله تقسیم میشود

دو مرحله بارز و مشخص در دوره حیات ۲۵ ساله روزنامه نویسی اطلاعات دیده میشود : یکی دوره انتشار شانزده ساله اطلاعات است مقارن با حکومت اعلیحضرت فقید که وقتی دوره های جلد شده این ۱۶ ساله را ورق بزنید و زیر و رو کنید می بینید که کارمندان اطلاعات درعین اینکه بواسطه رژیم آن حکومت مقید بوده اند هیچگاه در انجام وظائف و تکالیف ملی و اجتماعی خود غفلت نکرده و در هر شماره علاوه بر مقالات و اخبار که کمك بآشنائی مردم باوضاع و احوال عمومی جهان می نمود یك رشته مطالب سودمند. اجتماعی و اخلاقی و صحی و راهنمائی های دینی در آن جای داده اند که چگونگی انتشار و خوبی مندرجات روزنامه عامل مؤثری بوده است تا مردم باین روزنامه توجه پیدا کنند و همین حسن استقبال چه در آن زمان و چه در حال حاضر سبب توسعه و پیشرفت مؤسسه اطلاعات گردیده است و الا مگر در زمان اعلیحضرت فقید و یا حالا مردم را مجبور کرده ایم که اطلاعات و سایر نشریات ما را خریداری کنند بنابراین چیزی که باعث این علاقه و توجه و لطف باین مؤسسه ... که مردم آن را از خود میدانند همین خط مشی و روش بیطرفانه و عاری از جنجال و در عین حال انتشار مطالب دقیق و صحیح از منابع موثق و سعی در تنظیم و ترتیب مقالات و انعکاس نظریات مردم و تقدیم پیشنهادات ... و رسانیدن آخرین اخبار مهم جهان بخوانندگان محترم است که وقتی اطلاعات را دارند از همه جا و همه چیز خبر میشوند بعلاوه چند مطلب سودمند هم در آن می یابند .

ما همین روش را در دوره نه ساله دوم دراسی تعقیب کردیم اما با یك تفاوت فاحش و آن انعکاس مبارزات

و کشمکش های سیاسی و امور داخلی کشور بوده است که چون پس از رضاشاه امور مملکت از جاده خود منحرف گردید ناچار روزنامه باین مسائل که موضوع روز بود پرداخت، باین جهت در تمام این مدت کمتر یک کار مفیدی که از آن ملت ایران بهره‌مند شود برمیخوریم ، قسمت مهم ستونها صرف کشمکش و جدال و زد و خوردهائی بوده است که درمجلس و خارج از مجلس ، بین دولت ومجلس و مردم وجود داشته و ناچار روزنامه تمام این وقایع را منعکس ساخته است ، بنابراین با کمال تاسف باید بگوئیم که دردورهٔ نه ساله حکومت دموکراسی مطلب برجسته ای که قابل ذکر بود و اثرات مفیدی از آن مترتب شده باشد وجود ندارد ، البته خیلی اتفاقات مهم روی داده و تصادفات بزرگ برای کشور چه در زمان اشغال وچه بعدها پیدا شده ولی نفاق و تشتت و اختلاف آنقدر توسعه داشته که از حوادث و پیش‌آمدها کمترین استفاده ای نشده و بیگانگان در پرتو این بهم ریختگی و اختلاف خوب توانستند استفاده کنند .

باری ، اطلاعات خوشبختانه درهردو مرحله از حیات نامه نگاری موفق شده است خودرا از هرشائبه بر کنار داشته وفقط بانجام وظایف ملی خود بپردازد ، چه فرصت‌ها دردست داشته وچه موقعیت ومقامات تفویض میشده که همه را چشم‌پوشیده‌ایم تا از تکالیف اجتماعی خود انحراف حاصل نکنیم .

اطلاعات عضو دستگاه حاکمه نیست

ازجمله تبلیغاتی که متاسفانه درظرف نه سال اخیر روی حسد وحسد برضدما شده این است که گفته اند اطلاعات عضو دستگاه حاکمه میباشد . آنهائی که این حرف را برای من ساخته اند . اگر بوجدان خود مراجعه کنند خجل میشوند زیرا میدانند که دروغ میگویند ولی این دروغ را برای پیشرفت منظور غرض آلود خود می‌سازند و باین وسیله میخواهند بغض مردم را که اغلب نسبت بدستگاه دولت وجود دارد متوجه اطلاعات نیزسازند وطبیعی است مردمی که قسمت اعظم بدبختی خودرا از ضعف وسستی واهمال کاری وبی لیاقتی حکومتها که دربرابر مطامع واغراض اشخاص متنفذ تسلیم بوده اند میدانند وقتی می‌شنوند که اطلاعات همکار این گونه حکومتها بوده است، آنهائی که ما را خوب نمی شناسند متأثر می‌شوند ونظر بد بمن پیدا میکنند ووقتی یک مطلبی بکرات گفته شد وازطرف اطلاعات هم بسکوت بر گذار شد، این سکوت علامت رضایت تلقی می‌شود ومطلب دردل بیشتر مردم جای میگیرد وباور می کنند .

این سفسطه ازاینجا سرچشمه میگیرد که ما اصولا در روش نامه نگاری خود میخواهیم برای دولتها کارشکنی واخلال کنیم، وقتی حکومتی روی رأی اکثریت نمایندگان مجلس ونظر اعلیحضرت همایونی انتخاب شد هرچه باشد وهرکه باشد باقیافه موافق باآن دولت روبرو میشویم واگر موافق هم نباشیم مخالفت نمی کنیم تادست آن حکومت برای اجرای مقاصد اصلاح طلبانه شاه ومجلس بازباشد وتردیدهم نداریم که هر حکومتی روی کار میآید قصدش خدمت است نه خیانت

ولی پس از اندک زمانی بعضی از این حکومتها روی جاه طلبی ونگاهداشتن مقام خود بمرض ضعف وتسلیم دچار میشوند واز کار های اصلی مملکت منحرف شده بمسائل خصوصی می‌پردازند وازاینجا راه وروش اطلاعات هم تغییر میکند ، صورت انتقاد بخود میگیرد ، دیگر همکاری نمیکند وگاهی بمبارزه های متین ولی معقول ومتین ودور از حمله واتهام وافترا مبادرت میورزد.

البته این روش که ابتدا بخاطر مصلحت کشور و نفع عامه روی عدم مخالفت شروع میشود وبعد که دولتها قدرت کار ندارند و بخرابکاری می پردازند باز مبتنی برافکار وعقاید ونظر طبقه اصلاح طلب مملکت بانتقاد ومبارزه اقدام میشود ودرهر دومورد روش آرام وساکت وعاری ازجدال وهیاهو وجنجال دراطلاعات تعقیب می گردد که بانوع نگارشات پارهٔ جراید خیلی فرق دارد. باین جهت وقتی گفته می‌شود اطلاعات حامی دستگاه ها که است افراد ساده‌دل آن‌را قبول میکنند زیرا می بینند هیچوقت حمله وتعرض شدید برضد دولت ویاهتاکی درآن یافت نمیشود وحال آنکه حقیقت چنین نیست واین سبک اطلاعات است که با دولتها تا آنجاکه بتوانند توفیق خدمتگذاری پیداکنند همکاری مینماید وازخط مشی خوب دولت تقویت میکند واعمال بدآنهارا انتقاد وتقبیح مینماید ولی هرگز صورت حمله وتعرض بخود نمیگیرد.

اگردولتها بواسطه ضعف وعدم لیاقت ویاعوامل داخلی وخارجی ویاتوسعه هرج ومرج وناامنی وعدم وجود امنیت قضائی نتوانسته اند درطول این مدت کاری مفید انجام بدهند مربوط بمانیست بایددرعلل فوق‌الذکر جستجو کرد

بعلاوه اگرما میخواستیم عضودستگاه حاکمه باشیم پست وشغل قبول میکردیم ورسما واردکار میشدیم چه اشکال داشت اگرمیخواستیم ارکان دولت باشیم آن‌را نیز رسما اعلام میکردیم و ازخزانه دولت کمك خرج میگرفتیم وپیوسته درتمام کارها ازدولت پشتیبانی میکردیم وحق انتقاد ومخالفت بادولت هارا ازخود سلب میکردیم.

اما اگر آنقدر برای اطلاعات نفوذ معنوی قائل هستند که میگویند هر چه ما بخواهیم انجام می‌شود . البته خیلی ازنظریات ما پیشرفت میکند وبسیاری از پیشنهادات مفیدمارا دولت ومقامات مسئول چون بیغرضانه میدانند تعقیب کرده اند ولی درهمه موارد چنین نیست، بسیاری ازعقاید وافکار اصلاح طلبانه ای که در اطلاعات طرح شده چون

بامنافع دستجات تصادم نموده بلاتعقیب گذارده شده است و اینطور نیست که هرچه ما بخواهیم میشود، بر فرض صدق این مطلب مگر در تمام این مدت ۹سال ما کار بد از دولتها خواسته‌ایم؟ کدام پیشنهاد ولایحه مضری تقدیم کرده‌ایم، کجا دولت را بکار بد تشویق نموده‌ایم، چه‌وقت و کجا از دولت های بد تعریف و پشتیبانی کرده‌ایم؟ اگر راستی دولتها آنقدر حرف شنوائی از ما داشته اند و گردش وجریان کارها بعقیده بعضیها روی انگشت های ما میچرخد چرا باین همه پیشنهادات ونظریات خوبی که داده‌ایم ترتیب اثر ندادند، این همه راه اصلاحاتی که نشان داده‌ایم تعقیب نکردند؟

بدبختانه علل وجهات عدم پیشرفت کارها در این نه‌ساله یکی ودوتا نبوده ، دستگاههای مختلف وجود دارد که یکی از آنها مجلس شورای ملی است بایستی در این دستگاه قانون گزاری اصلاحات اساسی شروع شود ومردمان منفعت‌جو وباغرض دارای طبیعی ملت از آن دور شوند تا حکومت های خوب روی کار آیند وحکومت های خوب کارخوب انجام دهند ، چقدر ما در این باره مبارزه کرده ومعایب این قبیل حکومت ها را ذکر کرده‌ایم البته وقتی حکومتها دست نشانده مجلس ومجلس بیشتر در دست کسانی باشد که توقعات وتمنیات از دولت دارند، دولتی را برای انجام یا عدم انجام تقاضاهای شخصی خود میبرند ومی‌آورند وروزنامه اطلاعات هم در همه‌وقت این مطالب دردناک را یادآوری نموده وتذکر داده وبامجلسیان درافتاده است، چطور اطلاعات را عضو دستگاه ها نمه میخوانند؟ آیا بی انصافی نیست که چنین اتهامی را متوجه ما نموده برما وارد سازند درصورتی که روش اطلاعات پیوسته بامصالح ومنافع ملت ایران توام بوده واز اغراض ونظرهای شخصی بکلی دور بوده است؟

با اعمال نفوذ و توصیه مبارزه کرده ایم

من از هرگونه توصیه واعمال نفوذ در ادارات ودستگاههای دولتی خودداری دارم برای اینکه روزنامه اطلاعات را بی‌نیاز از آن سازم که از کسی بمقصودی تمجید نماید ویا بی‌جهت بر کسی بمنظوری انتقاد نماید وخیلی تعجب کردم وقتی شنیدم کسی گفته بود یا در روزنامه‌ای نوشته بود که مدیر اطلاعات در ادارات دولتی اعمال نفوذ میکند.

نه من اعمال نفوذ وتوصیه در دستگاههای دولت میکنم ونه آنها احتیاجی دارند که توصیه مرا بپذیرند زیرا توصیه را از کسی قبول میکنند که از او بترسند ، من که نه اهل اعمال غرض در روزنامه هستم ، نه فحش وتهمت میزنم ، نه کارشکنی واخلال در کار دولت دارم چرا مورد ملاحظه وترس باشم ، در این مملکت از آنهائی توصیه و سفارشات قبول میشود که اگر انجام ندادند پشت تریبون مجلس بعناوین دیگر کارشکنی میکنند ، در روزنامه‌ها باشکال وعناوین مختلف مخالفت علنی میکنند وچون نقطه ضعف هم دارند یا طالب جاه ومقام خود هستند از آنها واهمه دارند واز روی ترس ووحشت زیر بار هرگونه توصیه وسفارشات میروند .

دلیل اینکه مرا شخص با نفوذی میدانند برای همین است که اعمال نفوذ نمیکنم . اگر میخواستم خود را آلوده باعمال نفوذ وتوصیه بازی سازم احترامی نزد کسی نداشتم واینطور نبود که بعضی نخست‌وزیران و وزیران و رجال مرا طرف مشورت خود قرار دهند واغلب از نظریات بی‌طرفانه من استفاده کنند .

ممکن است بنام من و بنام اطلاعات اشخاصی در مقام توصیه واعمال نظر شخصی برآمده باشند البته تا جائی که مطلع میشوم جلو گیری میکنم اما در یک دستگاهی که چند صد نفر کار میکنند چگونه میتوان این موضوع را نظارت دقیق کرد اگر چنین اتفاقاتی بیفتد تقصیر با اداراتی است که زیر بار توصیه میروند وهمینکه نام مرا ذکر میکنند بدون خواستن مدرک و دلیل تسلیم میشوند ، چندبار تاکنون اتفاق افتاده است که اوراق مارک‌دار اداره را برده روی آن حتی مهر اداره راجعل کرده وخود را خبرنگار معرفی نموده ومشغول کلاشی شده اند ، چنانچه دو سه بار مخبر سیار باین ترتیب در ولایات دیده شد که در چند نقطه خود را خویشاوند من معرفی نموده وشروع بکلاهبرداری کرده وهمینکه نمایندگیهای اطلاعات مشکوک شده اند فرار کرده ودست بامضا اداره موضوع را بخشنامه بنمایندگان خود اطلاع داده است که در آینده در اعتبارنامه این قبیل خبرنگاران قلابی دقیق تر باشند .

مقصودم این است که در یک اداره وسیعی ممکن است اشخاصی پیدا شوند که از موقعیت اطلاعات بعناوین مختلف بخواهند سوء استفاده کنند و اوراق یادداشت روزنامه را که در دسترس حتی ارباب رجوع گذاشته میشود بردارند و روی آن سفارش نامه بنویسند و بادارات ارائه دهند این وظیفه متصدیان امور است که بطور کلی این مسخره بازی را موقوف سازند اکنون وضع چنین است که حتی عضو در هر اداره منتظر وصول سفارش نامه هستند وتصور میکنند هر کاری باید توام باسفارش نامه ارباب نفوذ انجام پذیرد و این آفت ومصیبت بزرگ اساس خرابی وسوء تشکیلات ادارات و وسیله موثر خرابی و اضمحلال مملکت شده است .

جوانان فعال را از راه ادارات برگرداندم

من با نچه مینویسم مؤمن ومعتقد هستم ، من اگر از این صفت مذموم در روزنامه تقبیح میکنم و اعمال نفوذ و توصیه بازی را امری خلاف حق وعدالت میدانم خود بدان عمل نمی کنم ، من در مقابل بسیاری از دوستان و مراجعه کنندگان که توقع کار و رتبه ومقام از من دارند پیوسته خجلت‌زده هستم، نمیدانم چه جواب بدهم که ترنجند

چون این امر رایج را متاسفانه دیگران میکنند و از من نیز توقع و انتظار دارند

یکی دیگر از هدفهای اطلاعات مبارزه با افزایش میز و صندلی و مخالفت با استخدام و پشت میزنشستن جوانانی است که باید مملکت از وجود آنها استفاده برد . در این خصوص خیلی چیزها نوشته و کوشش کرده‌ام که افراد مملکت را از تحمیل بادارات دولت منصرف ساخته و متوجه کار آزاد نمایم ، من از مسافرت خود به امریکا و مطالعات در آنکشور بزرگ باین نتیجه رسیدم که این ملت در سایه کار و کوشش افراد باین پایه تمدن و ترقی رسیده است، در آنجا کار بازو را افتخار میدانند و تنبلی را ننگ و عار و نوع کار برای آنها فرق نمیکند و هرگز پیرامون میز و صندلی نمیروند و از این شغل گریزانند زیرا ثروت و ترقی را در بیابانها ، جنگلها ، دامنه کوهها ، دشت ها و مزارع ، معادن و کارخانجات جستجو میکنند نه در زوایای تاریک ادارات و عضویت دولت. پس از بازگشت از امریکا مطالعات خود را بخصوص در زندگی اجتماعی و مالی و اقتصادی و توجه باسرار موفقیت امریکائی ها در اطلاعات منتشر کردم که بعد با عکسهای جالب توجهی در دو جلد انتشار یافت و جلد دوم آن در این اواخر منتشر شده است . با مطالعه این دو جلد کتاب، خوانندگان متوجه می‌شوند که هم میهنان عزیز چگونه از راه و رسم زندگی ـ سعادت دور و از حقیقت منحرف هستند و ملل دنیا چگونه شاهراه ترقی را در زحمت کشیدن و کار کردن پیدا کرده و آنرا دنبال می‌کنند و سعادتمند زندگی می‌نمایند

من این دو جلد کتاب را در حقیقت روی پرنسیپ و عقیده خود در مبارزه با پشت میز نشینی انتشار دادم و یقین دارم تاثیر مطلوب خواهد بخشید و من بسهم خود از این راه توانسته‌ام خدمت خود را در روشن کردن افکار هم‌میهنان عزیز انجام دهم.

چقدر اتفاق افتاده است جوانانی فارغ التحصیل نزد من آمده و خواسته اند آنان را بیکی از وزارتخانها و ادارات توصیه کنم ، از بیکاری ناله کرده اند و من بجای قبول تقاضای آنها در استخدام ادارات ، احساساتشان را برضد زندگی خمود و جامد اداری تحریک کرده و روزگار مردم دنیا را که بکار آزاد روی می‌آورند و پیش می‌روند تشریح نموده و آنقدر در این خصوص پند و اندرز داده ام که آنها از تعقیب شغل دولت منصرف شده بسوی کار آزاد روی آورده اند و امروز خوشحالند که نصایح بی غرضانه مرا پذیرفتند و اگر هم منصرف نشدند دیگر سراغ من نیامدند !

از آن روز که این مبارزه را من عملا و قلماً شروع کردم تا امروز خیلی موفقیت پیدا شده، خیلی از افراد کشور طرز فکر خود را عوض کرده و اطفال خود را برای کسب هنر و صنعت و رشته های مختلف فلاحتی و سایر کارهای آزاد تربیت نموده و خیلی از جوانان را سراغ دارم و می‌شناسم که در اثر مذاکرات حضوری یا در نتیجه مطالعه نگارشات اطلاعات از استخدام دولت چشم پوشیده‌اند و حالا زندگی راحت و با سعادتی دارند و روی‌هم‌رفته پیشرفتی که در این کار پیدا شده و امیدوارم توسعه یابد نتیجه اهتمام و کوشش اطلاعات و برای من بزرگترین افتخار است که باین وسیله کشور دارای افراد عالم و با اطلاع در رشته های تولیدی شود و تصور نکنند فقط اشتغال در ادارات مایه سربلندی است بلکه کارهای دیگر هم افتخار دارد .

روزنامه اطلاعات مالیات بردرآمد میپردازد

بعضی دستگاه حاکمه کشور ، بقول بعضی از همکاران عزیز ما ، با تمام نفوذ خود نه فقط از دستگاه حاکمه هیچگونه استفاده میکند ، بلکه بدستگاه حاکمه مالیات میپردازد .

این مطلب را تا بحال هیچ عنوان نکرده بودم زیرا قصد خودنمائی و تظاهر نداشتم لکن امروز برای ثبوت حسن نیت کارمندان و احترامی که این اداره بقوانین کشور میگذارد موضوع را بمیان گذاردم.

روزی که قانون مالیات بردرآمد وضع میشد و مرحوم داور مدافع این قانون در مجلس بود جمعی از مدیران جراید و منجمله اینجانب از ایشان توقع کردیم که مطبوعات را مانند شیر و خورشید سرخ و مؤسسات فرهنگی و خیریه و بعضی مؤسسات دیگر از مالیات بردرآمد معاف دارد زیرا اینقبیل مؤسسات باید مورد حمایت و تقویت دولت قرار گیرند تا رشد و نمو و ترقی یابند . آنمرحوم قبول نکرد و جراید را مشمول معافیت قرار نداد و قانون تصویب و بموقع اجرا گذارده شد .

از همان سال اول که اجرای قانون شروع گردید اداره اطلاعات که آنروز هم بخوبی میتوانست طفره برود و شانه خالی کند اجرای قانون را وظیفه مسلم خود دانست و هرسال در موعد معین مالیات خود را تقدیم اداره مالیات بردرآمد نمود و دفاتر منظم و مرتب خود را نیز در اختیار مامورین آن اداره برای کنترل و نظارت گذاشت لابد خوانندگان محترم خواهند فرمود ، البته میبایستی چنین وظیفه‌ای انجام شود، منهم قبول دارم و اطاعت کرده و میکنم و از پرداخت مالیات سرپیچی نداشته و نخواهم داشت و معتقدم هرکس در این آب و خاک

زندگی میکند واز مواهب آن بهره‌مند میگردد باید بوظایف خویش عمل کند و دین خود را برای اداره امور کشوری که بهره میرساند ادا نماید، این مطلب جای انکار نیست ولی خیلی میل داشتم بدانم آیا یکروزنامهٔ دیگر هم در این کشور پیدا میشود که همین عمل مارا انجام بدهد یعنی مثل یك مؤسسه بازرگانی خودرا در اختیار دستگاه دولت میگذارد و مالیات بردرآمد میدهد یا نه ؟

شاید گفته شود که دیگران عایداتی ندارند بدهند ، البته منهم مطمئن هستم که یکعده از روزنامه های محترم کشور نمیتوانند مالیات بدهند و بزحمت دخل وخرج می کنند ، اما این مطلب را درباره تمام مطبوعات کنونی میتوانم باورکنم زیرا وضع مادی خیلی روزنامه‌ها بهتر از اطلاعات ومخارج سنگین سازمان وسیع مارا ندارند ومثل ما برای تامین چندماه کاغذ همیشه زیر بارقرض نیستند .

آنها که اداره اطلاعات راصاحب نفوذ فوق‌العاده‌ای میدانند وتصور میکنند ما از این نفوذ خود سوء استفاده مینمائیم بفرمایند بااداره مالیات بردرآمد تماس بگیرند ببینند اداره اطلاعات چگونه درسر هرسال دفاتر خود را در اختیار مأمورین آن اداره میگذارد وچه زجروزحمتی کارمندان حسابداری ما می کشند تامامورین آن اداره را قانع سازند که حساب دخل وخرج روزنامه غیراز حساب فلان مؤسسه تجارتی است . اینجا در مقابل هر یکریال عایدی یکریال خرج خوابیده ولی نمیخواهند بفهمند زیرا مقررات خشك قانون مالیات بر درآمد که برای تجارتخانه‌ها وضع شده میگوید یکریال عایدی رابده خرج برعهده خودت !

خلاصه اطاعت کردن در این مملکت زجر کشیدن همدارد ، اگر بگوئیم اصلا مالیات بردرآمد نمیدهیم و صورتحساب هم نفرستیم چه میشود؟ هیچ ، خیلی از اشخاص متنفذ وبسیاری از مؤسسات مگر غیراز این میکنند، چه شده است؟ هیچ ، ولی اداره اطلاعات تمام آن زحمات را تحمل میکند و باطیب خاطر تاکنون مامورین آن اداره را استقبال نموده وما میخواهیم همانطور که یك مؤسسه خارجی در کشور خود بوظایف حقیقی خویش بنحواتم رفتار میکند ما نیز مطیع قانون ومقررات کشور خود بوده وبدان رفتار نمائیم، تا صرف مامور واقع گردد و بتوانیم وظیفه راهنمائی و هدایت افکار مردم رابخوبی انجام دهیم بالاخره اداره اطلاعات حدمتوسط درسال ۱۲۰۰۰۰۰ ریال بابت مالیات حقوق کارمندان تحریری - اداری و فنی چاپخانه مالیات بردرآمد می پردازد و سالی حد متوسط ۱۰۰۰۰۰ ریال هم مالیات بردرآمد خودرا میدهد، واین مالیات بردرآمد غیراز پرداختهای شرکت سهامی چاپ است که آن مؤسسه نیز جداگانه طبق قانون شرکتها مالیات میدهد که اگر بحساب آید رقم درشتی میشود .

ساختمان درمانگاه عمومی برای مستمندان

اداره اطلاعات بتاسیس یك درمانگاه عمومی برای مستمندان کمك کرده است ازاینقرار .

بعداز جنك وضع کاغذ روزنامه مشکل شد، روزنامه اطلاعات در دو صفحه انتشار می یافت وبقیمت پنجاه دینار فروخته میشد بعضی ازهمکاران مطبوعاتی جلسه کردند و گفتند قیمت پنجاه دینار بفروش ما لطمه وارد میسازد قیمت را یکریال معین کنید تا بانرخ سایر جراید یکنواخت باشد . ماهم تقاضای همکاران خودرا قبول کردیم ولی نخواستیم از این راه سودی بجیب خود بریزیم بلکه فکر کردیم مازاد آنچه درنتیجه این افزایش برای ما باقی میماند بعداز وضع حق‌العمل فروشندگان بمصرف امور خیریه برسانیم باینجهت پنجشاهی از آن را برای تاسیس پرورشگاه یتیمان کنار گذاشتیم ، چندماه این وضع باقی بود تا قیمت کاغذ بالا رفت و موجودی ما هم تمام شد و مخارج زندگی و حقوق هم ترقی کرد بعلاوه کم کم روزنامه درچهار صفحه انتشار می یافت ودیگر اداره نتوانست این مبلغ را کنار بگذارد .

از این راه وجوهی در بانك ملی ذخیره شد بعلاوه دوره پانزدهم مجلس من اضافه حقوق خودرا نگرفتم و برای همین کار تخصیص دادم جمع این دو مبلغ پانصدو بیست هزار ریال شد که در اختیار جمعیت محترم شیروخورشید سرخ قرار دادم و تقاضا کردم درمانگاهی برای بینوایان دریکی ازمحلات پرجمعیت تهران بسازند وخود آن جمعیت اداره نماید خوشبختانه پیشنهاد مرا پذیرفتند و درمانگاه مزبور بامساعدت شیروخورشید سرخ درخیابان چهارراه عباسی که مستمندان زیاد دارد درشرف تکمیل است که شاید امسال مراسم افتتاح رسمی آن بعمل آید .

پایان کتاب اطلاعات دریکربع قرن

بمقالات ومطالب خود مربوط بزندگی بیست وپنج ساله اطلاعات و رشته وقایع مهم این مدت خاتمه میدهیم چون اگر بخواهیم بنقل خلاصه گزارش یکی دوسال اخیر که کمتر از آن ذکری شده است بپردازیم کار زائدی را انجام داده‌ایم ، تکرار مطالبی است که در ذهن خوانندگان محترم باقی میباشد وبعلاوه کار مهمی صورت نگرفته است که قابل نقل باشد و درپایان این نکته را علاوه میکنم که چون هیچ میل ندارم نکته ابهام آمیزی در نظر خوانندگان وجود داشته باشد ویا مطلبی بی جواب در دل وخاطره ها بماند، مخصوصا ازخوانندگان عزیز تمنا دارم نسبت بمندرجات این کتاب هرگونه نظری داشته باشند یا توضیحی دراطراف هریك از مسائلی که طرح شده یا نشده و از خارج شنیده اند بخواهند بسیار خوشنود خواهم شد که بصورت سئوال مرقوم دارند وبنام خود اینجانب بفرستند تا آن سئوال ها بطور خصوصی جواب دهم و اگر جنبه عمومی داشت در روزنامه موردبحث قرار دهم .

ع . مسعودی

بمناسبت بیست و پنجمین سال اطلاعات

ضمیمه کتاب اطلاعات در یک ربع قرن

سازمان

مؤسسه فرهنگی

اطلاعات

تأسیس مرکز اطلاعات : شهریور ماه ۱۳۰۲

تأسیس روزنامه اطلاعات : تیر ماه ۱۳۰۵

مشتمل بر سه بخش

نویسندگی - اداری - فنی

« مهرماه ۱۳۲۹ »

اینک که کارمندان مؤسسه اطلاعات به میمنت ومبارکی جشن بیست وپنجمین سال اطلاعات را منعقد مینمایند لازم میدانند بمناسبت این موفقیت بزرگی که نصیب آنان گردیده است از توجه و عنایات خاص خوانندگان گرامی اطلاعات که پیوسته ما را در راه پیشرفت وترقی مؤسسه خود کمک و پشتیبانی فرموده اند تشکر و امتنان نموده و بتقدیم عرض تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه خود مبادرت ورزند. کارمندان و خدمتگذاران صدیق اطلاعات امیدوارند بتوانند خدمات فرهنگی و مطبوعاتی خودرا همچنان باکمال صداقت و خلوص نیت تعقیب وادامه داده وتوجه وعنایات و الطاف بیکران هم میهنان عزیز را بیش از پیش بخود جلب نمایند و از خداوند متعال مسئلت دارند که ایران میهن عزیز مارا در راه نجات از مشکلات ومصائب کمک کند وملت ایران را سعادت بخشد .



کسی که امروز صدها نفر باطرافش حلقه زده و مؤسسه بزرگی را تشکیل داده‌اند دراوایل سال ۱۳۰۲ یکنفر تنها بودکه بخبرنگاری مشغول شد وچیزی نگذشت که در شهریور ۱۳۰۲ بتاسیس اداره کوچکی بنام‌مرکز اطلاعات برای‌تمرکز وپخش اخبار دایر نمود وباعزم‌واراده خستگی ناپذیری بکار خود ادامه داد تا تیرماه ۱۳۰۵ که اولین شماره اطلاعات را منتشر ساخت که اکنون بیش‌از‌بیست وپنج سال از روی خدمات مطبوعاتی ایشان میگذرد .

آقای عباس مسعودی که عکس ایشان را زیب اولین صفحه سازمان قرار میدهیم روی ایمان و عقیده بخدای‌یکتا ، روی صداقت وصمیمیت ، علاقه بمیهن ومردم ایران شروع بکارکرد و چون‌نیت او پاك و منظورش خدمت بمملکت بود ، تهمت ها ، عداوت ها ، بخل و حسد ها بر او تاثیر نکرد زیرا مردم حق پرست ایران او را میشناختند و بافکار وعقایدش آگاه شده او را پشتیبانی و تقویت وکمك کردند بایجهت درآمال وآرزوی‌خود موفق شد وتوانست مؤسسه آبرومندی را بوجودآورد که پس‌از مطالعهٔ این اوراق بعظمت واهمیت آن پی‌خواهید برد .

کارمندان اطلاعات بهترین تبریکات و صمیمانه ترین احساسات خود را بمناسبت یکربع قرن خدمات ذیقیمت مطبوعاتی و سیاسی آقای عباس مسعودی تقدیم ایشان نموده و از یزدان پاك سلامتی و سعادت این عنصر خدمتگزار صدیق را خواهانند.



بانی مؤسسه اطلاعات

سازمان اطلاعات

بدون شك پایه سازمان اطلاعات روی علاقه وصمیمیت نهاده شده است ، کارمندان و کارگران این مؤسسه بادلگرمی کارمیکنند زیرا حس میکنند اینجا یك مؤسسه ملی ومملکتی است نه مؤسسه شخصی ، اینجا مؤسسه ایست که بمنظور تعمیم وبسط فرهنك برای هدایت و راهنمائی افکار وبرای روشن شدن مردم باوضاع واحوال کشور خود وجهان بوجود آمده نه برای استفاده شخصی ، و میدانند چنین مؤسسه ای که پایهٔ آن روی هواو هوس ومنافع خصوصی و حفظ مال و منال ریخته نشده ومؤسس آن یگانه هدفش توسعه و ترقی مؤسسه اطلاعات میباشد و می بینند قدم بقدم متناسب با استعداد مالی خود جلو رفته و جلو میرود ، یعنی هرچه عاید میدارد خرج میکند و توسعه بکار میدهد و در عین حال قدم های خود رامحکم برمیدارد که دست نیاز بسوی کسی دراز نکند باینجهت کارمندان اطلاعات مطمئن هستند که دریك مؤسسهٔ قائم بذات و پابرجائی خدمت میکنند که تحت عنایات وتوجهات پرورد گاری وپشتیبانی ملت ایران میتوانند امیدوار بادامه خدمات ملی خود باشند

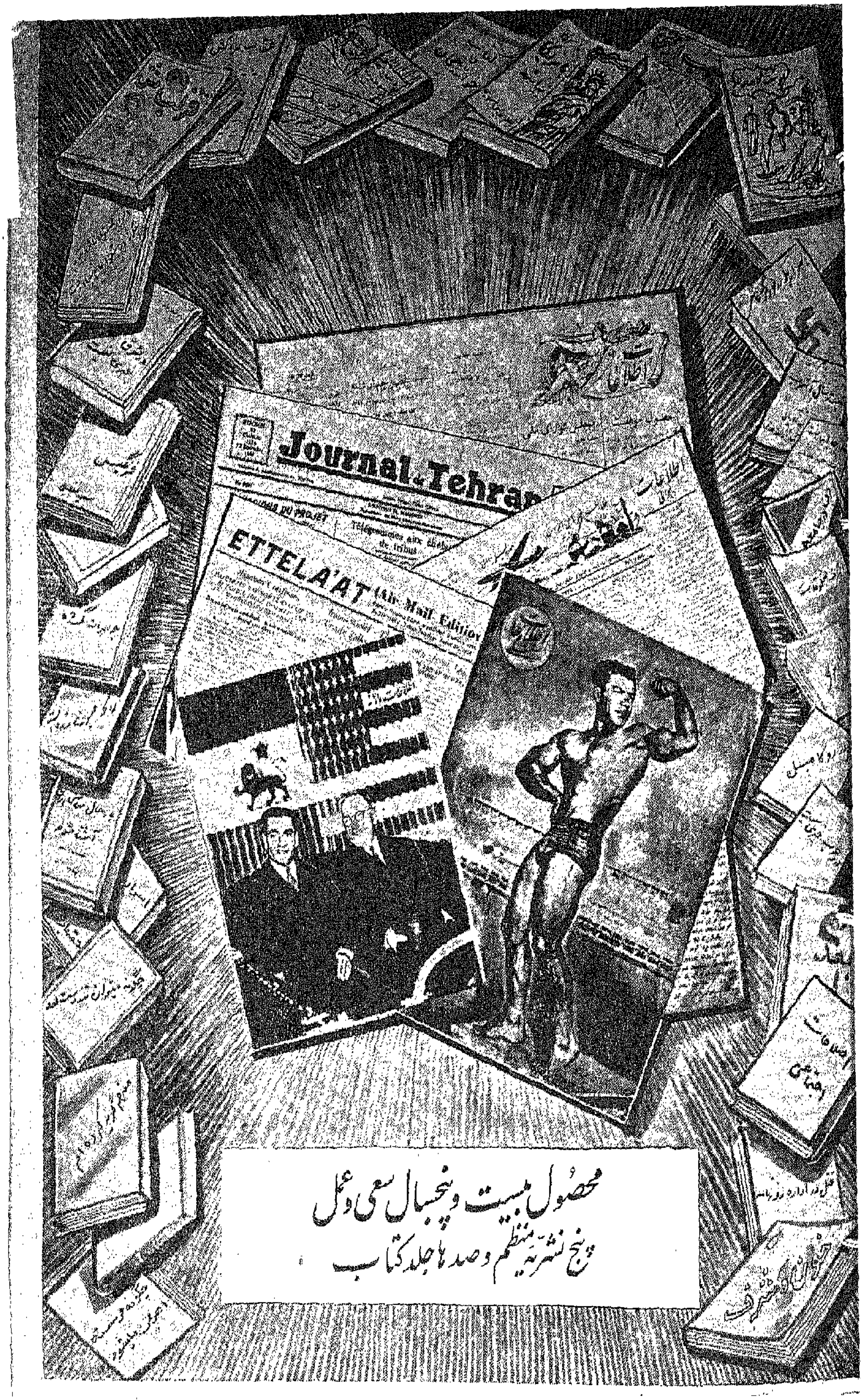
از خصائص مدیر ماقدردانی از کارمندان صدیق و صمیمی اطلاعات است ومی بینیم هر کس از روز اول دست محبت وهمکاری به آقای مسعودی داده این اداره را ترك نگفته چنانچه اکنون اعضائی دراین اداره کار میکنند که سوابق بیست وسه چهار ساله دارند .

هر کس باین اداره داخل میشود می ماند آقای مسعودی دوست ندارد کارمندان خود را به مقتضای زمان ووضع کار از دست بدهد ، البته درطی این بیست و چند سال عده ای از نویسندگان و کارمندان اداری خارج شده اند ولی همه بمیل خود و برای جستجوی کار بهتر رفته اند که دراین خصوص مدیر اطلاعات روش مخصوص بخود دارد ، یعنی همانطور که هیچ کارمندی را که چند سال کار میکند راضی نیست از اداره خارجش کند مگر اینکه عذر خیلی موجه داشته باشد ، همانطور هم هر کارمندی که بخواهد بمیل خود اداره راترك نماید جلوگیری نمیکنند ، خیلی از نویسندگانی که ما را ترك کردند مورد علاقه شدید آقای مسعودی بودند ولی ایشان پیوسته میگفتند که چون من سعادت و ترقی همگی را میخواهم هرگز جلوگیری از رشد وترقی اشخاص نمیکنم و حتی آن چه بتوانم کمك میکنم .

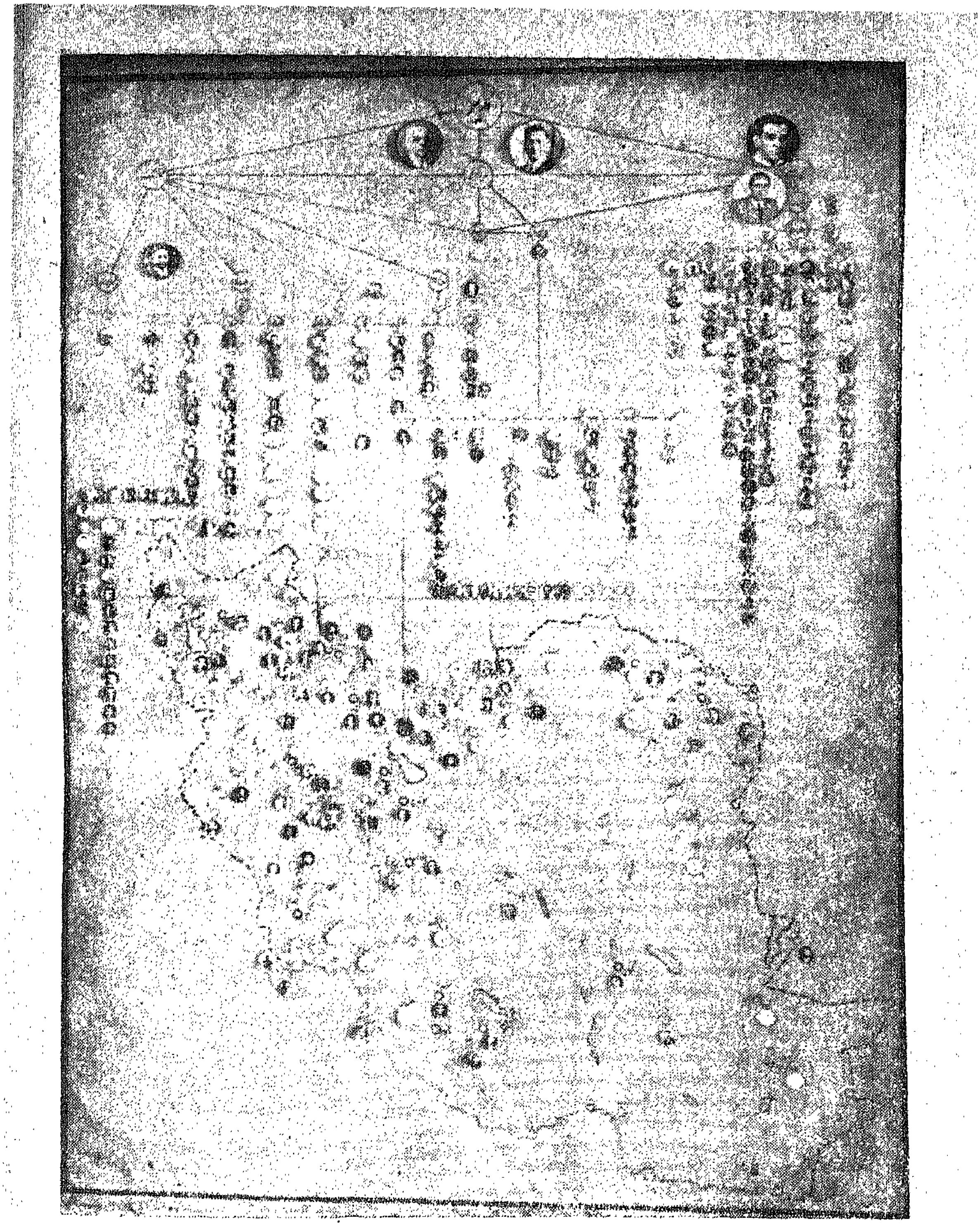
چه بسا کسانی که چند سال در اداره اطلاعات کار کردند و درحقیقت دراین مکتب برموز مطبوعاتی ونویسندگی آشنا شدند اکنون خود صاحب مجله وروزنامه ونشریه میباشند که مدیر اطلاعات ویا کارمندان این مؤسسه بانظر احترام ودوستی به آنها می نگرند .

در این مؤسسه همه باهم باروح رفاقت ودوستی زندگی میکنیم ، کسی را بر کسی مزیت و خودفروشی نیست . قیافهٔ باز وحسن اخلاق مدیر اطلاعات و بیغرضی و بی نظری او در مسائل مملکتی و توجه او باصلاح امور ورفاه عامه که ما ازنزدیك شاهد وناظر آن هستیم بهترین مشوق وباعث تقویت روحی ما است تا همه با جان و دل دراین مؤسسه مفید ملی کار کنیم .

کارمندان این اداره اعم از نویسنده واداری وفنی همه در حقیقت حلقهٔ ارادت و خدمت ملت ایران را بر گردن نهاده واین علقه آنان را واداشته است که در این مؤسسه ملی ازروی کمال علاقه و صمیمیت خدمت کنند والا چه چیز احساسات یك نویسنده را جز عشق وشور خدمت بر می انگیزد همه ما نزد وجدان خود مفتخر وسر افرازیم که علی رغم تبلیغات بدخواهان وحسودان در این مؤسسه فرهنگی برای کسب سعادت و ترقی وخیروصلاح جامعه زحمت میکشیم ، همهٔ ماعشق وعلاقه بمیهن داریم وروی همین علاقه زنده ایم وزندگی میکنیم

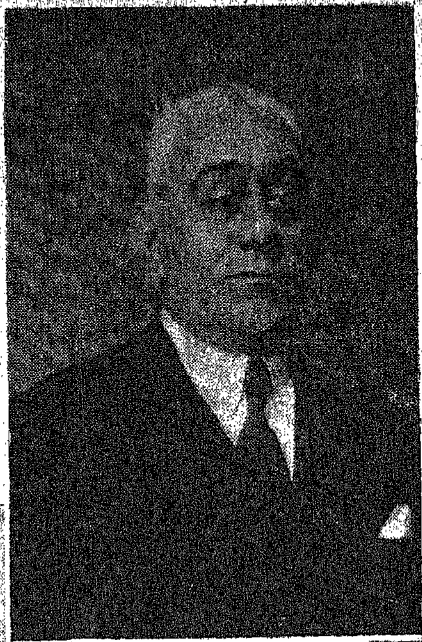


محصول بیست و پنجسال سعی و عمل
پنج نشریهٔ منظم و صدها جلد کتاب



با یک نظر سازمان تحریری و اداری مؤسسه اطلاعات با انضمام نمایندگی های ما درشهرستانها روی نقشهٔ ایران در این تابلو جلب توجه میکند.
این تابلو در سرسرای اداره روبروی سالون بزرگ دفتر اطلاعات نصب گردیده و ارتباط شعب را بیکدیگر نشان میدهد.

ایان مسعودی
یك خدمات
سزائی باین مؤسسه
انجام داده اند



آقای حسن مسعودی برادر بزرگ آقای عباس مسعودی هستند که سمت مدیریت داخلی روزنامه اطلاعات را دارا میباشند.

کمتر کسی است از دوستان که باطلاعات وارد شود و باطاق ایشان که بانهایت گرمی و محبت و صمیمانه پذیرائی مینمایند نرود.

ایشان بتمام سازمان سرپرستی دارند و پیوسته با منتهای محبت و مهربانی با کلیه کارمندان اطلاعات رفتار می نمایند.



آقای جواد مسعودی برادر کوچکتر آقای مسعودی و مدیر ژورنال دو تهران میباشند. >

آقای محمدعلی مسعودی فرزند آقای حسن مسعودی سردبیر اطلاعات میباشند.

< ——





آقای قاسم مسعودی فرزند کوچک آقای حسن مسعودی و سردبیر ژورنال دو تهران میباشند.

کسانیکه امور تحریری و تنظیم پنج نشریه اطلاعات را زیر نظر و مسئولیت مستقیم خود اداره میکنند



آقای جعفر صادقی «اطلاعات یومیه»



آقای نجفقلی پسیان «اطلاعات یومیه»



آقای محمد زرانگار
«اطلاعات ماهانه وانگلیسی هوائی»



آقای مهندس کردبچه
«اطلاعات هفتگی»



آقای جلال زرین
«اطلاعات هوائی»



آقای احمد شهیدی سردبیر اطلاعات هفتگی بواسطه عارضه کسالت چند ماهی است مرخصی در مسافرت اروپا میباشند و فعلا آقای مهندس کردبچه امور مجله‌را اداره می نمایند >



< آقای آدری «ژورنال دوتهران»

بخش اول: سازمان نویسندگی

این سازمان شامل اطلاعات روزانه واطلاعات هفتگی وماهانه وهوائی و ژورنال دوتهران است که در عین جدا بودن تشکیلات هریك ، نویسندگان درهرقسمت باهم کمك و همکاری دارند.

سازمان تحریری اطلاعات از چند شعبه تشکیل میشود از اینقرار:

۱ — شعبه تهیه مقالات و مصاحبه ها ۲ـ شعبه خبرنگاری داخله ۳ـ شعبه خبر نگاری خارجه که مجهز بدستگاههای گیرنده تلگرافهای خارجه ازتمام عالم میباشد ٤ـشعبه خبرنگاری مجلس ٥ـشعبه اخبار شهرستانها ٦ ـ شعبه عکس وگراور

سازمان نشریات دیگر فرق میکند و بیشتر بنویسندگان و شعبه‌های نقاشی و کاریکاتور و عکاسی محدود میگردد.

اگر بخواهیم هریك از قسمت ها را جدا جدا تشریح نموده و بجزئیات بپردازیم با این که بسیار جالب است وخوانندگان میل‌دارند خصوصیات هریك ازنویسندگان مارا بدانند وباآنها آشنائی بیشتری پیدا کنند ولی صفحات ما گنجایش آن شرح وبسط را ندارد وباید آنرا بوقت دیگری محول داریم بااینجهت تصمیم ما براین شدکه مجموع آقایان نویسندگان وخبرنگاران و کسانی که درقسمت تحریری نشریات پنجگانه اطلاعات همکاری مینمایند در صفحه‌های بعد معرفی شوند.

خوانندگان عزیز بیشتر آقایان نویسندگان اداره‌را می‌شناسند زیرا بنوشته‌های جذاب وقلم شیوای آنها آشنائی دارند

این نویسندگانی که در پنج نشریه اطلاعات هم قلمی مینمایند کسانی را خواهید یافت که دارای مقام وموقعیت و منزلت‌شایسته ای در مطبوعات ونزد مردم میباشند، محبوب هستند ،جامعه‌بانظر احترام‌به‌آنها می‌نگرد وباعشق‌وشور وعلاقه‌خاصی که‌بهدایت وروشنائی افکار مردم دارند بانجام این وظیفه مقدس اشتغال ورزیده اند

بدون تردید هیچ‌چیز بیش از تشویق وقدردانی‌محرك قلم‌روان و دلپذیر نویسندگان عزیز ما نیست واین‌تشویق همان توجه واستقبالی است که ازطرف مردم نسبت به‌آنها میشود وغالباً درمراسلات وارده‌باداره نیز منعکس میباشد

علاوه براین موضوع ، عشق خدمت بمیهن ، علاقه بهدایت جامعه برای نیل بسعادت وترقی و کمك باصلاحات کشور که هدف مؤسسه اطلاعات است خود بزرگترین محرك احساسات رقیق وطن پرستانه ونوع پرورانهٔ آقایان نویسندگان وعموم کارمندان اطلاعات‌است که‌میدانند‌زحمات‌وفداکاری های آنها بمنظور کامیابی وسعادت ملت ایران صرف میگردد

اکنون ما بدون اینکه تقدم وتأخری درطبع‌عکس‌آقایان نویسندگان‌محترم‌خود قائل‌شویم به ترتیب حروف تهجی آنها را بخوانندگان گرامی اطلاعات معرفی مینمائیم تااز روی عکس نیز ایشان را بشناسند.

بانویسندگان و خبرنگاران واعضای وابسته

«عکسها بدون نظر تقدم و تاخر بترتیب حروف تهجی بطبع میرسد»



آقای ابوالحسن احتشامی



آقای ابوالقاسم فرزانه



آقای احمد نصیری



آقای اسمعیل ناهید
« متصدی سرویس خارجه »



آقای اسمعیل رائین



آقای جمشید سعدزاده



آقای جواد فاضل



آقای جهانگیر مصوررحمانی



آقای جهانگیر ملت



آقای حسین مسرور



آقای حسین هاشمی



آقای حمید نیرنوری

بامور تحریری اطلاعات آشنا شوید



آقای حمزه سردادور



آقای رحمت مصطفوی



آقای رحیم‌زاده صفوی



آقای رضا امینی



آقای سعید نفیسی



آقای شجاع‌الدین شفا



آقای دکتر شین پرتو



آقای صدری میرعمادی



آقای عبدالحسین نوائی



آقای عطاءالله اشراقی



آقای علی اسدی



آقای فریبرز فرزانه



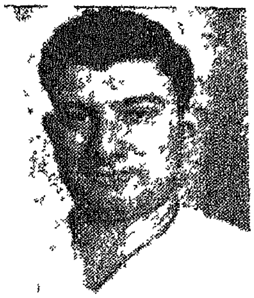



آقای محسن موحد   آقای مجید دوامی   آقای دکتر موسی بروخیم   آقای مهدی نراقی



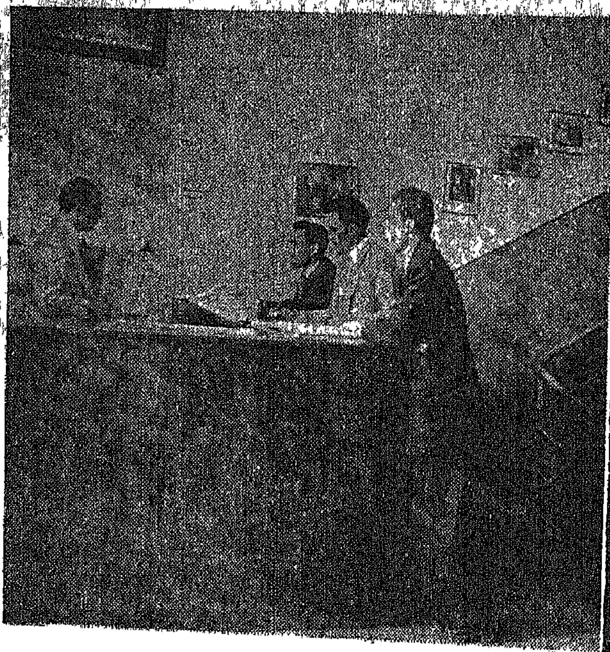



آقای مصطفی شعاعی   آقای ناصرالدین شاه‌حسینی   آقای نصرالله فلسفی   آقای هادی سپانلو

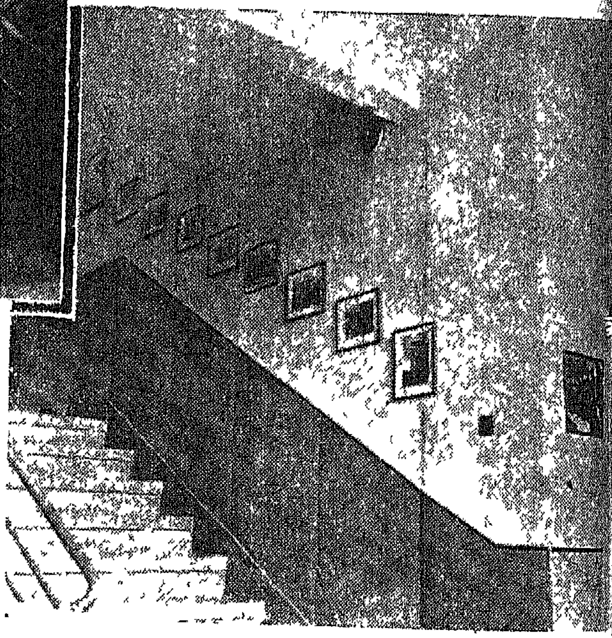


آقای هوشنگ بابائی

عکس عده‌ای دیگر از نویسندگان دانشمند که‌خوانندگان گرامی نشریات اطلاعات بقلم شیوا و آثار گرانبهای ایشان بخوبی آشنائی دارند متاسفانه هنگام تنظیم این‌صفحات در دسترس ما نبود که‌بدینوسیله از آنان پوزش میطلبیم والبته درآینده جبران خواهیم کرد .



هر کس باداره اطلاعات وارد میشود پس از اینکه پله‌های عمارت را بالا رفت بقسمت راهنما میرسد اینجا آقای خلیل غدیری با نهایت ادب مراجعه کنندگان را بقسمت های مربوطه راهنمائی میکنند و پرسش ها جواب میدهد و اطلاعات لازم را در دسترس ارباب رجوع میگذارد .

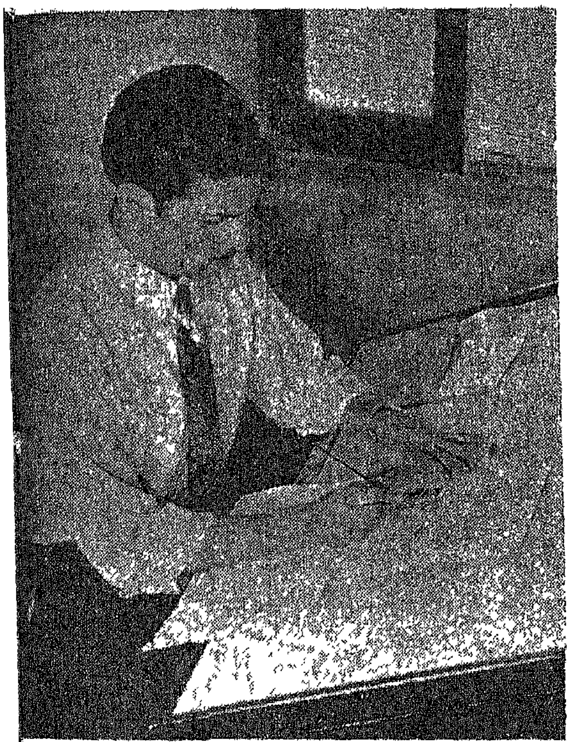


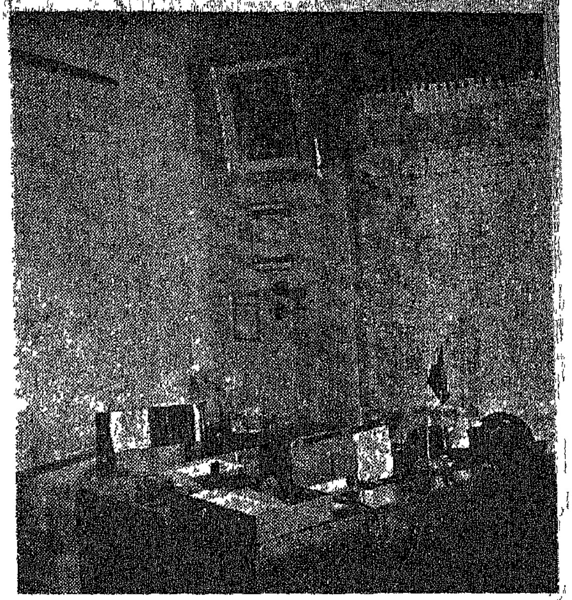
قبل‌از رسیدن بدفتر راهنما همینکه ازراهروها بالا می‌آیند دراطراف خود تابلو هائی از عکس های مهم وقایع روز می‌بینند . عکسهای تاریخی وجالب درتمام راهروها جلب نظر میکند واین عکسها به مناسبت وقایع و حوادث روز هرچند یک‌بار عوض می شود.



آقای شفیعی با قیافه هم خشن وهم محبت آمیز وخندان درایوان طبقه سوم عمارت را بسته یاجلوی در غالباً ایستاده و از ورود اشخاصی که بملاقات نویسندگان می‌آیندجداً جلوگیری میکند اینموضوع خیلی اسباب رنجش دوستان ما شده ولی از طرفی چاره جز این نبود که وقت نویسندگان در ساعتهای صبح‌مصروف کارهای‌مربوط بروزنامه شود تابتوانند وظایف خود را بخوبی انجام ومحصول کار خود را رضایت‌بخش‌قرار دهند ، وقتی اشخاص مراجعه کننده کارهای لازم اداری بانویسندگان داشته‌باشندمتوسل بقسمت راهنما میشوند و آقای غدیری بلافاصله با تلفن نویسنده‌ای راکه بملاقات او آمده اند بملاقات می‌طلبد و ملاقات صورت میگیرد در هر حال ما از این محدودیت اجباری وقت معذور بوده و از عدم دوستان خود پوزش میطلبیم بدیهی‌است بعدازآنکه کارتحریری‌روزنامه‌تمام‌شدهمهٔ‌نویسندگان باطیب‌خاطر باآغوش‌بازدوستان‌ومراجعه کنندگان‌را می‌پذیرند .

آقای محمد بهرامی نقاش هنرمند اداره اطلاعات
در پشت میز کار خود

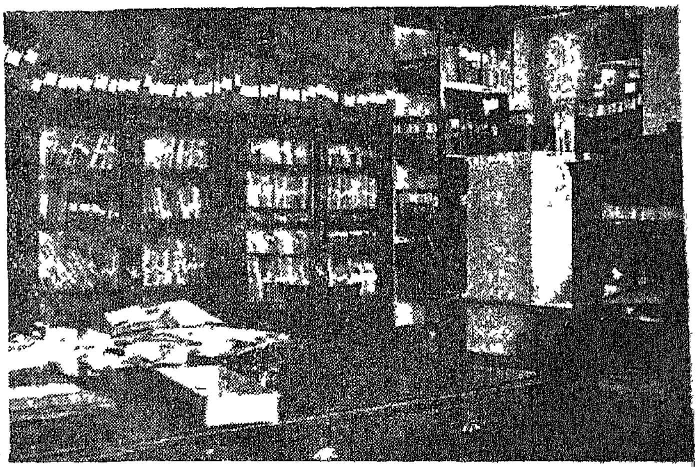


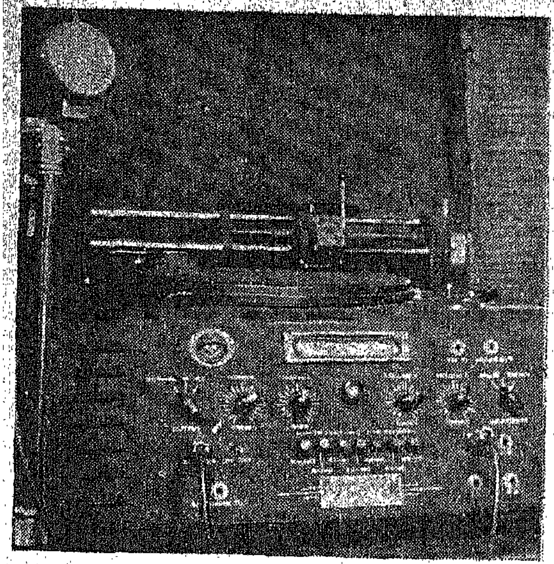


در اطاق کار آقای عباس مسعودی موضوعی که بیش از هرچیز جلب توجه میکند عکسی است که آقای مسعودی از خود و خانوادهٔ خود روی میز جلوی خود گذارده و درجریان کارهای روزانه پیوسته به آن می نگرد.
آقای مسعودی دارای پنج فرزند میباشد چهار دختر ویك پسر ۱۱ ساله « فرهاد مسعودی »

کتابخانه اطلاعات نه فقط مورد استفاده کارمندان اداره قرار میگیرد بلکه دراختیار کسانیکه بخواهند مطالعه نمایند نیز گذاشته میشود و بخصوص مراجعه بدوره های روزنامه زیاد صورت میگیرد . با اینکه در حریق اطلاعات مقدار زیادی از کتابهای کتابخانه از دست رفته بود اکنون کتابخانه ما دارای چند هزار جلد کتب تاریخی، علمی، ادبی و جغرافیائی و کتب قدیمه میباشد .



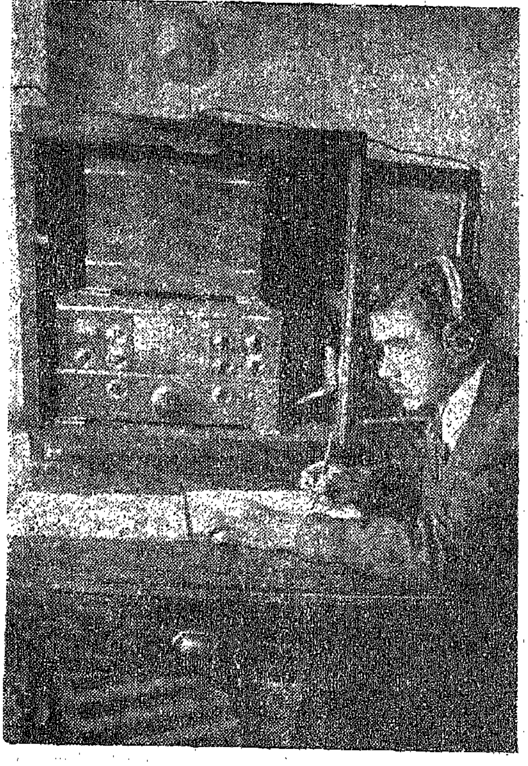


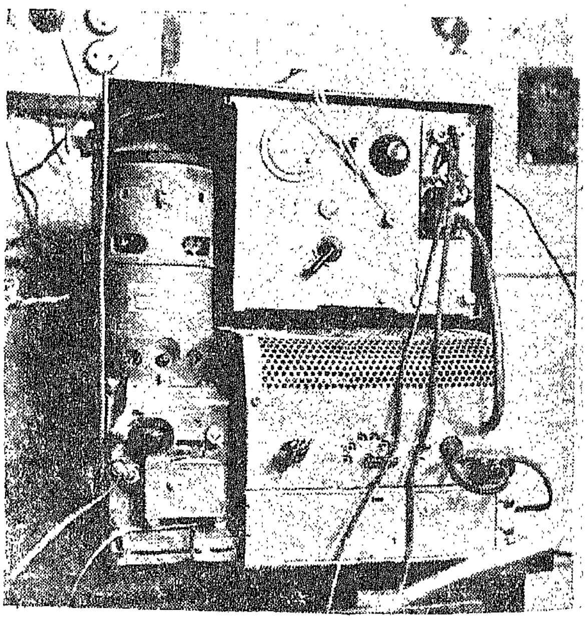


دستگاههای گیرنده خبر

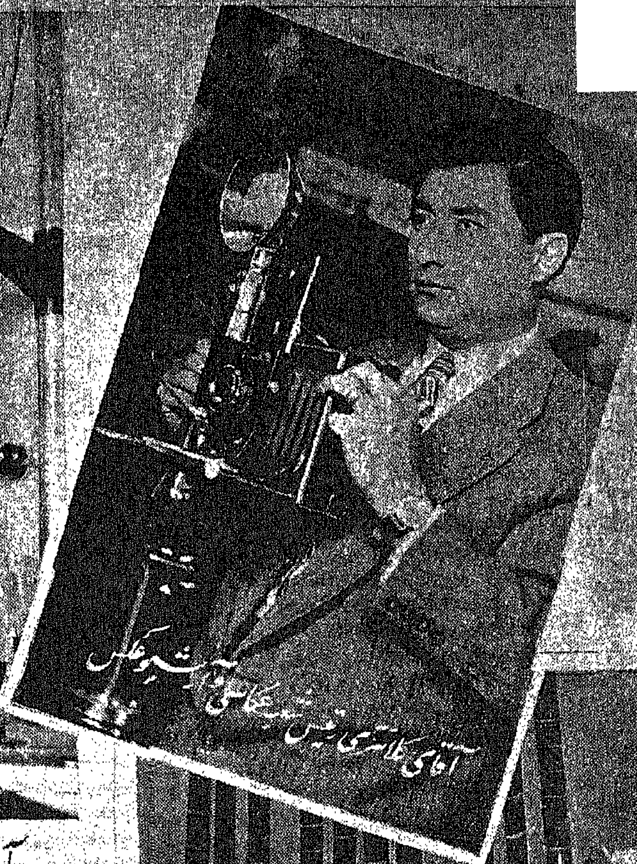
در اداره اطلاعات دستگاهی برای پخش رادیو و دستگاهی برای ضبط صوت وجود دارد در تمام سالون ها و شعبه ها برای کارمندان و کارگران بلندگو نصب‌شده و از این مرکز همه روزه در ساعات‌معین موزیك برای‌سرگرمی وتفریح کارگران پخش میگردد . سخنرانیهای دینی وخطابه های مفید نیز بوسیله همین دستگاه مرکزی باطلاع کلیه اعضاء وکارگران اداره میرسد

شعبه خبر های خارجه اداره دارای دستگاه های گیرنده خبر از همه جای عالم میباشد . هر خبری از هر نقطه دنیا در همان ساعت وقوع و مخابره بروزنامه اطلاعات بوسیله همین دستگاه ها میرسد وبلافاصله مورد استفاده مترجمین قرار میگیرد



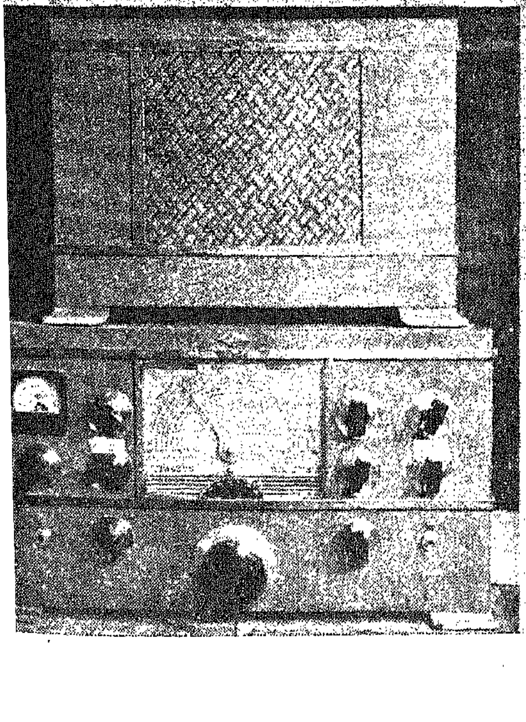






آقای قاسملو در پشت دستگاه آگراندیسمان

یک دستگاه گیرنده خبر با بلندگو





بخش دوم ـ سازمان اداری

سازمان اداری اطلاعات شامل قسمت های زیر است:

۱ ـ شعبه حسابداری ۲ ـ شعبه آگهی ۳ ـ شعبه آبونمان ۴ ـ شعبه نمایندگی ۵ ـ صندوق ۶ ـ ارسال مراسلات ۷ ـ شعبه توزیع ۸ ـ انبار.

باستثنای قسمت توزیع و آرشیو وضبط و دفتر انبار که در قسمت های دیگر جای گرفته سایر شعبه ها در سالن بزرگی متمرکز گردیده است که چند عکس از گوشه‌های سالن دفتر اداری در زیر چاپ میشود:



کسانیکه امور مالی و اداری اطلاعات را سرپرستی و اداره میکنند



آقای احمد صادقی رئیس شعبه آبونمان



آقای زرهی متصدی شعبه حسابداری



آقای سیف‌الله نگرز رئیس حسابداری و معاون امور داخلی



آقای احمد شاد رئیس شعبه آگهی



آقای امینی صندوقدار



آقای حسن شفقی رئیس شعبه نمایندگیها



آقای نورالدین نوری عضو شعبه آگهی



آقای محمود ...



آقای حسن فرزانی متصدی ارسال مراسلات



عده ای از کارمندان اداری
آقای حسین صادق
آقای محمدتقی جهاندیده
آقای گودرزی
آقای اسمعیلی



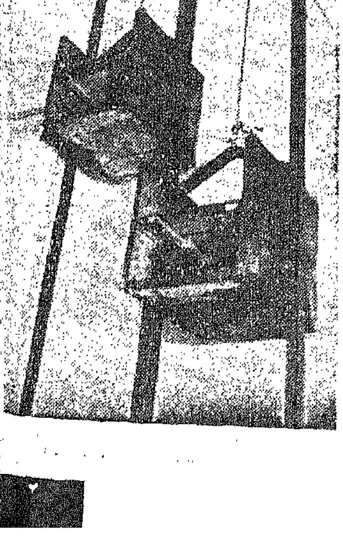
شعبه حروفچینی و منظره عمومی از سالن آن



فیروزج مشغول بستن صفحه است



در اینجا روزنامه بوسیله آقای آذرمی مصحح و آقای عبدالله مرامی کمک مصحح
غلط گیری میشود و برای طبع آماده میگردد



در اینجا غلط گیری ستونها رامیکنند
→

صفحات بسته شده بوسیله این آسانسور
بسالن ماشینخانه پائین فرستاده میشود
←

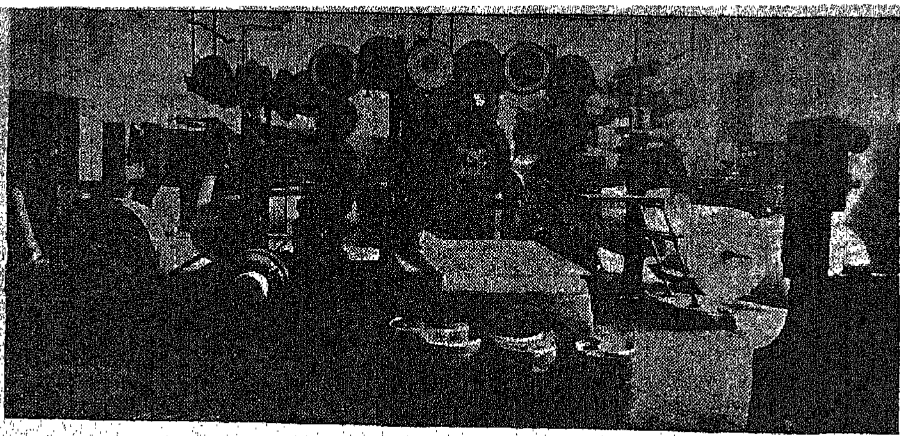




آقای شفیعی
آقای احمد بیگی
آقای سالاری
آقای تبریزی
آقای صادقی
آقای حاجی عباسی

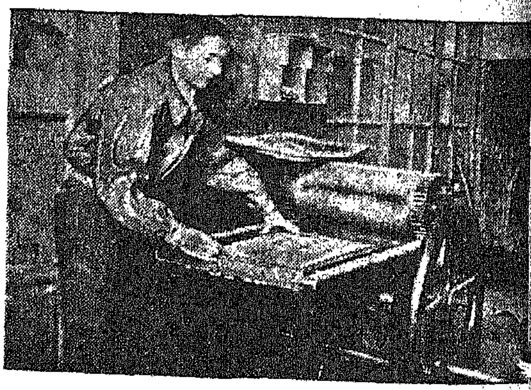

متصدیان توزیع تهران
آقای سیف‌الله سجادی
آقای عباس جلالی
آقای سی‌کیش رئیس شعبه
آقای علی اکبر صادقی
آقای حسین جعفریان
آقای عبدالله ذوالقدر
آقای عزیزالله فارسی
آقای ابوالفتح ذوالقدر

شعبه روتاتیو

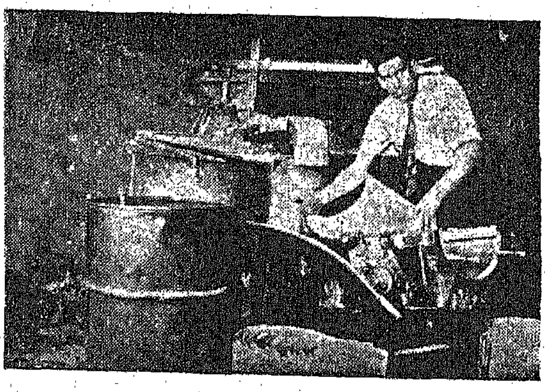


این ماشین که مخصوص چاپ اطلاعات و در ساعت حد متوسط ۱۵ و حداکثر بیست هزار نسخه روزنامه را چاپ میکند در سال ۱۳۱۴ بتهران وارد و در محل فعلی نصب و شروع بکار نمود . در آن موقع مؤسسه اطلاعات استعداد خرید این ماشین را نداشت و برای همین منظور بتأسیس شرکت سهامی چاپ و ساختمان عمارت جدید اقدام نمود ولی این ماشین قبل از تاسیس شرکت بمساعی و سرمایه شخصی آقای جواد مسعودی که در اروپا بامور بازرگانی بخصوص صادرات فرش ایران مشغول بودند خریداری و وارد تهران شد و ایشان بعدها قیمت ماشین را باقساط دریافت داشته و مقداری سهم شرکت را نیز برداشتند که اقدام ایشان قابل تقدیر است.

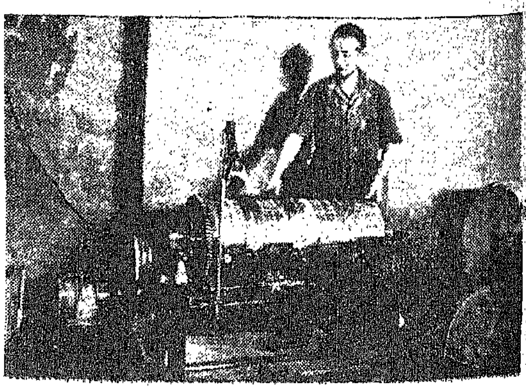
قبل از شروع بچاپ مقدمات ریختن صفحه و عکس برداری و تراش و اره و حکاکی در این ماشین‌ها انجام میشود



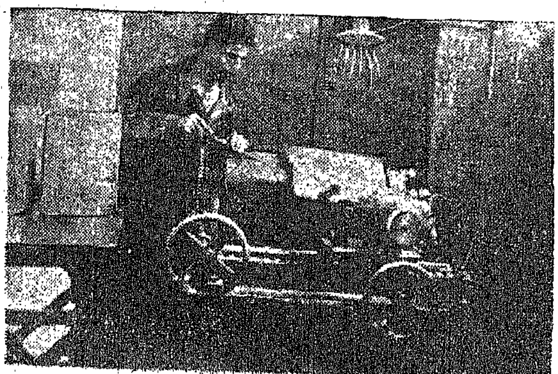
در اینجا آقای لتاج مشغول برداشتن عکس از صفحه روزنامه میباشند



در اینجا آقای حسن جلیلوند متصدی شعبه روتاتیو مشغول ریختن پلاک و صفحه روزنامه می باشند



در اینجا صفحه را زیر ماشین اره میکنند آقای مطلب مشغول است



در اینجا صفحه را حکاکی میکنند و ارآمدگی سرب را میگیرند آقای رفعتی مشغول اینکار میباشد

آقای پاینده متخصص [illegible]





آقای [illegible] کارمند



آقای [illegible] مدیر [illegible]



آقای [illegible]

دستگاه [illegible] روزنامه



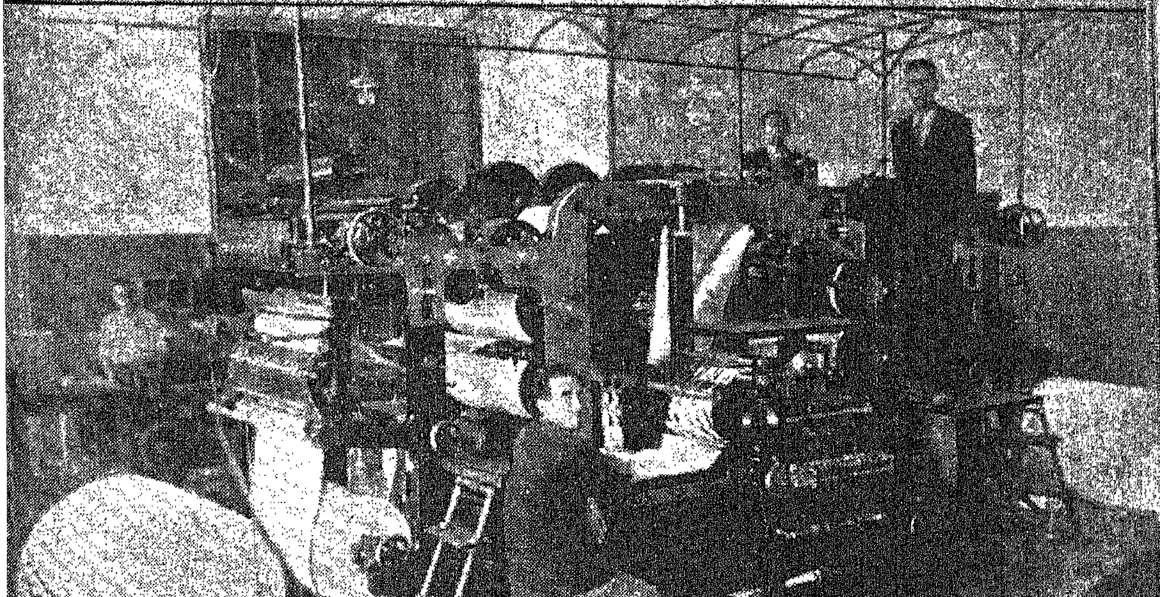
آقای فرصت کا[illegible]





با این ماشین صفحات روزنامه [illegible] تراشی میشود

روتاتیو هنگام چاپ روزنامه از قسمت جلو





این کامیون هر روز عصر بخش شهرستانهارا براه‌آهن ومراکز حمل و نقل میرساند و هر روز صبح کاغذ مصرف اطلاعات را بسالون رتاتیو نقل میکند.
آقای محمد اسمیلی متصدی این قسمت است.



قبل از سرسرای اداره این دفتر کوچك بتصدی آقای غفاری روزنامه‌ها ومجلات وکلیه نشریات گذشته اداره‌را دراختیار داوطلبان میگذارد


آقایان مظفری و معنوی که تصحیح
اطلاعات هفتگی را بعهده دارند
آقای مژده بخش رئیس شعبه حروفچینی
اطلاعات هفتگی - اطلاعات ماهانه
حروفچینی اطلاعات
هفتگی
آقای چهره‌نما
آقای عادل
آقای سلیقه
آقای
حاج اراکی
آقای اسدالله
آقای نصرت بخت
آقای تراب


آقای ابراهیمی
آقای صدری
آقای جعفری



در شعبه حروفچینی لاتین و شعبه صحافی عکس چند نفر از مبتدیان که برای فرا گرفتن فن

صحافی و حروفچینی بکارآموزی مشغول میباشند نیز دیده میشود.

نمایندگان وخبرنگاران اطلاعات درشهرستانها

نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها از روی کمال علاقه و صمیمیت با ما همکاری میکنند مردمان شریف ومحترم و فرهنگ دوست و میهن پرست در همه جا نمایندگی اطلاعات را قبول فرموده وبا طیب خاطر در پیشرفت روزنامه باما کمک ومساعدت میفرمایند . تاریخچه تأسیس نمایندگی های ما مفصل است دربسیاری ازشهرها تشکیلات وسیعی داریم بیشتر ازنمایندگیهای ما دارای عضو وموزعین چرخ سوارو روزنامه فروش هستند و بمحض اینکه روزنامه به آنها میرسد ساعتی بعد بدست مشترکین میرسد ودرتمام شهر برای فروش دردسترس مردم قرارمیگیرد .

نمایندگان ما درهمه جا دارای موقعیت ومقام شایستهٔ احترامی هستند وما ازاین حیث کمال خوشوقتی را داریم واحساسات پاک میهن پرستانه ومعارف پرورانه همهٔ آقایان نمایندگان وخبرنگاران خودرا قدردانی وستایش میکنیم

دردوصفحه بعد با نمایندگان ما آشنامیشوید ودراینجا نام نمایندگان وخبرنگاران شهرستان ها بترتیب حروف تهجی از روی نام شهرطبع میگردد وروی عکسها شماره گزاری شده است :
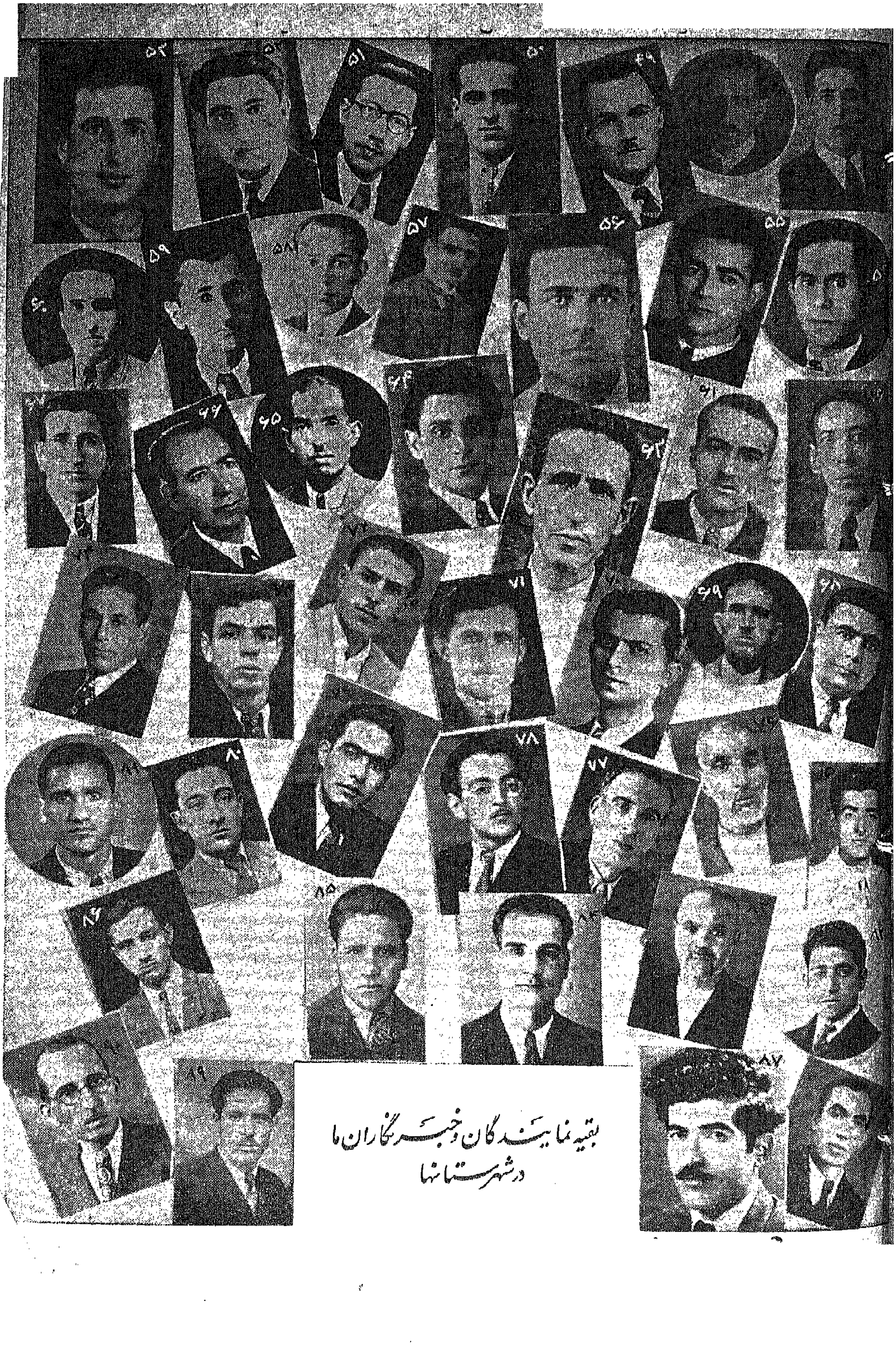
۱ - اصفهان : آقای جلال ناصری ۲- اهواز : آقای سیدمحمد رضا منصوری ۳- اندیمشک : آقای عبدالله جهدی ۴ - اراک : آقای ابوالحسن آخوندزاده ۵- ابهر . آقای علیمحمد مقیمی ۶- آمل : آقای یوسف پیرزاد ۷- اردبیل : آقای عزاز صابر ۸- اشترنیان : آقای روح الله شمالی ۹- اهر : آقای یوسف خدادادی ۱۰ - الیگودرز : آقای محمود حجتی ۱۱- آغاجاری . آقای رسول ترکی زاده ۱۲- بندرپهلوی . آقای حیدر سعیدی اقبال ۱۳- بروجرد آقای ابوالمجد دزالی ۱۴- بوشهر . آقای یوسف ساعی ۱۵ - بیرجند آقای علی اکبر زردست ۱۶- بهبهان: آقای حاج بابالدلی ۱۷ - بیجار . آقای رحمت الله فریدونی ۱۸ - بندرعباس :آقای غلامرضا فیوض ۱۹ - بندر شاهپور . آقای احمد ایل بیگی ۲۰ - بوکان : آقای ابراهیم مرادی ۲۱ - بم . آقای کاظم ایران نژاد ۲۲ - برازجان : آقای اکبر آتش فراز ۲۳- بهشهر: آقای قدرلی ۲۴- بندرشاه. آقای مصطفی محمدیان ۲۵- بندرمعشور. آقای علی ارگپور ۲۶- بندرگز: آقای صادق صداقت کیش ۲۷- تربت جام: آقای هاشم انادری ۲۸- تبریز: آقای اسمعیل واعظ پور ۲۹- تویسرکان: آقای علی اصغر سلیم زاده ۳۰- جهرم : آقای محمدحسن صراف پور ۳۱- چالوس آقای میرعظیم عظیمی. ۳۲- خاش: آقای مظفر لوکلی ۳۳- خرم آباد. آقای محمد یوسف توسلی ۳۴ - خوی : آقای تقی زاده ۳۵ - دامغان . آقای شریف آل داود ۳۶- دزفول. آقای محمد رضا ناجی ۳۷ دماوند : آقای جلال مدنی ۳۸ - دورود :آقای محمدعلی علی اکبری ۳۹- درگز . آقای محمود شجاع ۴۰- رشت : آقای تقی مژده ۴۱ - رفسنجان . آقای عباس جانفدائی ۴۲ - رضائیه . آقای جبار فاخری ۴۳ - زنجان : آقای شیشه چیان ۴۴ - زابل . آقای سیدمرتضی علوی ۴۵ سبزوار : آقای یحیی مهدوی ۴۶ - سنقر آقای محمد حسین اورالی ۴۷ - سراب. آقای محمود قضائی ۴۸- سقز: آقای مصطفی تیمورزاده ۴۹ شیراز: آقای سیدعلی میرزاده ۵۰ - شاهی. آقای احمد جمشیدی ۵۱ - شاهرود آقای مهدی داودی ۵۲ - شاهپور. آقای نهنیا ۵۳ شهسوار. آقای محمد رضا اوفی ۵۴ شبستر: آقای محمدرضا مؤدب ۵۵ - صحنه . آقای ابوالحسن آذری ۵۶ علمدار. آقای محمدتقی پویان ۵۷ فومن . آقای محمد حسین بهجت ۵۸ - قم . آقای علینقی جواهری ۵۹ قزوین . آقای ابراهیم قائمی ۶۰ قوچان ، آقای محمود وزیری ۶۱ کاشان : آقای عباس فرهومند ۶۲ کاشمر . آقای غلامعلی گنابادی نژاد ۶۳ گرمی . آقای سیدمحسن حسینی ۶۴ کرج . آقای محمدتقی دانش پژوه ۶۵ کرمان . آقای مهربان کیوان آذر ۶۶ کرمانشاه. آقای باقر شاکری ۶۷ کردکوی . آقای بزرگ کیاپور ۶۸ گرگان : آقای باقری ۶۹ گرمسار . آقای محمد اسدی ۷۰ لاهیجان . آقای حمزه سعادتمند ۷۱ لنگرود . آقای سیدمحمد رضا میرفطرس ۷۲ لطف آباد آقای مرتضی کاظمیان ۷۳ لار : آقای مروج ۷۴ مشهد . آقای شافقی ۷۵ مسجد سلیمان . آقای احمد ادیب پور ۷۶ میانه :آقای محمد شریعتمدار ۷۷ - مراغه آقای ابوالقاسم مهدی زاده رحیمی ۷۸ - مهاباد آقای محمد حبیبی ۷۹ میاندوآب . آقای عبدالله عبدی ۸۰ ماکو آقای علی عباسقلی زاده ۸۱ محلات . آقای عرب ۸۲ مرند . آقای ارتقائی ۸۳ ملایر . آقای حسن سپهر ۸۴ نیشابور . آقای قاسم توسلی ۸۵ نهاوند . آقای محمد علی منصوریان ۸۶ نکاء . آقای عماد وزیری ۸۷ نوشهر . آقای محمد قاسمی ۸۸ همدان . آقای محمد علی ملک ۸۹ هشتگرد . آقای مصطفی مصطفوی ۹۰ یزد . آقای مهدی فرزانه

☆☆☆

متأسفانه از ۳۷ نقطه از نقاط کشور عکس نمایندگان محترم اداره درموقع تنظیم صفحات سازمان دردست نبودکه بترتیب عبارتند ازآباده ،آبادان ، اصطهبانات ، ازنا ، بابلسر ، بانه ، بابل ، بحرین،بندرلنگه،تربت حیدریه ،تکاب ، خرمشهر،خوانسار، خلخال ، رامسر، زاهدان ، سمنان، سنندج ، سیرجان ، ساری ،سردشت ، شاه آباد غرب ، شادگان ، شوشتر ، صومعه‌سرا ، فریمان ، فیروزکوه ، قصرشیرین ، قیدار ، کازرون ،گناباد ،گلپایگان ، کامیاران ، مشکین شهر ، مریوان ، ورامین ، نقده که بعدها عکس نمایندگان مزبور دریکی ازنشریات بنظرخوانندگان گرامی خواهد رسید .



با نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها
آشنا شوید



بقیه نمایندگان و خبرنگاران ما
در شهرستانها

خبرنگاران ما در کشورهای خارجه



آلمان

آقای دکتر داود منشی‌زاده

اداره اطلاعات بواسطه وجود دستگاههای گیرنده اخبار تلگرافی و رادیو ازلحاظ اخبار جهان نمیتواند از وجود خبرنگاران خوددرخارجه استفاده کند ولی بلحاظ فرستادن تفسیرات سیاسی وجزئیات مسائل مهم جاری و اظهار نظر های رجال عالم آقایان خبرنگاران ما در خارجه کمك شایانی بما میکنند و ما امیدواریم در آینده بتوانیم سازمان خبرنگاری خود را در خارجه بیش‌از پیش توسعه داده مورد استفاده بیشتری قرار دهیم و از وجود آقایان محترمی که با کمال مهرولطف نماینده‌گی مارا قبول فرموده اند بهره‌مند شویم.



پاریس

آقای دکتر علی‌اصغر حریری



لندن

آقای عبدالحسین چوبین



بالتیمور

آقای دکتر ایزد



کراچی

آقای ممتاز احمدخان



انگلستان

آقای احمد مینائی‌پور



هولیوود

آقای احمد ابریشمی



سوئیس

آقای خیرالله آجری



بمبئی

آقای اردشیر خدارحم



بغداد

آقای عباس دشتیان

بخش سوم- سازمان فنی

شرکت سهامی چاپ

در تاریخ پنجم شهریور ۱۳۱۴ بتقاضا ودعوت آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات یکعده از بازرگانان و محترمین بتشویق آقای نیك پور رئیس اطاق بازرگانی و آقایان علی وکیلی - یمین اسفندیاری - احمد اخوان - خسروشاهی - کورس - حسین چاپچی - میر اسدالله غفاری و مرحوم علی قیصریه و جمعی دیگر جلسه ای در منزل آقای احمد اخوان تشکیل دادند ودر آن جلسه پایه شرکت سهامی چاپ باسرمایه یکصدهزار تومان ریخته شد و موافقت گردید که مطبعه کوچك اطلاعات تقویم شده و بجای سهام آقای مسعودی بشرکت واگذار شود بلافاصله شرکت بخرید زمین در اراضی سنگلج و ساختمان مبادرت ورزید ودرسال دوم چون سرمایه کافی نبود یکصد هزار تومان دیگر بسرمایه شرکت افزوده شد که دانشگاه تهران سهم قابلی از آن بر داشت که اکنون از شرکای بزرك شرکت سهامی چاپ میباشد در سال ۱۳۲٤ بمناسبت نیازمندی به ماشین آلات جدید ودستگاه های تازه سرمایه شرکت اضافه و بالغ بر پانصد هزار تومان گردید.

اولین رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت شادروان مرحوم عبدالله یاسائی بود که در گذاردن بنای شرکت وساختمان عمارت بزرك فعلی کوشش و اهتمام شایان نمود و در اینجا بروح پرفتوح آن فقید سیددرود میفرستیم.

سایر آقایان هیئت مدیره‌ای که بتدریج انتخاب گردیده وهریك سالها قبول زحمت شرکت را نمودند از اینقرار میباشند:

آقای احمداخوان، آقای دکتر عبدالحمید زنگنه، آقای حاج حسن بنکدار، آقای ناصر عطائی، آقای کاشانیان، آقای جواد مسعودی، مرحوم قیصریه، آقای عبدالله قاسمیان، آقای حاج یوسفعلی شهمیرزادی، آقای محمود امینیان.

یکعده عناصر شریف و معارف‌دوست روز اول تاسیس شرکت باعلو طبع و همت بلند خود بمنظور کمك بیك روزنامه ملی حاضرشدند سرمایه های خود را در شرکت چاپ بریزند بدون اینکه توقع سودی داشته باشندچه بسیار از این آقایان در آنروز که سهم برمیداشتند تصور زیان وخسارت و از بین رفتن سرمایه را مینمودند و با وجود این توهم حاضر بهمکاری با اطلاعات شدند.

ما برای تقدیم عرض تشکروقدردانی اسامی آقایان شرکای اولیه خودرا درزیر چاپ مینمائیم:

۱-مرحوم عبدالله قیصریه ۲-آقای احمد اخوان ۳- آقای علی وکیلی ٤- آقای بوداغیانس ٥- آقای حسن کاشانیان ٦-آقای خسروشاهی ۷-آقای کورس ۸-آقای حسن چاپچیان ۹-آقای رحیم زاده بلور فروشان ۱۰ - آقای عباس مسعودی ۱۱-آقای حسن مسعودی ۱۲ - آقای هاشم ضیافت ۱۳-آقای حاج محمد اسمعیل فرشچی ۱٤-آقای یمین اسفندیاری ۱٥-آقای میر اسدالله غفاری ۱٦-آقای حاج محسن ایلکچی ۱۷ - آقای حاج میرزا عبدالله فتوره چی ۱۸-آقای یوسفعلی شهمیرزادی ۱۹-آقای حاج محمدتقی معتمدی ۲۰-آقای محمدعلی نصرتیان ۲۱-آقای حاج میرزا حسین کوشانپور ۲۲ - آقای علیزاده کاغذ چی ۲۳ آقای حاج علینقی کاشانچی ۲٤-آقای حسن صیرفی ۲٥ - آقای حاج محمدرضا ضاد قمی ۲٦- آقای حاج آقا جلال ۲۷-آقای کاشف ۲۸- آقای محمد پنبه چی ۲۹- برادران مارتین ۳۰- مهدی ارباب ۳۱-آقای کلشنی ۳۲-آقای خداداد سیروس ۳۳-آقای حاج میرزا حسن بنکدار ۳٤- آقای عبدالله یاسائی ۳٥-آقای باقر نیك انجام ۳٦-آقای خلیل شیرازی ۳۷-آقای سیدمحمود لاجوردی ۳۸- آقای غلامرضا مهاجر اسکوئی ۳۹- آقای حسین تراب نیا ٤۰- آقای بهبهانی ٤۱- آقای خامنه‌ای ٤۲- آقای جعفر دوامی ٤۳- آقای طاهباز ٤٤ - آقای حاج محمدحسین یزدی ٤٥- آقای یحیی محسن پور ٤٦- آقای حاج محمدحسین نیك زاد ٤۷- آقای زین العابدین دولو ٤۸ - آقای علی اکبر معلوجی ٤۹ -آقای نیکپور

۵۰- آقای جعفر فزولی ۵۱ - آقای عبدالله قاسمیان ۵۲- آقای حاج میرزا علینقی کاشانی ۵۳- آقای محمدعلی مسعودی ۵۴- آقای جواد مسعودی

خیلی از آقایان نامبرده بالا تاامروز نیز ازشرکای وفادار شرکت سهامی چاپ میباشند که علاقه خود را با ما قطع نکردند و البته بعضی از آقایان سهام خودرا بعد فروختند که بدست اشخاص دیگری منتقل گردید و چون سهام بی نام است دردست عده زیادی از بازرگانان ومحترمین واشخاص متفرقه سهام شرکت دیده میشود .

خوشبختانه شرکت سهامی چاپ با مساعدت های مخصوص مؤسسه اطلاعات توانست تدریجا بتوسعه وترقی شعب فنی خود بپردازد واکنون مفتخر است بعرض عموم برساند که شرکت سهامی چاپ روی علاقه و کوشش های آقای عباس مسعودی وروح صداقت ودرستی ایشان یکی ازمحکمترین شرکت هائی است که در سالهای اخیر تشکیل گردیده و اصول صحیحی را نسبت برفاه حال کارگران پیش گرفته است که شمهٔ از آنرا ذکر مینماید :

۱- کلیه کارگران شرکت درنزد شرکت بیمه ایران بیمه شده‌اند و بمحض اینکه احساس درد و یا خستگی و یا مرضی که ناشی ازکار باشد بنمایند فوری برای معالجه واخذ دستور وداروی مجانی بشرکت بیمه ایران معرفی میشوند .

۲- شرکت دارای طبیب موظفی است که امراض غیر ناشی ازکار کارگران و زن وفرزندان ایشان را معالجه مینماید .

۳- داروی مجانی ازطرف شرکت بکارگرانیکه مریض شده و مرض آنها ناشی ازکارنباشدداده میشود.

۴- در هرسال کلیه کارگران موظفند از ده روز مرخصی بااستفاده ازحقوق استفاده نمایند .

۵- کمکهائی ازحیث خرید ارزاق از قبیل برنج و روغن وتقسیم آن بقدر احتیاج هرکارگر بین ایشان و اخذ قیمت آن باقساط ازطرف شرکت درهرسال بعمل می‌آید .

۶- هزینه‌های غیر مترقبه ازقبیل عروسی یا فوت یکی از اقربای درجه اول کارگر که کفیل خرج آن شخص می باشد وهزینه اولادکارگررا شرکت علاوه برحقوق کارگرمیپردازد .

۷- برای حفظ صحت وسلامتی وتندرستی کارگران اقدامات لازم ازقبیل درنظر گرفتن اطاقهای روبه‌آفتاب وتهیه وسایل تهویه هوا درسالنهائی که کارگران کارمی کنند، شده‌است و درساعت ده صبح بهرکارگر یك گیلاس شیر داده میشود .

۸- ده درصد ازسود ویژه شرکت در هرسال بین کارگران تقسیم میشود بااین حال سهام شرکت سهامی چاپ از قیمت اسمی خود در بازار اضافه تر خرید وفروش میشود زیرا ارزش دارائی شرکت بیش ازاصل سرمایه آن بوده مضافا براینکه سود بالنسبه قابلی‌هم بشرکای خود میرساند .

☆☆☆

موضوع دیگری را که باید در اینجا یادآوری نمود اینست که‌برای توسعه و پیشرفت چاپ کارهای رنگین شرکت سهامی چاپ دست باقدامات وسیعی زده و برای نیل باین مقصود ماشینهای مدرنی را سفارش داده است که بتواند بمراتب بهتر از ماشین های فعلی کارهای رنگین را انجام دهد قسمتی از این ماشین ها بتهران وارد وبقیه در راه است که امید میرود شرکت باسازمان چاپ رنگین خود در آینده نزدیکی بتواند کمك شایانی از لحاظ تهیه مجلات مصور رنگین وآتکیت های بازرگانی که مورد لزوم ومصرف کالاهای ایرانی است بنماید

☆☆☆

درصفحه بعد عکس چند نفر از آقایان اعضای هیئت های مدیره شرکت سهامی چاپ را ملاحظه میفرمائید وازاینکه موفق بچاپ عکس سایر آقایان نشدیم پوزش میطلبیم زیرا در موقع تنظیم صفحات عکس آنان دردسترس ما قرارنگرفت .

چند نفر از اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی چاپ



آقای دکتر زنگنه



شادروان آقای یاسائی اولین رئیس هیئت
مدیره شرکت سهامی چاپ



آقای جواد مسعودی



آقای شمشیرزادی



آقای نصرتیان



آقای اخوان



آقای قاسمیان



مرحوم قیصریه



آقای عطائی



آقای بنکدار

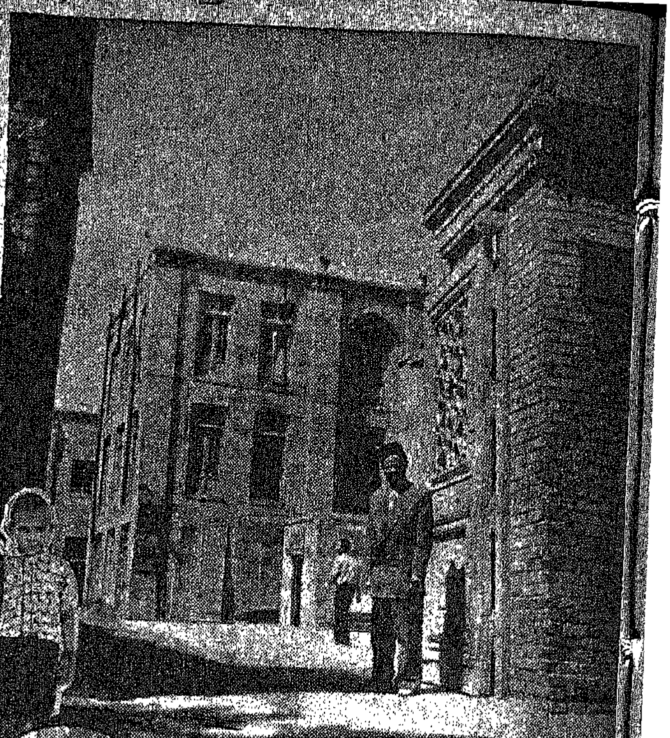


آقای اسپیان


آقای مصطفی فرزانه مدیرعامل
و کارمندان دفتری شرکت سهامی چاپ
آقای نوری مدیر سفارشات
آقای زرهی صندوقدار
آقای پروین رئیس حسابداری
آقای نوابی متخصص فنی
آقای بیات
آقای فولادی
آقای محبوبی

علاوه بر سیف چندان دیگر نگاهداری عمارت و سرایداری و نظافت بنگاه اشتغال دارند که این ها هر کدام عائله‌ای در این اداره تشکیل داده و منزل و مسکن دارند.

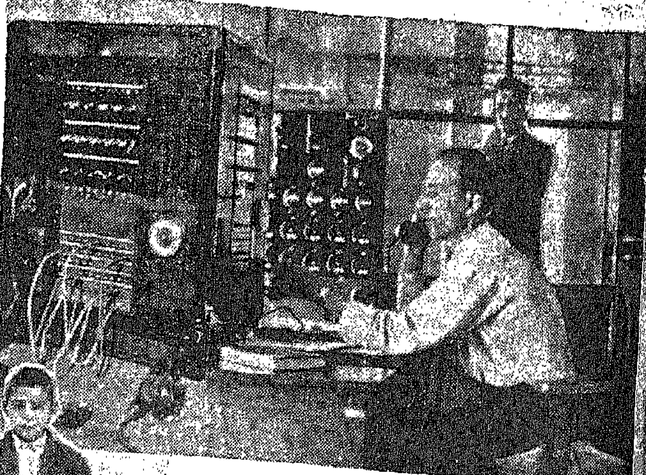






وقتی از در بزرگ شرکت وارد میشوید این شخص آقای سیف صادقی که از روز تأسیس بنا تاکنون به نگاهبانی عمارت اشتغال دارد جلب توجه می نماید.

اداره اطلاعات دارای یکدستگاه مرکزی تلفن میباشد که از این دستگاه سی رشته تلفن باطاق ها و شعب مختلف کشیده شده است و سه رشته سیم خارجی دارد که شماره های آن از اینقرار است: ۵۵۷۹-۳۶۲۳-۳۶۷۷ تمام ادار و شعب مختلف روزنامه و شرکت بوسیله این دستگاه مرکز با هم ارتباط دارند و میتوانند باخارج نیز صحبت کنن متصدی و مسئول این دستگاه آقای ابراهیم میرشکار آقای کنعانی میباشند.





در طرف راست آقای حسین علی تاجیک و در طرف چپ آقای باقر صادقی با اطفالش و در وسط صفحه آقای حسن گندمی سرایداران اداره دیده میشوند



شعبه گراور سازی



خوانندگان گرامی با آثار گرانبهای آقای اکبر تجویدی در اطلاعات ماهانه بخوبی آشنائی دارند در بالا عکس ایشان هنگام نقاشی دیده میشود.



شعبه گراور سازی این اداره تحت ریاست وسرپرستی استاد هنرمند آقای حبیب الله ژانبچ خواه اداره میشود ، ایشان توانسته اند ترقیات بزرگی در این صنعت بوجود آورند ، بطوریکه اکنون گراور سازی شرکت سهامی‌چاپ درتهران از حیث ظرافت و زیبائی و سرعت و هنرمندی نظیر ندارد بخصوص کارهای رنگی این شعبه مورد توجه عموم‌قرار گرفته‌است پشت جلدهای اطلاعات ماهانه نمونه هنر این شعبه است که تا چندی قبل بسیاری تصور مینمودند که در خارج‌از ایران بچاپ‌میرسد . سازمان این‌شعبه‌راازروی‌عکس میتوانید ملاحظه کنید.



آقای جواد هاتف نقاش‌دیگر شرکت سهامی چاپ هنگام‌کار مشاهده میشوند .

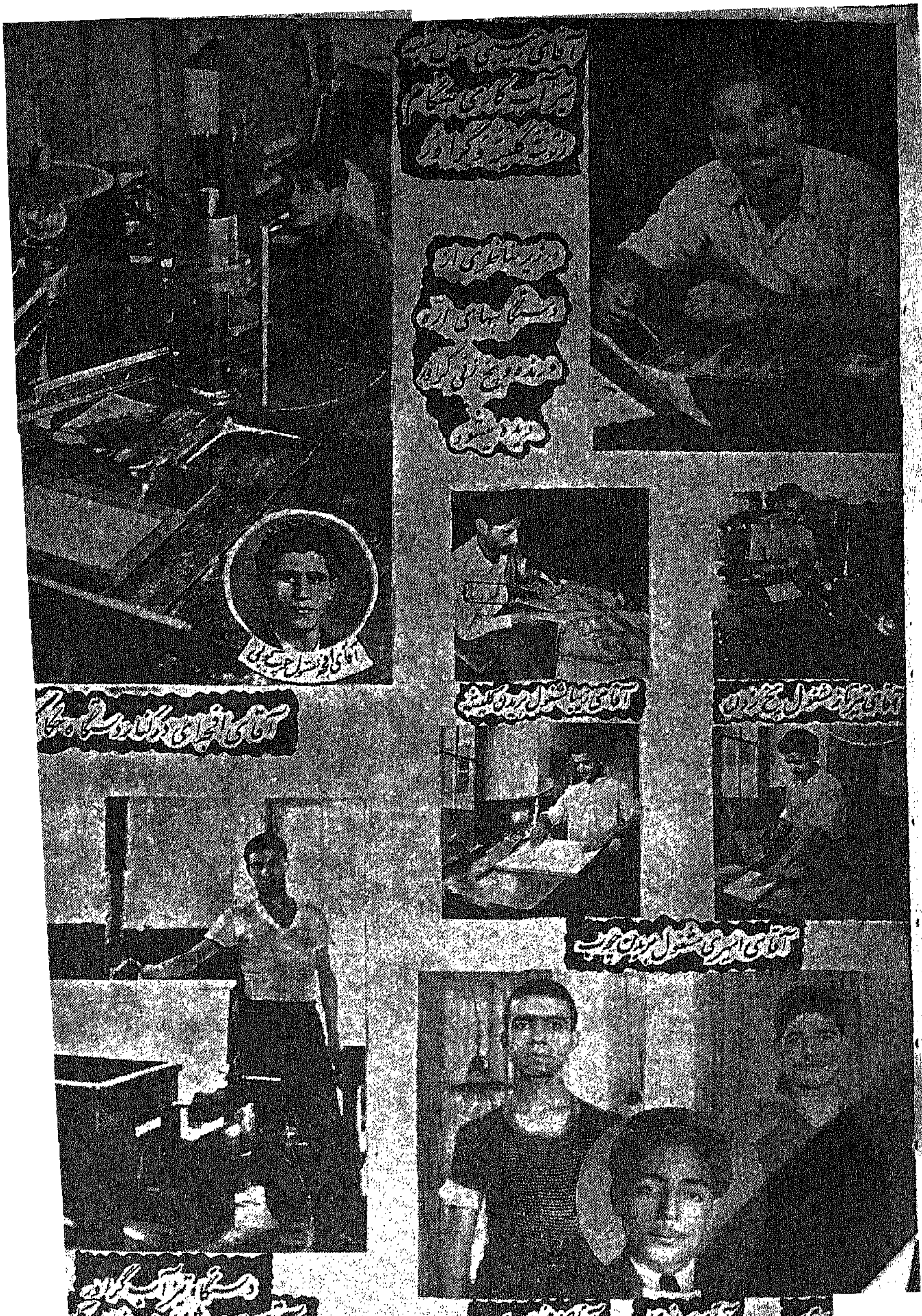


آقای جواد بهرامی یکی دیگر از نقاشان شرکت سهامی چاپ میباشندکه‌اداره دفتری‌گراور سازی‌را هم اداره‌مینمایند.



آقای‌تیمور رشدی از هنرمندان باذوق میباشند که همواره صمیمانه با مؤسسه اطلاعات همکاری کرده و میکنند


میزان کردن عکس
درحال گرفتن عکس
درحال کپی
ماشین رنگ بری
درحال ظاهر کردن شیشه
آقای کیانی
مناظری از دستگاههای مختلف گراورسازی و کارمندان آن



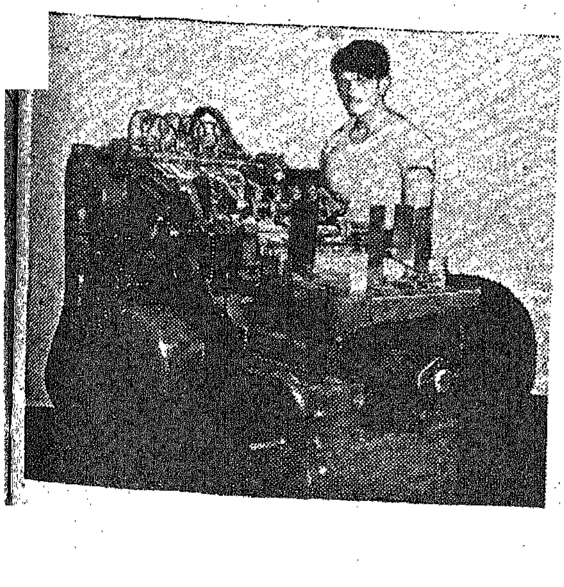

شعبه فرم بندی و کتاب چینی
آقای مولائی
آقای نایب مسئول شعبه
آقای شیرازی
آقای شهسواری
آقای عبداللهی
آقای محمدی
آقای عبداللهی
آقای امیری
آقای شقاقی
آقای طاهری
آقای رفع
آقای سید جعفری
آقای فرهمندی
آقای شجاعی

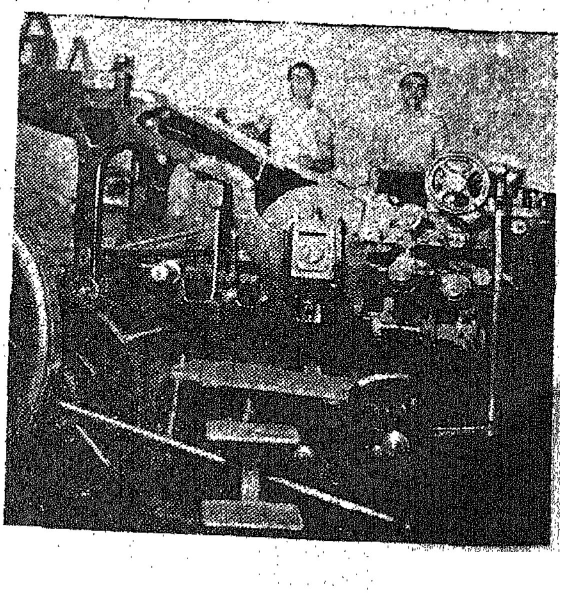
شعبه ماشینخانه
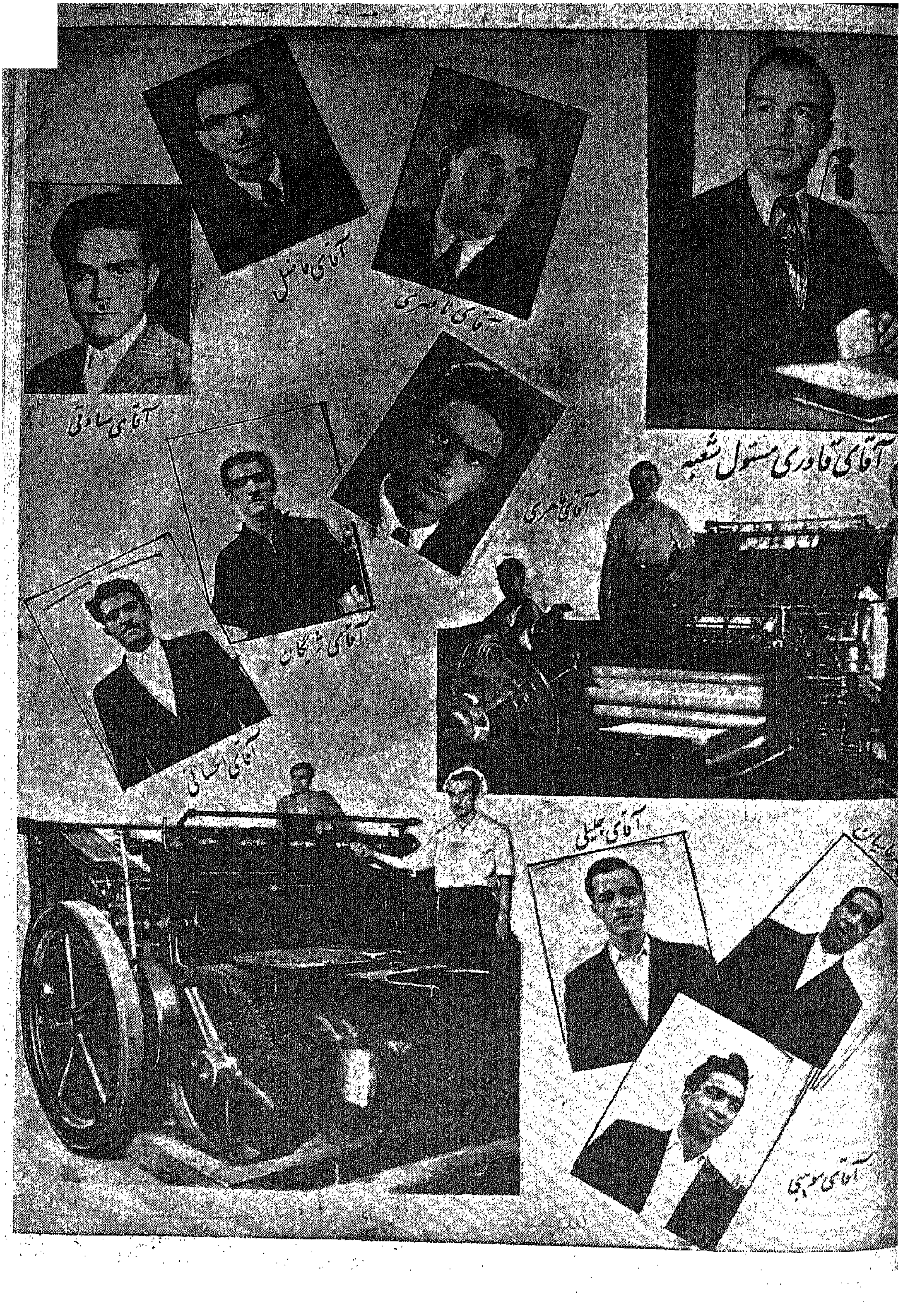
شرکت سهامی چاپ مجهز باقسام مختلف ماشین های جدید طبع میباشد.
در این مؤسسه ماشین های طبع خودکار ، نیمه خود کار ، وجود دارد.
کارهای رنگی مؤسسه شرکت سهامی چاپ بسیار زیبا ومورد پسند وتوجه قرار میگیرد.
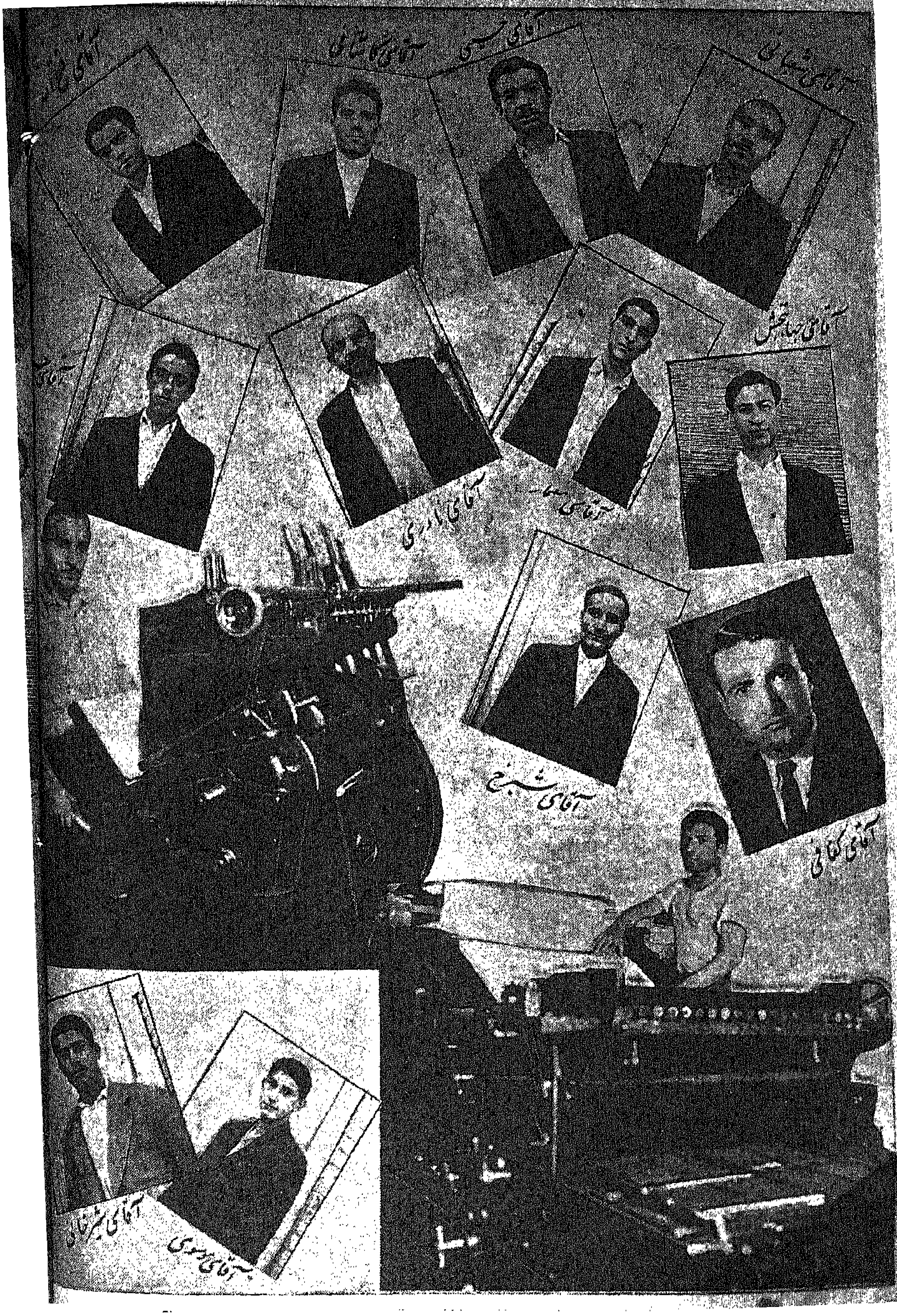


آقای آروید کریستانس نروژی متخصص کارهای رنگی چاپخانه میباشند که از سال ۱۳۲۷ در استخدام این اداره قرار گرفته اند . در اینجا عکس بعضی از ماشین‌ها وکارکنان فنی ماشینخانه‌را ملاحظه‌میکنید






آقای فاضل
آقای ناصری
آقای صادقی
آقای قادری مسئول شعبه
آقای طاهری
آقای جلیلی


آقای حسینی



شعبه صحافی
هنگام صحافی مجلات
آقای حسین عابدینی
آقای حسن رمضانی



بخش روزنامه و مجله در تهران



در طرف راست آقای حاج محمد عطارزاده مدیر توزیع جراید دیده میشوند که سالهاست با کمال علاقمندی این خدمت مطبوعاتی را انجام میدهند - در طرف چپ آقای حسن خلج رئیس قسمت پخش اطلاعات در محل کار خود دیده میشود ایشان وظیفه بس مشکلی را انجام میدهند زیرا در فاصله چند دقیقه چندین هزار نسخه روزنامه شماره کرده را طبق تقاضا و احتیاجات هریک از روزنامه فروش ها با سرعت هرچه تمامتر توزیع مینماید بدون اینکه اختلاف حسابی باهیچ یک از روزنامه فروشها پیدا کند





در این صفحه عکسهائی از روزنامه فروشان هنگام دریافت روزنامه و خروج از اداره و دو منظره از جایگاه های فروش که در تمام مراکز عمده شهر قطع آنها برای فروش نشریات اطلاعات تاسیس شده دیده میشود همچنین عکس جمعی از روزنامه فروشان قدیمی که سالهاست بمطبوعات خدمت میکنند درزیر و در صفحه مقابل چاپ شده است و اینکه عکس بقیه روزنامه فروشان هنگام تنظیم این صفحات در دسترس ما نبود متاسف بوده و خود را موظف میدانیم که از زحمات کلیه آقایان روزنامه فروشان در اینجا تقدیر نمائیم:



روزنامه فروشان هنگام خروج از اداره

یک عده از قدیمی ترین روزنامه فروشان





بیست و پنج سال تاریخ

در یك جلد کتاب

این مجموعه بهترین یادگاری است که از مؤسسهٔ اطلاعات تقدیم خوانندگان عزیز میشود وقایع مهم کشور ایران درمدت بیست‌وپنج سال که شانزده سال آن مقارن با سلطنت اعلیحضرت رضا شاه فقید بوده در این مجموعه جای داده شده است بعلاوه مطالب جالب و مهم بمناسبت وقایع ، بخصوص در زمان شاه فقید که در جراید ایران منعکس نگردیده درخلال سطور این کتاب جلب توجه خوانندگان محترم را مینماید.

کارمندان اطلاعات با مسرت کامل این مجموعهٔ نفیس را بخوانندگان گرامی اطلاعات تقدیم میدارند.

این مجموعه برای مؤسسهٔ اطلاعات بقیمت گزافی تهیه شده لکن بقیمت ده ریال که از نصف بهای کاغذ کتاب هم کمتر است در دسترس علاقمندان باطلاعات گذارده شده است.

خوانندگان شهرستانها برای بدست آوردن کتاب مستقیماً بنمایندگی های ما مراجعه فرمایند و بدیهی است حق تقدم خرید بامشترکین و خریداران دائم روزنامه اطلاعات یا یکی ازنشریات این مؤسسه خواهد بود.

شرکت سهامی چاپ